



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه قرآن و حدیث

تایخ حدیث شیعه

در سده های چهارم تا هفتم هجری



مهدی احمدی - محمد کاظم رحمتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پژوهشکده علوم و معارف حدیث: ۲۰۷

مجموعه تاریخ حدیث شیعه: ۲

احمدی، مهدی، ۱۳۴۴ -

تاریخ حدیث شیعه در سده های چهارم تا هفتم هجری / مهدی احمدی و محمداکرم رحمتی، — قم: دارالحدیث، ۱۳۸۸.

۵۵۴ص — پژوهشکده علوم و معارف حدیث: ۲۰۷ / مجموعه تاریخ حدیث شیعه: ۲
ISBN: 978 - 964 - 493 - 491 - 9

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۴۰۲-۴۱۸ و ۵۳۱-۵۴۰: همچنین به صورت زیر نویس.

۱. حدیث - تاریخ الف رحمتی، محمداکرم، ۱۳۵۵ - ، نویسنده همکار. ب. عنوان

۲۹/۲

۱۳۸۸ ت ۳ الف / ۱۰۶/۵ BP

فهرست نویسی پیش از انتشار، در کتابخانه تخصصی حدیث/قم.

تاریخ حدیث شیعه

در سده‌های چهارم تا هفتم هجری



مهدی احمدی و محمّد کاظم رحمتی



تاریخ حدیث شیعہ در سده‌های چهارم تا هفتم هجری

مجموعهٔ «تاریخ حدیث شیعہ»: ۲

مهدی احمدی و محمد کاظم رحمتی

سرپرستار: محمد باقی خاکی

ویراستار: مرتضیٰ پیرای غشتی دی، محمد باقری زاده اشعری

نمونه‌خوان: علینقی نگران، مهدی جوهرچی، محمود سیاسی، مصطفیٰ اوجی

صفحه‌آرا: سید علی موسوی کیا، مهدی غوثی‌روشنار

حروفین: حسین افخمیان، علی اکبری

ناشر: مؤسسه انتشاراتی دارالحدیث

چاپ: اول / ۱۳۸۹

چاپخانه: هنر فنی ایران

شماره‌کلن: ۵۰



دفتر مرکزی: قم، میدان شهید خلیلیان معلم، پلاک ۱۲۵ تلفن: ۰۲۵۱ ۷۷۴-۵۲۴ / فاکس: ۰۲۵۱ ۷۷۴-۵۷۱ / ص. پ. ۴۴۶۸ / ۳۷۱۸۵

نمایشگاه دائمی علوم حدیث (قم، خیابان معلم): ۰۲۵۱ ۷۷۴-۵۲۵ / فروشگاه شماره ۲۵ (شهر ری، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام)

صحن کاشانی: ۵۵۹۵۲۸۶۲

فروشگاه شماره ۳۵ (شهید مقدس، چهارراه شهدا، ضلع شمالی باغ نادری، مجتمع فرهنگی تجاری گنجینه کتاب، طبقه همکف):

۰۵۱۱ ۲۲۲-۰۶۴۲-۳

فروشگاه شماره ۴۵ (شهید مقدس، میدان تختی، خلیلیان شهید اسدالله زاده، نرسیده به چهارراه پل خاکی، سمت چپ ساختمان کوثر، طبقه:)

۲۲۲۱۴۲۴

<http://darolhadith.ir>

darolhadith.20@gmail.com

<http://shop.darolhadith.ir>

ISBN: 978 - 964 - 493 - 491 - 9

• کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است •

سخنی با خواننده

حدیث، در طول حیات خویش، از بدو ظهور تا کنون، فراز و نشیب‌های بسیاری به خود دیده است. شناخت این مسیر و ویژگی‌های آن را «تاریخ حدیث» بر عهده دارد - که رشته‌ای واسطه میان دو دانش حدیث‌شناسی و تاریخ است - . چگونگی ظهور حدیث، برخورد صحابهٔ پیامبر ﷺ و امامان اهل بیت علیهم السلام با آن و نیز شیوه‌های برخورد عالمان بزرگ با این منبع مهم و اصلی شریعت، از مباحث مهم تاریخ حدیث به شمار می‌آید.

مطالعهٔ تاریخ حدیث، شرط لازم برای تحقیق روشمند در حوزه‌های مختلف علوم حدیث است؛ چرا که به هر حال، حدیث، پدیده‌ای تاریخی است که نمی‌توان آن را بدون در نظر گرفتن مسیر تاریخی‌اش، به درستی بررسی کرد. قطعاً مطالعه در سند حدیث یا متن آن و یا هر موضوع دیگر مرتبط با آن، به صورت موردی و بدون توجه به همه یا بخش‌هایی از تاریخ حدیث، تنها مطالعه‌ای ذهنی و انتزاعی خواهد بود و در موارد بسیاری، بیم آن وجود دارد که نتیجهٔ این گونه مطالعات، به دور از واقعیت باشد.

از سوی دیگر، حدیث، به عنوان پدیده‌ای تاریخی، مورد هجوم شبهات تاریخی نیز قرار گرفته است؛ شبهاتی که نمی‌توان آنها را بدون مطالعهٔ تاریخ حدیث، پاسخ گفت.

به علاوه، اتصال حدیث به عصر پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام و در امان ماندن آن از دستان تحریف‌گر پیدا و پنهان را باید با مطالعات تاریخی به اثبات رساند و بدین گونه، پشتوانهٔ علمی حدیث را شناخت و شناساند.

با توجه به این مجموعه ضرورت‌ها، گروه تاریخ حدیث «پژوهشکدهٔ علوم و

معارف حدیث»، بر آن شد تا مطالعه جامعی را در این موضوع، به انجام رسانند. بر این اساس، مجموعه «تاریخ حدیث شیعه» (از قرن نخست هجری تا عصر حاضر) پی‌ریزی گردید.

در این مجموعه، به ترتیب تاریخی، اطلاعات مربوط به حدیث شیعه را گرد آورده‌ایم. مباحثی که در هر دوره مورد بحث (یا در هر یک از مقالات) مورد توجه بوده‌اند، عبارت‌اند از: شرایط اجتماعی - فرهنگی، حوزه‌های علمی - جغرافیایی، عالمان حدیث پژوه، زمینه‌های فعالیت‌های حدیثی، گونه‌های نگارش‌های حدیثی، علوم حدیث، اجازات و مشایخ اجازه. معرفی مهم‌ترین فعالیت‌های حدیثی هر عصر نیز از دیگر اطلاعات موجود در این مجموعه است.

عناوین مجلدات این مجموعه، به قرار زیر است:

جلد اول. تاریخ حدیث شیعه از شکل‌گیری تا پایان سده سوم هجری

جلد دوم. تاریخ حدیث شیعه در سده‌های چهارم تا هفتم هجری

جلد سوم. تاریخ حدیث شیعه در سده‌های هشتم تا یازدهم هجری

جلد چهارم. تاریخ حدیث شیعه در سده‌های دوازدهم و سیزدهم هجری

جلد پنجم. تاریخ حدیث شیعه از آغاز سده چهاردهم هجری تا امروز.

کتاب حاضر - که به صورت تفصیلی، تاریخ حدیث شیعه را در قرن‌های چهارم و پنجم هجری (مقاله اول) و ششم و هفتم هجری (مقاله دوم) بررسی می‌کند - در واقع، دومین مجلد از مجموعه پنج جلدی تاریخ حدیث شیعه است که سه جلد از آن (جلدهای سوم تا پنجم)، پیش از این، منتشر شده است.

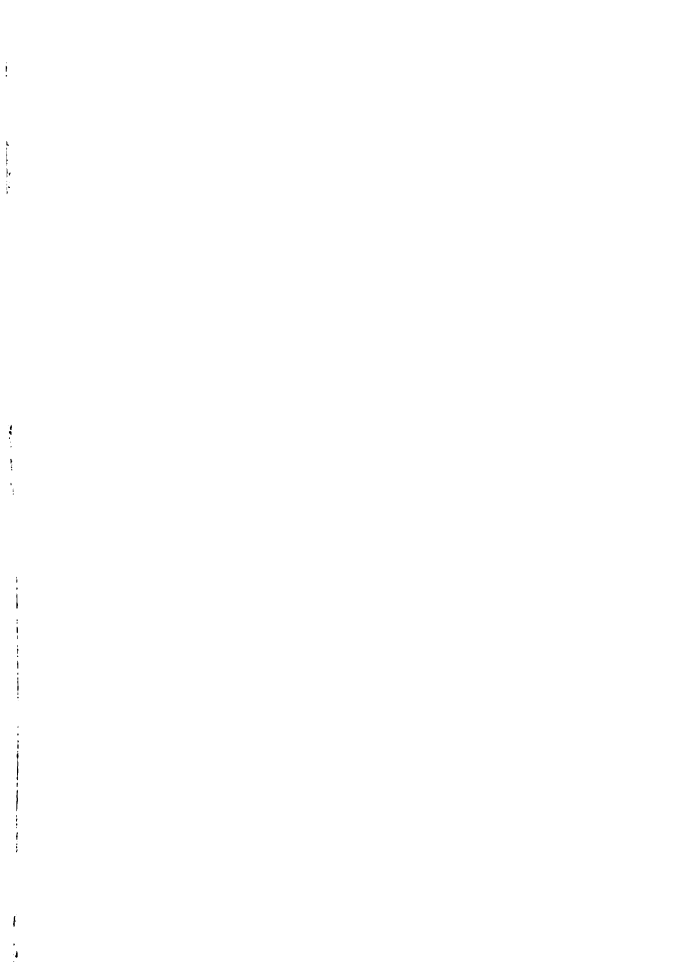
در این جا بر خود، لازم می‌دانیم که از زحمات آقایان دکتر مهدی احمدی نورآبادی و محمدکاظم رحمتی - که نگارش این جلد را به عهده داشته‌اند - کمال تشکر را به عمل آوریم.

امیدواریم که به یاری خداوند بزرگ، تنها مجلد باقی مانده از این مجموعه نیز به زودی آماده نشر گردد.

تاریخ حدیث شیعه

در سده‌های چهارم و پنجم

دکتر مهدی احمدی



فصل یکم

کلیات

اوضاع سیاسی در سده‌های چهارم و پنجم

سدهٔ چهارم، آغاز حرکت روبه افول و ضعف خلافت عباسی بود.^۱ حکومت یک‌پارچهٔ اسلامی، به حکومت‌های کوچک - و به قولی ملوک الطوائفی - تبدیل شده بود.^۲ فارس، ری، اصفهان و جبال، زیر سلطهٔ آل بویه اداره می‌شدند؛ کرمان زیر فرمان محمد بن الیاس؛ موصل و دیارات (ربیع، بکر و دیار مُضَر)، تحت فرمان آل حمدان؛ مصر و شام زیر سلطهٔ محمد بن طُغْجِ اُخْشید؛ مغرب (مراکش) و افریقیه (تونس) زیر فرمان فاطمیان؛ خراسان و ماوراء النهر زیر سلطهٔ سامانیان؛ اهواز و واسط و بصره تحت فرمان بریدی‌ها؛ یمامه و بحرین در اختیار قرامطه؛ طبرستان و جرجان زیر سلطهٔ زیاریان؛ و آندُلُس در تصرف خاندان بنی امیه.^۳

به قولی، در سال ۳۲۵ ق، خلیفهٔ عباسی، تنها بر بغداد حکمرانی می‌کرد^۴ و از آن سال، همین یک شهر نیز از سلطهٔ او خارج شد.^۵ در این دو سده؛ بویزه در سدهٔ

۱. تاریخ سنی ملوک الأرض و الأنبياء، ص ۱۵۲؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۴۳۱؛ البایة و النهایة، ج ۱۱،

ص ۲۴۰؛ التبیعة فی المیزان، ص ۱۶۷ - ۱۷۰.

۲. احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۶۸.

۳. المنتظم، ج ۶، ص ۲۸۸.

۴. همان‌جا.

۵. آل بویه نخستین سلسلهٔ قدرتمند شیعه، ص ۱۳۶.

چهارم، خلفا به صاحبان منصب امیرالامرای متکی بودند و حتی گاهی به دستور آنها نصب و عزل می‌شدند.^۱ خلیفه از قدرت واقعی محروم بود و فقط مرجعیت روحانی داشت؛^۲ اما فاطمی‌ها همین قدرت روحانی را نیز برای خلیفه بغداد، قائل نبودند.^۳ مهم‌ترین دولت‌های حاکم در سرزمین پهناور اسلامی در این دوره، عبارت بودند از: آل بویه، سامانیان، غزنویان، سلجوقیان، فاطمیان و آل حمدان.

۱. آل بویه (۳۳۴-۴۴۷ ق)

آل بویه قدرتمندترین حکومت را در سده چهارم تا اواسط سده پنجم تشکیل دادند. آنان اهل دیلم و از طایفه شیردل آوندان بودند که خاستگاهشان، ارتفاعات گیلان در جنوب دریای خزر بود.^۴ برخی، نفوذ اسلام را میان مردم دیلم در سده چهارم، به کوشش حسن بن علی علوی، معروف به ناصر اطروش (م ۳۰۴ ق) دانسته‌اند.^۵ با این حال، بر پایه برخی قرائن، اسلام، پیش از این تاریخ، وارد دیلم شده بود. دیلمیان پناهگاه مستحکمی داشتند و از سال ۱۷۵ تا ۲۵۰ ق، به تدریج، علویان گریخته از آزار و ستم عباسیان را پناه می‌دادند.^۶ حسن بن زید علوی (م ۲۷۰ ق) مذهب شیعه را در دیلمستان ترویج کرد و پایه‌های حکومت مستقل علوی را در دیلم و گیلان برپا کرد. پس از او، ناصر اطروش نیز حکومت علوی را تشکیل داد.^۷

۱. احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۷۲.

۲. البدایة و النهایة، ج ۱۱، ص ۲۴۰.

۳. فهرس التراث، ص ۳۲۳.

۴. احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۶۸.

۵. آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه، ص ۶۱-۶۲.

۶. احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۶۹-۷۰.

۷. تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۴۱۹.

برخی، مذهب حسن بن زید و ناصر أطروش را زیدی^۱ و برخی امامی گفته‌اند. نجاشی (م ۴۵۰ ق) ناصر أطروش را معتقد به امامت دانسته، برای او درخواست رحمت کرده و افزون بر این، دو کتاب با عنوان الإمامة و أنساب الأئمة و موالیدهم إلی صاحب الأمر علیه السلام به او نسبت داده است.^۲ بر پایه برخی گزارش‌ها، شیخ بهایی (م ۱۰۳۱ ق)، میرزا عبد الله افندی (م ۱۱۳۰ ق) و سید محمد باقر خوانساری (م ۱۳۱۳ ق) نیز جانب امامی بودن آن دو را گرفته‌اند.^۳

دولت آل بویه را سه برادر به نام‌های علی، حسن و احمد تشکیل دادند. خلیفه عباسی آنان را به ترتیب، «عماد الدوله»، «رکن الدوله» و «مُعزّ الدوله» لقب داد.^۴ عماد الدوله در فارس و کرمان، رکن الدوله در ری و اصفهان، و مُعزّ الدوله در بغداد، هر کدام یک دولت زیر نظر خلیفه تشکیل دادند.^۵ این سه برادر، سرانجام دولتی مستقل ایجاد کردند و یک پارچگی را به بخش‌های بسیاری از سرزمین اسلامی باز گرداندند.^۶

آل بویه گرایش شیعی داشتند؛ اگرچه قرائت آنان از تشیع، دانسته نیست. برخی قراین، می‌تواند برگرایش زیدی آنان و شماری نیز برگرایش امامی آنان گواهی دهند؛ اگرچه قرائن گونه دوم، پر شمارتر و نیز گویاتر به نظر می‌رسند. اصالت دیلمی آنان - که گویا در دیلم و شمال ایران، قرائت زیدی، غالب بود^۷ - و نیز عیادت ابو عبد الله بصری زیدی معتزلی از مُعزّ الدوله و تلقین آداب دینی

۱. همان‌جا، نیز، ر.ک: معجم البلدان، ج ۳، ص ۳۷۵؛ تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، ص ۱۸۱ - ۱۸۲؛ آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه، ص ۶۲ - ۶۳.

۲. رجال النجاشی، ص ۵۷ - ۵۸.

۳. تاریخ تنبیه در ایران، ص ۲۱۷.

۴. تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۴۳۴.

۵. همان، ج ۴، ص ۴۲۶.

۶. همان، ج ۴، ص ۴۲۰. درباره آل بویه، ر.ک: تاریخ گزیده، ص ۴۰۸ - ۴۲۵؛ تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، ص ۲۱۹ - ۲۶۲.

۷. تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، ص ۲۴۸.

به وی،^۱ می‌تواند قرینه زیدی بودن آنان به شمار آید. از دیگر سو، قرائنی حاکی از امامی بودن آنان به چشم می‌خورد که عبارت‌اند از: به کار رفتن تعبیر «روافض» درباره آل بویه^۲ و به طور خاص معز الدوله؛^۳ اتهام غلو در تشیع درباره عضد الدوله؛^۴ نگارش اسامی دوازده امام با ذکر تحیات، در کتیبه‌ای تخت جمشید به دستور عضد الدوله؛^۵ مجاز شمردن لعن معاویه و یزید بر منابر توسط معتضد الدوله؛^۶ رابطه دوستانه شیخ صدوق با رکن الدوله^۷ و ابراز ارادت حاکم بویه و وزیر او صاحب بن عباد، به امام رضا (ع)؛^۸ این سخن عبد الجلیل قزوینی که درباره صاحب بن عباد گفته است:

صاحب بن عباد در تشیع، به صفتی بوده است که کنای مفرد، تصنیف اوست در امامت دوازده امام معصوم، و اشعار و ابیات او که دلالت بر مذهب او دارد، بسیار است.^۹

۲. سامانیان (۲۷۹-۳۹۵ ق)

سامانیان نخستین سلسله ایرانی بودند که پس از اسلام، دولت مستقل تشکیل دادند. آنان بیش از یک سده، بر شرق ایران (خراسان و ماوراء النهر) حکمرانی کردند. حاکمان سامانی، خلافت عباسی را پذیرفته بودند و ارادت و دوستی خود را به گونه‌های مناسب نشان می‌دادند. با این حال، گویا آنان به نام خلیفه، خطبه

۱. احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۲۴.

۲. تاریخ گزیده، ص ۴۲۶.

۳. البداية و النهاية، ج ۱۱، ص ۲۲۴؛ شذرات لذهب، ج ۳، ص ۱۸.

۴. شذرات الذهب، ج ۳، ص ۷۸.

۵. احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۸۲.

۶. البداية و النهاية، ج ۱۱، ص ۸۷.

۷. عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۱۲.

۸. همان جا.

۹. نقض، ص ۲۱۱.

نمی‌خواندند.^۱

۳. غزنویان (۳۸۴-۵۲۰ ق)

سلاطین غزنوی، دولت سامانی را سرنگون کردند و به جای آنان، نزدیک به یک سده و نیم، بر قلمرو اسلامی حکمرانی کردند.^۲

۴. سلجوقیان (۴۲۹-۵۹۰ ق)

سلجوقیان با کنار زدن غزنویان، بیش از یک سده و نیم، حکومت کردند. آنان بر خلاف سامانیان و غزنویان، گستره حکمرانی خود را از شرق ایران، به مناطق و شهرهای دیگر گسترش دادند. گویا تنها مصر و شمال آفریقا و بلاد مغرب، در قلمرو حکومت آنان نبوده است.^۳

۵. فاطمیان (۲۹۶-۵۶۷ ق)

فاطمیان، نام دیگر اسماعیلیان است که گویا این نام را در سده چهارم و پنجم، بر خود نهادند. به موجب برخی گزارش‌ها، اسماعیلیان این نام را مطرح کردند تا در پرتو آن، نشان دهند که در خلافت، بر عباسیان اولویت دارند.^۴ فاطمیان با این پیش زمینه فکری، تلاش کردند تا عراق و ایران را از قلمرو خلافت عباسیان بیرون کنند و گویا توانستند مدتی، بر بخش‌هایی از این مناطق حکم برانند.^۵ القادر بالله خلیفه عباسی، در برابر هجوم فکری و نظامی فاطمیان، به تکفیر و نیز خدشه در نسب آنان پرداخت

۱. تجارب الأمم، ج ۶، ص ۱۵۷.

۲. تاریخ گزیده، ص ۳۸۹.

۳. الحديث و المحدثون، ص ۴۲۲؛ تاریخ تنجی در ایران، ص ۲۷۶-۲۷۷. درباره سلجوقیان، ر. ک: راحة الصدور وروایة السور در تاریخ آل سلجوق.

۴. فهرس التراث، ج ۱، ص ۳۲۲.

۵. تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۴۴۲.

و در این راستا، متنی هم منتشر کرد.^۱ دولت فاطمی، در پایان سده سوم، با حکمرانی بر مراکش پدید آمد و در سده چهارم و پنجم، به تدریج و در مقاطع زمانی کوتاه و گاه بلند، بر سرزمین‌های دیگری نیز حکم راند. بر مصر و عقیلیه (انبار، مدائن، کوفه) در آغاز سده پنجم،^۲ بر حجاز^۳ و حلب^۴ در سده چهارم، و بر موصل و واسط^۵ و بغداد، در سال ۴۵۰ ق،^۶ حکومت کرد. فاطمیان در واپسین سال‌های سده پنجم، توانستند بر بخش گسترده‌ای از مناطق مرکزی ایران و فارس و خوزستان حاکم شوند.^۷

۶. آل حمدان (۲۹۳-۳۹۲ ق)

آل حمدان، جایگاه والایی در دولت عباسی داشتند و بسیاری از مناصب بزرگ را در بغداد و بیرون از آن، به دست گرفتند. حمدان، خود، امیر قلعه ماردین بود و پسرش حسین، بر دیار ربیع و سپس بر قم و کاشان چیره شد و توانست مصر را تصرف کند. برادر او علاء، حکومت موصل را در دست داشت و پس از او، حکومت به برادر دیگرش ابو الهیجاء رسید. ابو الهیجاء که پسر ناصر الدوله و سیف الدوله بود، در سال ۳۱۷ ق، کشته شد و پس از او، ناصر الدوله حاکم موصل شد. در این زمان، سرزمین پهناور اسلامی، تکه تکه شده بود و هر تکه‌ای در دست گروهی بود. خلیفه عباسی از ترس بریدی‌ها، از بغداد گریخت و به ناصر الدوله در موصل پناه برد. ناصر الدوله سپاهی فراهم آورد و در حالی که برادرش سیف الدوله و خلیفه رانیز به همراه داشت، به سوی بغداد حرکت کرد. پیش از رسیدن ناصر الدوله به بغداد، بریدی‌ها بغداد را

۱. همان جا؛ تاریخ جهان‌گشای جوبنی، ج ۳، ص ۱۷۵-۱۷۷.

۲. تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۴۴۲.

۳. البدایة و النهایة، ج ۱۱، ص ۳۳۰.

۴. تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۴۷۰.

۵. همان، ج ۳، ص ۴۶۰-۴۶۱؛ البدایة و النهایة، ج ۱۲، ص ۷۸.

۶. تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۴۴۹؛ راحة الصدور، ص ۱۰۸؛ تاریخ گزیده، ص ۳۵۱-۳۵۴.

۷. تاریخ تنبیح در ایران، ص ۲۹۲. درباره فاطمیان، ر. ک: تاریخ جهان‌گشای جوبنی، ص ۱۴۳-۱۸۵.

ترک کردند و به واسطه گریختند. ناصر الدوله آنها را دنبال کرد و از واسطه نیز فراری داد.

ناصر الدوله پس از مستقر کردن خلیفه در بغداد، به مقام امیر‌الامرای رسید؛ ولی حمدانیان مدت چندانی این مقام را در دست نداشتند؛ چرا که اوضاع بغداد، پریشان شد و ناصر الدوله به ناچار، به موصل بازگشت تا حکمرانی خاندان خویش را بر آن منطقه، محکم گرداند. سیف الدوله نیز برای گشودن حلب حرکت کرد و در آن جا مستقر شد و سپس در سال ۳۶۵ ق، به سرزمین روم، هجوم برد و بخش‌های بسیاری از آن جا را نیز فتح کرد. سیف الدوله سرانجام در سال ۳۸۵ ق، درگذشت.^۱

آل حمدان، گرایش شیعی داشتند؛^۲ ولی قرائت آنان از تشیع، دانسته نیست. گویا آل حمدان، به گرایش زیدی شهرت دارند؛ ولی دو قرائت فاطمی و امامی نیز به آنان نسبت داده شده است. برخی در تأیید امامی بودن آنان، به دو قرینه استناد کرده‌اند: یکی مهاجرت علمای شیعه به مناطق تحت حکمرانی آل حمدان، و دیگری شعری از ابو فراس، از شعرای آن دیار، که در آن از امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام نام برده است که از امامان زیدیه و اسماعیلیه نیستند.^۳ از آن جا که ابو فراس بزرگ شده و تربیت یافته دامن سیف الدوله بوده، این شعر می‌تواند نشان دهد که سیف الدوله و آل حمدان، به مذهب امامی گرایش داشته‌اند.^۴

اوضاع فرهنگی در دو سده چهارم و پنجم

سده چهارم و پنجم را می‌توان دوره شکوفایی و شادابی فرهنگی نام نهاد؛ زیرا اگر شاخص شکوفایی فرهنگی در یک جامعه یا دوره، فراوانی اندیشمندان، کتاب‌ها،

۱. الشیعة فی الحیران، ص ۱۶۷-۱۷۰.

۲. همان، ص ۱۶۴.

۳. همان، ص ۱۶۴ و ۱۶۶.

۴. همان، ص ۱۶۷.

آثار علمی و کتاب‌خانه‌ها و نیز گسترده‌گی برپایی مجالس بحث و مناظره میان اندیشمندان فرق و مذاهب مختلف تعریف شود، به حق، این دوره در قله بلند این شاخص‌ها قرار دارد.

در زمینه‌های مختلف علمی و دینی، اندیشمندان بسیاری در این دوره می‌زیستند. ریاضی، ستاره‌شناسی، طب، فلسفه، تاریخ، شعر، کتاب‌شناسی، حدیث، فقه و اصول فقه، رجال، کلام و تفسیر، مهم‌ترین و بارونق‌ترین دانش‌های این دوره بوده‌اند. بسیاری از اندیشمندان این دوره، آوازه جهانی پیدا کردند و برخی نیز با آثاری که پدید آوردند، جریان‌ساز و تحوّل‌آفرین شدند. از آن جمله‌اند:

فارابی (م ۳۳۷ ق) در فلسفه؛

ابن سینا (م ۴۲۸ ق) در فلسفه، طب و ریاضی؛

ابو جعفر کلینی (م ۳۲۹ ق) در حدیث، فقه و کلام؛

مسعودی (م ۳۴۵ ق) در تاریخ؛

ابن هیثم (م ۴۳۰ ق) در هندسه؛

زکریای رازی (م ۳۱۱ یا ۳۲۰ ق) در طب؛

شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) در حدیث، فقه و کلام؛

داؤد قُطَنی (م ۳۸۵ ق) در حدیث، فقه و رجال؛

سید رضی (م ۴۰۱ ق) در شعر، سخن‌شناسی، فنون بلاغت و آرایه‌های ادبی؛

شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) در کلام، حدیث، فقه و اصول؛

حاکم نیشابوری (م ۴۰۴ ق) در حدیث، مصطلح الحدیث و رجال؛

سید مرتضی (م ۴۳۶ ق) در کلام، فقه و اصول؛

فردوسی (م ۴۶۴ ق) در شعر حماسی؛

خطیب بغدادی (م ۴۶۴ ق) در تاریخ، رجال، حدیث و مصطلح الحدیث؛

شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) در فقه، اصول، کلام، حدیث، تفسیر و رجال؛

ابن حزم ظاهری (م ۴۵۳ ق) در فقه، اصول و حدیث.

افزون بر قم و ری و بغداد، شهر حلب نیز در دورهٔ سیف الدوله، محل گرد همایی بزرگان دانش و فرهنگ، از فرهنگ‌ها و شهرهای مختلف بود. حضور فارابی، ابن نباته، متنبی، صنوبری، ابن خالویه، ابن جَنّی، نامی، ابن ابی فیاض، ابو الفرج عجلوی و نیز بسیاری از قضات، نحویان، ادبا، شعرا و صاحبان فنون عرب و غیر عرب، نمونهٔ این حضور گسترده است.^۱

مجالس مناظره میان پیروان مذاهب اسلامی؛ بویژه در مباحث کلامی و نیز میان پیروان سایر ادیان، فراوان برگزار می‌شد. این مناظرات، در مناطق تحت حکومت آل بویه، حمدانیان و فاطمیان رایج بود.^۲ در این مجالس، به طور خاص، اندیشه‌های کلامی شیعی امامی بود که اندیشه‌های کلامی دیگر مذاهب را به چالش می‌کشید. مناظرات شیخ مفید در بغداد و ردیه‌های او بر آرای جاحظ، صاحب ابن عبّاد، علی بن عیسی رُمّانی، ابو عبد الله بصری، ابن نباته، جُبّائی، ابن کلاب، خالدی، نَسَفی، نصیبی، کرابیسی و حَلّاج،^۳ معروف است. این مناظرات، نقشی انکارناپذیر در گرویدن افراد به مذهب امامی داشت. قدرت استدلال و اقناع شیخ مفید و توفیق وی در گسترش آموزه‌های امامی، چنان آشکار بود که خطیب بغدادی به ناچار، به آن اعتراف کرده است.^۴ پیروزی شیخ مفید بر عبد الجبار معتزلی در نخستین رویارویی، سبب دعوت او به دربار عضد الدوله شد.^۵

پیش از شیخ مفید، شیخ صدوق نیز در چندین مناظره شرکت کرده بود که همگی با حمایت رکن الدوله، در ری برگزار شده بودند.^۶ و هدف از آنها اثبات حَقانیت

۱. النبیعة فی الحِزبان، ص ۱۷۱.

۲. همان، ص ۱۴۷ و ۱۶۱-۱۶۲ و ۱۷۳.

۳. الرسائل العشرة، ص ۳۵.

۴. تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۴۴۹-۴۵۰.

۵. فلاسفة شیعه، ص ۳۶۷؛ احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۱۱۲.

۶. کمال الدین، ج ۱، ص ۴۵۶؛ رجال النجاشی، ص ۳۹۶؛ مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۵۶.

مذهب امامیه؛ بویژه در موضوع غیبت امام دوازدهم علیه السلام بود.^۱

مجالس مناظره در این دوره، اختصاصی به اندیشمندان مسلمان و امامی نداشت؛ بلکه دانشیان دیگر فرق و مذاهب نیز با دیگران مناظره می کردند. در این مجالس، که به طور خاص در دورهٔ عضد الدوله برگزار می شد، صاحبان آرا و عقاید، دیدگاه های خود را آزادانه مطرح می کردند.^۲

بسیاری از حاکمان و صاحبان مناصب در دولت های بویهی و حمدانی و حتی اسماعیلی، اهل علم بودند و از عالمان حمایت می کردند. عضد الدوله، خود، هندسه دان و ریاضی دان بود، با نحو و نجوم و هیئت نیز آشنایی داشت و با عالمان ردهٔ اول، به بحث و گفتگو می پرداخت.^۳ وی شیخ مفید را که بر عبد الجبار معتزلی پیروز شده بود، به دربار خویش دعوت کرد.^۴ پسران معز الدوله، اهل فضل بودند^۵ و اندیشه وران را در عرصه های مختلف فلسفی، ادبی و مذهبی، احترام و اکرام می کردند. سیف الدوله حمدانی نیز چنین فضایی را فراهم کرد.^۶ رکن الدوله (۲۸۴ - ۳۲۶ ق) حاکم بویه ای ری، پس از آگاهی از موقعیت علمی شیخ صدوق، وی را به ری دعوت کرد و اکرام و تعظیم نمود.^۷ وی افزون بر روحیهٔ علم دوستی و عالم پروری ارادتمند به امام رضا علیه السلام بود.^۸

امیران و وزیران آل بویه نیز خود، اهل علم بودند و دربارشان محل آمد و رفت

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۱۰ - ۱۱.

۲. احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۶۴.

۳. تاریخ طبرستان، ج ۱، ص ۱۴۰؛ آل بویه نخستین سلسلهٔ قدرتمند شیعه، ص ۲۵۲ - ۲۵۳.

۴. احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۱۱۲.

۵. همان، ص ۹۵.

۶. التبعه فی لمران، ص ۱۷۳؛ فهرس التراث، ص ۳۲۴.

۷. مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۳۵۶ و ج ۲، ص ۳۲۵؛ مقدمهٔ محقق، معانی الأخبار، ص ۱۵.

۸. کمال الدین، ج ۱، ص ۳.

و گردهمایی عالمان بود.^۱ ابو الفضل فیلسوف و ادیب، وزیر رکن الدوله^۲ و پسرش ابو الفتح بن عمید، شاپور بن اردشیر وزیر بهاء الدوله، ابن سینا (۳۷۵-۴۲۸ ق) وزیر شمس الدوله، صاحب بن عبّاد (م ۳۸۵ ق) وزیر مؤید الدوله،^۳ همگی دانشمند بودند.^۴

بر اثر چنین زمینه‌هایی، کتاب‌خانه‌هایی بس بزرگ و مهم نیز در این دوره تأسیس شد که نمونه‌های شایان آن، عبارت‌اند از:

کتاب‌خانه عضد الدوله در شیراز؛^۵

کتاب‌خانه سند الدوله فرزند معزّ الدوله، با پانزده هزار جلد کتاب، در بصره؛^۶

کتاب‌خانه ابو نصر شاپور بن اردشیر وزیر بهاء الدوله، با نام «دار العلم» در کرخ بغداد، که با بیش از صد هزار جلد کتاب، در سال ۴۵۱ ق، به دستور طغرل بیک سلجوقی ویران شد؛^۷

کتاب‌خانه سید مرتضی با هیجده هزار جلد کتاب؛^۸

کتاب‌خانه صاحب بن عبّاد، با دویست هزار جلد کتاب، در ری؛ که به موجب برخی گزارش‌ها، سلطان محمود غزنوی پس از ورود به ری، کتاب‌های کلامی آن را سوزاند؛ چون این کتاب‌ها را در راستای عقاید رافضیان می‌دانست؛^۹

۱. همان، ص ۹۵؛ آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه، ص ۳۵۳.

۲. شذرات الذهب ج ۴، ص ۳۱۲.

۳. المتنظم، ج ۱۴، ص ۳۷۵.

۴. ر.ک: نقض، ص ۲۱۱؛ ریاض العلماء، ج ۱، ص ۸۴.

۵. أحسن التقاسیم، ج ۴، ص ۶۶۸-۶۶۹.

۶. احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۹۴.

۷. النهایة، طوسی، ص ۱۳، مقدمه محقق کتاب.

۸. همان جا.

۹. آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه، ص ۵۲۴.

کتاب‌خانه ابو الفضل بن عمید، در ری.^۱

افزون بر اینها، تأسیس دانشگاه الأزهر و نیز کتاب‌خانه‌های بزرگ در مصر در دوره فاطمیان،^۲ شایان توجه‌اند.

این دوره، ویژگی مهم دیگری نیز دارد که می‌توان آن را برآیند شاخص‌های یاد شده دانست، و آن این‌که: مکتب‌های اصلی کلامی و فقهی، همگی در این دوره پدید آمدند یا نهادینه و نظام‌مند شدند.

دورنمای حدیث اهل سنت در سده چهارم و پنجم

حدیث اهل سنت در این دوره، از جهت گستردگی مراکز حدیثی و تعداد عالمان و آثار، به‌سان حوزه شیعه، بالنده و شکوفا بود. در بیشتر مناطق سرزمین پهناور اسلامی، اهل سنت زندگی می‌کردند و شهرهای بسیاری در این مناطق، کم و بیش، مرکز حدیث بودند. بیت المقدس، دمشق، بغداد، سرزمین آندلس (شامل: قرطبه، اشبیله، غرناطه، بلنیه)، همدان، نیشابور، توس، هرات، بخارا، سمرقند و قیروان، مهم‌ترین این مراکز شناخته می‌شوند. نیشابور، همدان و قیروان در غرب جهان اسلام، به «دار السنّه» توصیف شده‌اند.^۳

مهم‌ترین محدّثان و حدیث‌پژوهان

در این دوره، محدّثان و حدیث‌پژوهان نامدار و تأثیرگذار بسیاری، در میان اهل سنت زندگی می‌کردند. در میان مهم‌ترین و معروف‌ترین آنها از جهت تأثیرگذاری و پیر دامنه بودن آثار، این افراد شایان ذکرند:

۱. همان‌جا.

۲. الشیعه فی المیزان، ص ۱۵۴-۱۶۱.

۳. الأمصار والآثار، ص ۱۶۰-۲۱۸ (و در پاورقی آن: الإعلانیات؛ حركة الحديث بقرطبة خلال القرن الخامس؛

مدرسة الحديث فی القيروان من الفتح الإسلامی إلى منتصف القرن الخامس).

ابن حَبَّان (۲۷۰-۳۵۴ ق)

محمّد بن احمد بن احمد بن حَبَّان تمیمی بَستَی، معروف به ابن حَبَّان، محدّث، رجالی، لغوی، فقیه و واعظ. او نزدیک به بیست کتاب تألیف کرده معروف ترینشان عبارت اند از المسند الصحيح على التقاسيم و الأنواع، الثقات، معرفة المجروحین من المحدثین، الضعفاء والمتروکین، طبقات المحدثین بلصبيان و مشاهیر العلماء الأمصار.^۱

طَبْرَانِي (۲۶۰-۳۶۰ ق)

سليمان بن احمد بن مطير لخمی طبرانی، محدّثی فرزانه، صادق و امانتدار بود.^۲ وی نزدیک به پانزده کتاب تألیف کرده معروف ترین آنها عبارت اند از: کتاب المعجم، مسند الشاميين و دلائل النبوة. المعجم در سه اندازه است و به ترتیب با عنوان های: الكبير، الأوسط والصغير، در ۲۵، نه و دو مجلد، به چاپ رسیده است.

دارقُطْنِي (۳۰۶-۳۸۵ ق)

علی بن عمر بن احمد بن مهدی بغدادی، معروف به دارقطنی، محدّثی رجالی و عالم به فقه الحديث و علل الحديث بود. او را یگانه و سرآمد روزگار خود و بازگشتگاه علم اثر و علوم وابسته به آن دانسته اند.^۳ آثار دارقطنی بیش از سی عنوان است. کتاب های الإجازات والتتبع، السنن، المؤلف و المختلف، و العلل، معروف ترند.

خطّابی (۳۱۹-۳۸۸ ق)

حمد بن محمد بن ابراهیم خطّاب بستی، معروف به خطّابی، محدّث، لغوی و

۱. سير أعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۹۲-۹۵.

۲. همان، ج ۱۶، ص ۱۹؛ تذكرة الحفاظ، ج ۳، ص ۹۱۲؛ البداية و النهاية، ج ۱۱، ص ۲۷۰؛ لسان المیزان، ج ۳، ص ۷۳.

۳. سير أعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۴۴۹؛ سنن الدار قطنی، ص ۸-۹، مقدّمه محقق؛ المؤلف و المختلف، ص ۲۵-۳۲، مقدّمه محقق.

عالم به علوم حدیث بود. او را علامه، حافظ، لغت‌شناس، ثقه و کثیر الحدیث خوانده‌اند.^۱ تألیفات او بسیار است. کتاب‌های معالم السنن فی شرح سنن أبی داود، أعلام الحدیث، إصلاح غلط المحدثین، و غریب الحدیث، نمونه‌هایی معروف از آثار اویند.^۲

ابن شاهین (م ۳۸۵ ق)

ابو حفص، عمر بن احمد بن عثمان بن ایوب بن شاهین، معروف به ابن شاهین، محدث، رجالی و عالم به فنون حدیث. وی موثق در حدیث و عالمی بلندپایه در نقد رجال حدیث بود.^۳ معروف‌ترین تألیفات او عبارت‌اند از: ناسخ الحدیث و منسوخه، أحادیث الأفراد، الأكابر عن الأصاغر، التاریخ، الأمالی، و فضائل فاطمة علیها السلام.

حاکم نیشابوری (۳۲۱-۴۰۵ ق)

ابو عبد الله محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدویه نیشابوری، معروف به ابن بیع و حاکم نیشابوری، محدث، رجالی و عالم به فنون حدیث. وی ثقه، حافظ و یکی از چهار نفری بود که سرآمد و یگانه در سده چهارم و پنجم به شمار آمده‌اند.^۴ حاکم نیشابوری همانند نسایی (م ۳۰۳ ق) به گرایش به تشیع متهم شد؛^۵ اگرچه دلیل روشنی بر درستی این اتهام، دیده نمی‌شود. وی پر تألیف بود. برای وی ۲۳ اثر نام برده‌اند، که معروف‌ترین آنها عبارت‌اند از: المستدرک علی الصحیحین، معرفة علوم الحدیث، علل الحدیث، الضعفاء، و الأسماء والکنی.^۶

۱. طبقات الحفاظ، ص ۴۰۴.

۲. سیر أعلام النبلاء، ج ۴، ص ۲۵۲.

۳. ناسخ الحدیث و منسوخه، ص ۹، مقدمه محقق.

۴. معرفة علوم الحدیث، ص ۳-۴، مقدمه محقق.

۵. همان، ص ۴-۶.

۶. همان، ص ۳؛ المستدرک علی الصحیحین، ص ۱۱-۱۲، مقدمه محقق.

ابن حزم ظاهری (۳۸۴-۴۵۶ ق)

ابو محمد، علی بن احمد بن سعید بن حزم، معروف به ابن حزم ظاهری، فقیه، محدث، اصولی و متکلمی بزرگ و فرزانه بود.^۱ وی بیش از صد کتاب در زمینه‌های مختلف تألیف کرد. دو کتاب الإحكام فی أصول الأحكام در اصول فقه، والمحلّی در کلام و فقه، معروف‌ترین آثار اویند.

بیهقی (۳۸۴-۴۵۸ ق)

احمد بن حسین بن علی خسرو جردی، معروف به بیهقی، محدث و فقیهی خوش ذوق، فهیم، قانع، زاهد و جامع حدیث و فقه بود.^۲ در شمار تألیفات وی، ۲۷ اثر به چشم می‌خورد که شاید بیش از اینها بوده باشد. السنن الکبری، معرفة السنن و الآثار، و شعب الإیمان از آثار معروف اویند.^۳

ابن عبد البرّ (۳۶۸-۴۶۳ ق)

یوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البرّ نمری اندلسی، معروف به ابن عبد البرّ، محدث، رجالی و عالم در فقه الحدیث بود. وی را علامه، شیخ الاسلام و «امام الأئمة» توصیف کرده‌اند.^۴ گویا او نزدیک به بیست کتاب نگاشت.^۵ از میان آثار ابن عبد البرّ، التمهید لِمافی الموطأ من المعانی و الأسانید، الإستیعاب فی معرفة الأصحاب، و جامع بیان العلم و فضله، شایان ذکر هستند.

خطیب بغدادی (۳۹۲-۴۶۳ ق)

احمد بن علی بن ثابت بن احمد بن مهدی بغدادی، معروف به خطیب بغدادی،

۱. سیر أعلام النبلاء، ج ۱۸، ص ۱۸۵-۱۸۶.

۲. همان، ص ۱۶۳؛ السنن الکبری، ص ۲۲، مقدّمه محقق.

۳. همان جاها؛ شعب الإیمان، ص ۱۴-۱۷، مقدّمه محقق.

۴. سیر أعلام النبلاء، ج ۱۸، ص ۱۵۳.

۵. همان ص ۱۵۷-۱۵۸.

مورخ، رجالی و عالم به فنون حدیث بود. وی را حافظی بی نظیر و ختم حافظان خوانده‌اند^۱ و در فنون مختلف حدیث، صاحب اثر بود.^۲ او بیش از ۲۷ کتاب تألیف کرد.^۳ معروف‌ترین آثار او را چنین می‌توان نام برد: تاریخ بغداد، الکفایة فی معرفة أصول علم الروایة، آداب السامع و الشیخ، و شرف أصحابه الحدیث.

ابو نعیم اصفهانی (۳۲۶-۴۳۰ ق)

احمد بن عبد الله بن اسحاق اصفهانی، معروف به ابو نعیم اصفهانی، محدث و رجال‌شناسی ثقه، حافظ و عالی‌الاسناد بود و بیش از ۲۹ کتاب تألیف کرد.^۴ معروف‌ترین آثار ابو نعیم، عبارت‌اند از: حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء، ذکر أخبار إصبهان، کتاب الضعفاء، و طبقات المحدثین.

گونه‌های تدوین حدیث

در این دوره، گونه‌های متنوعی از تدوین حدیث و آثار حدیثی، در میان اهل سنت، رایج بود. صحیح، مستخرج، مستدرک، امالی، اجزاء، مصنف، فوائد، مشیخه، اربعین، معجم، سنن، مسند، جامع و... نمونه‌هایی متداول بوده‌اند.

صحیح‌نگاری

صحیح‌نگاری، معمولاً با عنوان «الصحیح» و گاهی نیز با عنوان‌هایی مانند «المنتقى» و «المستدرک» دیده می‌شود. در سده چهارم و پنجم هجری، ده کتاب صحیح به نگارش در آمده است که از آن جمله‌اند:

۱. الصحیح محمد بن اسحاق بن خزیمه بن مغیره نیشابوری شافعی، معروف به ابن

۱. همان، ص ۲۶۹-۲۷۰.

۲. معرفة علوم الحدیث، ص ۳، مقدمه ابن حجر.

۳. آداب السامع و الشیخ، ص ۵۵-۶۵، مقدمه محقق.

۴. سیر أعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۴۵۳؛ حلیة الأولیاء، ص ۹-۱۰، مقدمه محقق.

- خزیمه (م ۳۱۱ ق). بیشتر مطالب این کتاب، نایاب است.^۱
۲. الصحيح احمد بن محمد بن حسن نیشابوری معروف به ابن شرقی (م ۳۲۵ ق)؛
۳. المنتقی محمد بن قاسم بن اصیغ بن محمد یوسف بیانی (م ۳۴۰ ق)؛
۴. الصحيح سعید بن عثمان بن سعید بن سکن بغدادی (م ۳۵۳ ق). این کتاب به الصحيح المنتقی و السنن الصحاح معروف است.
۵. التقاسیم والأثوار که صحيح محمد بن حبان بن احمد بن معاذ تمیمی دارمی بستی، معروف به ابن حبان (م ۳۵۴ ق) است. اصل این کتاب، نظم و سامان خاصی نداشت، تا این که در سده هشتم، ابو الحسن علی بن بلبان بن عبد الله فارسی حنفی (م ۷۳۹ ق)، آن را بر حسب ابواب، مرتب کرد.
۶. المستدرک علی الصحيحین، اثر مشهور محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدویه، معروف به حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ ق). از این کتاب، گاهی با عنوان «مستدرک حاکم» نیز یاد می‌شود.
۷. الإلزامات علی بن عمر بن احمد بن مهدی، معروف به دارقطنی (م ۳۸۵ ق). این کتاب نیز در حقیقت، مستدرک بر صحيحین (صحيح مسلم و صحيح البخاری) است.
۸. المستدرک علی الصحيحین، اثر احمد بن محمد بن عبد الله غفیر انصاری، معروف به ابو ذر عبد (م ۴۳۴ ق).

معجم‌نگاری

معجم، عنوان کتابی است که احادیث آن، براساس صحابه، شیوخ، شهرها و دسته بندی‌هایی از این دست، و بیشتر بر حسب حروف الفبا، مرتب شده باشد.^۲ در سده

۱. الرسالة السطرفة، ص ۲۰.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۳۶.

چهارم و پنجم، نزدیک به شش معجم تألیف شده است که معروف ترین آنها معجم سلیمان بن احمد طبرانی (م ۳۶۰ ق) است. این کتاب در سه اندازه، با عناوین المعجم الکبیر، المعجم الأوسط و المعجم الصغیر نگارش یافته است.^۱

سه معجم دیگر عبارت اند از: معجم الصحابة، معجم البلدان و معجم الشیوخ.

مستخرج نگاری

مستخرج، در اصطلاح، بر کتابی اطلاق می شود که مؤلف در آن، احادیث کتاب دیگری را با سندهایی غیر از سندهای کتاب اصلی، ذکر می کند. اسانید کتاب مستخرج، باید در یکی از طبقات رجال، با کتاب اصلی یکی باشد.^۲ در این دو سده، ۲۱ مستخرج بر دو کتاب صحیح البخاری و صحیح مسلم، به نگارش درآمده که نه مورد آنها، استخراج بر هر دو کتاب اند.^۳ بر هر یک از سنن أبی داوود و سنن الترمذی نیز سه مستخرج نوشته شده است.^۴

سنن نگاری

کتاب سنن، در اصطلاح محدثان، بر کتابی اطلاق می شود که بر اساس ابواب فقهی، مرتب شده باشد.^۵ از کتاب هایی که در دو سده چهارم و پنجم، در این قالب تألیف شده اند، این آثار شایان ذکرند:

۱. سنن ابو بکر، احمد بن حسین بن علی بن عبد الله بن موسی بیهقی (م ۴۵۸ ق). بیهقی کتاب سنن خود را در دو قالب، با عنوان السنن الصغری و السنن الکبری (کبیر) و بر

۱. همان، ج ۱، ص ۱۳۷-۱۳۸.

۲. الرسالة المستخرجة، ص ۳۱-۳۲.

۳. همان، ص ۲۶-۳۱.

۴. همان، ص ۳۰-۳۱.

۵. همان، ص ۳۲.

اساس ترتیب مختصر المزنی تألیف کرد.^۱

۲. سنن ابو الحسین، احمد بن عبید بن اسماعیل بصری صفار (زنده در ۳۴۱ ق)؛

۳. سنن ابو بکر، محمد بن یحیی همدانی شافعی (م ۳۴۷ ق)؛

۴. سنن ابو بکر، احمد بن علی بن احمد بن محمد همدانی شافعی (م ۳۹۸ ق)؛

۵. سنن ابو بکر، احمد بن سلیمان بن حسن بن اسرائیل نجاد بغدادی حنبلی

(م ۳۴۸ ق).^۲

جمع نگاری

جمع نگاری در این دوره، به جمع کردن صحیح بخاری و مسلم اختصاص دارد. چهار جمع، برای این دو کتاب انجام گرفته است:

۱. جمع ابو بکر محمد بن عبد الله بن محمد جوزقی (م ۳۸۸ ق)؛

۲. جمع ابو مسعود ابراهیم بن محمد بن عبید دمشقی (م ۴۰۱ ق)؛

۳. جمع ابو بکر احمد بن محمد برقانی (م ۴۲۵ ق)؛

۴. جمع ابو عبد الله، محمد بن ابی نصر فتوح بن عبد الله بن فتوح بن حمید بن

یصل حمیدی اندلسی قرطبی (م ۴۸۸ ق).^۳

مسند نگاری

مسند، عنوان کتابی است که در آن، احادیث هر یک از صحابه، جداگانه و بر اساس حروف الفبا، قبایل و سابقه در اسلام یا شرافت در نسب، ذکر شده باشد؛ چه صحیح و حسن باشد و چه ضعیف. برخی از مسانید، تنها احادیث یک صحابی را در بر دارند، مانند مسند ابی بکر. برخی دیگر، مشتمل بر احادیث شماری

۱. همان، ص ۳۳.

۲. ر.ک: همان، ص ۳۶-۳۷.

۳. ر.ک: همان، ص ۷۳؛ کشف الظنون، ج ۱، ص ۵۵۹-۶۰۰؛ الحديث و المحدثون، ص ۴۳۰.

از صحابه‌اند، مانند: مسانید الأربعة و مسانید العشرة برخی نیز احادیث گروهی از صحابه را در بر دارند که در یک وصف، مشترک بوده‌اند، مانند: مسند المقلین و مسند الصحابة الذين نزلوا مصر.^۱

در این دوره، بیش از ده مسند تألیف شده است که از آن جمله‌اند:

۱. مسند رویانی، محمد بن هارون رویانی (م ۳۰۷ ق)؛
۲. مسند ابی حنیفه، از ابو نعیم اصفهانی (م ۴۳۰ ق)؛
۳. مسند الشامیین، طبرانی (م ۳۶۰ ق)؛
۴. مسند الشهاب، محمد بن سلامة بن جعفر قُضاعی (م ۴۵۴ ق).

زمینه‌های حدیثی

در دو سده چهارم و پنجم، کتاب‌های حدیثی در زمینه‌های گوناگونی تألیف شده‌اند، مانند: فقه، تفسیر، مصطلح الحدیث، رجال، نقد الحدیث، فقه الحدیث (فهم حدیث)، کلام و اخلاق. در پی، نمونه‌هایی از این تألیفات را نام می‌بریم.

فقه الحدیث

در این دوره، تألیفاتی در شرح کتاب‌های حدیثی انجام گرفت. این شرح‌ها به طور خاص، بر کتب سته به نگارش درآمده‌اند:

- ۱ و ۲. اعلام السنن در شرح صحیح البخاری، و معالم السنن در شرح سنن أبی داود، هر دو از خطابی (م ۳۳۸ ق)؛
۳. شرح صحیح البخاری، از ابن بطن مغربی مالکی (م ۴۴۹ ق)؛
۴. شرح صحیح البخاری، از مهلب بن ابی صفره (م ۴۳۵ ق)؛
۵. شرح الموطأ، از ابن رشیق قیروانی (م ۴۵۶ ق)؛

۶. المنتقی در شرح الموطأ، از سلیمان بن خلف (م ۴۷۴ ق).^۱

رجال و شرح حال

معرفی رجال و بیان شرح حال شخصیت‌ها نیز در این دوره، با عناوین گوناگونی: انجام گرفته است تاریخ، مشیخه، طبقات، ضعفا، ثقات، معجم، نام‌ها و کنیه‌ها، جرح و تعدیل، المؤلف و المختلف، صحابه، رجال و... نزدیک به چهل کتاب با عناوین یاد شده، تألیف شده است. برخی از این کتاب‌ها به شرح حال عموم شخصیت‌های تاریخی پرداخته‌اند و برخی تنها به شرح حال راویان حدیث. نیز شماری از آنها شرح حال عموم رجال حدیث را ذکر کرده‌اند و برخی دیگر به رجال مربوط به کتاب‌های خاص، منحصر شده‌اند. نمونه‌هایی از این کتاب‌ها را چنین می‌توان برشمرد:

۱. ضعفاء العقیلى، از محمد بن عمر بن موسی عقیلی (م ۳۲۲ ق)؛
۲. الجرح والتعديل، عبد الرحمن بن ابی حاتم رازی تمیمی (م ۳۲۷ ق)؛
- ۳، ۴ و ۵. الثقات، مشاهیر علماء الأمصار، والمجروحین، هر سه از ابن حبان (م ۳۵۴ ق)؛
۶. معجم الصحابة، از عبد الباقي بن قانع ابو الحسین (م ۳۵۶ ق)؛
- ۷ و ۸. الكامل فی ضعفاء الرجال، و من روی عنهم البخاری فی الصحيح، هر دو از ابو احمد عبد الله بن عدی بن عبد الله جرجانی (م ۳۶۵ ق)؛
۹. طبقات المحدثین ببلصیهان، عبد الله بن محمد بن جعفر بن حیان انصاری (م ۳۶۹ ق)؛
۱۰. تاریخ أسماء الثقات، عمر بن ابو حفص واعظ (م ۳۸۵ ق)؛
۱۱. ذکر أسماء التابعین و من بعدهم، دارقطنی (م ۳۸۵ ق)؛
۱۲. فتح اللباب فی الکنی والأسماء، ابن منذر اصفهانی (م ۳۹۵ ق)؛
۱۳. رجال صحیح البخاری، احمد بن محمد بن حسین بخاری کلابادی (م ۳۹۸ ق)؛

۱۴. تسمیة مَنْ أخرجهم البخاری و مسلم، حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ ق)؛
۱۵. مشتبہ أسامی المحدثین، عبید الله بن عبد الله هروی (م ۴۰۵ ق)؛
۱۶. رجال مسلم، احمد بن علی بن منجویه اصفهانی (م ۳۲۸ ق)؛
- ۱۷، ۱۸ و ۱۹. حلیه الأولیاء، ذکر مَنْ اسمه مشتبیه، والضعفاء، هر سه از ابو نعیم اصفهانی (م ۴۳۰ ق)؛
۲۰. تاریخ بغداد، از خطیب بغدادی (م ۴۶۳ ق)؛
۲۱. الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، از یوسف بن عبد الله بن محمّد بن عبد البرّ (م ۴۶۳ ق)؛
۲۲. التعلیل و التجریح، ابو الولید سلیمان بن خلف بن سعد باجی (م ۴۷۴ ق)؛
۲۳. الإكمال ابن ماکولا (م ۴۷۵ ق).

مصطلح الحدیث

در میان کتاب‌های مصطلح الحدیث این دوره، برخی به اصطلاحات حدیثی به گونه عام پرداخته‌اند و شماری به برخی از اصطلاحات، اختصاص دارند. در این زمینه، نزدیک به بیست کتاب تألیف شده است. از آن جمله‌اند:

۱. المحدث الفاصل بین الراوی و الواعی، حسن بن عبد الرحمان رامهرمزی (م ۳۶۰ ق)؛
۲. ناسخ الحدیث و منسوخه، ابو حفص عمر بن عثمان بن شاهین (م ۳۸۵ ق)؛
۳. شعار أصحاب الحدیث، محمّد بن احمد بن اسحاق حاکم (م ۳۷۸ ق)؛
- ۴، ۵ و ۶. معرفة علوم الحدیث، المدخل إلى کتاب الإکلیل، والمدخل إلى الصحیح، هر سه از حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ ق)؛
۷. علوم الحدیث، ابو نعیم اصفهانی (م ۴۳۰ ق)؛
- ۸-۱۴. وهفث اثر از خطیب بغدادی (م ۴۶۳ ق) به این شرح: الکفایة فی علم الروایة،

تالی تلخیص المتشابه، شرف أصحاب الحديث، الرحلة فی طلب الحديث، الفصل للوصل المدرج، موضع أوهام الجمع والتفریق، الجامع لأخلاق الراوی و آداب السامع.

آسیب شناسی و نقد حدیث

از جمله آثاری که اهل سنت این دوره، در این زمینه تألیف کرده‌اند، چنین می‌توان نام برد:

۱. أوهام الحاكم، محمد بن سعید بن علی از دی (م ۴۰۹ ق)؛
۲. علل الحديث فی کتاب الصحيح، ابو الفضل بن عمار شهید (م ۳۱۷ ق)؛
۳. نوادر الأصول فی أحادیث الرسول ﷺ محمد بن علی بن حسین ابو عبد الله حکیم ترمذی (م ۳۶۰ ق).

تفسیر و علوم قرآن

از تفاسیر ماثوری و دیگر آثار حدیثی مربوط به قرآن، می‌توان به این آثار اشاره کرد:

۱. جامع البیان فی تأویل آی القرآن، طبری (م ۳۱۰ ق)؛
۲. تفسیر عبد الرحمان بن محمد بن ادریس رازی، معروف به ابو حاتم رازی (م ۳۲۷ ق)؛
۳. تفسیر ابن زمینین، محمد بن عبد الله بن ابی زمینین (م ۳۹۹ ق)؛
۴. تفسیر الثعلبی، احمد بن محمد بن ابراهیم ثعلبی (م ۴۲۷ ق)؛
۵. الناسخ والمنسوخ، ابن حزم ظاهری (م ۴۵۶ ق)؛
- ۶ و ۷. تفسیر الواحدی و نیز أسباب النزول، از علی بن احمد واحدی نیشابوری (م ۴۶۸ ق)؛
۸. تفسیر السمعانی (م ۴۸۹ ق)؛
۹. تفسیر شفاء الصدور، ابو بکر محمد بن حسن بن محمد بن زیاد بن هارون نقاش (م ۳۵۱ ق)؛

۱۰. معالم التنزیل، ابو القاسم عبد الله بن محمد بن عبد العزيز بَغَوِي (م ۳۱۷ ق).
بغوی صاحب این تفسیر، متقدم بر محی السنه بغوی است و با عنوان «بغوی کبیر» شناخته می شود.^۱

کلام

برخی از آثار حدیثی تألیف شده در باره مسائل کلامی، عبارت اند از:
۱. الأربعین فی دلائل التوحید، عبد الله بن محمد بن علی بن محمد هروی (م ۴۸۱ ق)؛

۲. الإیمان، ابن منده (م ۳۹۵ ق)؛

۳. الاعتقاد، احمد بن حسین بیهقی (م ۴۵۸ ق)؛

۴ و ۵. رؤیة الله و نیز الصفات، از دار قطنی (م ۳۸۵ ق)؛

۶. العظمية، عبد الله بن محمد بن جعفر بن حیان اصفهانی (م ۳۶۹ ق).

اخلاق و آداب و سیره پیامبر ﷺ

در این دو سده، بیش از پانزده کتاب، در زمینه اخلاق و سیره پیامبر خدا ﷺ تألیف شده است. از آن جمله اند:

۱. فضیلة الشکر لله علی نعمته، محمد بن جعفر بن سهل سامری (م ۳۲۷ ق)؛

۲. آداب المجالسة، یوسف بن عبد الله بن عبد البر نمری (م ۴۶۳ ق)؛

۳ و ۴. الزهد الكبير و نیز فضائل الأوقات، از بیهقی (م ۴۵۸ ق)؛

۵. الفتاحة، احمد بن محمد بن اسحاق دینوری (م ۳۶۴ ق)؛

۶. أخلاق النبی و آدابه، عبد الله بن محمد بن جعفر بن حیان اصفهانی (م ۳۶۹ ق)؛

۷. أعلام النبوة، ابو الحسن علی بن محمد ماوردی (م ۴۵۰ ق).

دورنمای حدیث شیعه در سده چهارم و پنجم

شهرها و مراکز حدیث

در سده چهارم و پنجم، شیعیان بیشتر در توابع و بخش‌هایی از شهرها زندگی می‌کردند و کمتر شهری بود که همه یا اغلب ساکنانش شیعه باشند. مهم‌ترین مناطق شیعه نشین این دوره را می‌توان چنین بر شمرد: خراسان (مشهد الرضا علیه السلام)، سمرقند، بلخ، ایلاق و فرغانه در ماوراء النهر، بغداد، مکه، مدینه، نیشابور، کوفه، همدان، ^۱ قم، ^۲ ری، ^۳ رقه، ^۴ اهواز، ^۵ عمان، هَجر، صَعده، ^۶ موصل، ^۷ نیشابور، ^۸ جرجان، طبرستان، ^۹ نواحی دیلم، ^{۱۰} اُرم (به ضم الف و سکون را، از نواحی طبرستان)، ^{۱۱} بُراثا، ^{۱۲} کوفه، ^{۱۳} آوه یا آبه، ^{۱۴} کاشان، ^{۱۵} و کرخ. ^{۱۶}

شماری از کتاب‌ها و رساله‌های عالمان و محدثانی شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق)،

۱. ر.ک: کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴؛ رجال النجاشی، ص ۳۸۹؛ معانی الأخبار، ص ۲۸-۳۱، مقدمه محقق.

۲. معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۹۷؛ أحسن التقاسیم، ج ۱، ص ۲۶۷.

۳. معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۱۷.

۴. أحسن التقاسیم، ج ۱، ص ۲۳۷.

۵. همان، ص ۲۷۹.

۶. همان، ص ۱۰۵-۱۰۶.

۷. همان، ص ۱۳۱.

۸. همان، ص ۲۳۶.

۹. همان، ص ۲۴۵.

۱۰. همان، ص ۲۴۸.

۱۱. معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۵۷. نام این شهر را «أرم» و «آرم» نیز گفته‌اند (ر.ک: لغتنامه دهخدا).

۱۲. همان، ج ۱، ص ۳۶۲.

۱۳. همان، ج ۲، ص ۳۵۲.

۱۴. همان، ج ۱، ص ۵۰؛ ج ۳، ص ۱۷۹.

۱۵. همان، ج ۴، ص ۲۹۶.

۱۶. همان، ج ۴، ص ۴۴۸.

شیخ مفید (م ۴۱۳ ق)^۱ و سید مرتضی (م ۴۳۶ ق)^۲، در پاسخ به پرسش یا درخواست شیعیانی از شهرهای مختلف، تألیف شده است. این گونه آثار، نشان دهنده حضور جمعی هر چند اندک از شیعیان، در آن شهرهاست. گواه دیگری که بر شیعه‌نشین بودن برخی مناطق، در دست داریم، این است که در این دوره، شمار چشمگیری از محدثان، با چنین عنوان‌هایی شناخته می‌شدند: قمی، رازی، بغدادی، مروزی، سمرقندی، نیشابوری، کَشّی، بیهقی، بلخی، بَصْری، جنبلانی، خَرائی، کوفی و مغربی.

مهم‌ترین مراکز حدیث شیعه در این دو سده، شهرهای قم، ری، بغداد و منطقه خراسان شناخته می‌شوند. البته خراسان به سان و اندازه قم و ری یا بغداد، مرکز حدیث شمرده نشده است. گویا این که شمار محدثان خراسانی، کم نبوده است. شیخ صدوق، «شیخ طائفه»^۳ در خراسان خوانده شده است^۴ و برخی از کتاب‌های معروف او -مانند: کتاب من لایحضره الفقیه، عیون أخبار الرضا^{علیه السلام}، کمال الدین و تمام النعمة و الاثمالی-، در خراسان و گاه به درخواست مردم آن دیار تألیف شده. در این باره، باید در نظر داشت که بیشتر محدثان خراسانی -مانند: ابو عمرو کَشّی (م ۳۲۹ ق) و عیاشی سمرقندی (م ۳۲۰ ق)- در بغداد، قم و یاری رحل اقامت افکندند و آثار آنها گویای تأثیرپذیری مؤلف، از حوزه حدیثی قم است؛ چنان که حضور شیخ مفید در آن دیار نیز می‌تواند این هماهنگی را نشان دهد. گویا گرایش اجتهادی نیز در خراسان، علاقه‌مندان فراوانی داشته است. قرینه این گرایش، گزارش نجاشی است که بر پایه آن، مسافران خراسانی در عراق، کتاب فقهی المستمسک بحبل آل الرسول^{صلی الله علیه و آله} را

۱. ر.ک: المسائل السروية، ص ۷۴؛ مقالات کنگره هزاره شیخ مفید، شماره ۶۶ ص ۲۹.

۲. ر.ک: رسائل الترفیع المرتضی، ج ۱، ص ۲۷۱.

۳. یعنی بزرگ طایفه امامیه، که حاکی از جایگاه والای او، در رهبری و زعامت شیعیان اثنی عشری در این منطقه است.

۴. رجال النجاشی، ص ۳۹۲.

درخواست می‌کرده‌اند^۱ که از آن ابن عقیل عَمّانی (م ۳۲۹ ق) بود و وی گرایش اجتهادی و عقلی داشت. به هر حال، حوزه حدیثی خراسان را نمی‌توان حوزه مستقلی در کنار حوزه حدیثی قم و بغداد شمرد.

قم

قم که گویا نامش معرّب واژه فارسی «کومه» است،^۲ به گمان برخی از نویسندگان مسلمان، پس از ورود اسلام به ایران، شهر شده است.^۳ نخستین ساکنان مسلمان (عرب) آن، فرزندان سعد بن مالک بن عامر اشعری به نام‌های عبد الله، احوص، عبد الرحمان، اسحاق و نعیم بودند. آنان در زمان حکومت حجاج بن یوسف، در سال ۸۳ ق، به ناحیه قم آمدند. به قولی، نام قم در اصل، «کَمَنَدان» بود؛ برخی از حروف آن را تغییر دادند، «قم» شد.^۴ عبد الله بن سعد که کوفی بود، مذهب تشیع را به قم آورد.^۵ در برخی از منابع رجالی شیعه، به اصحاب امامیه نسبت داده شده که آنان ابراهیم بن هاشم را نخستین کسی دانسته‌اند که حدیث کوفه را به قم آورد.^۶

به هر حال، قم در سده چهارم، مهم‌ترین مرکز حدیث شیعه گشته بود. در گزارشی که در سده چهارم فراهم آمده، از ۲۰۶ نفر از محدّثان قم، نام برده شده است.^۷ افزون بر این گزارش، نام‌های موجود در کتاب‌های رجالی و فهرست‌نگاری نیز می‌توانند گویای شکوفایی و طراوت فعالیت حدیثی در قم باشند. اوصاف «قمی» و «قمی رازی» یا «قمی بغدادی» و مانند اینها، فراوان در این کتاب‌ها دیده می‌شود.

۱. رجال النجاشی، ص ۳۵-۳۶.

۲. تاریخ قم، ص ۵.

۳. معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۹۷. گفتنی است که آرای مخالف نیز در این باره، فراوان است (ر.ک: تاریخ مذهبی قم، ص ۱۴-۴۹).

۴. معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۹۷.

۵. همان، ص ۳۹۸.

۶. رجال النجاشی، ص ۱۶.

۷. تاریخ قم، ص ۱۸.

برای نمونه، می‌توان به کتاب رجال نجاشی (م ۴۵۰ ق) مراجعه کرد.^۱

ویژگی‌های حوزه حدیثی قم

براساس پاره‌ای قرائن در کتاب‌های حدیث و رجال، در حوزه حدیث قم چند ویژگی، برجسته می‌نماید:

الف - سختگیری در آساند حدیث

در کتب رجالی؛ بویژه المضعف، غضائری (م ۴۱۱ ق) و رجال نجاشی (م ۴۵۰ ق)، تعبیر «قمی‌ها» فراوان به کار رفته و مطالبی به آنان نسبت داده شده است: زعم القمیون، فی عداد القمیین، القمیون اَهموه، تَکَلَّم القمیون فیه، طعن القمیون علیه، استثنی القمیون، ذکره القمیون، ضَعَفه القمیون، ذکره القمیون و غمزوا علیه، و رموه بالغلو.^۲ این گونه عبارت را می‌توان گویای آن دانست که نویسندگان این کتاب‌ها، یک طرز تفکر و روش عمومی در ارزیابی حدیث را میان قمی‌ها می‌دیده‌اند. این روش که به طور خاص، بر سخت‌گیری در اسناد استوار است، در برخی از گزارش‌های رجالی به روشنی دیده می‌شود. این گزارش‌ها در قالب عبارت کلی «قمی‌ها»، «مشایخ قم» و گاهی به نام چهره‌های حدیثی شاخص این حوزه آمده است. به موجب گزارش‌های یادشده، گونه اتهام، تساهل و بی‌مبالاتی در نقل حدیث، انحراف و غلو، فساد در دین، نقل روایت‌های مرسل، اعتماد بر راویان ناشناخته یا ضعیف، کذب، ارتفاع در قول، تعلیق در اسناد و خلط اسناد یادشده، بوده است.

برای نمونه، قمی‌ها روایات این گروه را نقل نمی‌کردند: احمد بن محمد سیار

۱. رجال النجاشی، ص ۸، ۱۶، ۴۴ و ۱۲۳.

۲. المضعف، غضائری، ص ۶، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۳۵، ۳۸، ۸۶، ۹۳، ۹۷، ۱۱۵، ۱۲۳، ۱۳۳، ۱۳۶؛ رجال النجاشی، ص ۳۲۹.

معروف به سیاری،^۱ محمد بن موسی بن عیسی سمان همدانی،^۲ محمد بن احمد جامورانی، مکنّا به ابو عبد الله رازی،^۳ و محمد بن عیسی عبید بن یقطين^۴ در کتاب نوادر الحکمة محمد بن احمد بن یحیی اشعری. چنان که آنها محمد بن اورمه، مکنّا به ابو جعفر قمی را قابل اعتماد نمی دانستند.^۵

ابن ولید (م ۳۴۷ ق) و شاگرد او شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق)، برخی از روایات افرادی را که به آنها اعتماد داشتند نیز، نقل نمی کردند؛ زیرا به برخی راویان روایات آنان، اعتماد نداشتند. شماری از روایات محمد بن احمد بن یحیی بن عمران قمی،^۶ روایات کتاب منسوب به خالد بن عبد الله بن سُدیر^۷ و دو اصل زید نرسی و زید زراد،^۸ این گونه بوده اند؛ چنان که ابن ولید، به ابن بطّہ قمی مؤدّب اعتماد نداشت.^۹

احمد بن محمد بن عیسی با شماری از محدّثان، به یک یا چند علت از اتهامات یاد شده، با تندی برخورد کرد. از جمله آن محدّثان اند: احمد بن محمد بن خالد برقی،^{۱۰} سهل بن زیاد^{۱۱} و محمد بن علی بن ابراهیم صیرفی ملقب به ابو سمینه.^{۱۲}

ب - اهتمام به اخذ و نقل از راویان اصلی

اگر شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) نماینده اندیشه و رویکرد حدیثی غالب در قم در نظر

۱. الضعفاء، ص ۴۰.

۲. همان، ص ۹۵؛ خلاصة الأقوال، ص ۴۰۱؛ رجال ابن داود، ص ۴۷۶.

۳. الضعفاء، ص ۹۷؛ الخلاصة، ص ۴۰۴.

۴. خلاصة الأقوال، ص ۲۴۱؛ رجال ابن داود، ص ۲۷۵.

۵. الضعفاء، ص ۹۳؛ رجال التجاشی، ص ۳۲۹؛ فهرست، طوسی، ص ۲۲۰؛ خلاصة الأقوال، ص ۳۹۷.

۶. رجال التجاشی، ص ۳۴۷؛ فهرست، طوسی، ص ۲۰۵.

۷. فهرست، طوسی، ص ۱۲۲؛ رجال ابن داود، ص ۲۴۴؛ خلاصة الأقوال، ص ۳۴۴.

۸. الخلاصة، ص ۲۲۲-۲۲۳؛ رجال ابن داود، ص ۱۴۶، ۱۰۰، ش ۶۶۷.

۹. رجال التجاشی، ص ۲۶۳؛ خلاصة الأقوال، ص ۱۶۰؛ طبقات أعلام الشيعة، ج ۱، ص ۲۳۵-۲۵۴.

۱۰. الضعفاء، ص ۳۹؛ خلاصة الأقوال، ص ۱۴، ش ۷.

۱۱. الضعفاء، ص ۶۷؛ خلاصة الأقوال، ص ۲۲۹، ش ۲.

۱۲. الضعفاء، ص ۹۴؛ رجال ابن داود، ص ۴۶۹.

گرفته شود - که گویا چنین نیز بوده است -، می توان با جستجو در آثار وی در یافت که او سخت می کوشیده تا حدیث را از راویان اصلی بشنود و با همین انگیزه، به مراکز و شهرهای بزرگ و کوچک، معروف و غیر معروف، و شیعه نشین و سنی نشین سفر کرد. با تتبع در آثار چاپی شیخ صدوق، نمایان می شود که او ۲۵۲ شیخ حدیث را ملاقات کرده و از آنها حدیث شنیده است.^۱ با در نظر گرفتن این نکته که کتاب های یاد شده، حدود پنج در صد آثار شیخ صدوق اند، می توان شمار مشایخ حدیث وی را بیش از این تعداد ارزیابی کرد. شیخ صدوق معمولاً حدیث را با تعبیر «حدَّثنا» نقل می کند که بر سماع (بهترین گونه دریافت حدیث) دلالت دارد، و گاه با تعبیر «أخبرنا» که بر طریق اجازه بدون ملاقات راوی اصلی، دلالت می کند.^۲

ج - نص گرایی یا اخباری گری

گویا رویکرد اصلی در حوزه حدیثی قم، گردآوری متن احادیث و دسته بندی آنها بر حسب زمینه ها و موضوعات بود. قرینه این برداشت، آثار به جای مانده از محدثان این دوره است. این آثار در زمینه های مختلف فقهی، کلامی، طب، اخلاق و گاه رجال دیده می شود. با نگاه به کتاب های شیخ صدوق، نماینده اندیشه و رویکرد غالب در قم، این رویکرد هویدا است. شیخ صدوق در زمینه های گوناگون، کتاب تألیف کرد. وی در همه این زمینه ها، به نقل روایات بسنده کرده است. زمینه کلام، برجسته ترین موضوع چالشی بوده است و شیخ صدوق کتاب های التوحید، الاعتقادات، کمال الدین و تمام النعمة و... را در این راستا تألیف کرد. وی روایاتی را نقل کرده که به موجب آنها، نباید در امر دین و خدا، به جدل و کلام (بحث عقلی) روی آورد.^۳

۱. ر.ک: معانی الأخبار، ص ۳۷-۶۸ مقدمه محقق؛ دایرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «این بابویه».

۲. معرفة الحديث، ص ۳۵.

۳. التوحید، ص ۴۵۴-۴۶۱؛ الاعتقادات، ص ۴۲-۴۴.

ری

ری در سده‌های نخست دوره اسلامی، شهری آباد و بزرگ بوده و گویا در سده هفتم، به خرابه‌ای تبدیل شده است.^۱ اهل ری تا سده سوم، بر مذهب سنت و جماعت بودند. در اواخر سده سوم به سال ۲۷۵ ق، احمد بن حسن ماردانی (ماردانی / مادرایی) بر ری غالب شد و مذهب تشیع را در آن جا آشکار کرد. وی به شیعیان احترام گذارد و شیعیان نیز او را تکریم کردند. عبد الرحمان بن ابی حاتم نیز کتابی در فضائل اهل بیت علیهم السلام نگاشت و آن را به ماردانی تقدیم کرد.^۲ پیش از ماردانی هم شیعیانی در ری زندگی می‌کردند؛ اگرچه شمار آنها اندک بود، مانند: حضرت عبد العظیم حسنی از اصحاب امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام و نیز شماری از محدثان که در کتب حدیث و رجال، به رازی شناخته می‌شوند. به موجب برخی گزارش‌ها، نام ۲۵ نفر از اهل ری، در اسناد احادیث کتب اربعه ذکر شده است.^۳

نیمی از اهل ری در سده چهارم، شیعه بودند و این میزان، در سده پنجم افزایش یافت. مذاهب فقهی حنفی و شافعی از اهل سنت، نیم دیگر جمعیت ری را تشکیل می‌دادند.^۴ از اندیشه‌وران اهل سنت این دوره در ری، می‌توان از این افراد یاد کرد: ابو بکر محمد بن زکریای رازی حکیم (م ۳۱۱ ق)؛ محمد بن عمر بن هشام، ابو بکر رازی، معروف به قماطری؛ عبد الرحمان بن محمد بن ادريس و ابو محمد بن ابی حاتم رازی، صاحب کتاب الجرح والتعديل.^۵

شهر ری در سده چهارم، در کنار قم، مهم‌ترین مرکز حدیث شیعه بود. در این

۱. معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۱۶-۱۱۷.

۲. همان، ص ۱۲۱.

۳. تشیع در ری، ص ۲۱-۲۲.

۴. معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۲۰.

۵. همان جا.

شهر، ده‌ها محدث نامدار زندگی می‌کردند و ده‌ها کتاب در زمینه‌های مختلف، از آنها به یادگار مانده است. در اهمیت این شهر از دیدگاه حدیث پژوهی، همین بس که صاحبان دو کتاب از کتب اربعه حدیثی شیعه، اهل ری یا ساکن در ری بوده‌اند. رویکرد حدیثی حوزه ری، به سان رویکرد قم بود.

بغداد

برخی متذکر شده‌اند که واژه «بغداد»، معرب «باغ دادویه» است. در وجه آن گفته شده که بخشی از رقاع بغداد، باغی متعلق به فردی پارسی با نام دادویه بود. به تدریج «باغ دادویه» به «بغداد» تغییر یافت.^۱ بنیان‌گذار بغداد، منصور خلیفه دوم عباسی بود. وی بنای آن را در سال ۱۴۵ ق، آغاز کرد و در سال ۱۴۹ ق، در آن جا مستقر شد.^۲

در میان پیروان مذاهب اسلامی ساکن بغداد، شیعه و حنابله در اکثریت قرار داشتند.^۳ کرخ از میان محلات بغداد، اختصاص به شیعیان داشت.^۴ به قرینه حضور نواب خاص امام زمان (عج) و بسیاری از محدثان، فقیهان، متکلمان و پیروان ادیان و مذاهب گوناگون، بغداد در سده چهارم و پنجم، از رونق علمی و حدیثی شایان توجهی برخوردار بود. این شهر در سده چهارم و بویژه پنجم، مهم‌ترین مرکز حدیث شیعه بود. در این شهر در دوره یاد شده، ده‌ها محدث شیعی زندگی می‌کردند که کتاب‌های بسیاری یادگار آنهاست. دو کتاب - واز نگاهی سه کتاب - از کتب اربعه شیعه، در این شهر نگارش یافته است.

۱. همان، ج ۱، ص ۴۵۶.

۲. همان، ص ۴۵۷؛ أحسن التقاسیم، ج ۱، ص ۱۲۰.

۳. أحسن التقاسیم، ج ۱، ص ۳۳۳.

۴. معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۴۸.

ویژگی‌های حوزه حدیثی بغداد

دو ویژگی برجسته حوزه حدیث بغداد، تصحیح و تعدیل اندیشه اخباری‌گری و نقد محتوایی حدیث است. این ویژگی‌ها در برابر نقد اسنادی و نص‌گرایی یا اخباری‌گری قمی‌ها، شایان توجه‌اند. چنان‌که فرد شاخص حوزه حدیثی قم، شیخ صدوق بود، فرد شاخص حوزه حدیثی بغداد، شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) و دو شاگردش سید مرتضی (م ۴۳۶ ق) و شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) شناخته می‌شوند. قمی‌ها با عنوان متعلقین بالأخبار^۱، اصحاب الحدیث^۲، المتمسکین بالأخبار^۳ و اخباریان^۴ یاد شده‌اند.

اگرچه شیخ مفید و سید مرتضی، مطلب یاد شده را به صراحت به قمی‌ها نسبت نداده‌اند؛ ولی به قرینه ذکر این عبارت در کتاب تصحیح الاعتقاد - که به نقد آرای کلامی شیخ صدوق پرداخته - و نیز تکیه سید مرتضی بر عقل در تبیین اعتقادات و احکام^۵ در نقد و یکرود حدیثی قمی‌ها، مراد از آن‌را می‌توان قمی‌ها دانست. ویژگی این گروه در نگاه شیخ مفید، آن است که هر حدیثی را که می‌شنوند، می‌پذیرند؛ در سند آن نمی‌نگرند؛ حق و باطل آن‌را تشخیص نمی‌دهند؛ به لوازم و پیامدهای آن نمی‌اندیشند و به معانی آن نیز واقف نمی‌شوند.^۶

گویا اتهام کم‌توجهی یا بی‌توجهی به اسناد حدیث، درباره قمی‌ها؛ بویژه چهره‌های شاخص و معروف قم، اساس محکمی ندارد؛ زیرا همان‌گونه که گذشت و به موجب گزارش‌های رجال، سیره حدیثی قمی‌ها؛ بویژه احمد بن عیسی، ابن ولید

۱. تصحیح الاعتقاد، ص ۸۸.

۲. مصادر الاستنباط، ص ۵۳.

۳. همان جا.

۴. الفوائد الدنیه، ص ۴۰؛ مصادر الاستنباط، ص ۵۲.

۵. اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۳۱۹.

۶. تصحیح الاعتقاد، ص ۴۸ - ۵۰ و ص ۸۸.

و شیخ صدوق، سخت‌گیری در اسناد بود.

به قرینه گونه نقد حدیث توسط شیخ مفید و سید مرتضی، دانسته می‌شود که آنها بر نقد محتوایی تکیه داشتند. یکی از موارد اختلاف قمی‌ها با بغدادی‌ها، مسئله سهو و نسیان پیامبر ﷺ بود. قمی‌ها به موجب ظاهر روایاتی چند، از پذیرش «سهو النبی» سخن می‌گفتند.^۱ در برابر، بغدادی‌ها، با رویکرد عقل‌گرایانه و نقد محتوایی حدیث، از عصمت پیامبر ﷺ و علم کامل ائمه علیهم‌السلام سخن می‌گفتند. قمی‌ها بغدادی‌ها را به «غلو»، و بغدادی‌ها قمی‌ها را به «تقصیر» متهم می‌کردند.^۲

مبنای بغدادی‌ها در نقد اخبار، این بود که باید آن را با سنجۀ قرآن، سنت قطعی، اجماع و دلایل عقلی ارزیابی کرد. آنان معتقد بودند که حدیث، نباید مخالف معیارهای یاد شده باشد.^۳

شیوه‌های انتقال و آموزش حدیث

شیوۀ انتقال و آموزش حدیث در این دو سده، متنوع دیده می‌شود. گویا سه شیوه، بیشتر رایج و معمول بود: املاء، اجازه و تألیف.

۱. املاء

املاء، بر این شیوۀ انتقال و آموزش حدیث اطلاق می‌شود که شیخ، احادیث را از بر یا از روی کتاب بخواند و شاگردان آن را بنگارند. صورت مکتوب این احادیث به گونه سامان یافته، «امالی» نامیده می‌شود. کتاب امالی، بر پایه مجالس سامان می‌یابد و بر همین اساس، «مجالس» یا «عرض المجالس» نیز خوانده می‌شود.

۱. تصحیح الاعتقاد، ص ۱۳۵-۱۳۶.

۲. همان جا؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۵۹؛ أوائل المقالات، ص ۶۵ و ۱۷۱-۱۷۲.

۳. أوائل المقالات، ص ۱۸۴-۱۸۵؛ المقتبة، ص ۶۰؛ تصحیح الاعتقاد، ص ۱۴۹؛ عدة الأصول، ج ۱، ص ۳۶۷-۳۶۸.

۴. الاستبصار، ج ۱، ص ۳-۴.

اعتبار امالی، در اندازه و ردیف اصل است؛ چراکه در امالی نیز مانند اصل، احتمال و میزان سهو و غلط و نسیان اندک است؛ بویژه هنگامی که شیخ احادیث را از روی کتابی بخواند که تصحیح کرده؛ یا اگر از بر می‌خواند، به حافظ، ضابط و متقن بودن او اطمینان و وثوق وجود داشته باشد.^۱ نه تنها در سده چهارم و پنجم، که در سده‌های پیشین نیز شیوه املا، شیوه‌ای متداول در انتقال حدیث بود: به موجب برخی گزارش‌ها، پیشینه املا به عصر پیامبر خدا ﷺ می‌رسد.^۲ در این دو سده، بیش از ده کتاب امالی نگارش یافته است.

۲. اجازه

اجازه، یکی از راه‌های دریافت و نقل حدیث است. این طریق در اصطلاح، عبارت است از اذن کسبی‌ای که به موجب آن، شیخ به کسی که بدو اطمینان دارد، اجازه می‌دهد که آنچه را به او گفته یا بر او قرائت کرده یا در کتب حدیث آمده، نقل کند. اجازه، معمولاً کتاب‌ها و مصنفات و ذکر مشایخ اجازه دهنده و مشایخ هر یک از آن مشایخ را در هر طبقه تا معصوم ﷺ در بر می‌گیرد. اجازه می‌تواند مختصر، مفصل و یا در اندازه‌ای میان این دو باشد. اجازه مفصل، کتابی مستقل شناخته می‌شود و اسم و عنوان خاصی نیز دارد. بر اجازه متوسط - که مشتمل بر ذکر پاره‌ای از طرق و مشایخ مجیز است -، «رسالة الإجازة» و بر اجازه مختصر، «اجازه» اطلاق می‌شود.

شیوه اجازه، شیوه‌ای متعارف در میان اهل علم بود و پیشینه آن به عصر معصومان ﷺ می‌رسد. پیشینیان، اجازه را «مشیخه» می‌نامیدند؛ چراکه در آن، به ذکر مشایخ حدیث می‌پرداختند و از میان احادیثی که از آن مشایخ روایت کرده‌اند نیز یک حدیث می‌آوردند.^۳

۱. الذریعة، ج ۲، ص ۳۰۵-۳۰۶.

۲. همان جا.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۳۱؛ مفتحة ابن صلاح، ص ۱۳۴-۱۳۶؛ الباعث الحثيث، ج ۱، ص ۳۴۷؛ التقييد والإيضاح، ص ۱۸۰-۱۸۹؛ تدریب الراوی، ج ۲، ص ۲۲۸؛ علم الحديث، ص ۱۷۴.

اجازه، ارزش تاریخی، رجالی دارد. این ارزش یا فایده، در چهار زمینه آشکار می‌شود:

۱. اتصال اسانید

۲. آگاهی از نام، نسب، کنیه و لقب راویان و مشایخ اجازه دهنده و کسانی که وی احادیث را بر آنان خوانده است.

۳. شناخت پاره‌ای از اوصاف و احوال راویان، مانند: شهادت مشایخ برای شاگردان و شهادت شاگردان برای مشایخ که تأثیری اساسی در قبول روایت از آنها و کسب وثوق و اطمینان به آنان دارد.

۴. شناخت عصر راویان و زمان و مکان تحمّل احادیث توسط آنها و شناخت برخی از معاصران آنها و بازشناسی افرادی که در طبقه آنها قرار دارند.^۱

در تاریخ حدیث شیعه، عده‌ای جایگاه مشایخ اصلی اجازه را پیدا کردند و از آنها به سلسله جنبانان و کسانی که سلسله اجازات به آنها پایان می‌یابد، یاد شده است. این افراد که دوازده نفرند و همگی در سده چهارم و پنجم زندگی می‌کردند، عبارت‌اند از: ابو الفتح کراجکی (م ۴۴۹ ق)، ابو العباس یا ابو الحسن نجاشی (م ۴۵۰ ق)، ابو جعفر طوسی (م ۴۶۰ ق)، شریف رضی (م ۴۰۶ ق)، شریف مرتضی (م ۴۳۶ ق)، شیخ مفید (م ۴۱۳ ق)، ابو القاسم جعفر بن قولویه قمی (م ۳۶۷ ق)، شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق)، ابن ابی زینب کاتب نعمانی (م ۳۴۵ ق)، ثقة الاسلام کلینی (م ۳۲۹ ق)، ابن بابویه قمی (م ۳۲۹ ق) و ابو عمر کشی (م ۳۲۹ ق).

۳. تألیف

تألیف به معنای نگارش کتاب در باره یک موضوع یا در یک یا چند زمینه از دانش‌های اسلامی است. در این دو سده، شیوه غالب در انتقال و آموزش، همین شیوه بوده است.

عالم‌ان و محدّثان، براساس نیازهای فکری، اجتماعی، فرهنگی و...، و گاه در مقام پاسخ به پرسش‌هایی که از آنها می‌شد، به تألیف کتاب پرداخته‌اند.

گونه‌های تألیفات حدیثی

در این دو سده، گونه‌های حدیثی رایج در حوزه شیعه، با آنچه در حوزه اهل سنت دیده می‌شود، تفاوت‌هایی دارد. این تفاوت‌ها از سه جنبه تنوع، تعداد و نوع گونه، شایان توجه است. در حوزه اهل سنت هم تنوع گونه‌ها زیادتر است و هم شمار کتاب‌ها. به لحاظ نوع گونه، در حوزه شیعه گونه‌هایی یافت می‌شود که گویا اهل سنت، توجه چندان جدّی‌ای به آن نکرده‌اند. از جمله این گونه‌ها نگارش کتاب جامع و قرب الاسناد است. اگرچه قول به نپرداختن اهل سنت به این گونه‌ها، دور از ذهن می‌نماید؛ چرا که اهل سنت پیش و بیش از شیعه، به تدوین حدیث و آثار حدیثی پرداختند؛ بویژه در دو جنبه گونه و زمینه.

۱. قرب الاسناد نگاری

قرب الاسناد، در برابر بُعد الاسناد، بر حدیث و کتاب هر دو، اطلاق می‌شود. حدیث قرب الاسناد، حدیثی است مسند که واسطه‌های آن تا معصوم علیه السلام کم باشد. کتابی هم که مشتمل بر این حدیث‌ها باشد، قرب الاسناد نامیده می‌شود. پیشینیان به این گونه حدیث، عالی السند نیز می‌گفتند. به دست آوردن احادیث قرب الاسناد، کاری به غایت دشوار بود؛ زیرا محدّث برای این کار می‌بایست سفرها و راه‌های دراز و پرمشقت را در پیش بگیرد تا به راوی‌ای برسد که از دیگران به معصوم نزدیک تر است. نزدیک به پنج کتاب قرب الاسناد، در این دو سده تألیف شده است.

۱. قرب الاسناد عبد الله بن جعفر حمّیری (م ۳۰۷ ق) معروف به شیخ قمی‌ها و مکنّا

به ابو العباس^۱ و فرزند او محمد بن عبد الله بن جعفر بود.^۲ گویا حمیری این کتاب را براساس اسانید عالیّه به هر امام، جداگانه سامان داده بود. قرینه این مطلب، اشاره به قرب الاسناد به امام کاظم و امام رضا علیه السلام در رسالتی ابو غالب زراری (م ۳۵۸ ق)، قرب الاسناد به امام صادق^۳ و قرب الاسناد به امام رضا، امام جواد و صاحب الامر علیه السلام است.^۴ بخشی از این کتاب که باقی مانده، قرب الاسناد به امام صادق علیه السلام است. محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) نیز در تألیف بحار الأنوار، از این کتاب استفاده کرده و نسخه‌ای از آن را به خط ابن ادریس حلی (م ۵۸۷ ق)، در اختیار داشته است. چندین نسخه با همان خط را آقا بزرگ تهرانی (م ۱۳۷۴ ق) نیز معرفی کرده است.^۵

۲. قرب الإسناد علی بن ابراهیم بن هاشم قمی (م ۳۲۷ ق) صاحب تفسیر القمی.^۶ این کتاب نایاب است.

۳. قرب الإسناد علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (م ۳۲۹ ق) پدر شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق).^۷ به موجب گزارش احمد اردبیلی معروف به مقدّس اردبیلی، در کتاب حدیقة الشیعة، و میر محمد اشرف (م ۱۱۰۳ ق) در کتاب فضائل السادات، این کتاب تا سده یازده نیز در دسترس بوده است.^۸

۴. قرب الإسناد محمد بن جعفر بن بطّة مؤدّب قمی؛^۹

۱. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۷؛ الذریعة، ج ۱۷، ص ۶۸.

۲. معظّمات السرائر، ص ۲۲۴.

۳. الذریعة، ج ۱۷، ص ۶۹.

۴. رجال النجاشی، ص ۲۲۰.

۵. الذریعة، ج ۱۷، ص ۶۹.

۶. رجال النجاشی، ص ۲۶۰.

۷. همان، ص ۲۶۱.

۸. الذریعة، ج ۱۷، ص ۷۰.

۹. رجال النجاشی، ص ۲۷۳.

۵. قرب الإسناد محمد بن ابی عمران موسی بن علی بن عبدویه.^۱ نجاشی وی را دیده ولی موفق به شنیدن حدیث از او نشده است.

۲. مُسندنگاری

مُسندنگاری در حوزه شیعه، آن گونه که در حوزه حدیثی اهل سنت رواج داشته، در این دوره معمول نبوده است. شاید این کم توجهی، بدان جهت بوده که آنان آن اعتماد و ارادی را که اهل سنت به صحابیان نشان می‌دادند، نداشتند. کمتر از ده مسند، در مصادر کتاب‌شناسی و رجالی شیعه ذکر شده است. این تعداد توسط محدثان امامی و گاه غیر امامی و عامی‌ای که از امامان روایت کرده‌اند، تألیف شده‌اند:

۱ و ۲. مسند أمير المؤمنين عليه السلام و مسند عبد الله بن عباس، تألیف عبد العزيز بن يحيى بن احمد بن عيسى جلودی از دی بصری، مکتباً به ابو احمد (م ۳۳۲ ق)؛^۲

۳. مسند أبي نواس و جحا و أشعب و بهلول و جعفران و ما رووا من الحديث، تألیف فارس بن سليمان ابو شجاع ارجانی (سده چهارم) که شیخ اصحاب امامیه و «کثیر الأدب و الحديث» بود؛^۳

۴ و ۵. مسند عمر بن علی بن ابی طالب عليه السلام و کتاب اخبار علی بن حسین عليه السلام، تألیف محمد بن عمر بن محمد بن سالم، معروف به جعابی؛^۴

۶. مسند عبد الله بن بکیر بن أعین، تألیف احمد بن محمد بن سعید بن عبد الرحمان، معروف به ابن عقده (م ۳۳۳ ق) که تا پایان عمر، بر مذهب زیدی جارودی بود؛^۵

۱. همان، ص ۳۹۷.

۲. همان، ص ۴۰؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۳۶.

۳. رجال النجاشی، ص ۳۱۰.

۴. رجال النجاشی، ص ۳۹۵.

۵. همان، ص ۹۴؛ الفهرست، طوسی، ص ۷۳.

۷. مسند أمير المؤمنين (ع) يعقوب بن شيبة که بر مذهب اهل سنت بود؛^۱
 ۸. مسند خلفاء بنی عباس، تألیف عبید الله بن ابی زید احمد بن یعقوب بن نصر
 أنباری (م ۳۵۶ ق). وی را «شیخ اصحاب» و موثق در حدیث خوانده‌اند.^۲
 اگر بر لفظ مسند توقف نشود و دامنه آن به همه روایات یک صحابی یا امام محدود
 نگردد، و به دیگر سخن، اگر کتاب‌هایی که درباره یک موضوع با دسته‌بندی احادیث
 هر یک از صحابه و معصومان نگارش یافته‌اند نیز مسند نامیده شوند، می‌توان کتاب
 عیون أخبار الرضا (ع) شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق)، کفایة الأثر خزاز قمی (م ۴۰۱ ق) در
 امامت امامان دوازده گانه، و دو کتاب جامع الأحادیث و علی خیر البشر ابن رازی
 (م ۳۸۳ ق) را نیز در این شمار یاد کرد.

۳. نوادرنگاری

اصطلاح «نوادِر»، عنوان گونه‌ای از تألیفات حدیثی است که باید آن را مربوط به حوزه
 حدیث شیعه دانست؛ زیرا در حوزه اهل سنت، بسیار این عنوان، بسیار اندک دیده
 می‌شود و شاید کتاب نوادر الأصول فی احادیث الرسول (ص)، تألیف حکیم ترمذی
 (م ۳۶۰ ق)، تنها نمونه آن باشد. معنای این واژه در اصطلاح محدثان سده چهارم و
 پنجم، چندان روشن نیست و گویی وضعیت آن، مانند کلمه «اصل» است. این ابهام،
 در مصادر کتاب‌شناسی به خوبی نمایان است. برای نمونه، در بسیاری از موارد،
 نجاشی عنوان «نوادِر» را برای نوشته‌ای به کار برده که شیخ طوسی همان را با عنوان
 «کتاب» ذکر کرده است. مواردی که هر دو کتاب‌شناس یاد شده، عنوان نوادر را برای
 اثری به کار برده باشند، کمیاب است.

برخی، نوادر را به معنای مجموعه احادیث غیر مشهور، یا احکام غیر متداول و

۱. الفهرست، طوسی، ص ۲۶۵.

۲. رجال النجاشی، ص ۲۳۲-۲۳۳.

استثنایی دانسته‌اند.^۱ محدث نوری (م ۱۳۳۲ ق) متذکر شده که ابواب «نواد» و «زیادات»، به مثابه مستدرک برای سایر ابواب کتاب اصل است. باب نوادر کتاب کامل الزیارات، نوادر کتاب من لا یحضره الفقیه، باب زیادات المقنعة، و باب نوادر و زیادات تهذیب الأحکام، این گونه‌اند. ابن قولویه، شیخ صدوق، شیخ مفید و شیخ طوسی، احادیث مناسبی را که پس از پایان یافتن چینش ابواب کتاب، پیدا کرده‌اند، در باب زیادات یا نوادر آورده‌اند.^۲

کتاب نوادر، گاه به عنوان بخش پایانی یک کتاب و گاه در چهره کتابی مستقل، مطرح شده و نام آن نیز به هر دو صورت مطلق و مضاف، به کار رفته است. آقا بزرگ تهرانی در میان آثار بزرگان شیعه، نزدیک به دویست کتاب نوادر را نام کرده است.^۳ نمونه‌ای از این کتاب‌ها را چنین می‌توان نام برد:

۱. نوادر احمد بن ادریس بن احمد اشعری قمی (م ۳۰۶ ق)؛
۲. نوادر احمد بن داوود بن علی قمی (م ۳۶۸ ق)؛
۳. نوادر جعفر بن حسین بن شهریار قمی (م ۳۴۰ ق)؛
۴. نوادر جعفر بن محمد بن قولویه (م ۳۶۸ ق)؛
- ۵ و ۶. نوادر و نوادر الفقه حسین بن عبید الله بن غضائری (م ۴۱۱ ق)؛
۷. نوادر حمید بن زیاد (م ۳۱۰ ق)؛
۸. نوادر محمد بن عبد مؤمن مؤدب قمی؛
- ۹- ۱۳. نوادر، نوادر الطب، نوادر الصلاة، نوادر الفضائل، و نیز نوادر الوضوء، همگی از شیخ صدوق؛
۱۴. نوادر محمد بن علی بن عثمان کراچکی (م ۴۴۹ ق)؛

۱. الذریعة، ج ۲۴، ص ۳۱۶.

۲. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۱۲.

۳. الذریعة، ج ۲۴، ص ۳۱۶-۳۴۹.

۱۵. نوادر الآثار بعلي خير البشر، از جعفر بن احمد بن علی قمی (معاصر شیخ صدوق)؛

۱۶. نوادر الأخبار علی بن عبد الرحمن بن عیسیٰ قنانی کاتب (م ۴۱۳ ق)؛

۱۷. نوادر صهرشتی، از نظام الدین ابو الحسن سلمان بن حسن صهرشتی (م ۴۷۲ ق)؛

۱۸. نوادر المعجزات فی مناقب الأئمة الهداة، از ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم آملی طبری کحی صغیر (معاصر شیخ صدوق)؛

۱۹. نوادر یقین و بصیرة العارفين ابن جنید اسکافی.

۴. جامع نگاری

در این دوره، کتاب‌هایی نیز با عنوان «جامع» تألیف شده است. این عنوان، گاه به طور مطلق و گاه مضاف، به کار رفته است. گویا مراد از جامع به گونه مطلق، کتابی بوده که همه زمینه‌ها و آموزه‌های حدیثی را در بر گرفته باشد، و مراد از آن به گونه مضاف، کتابی بوده که روایات آن، همگی در یک زمینه باشند.

شمار کتاب‌هایی که در سده چهارم و پنجم، با عنوان جامع به نگارش درآمد، به بیش از ده کتاب می‌رسد.^۱ از آن جمله‌اند:

۱. الجامع فی الحدیث، ابو محمد حسن بن احمد بن محمد بن هشتم عجلای رازی. ابن هشتم عجلای از شیخ صدوق، گاه بدون واسطه و گاه با واسطه برادر او حسین بن علی، روایت می‌کند. نجاشی متذکر شده که او را درک کرده است.

۲. الجامع فی الحدیث، سید شریف حسن بن حمزه بن عبد الله بن علی مرعش (م ۳۵۸ ق)، که معروف به ابو محمد طبری مرعشی بوده است.

۳. الجامع فی الحدیث، محمد بن احمد بن یحیی. به گفته ابن طاووس (م ۶۴۶ ق) در

کتاب الإقبال، شیخ صدوق در کتاب المرشدش در آداب روز بیست و پنجم ماه رجب، از آن روایت کرده است. شاید مؤلف کتاب الجامع، محمد بن احمد بن یحیی اشعری، صاحب نوادر الحکمة باشد و چه بسا مراد از الجامع، همان النوادر باشد که شیخ صدوق آن را از استاد خود، ابو علی احمد بن محمد بن یحیی عطار نقل کرده است.

۴. الجامع فی الحدیث، ابو جعفر محمد بن حسن بن احمد بن ولید، معروف به ابن ولید (م ۳۴۷ ق). این کتاب، یکی از منابع کتاب من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) بوده است.^۱ شیخ طوسی نیز در کتاب تهذیب الأحکام، زیارت امام رضا علیه السلام را از این کتاب، با عنوان الجامع، نقل کرده است. ظاهر عبارت سید بن طاووس (م ۶۶۴ ق) در کتاب الإقبال، گویای آن است که وی کتاب الجامع ابن ولید را در اختیار داشته است - چرا که وی در بحث نوافل ماه رمضان، آورده است: «روی عبد الله الحلبي فی کتاب له و ابن الولید فی جامعه»؛ چنان که گویا این کتاب در عصر محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) نیز موجود بوده است.

۵. جامع الأحادیث النبویة، از ابو محمد جعفر بن احمد بن علی قمی رازی. وی معاصر شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) بود و هر دو، از یکدیگر نقل کرده‌اند. شیخ صدوق در کتاب‌های التوحید و معانی الأخبار خود، از ابن رازی روایت نقل کرده، چنان‌که ابن رازی نیز تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام را از شیخ صدوق روایت کرده است.

۵. مُسَلْسَلِ نِگاری

عنوان «مسلسل» بر گونه‌ای خاص از حدیث اطلاق می‌شود. در این گونه خاص - که ناظر به اسناد حدیث است -، روایان در یک حالت (مانند تبسم یا تختم به یمین) گفتار یا نام، اشتراک دارند. مسلسلات نیز عنوان کتابی است که این گونه احادیث را در

بردارد.^۱ چنین تسلسلی، در اعتبار حدیث هیچ نقشی ندارد؛ ولی خالی از فایده هم نیست. برخی دو فایده برای آن ذکر کرده‌اند: یکی اقتدا به پیامبر خدا ﷺ در عمل او، و دیگری اتصال روایت و دوری از ارسال و تقطیع در اسناد آن.^۲

تألیف کتاب با عنوان «المسلسلات»، بیشتر در حوزه اهل سنت مطرح است و گویا تنها کتابی که با این عنوان در حوزه شیعه نگارش یافته، المسلسلات ابو محمد جعفر بن احمد بن علی قمی رازی است که معاصر شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) بوده است.

کتاب المسلسلات با همین عنوان و یا با عنوان الأخبار المسلسلة، تنها در منابع حدیثی و کتاب‌شناسی متأخر به ابن رازی نسبت داده شده است.^۳ از میان احادیث این کتاب، علمای شیعه به حدیث مسلسل به فواطم، توجه فراوان کرده‌اند.^۴ این کتاب، از مصادر بحار الأنوار و مستدرک الوسائل است.

زمینه‌های تألیفات حدیثی

تألیفات حدیثی سده چهارم و پنجم، دامنه گسترده‌ای از جهت زمینه بحث دارند. قلمرو این گستردگی، دانش‌ها و زمینه‌های موجود در متون حدیثی یا مسائل ملهم از آن، و نیز دانش‌های مربوط به حدیث است. فقه، کلام، اخلاق و آداب، فضایل و مناقب، دعا و زیارت، تاریخ و سیره، طب، رجال، کتاب‌شناسی، تفسیر، فقه الحدیث، مصطلح الحدیث و نقد الحدیث، مهم‌ترین زمینه‌های تألیفات این دو سده را تشکیل می‌دهند.

۱. الإقتراح فی بیان الإصطلاح، ج ۱، ص ۱۹-۲۰؛ تدرب الراوی، ج ۲، ص ۱۶۸؛ توضیح الأفکار، ص ۲۴۸.

۲. الإقتراح فی بیان الإصطلاح، ج ۱، ص ۱۹-۲۰؛ توضیح الأفکار، ج ۲، ص ۴۱۵-۴۱۶.

۳. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۹؛ خانمة مستدرک لوسائل، ج ۱، ص ۱۰۷؛ الذریعة، ج ۲، ص ۲۱.

۴. أعیان الشیعة، ج ۴، ص ۸۳؛ الفوائد الرضویة، ص ۵۹.

فصل دوم

محدثان شیعه در سده چهارم

سده چهارم، مهم‌ترین دوره در تاریخ حدیث شیعه به شمار می‌آید. در این سده، حوزه‌های حدیثی در قم، ری، بغداد و سایر شهرها، بسیار فعال و پر نشاط بوده‌اند. بیش از پنجاه نفر از محدثان شیعه که میراث‌بان حدیث شیعه شناخته می‌شوند، در این دوره زندگی می‌کرده‌اند. به همین نسبت، کتاب‌های بسیاری نیز در قلمرو حدیث و علوم مرتبط با آن تألیف شدند که بیشترشان کتاب‌های مادر و اصلی به شمار می‌آیند. ثقه الاسلام کلینی و شیخ صدوق، برجسته‌ترین محدثان این دوره، و دو کتابشان، الکافی و کتاب من لایحضره الفقیه، برجسته‌ترین آثار حدیثی این دوره شناخته می‌شوند. در این فصل، از میان محدثان امامیه سده چهارم، کسانی که مؤلف نیز بوده‌اند، به ترتیب تاریخ تقریبی درگذشتشان معرفی می‌شوند.

۱. خضیب ایادی (م ح ۳۱۲-۳۵۰ ق)

احمد بن علی رازی، معروف به خضیب ایادی؛ محدث. کنیه او به اختلاف، ابو العباس^۱ و ابو علی ذکر شده است.^۲ جزئیات زندگی وی، روشن نیست. به قرینه مشایخ و راویان خضیب ایادی، می‌توان حدس زد که وی در یکی از سال‌های بین ۳۱۲ تا ۳۴۵ یا ۳۵۰ ق، در مصر فوت شده است. خضیب ایادی متهم به ارتفاع و غلو

۱. رجال التجانی، ص ۹۷.

۲. الفهرست، طوسی، ص ۷۶؛ معالم العلماء، ص ۵۴.

بود^۱ و گویا به همین علت نیز تضعیف شده است.^۲ محمد جعفر اسدی (م ۳۱۲ ق) و احمد بن ادریس قمی (م ۳۰۶ ق)، مشایخ حدیث او بودند، و محمد بن احمد بن داوود قمی (م ۳۶۸ ق) و ابو محمد هارون بن موسی تَلْعُکْبَری (م ۳۸۵ ق)، از وی روایت کرده‌اند.^۳ به قرینه مشایخ و برخی از راویان، حضور و سکونت دراز مدت وی در قم، قوی می‌نماید.

تألیفات

آثار نایاب: ۱. کتاب الفرائض، ۲. کتاب الآداب.

اثر چاپی: ۳. الشفاء و الجلاء فی الغیبة.^۴

۲. ابن بَطَّة قمی (م، نیمه نخست سده ۴ ق)

محمد بن جعفر بن احمد، مکنّا به ابو جعفر و معروف به ابن بَطَّة قمی و مؤدّب قمی؛ محدّث. سال وفات او دانسته نیست؛ ولی به دو قرینه، می‌توان حدس زد که وی در نیمه نخست سده چهارم از دنیا رفته است: یکی مشایخ وی - همچون احمد بن ابی عبد الله برقی (م ۲۸۰ ق) و محمد بن حسن صفّار (م ۲۹۰ ق) - و دیگری راویان او - همانند حسن بن حمزه علوی، معروف به مرعش (م ۳۵۶ ق) و ابو مفضل شیبانی (م ۳۸۳ ق) -.^۵

ابن بَطَّة در قم می‌زیست؛ ولی مدّتی نیز در بغداد ساکن شد و تنی چند، از او حدیث شنیدند و اجازه روایت گرفتند.^۶ ابن بَطَّة در اسناد بسیاری از طرق رجال

۱. رجال التجاشی، ص ۹۷؛ الرجال، ابن غضائری، ص ۱۸؛ الفهرست، طوسی، ص ۷۶؛ رجال لطوسی، ص ۴۱۶.

۲. الرجال، ابن غضائری، ص ۱۸؛ رجال التجاشی، ص ۹۷؛ الفهرست، طوسی، ص ۷۶.

۳. الغیبة، طوسی، ص ۱۳۳؛ جمال الأسبوع، ص ۳۰۱؛ الذریعة، ج ۱۴، ص ۲۰۲.

۴. رجال التجاشی، ص ۹۷؛ الفهرست، طوسی، ص ۷۶؛ معلم المللد، ص ۵۴؛ خلاصة الاقوال، ص ۳۲۲.

۵. رجال التجاشی، ص ۳۷۲-۳۷۳؛ الفهرست، طوسی، ص ۵۲ و ۵۶.

۶. رجال التجاشی، ص ۳۷۲.

نجاشی و فهرست طوسی قرار دارد.^۱ وی در قم، جایگاه والایی داشت و به فراوانی دانش و ادب و فضل، شناخته می‌شد. با این حال، در کار حدیث، اهل تساهل و تعلیق اسانید با اجازات بود و در فهرست روایات او، اغلاط فراوانی وجود داشت.^۲

تألیفات

همه آثار ابن بطه قمی، نایاب‌اند. از آن جمله: ۱. کتابی با عنوان اسامی حروف از یک تا چهل ۲. قرب الإسناد، ۳. تفسیر أسماء الله.^۳

۳. علی بن ابراهیم قمی (م ح ۳۰۷-۳۲۷ ق)

علی بن ابراهیم بن هاشم، مکنّا به ابو الحسن قمی؛ محدّث، فقیه و مفسّر. سال وفات او، دانسته نیست. به گزارش که حمزه بن محمد بن احمد بن جعفر در سال ۳۳۹ ق، در قم نوشته، علی بن ابراهیم بن هاشم در سال ۳۰۷ ق، برای وی کتابت کرده بوده است. پس علی بن ابراهیم در سال ۳۰۷ زنده بوده است.^۴ علی بن ابراهیم، فقیهی عالم،^۵ قابل اعتماد در حدیث، دقیق در ثبت، معتمد و راست گیش بود.^۶

ابو محمد حسن بن حمزه علوی طبری، علی بن بابویه قمی، محمد بن حسن بن ولید، حمزه بن محمد علوی، محمد بن علی ماجیلویه و ابو جعفر کلینی، از او روایت کرده‌اند.^۷ مهم‌ترین شیخ حدیث او، پدرش ابراهیم بن هاشم بود.^۸

۱. همان، ص ۲۳، ۲۹، ۳۷؛ الفهرست، طوسی، ص ۴۲، ۴۳، ۵۲، ۵۳ و ۵۶.

۲. رجال النجاشی، ص ۳۷۲؛ خلاصة الأقوال، ص ۲۶۴.

۳. رجال النجاشی، ص ۳۷۲-۳۷۳.

۴. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۷۰.

۵. الفهرست، ابن ندیم، ص ۲۷۷.

۶. رجال النجاشی، ص ۲۶۰.

۷. همان جا؛ الفهرست، طوسی، ص ۱۵۲-۱۵۳؛ نقد الرجال، ج ۳، ص ۲۱۸؛ الذریعة، ج ۴، ص ۳۰۲.

۸. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۸، مقدّمه مصحح.

تألیفات

علی بن ابراهیم قمی، بیش از ده کتاب و رساله در زمینه‌های تفسیر، تاریخ و فقه، تألیف کرد. آثار نایاب: ۱. الناسخ و المنسوخ، ۲. قرب الإسناد، ۳. الشرائع، ۴. الحیض، ۵. التوحید و الشرک، ۶. فضائل أمير المؤمنين علیه السلام (المناقب)، ۷. المغازی، ۸. الأنبیاء، ۹. رساله فی معنی هشام و یونس، ۱۰. جوابات مسائل سألها عنها محمد بن بلال، ۱۱. کتاب يعرف بالمشدر، ۱۲. اختیار القرآن، ۱۳. نوادر القرآن.^۱

و تنها اثر چاپی او: ۱۴. التفسیر، که به تفسیر القمی نیز معروف است.

۴. ابن دؤل قمی (م ۳۵۰ ق)

احمد بن محمد بن حسین بن حسن بن دؤل، معروف به دؤل قمی؛ محدث، فقیه و رجالی. جزئیات زندگی وی دانسته نیست. تنها کتابی که گزارشی هر چند کوتاه در باره ابن دؤل قمی دارد، رجال نجاشی است که بر پایه آن گزارش، وی در سال ۳۵۰ ق، در گذشته است.^۲ به قرینه نقل نجاشی با یک واسطه از ابن دؤل^۳ و نام بردن از او در قسم اول کتاب الرجال ابن داوود - که به ممدوحین اختصاص دارد -،^۴ این احتمال قوی می‌نماید که آن دو، به وی بدبین نبوده‌اند.

تألیفات

ابن دؤل صد کتاب تألیف کرد^۵ که همگی نایاب‌اند، از آن جمله: ۱. کتاب الحج، ۲. کتاب الصلوة، ۳. کتاب الوضوء، ۴. کتاب الجنائز، ۵. کتاب الاعتقاد، ۶. کتاب المعرفة، ۷. کتاب المعجزات، ۸. کتاب الطبقات، ۹. کتاب العلل، ۱۰. کتاب شواهد أمير المؤمنين علیه السلام.

۱. فهرست، ابن الندیم، ص ۲۹ و ۲۷۷؛ رجال التجاشی، ص ۲۶۰.

۲. رجال التجاشی، ص ۹۰؛ رجال ابن داوود، ص ۴۳.

۳. رجال التجاشی، ص ۹۰.

۴. رجال ابن داوود، ص ۴۳.

۵. رجال التجاشی، ص ۹۰.

و فضائله، ۱۱. کتاب خصائص النبی ﷺ، ۱۲. کتاب التهذیب، ۱۳. کتاب التنبیه، ۱۴. کتاب الإخوان، ۱۵. کتاب التجمل.

ابن طاووس در مهج الدعوات، از کتابی با عنوان التجمل از مؤلفی ناشناخته، دو مطلب نقل کرده است.^۱ مؤلف کتاب‌خانه ابن طاووس، بر پایه برخی قرائین، احتمال می‌دهد که کتاب التجمل در اوایل قرن چهارم، به قلم احمد بن محمد بن حسین بن دؤل قمی تألیف شده باشد.^۲

۵. ابو جعفر کلینی (م ۳۲۹ ق)

محمد بن یعقوب بن اسحاق، مکنّا به ابو جعفر^۳ و ابو جعفر اعور،^۴ و معروف به «ثقة الاسلام کلینی»؛ محدّث، فقیه، مورّخ، متکلم و رجالی. سال درگذشت او به اختلاف، ۳۲۹ ق،^۵ و ۳۲۸ ق،^۶ ذکر شده است. کلینی اهل ری بود^۷ و دایی او، معروف به علان کلینی، موثق در حدیث و از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام شناخته می‌شد.^۸ وی از ری، به بغداد عزیمت کرد؛ اما معلوم نیست که این هجرت، کی انجام گرفته است. به قرینه کثرت مشایخ قمی و رازی کلینی در الکافی،^۹ و نیز شهرت وی در کتب رجالی به «رازی (اهل ری)»،^{۱۰} او سال‌ها در ری زندگی کرده و روایات الکافی را در آن‌جا گرد آورده است. از دیگر سو، چون بیشتر راویان الکافی بغدادی بوده‌اند،^{۱۱} این حدس

۱. مهج الدعوات، ص ۳۲۵ و ۳۵۹.

۲. کتاب‌خانه ابن طاووس، ص ۵۵۴.

۳. رجال النجاشی، ص ۳۷۷.

۴. رجال الطوسی، ص ۴۳۹؛ معالم العلماء، ص ۱۳۴.

۵. رجال النجاشی، ص ۳۷۷؛ رجال الطوسی، ص ۴۳۹.

۶. الفهرست، طوسی، ص ۲۱۱.

۷. رجال النجاشی، ص ۳۷۷.

۸. همان، ص ۲۵۹.

۹. الکافی، ج ۱، ص ۳۶، مقدّمه حسین محفوظ.

۱۰. لسان المیزان، ج ۵، ص ۴۲۳؛ تاریخ دمشق، ج ۵۶، ص ۲۹۷.

۱۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۷، مقدّمه حسین محفوظ.

تقویت می‌شود که این کتاب، در بغداد تألیف شده باشد. به هر روی، کلینی در سال ۳۲۷ ق، در بغداد بوده و نقل کردن کتاب‌ها و رساله‌های خود را به عده‌ای اجازه داده است.^۱ وی مدتی کوتاه، بغداد را به قصد دمشق ترک کرد و در بعلبک ساکن شد.^۲ کلینی در شمار گروهی انگشت‌شمار از محدثان امامیه است که همگان، بر وارستگی و فرزاندگی‌شان اتفاق نظر دارند. وی نه تنها حدیث‌شناسی قابل اعتماد، که موثق‌ترین بود و چهره تابناک ری شناخته می‌شد.^۳ رساترین عبارت در وثاقت و امانتداری کلینی، همان لقب «ثقة الاسلام» است که در تاریخ حدیث شیعه، تنها برای وی به کار می‌رود. گویا عنوان ثقة الاسلام، در سده یازدهم رایج شده است.^۴

تألیفات

ثقة الاسلام کلینی در زمینه فقه، کلام، اخلاق و آداب، دعا، تاریخ و رجال، شش کتاب تألیف کرد.^۵ تنها اثر چاپی او: ۱. الکافی. آثار نیایی که تنها نامشان بر جای مانده است: ۲. الرّدُّ علی القرامطة، ۳. کتاب الرجال، ۴. کتاب ما قبل فی الاثمة^۶. آثار نیایی که مطالبشان، در کتاب‌های بعدی انعکاس یافته است: ۵. رسائل الاثمة^۷، ۶. تعبیر الرؤیا.

۱. الاستبصار، ج ۴، ص ۳۱۰.

۲. تاریخ ابن عساکر، ج ۵۶، ص ۲۹۷.

۳. رجال التجاشی، ص ۲۵۹؛ رجال الطوسی، ص ۴۳۹؛ الفهرست، طوسی، ص ۲۱۱؛ معالم العلماء، ص ۱۳۴؛

خلاصة الأفعال، ص ۲۴۵؛ لکافی، ج ۱، مقدمه محقق، ص ۲۰-۲۲.

۴. رک: الجبل المتین، ص ۲۴؛ مشرق الشمین، ص ۲۷۴ و ۲۷۹؛ التحفة السنية، ص ۱۵ و ۱۸؛ مشارق الشموس،

ج ۱، ص ۳۴ و ۳۹؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۶ و ۶۴؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۵۶ و ج ۵، ص ۵ و ج ۳، ص ۳۲؛

الفوائد الرجلیة، ج ۳، ص ۳۲۵.

۵. رجال التجاشی، ص ۲۵۹.

بخش‌هایی از رسائل الاثمة^۱ در کشف المحجّة،^۲ فتح الأبواب^۳ و کتاب الإستخارات^۴ نقل شده است. این نقل‌ها شامل نامه‌ها و نوشته‌های امام علی^{علیه السلام} و امام جواد^{علیه السلام} خطاب به برخی از شیعیان است و نیز وصیتی مفصل از امام علی^{علیه السلام} به دختر امام حسن^{علیه السلام} که در آن، به برخی مسائل فقهی نیز اشاره شده است. به قرینه این نقل‌ها و تصریح ابن طاووس به این که همه روایات رسائل الاثمة^۵ را در جزء اول «المهمات و التتمات»^۶ نقل کرده، معلوم می‌شود که وی این کتاب را در اختیار داشته است. رسائل الاثمة^۷ پس از ابن طاووس، نایاب شده است.^۸ این کتاب، از مصادر با واسطه و سائل الشيعة نیز بوده است.^۹

از کتاب تعبیر الرؤیا، در مهج الدعوات^{۱۰} و فرج المهموم،^{۱۱} با عنوان تفسیر الرؤیا نقل شده است. به قرینه نقل شیخ بهایی (م ۱۰۳۰ ق) از تعبیر الرؤیا در کشکول^{۱۲} خود، این کتاب در سده یازدهم در دسترس بوده است. تعبیر الرؤیا، از مصادر با واسطه بحار الأنوار است.^{۱۳}

۶. ابن بابویه قمی (م ۳۲۹ ق)

علی بن حسین بن موسی بن بابویه، مکنّا به ابو الحسن و معروف به ابن بابویه قمی؛ محدّث و فقیه.^{۱۴} علی بن بابویه، اهل قم بود و تا پایان عمر نیز در آن جا زندگی کرد

۱. کشف المحجّة، ص ۱۵۹-۱۷۶، ۱۸۹.

۲. فتح الأبواب، ص ۱۴۳.

۳. وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۵۱.

۴. کشف المحجّة، ص ۱۵۹.

۵. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۶۷.

۶. وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۵۱ و ج ۱۷، ص ۱۹۷ و ج ۱۷، ص ۵۴۳ و ج ۱۸، ص ۱۲۵.

۷. مهج الدعوات، ص ۲۳۳.

۸. فرج المهموم، ص ۸۷.

۹. کتابخانه ابن طاووس، ص ۵۳۱.

۱۰. بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۲۴۲.

۱۱. رجال النجاشی، ص ۲۶۱؛ رجال الطوسی، ص ۴۳۲.

و تنها در سفری کوتاه، به ری^۱ و بغداد^۲ رفت. وی در سال ۳۲۸ ق، در بغداد^۳، به ابن کلوذانی اجازه روایت داد. نیز در سال نام‌بردار به «سال تهافت کواکب»؛ یعنی ۳۲۹ ق، از هارون بن موسی تَلْعُکُبَری در بغداد، حدیث شنید و اجازه روایت گرفت. در کنار این دو گزارش، شایان توجه است که وی در بغداد، با حسین بن روح نوبختی، نایب خاص امام زمان علیه السلام (نیابت ۳۰۵-۳۲۶ ق)، نیز دیدار کرد و حسین بن روح برای فرزندان شدن وی، نامه‌ای به امام عصر نوشت.^۴ این سه قرینه در کنار یکدیگر، این حدس را تقویت می‌کنند که علی بن بابویه، یک بار در دهه نخست سده چهارم^۵ و بار دیگر در دو سال پایانی عمر خود، به بغداد سفر کرده است.

فقاہت و وارستگی او، زبانزد همه رجال‌شناسان شیعه و برخی از اهل سنت است.^۶ بر اثر جایگاه و منزلت رفیع او، عالمان شیعه فتاوی وی را چونان روایت^۷ و نصّ منقول و خبر مأثور^۸ تلقی کرده‌اند. ابن بابویه میراث‌بانی بسیار برجسته و پرنقش، برای آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام در سده چهارم شناخته می‌شود. مشایخ حدیث وی، دست کم ۳۲ نفر بوده‌اند. سعد بن عبد الله اشعری، عبد الله بن جعفر حمیری و محمد بن یحیی عطار، از آن شمارند.^۹ معروف‌ترین و مهم‌ترین راویان علی بن بابویه، فرزندش شیخ صدوق، هارون بن موسی تلعکبری، ابن کلوذانی،

۱. ریاض العلماء، ج ۴، ص ۴-۵؛ الإمامة و البصرة، مقدّمه محقق، ص ۱۶۷.

۲. رجال التجاشی، ص ۲۶۱.

۳. همان جا.

۴. رجال الطوسی، ص ۴۳۲.

۵. دیدار او با نوبختی، بی‌گمان، پیش از به دنیا آمدن فرزندش شیخ صدوق بوده است. هر چند زمان دقیق تولد وی دانسته نیست، قرآنی از تولد وی بین ۳۰۵ تا ۳۱۰ ق حکایت دارند.

۶. رک: منابع پیشین، و نیز: فهرست ابن ندیم، ص ۲۴۶؛ الفهرست، طوسی، ص ۱۵۷؛ معالم العلماء، ص ۱۰۰.

۷. ذکری الشيعة، ص ۴.

۸. بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۴۰۵؛ ریاض العلماء، ج ۴، ص ۶؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۸۲.

۹. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۸۵-۲۸۷؛ الإمامة و البصرة، ص ۲۶-۲۷، مقدّمه محقق.

ابن قولویه قمی و ابن داوود قمی بوده‌اند.

تألیفات

در مصادر شیعی، شمار تألیفات علی بن بابویه، حدود بیست^۱ و در مصادر اهل سنت، تا دویست کتاب^۲ ذکر شده است. گویا گزارش مصادر شیعی، به واقع نزدیک‌تر می‌نماید.^۳ آثار علی بن بابویه، در زمینه فقه، اخلاق، تفسیر، توحید، امامت، غیبت و طب بوده است.

آثار چایی: ۱. الإمامة و التبصرة من الحيرة، ۲. کتاب الإخوان (مصادقة الإخوان)، ۳. الشرائع، ۴. فقه الرضا علیه السلام. انتساب دو کتاب اخیر به علی بن بابویه، معروف نیست. آثار نایابی که تنها نامی از آنها بر جای مانده: ۵. التوحید، ۶-۱۰. پنج کتاب در فقه، ۱۱. الإملاء، ۱۲. النوادر، ۱۳. النساء و الولدان، ۱۴. التفسیر، ۱۵. المنطق (نطق)، ۱۶. التسليم (التسليم و التمييز)، ۱۷. الإمامة، ۱۸. الطب، ۱۹. المعراج.

آثار نایابی که مطالبشان، در منابع بعدی انعکاس یافته است:

۲۰. قرب الإسناد، ۲۱. الکر و الفر.

گویا کتاب قرب الإسناد، تا سده دوازدهم نیز باقی بوده است. در سده دهم، احمد بن محمد اردبیلی، معروف به مقدس اردبیلی (م ۹۹۳ ق)، آن را با دست خط مؤلف، در اختیار داشته و در کتاب حدیقة الشیعة که به او منسوب است،^۴ دو روایت از آن نقل کرده است.^۵ نیز از مصادر کتاب فضائل السادات میر محمد اشرف شمرده شده که در سال ۱۱۰۳ ق، به پایان رسیده است.^۶

۱. رجال التجاشی، ص ۲۶۱؛ فهرست، طوسی، ص ۱۵۷.

۲. فهرست ابن ندیم، ص ۲۴۶.

۳. التوحید، ص ۱۳، مقدمه محقق.

۴. رک: خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۹۱-۱۰۳.

۵. حدیقة الشیعة، ص ۵۶۹؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۹۲ و ج ۳، ص ۲۸۴.

۶. الذریعة، ج ۱۷، ص ۶۹-۷۰.

افندی اصفهانی متذکر می‌شود که کتاب الکَرّ و الفرّ را در یکی از کتاب‌خانه‌های شهر کازرون، دیده است.^۱ به گزارش افندی، این کتاب شامل مناظره‌ی علی بن بابویه با محمد بن مقاتل رازی در اثبات امامت امیر مؤمنان علیه السلام است. این مناظره، در شهر ری انجام گرفته و به تشییع ابن مقاتل انجامیده است.

در انتساب کتاب الإخوان (مصادقة الإخوان)، الشرائع و نیز الإمامة و التبصرة به ابن بابویه، کم و بیش، تردید شده است. الإخوان (مصادقة الإخوان) به شیخ صدوق فرزند علی بن بابویه نیز انتساب دارد؛ چرا که در شمار آثار شیخ صدوق، عنوان مصادقة الإخوان نیز آمده است. گویا شیخ حرّ عاملی (م ۱۱۰۶ ق) برای بار نخست، در انتساب مصادقة الإخوان به شیخ صدوق تردید کرد و از احتمال یگانگی آن با الإخوان علی بن بابویه، سخن به میان آورد.^۲ در سده چهاردهم، برخی از کتاب‌شناسان این تردید را جدی گرفتند و بر یگانگی آن دو، تأکید کردند.^۳ قرینه این یگانگی، سازگاری طبقه‌بندی برخی از مشایخ مؤلف کتاب مصادقة الإخوان - چون: محمد بن یحیی عطار، علی بن ابراهیم و سعد بن عبد الله اشعری - با علی بن بابویه، ذکر شده است.^۴

الشرائع (رسالة إلى ابنه)، تا سده دهم نایاب بود، تا این که در این سده، محمد تقی مجلسی (م ۱۰۷۰ ق)،^۵ و فرزندش محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۱ ق)^۶ متذکر شدند که این رساله، همان فقه الرضا علیه السلام است که آن نیز در همان سده، یافت شده بوده است. دلیل آنان، این بود که دو کتاب نام برده، در اکثر روایات، موافق و همخوان‌اند. به قرینه نقل محمد باقر مجلسی از الشرائع ابن بابویه در بحار الأنوار^۷ و مقایسه آن با فقه الرضا علیه السلام،

۱. ریاض العلماء، ج ۴، ص ۵.

۲. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۶.

۳. الذریعة، ج ۱، ص ۳۸۳ و ج ۲۱، ص ۹۷.

۴. الذریعة، همان جا.

۵. روضة المتّقین، ج ۱، ص ۱۷. نیز رک: روضات الجنّات، ج ۲، ص ۳۲۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۲۴.

۶. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۱.

۷. الذریعة، ج ۱۳، ص ۴۶.

این احتمال قوی می‌نماید که او رسالتی ابن بابویه را در اختیار داشته است. آفندی اصفهانی، شاگرد محمد باقر مجلسی نیز با کنار زدن حدس و گمان، تأکید کرد که آن دو، یکی هستند. وی بر این گمان است که تعدّد اسم این کتاب، اشتباه ناسخ یا ناسخان بوده است و مشابهت اسم مؤلف و پدرش علی بن موسی بن بابویه، با نام امام رضا علیه السلام و پدر آن حضرت، آنان را دچار چنین خطایی کرده است.^۱ در سده چهاردهم، آقا بزرگ تهرانی، نسخه‌ای از الشرائع صدوق را در کتابخانه حسن صدر الدین، در کاظمین دیده است. آن نسخه، به خط سید محمد بن مطرف و با اجازه استادش محقق حلّی، در سال ۶۲۷ ق، نوشته شده است. کتاب الشرائع، نزدیک به هزار بیت است که از باب «آداب الخلو» شروع می‌شود و به «صلوة الجمعة» پایان می‌یابد.^۲ آقا بزرگ همچنین متذکر شده که بیشتر روایات و متن این کتاب، همانند کتاب فقه الرضا علیه السلام است.^۳ از دیگر سو، محقق خوانساری در سده سیزدهم، با یگانگی دو کتاب الشرائع علی بن بابویه و فقه الرضا صدوق، مخالفت کرد و این پندار را فتنه خواند.^۴ میرزا حسین نوری (م ۱۳۳۲ ق) با ایجاد تردید در درستی دلایل یگانگی، جانب تعدّد آن دورا گرفت. به نظر وی، الشرائع علی بن بابویه، پس از شیخ مفید نایاب شده است.^۵

۷. ابن ولید قمی (م ۳۴۷ ق)

محمد بن حسن بن احمد، مکنّا به ابو جعفر و معروف به ابن ولید؛ محدّث، فقیه و رجال‌شناس. سال وفات وی، دانسته نیست. به قرینه حضور شیخ صدوق به سال ۳۳۹ ق، در قم^۶ و اقامت وی به سال ۳۴۷ ق، در ری^۷ و فراغت از قرائت قرآن توسط

۱. ریاض العلماء، ج ۶، ص ۴۳ و ج ۲، ص ۳۰.

۲. الذریعة، ج ۱۳، ص ۴۶.

۳. الذریعة، همان جا.

۴. روضات الجنات، ج ۲، ص ۳۳۶؛ خانة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۲۴.

۵. خانة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۳۵ و ج ۳، ح ۲۸۲.

۶. الخصال، ص ۱۱.

۷. معانی الأخبار، ص ۱۹، مقدّمه محقق.

ابن ولید در سال ۳۴۷ ق، به گزارش شیخ مفید،^۱ این حدس قوی می‌نماید که او در سال ۳۴۷ ق، در گذشته است.

ابن ولید اهل قم نبود؛ گرچه در آن جاسکونت داشت. وی از مشایخ آن دیار، حدیث شنید و به جایگاه «شیخ قمی‌ها»^۲ بار یافت. ابن ولید آگاه به فقه و حدیث بود و در نقل روایت و نقد رجال نیز بسیار قابل اعتماد و توانا شناخته می‌شد.^۳ گویا او در نقد احادیث و جرح و تعدیل راویان، روشی خاص داشت. بر پایه این روش، وی از نقل کردن برخی احادیث و کتب روایی، خودداری می‌کرد. شاگردش شیخ صدوق نیز با اشاره به این روش، بر پیروی از او در تضعیف راویان، تأکید کرده است.^۴ یکی از دیدگاه‌های کلامی ابن ولید - که شیخ صدوق نیز آن را پذیرفت و بعدها در نقد رجال، معیاری مهم تلقی شد -، قول به وقوع سهو از پیامبر و امام بود. در نظر آنان، نپذیرفتن این قول، نخستین درجه غلو شمرده می‌شد.^۵

تألیفات

در مصادر، دو کتاب به ابن ولید نسبت داده شده که هر دو، نایاب‌اند: الجامع و التفسیر.^۶ الجامع به قرینه موارد منقول از آن و نیز کثرت نقل شیخ صدوق و شیخ طوسی از ابن ولید، فراتر از روایات فقهی بوده است.^۷ نجاشی و طوسی در طریق نقل کتاب‌ها، فراوان از ابن ولید نقل کرده‌اند. کثرت نقل، این حدس را تقویت می‌کند که وی کتاب فهرست نیز داشته است.

۱. الإختصاص، ص ۵.

۲. رجال التجاشی، ص ۳۸۲.

۳. همان جا. نیز ر.ک: الفهرست، طوسی، ص ۲۳۷؛ معالم العلماء، ص ۱۴۶.

۴. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۵۳.

۵. همان، ج ۱، ص ۳۶۰؛ تصحیح الإعتقاد، ص ۶۳-۶۶.

۶. رجال التجاشی، ص ۳۲۸؛ الفهرست، طوسی، ص ۲۳۷؛ معالم العلماء، ص ۱۴۶.

۷. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴؛ فرج المهرم، ص ۱۳۹؛ کشف المهجة، ص ۳۵.

۸. مَرَعش طبری (م ۳۵۸ ق)

حسن بن حمزة بن علی بن عبد الله، مکنّا به ابو محمّد و معروف به مرعش؛ محدّث، فقیه و ادیب. وی اهل طبرستان بود؛ ولی به قرینه کثرت روایت از ابن بطّة قمی^۱ و علی بن ابراهیم قمی^۲ بی گمان سال ها در قم سکونت داشته است. مرعش طبری در سال ۳۵۶ ق، در بغداد بود و با شیخ مفید، ابن نوح سیرافی، ابن غضائری و ابن عبدون، دیدار کرد و به آنها اجازه نقل روایات و کتاب های خود را داد. گویا او سال ها پیش از این تاریخ، به بغداد رفته بوده است؛ چراکه براساس گزارشی، هارون بن موسی تلعکبری در سال ۳۲۸ ق، با وی ملاقات کرد. مرعش طبری مردی وارسته، فقیه و از بزرگان امامیه بود. نام او در بیش از هفتاد طریق در کتاب رجال نجاشی و فهرست طوسی آمده است.

تألیفات

مرعش طبری در زمینه های اخلاق و آداب، غیبت امام دوازدهم و فقه، کتاب هایی نگاشت که همگی نایاب اند: ۱. المبسوط فی عمل یوم و لیلۃ، ۲. الأشقیة فی معانی الغیبة، ۳. المفتخر، ۴. کتاب فی الغیبة، ۵. کتاب الجامع، ۶. کتاب المرشد.^۳

۹. حسین ابن بابویه قمی (زنده در ۳۷۸ ق)

حسین بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، مکنّا به ابو عبد الله؛ محدّث و متکلم. وی فرزند علی بن بابویه قمی (م ۳۲۹ ق) و برادر شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) بود. حسین بن بابویه، حافظه ای بسیار قوی و هوشی سرشار داشت.^۴ و امانتداری قابل

۱. رجال النجاشی، ص ۲۳ و ۲۹.

۲. همان، ص ۱۶ و ۲۶.

۳. همان جا؛ الفهرست، طوسی، ص ۱۰۴؛ رجال الطوسی، ص ۴۲۲.

۴. الغیة، طوسی، ص ۱۸۸.

اعتماد در نقل حدیث، شناخته می‌شد. او از علی بن بابویه و شیخ صدوق، روایت کرده و ابن غضائری نیز از وی روایت کرده است.

تألیفات

دو کتاب به حسین بن بابویه نسبت داده شده که هر دو، نایاب‌اند: یکی التوحید و نفی التشبیه، و دیگری کتابی برای صاحب بن عبّاد.^۱

۱۰. حسن بن محمد قمی (زنده در ۳۷۸ ق)

حسن بن محمد بن حسین قمی شیبانی (شیبانیّ الولاء)؛ محدّث و مورّخ. جزئیات زندگی او معلوم نیست و در مصادر اولیه نیز نامی از او نبرده‌اند. مهم‌ترین و نخستین منبع در شرح حال حسن بن محمد قمی، کتاب ریاض العلماء افندی اصفهانی است.^۲ به گزارش افندی اصفهانی، او معاصر شیخ صدوق بوده و از حسین بن علی بن بابویه نیز روایت کرده است.^۳

تألیف

تنها اثر شناخته شده و نامدار حسن بن محمد، کتاب تاریخ قم است. وی این کتاب را در سال ۳۷۸ ق، - هنگامی که برادرش علی بن محمد حسن کاتب، حکمران قم بود -، تألیف کرد. وی، این کتاب را با مقدمه‌ای بلند در ثنا و ستایش صاحب بن عبّاد، وزیر رکن الدوله بویه به وی تقدیم کرد.^۴

۱۱. ابن قولویه قمی (م ۳۶۸ - ۳۶۹ ق)

جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه (قولویه)، مکنّا به ابو القاسم و معروف

۱. رجال التجاشی، ص ۵۰؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۹۸.

۲. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۶۶؛ الذریعة، ج ۳، ص ۲۷۶؛ مفاخر اسلام، ج ۳، ص ۱۵۳.

۳. ریاض العلماء، ج ۱، ص ۳۱۸؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۶۶.

۴. تاریخ قم، ص ۲ - ۳؛ ریاض العلماء، ج ۱، ص ۳۱۸؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۶۴؛ الذریعة، ج ۳، ص ۲۷۸.

به ابن قولویه قمی؛ محدث، فقیه و رجالی. ابن قولویه، ساکن قم بود و مهم‌ترین مشایخ او در آن دیار، پدر و برادر وی بودند. به قرینه روایت ابن قولویه از محمد بن احمد بن سلیم صابونی در مصر^۱ و برخی محدثان بغداد چون کلینی،^۲ و نیز روایت هارون بن موسی تلعبکری، ابن غضائری، شیخ مفید و ابن عبدون از محدثان بغداد از او،^۳ این حدس قوی می‌نماید که او برای مدتی هرچند کوتاه، به مصر و بغداد رفته بوده است. آرامگاه ابن قولویه، در قبرستان قریش بغداد در رواق شریف کاظمین (علیه السلام) است.^۴ وی در شمار معدود محدثانی است که در وارستگی و فرزاندگی‌شان اتفاق نظر وجود دارد. ابن قولویه، از شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) لقب «شیخ صدوق» را دریافت کرد و گویا در برخورداری از این لقب، فضل تقدم با او است. امانتداری، فرزاندگی در حدیث و فقه، برتری در صفات جمال، و وثاقت، ویژگی‌های او شمرده شده‌اند.^۵

تألیفات

در مصادر، نزدیک به بیست کتاب در زمینه‌های فقه، رجال، کتاب‌شناسی، تاریخ، طب، دعا و زیارت، به ابن قولویه نسبت داده شده است. گویا شمار کتاب‌های او، بیش از اینها بوده است؛ چرا که شیخ طوسی، وصف «زیاد» را برای تعداد کتاب‌های وی به کار برده است.^۶

آثار نایاب: ۱. بیان حلّ الحيوان من محرمة، ۲. الحج، ۳. الردّ علی ابن داود فی عدد شهر رمضان، ۴. رجال ابن قولویه، ۵. فهرست مارواه من الكتب و الأصول، ۶. تاریخ الشهور

۱. رجال التجاشی، ص ۱۲۶؛ لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۲۵.

۲. کامل الزیارات، ص ۱۲-۱۳، مقدمه محقق.

۳. رجال الطوسی، ص ۴۱۸.

۴. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۴.

۵. رجال التجاشی، ص ۴۴۶؛ الإقبال، ج ۱، ص ۳۳-۳۴؛ معالم العلماء، ص ۸۹.

۶. الفهرست، طوسی، ص ۹۲.

الحوادث فيها، ۷. مداواة الجسد.

اثر چابی: ۸. کامل الزیارة و ما روى فى ذلك من الفضل عن الأئمة عليهم السلام، معروف به کامل الزیارة.

۱۲. ابن رازی (زنده در ۳۸۱ ق)

جعفر بن احمد بن علی قمی، مکنّا به ابو محمّد و معروف به ابن رازی؛ محدّث، متکلم و فقیه. در مصادر، نام پدر و جدّ او به اختلاف، احمد بن علی قمی^۱ و علی بن احمد قمی^۲ ذکر شده است. برخی، این دو نام را از آن دو نفر دانسته‌اند^۳ و گروهی دیگر، آنها را یکی پنداشته‌اند.^۴ گویا نام درست پدر او، جعفر بن احمد باشد؛ زیرا در المسلسلات، راوی کتاب با اشاره به این که مؤلف آن را در حالی دیده که در دست راستش انگشتری بوده، نام او را جعفر بن احمد ذکر می‌کند.^۵ نیز بر پشت نسخه خطی محمّد باقر مجلسی که به خطّ اوست، نام مؤلف، جعفر بن احمد آمده است.^۶ سال وفات ابن رازی، معلوم نیست. به قرینه روایت وی از شیخ صدوق^۷ و روایت شیخ صدوق از او،^۸ و نیز روایت او از ابوالمفضل شیبانی، هارون بن موسی تلعبری و ابن غضائری - که مشایخ شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) بوده‌اند -،^۹ وی می‌تواند در طبقه شیخ مفید و ابن غضائری یا طبقه شیخ صدوق جای گیرد.^{۱۰} ابن رازی، هم به قمی

۱. فلاح السائل، ص ۲۶۵ و ۱۶۱؛ عتّة الداعی، ص ۲۲۷؛ روض الجنان، ص ۳۶۲؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۰۷؛ جامع الأحادیث، ص ۹، مقدّمه محقق.

۲. معانی الأخبار، ص ۶؛ التوحید، ص ۸۸، ح ۴۱۷ و ۴۴۱؛ رجال ابن داوود، ص ۶۴.

۳. روضات الجنّات، ج ۲، ص ۱۷۲. نیز رک: جامع الأحادیث، ص ۹، مقدّمه محقق.

۴. أعيان الشيعة، ج ۴، ص ۸۲. نیز رک: جامع الأحادیث، ص ۹، مقدّمه محقق.

۵. جامع الأحادیث، ص ۲۴۶ (المسلسلات، ح ۹).

۶. جامع الأحادیث، ص ۱۱، مقدّمه محقق.

۷. التفسیر المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام، ص ۹؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۷۳.

۸. معانی الأخبار، ص ۶؛ التوحید، ص ۸۸، ح ۴۱۷ و ۴۴۱؛ عیون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۱۵۴ و ۱۷۹.

۹. جامع الأحادیث، ص ۹، مقدّمه محقق.

۱۰. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۷؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۰۸؛ الذریعة، ج ۱۵، ص ۲۵۴.

معروف است و هم به رازی؛ اگرچه به رازی، اشتها بیشتر دارد.^۱ به قرینه برخی از مشایخ ابن رازی که بغدادی بوده‌اند، گویا وی مدّتی در بغداد بوده است. ابن رازی، فقیه،^۲ قابل اعتماد،^۳ والامقام،^۴ و در شمار سرشناسان و بزرگان بی‌نیاز از توثیق بود.^۵

تألیفات

ابن رازی بالغ بر ۲۲۰ کتاب و رساله تألیف کرد^۶ که نزدیک به ده عنوان آن، در مصادر آمده است.

آثار چاپی: ۱. جامع الأحادیث، ۲. المسلسلات، ۳. الغایات، ۴. العروس، ۵. الأعمال المانعة من دخول الجنة، ۶. نوادر الأثر فی «علی‌علیه السلام» خیر البشر».

آثار نایاب: ۷. دفن المیت، ۸. فضل الجمعة.

آثار نایابی که مطالبشان، در منابع بعدی انعکاس یافته است: ۱. أدب الإمام و المأموم، ۲. المبیّ عن زهد النبی ﷺ، ۳. فضائل جعفر بن أبی طالب.^۷

أدب الإمام و المأموم، تاسده دهم نیز در دسترس بود. ابن طاووس (م ۶۶۲ ق) در فلاح السائل^۸ و شهید ثانی (م ۹۶۲ ق) در روض الجنان، تکبیرهای سه‌گانه پس از نماز را از آن روایت کرده‌اند.^۹ این کتاب از مصادر با واسطه بحار الأنوار^{۱۰} و مستدرک الوسائل

۱. معانی الأخبار، ص ۶؛ التوحید، ص ۸۸، ۴۱۷ و ۴۴۱؛ فلاح السائل، ص ۲۶۵ و ۱۶۱؛ عذّة الداعی، ص ۲۲۷؛

بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۹ و ۲۶.

۲. معانی الأخبار، ص ۶.

۳. رجال ابن داوود، ص ۶۴.

۴. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۶.

۵. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۰۷.

۶. همان جا؛ الذریعة، ج ۱۵، ص ۲۵۴.

۷. جامع الاحادیث، ص ۱۶۶؛ الغایات، ص ۲۳۰؛ التدوین فی أخبار قزوین، ج ۲، ص ۳۴؛ ضیافة الإخوان،

ص ۳۲۱؛ الذریعة، ج ۱۶، ص ۲۶۶؛ ج ۱۵، ص ۲۵۳؛ ج ۸، ص ۲۳۳.

۸. الذریعة، ج ۱، ص ۳۸۶.

۹. روض الجنان، ص ۳۶۲.

۱۰. بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۲؛ ج ۸۸، ص ۱۴ و ۱۹۹؛ ج ۱۰۳، ص ۷۹.

است.^۱ محقق نسخه چاپی جامع الأحادیث در پایان کتاب، زیر عنوان «ضمائم»، آن دسته از آثار نایاب ابن رازی را که در منابع متأخر نقل شده‌اند، نام برده است. نیز سید محمد جواد حسینی جلالی، جزوه‌ای با عنوان مقتطفات من کتاب «أدب الإمام والمأموم» نگاشته است.^۲

المثنی عن زهد النبی ﷺ تا سده نهم هم دست یافتنی بوده و ابن طاووس^۳ و ابن فهد حلّی (م ۸۴۱ ق)، از آن نقل کرده‌اند.^۴ این کتاب نیز از مصادر با واسطه بحار الآثار^۵ و مستدرک الوسائل است.^۶

و پسین ردّ پای که از کتاب فضائل جعفر بن ابی طالب به چشم می‌آید، مربوط به سده هفتم است که عبد الکریم بن محمد رافعی قزوینی (م ۶۲۳ ق)، یک روایت از آن نقل کرده است.^۷

۱۳. شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق)

محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه، مکنّا به ابو جعفر و معروف به شیخ صدوق؛ محدث، فقیه و رجالی. شیخ صدوق در قم زاده شد و گویا تا سال ۳۴۷ ق، در قم بود. مشایخ حدیث او در قم، پدرش علی بن بابویه (م ۳۲۹ ق) و محمد بن حسن بن ولید (م ۳۴۷ ق) بودند. شیخ صدوق پس از درگذشت پدرش و ابن ولید، به دعوت حاکم بویه ری، به ری رفت.^۸ به احتمال فراوان، این سفر در سال ۳۴۷ ق انجام

۱. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۰۸.

۲. نوادر الأثر، ص ۳۵، مقدمه محقق.

۳. فلاح السائل، ص ۱۶۱ و ۲۶۵-۲۶۶.

۴. عدة الداعي، ص ۲۲۷-۳۰۰.

۵. بحار الآثار، ج ۸، ص ۳۰۲؛ ج ۴۳، ص ۸۷؛ ج ۷۰، ص ۲۴۸ و ۲۹۳؛ ج ۷۵، ص ۴۵۶؛ ج ۸۴، ص ۲۴۸ و ۳۵۲؛ ج ۱۰۴، ص ۳۹.

۶. خاتمة مستدرک، ج ۱، ص ۱۰۸.

۷. التدوین فی أخبار قزوین، ج ۲، ص ۳۴-۳۵.

۸. کمال الدین، ص ۳.

گرفت. وی تا پایان عمر، در آنجا ساکن شد.^۱ شیخ صدوق برای دیدار با مشایخ حدیث، به شهرها و مراکز مهم حدیث سفر کرد که براساس گزارش خود او، عبارت‌اند از: جرجان، نیشابور، سرخس، سمرقند، بلخ، ایلاق، فرغانه، همدان، بغداد، کوفه، مکه و مدینه.^۲ شیخ صدوق پس از قم و ری، گویی خراسان را سومین شهر برای اقامت برگزیده است؛ چراکه وی را چهره برجسته طایفه امامیه در خراسان دانسته‌اند^۳ و بیشتر شهرهایی که وی به آنها سفر کرد، در منطقه خراسان و ماوراء النهر جای دارند. قرینه سوم، این که تألیف برخی از کتاب‌ها - مانند کتاب من لا یحضره الفقیه، بسیاری از مجالس امالی و نیز کتاب کمال الدین و تمام النعمه - در آن دیار انجام گرفت. وی با بیش از ۲۵۰ نفر از مشایخ حدیث که اهل سنت نیز در میان آنها بود، دیدار کرد و از آنها حدیث شنید.^۴ مهم‌ترین مشایخ او به ترتیب، علی بن بابویه، ابن ولید، محمد بن علی ماجیلویه و محمد بن موسی بن متوکل بودند.^۵ معروف‌ترین راویان او را نیز چنین می‌توان نام برد: شیخ مفید، هارون بن موسی تلعبکری، حسین بن عبید الله غضائری، جعفر بن حسن بن حُسَکَه، محمد بن سلیمان حمرائی^۶ و علی بن احمد نجاشی پدر صاحب رجال.^۷

شیخ صدوق در وثاقت، امانتداری و فرزاندگی، و تبخّر در فقه و اخبار و رجال، یگانه دوران در میان قمی‌ها بود.^۸ بنا به قولی، ابن ادریس در سده ششم، لقب

۱. رجال النجاشی، ص ۳۹۲؛ معانی الأخبار، ص ۱۹، مقدّمه محقّق.

۲. علل لتراخ، ص ۱۶ - ۲۰؛ مقدّمه بحر العلوم، معانی الأخبار، ص ۱۹ - ۲۵، مقدّمه محقّق.

۳. رجال النجاشی، ص ۳۹۲.

۴. معانی الأخبار، ص ۳۷ - ۶۸؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ص ۱۹، مقدّمه محقّق.

۵. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ص ۱۷ - ۱۸، مقدّمه محقّق.

۶. النهرت، طوسی، ص ۲۳۷؛ رجال الطوسی، ص ۴۳۹.

۷. رجال النجاشی، ص ۳۹۲.

۸. همان جا؛ النهرت، طوسی، ص ۲۳۷؛ رجال الطوسی، ص ۴۳۹؛ فلاح السائل، ص ۱۱؛ فرج المهموم،

«صدوق» را - که رساترین کلمه در بیان امانتداری است - برای محدّث یاد شده به کار برد.^۱

تالیفات

شیخ صدوق پر تالیف بود و در مصادر، نزدیک به سیصد اثر برای او ذکر شده است.^۲ او خود، در کتاب من لا یحضره الفقیه - که گویادر شمار آخرین تالیفات اوست -، به عدد ۲۴۵ کتاب که تا آن زمان نگاشته بود، اشاره کرده است.^۳ او در زمینه های گوناگونی قلم زد: فقه، فلسفه احکام و حکمت ها و فواید تشریع، کلام، غیبت امام عصر (عج)، فضایل و مناقب، تاریخ، اخلاق و آداب، دعا و زیارت، رجال، فقه الحدیث و مصطلح الحدیث.

الف - آثار نایاب: بیش از سه چهارم کتاب های شیخ صدوق، نایاب اند: از آن جمله، بیش از هشتاد کتاب فقهی، و افزون بر آنها:

۱. المصابیح، شامل پانزده مصباح که هر کدام، به معرفی راویان یکی از دوازده امام علیهم السلام و حضرت فاطمه علیها السلام اختصاص دارد و دو مصباح نیز به راویان مرد و زن از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، ۲. المعرفة برجال البرقی، ۳. الرجال المختارین من أصحاب النبی صلی الله علیه و آله، ۴. الزهد، در یازده کتاب به تعداد اثمه علیه السلام غیر از امام عصر (عج)، ۵. إثبات الوصیة لعلی علیه السلام، ۶ - ۱۰. پنج کتاب با عنوان مجلس در موضوع امامت، ۱۱. إثبات النصّ علی الأئمة (نصوص الأئمة) علیهم السلام، ۱۲. دلائل الأئمة و معجزاتهم، ۱۳. الروضة فی الفضائل، ۱۴. فضائل جعفر الطیار، ۱۵. المدینة و زیارة قبر النبی و الأئمة علیهم السلام، ۱۶. زیارة قبور الأئمة علیهم السلام، ۱۷. الغیبة، ۱۸. علامات آخر الزمان، ۱۹. مقتل الحسین علیه السلام، ۲۰. الجمل، ۲۱. التاريخ، ۲۲. أخبار أبی ذر، ۲۳. أخبار سلمان، ۲۴. جامع أخبار عبدالعظیم الحسنی، ۲۵. تفسیر القرآن، ۲۶. کتاب فی

۱. السرائر، ص ۲۸۸؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابن بابویه».

۲. رجال التجاشی، ص ۳۹۲؛ الفهرست، طوسی، ص ۲۳۷.

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳.

زید بن علی علیه السلام، ۲۷. کتاب فی عبد المطلب و عبد الله و أبی طالب و أمانة بنت وهب.

ب- کتاب‌هایی که نایاب‌اند، ولی مطالبشان، در منابع بعدی منعکس شده است:

۲۸. مدینه العلم، ۲۹. المرشد، ۳۰. النبوة، ۳۱. مولد أمير المؤمنين علیه السلام، ۳۲. زهد مولانا

علی علیه السلام، ۳۳. المعراج، ۳۴. أخبار الزهراء فاطمة علیها السلام، ۳۵. الفرق.

مدینه العلم، بزرگ‌تر از کتاب من لا یحضره الفقیه بود^۱ و به قولی، شش جزء بیش از

آن داشت. و در ده جزء سامان یافته بود.^۲ این کتاب تا سده دهم نیز در دسترس بود.

ابن طاووس^۳ و - بر پایه برخی گزارش‌ها - یوسف بن حاتم شامی شاگرد

محقق حلی (م ۶۷۶ ق) در کتاب الدرّ النظیم فی مناقب الاثمه اللّهامیم،^۴ علامه حلی

(م ۷۲۶ ق) در کتاب منتهی المطلب^۵ و شهید اول (م ۷۵۳ ق) در کتاب ذکر الشیعه،

از کتاب مدینه العلم صدوق نقل کرده‌اند.^۶ شیخ حسین عبد الصمد (م ۹۸۴ ق) پدر

شیخ بهایی (م ۱۰۳۱ ق)، مدینه العلم را کتاب پنجم از اصول و کتاب‌های معتبر

شیعه ذکر کرده است.^۷ ظاهر عبارت شهید و شیخ عبد الصمد، گویای آن است که

آنها کتاب یاد شده را در اختیار داشته‌اند. مدینه العلم در سده یازدهم، گم شده

پنداشته شد و محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) تلاش کرد تا نسخه‌ای از آن را پیدا کند؛

ولی موفق نشد.^۸ مدینه العلم با واسطه، از مصادر وسائل الشیعه،^۹ بحار الأنوار^{۱۰} و

۱. الفهرست، طوسی، ص ۲۳۸.

۲. معالم العلماء، ص ۱۴۷.

۳. فلاح السائل، ص ۶۹، ۷۲، ۷۸، ۸۵-۸۶، ۹۵، ۱۲۷ و ۱۵۵.

۴. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۴۰؛ الذریعه، ج ۸، ص ۸۶.

۵. بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۴۴.

۶. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۱۵ و ۵۰۸، ج ۲، ص ۷۱۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۲۶۹.

۷. وصول الأخبار إلى أصول الأخبار، ص ۴۴.

۸. بحار الأنوار، ج ۱۰۲، ص ۳۴؛ الذریعه، ج ۲۰، ص ۲۵۱.

۹. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۱۵ و ۵۰۸، ج ۲، ص ۷۱۳؛ ج ۱۸، ص ۷۴؛ ج ۲۰، ص ۴۸.

۱۰. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۶۱؛ ج ۵۶ ص ۲۵۲؛ ج ۷۸، ص ۲۳، ۳۱، ۳۰۰، ۴۱۲، ۳۲۹ و ۳۳۰؛ ج ۷۹، ص ۷۹.

مستدرک الوسائل^۱ است.

المرشد تا سده هفتم در دسترس بود. ابن طاووس نسخه‌ای از آن را در اختیار داشته و روایتی در بیان روز مبعث پیامبر ﷺ، از آن نقل کرده است.^۲

النبوة در سده هفتم در دسترس بوده و به قرینه نقل روایتی در باره انعقاد نطفه پیامبر خدا ﷺ از جزء چهارم النبوة، در إقبال الأعمال، ابن طاووس نسخه‌ای از آن را در اختیار داشته است.^۳ بر پایه گزارشی، یوسف بن حاتم، فقیه شامی معاصر ابن طاووس،^۴ نیز از آن نقل کرده است. این کتاب، یکی از مصادر با واسطه بحار الأنوار است.^۵

مولد امیر المؤمنین ﷺ، در سده هفتم موجود بود. ابن طاووس با اشاره به این کتاب در شمار مصادر کتاب الیقین،^۶ از آن نقل کرده است.^۷ وی همچنین از کتاب با عنوان «الجزء الذی فیہ مولد امیر المؤمنین ﷺ»، بدون ذکر نام مؤلف، یاد کرده^۸ که شاید همین کتاب مورد بحث باشد.

زه مولانا علی ﷺ، در سده هفتم موجود بود. ابن طاووس در فلاح السائل، سه بار از آن نقل کرده است.^۹

۱. ج ۱، ص ۲۹۱، ج ۲، ص ۸۰، ج ۳، ص ۲۲، ج ۴، ص ۵۰، ج ۵، ص ۱۰۲، ج ۶، ص ۳۴، ج ۷، ص ۱۰۴، ج ۸، ص ۴۳.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۷۲، ۲۲۱، ۳۶۲، ۳۷۲، ۴۹۸، ۵۱۷، ۵۲۰ و ۵۲۱، ج ۳، ص ۲۱، ۹۷، ۱۰۲، ۱۱۲.

و ۱۳۰، ج ۹، ص ۱۶۳.

۳. الإقبال، ج ۳، ص ۲۶۳ و ۲۷۲.

۴. همان، ج ۳، ص ۱۶۲.

۵. الذریعة، ج ۲۴، ص ۲۰.

۶. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۷۵.

۷. الیقین، ص ۱۴.

۸. همان، ص ۱۹۱.

۹. همان، ص ۱۱۹ و ۴۸۵.

۱۰. فلاح السائل، ص ۱۰۱، ۱۰۹ و ۲۶۶.

کتاب المعراج، گویا در سده دهم موجود بوده است. بر پایه گزارش‌هایی، چند سید نعمت الله ولی در کتاب کثر المطالب - که در سال ۹۸۱ ق، به نگارش در آمده - و سید هاشم توبلی بحرانی (م ۱۱۰۷ ق) در برخی آثار خود، از آن نقل کرده‌اند.^۱

أخبار الزهراء فاطمة علیها السلام در سده هفتم موجود بود. ابن طاووس در کتاب الیقین^۲ و محمد باقر مجلسی با واسطه او، یک روایت از آن نقل کرده‌اند.^۳

الفرق نیز در سده هفتم موجود بوده و ابن طاووس در کتاب سعد السعود،^۴ یک روایت از آن نقل کرده است. محمد باقر مجلسی در شمار مصادر بحار الأنوار، کتابی با عنوان نصوص از شیخ صدوق را ذکر کرده،^۵ که گویا همان نصوص الأئمة یا إثبات النص علی الأئمة علیهم السلام است؛ اگرچه وی در هیچ موردی، از آن نقل نکرده است.

ج - آثار چاپی: ۳۶. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۳۷. علل الشرائع، ۳۸. معانی الأخبار، ۳۹. کمال الدین و تمام النعمة، ۴۰. الأمالی، ۴۱. الخصال، ۴۲. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ۴۳. التوحید، ۴۴. صفات الشیعة، ۴۵. فضائل الشیعة، ۴۶. کتاب الإخوان، ۴۷. الْمُقْنَع، ۴۸. الهدایة، ۴۹. رساله العقائد، ۵۰. کتاب فضل الأشهر الثلاثة، ۵۱. المواعظ، ۵۲. کتاب من لا یحضره الفقیه.

فهرست احادیث کتاب‌های شیخ صدوق بخش رایانه‌ای «مجمع بحوث اسلامی» در مشهد، در سال ۱۴۱۸ ق، فهرست احادیث پانزده کتاب از آثار شیخ صدوق را در یک کتاب فراهم آورده است. این کتاب، شامل احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام، احادیث قدسی و احادیثی از فاطمه زهرا علیها السلام و غیر معصومان است که بر اساس

۱. الذریعة، ج ۲۱، ص ۲۲۷؛ أعيان الشیعة، ج ۱۰، ص ۲۴۹؛ حلیة الأبرار، ج ۱، ص ۴۴۵. پانوش، محقق کتاب.

۲. الیقین، ص ۴۲۴.

۳. بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۳۵۶ و ۳۹۷.

۴. سعد السعود، ص ۷۹.

۵. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۷.

حروف الفبا، سامان یافته است و در پایان آن، فهرست‌های قابل استفاده‌ای نیز آمده است.^۱

۱۴. ابن خَرَّاز قمی (معاصر شیخ مفید)

علی بن محمد بن علی، مکتباً به ابو القاسم، ملقب به خَرَّاز و معروف به ابن خَرَّاز قمی؛ محدث، فقیه و متکلم. در مصادر، افزون بر «علی بن محمد بن علی»،^۲ گاه از «علی بن احمد بن علی»^۳ و یا «علی بن خَرَّاز رازی»^۴ یاد شده است. به قرینه توصیف او به «متکلم» و یگانگی تألیفات منتسب به اسامی یاد شده در مصادر کتاب‌شناسی، معلوم می‌شود که علی بن احمد همان علی بن محمد است که در مصادر رجالی از او یاد شده است.

ابن خَرَّاز، هم به رازی شهرت دارد و هم به قمی. این از آن روست که وی در قم و ری ساکن بود و در ری از دنیا رفت. ابن خَرَّاز به قرینه مشایخ بغدادی‌اش - چون: ابو مفضل شیبانی،^۵ ابن عیّاش جوهری،^۶ ابو الفرج معافی بن زکریای بغدادی^۷ -، مدّتی هم در بغداد بوده است. سال وفات وی، دانسته نیست. به قرینه مشایخ او - مانند: شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق)^۸ و ابن عیّاش جوهری (م ۴۰۱ ق) -، وی رامی‌توان معاصر شیخ مفید و ابن عیّاش دانست.^۹ ابن خَرَّاز، قابل اعتماد و سرشناس در کلام و فقه شیعه بود.^{۱۰}

۱. تراش، ۵۴، ص ۴۵۸-۴۵۹.

۲. رجال النجاشی، ص ۲۶۸؛ معالم العلماء، ص ۱۰۶؛ خلاصة الآوال، ص ۱۸۸؛ بحار الآثار، ج ۱، ص ۲۷.

۳. رجال الطوسی، ص ۴۳۰.

۴. فهرست طوسی، ص ۱۶۶.

۵. کفایة الآخر، ص ۱۱.

۶. همان، ص ۴۱.

۷. همان، ص ۲۰.

۸. همان، ص ۴۵، ۴۹ و ۵۱.

۹. همان، ص ۷، مقدّمه محقق.

۱۰. رجال النجاشی، ص ۲۶۸؛ فهرست، طوسی، ص ۱۶۶.

تألیفات

سه کتاب در زمینه کلام و فقه، به ابن خزّاز، نسبت داده شده است.

اثر چابی: ۱. کفایة الاثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر.

اثر نایاب: ۲. الإيضاح فی أصول الدین علی مذهب أهل البيت (علیهم السلام)، که با عنوان الإيضاح فی الاعتقاد نیز ذکر شده است.^۱

اثر نایابی که در منابع بعدی انعکاس یافته است: ۳. الأحکام الشرعية علی مذهب الإمامیة. گویا این کتاب، همان الأحکام الشیعیة است که در اختیار محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) بوده و وی روایتی را در باره دفن شبانه حضرت فاطمه (علیها السلام) به دست امام علی (علیه السلام)، از آن نقل کرده است.^۲

۱۵. عیاشی سمرقندی (م ۳۲۰ - ۳۲۹ ق)

محمد بن مسعود بن عیاش سمرقندی، مکنّا به ابو النضر و معروف به عیاشی؛ محدّث، مفسّر، فقیه ورجالی. سال وفات او معلوم نیست. به قرینه آن که وی دوست و استاد ابو عمرو کَشّی (م ۳۲۹ ق) و معاصر ابو جعفر کلینی (م ۳۲۹ ق) بوده، شاید فوت او بین ۳۲۰ تا ۳۲۹ ق، اتفاق افتاده باشد.^۳ عیاشی به پیروی از پدر، بر مذهب اهل سنت بود و در این مدّت، از مشایخ حدیث اهل سنت فراوان استفاده کرد.^۴ او در جوانی، به تشیّع گروید و از مشایخ حدیث کوفه، بغداد و قم حدیث شنید.^۵ عیاشی را صادق، موثق و از چهارهای برجسته امامیه^۶ جلیل القدر، واسع الأخبار، بصیر و آگاه به روایات خوانده اند؛^۷ اگرچه از ضعفا نیز بسیار روایت

۱. معالم العلماء، ص ۱۰۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۸۴.

۳. هدیة المارّین، ج ۲، ص ۳۲؛ کتابخانه ابن طاووس، ص ۵۴۵؛ معجم المؤلفین، ج ۱۲، ص ۲۰.

۴. رجال التجاشی، ص ۳۵۰.

۵. همان، ص ۳۵۱؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۸، ص ۲۴۲.

۶. رجال التجاشی، ص ۳۵۱.

۷. الفهرست، طوسی، ص ۲۱۱.

می‌کرد.^۱ تنها راوی او، فرزندش حیدر بن محمد سمرقندی است.^۲

تألیفات

شمار تألیفات عیاشی، بیش از دویست کتاب^۳ در زمینه‌های فقه (حدود ۱۰۷ کتاب)، تفسیر، دعا و زیارت، اخلاق و آداب، کلام، رجال، سیره، طب، نجوم و قیافه‌شناسی بوده است. همگی این آثار به جز تفسیر، نایاب‌اند. اثر چاپی: التفسیر.

۱۶. ابو عمرو کشی (م ۳۲۹ ق)

محمد بن عمر (عمیر) بن عبد العزیز، مکنّا به ابو عمرو و معروف به کشی؛ محدّث و رجالی. سال وفات او دانسته نیست. وی به قرینه مصاحبت با عیاشی^۴ و هم طبقه بودن با کلینی (م ۳۲۹ ق)،^۵ احتمالاً در سال ۳۲۸ ق فوت شده است.^۶ ابو عمرو کشی، اهل کش از توابع سمرقند بود. به قرینه آن‌که جعفر بن قولویه (م ۳۶۸ ق) و هارون بن موسی تلکبری از وی اجازه روایت گرفته‌اند،^۷ گویا او مدّتی در بغداد بوده است. اسامی مشایخ کشی در کتاب معرفة الرجال که به پنجاه نفر می‌رسند، نشان می‌دهد که اکثر آنها در ماوراء النهر؛ بویژه شهر کش، زندگی می‌کرده‌اند.^۸

کشی رجالی قابل اعتماد و بنام شیعه بود که به اخبار نیز آگاهی داشت.^۹ وی در

۱. رجال التجاشی، ص ۳۵۱.

۲. همان، ص ۳۱۵.

۳. الفهرست، طوسی، ص ۲۱۲-۲۱۵؛ رجال التجاشی، ص ۳۵۱-۳۵۳.

۴. رجال التجاشی، ص ۳۷۳.

۵. الذریعة، ج ۲، ص ۴۷۸ و ج ۲۱، ص ۲۶۲.

۶. همان، ج ۲، ص ۱۳۳.

۷. رجال التجاشی، ص ۳۷۳؛ رجال الطوسی، ص ۴۴۰.

۸. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۹۰-۲۹۶.

۹. رجال التجاشی، ص ۳۷۳؛ رجال الطوسی، ص ۴۴۰.

شمار دوازده شیخ اجازه معروف است.^۱ در مصادر، تنها یک زمینه رجال به کُشی نسبت داده شده است. این کتاب با عنوان‌های «کتاب الرجال»،^۲ «معرفة الرجال»^۳ و «معرفة النافلين عن الأئمة الصادقين (علیهم السلام)»^۴ ذکر شده است. رجال کُشی در اختیار نجاشی و شیخ طوسی بوده و آنان در تألیف دو کتاب رجال و فهرست، از آن استفاده کرده‌اند.^۵ شیخ طوسی گزیده این کتاب را در واپسین سال‌های عمر، در سال ۴۵۶ ق، بر شاگردان خود املا کرد.^۶ این گزیده با عنوان اختیار الرجال به ثبت رسیده است.^۷ از سده پنجم به بعد، کتاب الرجال کُشی نایاب شد و تنها اختیار الرجال باقی ماند.^۸

۱۷ و ۱۸. ابنا بسطام (م نیمه اول سده چهارم)

حسین بن بسطام و برادرش عبد الله بن بسطام، مکتباً به ابو عتاب و هر دو معروف به ابنا بسطام؛ محدث. از جزئیات زندگی این دو برادر، گزارشی در دست نیست. به قرینه آن‌که ابن عیّاش جوهری (م ۴۰۱ ق) بادی واسطه، از آن دو نقل کرده،^۹ می‌توان سال وفات آنها را نیمه نخست سده چهارم حدس زد. آنها اهل نیشابور بودند و در مصادر، به نیشابوری شهرت دارند.^{۱۰} ابنا بسطام از نیشابور به قزوین رفتند و در آن جا ساکن شدند.^{۱۱} این دو برادر توثیق نشده‌اند؛ بسطام بن شاپور زیّات مکتباً به

۱. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۸۵.

۲. رجال النجاشی، ص ۳۷۲؛ الفهرست، طوسی، ص ۲۱۷.

۳. الفهرست، طوسی، ص ۸۱.

۴. معالم العلماء، ص ۱۰۱.

۵. رجال النجاشی، ص ۲۱، ۳۴، ۳۶، ۳۸.

۶. فرج المهرموم، ص ۱۳۰.

۷. الفهرست، طوسی، ص ۲۴۲؛ معالم العلماء، ص ۱۵۰.

۸. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۸۵؛ معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۴۳ و ۹۵؛ کلیات فی علم الرجال، ص ۵۹.

۹. رجال النجاشی، ص ۳۹.

۱۰. همان، ص ۲۱۸؛ نقد الرجال، ج ۲، ص ۸۰.

۱۱. طب الأئمة (علیهم السلام)، ص ۱۵.

ابو الحسین واسطی، زکریّا، زیاد و حفص که عموهای آن دو بودند، در شمار محدّثان قابل اعتماد یاد شده‌اند.^۱

ابنا بسطام، از مشایخ بسیاری روایت کرده‌اند.^۲ محمد بن خلف قزوینی یکی از آنهاست.^۳ گویا این محمد بن خلف، همان محمد بن خلف طاطری است که ابن عیّاش جوهری از او روایت کرده^۴ و ابن جعابی نیز او را موثّق خوانده است.^۵

تألیفات

کتاب معروف این دو برادر، *طبّ الأئمة* نام دارد^۶ که در مصادر، با عنوان کتاب الطب^۷ ذکر شده است. این کتاب ضعف‌های بسیاری دارد. مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: عدم توثیق مؤلّفان آن،^۸ ضعف طریق نجاشی به آن - که ابن عیّاش جوهری است -^۹ و ضعف اسانید برخی روایات آن.^{۱۰} با این همه، شیخ حرّ عاملی، محمد باقر مجلسی و محدّث نوری، به این کتاب اعتنا و اعتماد کرده‌اند.^{۱۱} این اعتنا بدان جهت بوده که در این کتاب، احکام فرعی، بسیار کم آمده و از دیگر سو، در موضوع دعا و ادویه، تنها به اسانید قوی بسنده نمی‌شود.^{۱۲}

۱. رجال التجاشی، ص ۳۹؛ معالم العلماء، ص ۶۵؛ خلاصة الأقوال، ص ۸۱.

۲. طبّ الأئمة، مقدّمه محقق، ص ۱۳-۱۴.

۳. همان، ص ۱۵.

۴. مقتضب الأثر، ص ۶ و ۸.

۵. همان جا؛ قاموس الرجال، ج ۸، ص ۱۶۶؛ فهرس التراث، ج ۱، ص ۳۸۵.

۶. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۱ و ۳۰؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۴۳.

۷. رجال التجاشی، ص ۳۹.

۸. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۰.

۹. رجال التجاشی، ص ۸۶.

۱۰. طبّ الأئمة، ص ۱۴؛ مقدّمه آیه الله بروجردی، فهرس التراث، ج ۱، ص ۳۸۵.

۱۱. ر.ک: مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۸۷ و ۳۹۶ و ۴۰۹.

۱۲. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۰؛ طبّ الأئمة، بروجردی، ص ۱۴، مقدّمه آیه الله.

۱۹. ابو الجیش بلخی (م ۳۶۷ ق)

مظفر بن محمد بن احمد بلخی، مکنّا به ابو الجیش (ابو الحسن) و معروف به ابو الجیش بلخی؛ محدث و متکلم. کنیه این محدث در مصادر، ابو الجیش^۱ و گاه ابو الحسن^۲ ذکر شده است. جزئیات زندگی وی دانسته نیست. او اهل بلخ، از توابع خراسان بود و به بلخی و گاه خراسانیشتهار یافت. به قرینه استماع شیخ مفید از او،^۳ وی به بغداد رفته است. ابو الجیش اخبار شناس و متکلمی برجسته بود. وی در کلام، شاگرد متکلم معروف شیعی، ابو سهل نوبختی بود.

تألیفات

ابو الجیش در زمینه کلام، مناقب و مثالب و رجال، کتاب نوشت. آثار نایاب: ۱. کتابی در مثالب موسوم به فعلت فلا تلم، ۲. الإمامة، ۳. نقض کتاب العثمانیه جاحظ، ۴. الکمال، ۵. بعض ما روی من مناقب الرجال، ۶. فذک، ۷. الأرزاق و الآجال. این آثار همگی نایاب‌اند.

کتاب مناقب او که با عنوان الکمال،^۴ خصال الکمال،^۵ خصال الکمال و بعض ما روی من مناقب الرجال^۶ و رجال ابی الجیش^۷ آمده، تا سده ششم نیز در دسترس بود. ابن شهر آشوب (م ۵۷۹ ق) یک روایت^۸ و محمد باقر مجلسی با واسطه، از آن نقل کرده‌اند.^۹

۱. رجال التجانی، ص ۴۲۱؛ فهرست، طوسی، ص ۲۵۱؛ معالم العلماء، ص ۱۵۹.

۲. المناقب، ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۳۶۵.

۳. رجال التجانی، ص ۴۲۱؛ فهرست طوسی، ص ۲۵۱.

۴. معالم العلماء، ص ۱۵۹.

۵. المناقب، ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۳۸۵.

۶. الذریعة، ج ۷، ص ۱۶۳.

۷. الذریعة، ج ۱۰، ص ۱۵۱.

۸. المناقب، ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۳۸۵.

۹. بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۳۲۲.

۲۰. ابن ابی ثلج بغدادی (زنده در ۲۳۷-۳۲۵ ق)

محمد بن احمد بن محمد بن عبد الله بن اسماعیل کاتب، مکنّا به ابو بکر و معروف به ابن ابی ثلج بغدادی؛ محدّث، مورّخ، فقیه و مفسّر. جزئیات زندگی او معلوم نیست. وی در بغداد بود و چهره‌ای برجسته، قابل اعتماد و کثیر الحدیث شناخته می‌شد.^۱ اگرچه ابن ندیم (م ۳۵۷ ق) وی را «خاصی، عامی» - با تأکید بر غلبه تشیع او - یاد کرده،^۲ در مصادر شیعی بر امامی مذهب بودن او اتفاق نظر وجود دارد. ابو مفضل شیبانی، سلامة بن محمد ارزنی،^۳ معافا بن زکریّا ابو الفرج،^۴ هارون بن موسی تلکبری در سال ۳۲۲-۳۲۵ ق، و ابو بکر دوری (م ۳۷۹ ق)، از وی حدیث شنیده‌اند. ابو بکر دوری بیش از سایر افراد یادشده، از ابن ابی ثلج روایت کرده است.^۵ ابن ابی ثلج از مشایخ حدیث شیعه^۶ و مشایخ حدیث اهل سنت - چون دار قطنی، ابن شاهین و یوسف قواس - حدیث شنید.^۷

تألیفات

آثار او در زمینه رجال، فضائل، تفسیر، تاریخ و آداب است.

- آثار نایاب: ۱. التّزلیل فی امیر المؤمنین (کتاب ما نزل من القرآن فی امیر المؤمنین علیه السلام)، ۲. البشری و الزلفی فی فضائل الشیعة، ۳. أخبار النساء الممدوحات، ۴. أخبار فاطمة و الحسن و الحسين علیهم السلام، ۵. کتاب من قال بالتفضیل من الصحابة، ۶. کتاب أسماء امیر المؤمنین علیه السلام، ۷. تفسیر القرآن، ۸. السنن والآداب علی مذهب العامة، ۹. فضائل الصحابة، ۱۰. کتاب الاختیار

۱. رجال النجاشی، ص ۳۸۱؛ الفهرست، طوسی، ص ۲۳۰؛ معالم العلماء، ص ۱۴۳؛ خلاصة الاقوال، ص ۲۶۶.

۲. فهرست ابن ندیم، ص ۲۸۹.

۳. رجال النجاشی، ص ۸ و ۳۸۲؛ الفهرست، طوسی، ص ۲۳۰. رجال الطوسی، ص ۴۴۸.

۴. فهرست منتخب الدین، ص ۳۵۶.

۵. رجال الطوسی، ص ۴۴۳.

۶. رجال النجاشی، ص ۸؛ ایضاح الاشتباه، ص ۱۸۸-۲۸۹.

۷. فهرست ابن ندیم، ص ۳۷؛ قاموس الرجال، ج ۸، ص ۳۵.

من الأسانید.^۱

کتاب التزئیل فی أمر المؤمنین علیه السلام تا سده هفتم موجود بود. ابن طاووس (م ۶۶۲ ق) با نقل چهار حدیث از آن، متذکر شده که نسخه‌ای قدیمی از آن را در اختیار دارد که به احتمال فراوان، هنگام حیات مؤلف نگاشته شده است.^۲

اثر چاپی: ۱۱. تاریخ الاثمة علیه السلام.

۲۱. ابن جحام (زنده در ۳۲۸ ق)

محمد بن عباس بن علی بن مروان بن ماهیار، مکنّا به ابو عبد الله و ملقب به بزّاز و معروف به ابن جحام؛ محدّث، فقیه و قرآن‌پژوه. نام معروف وی به اختلاف گزارش‌ها، ابن جحام^۳ و ابن جحام^۴ ذکر شده است. سال وفات وی معلوم نیست. به قرینه نقل و اجازه روایت هارون بن موسی تلکبری از وی در سال ۳۲۸ ق، او در این سال یا پس از آن فوت شده است. ابن جحام، اهل باب الطاق بغداد بود.^۵ به قرینه مشایخ قمی و بغدادی وی - چون: ابن عقده، محمد بن جعفر رزّاز، حسن بن محمد بن جمهور عمی، ابن ادریس قمی و ابن همام اسکافی -^۶ او به قم نیز رفته است. ابن جحام، کثیر الحدیث بود و در شمار معدود محدّثان شیعه‌ای شناخته می‌شود که نجاشی دوبار، او را توثیق کرده است.^۷

تألیفات

آثار ابن جحام، در زمینه تفسیر و قرآن‌شناسی و نیز فقه است.

۱. فهرست ابن ندیم، ص ۲۸۹.

۲. یقین، ص ۵۷-۶۰.

۳. رجال التجاشی، ص ۳۷۸؛ خلاصة الأقوال، ص ۲۶۵.

۴. رجال الطوسی، ص ۴۴۳؛ الفهرست، طوسی، ص ۲۲۸؛ معالم العلماء، ص ۱۷۷.

۵. رجال الطوسی، ص ۴۴۳؛ الذریعة، ج ۳، ص ۳۰۴.

۶. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابن جحام».

۷. رجال التجاشی، ص ۳۷۸.

آثار نایاب: ۱. المقنع فی الفقه، ۲. الدواجن، ۳. ما نُزل من القرآن فی أهل البيت علیهم السلام، ۴. قراتة أهل البيت علیهم السلام، ۵. قراتة أمير المؤمنين، ۶. الناسخ و المنسوخ، ۷. التفسیر الکبیر، ۸. تأویل ما نُزل فی النبی و آلہ علیهم السلام.^۱

کتاب ما نُزل من القرآن فی أهل البيت علیهم السلام، که تا سده دهم - و گویا تا دوازدهم نیز - موجود بوده،^۲ کتابی پر حجم در هزار برگ بوده است.^۳ ابن طاووس (م ۶۶۲ ق) نسخه‌ای از آن را که در دو مجلد بزرگ و در ده جزء سامان یافته بوده - در اختیار داشته است.^۴

۲۲. ابن همام اسکافی (م ۳۳۲ - ۳۳۶ ق)

محمد بن ابی بکر همام بن سهیل، مکنّا به ابو علی، ملقب به کاتب و معروف به ابن همام اسکافی؛ محدث و مورخ. زادگاه ابن همام معلوم نیست. به قرینه مشایخ قمی اش - چون: عبد الله بن جعفر حمیری، احمد بن ادریس قمی و ابن جمهور عمی -^۵ مدتی در قم به سر برده؛ ولی به قرینه راویان بغدادی اش - چون: ابو الحسن جندی، ابو غالب رازی، ابن قولویه، نعمانی و تلکبری -^۶ و این کلام خطیب بغدادی (م ۴۶۳ ق) که: «ابن همام در سوق العطش ساکن بود و در قبرستان قریش به خاک سپرده شد»^۷ باید محل اصلی سکونت وی را بغداد دانست.

خانواده ابن همام مجوسی بودند و پدر وی نخستین فرد از این خانواده بود که به اسلام و تشیع گروید.^۸ وفات ابن همام را به اختلاف، در سال

۱. ریاض العلماء، ج ۵، ص ۱۴۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۳۸، ص ۲۴۷؛ حلیة الأنوار، ج ۲، ص ۴۰۸؛ مدینه المعاجز، ج ۱، ص ۲۰۴.

۳. رجال التجانی، ص ۳۷۸.

۴. الیقین، ص ۲۷۹.

۵. معجم رجال الحدیث، ج ۱۵، ص ۲۴۶.

۶. رجال التجانی، ص ۱۲۲، ۲۴۵ و ۳۷۵؛ الفهرست، طوسی، ص ۱۴۱ و ۲۱۷؛ رجال الطوسی، ص ۴۹۴ و ۴۳۸.

۷. تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۱۳۵ - ۱۳۶.

۸. رجال التجانی، ص ۳۷۶.

۱۳۳۶ و ۳۳۲ ق،^۲ دانسته‌اند.

وی امانتدار و کثیرالروایه بود^۳ و مشایخ سنی نیز داشت.^۴ وی در بسیاری از طرق رجال نجاشی و فهرست طوسی واقع شده و بسیاری از روایات و اخبار مربوط به امام زمان (عج) و غیبت او و نایبان چهارگانه آن حضرت، به واسطه او نقل شده است.^۵

تألیفات

سه کتاب به ابن همام نسبت داده شده است.

اثر نایاب: ۱. المزار، که یکی از مصادر با واسطه و سائل الشيعة است.^۶
آثار چاپی: ۲. الآثار فی تاریخ الأئمة الأطهار عليهم السلام^۷ - که با عنوان الأنوار نیز از آن یاد شده است -،^۸ التمهيص.

۲۳. مظفر بن جعفر بن حسین (زنده در نیمه نخست سده چهارم)

نام مظفر بن جعفر بن حسین (حسن)، در مصادر رجالی و کتاب‌شناسی، ذکر نشده است و نخستین کسی که از وی نام برد، ابن طاووس (م ۶۶۲ ق) بود که نسخه‌ای با عنوان الرسالة الموضحة، در کتاب‌خانه اصلی و قدیمی مدرسه نظامیه بغداد پیدا کرد. وی بارها از مؤلف این نسخه با نام مظفر بن جعفر یاد کرده و متذکر شده که این

۱. خلاصة الأحوال، ص ۲۴۷.

۲. رجال الطوسی، ص ۴۳۸؛ تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۱۳۵-۱۳۶.

۳. رجال التجاشی، ص ۳۷۸؛ الفهرست، طوسی، ص ۱۴۱ و ۲۱۷.

۴. تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۱۳۵-۱۳۶.

۵. التمهيص، ص ۱۷-۲۸، مقدمه محقق.

۶. وسائل الشيعة، ج ۲۰، ص ۴۸.

۷. رجال التجاشی، ص ۳۷۸.

۸. الفهرست، طوسی، ص ۱۴۱ و ۲۱۷؛ عيون المعجزات، ص ۱۰۰؛ فرحة القرى، ص ۱۲۹.

نسخه، به خط مؤلف است.^۱ نام جد مؤلف به اختلاف، حسین^۲ و حسن^۳ ضبط شده است. سال وفات و محل زندگی مظفر بن جعفر، معلوم نیست. به قرینه برخی از مشایخ او - چون: ابن عقده (م ۳۳۲ ق)،^۴ ابو علی بن همام (م ۳۳۶ ق)،^۵ و ابو مفضل شیبانی^۶ - می توان گفت که در نیمه نخست سده چهارم، در بغداد زندگی می کرده است.

در گزارشی، مظفر بن جعفر از ابو مفضل شیبانی و او از کتاب ابن جریر طبری، روایتی را درباره نام گذاری امام علی (ع) به «امیر المؤمنین» توسط پیامبر (ص) نقل کرده است؛^۷ اگرچه در گزارشی دیگر، مظفر بن جعفر بی واسطه، از ابن جریر روایت می کند.^۸ به قرینه گزارش اول، به نظر می رسد که گزارش دوم نیز با واسطه کتاب ابن جریر بوده، نه نقل بی واسطه. نیز به قرینه آن که کتابی با عنوان غدیر خم، به ابن جریر طبری نسبت داده شده^۹ و خطیب بغدادی (م ۴۶۳ ق) نیز از ابن جریر طبری صاحب تاریخ نام برده،^{۱۰} این احتمال تقویت می شود که واسطه، ابن جریر طبری سنی بوده است؛ اگرچه آقا بزرگ تهرانی، احتمال ابن جریر طبری امامی را قوی دانسته است.^{۱۱}

۱. الیقین، ص ۱۰۹، ۱۱۰، ۳۶۲ و ۳۷۱.

۲. همان، ص ۱۰۹.

۳. همان، ص ۳۶۸ و ۱۱۰.

۴. همان، ص ۳۶۳.

۵. همان، ص ۳۶۲.

۶. همان، ص ۳۶۸.

۷. همان، ص ۳۶۸.

۸. همان، ص ۱۰۹.

۹. الذریعة، ج ۱۶، ص ۲۵.

۱۰. تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۱۶۲، ش ۵۸۹.

۱۱. الذریعة، ج ۱۶، ص ۲۵.

تألیف

به قرینه آنچه ابن طاووس از کتاب مظفر بن جعفر، یعنی الرسالة الموضحة نقل کرده،^۱ می‌توان حدس زد که این کتاب، درباره امامت و ولایت امام علی علیه السلام است. محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) نیز با واسطه کتاب یقین، از آن نقل کرده است.^۲

۲۴. مسعودی (م ۳۴۵-۳۴۶ ق)

علی بن حسین بن علی، مکنّا به ابو الحسن و معروف به مسعودی؛ محدث، مورخ، فقیه، متکلم و منجم. مسعودی در عراق، زاده شد.^۳ وی در دو کتاب مروج الذهب والتنبيه والإشراف، آورده که در عراق زاده شد و به فارس، کرمان، هند، مولتان، فلسطین و مصر سفر کرد. جالب است که مسعودی، تاریخ این سفرها را نیز ذکر کرده است.^۴ بر پایه این اطلاعات، او تا سال ۳۰۱ ق، در بغداد بوده و از آن پس، تا سال ۳۴۴ ق، پی در پی سفر کرده است.^۵ مسعودی در سال‌های ۳۴۵-۳۴۶ ق، در مصر از دنیا رفت.^۶

بحثنی در مذهب مسعودی

در مصادر شیعه و سنی، درباره مسعودی، اطلاعات چندانی به چشم نمی‌خورد. ابو عمرو کثی (م ۳۲۹ ق) و ابن طاووس (م ۶۶۲ ق) وی را از نگاه فریقین، قابل اعتماد و امانتدار در حدیث خوانده‌اند^۷ و با وصف «شیخ

۱. یقین، ص ۱۰۹-۱۱۰ و ص ۳۶۲-۳۷۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۳۴۴.

۳. لسان المیزان، ج ۴، ص ۲۲۵.

۴. التنبيه والإشراف، ص ۷ مقدمه محقق؛ فهرس التراث، ج ۱، ص ۳۸۸.

۵. همان جا.

۶. سیر أعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۵۶۹ لسان المیزان، همان جا.

۷. اختیار الرجال، ج ۱، ص ۱۰۰.

فاضل»،^۱ ستوده‌اند. مسعودی از مشایخ حدیث ابن ابی زینب نعمانی در کتاب الغیبة^۲ و شیخ اجازه ابو مفضل شیبانی است.^۳ با این حال، مذهب مسعودی روشن نیست. آیا وی شیعه بوده یا سنی و اگر شیعه بوده، بر مذهب امامی بوده یا شیعه به معنای عام؟ در این باره، دو دیدگاه دیده می‌شود. دیدگاه نخست - که گویا بر طرفدار نیز است - وی را امامی می‌داند. ابن ادریس حلی (م ۵۷۸ ق)،^۴ ابن طاووس^۵ و محدث نوری (م ۱۳۲۰ ق)^۶ این گونه اندیشیده‌اند. قرینه بر این قول، سکوت نخستین مصادر رجالی و کتابشناسی امامیه درباره مذهب مسعودی را می‌توان قرینه این دیدگاه شمرد؛ چرا که این منابع، به قصد معرفی کتاب‌ها، مؤلفان و رجال امامیه تألیف شده‌اند، پس صرف نام بردنشان از کسی، به معنای امامی بودن او تواند بود. در میان چنین منابعی، فهرست نجاشی را در این ویژگی، برجسته‌تر باید شمرد؛ زیرا وی معمولاً به مذهب افراد منحرف اشاره می‌کند و از دیگر سو، نزدیک‌ترین کتاب‌شناس به عصر مسعودی، و آگاه‌ترین و خبره‌ترین رجالی نیز شناخته می‌شود. پس سکوت وی، می‌تواند قرینه‌ای قوی بر تشیع امامی مسعودی باشد.^۷ چنین نگرشی، در استدلال‌های محمد باقر مجلسی نیز درباره مذهب دیگر افراد مشکوک، دیده می‌شود. محدث نوری افزون بر آنچه گذشت، به شواهدی در کتاب مروج الذهب، و إثبات الوصیة مسعودی، بویژه إثبات الوصیة، اشاره کرده است. به عقیده محدث نوری، کتاب اثبات الوصیة به تنهایی، دلیلی روشن و انکارناپذیر بر تشیع امامی

۱. فرج المهموم، ص ۱۲۶.

۲. الغیبة، ص ۱۸ مقدمه محقق؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۲۴.

۳. رجال النجاشی، ص ۲۵۴.

۴. السرائر، ج ۱، ص ۱۶۱.

۵. فرج المهموم، همان جا.

۶. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۱۹-۱۲۲.

۷. همان، ج ۱، ص ۱۱۹.

مسعودی است، ولی کتاب مروج الذهب - اگرچه قراین شایان توجه و اطمینان‌آوری دارد -،^۱ گویا تحت فشار خاص محیط آن روز، نوشته شده و مؤلف از سرِ تَقِیه، کتاب را به سبک و سیاق اهل سنت، تألیف کرده است.^۲

دیدگاه دوم، مسعودی را بر مذهب اهل سنت و دست بالا، شیعه به معنای عام آن می‌داند. همانند برخی از مصادر اهل سنت،^۳ گروهی از رجال‌شناسان امامی نیز - مانند: آقا محمد علی فرزند وحید بهبهانی و صاحب کتاب مقام الفضل^۴ و معاصرانی چون محمد جواد شبیری زنجانی -،^۵ این دیدگاه را درست می‌دانند.

تألیفات

مسعودی در زمینه تاریخ، جغرافیا و نجوم، کتاب تألیف کرد. وی در مقدمه کتاب التنبیه و الإشراف، به برخی از کتاب‌های خود و ترتیب و ارتباط مباحث آنها، اشاره کرده است.^۶

آثار نایاب: ۱. المقالات فی الأصول والدیانات، ۲. الزلف، ۳. الاستبصار، ۴. سر الحیاة، ۵. نشر الأسرار، ۶. الصفوة فی الإمامة، ۷. الفهرست.^۷

آثار چاپی: ۸. أخبار الزمان، ۹. إنبات الوصیة لعلی بن أبی طالب، ۱۰. مروج الذهب و معادن الجوهر، ۱۱. التنبیه و الإشراف.

۲۵. ابن ابی زینب نعمانی کاتب (م ۳۴۲ ق)

محمد بن ابراهیم بن جعفر، مکنّا به ابو عبد الله، ملقب به کاتب و معروف به

۱. مروج الذهب ج ۱، ص ۴۲، ج ۲، ص ۴۲۶.

۲. خاتمة مستدرک الوسائل، همان جا.

۳. سیر أعلام النبلاء، همان جا؛ لسان العیزان، همان جا.

۴. خاتمة مستدرک ج ۱، ص ۱۱۸ - ۱۱۹.

۵. فصلنامه انتظار، ج ۵ ص ۲۵ - ۴۵.

۶. التنبیه و الإشراف، ص ۳.

۷. التنبیه و الإشراف، همان جا؛ رجال النجاشی، همان جا؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۱۸۰ - ۱۸۱.

ابن زینب (ابن ابی زینب) نعمانی؛ محدّث، مفسّر و متکلم. زادگاه و سال وفات نعمانی، معلوم نیست؛ ولی به قرینه تاریخ‌هایی که خود در کتاب الغیبة ذکر کرده، وی در سال ۳۱۳ ق، در شیراز بوده^۱ و پس از آن به بغداد رفته^۲ و در سال‌های ۳۲۷ تا ۳۳۳ ق، در آن جا اقامت داشته است.^۳ نعمانی در سال ۳۳۳ ق، به بلاد شام رفت و در آن جا در دیار طبریه، دمشق و حلب، با مشایخ حدیث آن نواحی دیدار کرد و سرانجام در شهر حلب و شاید در سال ۳۴۲ ق، وفات کرد.^۴ نعمانی از مشایخ گران‌مایه امامیه، و معروف به امانتداری و گستردگی حدیث بود.^۵ وی از مشایخ زیدیه و اهل سنت نیز حدیث شنید.^۶ ابو غالب رازی^۷ و ابو الحسن محمد بن علی شجاعی (بجلی)،^۸ از وی روایت کرده‌اند.

تألیفات

نعمانی در زمینه غیبت امام دوازدهم، تفسیر، کلام و فقه، کتاب تألیف کرد. در مصادر، شش کتاب به وی نسبت داده شده است.^۹

آثار نایاب: ۱. الفرائض، ۲. الردّ علی الإسماعیلیة.

اثر چاپی: ۳. الغیبة، ۴. التفسیر.

آثار نایابی که مطالبشان، در منابع بعدی گزارش شده است: ۵. کتاب التسلّی، که

۱. الغیبة، ص ۶۲.

۲. رجال التجاشی، ص ۳۸۳.

۳. الغیبة، نعمانی، ص ۱۸، ۳۷، ۱۳۴، ۱۴۹ و ۲۸۶.

۴. الغیبة، نعمانی، ص ۱۸، مقدّمه محقق.

۵. رجال التجاشی، همان جا؛ خلاصة الأقوال، ص ۱۶۲؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۲۳۳.

۶. الغیبة، نعمانی، ص ۱۰۲-۱۰۷؛ نیز، رک: الغیبة، نعمانی، ص ۱۴-۱۵، مقدّمه محقق.

۷. رسالة أبي غالب، ص ۹۶ و ۱۷۹.

۸. الغیبة، نعمانی، ص ۱۸.

۹. رجال التجاشی، همان جا؛ معالم العلماء، ص ۱۵۳؛ أمل الآمل، همان جا؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۵؛ فرج

المهموم، ص ۹۵.

در اختیار سید مرتضی (م ۴۳۶ ق) بوده و وی بدون واسطه، و محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) با واسطه، از آن روایت کرده‌اند.^۱

۶. کتاب الدلائل نیز تا سده هفتم در دسترس بوده و ابن طاووس (م ۶۶۲ ق) از بخش نهم آن^۲ نقل کرده و محمد باقر مجلسی نیز با واسطه ابن طاووس، همان مطالب را نقل کرده است.^۳

۲۶. ابن جعابی (م ۳۵۵ ق)

محمد بن عمر بن محمد بن سلم تمیمی، مکتابه ابو بکر و معروف به ابن جعابی؛ محدث ورجالی. نام این محدث را به اختلاف، محمد^۴ و عمر^۵ ذکر کرده‌اند. گویا وی در بغداد، زاده شد و در همان جا سکونت گزید. او به موصل، مصر، حلب و دمشق نیز سفر کرد و سرانجام در سال ۳۵۵ ق، در بغداد درگذشت.^۶ ابن جعابی از مشایخ حدیث و رجال اهل سنت نیز بهره فراوان برد.^۷ وی به قوت حافظه شهرت داشت و بر پایه گزارشی، دوست تا چهار صد هزار حدیث از حفظ داشت.^۸ شیخ مفید، ابن عبدون و ابن غضائری، از وی روایت کرده‌اند.^۹

تألیفات

در مصادر سیزده کتاب برای ابن جعابی ذکر شده است. از عناوین کتاب‌های وی،

۱. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۳۱۳.

۲. فرج المهموم، ص ۹۵.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۱۶۲.

۴. رجال التجاشی، ص ۳۹۴؛ تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۲۳۶؛ الفهرست، طوسی، ص ۲۲۹.

۵. الفهرست، طوسی، ص ۱۸۵.

۶. تاریخ بغداد، همان جا، ص ۲۴۱.

۷. همان، ج ۳، ص ۲۳۸؛ الفهرست، طوسی، همان جا.

۸. رجال التجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا؛ تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۲۳۷.

۹. رجال التجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا.

برداشت می شود که زمینه آثار او، رجال (هفت عنوان) و تکنگراری در اخبار برخی از اشخاص و شهرها بوده است. براساس گزارشی، ابن جعابی در آستانه فوت به فرزندش توصیه کرد که کتاب های او را بسوزاند و فرزند نیز چنین کرد. در این حادثه، افزون بر کتب ابن جعابی، بسیاری از کتب دیگر محدثان نیز از بین رفت.^۱

آثار نایاب: ۱. تسمیه من روی الحديث و غیره من العلوم و من کانت له صناعة و مذهب و نحلة، ۲. الشیعة من أصحاب الحديث و طبقاتهم، ۳. من حدّث هو و والده عن النبی ﷺ، ۴. من روی حدیث غدیر خم، ۵. طرّق من روی عن امیر المؤمنین: «لا یحبّنی الا مؤمن ولا یبغضنی الا منافق»، ۶. ذکر من روی مواخاة النبی ﷺ لأمیر المؤمنین ﷺ، ۷. الموالی الأشراف و طبقاتهم، ۸. من روی الحديث من بنی هاشم و موالیهم، ۹. اختلاف ابی بن کعب و ابن مسعود فی لیلۃ القدر و طرّق ذلك، ۱۰. أخبار آل أبی طالب، ۱۱. أخبار بغداد و طبقات أصحاب الحديث بها، ۱۲. مسند عمر بن علی بن أبی طالب ﷺ، ۱۳. أخبار علی بن الحسین ﷺ.^۲

این کتاب ها همگی نایاب اند. ابن شهر آشوب (م ۵۸۹ ق) گزارش داده که ابن جعابی، حدیث غدیر را از ۱۲۵ طریق، روایت کرده است؛^۳ پس می توان حدس زد که وی کتاب «من روی حدیث غدیر خم» را در اختیار داشته است. ذهبی نیز از کتاب من حدّث هو و والده، نقل کرده است.^۴

۲۷. ابو الحسن قاضی (م ۳۵۶ ق)

علی بن محمد بن عبد الله قزوینی، مکنّا به ابو الحسن و معروف به قاضی؛ محدّث. جزئیات زندگی وی، دانسته نیست و همین اندازه می دانیم که او اهل قزوین بوده^۵ و

۱. تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۲۴۲؛ لسان المیزان، ج ۱، ص ۳۸.

۲. رجال التجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا؛ معالم العلماء، ص ۱۰۷؛ الذریعة، ج ۱۴، ص ۲۷۱.

ج ۱۵، ص ۱۵۱، ج ۱۰۳، ۱۴۰.

۳. المناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۲۵.

۴. لسان المیزان، همان جا.

۵. تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۸۵.

در سال ۳۵۶ ق، به بغداد رفته است. نجاشی وی را محدّثی شایسته اعتماد دانسته است.^۱ قاضی قزوینی نخستین کسی بود که برخی از کتاب‌های عیاشی را به بغداد برد.^۲ وی در بغداد، از هارون بن موسی تلعکبری^۳ و حسین بن عبید الله غضائری،^۴ حدیث شنید. به قرینه ورود او به بغداد در سال ۳۵۶ ق، و استماع حدیث از مشایخ بغدادی، می‌توان حدس زد که قاضی قزوینی، دست کم یک سال پس از این تاریخ فوت شده باشد.

تألیفات

دو کتاب به قاضی قزوینی نسبت داده شده است: ۱. ملح الأخبار، ۲. تسمیه مولانا علی رحمته الله بآمیر المؤمنین. ابن طاووس، کتاب اخیر را در اختیار داشته و روایاتی را با اسناد کامل، از آن نقل کرده است.^۵

۲۸. ابو طالب انباری (م ۳۵۶ ق)

عبید الله (عبد الله) بن ابی زید بن احمد بن یعقوب بن نصر انباری، مکنّا به ابو طالب و معروف به ابو طالب انباری؛ محدّث و متکلم. نام ابو طالب انباری به اختلاف، عبید الله^۶ و عبد الله^۷ ذکر شده است. نام پدر و جدّ وی نیز به اختلاف، ابو زید بن احمد^۸ و احمد بن ابی زید^۹ آمده است. وی اهل واسط و ساکن آن جا

۱. رجال النجاشی، ص ۲۶۷.

۲. رجال النجاشی، همان جا.

۳. الیقین، ص ۱۸۸ و ۱۹۰.

۴. الذریعة، ج ۲۲، ص ۱۹۷.

۵. الیقین، ص ۱۸۶، ۹۸ و ۱۹۰.

۶. رجال النجاشی، ص ۲۳۲.

۷. رجال الطوسی، ص ۴۳۲؛ الفهرست، طوسی، ص ۱۶۹.

۸. رجال النجاشی، همان جا.

۹. الفهرست، طوسی، همان جا.

بود^۱ و به بغداد نیز سفر کرد.^۲ ابو طالب انباری، سرانجام در سال ۳۵۶ ق، در واسط در گذشت.^۳ ابو طالب انباری، نخست بر مذهب واقعی بود، تا این که در واپسین سال های زندگی، به تشیع امامی گرایید.^۴ از این رو، در وثاقت او تردید کرده اند و در برخی مصادر، به جهت سابقه طولانی اش در مذهب واقعی، تضعیف شده است.^۵ برخی دیگر بر توثیق وی، تصریح کرده اند.^۶ در هر حال، نام ابو طالب انباری، در بیش از صد طریق در رجال نجاشی و فهرست طوسی به چشم می خورد. شیخ مفید، ابن غضائری، تلکبری، ابن نوح سیرافی و ابن عبدون، از او روایت کرده اند.^۷

تألیفات

ابو طالب انباری پر تألیف بود. در مصادر، ۱۴۰ عنوان کتاب، به وی نسبت داده شده است که از این شمار، از نوزده عنوان نام برده شده است. زمینه آثار او، طرق و رجال احادیث خاص، کلام، دعا، زیارت، فضائل و تک نگاری اخبار حضرت فاطمه علیها السلام بوده است. از میان آثار وی - که البته همگی نایاب اند - می توان نام برد:

۱. طرق حدیث غدیر، ۲. طرق حدیث الراية، ۳. طرق حدیث المزیلة، ۴. طرق حدیث الطائر، ۵. طرق حدیث قسیم النار، ۶. کتاب فدک، ۷. مزار اُبی عبد الله، ۸. ادعیه الأئمة علیهم السلام، ۹. التفضیل، ۱۰. أخبار فاطمة علیها السلام، ۱۱. التوحید، ۱۲. الإمامة، ۱۳. أسماء أمير المؤمنين علیه السلام، ۱۴. مسند خلفاء بنی العباس.

گویا کتاب أسماء أمير المؤمنين علیه السلام، در اختیار ابن طاووس بوده؛ چرا که وی روایاتی

۱. الفهرست، طوسی، همان جا.

۲. رجال التجاشی، همان جا.

۳. الفهرست، طوسی، همان جا.

۴. رجال التجاشی، همان جا.

۵. الفهرست، طوسی، همان جا؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۰۳.

۶. رجال التجاشی، همان جا؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ص ۴۰۴.

۷. رجال التجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا؛ خاتمة مستدرک الوسائل، همان جا.

را درباره نام‌گذاری امام علی علیه السلام به «امیر المؤمنین»، از آن نقل کرده است.^۱

۲۹. ابو عبد الله صفوانی (زنده در نیمه نخست سده چهارم)

محمد بن احمد بن عبد الله بن قُصاعة بن مهران بن جمال، مکنی به ابو عبد الله و معروف به ابو عبد الله صفوانی؛ محدث، فقیه و متکلم. وی از اولاد صفوان بن مهران، صحابی امام صادق علیه السلام بود و در بغداد سکونت داشت.^۲ به قرینه روایت او از علی بن ابراهیم قمی^۳ و ابو جعفر کلینی،^۴ و نیز روایت ابن نوح سیرافی از وی در بصره^۵ و مباحله او با قاضی موصل درباره امامت،^۶ می‌توان دریافت که وی به بصره، موصل، قم وری سفر کرده است. ابو عبد الله صفوانی در فقه و حدیث. دانشی گسترده داشت^۷ و مورد اعتماد و بزرگ امامیه شناخته می‌شد.^۸ ابن نوح سیرافی، هارون بن موسی تلعبیری و شیخ مفید، از او روایت کرده‌اند.^۹

تألیفات

وی در زمینه فقه، کلام و حدیث، دست به تألیف زد.

آثار نایاب: ۱. الکشف والحجة، ۲. یوم و لیلۃ، ۳. المنازل، ۴. ثواب القرآن، ۵. الردُّ علی الواهقه، ۶. الغیبه و کشف الحیره، ۷. الإمامة، ۸. الطلاق الثلاثه، ۹. الجامع فی الفقه، ۱۰. غرر الأخبار و نوادر الآثار، ۱۱. حجة آل الرسول صلی الله علیه و آله.

۱. الیقین، ص ۲۲۱.

۲. رجال الطوسی، ص ۴۴۳.

۳. رجال الطوسی، همان جا.

۴. الذریعة، ج ۲، ص ۳۳۳.

۵. رجال النجاشی، ص ۵۹.

۶. همان، ص ۳۹۳.

۷. الفهرست، طوسی، ص ۲۰۸.

۸. رجال النجاشی، ص ۳۹۳.

۹. رجال الطوسی، همان جا.

آثار نایابی که گزارش‌هایی از آنها، در منابع متأخر آمده است: ۱۲. اُس العلم و تأذیب المتعلم، که در سده ششم در اختیار ابن ادریس حلی (م ۵۹۸ ق) بوده و وی در السرائر، روایاتی را به صورت مرسل، در باره حقیقت محبت امام علی علیه السلام از آن نقل کرده است.^۱ این کتاب از سده هفتم به بعد، نایاب شد. محمد باقر مجلسی، تنها دو روایت را با واسطه السرائر، از آن نقل کرده است.^۲

۱۳. الإحن و المحن، که در اختیار ابن شهر آشوب بوده و وی در مناقب، روایاتی را از آن نقل کرده که موضوعشان مختلف، و اسناد بیشتر آنها مرسل است.^۳ این کتاب پس از ابن شهر آشوب، نایاب شد. محمد باقر مجلسی، با واسطه کتاب مناقب ابن شهر آشوب، از آن نقل کرده است.^۴

اثر خطی: ۱۴. التعریف این کتاب در سده هفتم، در اختیار ابن طاووس بوده و وی یک روایت از آن را در باره نماز ماه رمضان، نقل کرده و متذکر شده که نسخه‌ای از کتاب التعریف را که در سال ۴۱۲ ق، نگارش یافته است، در اختیار دارد.^۵ نسخه دیگری از این کتاب که محدث نوری آن را به خط شهید ثانی، در سه صفحه نقل کرده است، در کتاب خانه آیه الله نجفی مرعشی (مجموعه شماره ۷۵۲، رساله دوم) نگهداری می‌شود.^۶

۳۰. ابو غالب زُراری (۲۸۵-۳۶۸ ق)

احمد بن محمد بن سلیمان بن حسن بن جهم بن بُکیر بن سنسن، مکنی به ابو غالب و معروف به ابو غالب زُراری؛ محدث، فقیه و رجالی. ابو غالب در ربیع ثانی سال

۱. السرائر، ج ۳، ص ۶۳۹-۶۴۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۰۶.

۳. المناقب، ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۲۰۵، ۳۰۹؛ ج ۲، ص ۹، ۱۰۶، ۱۷۰؛ ج ۳، ص ۱۹.

۴. بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۵۲۴.

۵. الإقبال، ج ۱، ص ۴۷-۴۸.

۶. فهرس التراث، ج ۱، ص ۴۰۳.

۲۸۵ ق، در کوفه به دنیا آمد^۱ و به سال ۳۶۸ ق، در بغداد از دنیا رفت.^۲ به قرینه آن که وی زمانی به بغداد رفته که تنها فرزندش ۳۷ سال داشته، این حدس قوی می‌نماید که وی در واپسین سال‌های زندگی، ساکن بغداد بوده است.^۳

کلینی، ابو طالب انباری و نعمانی صاحب کتاب الغیبه، از مشایخ معروف ابو غالب بوده‌اند و راویان او نیز عبارت‌اند از: ابن غضائری، تلکبیری، شیخ مفید، ابن نوح سیرافی، ابن عبدون و ابن عیّاش جوهری.^۴ ابو غالب، آخرین محدث و عالم خاندان بزرگ آل اَعین بود^۵ که نامش در اسناد بسیاری از روایات و طرق رجال نجاشی و فهرست طوسی، آمده است. در مصادر، خاندان اعین را با عنوان «بنی سینسن»،^۶ «بکریون»^۷ و «زُراری»^۸ نیز یاد کرده‌اند. عنوان زُراری برای این خاندان، چندان قدیمی نیست. گویا تا زمان سلیمان بن جهم، جدّ ابو غالب، شهرت آنان «بکری» بود و در این زمان، به جهت شرایط سخت سیاسی شیعیان، امام حسن عسکری (ع) برای بار نخست، سلیمان بن جهم را «ابو طاهر زراری» خواند و از آن پس، آنان خود را زراری خواندند.^۹ ابو غالب را پرروایت، قابل اعتماد و شیخ اصحاب خوانده‌اند.^{۱۰}

۱. رسله ابو غالب ص ۳۸؛ رجال التجاشی، ص ۷۵.

۲. رجال التجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، ص ۷۷.

۳. رسله ابو غالب ص ۴۲.

۴. رجال التجاشی، ص ۷۷؛ رجال الطوسی، ص ۴۱۰؛ الفهرست، طوسی، ص ۷۷؛ الذریعة، ج ۱، ص ۱۴۳؛ معجم رجال الحديث، ج ۲۴، ص ۹.

۵. رسله ابو غالب ص ۴۲.

۶. رجال التجاشی، همان جا.

۷. الفهرست، طوسی، ص ۷۷.

۸. رجال التجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا.

۹. رسله ابو غالب، ص ۱۱؛ الفهرست، طوسی، همان جا.

۱۰. رجال التجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا؛ رجال الطوسی، همان جا؛ خلاصة الأفعال، ص ۶۷.

تالیفات

او در زمینه تاریخ، فقه، رجال و کتاب شناسی، دست به قلم برد؛ ولی بیشتر آثار وی نایاب اند: ۱. التاریخ، که هر چند نا تمام بوده، بیش از هزار ورق داشته است.^۱
 ۲ و ۳. مناسک الحج، در دو حجم مفصل و مختصر، ۴. دعاء السفر، ۵. الإفضال.
 اثر چاپی: ۶. الرسالة إلى ابن ابنة فی ذکر آل أعین.

گویا کتاب دعاء السفر یا بخشی از آن، تا سده هفتم موجود بوده و ابن طاووس در إقبال خود، از آن نقل کرده است.^۲ اتان کلبرگ تحت عنوان کتاب الدعوات از مؤلفی ناشناخته، متذکر شده که آنچه در کتاب إقبال از کتاب الدعوات نقل شده، مربوط به جزوه ای است مشتمل بر ادعیه و با خط ابو غالب زراری، که حسین بن عبید الله غضائری آن را از زید بن جعفر علوی (زیدی مذهب) روایت کرده است.^۳

۳۱. ابن داوود قمی (م ۳۶۸ ق)

محمد بن احمد بن داوود، مکنی به ابو الحسن و معروف به ابن داوود قمی؛ محدث، فقیه و رجالی. وی در قم، زاده شد و تا سال ۳۳۳ ق، نیز در آن جا بود. او از مشایخ حدیث قم؛ بویژه احمد بن داوود و سلامه بن محمد ارزنی - که به ترتیب، پدر و دایی او بودند - و نیز محمد بن حسن بن ولید، حدیث شنید.^۴ ابن داوود پس از مرگ پدر در سال ۳۳۳ ق به بغداد مهاجرت کرد و تا پایان عمر خود در سال ۳۶۸ ق، در آن جا ساکن شد.^۵ بر این اساس، وی نزدیک به ۳۵ سال در بغداد زندگی کرد. فرزند او، ابن غضائری، شیخ مفید، ابن عبدون، ابو غالب رازی و ابن نوح سیرافی، از او روایت

۱. رجال التجاشی، همان جا.

۲. الإقبال، ص ۴۵۲.

۳. کتابخانه ابن طاووس، ص ۲۲۵.

۴. رجال التجاشی، ص ۸۳، ۳۵، ۶۰.

۵. رجال التجاشی، ص ۳۸۴.

کرده‌اند.^۱ ابن داوود، قابل اعتماد و از بزرگان شیعه؛ بلکه شیخ و فقیه قم بود. در وارسنگی و فرزاندگی او، همین بس که ابن غضائری - که به سختگیری در جرح و تعدیل راویان، معروف است -، وی را حافظ‌ترین، فقیه‌ترین و آگاه‌ترین کس به حدیث می‌دانست.^۲ پدرش احمد بن داوود و داییش سلامه بن محمد ارزنی نیز بسیار وارسته و فرزانه بودند. احمد بن داوود، مصاحب علی بن بابویه قمی بود. وی را پرحدیث و در شمار معدود افرادی دانسته‌اند که توثیق مضاعف (ثقة ثقة) شده‌اند.^۳

تألیفات

در مصادر، احمد بن داوود را صاحب کتابی به نام النوادر دانسته‌اند، که نایاب است.^۴ از این گذشته، وی در زمینه فقه، رجال، و دعا و زیارت، آثاری به وجود آورد. آثار نایاب: ۲. الحدیثین المختلفین، ۳. الممدوحین والمذمومین، ۴. صلوات الفرج و ادعیتهما، ۵. الرد علی ابن قولویه، ۶. الذخائر.

اثر نایاب وی که در منابع بعدی گزارش شده: ۷. المزار، که تاسده دهم در دسترس بوده است. این کتاب که طوسی آن را «بزرگ و نیکو» توصیف کرده،^۵ در اختیار ابن طاووس (م ۶۶۴ ق) بوده و وی گاهی بدون ذکر نام کتاب و گاه با عنوان الزیارات و الفضائل^۶ و یا با عنوان کتاب الزیارات، از آن نقل کرده است.^۷ نسخه‌ای از این کتاب به

۱. رجال النجاشی، همان جا، ص ۲۳، ۹۵؛ رجال الطوسی، ص ۴۱۳؛ الفهرست، طوسی، ص ۲۱۱؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۳۳۲.

۲. رجال النجاشی، همان جا.

۳. رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، ص ۶۷.

۴. رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا.

۵. الفهرست، طوسی، همان جا.

۶. الإقبال، ج ۳، ص ۶۴، ۲۳۶.

۷. الدرر الوقایة، ص ۷۵.

خطّ ابن طاووس، در اختیار عبد الصمد بن محمد بن علی عاملی (م ۹۳۵ ق) بوده و نوه او بهاء الدین محمد عاملی، معروف به شیخ بهایی (م ۱۰۳۱ ق)، همه یا برخی از آن را در کتاب کشکول خود، نقل کرده است.^۱ این کتاب از مصادر باواسطه مستدرک الوسائل است.^۲

۳۲. ابو محمد تلعبری (م ۳۸۵ ق)

هارون بن موسی بن احمد بن سعید شیبانی، مکنی به ابو محمد و معروف به تلعبری؛ محدث. وی به قرینه مشایخ و راویانش، ساکن بغداد بود و همان جا نیز درگذشت.^۳ ابن همام اسکافی و ابن عقده، معروف‌ترین مشایخ حدیث او بودند. نجاشی (م ۴۵۰ ق)، محمد بن هارون تلعبری و ابن غضائری نیز از وی استماع حدیث کردند.^۴ ابو محمد تلعبری را پر روایت، بسیار قابل اعتماد و بی‌نظیر شمرده‌اند.^۵ وی افزون بر نقل روایت، راوی اصول و مصنفات اصحاب بود^۶ و دعای ابو حمزه ثمالی را نیز از طریق حسن بن محبوب، از ابو حمزه نقل کرده است.^۷

تألیفات

در مصادر، برای تلعبری کتاب الجوامع فی الدین، ذکر شده است.^۸ برخی از علمای رجال، مشایخ هارون بن موسی را از کتاب الرجال الکبیر استرآبادی، استخراج کرده، عنوان رجال السید کمال الدین را بر آن نهادند.^۹ نسخه این مشیخه، موجود است.^{۱۰}

۱. کشکول بهایی، ج ۱، ص ۲۸۶-۲۸۷؛ کتابخانه ابن طاووس، ص ۶۱۰.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۶۱؛ ج ۱۶، ص ۲۰۴.

۳. رجال التجاشی، ص ۴۳۹؛ رجال الطوسی، ص ۴۴۹؛ مشایخ الثقات، ص ۳۶-۳۷.

۴. رجال التجاشی، همان جا؛ معجم رجال الحديث، ج ۲۰، ص ۲۵۸.

۵. رجال الطوسی، همان جا.

۶. رجال الطوسی، همان جا.

۷. الذریعة، ج ۷، ص ۱۸۶.

۸. رجال التجاشی، همان جا.

۹. الذریعة، ج ۱۰، ص ۱۴۲.

۱۰. فهرس التراث، ج ۱، ص ۴۳۶.

۳۳. ابو المفضل شیبانی (م ۳۸۷ ق)

محمد بن عبد الله بن محمد بن عبيد الله بن بهلول بن مطلب شيباني، مكنى به ابو المفضل؛ محدث. به گزارش مصادر اهل سنت، ابو المفضل شيباني در سال ۲۹۷ - ۳۰۶ ق، زاده شد و در ۳۸۷ ق، درگذشت.^۱ وی اهل کوفه بود و پس از سفر به مصر و شام،^۲ در بغداد رحل اقامت افکند.^۳ او از مشايخ حديث شيعه و اهل سنت، استماع حديث کرد.^۴ نجاشي (م ۴۵۰ ق) وی را ملاقات کرد؛ ولی نه او و نه شيخ طوسي، بدون واسطه، از ابو المفضل روايت نکرده‌اند.^۵ ابو مفضل شيباني، کثير الرواية^۶ و کثير السفر بود^۷ و مشايخ حديث بسياری را ملاقات کرد.^۸ به جهت اين کثرت، یکی از شاگردان او به نام محمد بن علی بن يعقوب، معروف به ابو الفرج قنّانی، کتابی مستقل با عنوان معجم رجال أبي المفضل در شرح حال مشايخ او نگاشت.^۹

ابو المفضل شيباني، تنها طريق يا یکی از طرق کتاب اشعيات،^{۱۰} صحيفة سجّاديه،^{۱۱} مصباح الهداية،^{۱۲} و به قولی کتاب‌های شلمغانی^{۱۳} و کتاب‌های عیاشی^{۱۴} بود. با اين

۱. تاريخ بغداد، ج ۳، ص ۸۷؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۶۰۸.

۲. میزان الاعتدال، همان جا.

۳. تاريخ بغداد، همان جا.

۴. تاريخ بغداد، همان جا؛ میزان الاعتدال، همان جا.

۵. رجال النجاشي، ص ۲۳۲؛ الفهرست، طوسي، ص ۶۱، ۶۴؛ الامالی و لمجالی، ج ۱، ص ۳۱۷-۳۲۹؛ خانه مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۸۷.

۶. الفهرست، طوسي، ص ۲۱۶.

۷. رجال النجاشي، همان جا.

۸. الذريعة، ج ۲، ص ۳۱۵.

۹. الذريعة، همان جا.

۱۰. اشعيت، ص ۲۴۸؛ فلاح السائل، ص ۲۸۴.

۱۱. الذريعة، ج ۲، ص ۲۲۵.

۱۲. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۲.

۱۳. الذريعة، ج ۲، ص ۳۵۸.

۱۴. رجال الطوسي، ص ۴۱۸.

حال، دیدگاه غالب در مصادر، عدم توثیق اوست.^۱ شاید به همین دلیل باشد که نجاشی با این که او را ملاقات کرده بوده، از وی بدون واسطه روایت نکرده^۲ و یا شاید به این دلیل بوده که نجاشی از جهت شدت احتیاط در نقل، در سنّ چهارده یا پانزده سالگی، از ابو المفضل نقل نکرده است.^۳ شیخ طوسی نیز برخی طرق را به دلیل وجود ابو المفضل، ضعیف دانسته است.^۴ تندترین و صریح ترین موضع در باره او، از آن ابن غضائری (م ۴۱۱ ق) است. وی ابو مفضل را «وَضَاع» و «کثیر المناکیر» دانسته و متذکر شده که در کتاب های او، سندهای بی متن و متن های بی سند، دیده است.^۵ علامه حلی (م ۷۲۶ ق) نیز به مواردی که تنها ابو المفضل نقل کرده باشد، اعتماد نکرده است.^۶ مصادر اهل سنت نیز نه تنها ابو المفضل را توثیق نکرده اند، که او را شیخ نما و دروغگو دانسته اند.^۷

از دیگر سو، محدث نوری^۸ و آقا بزرگ تهرانی^۹ با ذکر چنین قرائنی، بر اعتبار و وثاقت ابو المفضل تأکید کرده اند: نقل فراوان از وی در کتاب های کفایه الاثر، الأمالی شیخ طوسی و الأمالی ابو علی فرزندان شیخ طوسی، نیز روایت حسین بن عبید الله غضائری از او در تهذیب الأحکام و الإستبصار، ترحّم نجاشی بر وی در شرح حال مسعودی مورخ،^{۱۰} اعتماد ابن نوح سیرافی استاد نجاشی بر کتاب

۱. رجال التجاشی، همان جا؛ فهرست طوسی، همان جا.

۲. رجال التجاشی، همان جا.

۳. الذریعة، ج ۱، ص ۳۱۶؛ ج ۲، ص ۳۱۴.

۴. الفهرست، طوسی، ص ۶۴، ۱۰۴.

۵. الرجال، ابن غضائری، ص ۹۸-۹۹.

۶. خلاصة الأحوال، ص ۳۹۷.

۷. تاریخ بغداد، همان جا.

۸. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۶۱-۱۶۳.

۹. الذریعة، ج ۲، ص ۳۱۴.

۱۰. رجال التجاشی، ص ۲۵۴.

ابو المفَضَّل،^۱ تن دادن به سفرهای بسیار برای کسب حدیث، نقل‌های فراوان ابن طاووس از او^۲ و کثرت مشایخ وی.

ابن ابی ثلج یغدادی،^۳ حُمَید بن زیاد^۴ و ابن بَطَّة قمی،^۵ مشایخ حدیث ابو المفَضَّل بودند. ابن نوح سیرافی، احمد بن عبدون، حسین بن عبید الله، ابو طالب بن غرور، ابو الحسن صفَّار و ابن اشناس، از وی حدیث شنیدند.^۶

تألیفات

ابو المفَضَّل در زمینه زیارت قبور ائمه علیهم‌السلام، رجال، دعا، فضایل، اخبار و تاریخ، کتاب‌هایی نوشت که همگی نایاب‌اند: ۱. مزار أمير المؤمنين علیه‌السلام، ۲. مزار الحسين علیه‌السلام، ۳. فضائل العباس بن عبدالمطلب، ۴. فضائل زید، ۵. الدعاء، ۶. من روی حدیث غدیر خم، ۷. من روی عن زید بن علی، ۸. الولادات الطیبة الطاهرة، ۹. الأُمالی الکبیر، ۱۰. فضل أهل البيت علیهم‌السلام و نعت إكمالهم فی الحال والمال، ۱۱. المباهلة.

کتاب الأُمالی وی، تاسده هفتم موجود بوده و ابن طاووس (م ۶۶۴ ق) از جزء سوم آن در موضوع رؤیت هلال رمضان، نقل کرده است.^۷ گویا کتاب المباهلة نیز در اختیار ابن طاووس بوده است. وی در موضوع مباهلة پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با مسیحیان نجران، روایتی را با اسناد به ابو المفَضَّل، از کتاب المباهلة نقل کرده است.^۸

۳۴. ابن جریر طبری (م، سده چهارم)

محمد بن جریر بن رستم طبری آملی، مکنی به ابو جعفر و معروف به ابن جریر

۱. رجال النجاشی، ص ۴۴۰.

۲. الإقبال، ج ۱، ص ۴۵، ۴۶، ۲۹۴، ۳۸۳، ۴۴۹؛ ج ۲، ص ۴۴؛ ج ۳، ص ۴۲.

۳. رجال النجاشی، ص ۳۸۲.

۴. همان، ص ۱۳۲.

۵. فهرست، طوسی، ص ۶۱.

۶. الأُمالی، طوسی، ج ۲، ص ۶۰-۸۷ خاتمة مستدرک لوسائل، ج ۳، ص ۱۸۷.

۷. الإقبال، ج ۱، ص ۶۵.

۸. الإقبال، ج ۲، ص ۳۱۱.

طبری امامی؛ محدّث، متکلم و رجالی. سال ولادت و وفات او، دانسته نیست. در مصادر، دو فرد با این نام و کنیه ذکر شده اند^۱ که یکی شیعه امامی است و دیگری عامی مذهب.^۲ به جهت همین همنامی، شیخ طوسی تصریح کرده که ابن جریر امامی، صاحب تاریخ نیست.^۳ طبری امامی، دانشی فراوانی داشت و از اصحاب بزرگ امامیه، خوش کلام و قابل اعتماد در حدیث بود^۴ و از وی به «طبری کبیر»^۵ و «طبری ساروی»^۶ یاد شده است. پیداست که صفت «کبیر»، برای تشخیص و جداسازی او از ابن جریر طبری سنی نیست؛ چرا که ابن جریر سنی در سال ۳۱۰ ق، فوت شده است. به قرینه صفت کبیر و تنها راوی شناخته شده ابن جریر - که حسن بن حمزه طبری (م ۳۵۸ ق) است -،^۷ این حدس قوی می نماید که او در نیمه نخست سده چهارم زندگی می کرده است. از دیگر سو، بسیاری از مشایخ وی در کتاب دلائل الإمامة، مشایخ نجاشی (م ۴۵۰ ق) و شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) نیز هستند که از شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) روایت کرده اند. افزون بر اینها، وی در باره ابن غضائری (م ۴۱۱ ق)، عبارت «رحمة الله» را به کار برده است. این قرائن گواهی می دهند که وی معاصر نجاشی و شیخ طوسی بوده و پس از ابن غضائری، از دنیا رفته است.^۸

آیا ابن جریر امامی، یکی است یا دو نفر که هر دو امامی بوده اند، یک نام داشته اند؟ شاید کاربرد وصف «کبیر»، از آن رو بوده است که دو نفر به این نام بوده اند؛ چنان که

۱. معالم العلماء، ص ۱۴۱؛ خلاصة الأقوال، ص ۲۶۶.

۲. معالم العلماء، همان جا؛ خلاصة الأقوال، همان جا.

۳. رجال الطوسی، ص ۴۴۹؛ الفهرست، طوسی، ص ۲۳۹.

۴. رجال التجاشی، ص ۳۷۶.

۵. الفهرست، طوسی، همان جا.

۶. تاریخ طبرستان، ابن اسفندیار، ص ۱۳۰.

۷. رجال التجاشی، همان جا؛ الذریعة، ج ۸، ص ۲۴۱؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۱، ص ۱۵۸؛ مستدرک الأخبار

الدخيلة، ج ۱، ص ۴۳.

۸. الذریعة، ج ۲، ص ۴۸۹؛ ج ۸، ص ۲۴۱. برای اطلاع بیشتر در باره وی، رک: «محمّد بن جریر طبری و کتاب

دلائل الإمامة»، نعمة الله صفری و فروشانی، علوم حدیث، ش ۳۷، ص ۲۲۳.

روایت حسن بن حمزه از وی، و نیز مشایخ او در کتاب دلائل الإمامة، می‌توانند قرینه‌ای بر این تعدّد باشند. به هر حال، تشخیص این امر، ساده نیست.

تألیفات

کتاب‌های ابن جریر، در زمینه امامت، شرح حال و فضایل معصومان و گاه رجال بوده است.^۱

آثار چاپی: ۱. المسترشد فی الإمامة، ۲. دلائل الإمامة، ۳. نوادر المعجزات. آثار نایاب: ۴. الإيضاح فی الإمامة، ۵. الرجال، ۶. مناقب فاطمة علیها السلام و ولدها، ۷. الرواة عن أهل البيت علیهم السلام.^۲

کتاب الولاية در برخی مصادر شیعی، به ابن جریر طبری عامی نسبت داده شده است؛ ولی به قرینه آن که اولاً، عنوان آن، با عبارات طبری در دو کتاب تاریخ و تفسیر او، همخوان نیست و ثانیاً، ابن ندیم نیز این عنوان را در شمار تألیفات طبری عامی نیاورده، برخی کتاب الولاية را در شمار تألیفات طبری امامی حدس زده‌اند.^۳ به گزارش آقا بزرگ تهرانی، نسخه‌ای از کتاب الإيضاح فی الإمامة، در اختیار قاضی نورالله شوشتری، صاحب کتاب مجالس المؤمنین، بوده و وی فوایدی از آن را در کتاب خود ذکر کرده است.^۴

۳۵. ابن عیّاش جوهری (م ۴۰۱ ق)

احمد بن محمد بن عبید الله بن حسن بن عیّاش، مکنّا به ابو عبد الله و معروف به ابن عیّاش جوهری؛ محدّث، متکلم، فقیه ورجالی. ابن عیّاش اهل بغداد بود و پدر و جدّ

۱. رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا؛ معالم العلماء، همان جا؛ خلاصة الأقوال، همان جا؛ أمل

الآمل، ج ۲، ص ۲۷۲؛ کشف الحجب، ص ۲۱۵؛ لدریعة، ج ۲، ص ۴۹۰؛ ج ۴، ص ۳۹۴؛ ج ۸، ص ۲۴۱، ۱۰.

۲. أنیان الشیعة، ج ۹، ص ۱۹۹؛ المسترشد، مقدّمه محقّق، ص ۱۴-۱۵

۳. الذریعة، ج ۱۶، ص ۲۵.

۴. الذریعة، ج ۴، ص ۴۹۰.

او در آن دیار، شاخص و سرشناس بودند.^۱ ابن عیاش جوهری در سال ۳۴۰ ق، در شام بود.^۲ وی احادیث بسیاری روایت کرد و ذوق شعری و ادبی قوی‌ای داشت. وی در مصادر، به این اتهام که در واپسین سال‌های زندگی، دچار اضطراب و اختلال در حدیث گشته، تضعیف شده است.^۳ نجاشی (م ۴۵۰ ق) روایات بسیاری از وی استماع کرد؛ اما به دلیل ضعف او، از وی نقل نکرده است.^۴ وی در شمار معدود محدثان امامی است که از مشایخ اهل سنت نیز فراوان حدیث شنیده و روایت کرده‌اند.^۵ ابن جعابی، شیخ حدیث امامی اوست که احادیث اهل سنت را نیز بروی می‌خواند.^۶

تالیفات

وی پرتألیف بود و در زمینه رجال، تک‌نگاری در اخبار اشخاص، امامت دوازده امام علیهم‌السلام، فقه و آداب، آثاری داشته است.

اثر چاپی: ۱. مقتضب الأثر فی عدد الأئمة الأثنی عشر علیهم‌السلام.

آثار نایاب: ۲. أخبار أبي هاشم، ۳. أخبار جابر الجعفی، ۴. الإشتمال علی معرفة الرجال، ۵. من روى الحديث من بنی عمار بن یاسر، ۶. ذکر من روى الحديث من بنی ناشرة، ۷. أخبار وكلاء الأئمة الأربعة، ۸. ما نزل من القرآن فی صاحب الأمر (عج)، ۹. أعمال رجب، شعبان و رمضان.

۳۶. جلودی بصری (م ۳۳۲ ق)

عبد العزيز بن يحيى بن احمد بن عيسى جلودی از دی بصری، مکنی به ابو احمد؛

۱. رجال التجاشی، ص ۸۵، الفهرست، طوسی، ص ۷۹-۸۵.

۲. مقتضب الاثر، مقدمه محقق، ص ۲-۳۹.

۳. رجال التجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا.

۴. رجال التجاشی، همان جا.

۵. مقتضب الأثر، ص ۱۸.

۶. مقتضب الأثر، ص ۲۳.

محدث، مورخ و فقیه. جلودی بصری پس از سال ۳۳۰ ق.^۱ و گویا در ۳۳۲ ق، فوت شده است.^۲ زادگاه وی، جایی به نام جلود بود که امروزه محل آن، معلوم نیست.^۳ او در بصره ساکن بود. به قرینه آن که ابو علی صولی - که مصاحب دراز مدت او بوده و از وی نیز روایت کرده - در سال ۳۵۳ ق، به بغداد رفته،^۴ این حدس قوی می‌نماید که جلودی تا پایان عمر، در بصره بوده است. جلودی بصری را امامی، شیخ بصره و قابل اعتماد و موثق خوانده‌اند.^۵

تألیفات

وی چنان پر تألیف بود که شمار آثارش، بیش از دویست مورد ذکر شده است.^۶ کتاب‌های جلودی بصری در زمینه تاریخ و سیره، فضائل و مناقب، فقه، تفسیر، رجال و دعاست. ۱. مقتل الحسین (ع)، ۲. کتاب المحدثین و من روى عن علی (ع) من الصحابة، از آثار نایاب اویند.

گویا کتاب مقتل الحسین (ع)، در سده هشتم موجود بوده است؛ چرا که علامه حلی (م ۷۲۶ ق) از روی نسخه‌ای از این کتاب به خط یکی از سادات، تاریخ وفات و محل دفن جلودی را خوانده است.^۷

۳۷. ابو بشر بصری عمی (م پس از ۳۵۰ ق)

احمد بن ابراهیم بن معلی بن اسد عمی، مکنّا به ابو بشر؛ محدث. ابو بشر در بصره

۱. فهرست ابن ندیم، ص ۱۲۸.

۲. ایضاح الاختباء، ص ۲۴۵؛ الذریعة، ج ۱، ص ۳۱۲؛ هدیة العارفين، ج ۱، ص ۵۷۶.

۳. رجال النجاشی، ص ۲۴۰؛ الفهرست، طوسی، ص ۱۹۱؛ خلاصة الاقوال، ص ۲۰۸.

۴. رجال النجاشی، ص ۸۴.

۵. فهرست ابن ندیم، ص ۲۴۶؛ الفهرست، طوسی، همان جا؛ رجال الطوسی، ص ۴۳۵؛ خلاصة الاقوال، ص ۲۰۸.

۶. رجال النجاشی، ص ۲۴۰-۲۴۴؛ هدیة العارفين، ج ۱، ص ۵۷۶.

۷. ایضاح الاختباء، همان جا.

زاده شد و پس از سال ۳۵۰ ق، درگذشت.^۱ به گزارش ابن غضائری (م ۴۱۱ ق)، جدش معلی بن اسد، از اصحاب و خواص صاحب زنج بوده و ابو بشر از طریق جد و عمویش، اخبار صاحب زنج را روایت کرده است.^۲ وی یار، مصاحب، مستملی و راوی ابو احمد جلودی بود^۳ و ابو طالب انباری^۴ و محمد بن وهبان دبیلی،^۵ از وی روایت کرده‌اند. هارون بن موسی تلعکبری، با آن که او را ندید، از وی اجازه روایت گرفت.^۶ ابو بشر بصری قابل اعتماد در حدیث، صاحب تألیفات نیکو^۷ و واسع الروایه بود.^۸ وی از اهل سنت و اخباریان نیز بسیار روایت کرده است.^۹

تألیفات

ابو بشر در زمینه تاریخ، مناقب امیر مؤمنان علیه السلام و اخبار، کتاب‌هایی تألیف کرد:

۱. التاریخ، ۲. مناقب امیر المؤمنین علیه السلام، ۳. أخبار صاحب الزنج، ۴. الفرق، ۵. أخبار السید الجیمتری، ۶. شعر السید الحمیری، ۷. عجائب العالم، ۹. مثالب القبائل. این کتاب‌ها همگی نایاب‌اند.

۳۸. ابن حمدان جنبلائی (م ۳۵۸ ق)

حسین بن حمدان خصیبی جنبلائی، مکنّا به ابو عبد الله؛ محدّث. وی در جنبلان، در میانه کوفه و واسط، زاده شد. ابن حمدان سپس به حلب رفت و در آن جا به تألیف

۱. فهرست ابن ندیم، ص ۲۴۷.

۲. رجال التجاشی، ص ۹۷؛ الفهرست، طوسی، ص ۷۶.

۳. رجال التجاشی، ص ۹۷؛ الفهرست، طوسی، ص ۷۶.

۴. الفهرست، طوسی، همان جا.

۵. رجال التجاشی، ص ۹۷.

۶. رجال الطوسی، ص ۴۱۱.

۷. رجال التجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا.

۸. رجال الطوسی، همان جا.

۹. رجال التجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا.

چندین کتاب پرداخت. بسی گمان. تشویق و حمایت سیف الدولة حمدانی، در مسافرت عالمان شیعه به حلب و تألیف کتاب‌ها توسط آنان، پر نقش بود. سال وفات ابن حمدان به اختلاف گزارش‌ها، ۳۵۸^۱ و ۳۴۶^۲ ق، ذکر شده است. وی در اسناد برخی از روایات، واقع شده است. ۳^۳ ابن عقده (م ۳۳۳ ق) - که ابن حمدان راستوده - و نیز هارون بن موسی تلعبیری، از وی روایت کرده‌اند. ۴^۴ علی بن ابراهیم و معلی بن محمد بصری، مشایخ حدیث او بودند. ۵^۵ ابن حمدان در مصادر، به اتهام فساد مذهب (بنیان‌گذاری فرقه نصیری) به شدت تضعیف شده است. ۶^۶ با این حال، هارون بن موسی تلعبیری - که بر وثاقت او تصریح شده - از وی روایت کرده است. ابن طاووس روایتی را که وی در اسناد آن بوده، در کتاب إقبال الأعمال آورده ۷^۷ و شیخ حرّ عاملی نیز در کتاب إثبات الهداة، از کتاب الفضائل او بسیار نقل کرده است. ۸^۸

تألیفات

ابن حمدان نزدیک به ده کتاب تألیف کرده است.

آثار نایاب: ۱. الإخوان، ۲. المسائل، ۳. الرسالة، ۴. تاریخ الأئمة عليهم السلام، ۵. أسماء النبی و الأئمة عليهم السلام. ۹

۱. رجال الطوسی، ص ۲۴۰.

۲. الذریعة، ج ۲۵، ص ۱۴۶.

۳. إقبال الأعمال، ج ۳، ص ۱۱۳.

۴. الفهرست، طوسی، ص ۱۹۷؛ رجال الطوسی، ص ۴۲۳؛ لسان المیزان، ج ۲، ص ۲۸۰.

۵. الفهرست، طوسی، همان جا؛ فوائد الرجالیه، ج ۳، ص ۳۳۹.

۶. رجال اللجاشی، ص ۶۷؛ الفهرست، طوسی، همان جا؛ الرجال، ابن غضائری، ص ۵۴؛ خلاصة الأخوال.

ص ۳۳۹؛ ریاض العلماء، ج ۲، ص ۵۰-۵۱؛ کتاب‌خانه ابن طاووس، ص ۲۴۸.

۷. الإقبال، ج ۳، ص ۱۱۳.

۸. کتاب‌خانه ابن طاووس، همان جا.

۹. بحار الآثار، ج ۱، ص ۲۰، ۳۹.

آثار نایابی که در منابع بعدی انعکاس یافته‌اند: ۶. رجال ابن حمدان،^۱ که تا سده دوازدهم موجود بوده است. صاحب ریاض کتاب رجال را در احوال اصحاب ائمه علیهم السلام و راویان آنان توصیه کرده و یادآور شده که خود، نسخه‌ای از آن را در اختیار دارد.^۲

۷. الفضائل یا الروضة فی الفضائل. شیخ حرّ عاملی (م ۱۱۰۶ ق)، فراوان از این کتاب نقل کرده است.^۳

اثر چاپی: ۸. الهدایة (الکبری) فی تاریخ النبی و الأئمة علیهم السلام.

۳۹. ابن شعبه حرّانی (معاصر شیخ صدوق)

حسن بن علی بن حسین بن شعبه حرّانی، مکنابه ابو محمد و معروف به ابن شعبه؛ محدث و فقیه. در مصادر اولیه، از ابن شعبه یاد نشده است. گویا نخستین بار، شیخ ابراهیم قطیفی (م ۹۹۴ ق) معاصر محقق کرکی (م ۹۴۵ ق)، از وی به عنوان صاحب کتاب التمحیص نام برده است.^۴ پس از قطیفی، قاضی نور الله شوشتری (م ۱۰۹۱ ق)،^۵ شیخ حرّ عاملی (م ۱۱۰۶ ق)،^۶ محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۱ ق)،^۷ افندی اصفهانی (م ۱۱۳۰ ق)^۸ و آقا بزرگ تهرانی،^۹ از او نام برده‌اند. در این مصادر، بر فرزاندگی و وارستگی و فقاهاست او تأکید شده است. طبقه و سال وفات ابن شعبه، معلوم نیست. به

۱. همان، ج ۱۰، ص ۱۱۲.

۲. ریاض العلماء، همان جا.

۳. ثبات الهداة، ج ۱، ص ۵۸؛ ج ۲، ص ۶۳۶-۶۳۷؛ ج ۴، ص ۱۴۷-۱۴۸، ۱۹۷، ۲۶۱، ۲۶۳، ص ۳۴۳-۳۴۴؛ ج ۷، ص ۱۴۲-۱۴۳؛ کتابخانه ابن طاووس، ص ۲۴۹.

۴. الوافیة فی تعین الفرقة الناجية، مخطوط، ص ۹۱، سطر ۵؛ التمحیص، مقدمه محقق، ص ۸؛ تحف العقول، مقدمه محقق، ص ۹.

۵. مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۳۸۳؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۰۸.

۶. أمل الآمل، ج ۲، ص ۷۴؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۴۱.

۷. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۷.

۸. ریاض العلماء، ج ۱، ص ۲۴۵.

۹. الذریعة، ج ۳، ص ۴۰۰؛ التلبس، ص ۹۳.

گزارش برخی مصادر، وی معاصر شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) و راوی ابن همام (م ۳۳۳ ق) بوده است. قرینه بر این مطلب، یکی روایت نخست کتاب التمهیص است که ابن شعبه خود، از ابن همام نقل کرده است^۱ - اگرچه در نسخه چاپی آن، در ابتدای حدیث یاد شده، عبارت «حدَّثنا أبو علی بن همام» بدون ذکر ابن شعبه، دیده می‌شود^۲ - و دیگری، اشاره به آن در رساله اخلاق شیخ حسین بحرانی است.^۳

تألیفات

به ابن شعبه، دو کتاب نسبت داده شده که هر دو، چاپ شده‌اند: ۱. التمهیص، ۲. تحف العقول.

۴۰. ابو علی کوفی (م ۳۴۶ ق)

احمد بن محمد بن عمار، مکنابه ابو علی و معروف به ابو علی کوفی؛ محدث. پدر ابو علی کوفی، از مشایخ حدیث معروف او بود و محمد بن داوود (م ۳۶۸ ق)،^۴ هارون بن موسی تلکبیری،^۵ حسین بن عبید الله غضائری^۶ و ابو حاتم هروی، از وی روایت کرده‌اند.^۷ گویا ابو حاتم هروی همان علی بن حاتم قزوینی است که شاهی بر روایت او از ابو علی کوفی دیده نمی‌شود.^۸ در مصادر، ابو حاتم هروی یا همان علی بن حاتم قزوینی، از احمد بن علی قائدی روایت کرده است.^۹ ابو علی کوفی

۱. التمهیص، ص ۳۰.

۲. التمهیص، همان جا.

۳. الذریعة، همان جا.

۴. رجال النجاشی، ص ۹۵؛ الفهرست، طوسی، ص ۷۵؛ معجم رجال الحديث، ج ۳، ص ۸۳.

۵. الفهرست، طوسی، همان جا.

۶. رجال النجاشی، همان جا.

۷. خلاصة الاقوال، ص ۶۵.

۸. نقد الرجال، ج ۱، ص ۱۶۶.

۹. رجال النجاشی، ص ۹۵؛ الفهرست، طوسی، ص ۳۰؛ رجال الطوسی، ص ۴۱۶.

ناقل بسیاری از احادیث و اصول، شایسته اعتماد، گرانمایه و در شمار مشایخ امامیه بود.^۱

تألیفات

آثار او همگی نایاب اند، عبارت اند از: ۱. العلل، ۲. أخبار النبی ﷺ (أخبار آباء النبی و فضائلهم و آباءهم)، ۳. ایمان أبی طالب، ۴. فضل القرآن و حکمته، ۵. الممدوحین و المذمومین، ۶. المبیضة.

مبیضة، نام فرقه ای است که با بنی عباس بیعت نکردند و شعار آنها پوشیدن لباس سفید بود، در حالی که عباسیان لباس سیاه به تن می کردند.^۲

۴۱. ابو القاسم کوفی (م ۳۵۲ ق)

علی بن احمد بن موسی، مکنّا به ابو القاسم و معروف به ابو القاسم کوفی؛ محدّث، مورّخ و متکلم. وی در کوفه زاده شد و در همان جا سکونت اختیار کرد. وی در کوفه، از پدرش احمد بن موسی و نیز از جعفر بن محمد بن مالک کوفی، حدیث شنید.^۳ گویا او به قم و فسا سفر نمود و سرانجام در قریه کرمی از توابع فسا، با این جهان فناپذیر وداع کرد.^۴ ابو القاسم کوفی از علی بن ابراهیم قمی^۵ در کتاب الاستغاثه بسیار روایت کرده است. وی در مصادر، به خروج از مذهب امامیه، بدعت گذاری، غلو، اختلاط، کذاب بودن و پیروی از مذهب فاسد، متهم شده است.^۶ بر پایه برخی گزارش ها، وی مذهب مخمسه را اختیار کرد^۷ که در شمار مذاهب غلات، شناخته

۱. رجال التجاشی، همان جا؛ النهرست، طوسی، همان جا.

۲. الاعلام، ج ۱، ص ۲۰۸.

۳. الاستغاثه، ج ۱، ص ۹۰.

۴. رجال التجاشی، ص ۲۶۵.

۵. الاستغاثه، ج ۱، ص ۲۹.

۶. رجال التجاشی، ص ۲۶۵-۹۱؛ الرجال، ابن غضائری، ص ۸۲؛ خلاصة الأقوال، ص ۲۳۳.

۷. النهرست، طوسی، ص ۱۵۵؛ معالم العلماء، ص ۹۹.

می‌شود. عقیده رسمی این مذهب، آن است که سلمان فارسی، مقداد، عمار، ابوذر و عمرو بن أمیه ضمری، از سوی خدا عهده‌دار تعیین مصالح عالم‌اند.^۱ تجدید نظر ابو القاسم کوفی در مذهب خود، نه تنها موجب شد که وی شایسته نقل روایت شناخته نشود، که سیادت و انتساب او به امام جواد علیه السلام^۲ یا امام کاظم علیه السلام^۳ نیز مورد تردید جدی قرار گرفت.^۴ در برابر این دیدگاه، میرزا عبد الله افندی،^۵ میرزا حسین نوری^۶ و آقا بزرگ تهرانی،^۷ سیادت ابو القاسم کوفی را تأیید کرده، متذکر شده‌اند که اکثر کتاب‌های وی؛ بلکه همه آنها در دوره راست‌کیشی او - هنگامی که بر مذهب امامیه بوده - تألیف شده‌اند؛ چرا که پیشینیان بر اکثر آنها اعتماد کرده‌اند. ابو محمد، فرزند او و نیز ابو عمران کرمانی، در شمار راویان وی شناخته می‌شوند.^۸

تألیفات

ابو القاسم کوفی پر تألیف بود. نجاشی اکثر کتاب‌های او را مختلط و فاسد دانسته و شیخ طوسی^۹ از مجموع کتاب‌های فراوان وی، تنها دو کتاب الأوصیاء و الفقه علی ترتیب کتاب المزنی را مربوط به دوره پایداری وی بر امامیه دانسته است.

الف - آثار نایاب: ۱. الأتبیاء، ۲. الأوصیاء، ۳. التبديل والتحریر، ۴. تحقیق اللسان فی وجوه البیان، ۵. الاستشهاد، ۶. تحقیق ما آلفه البلخی من المقالات، ۷. منازل النظر والاختیار، ۸. أدب النظر والتحقیق، ۹. تناقض أحكام المذاهب الفاسدة، ۱۰. معرفة ترتیب ظواهر

۱. خلاصة الأقوال، ص ۲۲۳.

۲. ریاض العلماء، ج ۳، ص ۳۵۵؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۶۸.

۳. خلاصة الأقوال، همان جا.

۴. الرجال، ابن غضائری، همان جا.

۵. ریاض العلماء، همان جا.

۶. خاتمة مستدرک الوسائل، همان جا.

۷. الذریعة، ج ۲، ص ۲۸.

۸. ریاض العلماء، ج ۳، ص ۳۵۷؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۶۸.

۹. رجال التجاشی، ص ۲۶۵-۲۶۶؛ الفهرست، طوسی، ص ۱۵۵-۱۵۶.

الشريعة، ۱۱. التوحيد، ۱۲. مختصر فی فضل التوبة، ۱۳. تثبیت نبوة الأنبياء، ۱۴. مختصر فی الأركان الأربعة، ۱۵. الفقه علی ترتیب المزنی، ۱۶. فساد أقاویل الإسماعيلية، ۱۷. الرد علی أرسطاطاليس، ۱۸. فساد قول البراهمة، ۱۹. تناقض أقاویل المعتزلة، ۲۰. الرد علی محمد بن بحر الرهني، ۲۱. الاستدلال فی طلب الحق، ۲۲. الرد علی من يقول: «إن المعرفة من قبل الموجود»، ۲۳. إبطال مذهب داوود بن علی الإصبهاني، ۲۴. الرد علی الزيدية، ۲۵. تحقيق وجوه المعرفة، ۲۶. ما تفرق به أمير المؤمنين عليه السلام من الفضائل، ۲۷. الصلاة والتسليم علی النبي عليه السلام و أمير المؤمنين عليه السلام، ۲۸. الرد علی أصحاب الإجتهااد فی الأحكام، ۲۹. الإمامة، ۳۰. فساد الإختیار، ۳۱. الرد علی المثبته، ۳۲. الراعي والمرعي، ۳۳. الدلائل والمعجزات، ۳۴. ماهية النفس، ۳۵. ميزان العقل، ۳۶. إبان حکم الغيبة، ۳۷. الرد علی الإسماعيلية فی المعاد، ۳۸. تفسير القرآن، ۳۹. النفس.

ب - آثار نایابی که در منابع بعدی انعکاس یافته‌اند: ۴۰. تثبیت المعجزات؛ این کتاب در اختیار شیخ حسین بن عبد الوهاب (م، پس از ۴۴۸ ق) صاحب کتاب عیون المعجزات بوده و وی پس از مطالعه آن، در می‌یابد که کتاب یاد شده، به رغم ادعا و انگیزه مؤلف، تنها به بیان معجزات پیامبران و از جمله پیامبر اسلام عليه السلام اختصاص یافته است. از این رو، تصمیم می‌گیرد تکمله‌ای در بیان دلایل و معجزات ائمه عليهم السلام و فاطمه زهرا عليها السلام برای آن بنگارد. وی پس از تألیف تکمله یاد شده، آن را عیون المعجزات نامید.^۱ صاحب ریاض العلماء، نسخه‌ای قدیمی از این کتاب را در شهر کازرون دیده است. در این نسخه که در سال ۵۵۶ ق، استنساخ شده، آغاز تألیف کتاب عیون المعجزات، هفتم ماه رمضان سال ۴۴۸ ق، و پایان آن، عید فطر همان سال ذکر شده است.^۲

۱. ریاض العلماء، ج ۳، ص ۳۵۶ - ۳۵۷؛ خانمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۶۸؛ عیون المعجزات، ص ۳، مقدمه محقق.

۲. عیون المعجزات، همان جا.

۴۱. الآداب و مکارم الأخلاق. این کتاب در فصل معرفی کتاب‌ها، معرفی خواهد

شد.

ج - اثر چاپی: ۴۲. کتاب البدع المحدثه.

۴۲. ابن اشعث کوفی (م ۳۳۰ - ۳۵۶ ق)

محمد بن محمد بن اشعث، مکنّا به ابو علی و معروف به ابن اشعث کوفی؛ محدث. سال وفات ابن اشعث کوفی به اختلاف، ۳۳۰ ق،^۱ و پس از ۳۵۰ ق،^۲ گزارش شده است. بر پایه گزارش اخیر، وی در سال ۳۵۰ ق، در مصر، الجعفریات را برای ابو احمد عبد الله بن علی، مشهور بن ابن عدی (م ۳۶۵ ق) روایت کرد.^۳ هارون بن موسی تلعبیری در سال ۳۱۳ با واسطه، از وی اجازه گرفت^۴ و ابن سقّان نیز در سال ۳۱۴ کتاب الجعفریات را از او روایت کرد.^۵ ابن اشعث اهل کوفه بود؛ ولی در دیار مصر ساکن شد و تا پایان عمر، در آن جا ماند.^۶ وی قابل اعتماد در حدیث بود.^۷ ابن اشعث به عنوان راوی کتاب الجعفریات از موسی بن اسماعیل، معروف است و به ندرت در میان اسناد دیگر روایات، دیده می‌شود.^۸

تألیفات

در مصادر، دو کتاب به ابن اشعث نسبت داده شده است: ۱. الحج، ۲. الجعفریات. کتاب الجعفریات چاپ شده است.

۱. هدیة الماریف، ج ۲، ص ۳۶.

۲. کتاب‌خانه ابن طاووس، ص ۳۱۹؛ تیسیر المطالب، ص ۳۵۳، ۳۵۵؛ میراث حدیث شیعه، ج ۱۰، ص ۴۹ - ۵۰.

۳. تیسیر المطالب همان جا.

۴. رجال الطوسی، ص ۴۴۲، ۴۴۴.

۵. انخیل، ص ۱؛ الذریعة، ج ۱۱، ص ۲۵۸.

۶. رجال النجاشی، ص ۳۷۹؛ رجال الطوسی، ص ۴۴۲.

۷. رجال النجاشی، همان جا؛ معالم العلماء، ص ۲۶۶.

۸. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۶؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۸، ص ۲۰۰.

۴۳. قاضی نعمان مغربی (م ۳۶۳ ق)

نعمان بن محمد بن منصور مغربی، مکنّا به ابو حنیفه و معروف به قاضی نعمان؛ محدّث، فقیه و متکلم. قاضی نعمان از محدّثان و فقیهان بزرگ سده چهارم بوده است. با این حال، در مصادر اولیه از وی یاد نشده است. علّت این امر را می توان دوری زیاد مصر از بغداد و نبود ارتباط و تعامل میان حوزه بغداد و مصر - به دلیل تسلّط اسماعیلیان بر آن دیار - دانست؛ چنان که تردید در مذهب قاضی نعمان یا جزم به غیر امامی بودن مذهب او نیز دور از انتظار نیست. در سده پنجم، ابو الفتح کراجکی (م ۴۴۹ ق) از مشایخ اجازه حدیث امامیه، کتاب الأخبار قاضی نعمان را شرح کرد^۱ و از سده ششم به بعد، نام قاضی نعمان وارد مصادر رجالی امامی شد.^۲ مهم ترین موضع بحث و اختلاف در مصادر یاد شده، مذهب قاضی نعمان است که برخی وی را غیر امامی^۳ و برخی امامی^۴ دانسته اند. قرینه ای بر مذهب امامی قاضی نعمان، کلام ابن خلّکان (م ۶۸۱ ق) است که گفته: او در آغاز مالکی بود؛ ولی سپس به مذهب امامی گروید.^۵ قرینه دیگر، آن است که اکثر روایات کتاب دعائم الاسلام قاضی نعمان، در مصادر حدیثی معروف امامیه نیز آمده است^۶ و این که یکی دو روایت در کتاب یاد شده، به امام جواد علیه السلام - که از امامان اسماعیلیه نیست - اسناد داده شده است.^۷

به هر حال، قاضی نعمان در کتاب دعائم الاسلام، بر مشرب مذهب اسماعیلی رفتار

۱. الذریعة، ج ۱، ص ۳۱۰.

۲. معالم العلماء، ص ۱۶۱.

۳. معالم العلماء، همان جا؛ ریاض العلماء، ج ۲، ص ۴۱۱؛ نقد لرجال، ج ۵، ص ۱۷؛ معجم الرجال، ج ۲۰، ص ۱۸۵. نیز، ر.ک: هفت آسمان، شماره ۳.

۴. أمل الآمل، ج ۲، ص ۳۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۶؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۵۰ - ۱۵۵؛ الفوائد الرجالیة، ج ۴، ص ۳؛ تنقیح المقال، ج ۳، ص ۲۷۳؛ الذریعة، ج ۱، ص ۶۱.

۵. وفیات الأعیان، ج ۵، ص ۴۱۵.

۶. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۶.

۷. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۵۵.

کرده که گویا - اگر امامی بوده باشد - برای استفاده از پوشش تقیه بوده است.^۱ بر غیر امامی بودن او، افزون بر کتاب دعائم الاسلام و شرح الأخبار، قرائن دیگری نیز ذکر شده است: ارتباط بسیار نزدیک قاضی نعمان با المعز بالله خلیفه معروف فاطمی، جایگاه اجتماعی و علمی او و کتاب هایش؛ بویژه کتاب دعائم الإسلام در میان اسماعیلیان،^۲ و نیز محتوای سایر کتاب‌های قاضی نعمان.^۳ نگارنده این نوشتار، با قول به مذهب غیر امامی همراه است. با این حال، چون امامی بودن او منتفی هم نیست، به اجمال به معرفی آثار او؛ بویژه دو کتاب دعائم الإسلام و شرح الأخبار می‌پردازد.

تألیفات

قاضی نعمان پرتألیف بود و در مصادر، بیش از دویست اثر برای او ذکر شده است.^۴

آثار چاپی: بیش از پنجاه کتاب از قاضی نعمان به چاپ رسیده است. برخی از آنها عبارت‌اند از: ۱. شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم‌السلام، ۲. ذکر المناقب إلى الصادق، ۳. الاتفاق والافتراق، ۴. المناقب والمثالب، ۵. الإمامة، ۶. أصول المذاهب، ۷. الدولة، ۸. الإيضاح، ۹. اختلاف أصول المذاهب، ۱۰. ابتداء الدعوة للعبيدین، ۱۱. الأخبار فی الفقه، ۱۲. الاختصار فی الفقه، ۱۳. دعائم الإسلام.

سه کتاب از این کتاب‌ها، مورد توجه و استفاده عالمان امامیه قرار گرفته است: یکی الأخبار فی الفقه، که کراچکی در سده پنجم، آن را با عنوان تلخیص دعائم الإسلام، شرح کرد.^۵ دیگری دعائم الإسلام است که گویا محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۱ ق)

۱. بحار الأنوار، همان جا؛ خاتمة مستدرک الوسائل، همان جا.

۲. وفیات الأعیان، همان جا؛ عیون الأخبار، ج ۴، ص ۴۱؛ أعلام الإسماعيلية، ص ۵۸۹.

۳. هفت آسمان، شماره ۳.

۴. ر.ک: شرح الأخبار، مقدمة محقق، ص ۴۳-۴۵.

۵. الذریعة، ج ۱۳، ص ۱۰.

نخستین عالم امامی ای است که به آن دست یافته است.^۱ سومین کتاب، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام است.

۴۴. ابن عون اسدی (زنده در نیمهٔ دوم سدهٔ چهارم)

محمد بن جعفر بن محمد بن عون اسدی، مکنابه ابو الحسین؛ محدث و فقیه. نه تنها سال وفات و زادگاه او معلوم نیست، که آگاهی ما از شرح حال او نیز اندک است. به قرینهٔ روایت هارون بن موسی تلعبکری از وی، می‌توان حدس زد که او در نیمهٔ دوم سدهٔ چهارم، در بغداد زندگی می‌کرده است.^۲

تألیف

تنها اثری که برای وی نام برده شده، الرد علی أهل الاستطاعة نام دارد و نایاب است.

۴۵. ابن تمام کوفی

محمد بن علی بن فضل بن تمام کوفی دهقان، مکنابه ابو الحسین (ابو الحسن)؛ محدث. وی کثیر الروایه بوده و تلعبکری و ابو محمد محمدی، از وی روایت کرده‌اند.

تألیف

تنها اثری که برای ابن تمام کوفی بر شمرده‌اند، الفرج فی الغیبه نام دارد و نایاب است.^۳

۴۶. ابن نعیم سمرقندی (م. پس از ۳۴۰ ق)

حیلمر بن محمد بن نعیم سمرقندی، مکنابه ابو احمد؛ محدث. وی عالمی بزرگ بود و هزار کتاب از مصنفات و اصول شیعه را روایت کرد، چنان‌که مصنفات عیاشی را

۱. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۶.

۲. النهرست، طوسی، ص ۲۲۹ - ۲۳۰؛ رجال الطوسی، ص ۴۳۹؛ رجال النجاشی، ص ۳۷۳.

۳. النهرست، طوسی، ص ۲۴۰؛ رجال الطوسی، ص ۴۴۳.

بر او خوانند و همه آنها را نیز روایت کرد. مشایخ او عبارت‌اند از: ابو احمد سمرقندی، محمد بن حسن بن احمد بن ولید قمی، حسین بن احمد بن ادریس قمی، جعفر بن محمد بن قولویه قمی، محمد بن ابن عمر بن عبد العزیز کُشی و زید بن محمد حلقی. تلعه‌گیری در سال ۳۴۰ ق، از وی حدیث شنید و اجازه روایت گرفت.^۱

تألیفات

آثار ابن نعیم سمرقندی، همگی نایاب‌اند: ۱. تنبیه عالم قتلہ عملہ، ۲. النور لمن تدبرہ.

۴۷. ابو علی صولی بصری (م، پس از ۳۵۵ ق)

احمد بن محمد بن جعفر، مکنابه ابو علی صولی بصری؛ محدث. ابو علی صولی، در بصره زاده شد و بعدها به بغداد رفت. به قرینه مهاجرت ابو علی صولی از بصره به بغداد در سال ۳۵۳ ق، و این که مردم در بغداد از وی استماع حدیث کرده‌اند،^۲ می‌توان حدس زد که دست کم پس از ۳۵۵ ق، در گذشته است. او همواره یار و مصاحب جلودی بصری بود. وی به اندازه‌ای در بغداد بوده که بتواند نقل روایت کند و مصادر، ابو علی صولی را توثیق کرده‌اند؛^۳ اگرچه قولی بر روایت او از ضعفانیز وجود دارد.^۴ ابو الفرج محمد بن موسی قزوینی^۵ و شیخ مفید، از وی روایت کرده‌اند.^۶

تألیف

تنها، کتابی به نام أخبار فاطمة علیها السلام به ابو علی صولی نسبت داده شده،^۷ که آن هم نایاب است.

۱. رجال الطوسی، ص ۴۲۰-۴۲۱؛ الفهرست، طوسی، ص ۱۲۰.

۲. رجال النجاشی، ص ۸۴؛ الفهرست، طوسی، ص ۷۸.

۳. رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا.

۴. رجال النجاشی، همان جا.

۵. رجال النجاشی، همان جا.

۶. رجال الطوسی، ص ۴۱۶.

۷. رجال النجاشی، همان جا.

۴۸. ابو عبد الله بزوفری (م، پس از ۳۵۲ ق)

حسین بن علی بن سفیان بزوفری، مکنّا به ابو عبد الله؛ محدّث. او از احمد بن ادریس قمی روایت کرده است،^۱ هارون بن موسی تلعبری، محمد بن محمد بن نعمان، حسین بن عبید الله غضائری و احمد بن عبدون نیز، از وی روایت کرده‌اند.^۲ بنا به گزارشی که در رجال نجاشی آمده، بزوفری در سال ۳۵۲ ق، با نجاشی مکاتبه کرده است.^۳ وی را فاضل، شیخی شایسته اعتماد و در شمار عالمان بزرگ دانسته‌اند.^۴

تألیفات

آثار بزوفری - که همگی نایاب‌اند - عبارت‌اند از: ۱. کتاب الحج، ۲. کتاب ثواب الأعمال، ۳. کتاب أحكام العبید، ۴. کتاب الردّ علی الواقعة، ۵. کتاب سیرة النبی ﷺ و الأئمة علیهم السلام فی المشرکین.

۴۹. ابو القاسم طالقانی (م، پس از ۳۲۶ ق)

حیدر بن شعیب بن عیسی طالقانی، مکنّا به ابو القاسم؛ محدّث. وی ساکن بغداد بود. تلعبری در سال ۳۲۶ ق، از وی روایت کرد. به موجب گزارش تلعبری، ابو القاسم طالقانی کتاب‌های فضل بن شاذان را از برادرزاده فضل، محمد بن نعیم بن شاذان معروف به شاذانی (شاذانی)، روایت کرده است.^۵

۵۰. ابن ابی الیاس کوفی (م، پس از ۳۳۰ ق)

زید بن محمد بن جعفر، معروف به ابن ابی الیاس کوفی؛ محدّث. وی نخست در کوفه

۱. رجال النجاشی، ص ۵۹.

۲. رجال الطوسی، ص ۴۲۳.

۳. رجال النجاشی، ص ۵۹.

۴. رجال النجاشی، همان جا، ص ۶۸.

۵. رجال الطوسی، ص ۴۲۳.

بود و به گزارش تلعبکبری به بغداد آمد و در محله نهر البزازین فرود آمد. تلعبکبری در سال ۳۳۰ ق، از وی حدیث شنید و اجازه گرفت. حسن بن علی بن حسن دینوری علوی نیز از او روایت کرد. ابن ابی الیاس، راوی علی بن حسین بن بابویه بود.

تألیف

ابن ابی الیاس کوفی، کتاب الفضائل را تألیف کرد که نایاب است.^۱

۵۱. ابن سهل دیباجی (م، پس از ۳۷۰ ق)

سهل بن احمد بن عبد الله بن سهل دیباجی، مکنابه ابو محمد؛ محدث. وی اهل بغداد بود و در درب زعفرانی، منزل گزید. سال وفات او معلوم نیست؛ ولی به قرینه آن که تلعبکبری در سال ۳۷۰ ق، از او برای خود و پسرش اجازه گرفته است،^۲ وی پس از این سال از دنیا رفته است. حسین بن عبید الله غضائری^۳ و احمد بن عبد الواحد،^۴ از او روایت کرده‌اند. شیخ حدیث معروف او، محمد بن محمد بن اشعث کوفی است. وی در مصر، کتاب اشعثیات را از ابن اشعث استماع کرد.^۵ دیباجی تا واپسین سال‌های زندگی، دینش را پنهان می‌داشت^۶ و گویا به همین علت باشد که به ضعف،^۷ جعل و روایت کردن از افراد مجهول، متهم شده است.^۸

تألیف

کتاب ایمان ابی طالب، که به وی نسبت داده شده،^۹ نایاب است.

۱. رجال الطوسی، ص ۴۲۶-۴۲۷.

۲. رجال الطوسی، ص ۴۲۴.

۳. رجال الطوسی، ص ۴۲۷.

۴. رجال النجاشی، ص ۱۸۶.

۵. الفهرست، طوسی، ص ۴۶.

۶. رجال النجاشی، ص ۱۸۶.

۷. الفهرست، طوسی، ص ۲۸۹.

۸. الرجال، ابن غضائری، ص ۶۷.

۹. رجال النجاشی، همان جا.

۵۲. ابو الحسن ارزنی (م ۳۳۹ ق)

سلامة بن محمد بن اسماعیل بن عبد الله بن موسی، مکنابه ابو الحسن و معروف به ابو الحسن ارزنی؛ محدث. وی مدتی در قم بود^۱ و پس از درگذشت احمد بن داوود، به همراه خواهر زاده اش محمد بن احمد بن داوود، به بغداد رفت.^۲ سپس در سال ۳۳۳ ق، بغداد را نیز به قصد شام، ترک کرد؛ ولی پس از مدتی نه چندان دراز، به بغداد بازگشت و سرانجام در سال ۳۳۹ ق، در بغداد از دنیا رفت.^۳ ابو الحسن ارزنی یکی از بزرگان امامیه و شایسته اعتماد بود.^۴ ابن ولید، علی بن بابویه، ابن بطّہ، ابن همام و ابن ابی ثُلج، مشایخ حدیث او بودند.^۵ هارون بن موسی تلعبری در سال ۳۲۸ ق، از او اجازه روایت گرفت.^۶ مهم ترین راوی او، خواهرزاده اش محمد بن احمد بن داوود است.^۷

تألیفات

آثار ابو الحسن ارزنی که همگی نایاب اند، عبارت اند از: ۱. کتاب الغیبة و کشف الحیرة، ۲. کتاب المقنع فی الفقه، ۳. کتاب الحج عملاً (کتاب مناسک الحج).^۸

۵۳. ابو الحسن قزوینی (م، نیمه نخست سده چهارم)

حنظلة بن زکریّا بن یحیی بن حنظلة تمیمی قزوینی، مکنابه ابو الحسین و معروف به

۱. رجال النجاشی، ص ۱۹۲.

۲. رجال النجاشی، همان جا.

۳. رجال النجاشی، همان جا.

۴. رجال النجاشی، همان جا.

۵. رجال النجاشی، همان جا، ص ۳۲۸.

۶. رجال الطوسی، ص ۴۲۸.

۷. رجال النجاشی، همان جا، ص ۳۸۲.

۸. رجال النجاشی، ص ۱۹۲؛ الفهرست، طوسی، ص ۱۴۳.

ابو الحسن قزوینی؛ محدّث. هارون موسی تلعکبری^۱ و ابو الحسن بن تمام، از وی روایت کرده‌اند.^۲ وی چندان قابل اعتماد نبود.^۳

تألیف

کتابی به نام الغیبه، به ابو الحسن قزوینی نسبت داده شده است.

۵۴. ابن ابی حاتم قزوینی (م، پس از ۳۵۰ ق)

علی بن حاتم بن ابی حاتم قزوینی، مکنابه ابو الحسن؛ محدّث. وی مورد اعتماد بود. هارون بن موسی تلعکبری، هم در سال ۳۲۶ ق، و هم پس از آن، از وی حدیث شنید و اجازه روایت گرفت.^۴ سال وفات علی بن حاتم، معلوم نیست. به قرینه آن که حسین بن علی شیبان قزوینی، در سال ۳۵۰ ق، کتاب‌های او را از خود وی استماع کرده،^۵ پس تا این تاریخ، زنده بوده است. ابی حاتم قزوینی گرچه خود، فردی موثق و کثیر الحدیث بود، از ضعف نیز روایت می‌کرد.^۶ هارون بن موسی تلعکبری،^۷ حسین بن علی بن شیبان قزوینی،^۸ و ابو عبد الله بن شاذان، از او روایت کرده‌اند.^۹

تألیفات

ابن حاتم قزوینی، کتاب‌های ارزشمندی تألیف کرد^{۱۰} که همگی نایاب‌اند: از آن

۱. رجال الطوسی، ص ۴۲۳.
۲. رجال التجانی، ص ۱۴۷.
۳. رجال التجانی، همان جا.
۴. رجال الطوسی، ص ۴۳۲.
۵. الفهرست، طوسی، ص ۱۶۳.
۶. رجال التجانی، ص ۲۶۳.
۷. رجال الطوسی، همان جا.
۸. الفهرست، طوسی، همان جا.
۹. رجال التجانی، همان جا.
۱۰. الفهرست، طوسی، ص ۱۶۳.

جمله، بیش از ده کتاب در فقه، و نیز: ۱. کتاب حدود الدین، ۲. کتاب التوحید و المعرفة، ۳. کتاب یوم و لیلۃ، ۴. کتاب مصابیح النور، ۵. کتاب البیان و الإیضاح، ۶. کتاب مصابیح موازین العدل، ۷. کتاب العلل، ۸. کتاب الصفوة فی أسماء أمير المؤمنين عليه السلام، ۹. کتاب صفات الأنبياء عليهم السلام، ۱۰. کتاب المعرفة، ۱۱. کتاب الردّ علی القرامطة، ۱۲. کتاب الردّ علی أهل البدع.

فصل سوم

محدثان شیعه در سده پنجم

حوزه حدیث شیعه در سده پنجم نیز همچنان شکوفا، بالنده و فعال بود. بیش از بیست محدث بزرگ، نامدار و تأثیرگذار شیعه، در این سده زندگی می‌کردند. دستگاه کلامی امامیه و ساز و کار روشمند استنباط احکام در قالب دانش اصول فقه، در این دوره سامان یافت. دو کتاب از کتب اربعه حدیث شیعه، تألیف این دوره است. اینک به معرفی راویان سرشناس این سده می‌پردازیم.

۱. ابو بکر نیشابوری خُزاعی (معاصر شیخ طوسی)

احمد بن حسین بن احمد نیشابوری خُزاعی (خُزاعی الولاء)، مکنابه ابو بکر؛ فقیه و محدث. محقق اردبیلی از فردی به نام قاضی، احمد بن حسین بن احمد بن محمد بن دعویدار قمی، یاد کرده و او را به شایستگی ستوده و ثقه و حافظ احادیث، دانسته است. گویا این فرد، همان ابوبکر خُزاعی نیشابوری است؛ زیرا نام تنها راوی معروف او را «شیخ مفید، عبد الرحمان نیشابوری» ذکر کرده‌اند، که با لقب و نام فرزند ابوبکر نیشابوری، یکسان است.^۱ ابو بکر خُزاعی، ساکن ری بود؛ ولی به این قرینه که وی را «قمی»^۲ خوانده‌اند و نیز به قرینه مشایخ بغدادی او - مانند: سید رضی (م ۴۰۴ ق)، سید مرتضی (م ۴۳۶ ق) و شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) -، می‌توان گفت که

۱. جامع الرواة، ج ۱، ص ۴۷. در شماره بعد، به معرفی مفید نیشابوری (عبد الرحمان) می‌پردازیم.

۲. جامع الرواة، همان جا.

وی مدتی در قم و شاید بغداد نیز سکونت کرده است.^۱ وی دیندار، سرشناس و قابل اعتماد بود^۲ و دو فرزندش عبد الرحمان و محمد نیز محدثانی سرشناس و موثق در میان شیعه امامیه بودند.^۳ سال وفات ابو بکر خزاعی، معلوم نیست و تنها به قرینه مشایخ او و فرزندش عبد الرحمان - که هم از پدر و هم از مشایخ پدرش حدیث شنیده -، می توان دریافت که وی در نیمه نخست سده پنجم زندگی می کرده است.

تألیفات

ابو بکر نیشابوری، در زمینه های گوناگون فقه، سنن، احادیث خاص و موضوعات پراکنده، کتاب هایی نگاشت که همگی نایاب اند: ۱. الأملی؛ کتابی بزرگ و مشتمل بر احادیث و اخبار، که در چهار مجلد تألیف شده بود. ۲. عیون الأحادیث، ۳. کتاب السنن، ۴. الروضة فی الفقه، ۵. المفتاح فی الأصول، ۶. المناسک.^۴

۲. مفید نیشابوری (م ۴۴۵ - ۴۷۶ ق)

عبد الرحمان بن احمد بن حسن نیشابوری خُزاعی، مکنّا به ابو محمد و معروف به مفید نیشابوری؛ محدث، فقیه و واعظ. وی بزرگ امامیه در ری بود و به مراکز حدیث شیعه در مرکز و شرق جهان اسلام، چون: شام و حجاز و خراسان، سفر کرد.^۵ مفید نیشابوری، هم از مشایخ حدیث امامیه و هم از اهل سنت، حدیث شنید و روایت کرد. از مشایخ حدیث اویند: سید مرتضی (م ۴۳۶ ق)، سید رضی (م ۴۰۴ ق)، شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق)، کراجکی (م ۴۴۹ ق)، سلّار (م ۴۶۳ ق) و ابن برّاج (م ۴۸۱ ق). برادر زاده اش جمال الدین ابو الفتح خُزاعی، از وی روایت کرده است. مفید

۱. فهرست منتخب الدین، ص ۳۲؛ جامع الرواة، ج ۱، ص ۴۷؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۱۱.

۲. فهرست منتخب الدین، همان جا؛ أمل الآمل، همان جا.

۳. فهرست منتخب الدین، ص ۲۱۹ ش ۷۵؛ جامع الرواة، ج ۲، ص ۵۹؛ خاتمة مستدرک لوسائل، ج ۳، ص ۷۵.

۴. فهرست منتخب الدین، همان جا؛ الذریعة، ج ۲، ص ۳۰۷.

۵. فهرست منتخب الدین، ص ۷۵؛ لسان المیزان، ج ۳، ص ۴۰۴.

نیشابوری، حافظه‌ای قوی داشت و آگاه و بصیر در نقد حدیث و رجال‌شناسی بود.^۱
وی در سال ۴۴۵ ق،^۲ یا ۴۷۶ ق، این جهان را بدرود گفت.^۳

تألیفات

آثار مفید نیشابوری، در زمینه حدیث، فضایل و مناقب، و وعظ و اخلاق بود: ۱.
سفينة النجاة فی مناقب أهل البيت العلویات الرضویات^۴، ۲. الأمالی، ۳. عیون الأخبار، ۴.
مختصرات فی المواعظ و الزواجر.^۵

کتاب الأمالی وی، تا سده دوازدهم نیز موجود بود. به گزارش ذهبی، سمعانی - که
در سده ششم می‌زیسته - این کتاب را در ری دیده و یکی از مجالس آن را که درباره
اسلام ابو طالب بوده، مطالعه کرده است.^۶ ابن شهر آشوب نیز که در همان سده
می‌زیسته، از آن نقل کرده است.^۷ سید هاشم بحرانی (م ۱۱۰۷ ق) نیز در سده
دوازدهم، گاه با واسطه مناقب آل ابی طالب^۸ و گاه بدون واسطه، از الأمالی مفید
نیشابوری نقل کرده است.^۹ از این رو، برخی از کتاب‌شناسان احتمال داده‌اند که سید
هاشم بحرانی، خود، این کتاب را در اختیار داشته است.^{۱۰}

۳. محسن نیشابوری (معاصر شیخ طوسی)

محسن بن حسین بن احمد نیشابوری خُزاعی؛ محدث و متکلم. وی برادر ابو بکر

۱. فهرست منتخب الدین، همان جا؛ لسان المیزان، همان جا.

۲. لسان المیزان، ج ۳، ص ۴۰۵.

۳. الأربعین عن الأربعین، حدیث ۵، رسائل فی حدیث رد الشمس، ص ۲۰۵.

۴. فهرست منتخب الدین، ص ۷۵.

۵. لسان المیزان، ج ۳، ص ۴۰۵.

۶. المناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۹۱.

۷. مدینه المعاجز، ج ۱، ص ۴۱۹.

۸. همان، ج ۲، ص ۳۲۲؛ ج ۳، ص ۵۱۸.

۹. أعيان الشيعة، ج ۱۰، ص ۲۴۹؛ الذریعة، ج ۱۹، ص ۳۶۷.

نیشابوری^۱ و عموی عبد الرحمان (معروف به مفید نیشابوری) و محمد بن احمد است. در مصادر، اطلاعات چندانی در باره او دیده نمی شود. تنها می دانیم که وی معاصر شیخ طوسی بوده، در ری می زیسته و به وعظ و خطابه اشتغال داشته است. محسن خزاعی را عادل، حافظ و شایسته اعتماد دانسته اند.^۲

تألیفات

کتاب های محسن خزاعی - که به قرینه عناوین شان، در زمینه حدیث، آداب و سیره، فقه الحدیث و علوم قرآن بوده -، همگی نایاب اند: ۱. *الأنالی فی الأحادیث*، ۲. *السیر*، ۳. بیان «مَنْ کُنْتُ مَوْلَاهُ»، ۴. *إعجاز القرآن*.

۴. ابو سعید خُزاعی (زنده در ۴۴۴ ق)

محمد بن احمد بن حسین نیشابوری خزاعی، مکنّا به ابو سعید؛ محدّث و متکلم. وی در ری سکونت داشت و به دیدار مشایخ حدیث قم نیز نائل شد.^۳ ابو سعید، قابل اعتماد در حدیث و سرشناس بود.^۴ سال وفات او معلوم نیست. وی در سال ۴۳۲ ق، از ابو سعد منصور بن حسین آبی^۵ و در سال ۴۴۴ ق، از ابو القاسم عبد العزیز بن محمد بن عبد العزیز صائن در قم، حدیث شنید.^۶

ابو سعید، برادر مفید نیشابوری است که هم اینک به معرفی او پرداختیم، و جدّ ابو الفتوح رازی، مفسر معروف. از دیگر مشایخ وی - که بر پایه کتاب الأربعین، حدود چهل نفر بوده اند، می توان به پدرش احمد و عموی محسن اشاره کرد.^۷

۱. همان احمد بن حسین که شرح حالش به شماره ۵۵ گذشت.

۲. فهرست منتخب الدین، ص ۱۰۲؛ جامع الرواة، ج ۲، ص ۴۲؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۲۸؛ الذریعة، ج ۲۲، ص ۲۳۳.

۳. الأربعین عن الأربعین، ح ۳۶.

۴. فهرست منتخب الدین، ص ۱۰۲.

۵. الأربعین، ح ۲۲.

۶. همان، ح ۳۶؛ خانة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۷۶-۷۹.

۷. خانة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۷۵-۷۶.

تألیفات

بیشتر آثار ابو سعید خزاعی، نایاب‌اند: ۱. الروضة الزهراء فی تفسیر (مناقب) فاطمة الزهراء علیها السلام، ۲. الفرق بین المقامین و تشبیه علی علیه السلام بذی القرنین، ۳. مئی الطالب فی ایمان أبی طالب، ۴. کتاب المولی، ۵. التفهیم فی بیان القسم، ۶. الرسالة الواضحة فی بطلان دعوی الناصبة، ۷. ما لا یُذَّ من معرفته.^۱

کتاب الروضة الزهراء فی مناقب فاطمة الزهراء علیها السلام، با همین عنوان،^۲ و نیز با عنوان الروضة الزهراء فی تفسیر فاطمة الزهراء علیها السلام،^۳ و همچنین با عنوان الروضة^۴، در سده ششم در دسترس بوده و از جمله، ابو الفتوح رازی نوّه مؤلف، در بحث مناقب حضرت فاطمه علیها السلام، دور وایت از آن نقل کرده است.^۵

اثر چاپی: ۸. الأربعین عن الأربعین فی فضائل امیر المؤمنین علیه السلام.

۵. جعفر دوریستی (زنده در ۴۷۳ ق)

جعفر بن محمد بن احمد بن عباس، مکنابه ابو عبد الله و معروف به جعفر دوریستی؛ محدث، فقیه و متکلم. جعفر دوریستی در قریه دوریست از توابع ری، سکونت داشت.^۶ او در سال ۴۰۱ ق، به بغداد رفت و در مجلس شیخ مفید حاضر شد.^۷ مشایخ حدیث او در ری و بغداد، عبارت‌اند از: پدرش محمد، شیخ مفید، سید مرتضی، ابن عیاش جوهری و شیخ طوسی.^۸ سال وفات جعفر دوریستی معلوم نیست؛ ولی

۱. فهرست منتخب الدین، ص ۱۰۲؛ معالم العلماء، ص ۱۵۱؛ ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۸۸؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۷۳-۷۶.

۲. روض لبحان و روح الجنان، ج ۱، ص ۵۶۱ ج ۴، ص ۳۱۹.

۳. فهرست منتخب الدین، همان جا.

۴. أمل الآمل، ج ۲، ص ۲۴۰.

۵. تفسیر ابو الفتوح رازی، ج ۱، ص ۵۶۱ الذریعة، ج ۷، ص ۲۹۴.

۶. النقص، ص ۱۰۸-۱۰۹؛ معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۸۴.

۷. الثاقب فی المناقب، ص ۲۳۶.

۸. فهرست منتخب الدین، ص ۴۵؛ مرآة الکتب، هامش، ص ۴۲۸.

می دانیم که تا سال ۴۷۳ ق، زنده بوده^۱ و در آن سال، نسخه‌ای عربی را به فارسی برگردانده است.^۲ جعفر دوریستی، محدثی فرزانه، وارسته و چهره سرشناس شیعه بود^۳ که به عدالت و امانتداری شناخته می‌شد.^۴ نظام الملک، حاکم ری، تحت تأثیر فضل و بزرگی شیخ جعفر قرار گرفت و دو هفته‌ای یک بار، به دوریستی می‌رفت و از او حدیث می‌شنید.^۵

تألیفات

آثار نایاب جعفر دوریستی: ۱. الکفایة (الکفایة فی العبادات)، ۲. الاعتقاد (الاعتقادات)، ۳. عملُ یوم و لیلۃ^۶ آثار نایابی که در منابع بعدی، از آنها نقل شده است: ۴. الحُسنی، ۵. الرّدّ علی الزیدیه. کتاب الحُسنی در سده هفتم موجود بوده و علی بن طاووس (م ۶۶۲ ق) و عبد الکریم بن طاووس (م ۶۹۳ ق)، از آن نقل کرده‌اند. روایاتی علی بن طاووس از آن نقل کرده، در باره فضیلت ماه رمضان و رجب است.^۷ این روایات، اسناد کامل دارند و دوریستی بیشتر آنها را از طریق پدرش نقل کرده است.^۸ سید عبد الکریم بن طاووس متذکر شده که نسخه‌ای از آن را - که در سال ۴۴۶ ق، بر محمد بن احمد دوریستی خوانده شده -، در اختیار دارد و از آن، خبری هم نقل کرده است.^۹ از این کتاب با

۱. الثاقب فی المناقب، ص ۲۳۹.

۲. همان جا.

۳. النفض، همان جا.

۴. رجال الطوسی، ص ۴۱۹؛ فهرست منتخب الدین، همان جا؛ معالم العلماء، ص ۵۳؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۵۴.

۵. النفض، همان جا.

۶. منتخب الدین، همان جا؛ معالم العلماء، ص ۵۳؛ أمل الآمل، همان جا؛ الإقبال، ج ۱، ص ۳۸۵.

۷. الإقبال، ج ۱، ص ۳۸۵-۳۸۶؛ ج ۳، ص ۱۹۱، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۷۰-۲۷۱، ۲۸۲-۲۸۴.

۸. الإقبال، همان جاها.

۹. فرحة الثری، ص ۱۲۶.

واسطه کتاب إقبال الأعمال، در وسائل الشيعة^۱ و گویا بدون واسطه، در بحار الأنوار^۲ نیز نقل شده است.

کتاب الرد علی الزیدیه نیز که ابن شهر آشوب از آن نام برده، تاسده ششم باقی بوده است. گویا فضل بن حسن طبرسی (م ۵۴۸ ق) آن را در اختیار داشته و از آن، سه حدیث نقل کرده^۳ که سند همه آنها کامل است و موضوعشان امامت و فضایل امام علی علیه السلام است. در روایت نخست آن، آمده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره امام علی علیه السلام عبارت «إِنَّهُ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَهُ» را فرموده است.^۴

۶. ابن شاذان قمی (م حدود ۴۲۵ ق)

محمّد بن احمد بن علی بن حسن (حسین) بن شاذان (شاذان)، مکنّا به ابو الحسن و معروف به ابن شاذان قمی؛ فقیه، محدّث و متکلم. خانواده ابن شاذان قمی، از طرف پدر و مادر هر دو، اهل علم و حدیث بودند. پدرش فقیهی بزرگ، خوش فهم و به قولی، شیخ امامیه شناخته می شد^۵ و مادرش خواهر زاده ابن قولویه قمی، از مشایخ بزرگ امامیه بود.^۶ ابن شاذان در اصل، قمی بود.^۷ وی به ری،^۸ کوفه،^۹ بغداد، مدینه^{۱۰} و مکه^{۱۱} سفر کرد. گویا سکونت او در کوفه و بغداد، به درازا کشید؛ چرا که وی را افزون

۱. وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۱۷۲-۱۷۳؛ ج ۷، ص ۲۶۷-۲۵۷؛ ج ۲۰، ص ۴۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۴؛ ج ۴۶؛ ج ۹۵، ص ۷۳-۷۴، ص ۱۷۲-۱۷۶.

۳. إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۱۶۳-۱۶۴؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۰۰.

۴. إعلام الوری، همان جا.

۵. رجال النجاشی، ص ۸۵؛ خلاصة الأقوال، ص ۷۰.

۶. کثر الفوائد، ص ۲۲۰؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۳۸؛ الذریعة، ج ۲، ص ۴۹۴.

۷. رجال النجاشی، همان جا؛ معالم العلماء، ص ۱۵۲؛ خلاصة الأقوال، همان جا.

۸. جمال الاسوع، ص ۱۴۵.

۹. مائة منقبة، ص ۱۸.

۱۰. همان، ص ۱۳۷.

۱۱. الاستصار، ص ۲۰.

بر قمی، کوفی^۱ و بغدادی نیز گفته‌اند.

مشایخ حدیث ابن شادان قمی، از شیعه و اهل سنت، دست کم ۶۷ نفر بودند.^۲ او از این نظر، قابل قیاس با شیخ صدوق و امثال اوست. از میان مشایخ شیعی ابن شادان، می‌توان پدرش احمد، شیخ صدوق، ابن رازی، ابن خزاز قمی، شیخ مفید، ابو غالب زراری و ابن عیاش جوهری را نام برد. نجاشی، شیخ طوسی و ابو الفتح کراچکی نیز از او روایت کرده‌اند.^۳ پدر محمد بن شادان قمی، دو کتاب تألیف کرد که در نوع خود، نظیر نداشتند:^۴ یکی الامالی و دیگری، زاد المسافر. این دو کتاب، در اختیار فرزند مؤلف بوده و وی در کتاب‌های خود، از آنها نقل کرده است. ابن شادان در سال ۴۱۲ ق، در مکه سکونت داشت.^۵ به قرینه آن‌که نجاشی و شیخ طوسی از او نام نبرده‌اند، معلوم می‌شود که وی دیگر به بغداد باز نگشته است. او فقیه و دانشمندی بزرگ بود،^۶ چنان‌که در استفاده از حدیث شیعه و اهل سنت، پیش‌گام و در شناخت حدیث صحیح، از علمی ثاقب برخوردار بود.^۷ ابن شادان صحیفه سجاده را از محمد بن سلیمان مصری روایت کرد.^۸

تألیفات

آثار نایاب: ۱. ایضاح دفائن النواصب، ۲. رد الشمس علی أمير المؤمنين علیه السلام، ۳. المناقب،^{۱۰}

۱. امل الامل، ج ۲، ص ۱۸ و ص ۲۴۱.

۲. مائة منقبة، مقدمة محقق کتاب، ص ۱۱-۱۳.

۳. رجال النجاشی، ص ۸۸-۸۹ الامالی طوسی، مقدمة محقق کتاب، ص ۱۰؛ الاستبصار، ص ۹، ص ۲۰.

۴. رجال النجاشی، همان جا.

۵. رجال النجاشی، همان جا.

۶. الاستبصار، ص ۲۰.

۷. امل الامل، همان جا.

۸. الاستبصار، ص ۶.

۹. فهرس التراث، ج ۱، ص ۴۶۷.

۱۰. الاستبصار، ص ۲۰؛ معالم العلماء، همان جا؛ الثاقب فی المناقب، ص ۳۲۸؛ امل الامل، همان جا؛ بحار الآثار،

ج ۱، ص ۱۸.

اثر نایابی که در منابع بعدی منعکس شده است: ۴. کتاب بستان الکرام^۱ که با عنوان البستان نیز از آن یاد شده است.^۲ این کتاب - که گویا حجمی بسیار داشته و بزرگ می‌نموده - در سده ششم در دسترس بوده و شیخ عماد الدین، معروف به ابن حمزه طوسی (م ۵۶۰ ق)، از جزء هشتاد و ششم آن، دو حدیث نقل کرده است.^۳ گویا نسخه یا نسخه‌هایی از آن، تا سده‌های دهم و سیزدهم نیز موجود بوده؛ چرا که مقدس اردبیلی (م ۹۹۳ ق) در دو کتاب الأربعین و حذیقة الشيعة^۴ خود، محدث جزایری (م ۱۱۱۲ ق) در حاشیه مفتاح اللیب، و سلطان محمد در تحفة المجالس و نیز مفتاح الجنة - که در سال ۱۲۸۵ ق، تألیف شد -، از آن نقل کرده‌اند.^۵

اثر چاپی: ۵. کتاب مائة منقبة.

۷. شریف رضی (۳۵۹-۴۰۶ ق)

محمد بن حسین بن موسی بن محمد بن موسی بن ابراهیم، مکنابه ابو الحسن و معروف به [سید] رضی و شریف رضی؛ محدث، ادیب، شاعر، مفسر و فقیه. شریف رضی، برادر سید مرتضی بود. هر دو خانواده پدری و مادری‌شان، فرزانه و وارسته بودند. پدر آنها منزلت اجتماعی والایی داشت^۶ و در نزد خلفای عباسی و دولت‌مردان آل بویه نیز بسیار محترم بود.^۷ سید رضی، از مجلس درس شیخ مفید بهره برد و از برخی مشایخ حدیث، چون هارون بن موسی تلعبیری، روایت کرد.^۸

۱. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۴۳؛ الذریعة، ج ۳، ص ۱۰۷.

۲. الثاقب فی المناقب، ص ۳۲۸.

۳. الثاقب فی المناقب، همان جا.

۴. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۴۳.

۵. الذریعة، ج ۳، ص ۱۰۷.

۶. رجال التجاشی، ص ۳۹۸.

۷. خصائص الانمة، ص ۳۱-۳۲، مقدّمه محقق.

۸. خصائص الانمة، ص ۸۱-۸۲؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۶۹.

وی در شعر و ادب نیز سرآمد بود و سخن‌شناسی معروف و بلکه یگانه دوران خویش، شناخته می‌شد.^۱

تألیفات

کتاب‌هایی که به سید رضی نسبت داده شده، در زمینه‌های گوناگونی فراهم آمده‌اند: شعر، تفسیر، فقه الحدیث و گاه تاریخ؛ ولی رویکرد حاکم بر همه آثار حدیثی او، ادبی و بلاغی است.

آثار حدیثی چاپی: ۱. خصائص الأئمة، ۲. المجازات النبویة، ۳. نهج البلاغة.

۸. ابو الحسنین تلّغکبری (زنده در ۴۱۰ ق)

محمد بن هارون بن موسی تلّغکبری، مکنّا به ابو الحسنین؛ محدّث. وی فرزند محدّث معروف، هارون بن موسی (م ۳۸۵ ق) بود. کنیه او را گاه، ابو جعفر نیز ذکر کرده‌اند.^۲ سال وفات محمد بن هارون، معلوم نیست؛ ولی به گزارش شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) در سال ۴۱۰ ق از او حدیث شنید.^۳ وی ساکن بغداد بود و به دمشق نیز سفر کرد.^۴ او هم‌شاگردی نجاشی و نیز شیخ حدیث او بود.^۵ گرچه این محدّث در مصادر، توثیق نشده است، به قرینه قرار گرفتن او در طریق احادیث نجاشی و طرق کتاب رجال او، افزون بر طلب رحمت نجاشی بروی^۶ و این‌که نجاشی مشایخ حدیث خود را توثیق کرده،^۷ این حدّث قوی می‌نماید که نجاشی به او اعتماد داشته است.

۱. رجال النجاشی، ص ۳۹۸؛ تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۲۶۳؛ خلاصة الأقوال، ص ۲۷۰؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۶۹.

۲. رجال النجاشی، ص ۷۹، ص ۴۳۹.

۳. فرج المهموم، ص ۲۳۶؛ قواعد الحدیث، ص ۱۸۳.

۴. بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۴۲.

۵. رجال النجاشی، ص ۴۳۹، ص ۷۹؛ الذریعة، ج ۲۰، ص ۵۴.

۶. رجال النجاشی، ص ۷۹.

۷. قواعد الحدیث، ص ۱۸۳.

تألیف

در مصادر، یک کتاب با عنوان مجموع الدعوات^۱، برای ابو الحسین تلعهکبری نام برده‌اند. که گاه با همین عنوان مجموع التلعهکبری^۲ و کتاب عتیق^۳ از آن یاد شده؛ ولی گاه به پدر او، هارون بن موسی نیز نسبت داده شده است.^۴ این کتاب تا سده یازدهم موجود بود. ابن طاووس (م ۶۶۲ ق) نسخه‌ای از آن را - که به خط محمد بن هارون تلعهکبری، مؤلف کتاب بود - داشته،^۵ و کفعمی (م ۹۹۷ ق) و محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) نیز نسخه‌ای از آن را در اختیار داشتند که در سال ۵۷۶ ق، استنساخ شده بود.^۶ مجموع الدعوات از مصادر ابن طاووس^۷ و محمد باقر مجلسی^۸ است. گویا افندی اصفهانی (م ۱۱۳۲ ق) و محدث نوری (م ۱۳۳۲ ق) آن را در دسترس نداشته‌اند؛ چرا که آن دو، تنها به واسطه ابن طاووس و مجلسی، از آن نقل کرده‌اند.^۹

۹. ابو عبد الله غضائری (م ۴۱۱ ق)

حسین بن عیید الله بن ابراهیم، مکنابه ابو عبد الله و معروف به ابو عبد الله غضائری؛ محدث و رجالی. ابو عبد الله غضائری، اهل واسط بود و در بغداد نیز زندگی کرد.^{۱۰}

۱. مهج الدعوات، ص ۱۷۴؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۳.

۲. البلد الامین، ص ۵۰۳.

۳. بحار الأنوار، همان جا.

۴. بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۱۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۵۱.

۵. مهج الدعوات، همان جا.

۶. البلد الامین، همان جا؛ بحار الأنوار، همان جا.

۷. مهج الدعوات، ص ۱۷۴-۱۷۵؛ فتح الایواب، ص ۲۰۴.

۸. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۳.

۹. ریاض العلماء، ج ۵، ص ۲۹۴-۲۹۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۶۶، ص ۵۷۰؛ ج ۶، ص ۱۱۴، ص ۲۷۲-۲۷۳.

۱۰. لسان العیزان، ج ۲، ص ۱۲۵-۱۲۶.

او معاصر مفید و در حدیث و رجال، شیخ نجاشی و طوسی بود.^۱ ابن جعابی،^۲ ابو غالب زُراری و جعفر بن قولویه، برخی از مشایخ حدیث او بودند.^۳ ابو عبد الله غضائری، تنها طریق رسالتی ابو غالب برای نجاشی بود و تکمله‌ای نیز بر آن نگاشت. وی فرزانه، وارسته و شایسته اعتماد بود و افزون بر آگاهی به رجال و اخبار، در اسانید بسیاری از روایات و کتب، واقع شده است.^۴

تألیفات

ابو عبد الله غضائری، یازده کتاب در زمینه‌های گوناگون نگاشت: فضائل امام علی علیه السلام، نصوص، فقه، فهرست، شرح حال، رجال، کلام و فقه الحدیث. آثار نایاب: ۱. کتاب فی قول امیر المؤمنین علیه السلام: «ألا أخبركم بخير هذه الأمة»، ۲. کشف التمیوه والغمة، ۳. التسليم علی امیر المؤمنین علیه السلام بامرة المؤمنین، ۴. عدد الأئمة و ما شد علی المصنفین فی ذلك، ۵. مناسک الحج، ۶. يوم الغدير، ۷. الرد علی الغلاة والمفوضة، ۸. مواطن امیر المؤمنین علیه السلام، ۹. فضل بغداد. اثر چایی: ۱۰. تکملة رسالة أبي غالب الزراري، ۱۱. الرجال (الضعفاء).

۱۰. ابن غضائری (م حدود ۴۱۳-۴۱۸ ق)

احمد بن حسین بن عبید الله بن ابراهیم بن عبد الله غضائری، مکنابه ابو الحسین و معروف به ابن غضائری؛ محدث و رجالی. وی ساکن بغداد بود و همان جا درگذشت. مشایخ ابن غضائری، افزون بر پدرش حسین بن عبید الله، علی بن محمد بن شیران^۵ و احمد بن عبد الواحد^۶ بودند. سال وفات وی معلوم نیست؛ ولی به سه قرینه،

۱. رجال النجاشی، ص ۶۹؛ رجال الطوسی، ص ۴۲۵؛ الرواشح السماویة، ص ۱۱۱-۱۱۲.

۲. لسان المیزان، ج ۲، ص ۲۹۷-۲۹۸.

۳. رسالة أبي غالب الزراري، ص ۶۰، ص ۶۴-۹۶.

۴. رجال النجاشی، ص ۶۹؛ الرواشح السماویة، همان جا؛ لسان المیزان، همان جا.

۵. رجال النجاشی، ص ۸۳.

۶. همان، ص ۲۵۹.

می‌توان گفت که اندکی پس از مرگ پدرش (۴۱۱ ق) درگذشته است:

نخست این که بر پایه گزارشی، مرگ او «اخترامی» بود.^۱ مرگ اخترامی در یک تفسیر شایع، بر مرگ پیش از چهل سالگی اطلاق می‌شود.^۲ قرینه دوم این که: او افزون بر آن که هم شاگردی و یار دیرین نجاشی (۳۷۲-۴۵۰ ق) بود، شیخ او نیز بود و با هم در مجلس درس پدر وی، حسین بن عبید الله غضائری^۳ و درس علی بن محمد بن شیران (م ۴۱۰ ق)،^۴ حاضر می‌شدند.^۵ پس در حیات پدر، کودک نبوده است. سوم این که: نجاشی برای او طلب رحمت کرده است.^۶

اعتبار ابن غضائری از دیدگاه رجال شناسان

مصادر نخستین، به شرح حال ابن غضائری نپرداخته‌اند. گویا شیخ حرّ عاملی (م ۱۱۰۶ ق) برای بار نخست، ردیف جداگانه و مستقلّی در اثر کتاب‌شناسی خود، به او اختصاص داد.^۷ از آن جا که در مصادر اولیه، شرح حال مستقلّی از ابن غضائری نیامده، وی جرح و تعدیل هم نشده است. شاید شهید ثانی (م ۹۶۱ ق) بود در سده دهم، این سکوت را شکست و در تضعیفات ابن غضائری، تردید کرد و آنها را نامعتبر دانست.^۸ فرزند او نیز، شیخ حسن بن زین الدین (م ۱۰۱۴ ق) صاحب معالم، در کتاب رجالی الاستقصاء، بر درستی دیدگاه پدر تأکید کرد و متذکر شد که ابن غضائری،

۱. النهرست، طوسی، ص ۳۱-۳۲.

۲. الرجال، ابن غضائری، ص ۱۵، مقدمه محقق کتاب.

۳. رجال التجاشی، ص ۸۳.

۴. رجال التجاشی، ص ۲۶۹.

۵. النوائد الرجالية، ج ۲، ص ۴۹.

۶. رجال التجاشی، ص ۸۳، ص ۷۷.

۷. أمل الأمل، ج ۲، ص ۱۲.

۸. شرح الدرابة، ص ۷۱؛ قواعد الحديث، ص ۲۰۴.

شایسته اعتماد نیست.^۱ در باره جایگاه رجالی ابن غضائری، سه دیدگاه مطرح شده است:

یکم. توثیق ابن غضائری

عنایت الله قُهبایی (م ح ۱۰۱۱ ق)،^۲ شیخ بهایی (م ۱۰۳۱ ق)، فاضل تونی (م ۱۰۷۱ ق)، وحید بهبهانی (م ۱۲۰۶ ق)،^۳ محمد بن ابراهیم محقق کلباسی (م ۱۲۶۱ ق)^۴ محقق محمد تقی شوشتری (م ۱۴۱۴ ق)،^۵ طرفدار این دیدگاه شناخته می شوند.^۶ دلایل این دسته، عبارت است:

۱. اعتماد نجاشی به ابن غضائری، که ۲۳ بار، بی واسطه از او نقل کرده است؛^۷
۲. توثیق همه مشایخ بی واسطه نجاشی، در رجال او؛^۸
۳. توصیف وی توسط شیخ طوسی، به «شیخ طایفه در میان اصحاب حدیث»، بلکه «ماهرترین آنها»؛
۴. درخواست رحمت الهی برای او، توسط شیخ طوسی؛^۹
۵. اعتماد احمد بن طاووس بر او؛^{۱۰}
۶. اعتماد فراوان علامه حلی بر دیدگاه های رجالی او.^{۱۱}

۱. سماء المقال، ج ۱، ص ۱۴.
۲. مجمع الرجال، ج ۱، ص ۱۰۸.
۳. منهج المقال و تعلیقه، ص ۳۵.
۴. سماء المقال، ج ۱، ص ۲۴.
۵. قاموس الرجال، ج ۱، ص ۴۴۶-۴۴۷.
۶. ر.ک: الرجال، ابن غضائری، ص ۲۰، مقدمه محقق کتاب؛ قواعد الحديث، ص ۲۰۱.
۷. قواعد الحديث، ص ۲۰۳؛ کلیات فی علم الرجال، ص ۸۳.
۸. قواعد الحديث، ص ۱۸۴؛ مشایخ الثقات، ص ۱۲.
۹. الفهرست، طوسی، ص ۳۱-۳۲.
۱۰. التحریر الطاووسی، ص ۱۵۲ و ۴۱۹؛ الفوائد لرجالية، ج ۲، ص ۴۳.
۱۱. خلاصة الأحوال، ص ۱۷۳ و ۳۶۱؛ سماء المقال، ج ۱، ص ۱۵؛ قواعد الحديث، ص ۲۰۰-۲۰۴.

دوم. تضعیف ابن غضائری و بی‌اعتمادی به توثیق‌ها و تضعیف‌های او

طرفداران این دیدگاه، به علّت‌های متفاوتی وی را ضعیف شمرده‌اند و از این رو، خود در سه دسته جای می‌گیرند:

۱. جهالت از جهت جرح و تعدیل؛ محمد تقی مجلسی^۱ و نفرشی^۲، این نظر را دارند.

۲. کثرت جرح توسط وی؛ گویا محقق داماد^۳، محمد باقر مجلسی^۴ و سید بحر العلوم^۵ طرفدار این قول‌اند.

۳. مسکوت ماندن جرح یا تعدیل او و نیز کثرت جرح توسط او؛ میرزا محمد^۶، ظاهر عبارت وحید بهبهانی^۷ و [آیه الله] سید ابو القاسم خویی^۸، در این دسته جای می‌گیرند.^۹

سوم: پذیرش توثیق‌های ابن غضائری و ردّ تضعیف‌های او

این دیدگاه، به وسیله رجال معاصر، [آیه الله] جعفر سبحانی مطرح شده است.^{۱۰}

تألیفات

شمار کتاب‌های ابن غضائری، از دو تا چهار عنوان ذکر شده است: ۱. فهرس

۱. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۳۳۰.

۲. نقد الرجال، ج ۲، ص ۲۳۰.

۳. الروائع، ص ۱۱۴.

۴. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۴۱.

۵. الفوائد الرجالية، ج ۲، ص ۳۶۹.

۶. منهج المقال، ص ۳۹۸.

۷. منهج المقال و تعلیقه، ص ۲۴-۲۵.

۸. معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۹۴-۹۶.

۹. نیز، ر.ک: قواعد الحديث، ص ۲۰۰-۲۰۵؛ لرجال، ابن غضائری، ص ۲۰-۲۱، مقدّمه محقق کتاب.

۱۰. کلیات فی علم الرجال، ص ۹۳ و ۱۰۳.

المصنّفات، ۲. فهرس الأصول، ۳۱. کتاب التاریخ، ۴۲. الضعفاء.^۲

علامه حلی (م ۷۲۶ ق) دو کتاب را بدون عنوان، برای وی ذکر کرده که گویا یکی در باره ضعف و دیگری در باره ممدوحین بوده است.^۴ به دو قرینه، برخی این گمان‌اند که این غضائری، چهار کتاب در رجال و کتاب‌شناسی داشته است:^۵

قرینه نخست، این گزارش شیخ طوسی است که بعضی از وارثان ابن غضائری، کتاب‌های وی - از جمله، دو کتاب فهرست مصنّفات و اصول وی - را از بین بردند؛^۶ و قرینه دوم، ظاهر کلام علامه حلی که گویای تعلّق دو کتاب در ضعف و ممدوحین، برای اوست.^۷

برخی هم با نفی کتابی درباره ممدوحین، سه کتاب به وی نسبت داده‌اند.^۸ گروهی دیگر، گزارش شیخ طوسی را در باره تلف شدن دو کتاب ابن غضائری، نپذیرفته‌اند - چرا که از عبارت: «به گزارش فردی ناشناخته...»، تردید وی آشکار می‌شود - و از آن‌جا که علامه حلی نیز تنها از دو کتاب ابن غضائری نقل کرده و می‌توان حدس زد که دو کتاب یاد شده، تاسده هشتم باقی بوده و علامه آن دو را در اختیار داشته، نتیجه گرفته‌اند که ابن غضائری، اثری در کتاب‌شناسی نداشته و تنها دو کتاب در رجال داشته است.^۹

به قرینه کلام شیخ طوسی و ظاهر عبارت علامه حلی - که نشان دهنده نقل وی از دو کتاب ابن غضائری با دو رویکرد مختلف است -، انتساب چهار کتاب رجالی به

۱. الفهرست، طوسی، ص ۳۱-۳۲.

۲. رجال النجاشی، ص ۷۷.

۳. الرجال، ابن غضائری، همان‌جا؛ التحریر الطائوسی، ص ۴-۵؛ رجال ابن داود، ص ۲۵-۲۶.

۴. خلاصة الاقوال، ص ۳۷۷، ۴۱۴.

۵. نقد الرجال، ج ۲، ص ۹۸؛ الرجال، ابن غضائری، ص ۱۳-۱۴، مقدمه محقق.

۶. الفهرست، طوسی، همان‌جا.

۷. خلاصة الاقوال، همان‌جا.

۸. مجمع الرجال، ج ۱، ص ۱۱.

۹. الفوائد الرجالية، ج ۲، ص ۴۹.

وی، به واقع نزدیک‌تر می‌نماید. به هر حال، تنها اثر موجود و چاپی او، کتاب الضعفاء است.

۱۱. شیخ مفید (۳۳۶ - ۴۱۳ ق)

محمّد بن محمّد بن نعمان بن عبد السلام، مکنّا به ابو عبد الله و معروف به شیخ مفید و ابن معلّم؛ محدّث، متکلم، فقیه و اصولی. شیخ مفید در بغداد، زاده شد و در همان جا در گذشت.^۱ وی بلند آوازه‌ترین فقیه و متکلم امامی در سده‌های چهارم و پنجم بود.^۲ آوازه او، بر چند ویژگی استوار بود: عمق علمی و قدرت استدلالی و اقناعی وی؛ هم در تبیین دستگاه فقهی و کلامی امامیه و هم در نقد مذاهب و آرای مخالفان و همچنین، بر بصیرت و آگاهی‌اش در نقد اخبار، و وارستگی اخلاقی او. این ناموری، موجب شد که نه تنها موافقان، که مخالفان نیز آشکارا و با اشاره، زبان به ستایش او بگشایند.^۳ شیخ مفید با سرمایه استعداد و هوش سرشار و پشتکار و همت والایی که داشت، دستگاه کلامی و فقهی امامیه را بر دو پایه استوار نقل و عقل، سامان داد. به قرینه اسامی مشایخ مفید، نشان می‌دهد که وی از محدّثان مناطق بسیاری بهره برده است، مانند: قم، ری، کوفه، قزوین، بلخ، مراغه، همدان، طبرستان، حلب و بغداد. برخی از این مشایخ، اهل سنت بوده‌اند.^۴ احمد بن ولید قمی، شیخ صدوق، ابو غالب زراری، جعفر بن قولویه قمی و حسن بن حمزه علوی، معروف به مرعش، مهم‌ترین مشایخ حدیث شیخ مفید بودند. سید رضی، سید مرتضی، شیخ طوسی، ابو الفتح کراجکی و نجاشی نیز از او حدیث شنیدند.^۵

۱. الفهرست، طوسی، ص ۲۳۸؛ رجال التجاشی، ص ۴۰۲.

۲. رجال التجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا.

۳. رجال التجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا؛ خلاصة الأثوال، ص ۲۴۸؛ تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۴۴۹؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۶، ص ۳۰؛ سیر أعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۳۴۴؛ لسان المیزان، ج ۵، ص ۳۶۸.

۴. الأمالی، مفید، ص ۱۲ - ۱۴، مقدّمه محقّق.

۵. رجال التجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا؛ الأمالی، مفید، همان جا؛ تهذیب الأحکام، ص ۱۵ -

۱۶، مقدّمه محقّق.

تألیفات

در مصادر، نزدیک به دویست کتاب برای شیخ مفید ذکر شده است.^۱ از عناوین این کتاب‌ها پیداست که وی در زمینه‌های گوناگونی دست به قلم برده است: کلام، فقه، فقه الحدیث، نقد الحدیث، تاریخ، دعا و زیارت.

الف - آثار حدیثی نایاب:

۱. جواب المسائل فی اختلاف الأخبار، ۲. مقابس الأنوار فی الردّ علی أهل الأخبار، ۳. تاریخ الشریعة، ۴. تفضیل الأئمة علیهم السلام علی الملائكة، ۵. جوابات أهل الموصول فی العدد والرؤية، ۶. مسألة فی معنی قول النبی صلی الله علیه و آله: «أصحابی كالنجوم»، ۷. مسألة فی مارواه العامة، ۸. المسألة الموضحة فی ترویج عثمان، ۹. مسألة فی معنی قوله صلی الله علیه و آله: «إبني مُخلفٌ فيكم الشقلين»، ۱۰. كتاب فی قوله صلی الله علیه و آله: «أنت مني بمنزلة هارون من موسى»، ۱۱. مسألة فی رجوع الشمس، ۱۲. المسألة الكافية فی إبطال توبة الخاطئة، ۱۳. الفضائل، ۱۴. المسألة المقنعة فی إثبات النص، ۱۵. الإشراف فی لغت أهل البيت علیهم السلام، ۱۶. رسالة فی كتابة النبی صلی الله علیه و آله، ۱۷. النصوص، ۱۸. العیون والمحاسن، ۱۹. ترویج أمير المؤمنين علیه السلام بنته من عمر.

ب - آثار نایابی که در منابع بعدی، از آنها نقل شده است:

۲۰. کتاب کمال شهر رمضان، که در سده هفتم موجود بود و ابن طاووس از آن نقل کرده است.^۲

۲۱. کتاب لمح البرهان، که به قرینه آنچه ابن طاووس در سده هفتم، از آن نقل کرده، در زمینه اعمال و دعاها پر فضیلت بوده است.^۳

۲۲. کتاب مصابیح النور، که این نیز به قرینه موارد منقول، در زمینه دعا بوده است.^۴

۱. معالم العلماء، ص ۱۴۷؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۳۰؛ الأمالی، مفید، ص ۱۵-۱۸، مقدمه محقق.

۲. فلاح السائل، ص ۱۲-۱۳؛ الإقبال، ج ۱، ص ۵۳.

۳. الإقبال، ج ۱، ص ۳۳، ۳۴.

۴. الإقبال، ج ۱، ص ۳۵؛ فلاح السائل، ص ۱۸۳.

۲۳. کتاب حدائق الرياض، که عنوان کامل آن، حقائق الرياض و زهرة المراتض و نور المسترشد است و به قرینه موارد فراوانی که در سده هفتم از آن نقل شده، در باره «استحباب روزه در مواقع مختلف، به عنوان شکر خدا» بوده است.^۱ ابن طاووس متذکر شده که نسخه‌ای اصلی و کهن از آن را که هنگام حیات مؤلف نگاشته شده، در اختیار دارد.^۲ گویا این کتاب، در راستای موضوع کتاب مسار الشیعة و بزرگ‌تر از آن بوده است.^۳

۲۴. کتاب آی القرآن المُرْتَلَة فی أمر المؤمنین علیه السلام، در سده هفتم موجود بود.^۴

۲۵. کتاب مولد النبی صلی الله علیه و آله و موالید الأوصیاء علیهم السلام، نیز در سده هفتم موجود بود.^۵

ج - آثار چاپی: ۲۶. الأمالی، ۲۷. الإرشاد، ۲۸. الاختصاص، ۲۹. مسار الشیعة، ۳۰. المزار، ۳۱. الجمل، ۳۲. المسألة الکافیة، ۳۳. المتعة، ۳۴. تصحیح الاعتقاد، ۳۵. رساله حول خبر ماریه، ۳۶. ایمان أبی طالب، ۳۷. أقسام المولی فی اللسان، ۳۹. رساله فی معنی المولی؛ ۴۰. المقنعة.

۱۲. ابن عبدون (م ۴۲۳ ق)

احمد بن عبد الواحد بن احمد، مکتب به ابو عبد الله، ملقب به بزّاز و معروف به ابن عبدون و ابن حاشر؛ محدّث، ادیب و مورّخ. وی در مصادر، با عنوان احمد بن عبد الواحد^۶ و ابن عبدون و ابن حاشر^۷ یاد شده است. ابن عبدون، شیخ حدیث نجاشی (م ۴۵۰ ق)، شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) و ابن غضائری (م ۴۱۳ ق)^۸ و مهم‌ترین

۱. الإقبال، ج ۲، ص ۲۱، ص ۳۷۸، ج ۳، ص ۴۲، ص ۴۴.

۲. الإقبال، ج ۲، ص ۲۱.

۳. کتابخانه ابن طاووس، ص ۲۸۳.

۴. سعد السعود، ص ۱۱، ص ۱۱۶.

۵. فرج المهموم، ص ۲۲۴.

۶. رجال التجانی، ص ۱۲-۱۳، ص ۱۸.

۷. رجال الطوسی، ص ۴۱۳-۴۱۴؛ الفهرست، طوسی، ص ۶۷، ص ۳۵-۳۶، ص ۱۶۳.

۸. رجال التجانی، ص ۲۵۹-۲۶۰؛ رجال الطوسی، همان جا.

طریق آنها در کتاب‌های رجال و فهرستشان بود. علی بن محمد قرشی،^۱ ابو طالب انباری،^۲ علی بن حبشی^۳ و ابن جعابی،^۴ برخی از مشایخ وی بوده‌اند. به قرینه وفات او در سال ۴۲۳ ق،^۵ و دیدار وی با ابو الحسن علی بن محمد قرشی و استماع حدیث از او در سال ۳۴۸ ق^۶ می‌توان حدس زد که وی بیش از نود سال عمر کرده است. ابن عبدون را «کثیر الشیخ»، «کثیر الروایه» و «رفیع المنزله» وصف کرده‌اند.^۷

تألیفات

شش کتاب به ابن عبدون نسبت داده‌اند که همگی نایاب‌اند: ۱. أخبار السید بن محمد، ۲. التاریخ، ۳. تفسیر خطبة فاطمة (ع)، ۴. عمل الجمعة، ۵. الحدیثین المختلفین، ۶. الفهرست.^۸

۱۳. ابن نوح سیرافی (م، ربع اول سده پنجم)

احمد بن علی بن عباس نوح سیرافی، مکنابه ابو العباس و معروف به ابن نوح سیرافی؛ محدث، فقیه و رجالی. نام پدر وی به اختلاف، علی^۹ و محمد^{۱۰} آمده است. ابن نوح در بصره ساکن بود^{۱۱} و از همین رو، شیخ طوسی او را دیدار نکرد.^{۱۲} وی

۱. رجال التجاشی، ص ۱۸، ۱۳، ۱۲؛ الفهرست، طوسی، ص ۴۴، ۳۸.

۲. رجال التجاشی، ص ۶۶، ۶۲؛ الفهرست، طوسی، ص ۴۳، ۳۹.

۳. رجال التجاشی، ص ۲۴، ۲۰، ۲۳.

۴. الفهرست، طوسی، ص ۱۸۵.

۵. رجال الطوسی، ص ۴۱۴.

۶. رجال التجاشی، ص ۸۷، ۱۲.

۷. رجال التجاشی، ص ۸۷.

۸. رجال التجاشی، ص ۱۲؛ الفهرست، طوسی، ص ۳۷.

۹. رجال التجاشی، ص ۵۹، ۸۶.

۱۰. رجال الطوسی، ص ۴۱۷؛ الفهرست، طوسی، ص ۸۴.

۱۱. رجال التجاشی، ص ۸۶؛ الفهرست، طوسی، همان جا.

۱۲. الفهرست، طوسی، همان جا.

شیخ حدیث نجاشی و برخی از مشایخ او بود. نجاشی به گونه شفاهی و حضوری^۱ و گاه از طریق مکاتبه،^۲ از وی نقل کرده است. سال وفات ابن نوح سیرافی معلوم نیست؛ ولی به قرینه روایت او از احمد بن محمد بن یحیی عطار^۳، و این که وی شیخ مشایخ نجاشی بوده^۴ و در سال ۳۴۲ ق، نیز از احمد بن حمدان قزوینی، سماع حدیث شنیده،^۵ این حدس قوی می‌نماید که وی در ربع اوّل سده پنجم، در گذشته باشد. وی را فرزانه‌ای وارسته و درستکار دانسته‌اند که افزون بر فقه، در روایت نیز بصیر و قابل اعتماد بود.^۶ با این حال، گویا معتقد به رؤیت خدا بوده است، که البته رأیی فاسد شناخته می‌شود.^۷

تالیفات

ابن نوح سیرافی، پر تألیف بود^۸ و از ظاهر عناوین آثارش، زمینه آنها فقه، رجال و اخبار شناخته می‌شود: ۱. الرجال الذین روّوا عن أبی عبد الله علیه السلام؛ مشتمل بر روایانی که در رجال ابن عقده، ذکر نشده بودند.

۲. المصابیح فی ذکر من روی عن الأئمة علیهم السلام؛ کتابی مانند کتاب المصابیح شیخ صدوق بوده که هر مصباح آن، به یک امام اختصاص داشته است.

۳. القاضی بین الحدیثین المختلفین،

۴. أخبار الوكلاء الأربعة یا أخبار الأبواب،

۱. رجال التجاشی، ص ۹۱.

۲. همان، ص ۵۹.

۳. رجال التجاشی، ص ۹۱.

۴. رجال التجاشی، ص ۵۹.

۵. رجال الطوسی، ص ۴۱۳.

۶. رجال التجاشی، ص ۸۶؛ الفهرست، طوسی، ص ۸۴؛ معلم العلماء، ص ۵۸؛ خلاصه الاقوال، ص ۶۸.

۷. الفهرست، طوسی، همان جا؛ معالم لعلماء، همان جا؛ خلاصه الاقوال، همان جا.

۸. رجال التجاشی، ص ۸۶.

۵. التعقیب و التعفیر.

دیگر کتاب‌های او که عنوانشان ذکر نشده است، فقهی بوده‌اند که وی براساس اصول نوشته بوده، اقوال اختلافی را نیز در آنها مطرح کرده بوده است.^۱ این کتاب‌های همگی در زمان شیخ طوسی، نایاب بوده‌اند و همچنان نایاب‌اند.

۱۴. سید مرتضی علم الهدی (م ۴۳۶ ق)

علی بن حسین بن موسی بن محمد بن ابراهیم، مکنّا به ابو القاسم و معروف به مرتضی علم الهدی؛ محدّث، متکلم، فقیه، اصولی و شاعر. سید مرتضی، برادر سید رضی^۲ است. وی در حسب و نسب، نامور بود و ریشه در خانواده‌ای فرزانه و وارسته داشت. پدر او، هم در میان شیعیان و هم نزد خلفای عباسی و دولت مردان آل بویه، شریف و محترم بود.^۳ مصادر شیعه و اهل سنت، بر فرزاندگی و وارستگی سید مرتضی اتفاق نظر دارند. وی افزون بر دانش‌های اسلامی که در برخی از آنها سرآمد و یگانه‌روزگار شناخته می‌شد،^۴ در شعر و ادب نیز تبخّر داشت.^۵ برخی از مشایخ حدیث او عبارت‌اند از: سهل بن احمد دیباجی، ابو عبدالله مرزبانی، ابو الحسن جندی، هارون بن موسی و محمد بن هارون تلکبری، و حسین بن علی بن بابویه.^۶ شیخ طوسی و نجاشی نیز از وی روایت کردند.^۷ او در ۸۱ سالگی، در ربیع اول سال ۴۳۶ ق، در گذشت.^۸

۱. رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، ص ۴۱۷؛ معالم العلماء، ص ۵۸.

۲. معزفی او به شماره ۶۰ گذشت.

۳. خانمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۱۷-۲۱۹؛ الأمالی، سید مرتضی، ص ۴-۵، مقدّمه محقق.

۴. رجال النجاشی، ص ۲۷۰؛ رجال الطوسی، ص ۴۳۴؛ الفهرست، طوسی، ص ۱۶۴.

۵. رجال النجاشی، همان جا؛ رجال الطوسی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا؛ تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۴۰۱.

۶. تاریخ بغداد، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا.

۷. رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا؛ تاریخ بغداد، همان جا.

۸. تاریخ بغداد، همان جا؛ رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا.

تألیفات

در مصادر، بیش از هفتاد کتاب به سید مرتضی نسبت داده شده است. به قرینه ظاهر عناوین و مواردی که امروزه در دسترس اند، آثار وی در زمینه کلام، فقه، اصول، شعر و تفسیر بوده است. سید مرتضی کتاب حدیثی تألیف نکرد؛ ولی برخی از تألیفات او، جداگانه و یا در لابه لای دیگر مباحث، شایسته ارزیابی از جنبه فقه الحدیث و نقد الحدیث هستند، مانند: ۱. الغرر والدرر یا همان الأمالی - که به چاپ رسیده - و ۲. رسالة فی ترویج امیر المؤمنین علیه السلام ابته من عمر بن خطاب.

۱۵. ابن حمّامی (ابن شناس) بزّاز (م ۴۳۹ ق)

حسن بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن شناس، مکنّا به ابو علی و معروف به ابن حمّامی بزّاز و ابن شناس بزّاز؛ محدّث و متکلم. نام پدر ابن شناس، محمد^۱ و گاه علی^۲ ذکر شده است. وی در محله کرخ بغداد، ساکن بود و هم در آن جا به سال ۴۳۹ ق، در گذشت.^۳ اگرچه شرح حال و اعتبار او در حدیث، در مصادر امامی پیش از سده یازدهم نیامده است؛ بنا به قرائنی چند، می توان گفت که وی فرهیخته و وارسته و قابل اعتماد بوده است: یکی این که خطیب بغدادی (م ۴۵۶ ق) گفته: «کان رافضیاً خبیث المذهب»^۴ دیگری ذکر وی در شمار مصنفان امامیه^۵ و توصیف او به صحیح الإسناد^۶ و نیز اعتماد ابن ادریس حلّی (م ۵۸۹ ق) بر دست خط او.^۷ ابن شناس از

۱. تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۴۳۸؛ الإقبال، ج ۲، ص ۳۴؛ لسان المیزان، ج ۲، ص ۲۵۴؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵۲۱؛ معجم رجال الحدیث، ج ۶، ص ۱۲۱.

۲. أمل الأمل، ج ۲، ص ۶۹.

۳. تاریخ بغداد، همان جا.

۴. تاریخ بغداد، همان جا.

۵. الإقبال، ج ۲، ص ۳۵.

۶. همان، ص ۳۱۰.

۷. السرائر، ج ۳، ص ۲۸۹؛ أمل الأمل، ج ۲، ص ۶۹.

مشایخ حدیث شیعه و اهل سنت، حدیث شنید.^۱ ابن ابی ثلج، ابو الفتح براس، احمد بن محمد، حسین بن احمد بن مغیره ثلاج، ابن عیاش جوهری و ابو مفضل شیبانی، برخی از مشایخ حدیث شیعی او بودند.^۲

تألیفات

چهار کتاب در زمینه فقه، کلام و فضایل اعمال و ماه‌ها، به ابن شناس نسبت داده شده است: ۱. الکفایة فی العبادات، ۲. الاعتقادات، ۳. الردّ علی الزیدیه، ۴. عمل ذی الحجة.^۳ تنها اثر نایاب او که در منابع بعدی انعکاس یافته، همین کتاب عمل ذی الحجة است که ابن طاووس (م ۶۶۲ ق) نسخه‌ای از آن را، نوشته شده به خط مؤلف در سال ۴۳۷ ق، در اختیار داشته است.^۴ وی از این کتاب، روایات بسیاری را گاه با اسناد کامل و گاه بدون ذکر اسناد، نقل کرده است.^۵ شیخ حرّ عاملی (م ۱۱۰۶ ق) و محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) نیز با واسطه اقبال الأعمال، از آن نقل کرده‌اند.^۶

۱۶. ابو الفرج کاتب قنایی (م ۴۵۰ ق)

محمد بن علی بن یعقوب بن اسحاق بن ابی قرّه، مکنابه ابو الفرج و معروف به کاتب قنایی و ابو الفرج قنایی؛ محدث و رجالی. ابو الفرج قنایی، هم‌شاگردی و شیخ اجازه نجاشی بود.^۷ وی شایسته اعتماد، کثیر الروایه و کاتب کتب اصحاب بود.^۸ محمد بن عبدالله^۹ و ابو المفضل شیبانی،^{۱۰} از مشایخ حدیث ابو الفرج قنایی بودند. در مصادر

۱. أمل الآمل، همان جا؛ الإقبال، ج ۲، ص ۴۳؛ تهذیب المقال، ج ۲، ص ۳۵۱.

۲. الإقبال، ج ۲، ص ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۴۸، ۵۵، ۳۱۰.

۳. الإقبال، ج ۲، ص ۳۴؛ امل الآمل، همان جا؛ ریاض العلماء، ج ۱، ص ۳۱۲.

۴. الإقبال، ج ۲، ص ۳۴-۳۵.

۵. الإقبال، همان جا.

۶. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۴۸؛ بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۲۸۷، ۲۹۰.

۷. رجال النجاشی، ص ۳۹۸.

۸. رجال النجاشی، همان جا.

۹. رجال النجاشی، ص ۱۰۴، ۱۵۸.

۱۰. همان، ص ۳۷۹.

اولیه، تنها نجاشی به شرح حال کوتاه او پرداخته است. به قرینه معاصرت با نجاشی و نیز نقل حدیث از ابو المفضل شیبانی (م ۳۸۷ ق)، وی در حدود سال ۴۵۰ ق، در گذشته است.

تألیفات

چهار کتاب به ابو الفرج قنایی نسبت داده شده است: ۱. معجم رجال اُبی المفضل الشیبانی، ۲. عمل يوم الجمعة، ۳. عمل الشهور، ۴. التهجّد، ۵. المزار (لباب المصرة)^۱. کتاب المزار یا لباب المصرة - که گویا کتابی بزرگ بوده -، تحت عنوان «لباب»، بخش‌بندی شده بود و در سده هفتم در دسترس ابن طاووس قرار داشت. او از «لباب المصرة»ی آن، روایاتی را نقل کرد که موضوعشان زیارت روز غدیر^۲ و سه زیارت برای امام زین العابدین علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام هادی علیه السلام است.^۳ سید عبد الکریم بن طاووس (م ۶۹۳ ق) روایت اخیر را از سید رضی بن طاووس عموی خود، نقل کرده است.^۴ ابن طاووس به داشتن نسخ‌های از این کتاب، تصریح نکرده؛ ولی به قرینه نقل چند باره از آن، این کتاب را در اختیار داشته است.

۱۷. طرازی (م، نیمه نخست سده پنجم)

محمد بن علی بن محمد بن احمد بن عثمان بن احمد، معروف به طرازی؛ محدّث. در مصادر رجالی و کتاب‌شناسی، شرح حال او ذکر نشده است. ابن طاووس (م ۶۶۲ ق) بدون اشاره به اصل و نسب و نسبت و حتّی طبقه او، از وی نام برده است. پلر و جدّ طرازی، از مشایخ حدیث بودند و در نیشابور سکونت داشتند.^۵

۱. رجال النجاشی، ص ۳۹۸؛ الإقبال، ج ۲، ص ۲۷۳.

۲. الإقبال، ج ۲، ص ۲۷۳، ۲۷۵.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۷۱.

۴. فرحة الغری، ص ۷۹.

۵. تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۹؛ شذرات الذهب، ج ۲، ص ۲۲۵.

پدر طرازی - که به «ابو الحسن بغدادی» سپس نیشابوری^۱ یاد شده - از مشایخ خطیب بغدادی بود. گویا خطیب در نیشابور، از او حدیث شنیده است.^۲ با نظر به اسانید روایاتی که ابن طاووس از وی نقل کرده، معلوم می‌شود که طرازی، معاصر نجاشی بوده و از برخی از مشایخ او - مانند: ابن نوح سیرافی^۳ و محمد بن هارون تلعبری^۴ - حدیث شنیده است؛ و همچنین، از کسانی که نجاشی آنها را درک کرده، ولی از آنها حدیث نشنیده بود، مانند: ابو الفرج محمد بن موسی کاتب قزوینی،^۵ ابن عیاش جوهری،^۶ ابو محمد عبد الله بن حسین بن یعقوب فارسی^۷ و ابو المفضل شیبانی.^۸ به قرینه نقل وی از مشایخ بغدادی و تصریح به اخذ حدیث از ابو المفضل شیبانی در بغداد،^۹ و نیز به قرینه وفات پدر او در سال ۳۹۱ ق،^{۱۰} معلوم می‌شود که طرازی در بغداد سکونت داشته و گویا در نیمه نخست سده پنجم درگذشته است.

تألیف

تنها یک کتاب به طرازی نسبت داده شده است. ابن طاووس (م ۶۶۲ ق) از نام این کتاب، یاد نکرده است؛ ولی به قرینه اشاره او به دعا و زیارت و نقل آنها از کتاب طرازی،^{۱۱} دانسته می‌شود که کتاب او در موضوع دعا و زیارت بوده است. ابن

۱. شذرات الذهب، همان جا.

۲. تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۴۴۴؛ ج ۵، ص ۲۰۸؛ ج ۱۱، ص ۲۶۹.

۳. الإقبال، ج ۳، ص ۲۷۳.

۴. همان، ج ۳، ص ۳۴۷.

۵. همان، ج ۳، ص ۲۱۰.

۶. همان، ج ۳، ص ۲۰۹.

۷. همان، ج ۳، ص ۲۳۲.

۸. همان، ج ۳، ص ۲۶۶.

۹. الإقبال، ج ۳، ص ۲۶۶.

۱۰. شذرات الذهب، ج ۲، ص ۲۲۵.

۱۱. الإقبال، ج ۱، ص ۳۶۶؛ ج ۲، ص ۷۰، ۲۶۴، ۲۷۶، ۲۷۹؛ ج ۹، ص ۳۲۰.

طاووس بارها بر نقل روایت از کتابی نوشته طرازی و با خط او، تصریح کرده است.^۱ این کتاب با واسطه اقبال الأعمال، از مصادر بحار الأنوار^۲ و وسائل الشیعة^۳ است.

۱۸. ابو الفرج حمدانی (م، حدود ۴۶۰ ق)

مظفر بن علی بن حسین حمدانی، مکنّا به ابو الفرج؛ محدّث و متکلم. در نسب او، حمدانی (با یای نسبت)^۴ و حمدان (به صورت اسم)، هر دو آمده است.^۵ ابو الفرج حمدانی شایسته اعتماد، دیندار و سرشناس بود و در زمره سفرای امام زمان شناخته می‌شد.^۶ وی به قرینه مشایخ بغدادی‌اش - همچون: شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی -، ساکن بغداد بوده و سال وفات او نیز به احتمال، پس از درگذشت شیخ طوسی است.

تالیفات

پنج کتاب به ابو الفرج حمدانی نسبت داده شده که همگی نایاب‌اند: ۱. الغیبة، ۲. السنة، ۳. الزاهر فی الأخبار، ۴. المنهاج، ۵. الفرائض.

۱۹. عبد الوهّاب شعرانی (م پس از ۴۴۸ ق)

حسین بن عبد الوهّاب شعرانی؛ محدّث، متکلم، فقیه و شاعر. در مصادر رجالی و کتاب‌شناسی پیش از سده یازدهم، نام وی نیامده است. به گفته افندی اصفهانی که - گویا برای نخستین بار - در سده دوازدهم به معروفی وی پرداخته، حسین بن عبد الوهّاب، عالمی بزرگ و توانا در حدیث‌شناسی و نقد اخبار بوده است.^۷

۱. الإقبال، ج ۳، ص ۲۹۹، ۳۴۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۵۷، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۸۹، ۳۹۰، ۴۱۱، ج ۹۸، ص ۳۴۲، ج ۹۹، ص ۲۱۳.

۳. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۷۵، ج ۷، ص ۳۲۷، ج ۲۰، ص ۴۸.

۴. فهرست منتخب الدین، ص ۱۰۱.

۵. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۵.

۶. فهرست منتخب الدین، همان جا؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۳۲۳.

۷. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۲۳-۱۲۴.

حسین بن عبد الوهّاب، معاصر سیّد مرتضی، سیّد رضی و شیخ طوسی بود و همانند آنها از مشایخی چون ابو التحف مصری (در سال ۴۱۵ ق) و هارون بن موسی تلعبکری (با یک واسطه)، روایت کرده است.^۱ چندی از دیگر مشایخ او را می‌توان ابن عیّاش جوهری، ابو علی بن هشام و محمّد بن علی بن ابراهیم^۲ نام برد. وی پس از سال ۴۴۸ ق، از دنیا رفته است.^۳

تألیفات

سه کتاب به عبد الوهّاب شعرانی نسبت داده شده است: ۱. الهدایة إلى الحق، ۲. البیان فی وجوه الحق فی الإمامة، و ۳. عیون المعجزات.^۴ تنها اثر چاپی وی، عیون المعجزات است و دو کتاب دیگر، نایاب اند.

۲۰. نجاشی (م ۴۵۰ - ۴۶۳ ق)

احمد بن علی بن احمد بن عبّاس بن محمّد بن عبد الله بن ابراهیم بن محمّد بن عبد الله بن نجاشی، مکتّابه ابو العبّاس^۵ - و به قولی، ابو الحسین -^۶، معروف به نجاشی؛ محدّث و رجالی. او اهل کوفه و از خانواده‌ای سرشناس بود^۷ و بعدها در بغداد سکونت گزید. مشایخ وی، به استناد کتاب الرجال او، ۳۱ نفر بوده‌اند که معروف‌ترینشان را می‌توان چنین نام برد: شیخ مفید، حسین بن عبید الله غضائری، احمد بن حسین غضائری، ابن عبدون، ابن نوح سیرافی، ابو الحسن جُندی و ابن

۱. الذریعة، ج ۱۵، ص ۳۸۳ - ۳۸۵؛ عیون المعجزات، ص ۳، مقدّمه محقّق.

۲. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۱؛ الذریعة، همان جا.

۳. ریاض العلماء، همان جا.

۴. ریاض العلماء، همان جا.

۵. خلاصة الأحوال، ص ۷۲؛ الرواشح السماویة، ص ۶۷.

۶. الفوائد الرجالية، ج ۲، ص ۳۰ - ۳۱.

۷. الفوائد الرجالية، ج ۲، ص ۵۰.

ابی قره قنایی.^۱ برخی معتقدند که نجاشی همه مشایخ بدون واسطه خود را توثیق کرده است.^۲ سال وفات او ۴۵۰ ق،^۳ و پس از ۴۶۳ ق بوده است؛ چرا که الرجال خود، هنگام معرفی ابو یعلی، محمد بن حسن بن حمزه جعفری، متذکر می‌شود که «وی در شانزدهم رمضان ۴۶۳ ق، وفات کرد».^۴

نجاشی رجال‌شناسی زبردست بود و در نقد رجال، تسلط و آگاهی بسیار داشت. وی از معدود عالمان امامی‌ای است که همگان بر فرزاندگی و وارستگی‌شان اتفاق دارند.^۵ برخی از رجال‌شناسان، آرای نجاشی را در جرح و تعدیل راویان، مقدم بر آرای شیخ طوسی می‌دانند.^۶ محقق حلی، گویا علامه حلی، شهید ثانی و فرزندش محمد حسن صاحب معالم،^۷ میرزا محمد استرآبادی^۸ و سید بحر العلوم،^۹ همین نظر را دارند. این گروه به شش نکته استدلال کرده‌اند:

۱. نجاشی از آرای شیخ طوسی در دو کتاب رجال و فهرست، آگاه بود و افزون بر آنها، آگاهی‌های دیگری نیز داشت.

۲. نجاشی همه توان و عمر خود را در راه علم رجال، به کار بست و در این علم، به مرحله تخصص رسید؛ در حالی که شیخ طوسی، در علوم مختلف وارد شد و توان و هوش و استعداد خود را در میان آنها توزیع کرد.

۳. نجاشی در علم انساب و آثار، و اخبار قبایل و شهرها نیز خبره بود و معلوم

۱. الفوائد الرجالية، ج ۲، ص ۵۰-۷۵.

۲. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۵۸؛ مشایخ لفقات، ص ۱۱۷؛ قواعد الحديث، ص ۱۸۴.

۳. خلاصة الأفعال، همان‌جا.

۴. رجال النجاشی، ص ۴۰۴.

۵. خلاصة الأفعال، همان‌جا؛ رجال ابن داود، ص ۲۵، ۴۰؛ التحرير الطائوسی، ص ۵.

۶. الفوائد الرجالية، ج ۲، ص ۴۴-۵۰.

۷. الفوائد الرجالية، ج ۲، ص ۴۶.

۸. منهج المقال، ص ۱۷۴.

۹. الفوائد الرجالية، ج ۲، ص ۴۶.

است که عالم رجالی، هر چه بیشتر به این مسائل نیز آگاهی و شناخت داشته باشد، اظهار نظرش به واقع نزدیک تر خواهد بود.

۴. از یک سو، نجاشی اهل کوفه و از خانواده‌ای بود که از بیوت معروف، به شمار می‌آمدند و از دیگر سو، اکثر راویان ائمه علیهم‌السلام نیز اهل کوفه یا اطراف آن بوده‌اند. طبیعی است که نجاشی به احوال همشهری‌های خود، آگاه‌تر از دیگران باشد.

۵. نجاشی از اسانید مسلم و خبره علم رجال، مانند احمد بن حسین غضائری، فراوان استفاده کرد؛ در حالی که برای شیخ طوسی، این امکان فراهم نبود.

۶. نجاشی بسیاری از مشایخ آگاه به رجال را درک کرد و یا طرق بسیاری به هر یک از آنها داشت. از آن جمله‌اند: ابن نوح سیرافی، ابو الحسن جندی، ابو الفرج بن ابی قره قنایی.^۱

تألیفات

آثار نایاب نجاشی عبارت‌اند از: ۱. الجمعة وما ورد فيه من الأعمال، ۲. الکوفة و ما فيها من الآثار و الفضائل، ۳. أنساب بنی نصر بن قعین و آیامهم و أشعارهم، ۴. مختصر الآثار و مواضع النجوم التي سمتها العرب، ۲. تنها اثر چایی: ۵. رجال النجاشی.

۲۱. شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ ق)

محمد بن حسن بن علی، مکنّا به ابو جعفر و معروف به شیخ طوسی و شیخ الطائفة؛ محدث، فقیه، اصولی، متکلم، مفسر و رجالی. شیخ طوسی در توس زاده شد و در سال ۳۴۵ یا ۴۶۰ ق، در نجف درگذشت.^۴ وی در سال ۴۰۸ از توس به بغداد هجرت

۱. الفوائد الرجالية، ج ۲، ص ۴۶-۵۰.

۲. رجال النجاشی، ص ۱۰۱.

۳. معالم العلماء، ص ۱۴۹-۱۵۰.

۴. خلاصة الأحوال، ص ۲۴۹؛ الفوائد الرجالية، ج ۲، ص ۲۳۸.

کرد و تا سال ۴۵۸ در آن جا بود. اوج گرفتن درگیری‌های مذهبی در بغداد، به آتش کشیدن کتاب‌خانه و محلّ تدریس او در محلّه کرخ را در پی داشت و وی ناگزیر، به نجف رفت.^۱ شیخ طوسی، فرزانه‌ای وارسته بود^۲ و به جهت گستردگی حوزه‌های دانش و عمق علمی‌اش و نیز تأثیر فراوانی که در دانش‌های شیعی نهاد، «شیخ الطائفة علی الاطلاق» لقب گرفت.^۳ معروف‌ترین مشایخ حدیثی او را می‌توان چنین نام برد: شیخ مفید، سید مرتضی، حسین بن عبید الله غضائری، ابو الحسن جندی، ابن عبدون، ابن صلت و ابن ابی جید.

تألیفات

شیخ طوسی در زمینه‌های گوناگونی چون فقه، اصول، کلام، ادب، تفسیر، اخبار و رجال، ده‌ها کتاب تألیف کرد.^۴

آثار چاپی: ۱. تهذیب الأحکام، ۲. الاستبصار، ۳. الرجال، ۴. الفهرست، ۵. مصباح المتجهّد، ۶. الغیبة، ۷. اختیار معرفة الرجال، ۸. المجالس فی الأخبار که به الأمالی نیز معروف است. آثار نایاب: ۹. مقتل الحسین (علیه السلام)، ۱۰. أخبار مختار، ۱۱. هدایة المسترشّد.

اثر نایابی که در منابع متأخر، انعکاس یافته است: ۱۲. هدایة المسترشّد و بصیرة المتعبّد. این کتاب که در زمینه دعا و عبادت است، در اختیار ابن طاووس بوده و وی از آن با عنوان هدایة المسترشّد نقل کرده است.^۵

اثر خطّی: کتاب ۱۳. مختصر المصباح. نُسّه خطّی این کتاب متعلّق به سال ۷۱۵ ق، در چندین کتاب‌خانه در ایران و عراق موجود است.^۶ این کتاب که المصباح الصغیر نیز

۱. خلاصة الأحوال، همان‌جا؛ الفوائد الرجلیة، همان‌جا؛ النهاية، ص ۶-۷، مقدّمه آقا بزرگ.

۲. نجاشی، ص ۴۰۳.

۳. خلاصة الأحوال، همان‌جا؛ رجال ابن داود، ص ۱۶۹؛ الفوائد الرجلیة، ج ۳، ص ۲۲۷.

۴. رجال النجاشی، ص ۴۰۳؛ الفهرست، طوسی، ص ۲۴۰-۲۴۲؛ معالم العلماء، همان‌جا.

۵. فتح الأبواب، ص ۱۷۷، ۲۴۲.

۶. الذریعة، ج ۸، ص ۱۷۷؛ ج ۲۰، ص ۲۰۹؛ فهرس التراث، ج ۱، ص ۵۳۲.

نامیده می‌شود، یکی از مصادر بحار الأنوار است.^۱ ابو الحسن علی بن عبد الکرم نجفی، صاحب کتاب الأنوار المضيئة نیز شرحی با عنوان إيضاح المصباح لأهل الصلاح، بر آن نگاشت.^۲

۲۲. ابو الحسن صهرشتی (م حدود ۴۴۲ ق)

سلیمان بن حسن بن سلمان صهرشتی، مکنّا به ابو الحسن و معروف به ابو الحسن صهرشتی؛ محدّث، فقیه و متکلم. نام ابو الحسن صهرشتی به اختلاف، سلیمان^۳ و سلمان،^۴ نام پدرش سلمان^۵ و حسین،^۶ و نام جدّ او نیز سلمان^۷ و محمد^۸ ذکر شده است. این اسامی را برخی از آن دو نفر^۹ و گروهی مربوط به یک نفر دانسته‌اند.^{۱۰} ابو الحسن صهرشتی مردی دانشور، فقیه، دیندار و شایسته اعتماد بود.^{۱۱} مشایخ او عبارت‌اند از: سید مرتضی، شیخ طوسی، شیخ مفید، ابو یعلی محمد ابن حسن بن حمزه جعفری، ابو الحسین احمد بن علی کوفی نجاشی، ابو الفرج مظفر بن علی بن حمدان قزوینی، ابو المفضل شیبانی، ابو عبد الله حسین بن حسن بن بابویه، برادر زاده شیخ صدوق معروف به حسکا، و ابو الحسن محمد بن حسین فتال.^{۱۲} سال

۱. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۴۷، ۷.

۲. خاتمة مستدرک، ج ۳، ص ۱۸۲.

۳. فهرست منتخب الدین، ص ۶۷؛ معالم العلماء، ص ۹۱.

۴. أمل الامل، ج ۲، ص ۱۲۸.

۵. فهرست منتخب الدین، همان جا؛ معالم العلماء، همان جا.

۶. أمل الامل، ج ۲، ص ۱۲۹.

۷. منتخب الدین، همان جا؛ أمل الامل، ج ۲، ص ۱۲۸ - ۱۲۹.

۸. معالم العلماء، همان جا.

۹. أمل الامل، همان جا.

۱۰. الذریعة، ج ۲، ص ۱۱۹؛ أعيان الشيعة، ج ۷، ص ۲۹۶ - ۲۹۷؛ معجم رجال الحديث، ج ۲، ص ۱۸۸، ۲۵۱.

۱۱. فهرست منتخب الدین، ص ۶۷؛ أمل الامل، ج ۲، ص ۱۲۸؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۵.

۱۲. فهرست منتخب الدین، همان جا؛ الذریعة، همان جا؛ أعيان الشيعة، ج ۷، ص ۲۹۷؛ معجم رجال الحديث، همان جا.

وفات صهرشتی، معلوم نیست؛ ولی به این قرینه که او در سال ۴۴۲ ق، از نجاشی روایت نقل کرده، پس از این سال درگذشته است.^۱

تالیفات

صهرشتی آثاری در زمینه فقه، کلام، دعا و زیارت تألیف کرد.

۱. النیس، ۲. التنبیه (تنبیه الفقیه)، ۳. النوادر، ۴. المتعة، ۵. مالا یسع (شرح مالا یسع)، ۶. عمدة الولی، ۷. قیس المصباح، ۸. إصباح الشیعة بمصباح الشریعة، ۹. التبیان فی عمل شهر رمضان، ۱۰. نهج المسالک إلى معرفة المسالک، ۱۱. شرح النهاية.^۲

همه این آثار، نایاب‌اند. کتاب قیس المصباح، تلخیص کتاب مصباح المستهجد شیخ طوسی است. صهرشتی با حذف مطالب غیر دعایی آن، مطالبی را بر آن افزوده است.^۳ این کتاب یکی از مصادر بحار الاثوار است.^۴ محدث نوری آن را در اختیار نداشته و با واسطه بحار الاثوار، از آن نقل کرده است.^۵

۲۳. کراجکی (۳۷۹-۴۴۹ ق)

محمد بن علی بن عثمان، مکنابه ابو الفتح و معروف به کراجکی؛ فقیه، محدث و متکلم. شاید «کراجک»، نام قریه‌ای باشد که گویا از توابع واسط عراق بوده است،^۶ چنان‌که کراجکی نیز از فردی به نام ابو عبد الله حسین بن عبید الله بن علی واسطی، روایت نقل کرده است.^۷ نیز ممکن است اشاره به نوعی پیشه و حرفه باشد.

۱. أعيان الشيعة، ج ۳، ص ۳۲.

۲. فهرست متجب الدین، ص ۶۷؛ معلم العلماء، همان جا؛ أمل الامل، همان جا؛ بحار الاثوار، همان جا؛ خانة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۹۷؛ أعيان الشيعة، ج ۷، ص ۲۹۸؛ الذريعة، ج ۲، ص ۱۱۸-۱۱۹؛ ج ۱۷، ص ۳۰.

۳. خانة مستدرک الوسائل، همان جا؛ الذريعة، ج ۱۷، ص ۳۰.

۴. بحار الاثوار، ج ۱، ص ۱۵، ۳۳؛ ج ۲، ص ۱۸۰؛ ج ۵۳، ص ۳۲۴؛ ج ۱۹، ص ۲۳، ۳۲؛ ج ۹۹، ص ۶، ۲۴۵، ۲۵۴.

۵. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۳۱۳؛ ج ۳، ص ۱۴۷، ۱۷۹؛ فهرس التراث، ج ۱، ص ۵۲۴.

۶. الأنسب، ج ۱۱، ص ۵۸، رقم ۳۴۱۴؛ الکتی و الألقاب، ج ۳، ص ۸۸؛ التلبس، ص ۱۷۷؛ تنقیح المقال، ج ۳، ص ۱۵۷.

۷. کنز التوائد ج ۱، ص ۱۷۴.

به هر حال، زادگاه کراچکی معلوم نیست.^۱ وی از شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، سکار بن عبد العزیز (م ۴۴۸ ق) و ابن شاذان (م ۴۲۰ ق)،^۲ و نیز از برخی مشایخ اهل سنت، حدیث شنید.^۳ بر پایه برخی گزارش ها، کراچکی در دهه دوم سده پنجم، به شهرهای مکه،^۴ قاهره، صور، صیدا، طرابلس و رمله سفر کرد و در طرابلس، رحل اقامت افکند.^۵ او سرانجام در سال ۴۴۹ ق، در شهر صور درگذشت.^۶ به قرینه سال وفات او و این که در سال ۳۹۹ ق، از ابو الحسن علی بن احمد، لغوی معروف به ابن زکار، در میافارقین روایت کرده،^۷ وی باید در حدود سال ۳۷۹ ق، به دنیا آمده باشد.

کراچکی در فقه، کلام و حدیث، دانشمندی گرانمایه، متعهد، قابل اعتماد و از مشایخ دوازده گانه اجازه بود.^۸ وی در علم لغت، نحو، نجوم، علم انساب و طب نیز صاحب نظر شناخته می شد.^۹ گویا او نخستین عالم شیعی است که لقب «علامه» گرفته است.^{۱۰}

تألیفات

بیش از نود کتاب در زمینه فقه، کلام، اخلاق، ادب و مواعظ، نجوم، فهرست و دعا

۱. لسان المیزان، ج ۵ ص ۳۰۰، رقم ۱۰۱۶؛ شذرات لذهب، ج ۳، ص ۲۸۳؛ مرآة الجنان، ج ۲، ص ۷۰؛ معجم المؤلفین، ج ۱۱، ص ۲۷؛ أعيان النبیة، ج ۹، ص ۴۰۰.

۲. فهرست منتخب الدین، ص ۱۰۰؛ خاتمة مستدرک الوسائل، همان جا؛ الذریعة، همان جا.

۳. الاستصار، ص ۲۴.

۴. الاستصار، ص ۲۰.

۵. تراث، ج ۴۳، ص ۳۶۷-۴۰۴؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۲۷-۱۳۳.

۶. أمل الآمل، ج ۲، ص ۲۸۷؛ الذریعة، ج ۲، ص ۳۲؛ التابی، ص ۱۷۷.

۷. کنز الفوائد، ج ۱، ص ۱۳۴.

۸. فهرست منتخب الدین، ص ۱۰۰؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۲۸۷؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۵؛ خاتمة مستدرک

الوسائل، ج ۳، ص ۱۲۶؛ التابی، ص ۱۷۷.

۹. لسان المیزان، ج ۵، ص ۳۰۰.

۱۰. الدروس، ج ۱، ص ۱۵۲.

و زیارت، برای کراچکی ذکر شده است.^۱ از آثار حدیثی نایابی که در منابع بعدی انعکاس یافته‌اند، می‌توان نام برد: ۱. النصوص؛ این کتاب در مصادر نخستین، در شمار تألیفات کراچکی ذکر نشده است. در سده یازدهم برای بار نخست، محمد باقر مجلسی آن را در شمار مصادر کتاب بحار الأنوار نام برده است.^۲ به قرینه آن که وی از آن نقل نکرده، ممکن است مراد او از النصوص، کتاب الاستنصار فی النص علی الأئمة الأطهار علیهم السلام باشد؛ چنان که آقا بزرگ تهرانی احتمال داده است. این احتمال، با ذکر جداگانه کتاب الاستنصار در شمار مصادر بحار الأنوار، منتفی است.

۲. رساله‌ای ولده؛ این عنوان در مصادر ذکر نشده است. ابن طاووس آن را ذکر کرده و روایتی در فضیلت نماز ظهر در روز جمعه، از آن نقل کرده است.^۳ این کتاب از مصادر با واسطه منابع حدیثی متأخر است.

بر پایه آنچه در مصادر آمده، سه کتاب از آثار کراچکی، برای یکی از فرزندان مؤلف نوشته شده است: روضة العابدین، التعریف بحقوق الوالدین، التأدیب.^۴ معلوم نیست که مراد از رساله یاد شده، یکی از این سه کتاب است یا نوشته‌ای دیگر.^۳ عمل يوم الجمعة؛ این عنوان در مصادر و فهرست آثار کراچکی، ذکر نشده است. ابن طاووس از آن نام برده و دعای شب جمعه را از آن نقل کرده است.^۵

اثر خطی: ۴. روضة العابدین و نزهة الزاهدین؛ این کتاب از مصادر کتاب‌های البلد الأمين والمصباح کفعمی (م ۹۹۵ ق)،^۶ وسائل الشیعة،^۷ بحار الأنوار^۸ و مستدرک

۱. تراش، ۴۴، ص ۳۷۵-۳۹۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۸.

۳. فلاح السائل، ص ۸۹.

۴. خاتمة مستدرک الوسائل، همان جا.

۵. جمال الأسبوع، ص ۲۰۱-۲۰۷.

۶. الذریعة، ج ۱۱، ص ۲۹۸.

۷. وسائل النیعة، ج ۲۰، ص ۴۸.

۸. بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱.

الوسائل^۱ است.

آثار چاپی: ۵. الإستنصار فی النص علی الأئمة الأطهار علیهم السلام، ۶. التعریف بوجوب حقوق الوالدین، ۷. فهرس کراچی، ۸. معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، ۹. کنز الفوائد، ۱۰. التعجب فی الإمامة، ۱۱. التفضیل، ۱۲. دلیل النص بخیر الغدیر.

۲۴. حَسْكَانی (م ۴۷۰ - ۴۹۰ ق)

عبید الله بن عبد الله بن احمد بن محمد بن حَسْكَان نیشابوری، مکتباً به ابو القاسم و معروف به حَسْكَانی (حَسْكَایی) و ابن حذّاء؛ محدّث و متکلم، در مصادر امامی متقدّم، از حَسْكَانی یاد نشده و در مصادر متأخّر نیز کوتاه، جزئی و در حدّ معرفی کتاب‌ها یا نقل از آنها، به وی پرداخته شده است. سال وفات او به اختلاف، پس از ۴۹۰ ق،^۲ و پس از ۴۷۰ ق،^۳ ذکر شده است. از آن جاکه ذهبی (م ۷۵۲ ق) پس از شرح حال حَسْكَانی متذکّر می‌شود که درگذشت ابو سعد ابن حَسْکویه، تا سال ۴۸۸ ق، به تأخیر افتاد،^۴ چنین استنباط می‌شود که وفات ابن حَسْکویه پس از مرگ حَسْكَانی، تا سال یاد شده به تأخیر افتاده است. به قرینه این عبارت، گویا عبارت «تسعین؛ نود»، «سبعین؛ هفتاد» بوده و نساخ دچار تصحیف شده‌اند.^۵ بر این اساس، درگذشت و پس از ۴۷۰ ق، بوده است. به هر حال، وی از افراد معمر بود که توجه و عنایت تام و تمامی به علم حدیث داشت و ضمن اتقان حدیث، عالی السند نیز بود.^۶ حَسْكَانی از جدّش احمد و حاکم نیشابوری (م ۴۰۶ ق) و بسیاری دیگر از مشایخ اهل سنّت، حدیث شنید.^۷ شاگرد معروف او که بیشترین روایت را از حَسْكَانی دارد، عبد الغافر بن

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۱۵، ۲۲۵؛ ج ۸، ص ۵۷.

۲. تذکره الحفظ، ج ۳، ص ۱۲۰۰ - ۱۲۰۱.

۳. سیر أعلام النبلاء، ج ۱۸، ص ۲۶۸.

۴. تذکره الحفظ، ج ۳، ص ۱۲۰۱.

۵. الذریعة، ج ۴، ص ۱۹۴.

۶. تذکره الحفظ، همان جا.

۷. المتخب من کتاب السیاق، ج ۱، ص ۳۲۴؛ تذکره الحفظ، همان جا؛ سیر أعلام النبلاء، همان جا.

اسماعیل فارسی است.^۱

مذهب حسکانی

مذهب حسکانی معلوم نیست. از صراحت و فحوای عبارات علمای رجال و حدیث و کتاب‌شناسی شیعه و اهل سنت، سه دیدگاه به دست می‌آید:

یکم: سنی حنفی. گویا دیدگاه غالب، همین است.

دوم: شیعه امامی. اگرچه به امامی بودن او تصریح نشده، قرآینی بر آن وجود دارد، مانند: سکوت برخی از کتاب‌شناسان، که معمولاً در مقام بیان مذهب افرادی بوده‌اند که مذهبشان مورد اختلاف است^۲ و نیز فحوای کلام افندی اصفهانی در ردّ قول ابن طاووس که حسکانی را اهل جمهور دانسته است. افندی تأکید می‌کند که تشیع حسکانی، در بین امامیه مسلم است. به گمان او، سید بن طاووس زعم اهل سنت را در باره حسکانی بیان کرده است.^۳

سوم: تشیع به معنای عام. گویا ذهبی به این قول تمایل دارد. وی در این باره، به کتاب تصحیح خیر ردّ الشمس لعلی^۴ و ترغیم نواصب الشمس حسکانی استناد کرده است.^۵

تالیفات

به هر حال، حسکانی در فضائل؛ بویژه فضایل امام علی^{علیه السلام}، کتاب‌هایی تألیف کرد که همگی نایاب‌اند: ۱. خصائص علی بن ابی طالب فی القرآن، ۲. مسألة فی تصحیح ردّ الشمس و ترغیم نواصب الشمس، ۳. قمع النواصب، ۴. طیب الفطرة فی حبّ العترة، ۵. کتاب

۱. همان جا.

۲. معالم العلماء، ص ۱۱۳؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۱۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۳؛ الذریعة، همان جا.

۳. ریاض العلماء، ج ۳، ص ۲۵۶-۲۵۷، ۲۹۶-۳۰۰.

۴. تذکرة الحفاظ، همان جا.

۵. معالم العلماء، همان جا؛ تذکرة الحفاظ، همان جا؛ أمل الآمل، همان جا؛ بحار الأنوار، همان جا؛ ریاض

الهداة إلى أداء حق الموالاة؛ این کتاب که دارای ده جزء و مشتمل بر اسانید حدیث غدیر است،^۱ در اختیار ابن طاووس بوده و وی دو حدیث در وصف غدیر، از آن نقل کرده است.^۲

آثار چاپی: ۶. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ۷. رسالة فی فضائل شهر رجب.

۲۵. فتال نیشابوری (م ۵۰۸ ق)

محمد بن حسن بن علی بن احمد بن علی، مکنّا به ابو علی و معروف به فتال نیشابوری و ابن فارسی؛ محدث، متکلم و فقیه. او را به جهت اختلاف در نام پدرش، محمد بن حسن،^۳ محمد بن علی^۴ و محمد بن احمد^۵ معرفی کرده‌اند. در برخی مصادر، محمد بن علی و محمد بن احمد، دو نفر تلقی شده‌اند.^۶ و در برخی دیگر، محمد بن احمد و محمد بن حسن را دو نفر نگاشته‌اند.^۷ از دیگر سو، برخی نیز بر یگانگی هر سه نام یاد شده، نظر داده‌اند.^۸ به هر حال، فتال نیشابوری شایسته اعتماد و فرزانه بود. وی از مشایخی چون سید مرتضی، شیخ طوسی و پدرش حسن بن علی، حدیث شنید.^۹ محمد علی بن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق) و علی بن حسن بن عبد الله نیشابوری نیز از او روایت کرده‌اند.^{۱۰} به قرینه استماع از سید مرتضی، وی دست کم

۱. العلماء، همان جا؛ تراش، ش ۱۶، ص ۱۲؛ ش ۱۸، ص ۹۴.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۰؛ الإقبال، ج ۲، ص ۲۳۹، ۲۵۱.

۳. الإقبال، همان جا.

۴. معالم العلماء، ص ۱۵۱.

۵. فهرست منتخب الدین، ص ۱۰۸.

۶. رجال ابن داود، ص ۱۶۳؛ لسان المیزان، ج ۵، ص ۴۴؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۲۴۲؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۷.

۷. فهرست منتخب الدین، ص ۱۰۸، ۱۲۶.

۸. أمل الآمل، ج ۲، ص ۲۴۲، ص ۲۶۰.

۹. بحار الأنوار، همان جا؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۲۳، ص ۲۶۴؛ ج ۳، ص ۹۸.

۱۰. رجال ابن داود، همان جا؛ لسان المیزان، همان جا؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۹۸.

۱۱. روضة الواعظین، ص ۱۱، مقدّمه محقق.

پیش از سال ۴۳۶ ق، سال درگذشت سید مرتضی، در عراق بوده است. نیز به قرینه آن‌که ابن شهر آشوب - که از وی روایت کرده - در سال ۴۸۹ ق، زاده شده، می‌توان حدس زد که او در دههٔ اوّل سدهٔ ششم در گذشته است.^۱ بر پایهٔ برخی گزارش‌ها، حاکم نیشابور، فتال نیشابوری را به سبب گرایش وی به تشیع امامی، به شهادت رساند.^۲

تألیفات

در مصادر، دو کتاب به فتال نیشابوری نسبت داده شده است:

۱. التتویر فی معانی التفسیر، که نایاب است؛^۲ روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، معروف به روضة الواعظین، که چاپ شده است.

۱. لسان المیزان، همان جا.

۲. رجال ابن داوود، همان جا.

فصل چهارم

متون حدیثی چند زمینه‌ای

منظور از متون چند زمینه‌ای، کتاب‌هایی است که به بیش از یک دانش از دانش‌های دینی پرداخته‌اند. در این فصل، به آن دسته از متون حدیثی تألیف شده در سده‌های چهارم و پنجم می‌پردازیم که اختصاص به احادیث یک رشته خاص - چون: فقه، طب یا کلام - ندارند و شامل احادیثی در دو یا چند زمینه‌اند.

۱. الکافی

مؤلف: ثقة الاسلام کلینی رازی (م ۳۲۹ ق)

تحقیق و تعلیق: علی اکبر غفاری، با مقدمه دکتر حسین علی محفوظ

ناشر: دار الکتب الاسلامیه، تهران؛ جلد اول، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ ش؛ جلد دوم، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ش؛ جلد سوم تا هفتم، چاپ سوم، ۱۳۶۷ ش؛ و جلد هشتم، چاپ دوم، ۱۳۴۸ ش.

در تصحیح کتاب، از هفت نسخه خطی استفاده شده است که در سده یازدهم کتابت شده‌اند، به علاوه چندین نسخه چاپی متعلق به اوایل سده چهاردهم. برخی از این نسخه‌های خطی، توسط محمد باقر مجلسی، ملا صالح مازندرانی و ملا خلیل قزوینی، تصحیح شده‌اند و یکی نیز با خط شیخ حر عاملی است.^۱ در مجموع، بیش از ۱۵۰ نسخه خطی از همه کتاب الکافی یا بخش‌هایی از آن، در

۱. الکافی، مقدمه محقق، ج ۲، ص ۴۴؛ ج ۳، ص ۳-۴.

کتاب‌خانه مرکزی آستان قدس وجود دارد که معمولاً تاریخ کتابت دارند. نیز هفت نسخه خطی از آن، در کتاب‌خانه آیه الله مرعشی نجفی نگهداری می‌شود که کهن‌ترین آنها (با شماره ۱۳۸۰)، به سده هفتم تعلق دارد و در سال ۶۷۵ ق، استنساخ شده است.^۱

الکافی، هم به گونه کامل و هم جداگانه در بخش‌های اصول، فروع و روضه، نزدیک به سی بار چاپ سنگی و حروفی شده است. کهن‌ترین چاپ الکافی که سنگی است و به بخش اصول آن اختصاص دارد، در سال ۱۲۷۸ - ۱۲۸۸ ق، در شیراز و تهران چاپ شده است.^۲

در مصادر، نام این کتاب، الکافی ذکر شده است که شاید با الهام از این عبارت کلینی انتخاب شده باشد که در مقدمه کتاب می‌گوید: «إِنَّكَ تَحِبُّ أَنْ يَكُونَ عِنْدَكَ كِتَابُ كَافٍ...».^۳ موضوع کتاب، گستره فراخ علم دین، در ساحت نظر و عمل است. عناوین بخش‌ها یا همان کتاب‌های الکافی نیز، این گستره را نشان می‌دهند. کلینی، خود در وصف الکافی چنین گفته است:

کتاب کافٍ یجمع [فیه] من جمیع فنون علم الدین ما یکتفی به المتعلّم ویرجع إلیه المسترشد، ویاخذ منه من یرید علم الدین و العمل به.^۴

نسخه چاپی الکافی دارای مقدمه مصحح، مقدمه مؤلف و سه بخش به نام‌های اصول، فروع و روضه است. به استناد نسخه یاد شده، ساختار کتاب، از کلینی است. وی در پایان «کتاب العشرة»^۵ در بخش اصول و در پایان «کتاب الايمان والندور والكفارات» در بخش فروع و در آغاز بخش روضه، از پایان و شروع این بخش‌ها خبر

۱. الکافی و کلینی، ص ۴۶۲-۴۶۴.

۲. کلینی و الکافی، ص ۴۶۴-۴۶۶.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۸.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۸.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۶۷۴.

داده است^۱ در مصادر کتاب‌شناسی، پس از نام الکافی، تنها عنوان «الروضة» به عنوان بخش پایانی آن، دیده می‌شود.^۲ طبقه‌بندی احادیث و نیز رده‌بندی آنها نشان می‌دهد که بخش روضه، در طرح ابتدایی الکافی نبوده است. گویا شیخ کلینی پس از آن‌که دو بخش اصول و فروع را به پایان رسانده، با احادیث بسیاری مواجه شده که با توجه به موضوعشان، در آن دو بخش جای نمی‌گرفتند. از این رو، «کتاب الروضة» را که گویی نام با مسمایی برای این بخش است، تألیف کرده است. چنان‌که در باغ و بستان، انواع درخت و میوه وجود دارد، «کتاب الروضة» نیز پیراز احادیث در زمینه‌های مختلف است.

انتساب دو بخش اصول و فروع به کلینی، مسلم و بدون تردید تلقی شده است؛ اما انتساب بخش الروضة به کلینی، آن سان مسلم و خالی از تردید نیست؛ برخی در آن تردید کرده‌اند و برخی قاطعانه آن را نفی کرده، الروضة را به ابن ادریس حلی (م ۵۸۹ ق) صاحب سرائر نسبت داده‌اند. ملا خلیل قزوینی (م ۱۰۸۳ ق)، همین قول را برگزیده است.^۳

بنا به قرائنی، «الروضة» جزء کتاب الکافی و تألیف شیخ کلینی است:

یکم: مشایخ آغازین اسانید این بخش، همگی از طبقه هشتم یا نهم‌اند و شیخ کلینی نیز در طبقه نهم جای دارد؛ اما ابن ادریس در طبقه پانزدهم است.

دوم: اسانید «کتاب الروضة»، تفاوت چندانی با اسانید اصول و فروع ندارند.

سوم: اسانید «کتاب الروضة»، همانند دو بخش اصول و فروع، در بیشتر موارد با واسطه «عده» شروع شده‌اند.

چهارم: کلینی خود، به انتساب روضه به خود در پایان کتاب فروع، به تألیف بخش

۱. الکافی، ج ۷، ص ۴۶۴.

۲. رجال نجاشی، همان جا؛ فهرست طوسی، همان جا.

۳. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۲۶۲؛ خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۳۶.

«الروضة» تصریح کرده است.

پنجم: نجاشی و شیخ طوسی نیز «الروضة» را بخش پایانی الکافی دانسته‌اند.^۱ در مقدمه کوتاه مؤلف، پس از ستایش خدا و درود بر حضرت مصطفی و بزرگداشت ائمه علیهم‌السلام، به موضوع کتاب و بیان ضرورت آن پرداخته شده است. به موجب این مقدمه، تألیف این کتاب با سه انگیزه انجام شده است: یکی پاسخ دادن به درخواست فردی که طالب آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام بوده است؛ دیگری، تلاش برای جلوگیری از علاقه‌مندی مردم به دنیا و سست شدن اراده‌ها و گسترش جهل و بی‌خبری؛ و انگیزه سوم، فراهم آوردن مجموعه‌ای که مرجع عموم مردم در سطوح مختلف، برای شناخت آموزه‌های دین باشد.^۲

بخش اصول، هشت کتاب و ۵۱۹ باب دارد: ۱. کتاب العقل و الجهل، ۲. کتاب فضل العلم، ۳. کتاب التوحید، ۴. کتاب الحجّة، ۵. کتاب الإیمان و الکفر، ۶. کتاب الدعاء، ۷. کتاب فضل القرآن، ۸. کتاب العشرة.

بخش فروع، دارای ۲۶ کتاب است و ۱۹۴۴ باب دارد: ۱. کتاب الطهارة، ۴۶ باب، ۲. کتاب الحيض، ۲۴ باب، ۳. کتاب الجنائز، ۹۵ باب، ۴. کتاب الصلاة، ۱۰۳ باب، ۵. کتاب الزکاة، ۴۷ باب و أبواب الصدقة، ۴۳ باب، ۶. کتاب الصیام، ۸۳ باب، ۷. کتاب الحج و أبواب الزیارات، ۲۳۶ باب، ۸. کتاب الجهاد، ۳۲ باب، ۹. کتاب المعیشة، ۱۵۹ باب، ۱۰. کتاب النکاح، ۱۹۲ باب، ۱۱. کتاب العقیقة، ۳۸ باب، ۱۲. کتاب الطلاق، ۸۲ باب، ۱۳. کتاب العتق و التدبیر و المكاتبّة، ۱۹ باب، ۱۴. کتاب الصيد، ۱۷ باب، ۱۵. کتاب الذبائح، ۱۵ باب، ۱۶. کتاب الأطعمة، ۱۳۴ باب، ۱۷. کتاب الأشربة، ۳۷ باب، ۱۸. کتاب الزی و التجمّل و المروّة، ۶۹ باب، ۱۹. کتاب الدواجن، ۱۳ باب، ۲۰. کتاب الوصایا، ۳۹ باب، ۲۱. کتاب الموارث، ۶۹ باب، ۲۲. کتاب الحدود، ۶۳

۱. رجال النجاشی، ص ۳۷۷؛ الفهرست، طوسی، ص ۲۱۱.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۸.

باب، ۲۳. کتاب الدیات، ۵۶ باب، ۲۴. کتاب الشهادات، ۲۳ باب، ۲۵. کتاب القضاء والأحكام، ۱۹ باب، ۲۶. کتاب الأیمان والنذور و الکفارات، ۱۸ باب.

کتاب الروضة نیز در ۲۶۲ باب، ۵۹۷ حدیث دارد. در این بخش، رساله‌ها، کتاب‌ها، وصیت‌ها و خطبه‌های ائمه علیهم‌السلام، آداب شایستگان، علوم نادره و بسیاری دیگر از آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام در موضوعات پراکنده، ذکر شده است.

درباره تعداد کتاب‌های اصول و فروع، عناوین، ترتیب و شمار احادیث هر کدام، در مصادر و نسخه چاپی اختلاف وجود دارد. شیخ طوسی دو کتاب العشرة والعقبة را ذکر نکرده و دو کتاب عقل و فضل علم را در بخش اصول، دو کتاب الطهارة والحیض، دو کتاب الصيد والذبائح و دو کتاب الأطعمة والأشربة را در بخش فروع، یکی شمرده است. وی کتاب الوقوف والصدقات را قبل از کتاب الصيد، افزوده است. نجاشی کتاب القضاء والأحكام را نیاورده و دو کتاب النکاح والعقبة، دو کتاب الصيد والذبائح و دو کتاب الطهارة والحیض را یکی انگاشته است. به علاوه، وی به جای کتاب الطهارة، کتاب الوضوء را ذکر کرده است. تعداد کتاب‌ها به گزارش نجاشی، ۳۱ و به گزارش طوسی، سی مورد است.

تعداد احادیث در نسخه چاپی، ۱۵۵۰۳ حدیث است. در دیگر کتاب‌ها، عددهای دیگری ذکر شده است: عدد ۱۵۳۲۸، عدد ۱۶۱۹۹، عدد ۱۵۱۷۶، و گاه عدد ۱۶۱۲۱. شمار احادیث الکافی در هشت جزء (مجدّد)، چنین است: جزء اول ۱۴۳۷ حدیث، جزء دوم ۲۳۴۶ حدیث، جزء سوم ۲۰۴۹ حدیث، جزء چهارم ۲۴۴۳ حدیث، جزء پنجم ۲۲۰۰ حدیث، جزء ششم ۲۷۲۷ حدیث، جزء هفتم ۱۷۰۴، و جزء هشتم ۵۹۷ حدیث. بر این اساس، شمار مجموع آنها ۱۵۵۰۳ حدیث است. ناگفته نماند که در این شمارش، ۶۱۸ حدیثی که متن واحد و اسانید متعدّد دارند، لحاظ نشده است.^۳

۱. لؤلؤ البحرين، ص ۲۳۸؛ نهاية الدراية، ص ۲۱۹.

۲. مرآة العقول، ج ۲، ص ۴۳۷؛ رک: الکلینی و الکافی، ص ۴۰۱.

۳. الکلینی و الکافی، ص ۴۰۳.

ویژگی‌های الکافی

یکم: این کتاب، در دوره نایبان چهارگانه امام زمان علیه السلام تألیف شده است.^۱ این مزیت را نباید و نمی‌توان دلیل بر صحت این خبر شایع پنداشت که گفته‌اند حضرت حجت علیه السلام این کتاب را دیده و درباره آن فرموده است: «هذا کافٍ لشیعتنا».^۲ با این حال، این ویژگی را می‌توان قرینه‌ای شمرد بر تقویت این حدس که امام علیه السلام به تهیه این کتاب راضی بوده، عمل کردن به اخبار آن را جایز می‌داند.^۳

دوم: تألیف این کتاب، در بیست سال انجام شده است. پیداست که سبب طولانی شدن این کار، سفرهای کلینی به شهرها و نواحی گوناگون و تلاش برای دیدار با مشایخ حدیث و اجازه بوده است.

سوم: این کتاب، در بردارنده آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام درباره جایگاه عقل در ساخت عقاید دینی است.

چهارم: احادیث آن، با اسناد کامل آمده‌اند. البته گاه به جهت ذکر سند در موارد پیشین^۴ و گاهی به جهت نقل بدون واسطه حدیث از اصل و منبع،^۵ سند، کامل ذکر نشده است.

پنجم: احادیث با عنوان باب‌ها هماهنگ‌اند و بر همین اساس، به احادیث معارض پرداخته نشده است.^۶

ششم: در اسناد روایت فروع، سختگیری شده است. شاهد بر این مطلب، این است که کلینی از سعد بن عبد الله اشعری، در کتاب فروع چیزی نقل نکرده است، با

۱. کشف المحجّة، ص ۱۵۹.

۲. مرآة العقول، ج ۱، ص ۲۲؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۷۰.

۳. همان جا.

۴. الکلینی و الکافی، ص ۴۲۶-۴۲۷؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۷.

۵. نهاية الدراية، ص ۵۴۳؛ الکافی، ج ۱، ص ۱۳، مقدّمه حسین محفوظ.

۶. نهاية الدراية، ص ۲۲۲؛ روضات الجنات، ص ۵۵۳.

آن که سعد از اصحاب اصول است؛ ولی در باره تاریخ ولادت ائمه علیهم‌السلام، از وی روایت کرده است. گویا این بدان جهت بوده که سعد احادیث شاذ را نیز روایت می‌کرد یا از رجال ضعیف و شاذ روایت می‌کرد.^۱

هفتم: این کتاب، شامل احادیث صادقین علیهم‌السلام است. کلینی در مقدمه الکافی متذکر شده که بنا داشته تنهاروایت‌های صحیح از صادقین را نقل کند. آنچه از اهل سنت و از غیر صادقین در الکافی آمده، به قولی، از دوازده روایت فراتر نمی‌رود.^۲

هشتم: ترتیب احادیث ابواب، بر حسب صحت و وضوح آنهاست. لذا احادیث پایانی ابواب، از ضعف در سند یا متن، خالی نیستند.^۳

نهم: اسانید آن، مشتمل است بر الفاظ ناظر به افراد و اسامی، با مصادیق نه چندان روشن. گویا شناخت برخی از این اسامی، به علت معروف بودن سند، آسان است، مانند: «علی بن ابراهیم عن ابیه» که در ۴۹۶۰ مورد آمده است. اما گاه، چنین نیست و تشخیص مصداق عبارت، دشوار می‌نماید، مانند عبارت «أخ فلان» در ۵۹ مورد، «أب فلان» در ۴۱۰۹ مورد، «ابن فلان» در ۶۵۰۲ مورد، القاب بدون اسامی در ۱۵۲۸ مورد، «جد فلان» در ۶۵ مورد، «ام فلان» در ده مورد، «العدة» در ۳۸۸۶ مورد و...^۴

دهم: محتوای بیشتر اصول اربعمائه و مصنفات اصحاب ائمه علیهم‌السلام، در الکافی آمده است. در موارد فراوانی که کلینی در صدر حدیث، سلسله سند را ذکر کرده، گویا به این هدف بوده که طرق اجازه خود را به آن اصول بیان کند. اصول و کتب اصحاب ائمه علیهم‌السلام، تا آن عصر وجود داشت و میان محدثان، دست به دست می‌شد.^۵

یازدهم: اختصاص به روایت صحیح دارد. کلینی در مقدمه الکافی، متذکر شده که

۱. الکلینی و الکافی، ص ۴۲۷.

۲. الکلینی و الکافی، ص ۴۲۸-۴۲۹؛ معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۸۳-۸۴.

۳. روضات الجنات، ج ۱، ص ۱۱۶؛ نهاية الدراية، ص ۵۴۵.

۴. الکلینی و الکافی، ص ۴۳۰-۴۳۱.

۵. همان، ص ۴۳۲.

این کتاب را بر پایه روایات صحیح از صادقین علیه السلام تألیف کرده است.^۱ این عبارت، به زعم بسیاری از محدثان و رجال شناسان، ظاهر؛ بلکه صریح، در شهادت وی به صحت همه روایات کتاب است.^۲

دوازدهم: طبقه‌بندی و رده‌بندی آن، ابتکاری و معنادار است. در این رده‌بندی، ابتدا اصول و پس از آن، فروع و سپس روضه می‌آید و بخش اصول نیز از کتاب عقل و جهل شروع می‌شود و سپس بحث توحید و امامت و... مطرح می‌گردد.

سیزدهم: بسیاری از اسانید آن، مشتمل بر عده است. کلینی در موارد بسیاری، اسناد حدیث را با عبارت «عده من اصحابنا» شروع می‌کند. این عده چهار گروه هستند که از اکثر آنها، در اسانید دیگر روایات الکافی نام برده است.^۳ اسامی این عده، در مصادر آمده است.^۴

جایگاه الکافی

کلینی الکافی را بر شاگرد خود، ابو الحسن احمد بن احمد کوفی که کاتب خاص او بود، قرائت کرد.^۵ راویان الکافی عبارت‌اند از: نجاشی،^۶ شیخ صدوق،^۷ ابن قولویه قمی،^۸ سید مرتضی،^۹ شیخ مفید،^{۱۰} شیخ طوسی،^{۱۱} هارون بن موسی

۱. الکافی، ص ۸.

۲. الوافی، ج ۱، ص ۶۰ و وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۶۴-۶۵؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۸۰.

۳. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۰۷.

۴. رجال النجاشی، همان جا؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۰۷-۵۱۱؛ الکافی، مقدمه حسین محفوظ، ص ۴۸؛ کلینی و الکافی، ص ۴۳۲-۴۳۵.

۵. رجال النجاشی، ص ۳۷۷.

۶. رجال النجاشی، همان جا.

۷. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۶۶۶.

۸. رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، ص ۲۱۱.

۹. الفهرست، طوسی، همان جا.

۱۰. الفهرست، طوسی، همان جا.

۱۱. الفهرست، طوسی، همان جا.

تلعکبری،^۱ ابو غالب زراری،^۲ احمد بن ابراهیم صیمری^۳ و محمد بن عبد الله شیبانی.^۴

نظربه ویژگی‌هایی که گذشت و نیز اهمیتی که در روایت کردن الکافی بوده، محدّثان و فقیهان امامیه، آن را بسیار ارزشمند و گویی ارزشمندترین کتاب حدیثی شمرده‌اند و با تعبیر گوناگونی از این دست، عبارت برخی از آن را ستوده‌اند: ارزشمندترین و پرفایده‌ترین کتاب شیعه،^۵ و قول شهید اول، محقق کرکی و محمد تقی مجلسی، کتاب بی نظیر در مذهب امامیه،^۶ شریف‌ترین، قابل اعتمادترین، و کامل‌ترین و جامع‌ترین کتاب،^۷ اضبط اصول و اجمع و احسن و اعظم تألیفات در فرقه ناجیه،^۸ و این سخن محدّث استرآبادی که گفته است:

مشایخ و علمای ما معتقدند که در اسلام، کتابی تألیف نشده است که با کافی برابری کند.

بر همین اساس، دیدگاه اکثر محدّثان و فقیهان شیعه آن است که الکافی بر سایر کتاب‌های حدیثی، تقدّم دارد.

اثار مرتبط

روایات و رجال الکافی، از سده هشتم و بویژه در سده یازدهم، موضوع پژوهش قرار گرفت. دانشوران امامی در حوزه‌های مختلف رجال، فقه الحدیث، نقد الحدیث،

۱. النهرست، طوسی، همان جا.

۲. النهرست، طوسی، همان جا.

۳. النهرست، طوسی، همان جا.

۴. النهرست، طوسی، همان جا.

۵. تصحیح الاعتقاد، ص ۲۷.

۶. بحار الأنوار، ج ۱۰۷، ص ۱۹۰؛ ج ۱۰۸، ص ۶۲؛ ج ۱۱۰، ص ۷۰.

۷. الوافی، ج ۱، ص ۶.

۸. مرآة العقول، ج ۱، ص ۳.

برگردان آن به زبان فارسی، فهرست و معجم‌نگاری، آن را موضوع پژوهش و مطالعه قرار دادند. دست‌کم ۶۵ شرح و حاشیه^۱ و ۲۶ مورد معجم‌نگاری، پژوهش موضوعی و گزیده، بخشی از نتیجه این تلاش و توجه است.^۲ برخی از شرح‌ها، فهرست‌نگاری‌ها، گزیده‌نگاری‌ها و پژوهش‌های موضوعی درباره‌ی کافی که به چاپ رسیده‌اند، بدین قرار است:

۱. الرواشح السماویة فی شرح الأحادیث الإمامیة، محمد باقر داماد (م ۱۰۴۰ ق). این کتاب شامل شرح مقدمه‌ی کافی و ۳۹ راسحه در حدیث‌شناسی است.
۲. شرح أصول الکافی، ملا صدرا شیرازی (م ۱۰۵۰ ق)؛
۳. شرح اصول الکافی، ملا محمد صالح مازندرانی (م ۱۰۸۰ ق)؛
۴. الصافی فی شرح الکافی، خلیل بن غازی قزوینی (م ۱۰۸۹ ق)؛
۵. مرآة العقول فی شرح أخبار الرسول ﷺ، محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۱ ق)، شامل شرح اصول، فروع و روضه؛
۶. معرفة أحوال العدة، محمد باقر شفتی اصفهانی (م ۱۲۶۰ ق)؛
۷. رجال الکافی، آیه الله بروجردی؛
۸. دفاع عن الکافی، ثامر هاشم حبیب العمیدی؛
- ۹ و ۱۰. ثلاثیات الکلینی و نیز بحوث حول روایات الکافی، امین ترمس عاملی؛
۱۱. الکلینی و الکافی، شیخ عبد الرسول غفّار؛
۱۲. الکلینی و خصومه، عبد الرسول غفّار؛
۱۳. صحیح الکافی، محمد باقر بهبودی؛

۱. کشف الحجب و الأستار، ص ۱۸۴ - ۱۸۵، ۲۲۲، ۳۴۷ - ۳۴۸؛ الذریعة، ج ۶، ص ۱۷۹ - ۱۸۴، ۲۴۸؛ الکافی،

ج ۱، ص ۳۰ - ۳۸، مقدمه‌ی حسین علی محفوظ؛ علوم حدیث، ش ۳۲، ص ۱۹۳ - ۲۰۲.

۲. همان، ص ۲۰۲ - ۲۰۶.

۱۴. کتاب الخمس، سید سبط الحسن فتح پوری هندی؛

۱۵. المعجم المفهرس لألفاظ الأصول من الکافی، علیرضا برازش؛

۱۶. فهارس الکافی، یوسف البقاعی.

۲. آمالی الصدوق

مؤلف: شیخ صدوق.

تحقیق و تخریج: بخش مطالعات اسلامی مؤسسه بعثت

ناشر: مؤسسه البعثة، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.

در چاپ بررسی شده، برای تحقیق کتاب، از دو نسخه استفاده شده است: یکی نسخه چاپی سید موسی زنجانی که در ۱۳۷۳ ش، چاپ شد و با نسخه شیخ رضا استادی، نسخه حاج افضل، نسخه ابن سکون، نسخه روضاتی و نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مقابله شده بود. دیگری، نسخه سید عبد العزیز طباطبایی که در سال ۱۴۰۰ ق، در بیروت چاپ شد و با نسخه ابن سکون مقابله شده بود.^۱ نسخه علی بن محمد بن محمد بن علی سکون، معروف به ابن سکون، با تاریخ کتابت ۵۶۳ ق، که از مجلس پنجاه و یکم آن تا آخر کتاب، به خط شیخ حرّ عاملی است، همراه با دو نسخه قدیمی دیگر، در مدرسه فاضل خان مشهد نگهداری می‌شود.^۲

الأمالی صدوق، بارها در ایران و دیگر کشورها چاپ شده است، از آن جمله: در تهران در سال ۱۳۰۰ ق، در کتابخانه حکمت؛ در قم در سال ۱۳۷۴ ق؛ و در بیروت در سال ۱۴۰۰ ق، در مؤسسه اعلمی. سه ترجمه فارسی نیز از آن انجام شده است: ترجمه سید علی امامی، ترجمه سید صادق ابن سید حسین توشخانلی که در ۱۳۰۱ ق، چاپ شد و ترجمه شیخ محمد باقر کوه کمره‌ای (م ۱۴۱۶ ق) که همراه با

۱. الأمالی، صدوق، ص ۴۴-۴۵.

۲. الذریعة، ج ۲، ص ۳۱۵.

اصل عربی کتاب، در کتاب‌خانه اسلامی، در تهران چاپ شد.

برای این کتاب، نام‌ها و عنوان‌های دیگری نیز به کار رفته است: العرض علی المجالس،^۱ العوض عن المجالس،^۲ الأمالی و یسمی المجالس،^۳ الأمالی و المجالس^۴ و عرض المجالس.^۵ الأمالی از آثار مشهور، بلکه متواتر شیخ صدوق است^۶ و در شمار مصادر بحار الأنوار، وسائل الشیعة و سایر کتاب‌های روایی جای گرفته است.

نسخه چاپی، شامل مقدمه گروه تحقیق و مقدمه اصل کتاب است. آنچه در مقدمه محقق آمده، عبارت است از: شرح حال مؤلف، ویژگی‌های تألیف، موضوع آن، بررسی استناد کتاب به صدوق با پنج اسناد، و نیز معرفی نسخه‌های خطی و چاپی آن. اصل الأمالی، در ۹۷ مجلس سامان یافته است. احادیث کتاب با اسناد کامل، از پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ روایت شده‌اند و موضوعشان در زمینه‌های مختلف است، مانند: سیره پیامبر ﷺ، معراج و اسرار، دعا و مواعظ مأثور، فضائل و مناقب و احوال اهل بیت ﷺ و اخلاق و عقاید.

شیخ صدوق همه این مجالس را در یک سال و اندی، از هیجدهم رجب ۳۶۷ تا نوزدهم شعبان ۳۶۸، بر گروهی از اهل علم در ری، نیشابور و مشهد، املا کرد. این مجالس در روزهای سه‌شنبه و جمعه در هفته برگزار می‌شده است. برای نمونه: مجلس بیست و پنجم در توس و در روز جمعه، سیزده شب مانده از ذی حجه ۳۶۷، مجلس بیست و هفتم در ابتدای محرم ۳۶۸ پس از بازگشت از مشهد، مجلس نود و سه در روز جمعه دوازدهم شعبان همان سال در نیشابور، و مجلس نود و چهارم در روز سه‌شنبه هفدهم شعبان همان سال در مشهد الرضا ﷺ.

۱. رجال التجانی، ص ۳۸۸.

۲. معالم العلماء، ص ۱۴۹.

۳. أمل الآمل، ج ۲، ص ۲۸۴.

۴. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۶.

۵. الفوائد الرجالية، ج ۴، ص ۷۲.

۶. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۶-۳۸؛ بحار الأنوار، همان جا.

مجالسی که محلّ برگزاری آنها نیز ذکر شده، همگی در مشهد یا نیشابور بوده‌اند. از این جا می‌توان حدس زد که اکثر مجالس کتاب، در ری برگزار شده‌اند. فرد مستملی یا کاتب، افزون بر عنوان مجلس، (موضوع هر جلسه)، شماره، روز، ماه، سال و گاه مکان آن را نیز ذکر کرده و در مواردی، اطلاعات جزئی تر نیز داده است؛ مانند: برگزاری مجلس در خانه سید ابو محمد یحیی بن محمد علوی^۱ و هنگام عصر^۲، یا پس از بازگشت از مشهد الرضا^۳ در ری^۳، یا به هنگام حرکت شیخ صدوق به شهرهای ماوراءالنهر.^۴

احادیث کتاب، املائی شیخ صدوق در مجلس املا بوده و گاه مستملی حدیث را پس از پایان مجلس املا، دوباره از استاد شنیده و در چنین مواردی - که اندک اند - تذکر داده است.^۵ در ابتدای هر مجلس، مستملی اسناد حدیث را با شیخ صدوق آغاز می‌کند؛ ولی در احادیث بعدی، شیخ صدوق است که حدیث را به نقل از مشایخ خود روایت می‌کند. تعداد احادیث مجالس، به تناسب کوتاه یا بلند بودن حدیث، از سه تا دوازده حدیث در نوسان است. در مجلس سی‌ام، یک حدیث طولانی در هفت صفحه نقل شده و در مجلس بیست و نهم، ۲۲ روایت آمده است.

شیخ صدوق روایات کتاب الاثمالی را با اسناد کامل، از طریق راویان امامی و گاه از طریق راویان اهل سنت^۶ نقل کرده است. وی در طریق اهل سنت، از محمد بن عمر حافظ بغدادی و در طریق امامی، به ترتیب از پدر خود علی بن بابویه (نزدیک به ۱۶۰ حدیث)، ابن ولید، محمد بن علی ماجیلویه و محمد بن موسی بن متوکل، نقل کرده است. لحاظ ترتیب مجالس، کتاب الاثمالی نشان از سامان‌مندی و نظام معنایی خاص دارد؛ ولی در نقل احادیث، طبقه‌بندی و نظم معناداری دیده نمی‌شود. این پراکندگی،

۱. مجلس ۸۹، ح ۱؛ مجلس ۹۲، ح ۱.

۲. مجلس ۹۶، ح ۱.

۳. مجلس ۲۸، ح ۱.

۴. مجلس ۹۴، ح ۱.

۵. مجلس ۷، ح ۳.

۶. مجلس ۱۵، ح ۱۱؛ ۲۱، ح ۱، ۳۰، ح ۱.

هم در مضامین و محتوایی احادیث دیده می‌شود و هم در نقل روایات مشایخ. احادیث هر یک از مشایخ مؤلف، در مجالس و جاهای مختلف پراکنده است. فهم متن برخی از احادیث کتاب، سخت دشوار است؛ مانند: چند روایات درباره ثواب برخی از اعمال مستحب و عبادات یا روزهای برخی ماه‌ها، یا درباره اوضاع و احوال محشر و قیامت و معراج و عذاب دوزخیان و تفسیر ابجد و ناقوس و...^۱

۳. علل الشرائع

مؤلف: شیخ صدوق

تقدیم: سید محمد صادق بحر العلوم

ناشر: کتابخانه حیدریه، نجف اشرف، ۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۶ م.

چندین نسخه خطی از این کتاب موجود است؛ مانند: نسخه‌ای به شماره ۱۸۸۰ با تاریخ تقریبی سده یازدهم،^۲ و نسخه‌ای به خط محمد نبتکی الأصل تهرانی که در تاریخ ۱۲۷۴ ق، از روی نسخه مورخ ۱۰۵۰ ق، به خط جمال الدین محمد حسینی، نوشته شده است.^۳ این کتاب با تحقیق و تصحیح سید فضل الله طباطبایی یزدی و دیگران، بارها چاپ شده است. چاپ رحلی سنگی آن به تنهایی در سال ۱۲۸۰ ق، در تهران چاپ شده و در سال ۱۲۸۹ ق، نیز همراه با معانی الأخبار.^۴

از این کتاب، با عنوان «علل الأحکام»^۵ و «علل الشرائع والأحکام والأسباب»^۶ نیز یاد شده است. علل الشرائع، از آثار معروف و به غایت مشهور شیخ صدوق^۷ و از

۱. مجلس ۵۲، مجلس ۵۳، مجلس ۴۰، مجلس ۱، مجلس ۲۳، مجلس ۴۶.

۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه الله گلبایگانی، ج ۳، ص ۹۴.

۳. همان، ج ۳، ص ۱۷۵.

۴. الذریعة، ج ۱۵، ص ۳۱۳-۳۱۴.

۵. رجال التجاشی، ص ۳۸۹؛ الفهرست، طوسی، ص ۲۳۷.

۶. معالم العلماء، ص ۱۴۹؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۲۳۸.

۷. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۷.

مصادر کتاب‌های حدیثی وسائل الشیعة، بحار الأنوار و مستدرک الوسائل است. این کتاب در زمینه علل، اسباب و حکمت احکام و شرایع الهی، در ۳۸۵ باب سامان یافته است. از این تعداد، ۱۸۱ باب در علل برخی از اخبار و مفاهیم مختلف قرآنی و گاه تاریخی است. مؤلف در هر مورد، کلام را با عنوان «علت» آغاز کرده و تحت آن، احادیث متناسب را آورده است. به قرینه کتاب‌های هم نوع دیگری از مؤلف، عنوان هر باب را ناسخان یا محققان کتاب افزوده‌اند. شیخ صدوق در این کتاب تلاش کرده است که احکام تشریعی و برخی از مفاهیم، اخبار، اوصاف و نام‌گذاری‌های قرآنی و گاه مباحث کلامی و اعتقادی و حوادث و رویدادهای تاریخی را بررسی کند و مصالح و مفاسد واقعی، اسباب ظاهری، فواید، حکمت‌ها و توجیهات عقلانی آنها را از منظر احادیث، ذکر نماید. لذا باید توجه داشت که عنوان کتاب به معنای مصطلح آن، با محتوای کتاب انطباق کامل ندارد. از یک سو، «علت» در مفهومی گسترده و فراتر و اعم از مصالح و مفاسد واقعی به کار رفته و اسباب ظاهری، فواید و حکمت‌ها را هم شامل می‌شود، و از سوی دیگر، علل گفته شده، فقط برای احکام و شرایع نیست. شاید به جهت همین عدم انطباق، در برخی از منابع کتاب‌شناسی، عنوان کتاب، علل الأحکام والشرائع و الأسباب آمده است. به هر حال، عنوان احکام به عنوان متعلق علل، از باب تغلیب است.

روایات کتاب، با اسناد کامل و بیشتر با واسطه علی بن بابویه پدر مؤلف، ابن ولید و ابن ماجیلویه نقل شده است. این کتاب افزون بر ارزش حدیثی، تاریخی، فقهی، تفسیری، کلامی و اخلاقی، در زمینه فقه الحدیث نیز ارزشمند است.^۱

از موضوعات مطرح در این کتاب است: العلة التي من أجلها سميت السماء سماءً والدنيا دنيا، والآخرة آخرة، والعلة التي من أجلها سمى آدم آدم، وحواء حواء،

والدرهم درهماً، والدینار دیناراً، و العلة التي من أجلها قيل للفريس «أجد» و للبغلة «عد» و العلة التي من أجلها قيل للحمار «حر»، و العلة التي من أجلها يكون عذاب القبر، علل الوضوء و الآذان و الصلاة. و در پایان، باب «نوادر العلل» آمده است.

شیخ ابراهیم کفعمی و شیخ شرف بحرانی، علل الشرائع را تلخیص،^۱ و شیخ محمد تقی اصفهانی، معروف به آقا نجفی (م ۱۳۳۱ ق) و سید هدایت الله مسترحمی، آن را به فارسی ترجمه کرده اند^۲ و هر دو ترجمه، چاپ شده است.

۴. عیون أخبار الرضا

مؤلف: شیخ صدوق

تصحیح و تعلیق و تقدیم: شیخ حسین اعلمی

ناشر: مؤسسه اعلمی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۴ م.

چندین نسخه خطی از این کتاب موجود است: نسخه ای با تاریخ تملک ۱۰۶۹ ق؛ و نسخه ای با تاریخ کتابت به سال ۱۰۸۵ ق؛^۳ نسخه ای با افتادگی صفحات آغازین و پایانی، متعلق به سده یازدهم یا دوازدهم؛^۴ نسخه مندرج در شرح عیون أخبار الرضا^۵ از سید نعمت الله جزائری، با تاریخ تألیف ۱۰۹۹ ق، و تحریر دیگر در ۱۱۰۴ ق، به خط مؤلف.^۶ کهن ترین نسخه این کتاب، متعلق به سال ۹۵۷ است.^۷

این کتاب بارها در نجف اشرف، ایران و بیروت، چه بی تحقیق و چه با تحقیق، چاپ شده است. نمونه: چاپی با تحقیق، در مؤسسه «آل البيت لإحياء التراث» در قم، و با تصحیح سید مهدی لاجوردی، در منشورات العالم، در تهران، چاپ اول، ۱۳۶۳ ق.

۱. الذریعة، ج ۴، ص ۴۲۴.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۳۱۳.

۳. تراث، ش ۵۱، ص ۳۶۹.

۴. فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله گلپایگانی، ج ۲، ص ۱۳۳.

۵. همان، ج ۳، ص ۸۷.

۶. عیون أخبار الرضا، ترجمه غفاری، ص ۱۰.

از کتاب عیون أخبار الرضا^{علیه السلام} با همین عنوان^۱ و نیز با عنوان عیون الأخبار^۲ یاد شده است. این کتاب از آثار متواتر و به غایت معروف شیخ صدوق است و از مصادر کتاب‌های حدیثی، تاریخی و کلامی بسیاری چون: وسائل الشیعة، بحار الأنوار، مستدرک الوسائل.

نسخه چاپی بررسی شده، شامل مقدمه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه مؤلف، به انگیزه تألیف و بیان موضوع کتاب و باب‌های آن پرداخته شده است. به موجب این مقدمه، کتاب عیون أخبار الرضا^{علیه السلام} به پاس دو قصیده از قصاید ابو القاسم اسماعیل بن عبّاد، معروف به صاحب بن عبّاد، نوشته شده و به کتاب‌خانه وی تقدیم شده است.^۳ او وزیر رکن الدولة دیلمی، حاکم ری بود و آن دو قصیده را در ابراز ارادات و محبت به امام علی بن موسی الرضا^{علیه السلام} سروده بود. در این مقدمه، دو قصیده صاحب بن عبّاد نیز نقل شده است، به علاوه چندین روایت در ارزش دینی ابراز ارادت به اهل بیت^{علیهم السلام} باز بان شعر و جز آن.^۴

موضوع کتاب، تاریخ زندگانی امام رضا^{علیه السلام} از جوانب مختلف است. شیخ صدوق، کتاب عیون را در ۶۹ باب با عناوین مشخص، سامان داده است. با یک نگاه کلی به عناوین کتاب، می‌توان مطالب آن را در دو بخش جای داد: یکی اخبار، احادیث و گزارش‌های منسوب به آن حضرت، و دیگری اخبار و گزارش‌هایی درباره آن حضرت. اخبار منسوب به امام رضا^{علیه السلام} به ۴۳۰ حدیث می‌رسد و ذیل چند عنوان آمده است: اخبار منثوره (اخباری که مصدر آنها خود امام رضا^{علیه السلام} است)، اخبار مجموعه (اخباری که آن حضرت، از پدرش یا از پیامبر^{صلی الله علیه و آله} نقل کرده است) و

۱. الفهرست، طوسی، ص ۲۳۷ در نسخه بدل؛ معالم العلماء، ص ۱۴۹؛ أمل الآمل، ج ۲۳، ص ۲۸۴.

۲. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۷.

۳. عیون أخبار الرضا^{علیه السلام}، ج ۱، ص ۱۲.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۵، ۱۲.

مکاتبات و مناظرات آن حضرت با پیروان مذاهب و فرق مختلف. این اخبار یا در زمینه مسائل مهم کلامی، همچون توحید و امامت است و یا بیانگر علل، حکمت‌ها و فواید برخی از احکام و اخبار و مفاهیم قرآنی و روایی، و یا در موضوعات گوناگون اخلاق و آداب و دعا و زیارات و فقه.

در بخش دوم نیز اخبار و گزارش‌های گوناگونی درباره مسائل و حوادث پیرامونی آن حضرت، دیده می‌شود، از جمله: مسئله امامت آن حضرت و نقد فرقه واقفه در باب پنجم، ورود امام رضا (ع) به نیشابور و رفتن از آن جا به توس و سپس مرو، چندی از پیشگویی‌ها و کرامات آن حضرت، ولایت عهدی و مسائل مربوط به آن، فضایل و مناقب آن حضرت، مناظرات امام با پیروان مذاهب و فرق مختلف، ماجرای شهادت آن حضرت، ولادت آن حضرت و وجه نام‌گذاری او به رضا، رابطه مأمون با آن امام، و ده‌ها مطلب دیگر که درباره زندگی امام هشتم مطرح شده است.

چینش و نظم معناداری، بر تمام مطالب کتاب حاکم نیست. آغازگر کتاب، عناوینی هستند چون: وجه نام‌گذاری امام هشتم به «رضا»، معرفی مادر او، داستان ولادت آن حضرت، نصوص گویای امامت او، معرفی فرقه واقفه و علت توقف آنان بر امام کاظم (ع). پس از آن، موضوعاتی آمده که به ترتیب چنین‌اند: اخبار، خطبه‌ها و مجالس مناظره امام رضا (ع) در باره توحید و امامت و...، احادیث منسوب به امام رضا (ع) در چند باب، آمدن آن حضرت به نیشابور، توس و مرو، مسئله ولایت عهدی، اسباب و نتایج و حوادث این دوران، اخلاق، آداب، معجزات و پیشگویی‌های آن حضرت، گفتگوهای امام رضا با افرادی چون ابو قره و یحیی بن ضحاک سمرقندی، برخی از کرامات آن حضرت، شهادت امام رضا و نحوه آن، ذکر بعضی از مرثیه‌ها در رثای آن حضرت، ثواب زیارت آن حضرت، سخنی از وی درباره ثواب زیارت قبر خواهرش فاطمه معصومه (ع)، کرامات ناشی از زیارت قبر آن حضرت و...

روایات کتاب، گاه با اسناد کامل و گاه ناقص، از طریق شیعه امامی و بیشتر با واسطه

علی بن بابویه، ابن ولید و... نقل شده است. گویا هدف اصلی شیخ صدوق، گردآوری روایات مربوط به امام هشتم، از کتب پیشینیان بوده است؛ چراکه بیش از آن‌که به اعتبار حدیث توجه داشته باشد، به نقل آن اهتمام داشته است. شاید به همین جهت است که وی گاهی پس از نقل چند خبر، همچون خبر تحریف قرآن، در اعتبار آنها خدشه کرده و به رد یا تأویل شان پرداخته است.

شیخ صدوق در ذیل برخی از روایات، توضیح مختصری هم داده است.^۱ از این رو، عیون الأخبار افزون بر ارزش حدیثی، کلامی، تاریخی، دعایی، زیارتی و فلسفه احکام و برخی اخبار و مفاهیم، در زمینه فقه الحدیث نیز ارزشمند است.

چندین شرح، حاشیه و ترجمه، برگرد عیون الأخبار فراهم شده است: یک حاشیه،^۲ پنج شرح بر کل کتاب یا بر خطبه توحید آن،^۳ و شش ترجمه به فارسی.^۴ شرح خطبه توحید، از محمد باقر مجلسی و با ترجمه علی اکبر غفاری، به نام تحفه رضویه، در سال ۱۲۸۸ ق،^۵ چاپ شده است.

۵. جامع الأحادیث

مؤلف: ابن رازی قمی

مصحح: سید محمد حسینی نیشابوری

ناشر: مجمع بررسی های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۲۳ ق.

در تصحیح این نسخه چاپی، از هشت نسخه خطی استفاده شده که کهن ترین و صحیح ترین شان، نسخه محمد باقر مجلسی است. این نسخه در سال ۹۲۴ ق، کتابت

۱. همان، ج ۱، ص ۳۷؛ ج ۲، ص ۱۱۴، ۱۲۵.

۲. الذریعة، ج ۵ ص ۱۵۱.

۳. همان، ج ۳، ص ۳۷۵؛ ج ۴، ص ۳۹۸؛ ج ۵، ص ۲۰۲.

۴. الذریعة، ج ۵ ص ۱۵۱.

۵. همان، ج ۷، ص ۲۰۲.

و تصحیح شده است.^۱ در متن کتاب، از این نسخه با عنوان «نسخه اصل» و گاه بار مرز «م» - که اشاره به حرف اول نام مجلسی است - یاد شده است.^۲ پیش از این نیز در سال ۱۳۶۹ ق، میرزا ابو الحسن شعرانی کتاب جامع الأحادیث را چاپ کرده است؛ ولی با استفاده از نسخه خطی میرزا محمد بن رجب علی عسکری تهرانی (م ۱۳۷۲ ق) که در سال ۱۳۲۹ ق، کتابت شده بود.^۳

در مصادر پیش از سده چهاردهم، این کتاب ذکر نشده است. در این سده، آقا بزرگ تهرانی^۴ و دیگر کتاب شناسان، از آن خبر دادند.^۵ پیدا شدن نسخه جامع الأحادیث، نشان داد که این کتاب در سده یازدهم موجود بوده و محمد باقر مجلسی نیز آن را در اختیار داشته است. با این حال، وی از آن با این نام، یاد نکرده، بلکه با نام «اصل دیگر»، در شمار مصادر بحار الأنوار آورده است؛^۶ گویا بدان علت که این کتاب، همراه با کتاب الإمامه و التبصرة ی علی بن بابویه، در یک مجلد ولی بدون مشخصات و صفحات آغازین و پایانی و حتی بدون نام کتاب، قرار داشته است.^۷

جامع الأحادیث، در موضوع فقه، آداب و دعاست. نسخه چاپی آن، با پنج کتاب و رساله دیگر مؤلف همراه است که عبارت اند از: العروس، الغایات، المسلسلات، الأعمال المانعة من الجنة، و نوادر الأثر فی «علی خیر البشر». این کتاب با مقدمه بلند مصحح، آغاز می شود و به ترتیب، با شش کتاب پیش گفته - که جامع الأحادیث، کتاب آغازین است

۱. جامع الأحادیث، مقدمه محقق، ص ۴۰-۴۲؛ الإمامه و التبصرة، ص ۹۴؛ مقدمه محقق، الذریعة، ج ۵، ص ۳۱-۳۲.

۲. جامع الأحادیث، ص ۴۲، مقدمه محقق.

۳. همان، ص ۱۰ و ۱۵.

۴. الذریعة، ج ۱۶، ص ۴.

۵. أعیان الشیعة، ج ۴، ص ۸۳؛ تأسیس الشیعة، ص ۴۱۴ و ۴۱۵.

۶. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۶.

۷. الإمامه و التبصرة، ص ۱۰۰-۱۰۱، مقدمه محقق.

و سپس مستدرکات، سامان می‌یابد. مؤلف، مقدمه‌ای کوتاه بر این کتاب نوشته و پس از آن، روایات را به ترتیب خاصی آورده است. وی در مقدمه کوتاه خود - که به انگیزه تألیف و شیوه آن اختصاص دارد -، گفته است که این کتاب را به درخواست فردی نوشته و براساس حروف معجم، سامان داده است.

در مقدمه محقق کتاب، در باره نام مؤلف، جایگاه علمی اش، دوره تاریخی زندگانی اش و نیز کتاب‌های او، به تفصیل بحث شده است. پایان بخش کتاب با عنوان «مستدرکات»، شامل اجزای پراکنده‌ای از دو کتاب نایاب مؤلف است با نام‌های: أدب الإمام والمأموم، والمنبی عن زهد النبی ﷺ. محقق کتاب، این اجزا را در آثار سده‌های هفتم تا دهم هجری یافته است، آثاری چون: فلاح السائل والدروع الواقیة، هر دو از ابن طاووس (م ۶۶۲ ق)، التحصین ابن فهد حلّی، و روض الجنان شهید ثانی (م ۸۶۴ ق).^۱

جامع الأحادیث در یکصد صفحه، شامل حدود هفتصد حدیث مسند از پیامبر خدا ﷺ است که همانند الجامع الصغیر سیوطی (م ۹۱۱ ق)، به ترتیب حروف الفبا سامان یافته است. مؤلف، تنها در ابتدای هر باب، سند را به گونه کامل ذکر می‌کند. گویا این که برخی از کتاب‌شناسان، شمار احادیث کتاب را حدود هزار حدیث ذکر کرده‌اند، ناشی از اشتباه است.^۲

این کتاب شباهت فراوانی به الجعفریات ابن اشعث کوفی دارد. وی این روایات را از طریق سهل بن احمد دیباجی، ابو مفضل شیبانی و هارون بن موسی تلعکبری، از محمد بن اشعث، از موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر ﷺ و گاه از طریق محمد بن خلف، از ابو حمران موسی بن ابراهیم مروزی، از امام کاظم ﷺ، از پدرانش، از پیامبر خدا ﷺ نقل می‌کند.

۱. الإمامة والبصرة، ص ۱۰۰-۱۰۱، مقدمه محقق.

۲. الذریعة، همان جا؛ أعيان الشيعة، همان جا؛ جامع الاحادیث، ص ۲۸.

۶. المَسَلَسَلَات

مؤلف: ابن رازی قمی

مؤلف المسلسلات، همان مؤلف جامع الأحادیث است و چون همراه آن چاپ شده است، نام مصحح و محقق، نسخه‌های خطی^۱ و چاپ‌های آن نیز در معرفی جامع الأحادیث گذشت. این کتاب با همین عنوان و گاه با عنوان الأخبار المسلسلة، در مصادر سده یازدهم به بعد آمده است.^۲ مؤلف در این کتاب، بیش از آن‌که به موضوع حدیث نظر داشته باشد، به گونه خاصی از سند توجه کرده است که «مسلسل» نامیده می‌شود. حدیث مسلسل، حدیثی است که زنجیره راویان آن، همه در یک حالت یا صفت یا گفتار و یا کردار، همسان باشند. نیز گاهی تسلسل، برخاسته از تشابه آنان در ویژگی دیگری است؛ مانند: نام یا کنیه، لقب، نام پدر، شهر و یا در عناوینی مثل خلافت، قرائت، فقهات و...^۳ برخی از این احادیث، مانند حدیث مسلسل به فواطم، مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است.^۴ در سند این حدیث آمده است:

حَدَّثَنَا... حَدَّثَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام، حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ وَزَيْنَبُ وَأُمُّ كَلْثُومُ بَنَاتُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام، قُلْنَ: حَدَّثَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عليه السلام، حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ، حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ بِنْتُ عَلِيٍّ بِنْتُ الْحُسَيْنِ عليه السلام، حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ وَ سَكِينَةُ ابْنَتَا حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام عَنْ أُمِّ كَلْثُومِ بِنْتُ فَاطِمَةَ بِنْتُ النَّبِيِّ عليه السلام عَنْ فَاطِمَةَ عليه السلام بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ...^۵

این کتاب شامل چهل حدیث، در ۳۸ صفحه است. مصحح کتاب، شش حدیث مسلسل را که در زنجیره سند آنها، امامان علیهم السلام قرار گرفته‌اند، در بخش پایانی کتاب با

۱. الذریعة، ج ۲۲، ص ۳۵۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۹؛ خاتمة مستدرک لوسائل، ج ۱، ص ۱۰۷؛ الذریعة، ج ۲۱، ص ۲۱.

۳. شرح البداية، ص ۳۸؛ أعيان الشيعة، ج ۴، ص ۸۳.

۴. أعيان الشيعة، ج ۴، ص ۸۳؛ فواید رضویه، ص ۵۹.

۵. جامع الأحادیث، ص ۲۷۳.

عنوان استدراک، از مصادر اهل سنت نیز آورده است. این کتاب از مصادر بحار الأنوار و مستدرک الوسائل است.

۷. الغایات

مؤلف: ابن رازی قمی

مشخصات الغایات، همان است که در معرفی جامع الأحادیث گذشت. این کتاب با همین عنوان^۱ و نیز با عنوان الأمور البالغة إلى الغاية^۲ ذکر شده است. الغایات به سان المسلسلات، به گونه خاصی از احادیث نظر دارد. بیشتر احادیثی که در این کتاب آورده شده، با وزن افعّل التفضیل، بر بهترین‌ها یا برترین‌ها و... در امور و افراد، دلالت دارند. این گونه روایات، غایت و نهایت چیزی یا کاری را بیان می‌کنند، مانند این احادیث:

خير العبادة قول «لا اله الا الله».

أشجع الناس من غلب هواه.

أفقر الناس الطمع.

شر الأشياء المرأة السوء.

أثبتكم على الصراط أشدكم حُبّاً لى ولأهل بيتى.

این کتاب در ۵۳ صفحه، شامل بیش از یکصد حدیث از معصومان است. الغایات از منابع بحار الأنوار و مستدرک الوسائل است.

۸. تحف العقول عن آل الرسول ﷺ

مؤلف: ابن شعبه حرّانی

تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفّاری

۱. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۹؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۰۷.

۲. الذريعة، ج ۴، ص ۲۵۴.

ناشر: انتشارات اسلامی (جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
در این تصحیح تحف العقول، افزون بر مصادر حدیثی متأخر، از دو نسخه خطی استفاده شده است: نسخه کتابخانه سید جلال الدین ارموی، معروف به محدث ارموی، و نسخه کتابخانه ملی، بدون تاریخ کتابت.

تحف العقول افزون بر این، بارها جداگانه و همراه با کتابی دیگر، در ایران و عراق چاپ شده است. از جمله: یک بار در سال ۱۲۹۷ ق، همراه باروژه الکافی،^۱ و بار دیگر جداگانه در نجف و در چاپخانه حیدریه، با مقدمه سید محمد صادق بحر العلوم، در سال ۱۳۸۰ ق.^۲ در مصادر نخستین، از کتاب تحف العقول یاد نشده است. کتاب شناسان سده یازدهم به بعد، از این کتاب نام برده اند و در میان آنان، انتساب آن به ابن شعبه حرانی، معروف است؛^۳ اگرچه محمد باقر مجلسی، مؤلف آن را ناشناخته دانسته است.^۴

تحف العقول با سمت و سوی وعظ و اندرز، و بایدها و نبایدهای اخلاقی، اجتماعی، حکومتی، اقتصادی و معنوی، با چشم انداز تهذیب نفس، تألیف شده است. گو این که مؤلف از این فراتر رفته و به مسائل کلامی نیز پرداخته است. این کتاب را پرفایده^۵ و استوار بر سامان و نظامی نیکو، دانسته اند.^۶ نسخه چاپی کتاب، شامل مقدمه محقق کتاب، مقدمه کوتاه علامه عبد الحسین امینی، مقدمه مؤلف و سپس اصل کتاب است. در مقدمه محقق، افزون بر شرح حال مؤلف و معرفی تألیف، به معرفی نسخه های

۱. تراث، ج ۳۲، ص ۱۶۷.

۲. همان، ج ۳، ص ۲۰۲.

۳. أمل الآمل، ج ۲، ص ۷۴؛ وسائل النبیة، ج ۲۰، ص ۴۱؛ ریاض العلماء، ج ۱، ص ۲۴۵؛ خانه مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۰۸؛ الذریعة، ج ۱، ص ۴۰۰.

۴. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۴.

۵. أمل الآمل، همان جا.

۶. بحار الأنوار، همان جا.

خطی و دیگر کارهایی که در بارهٔ این کتاب انجام گرفته نیز اشاره شده است. مقدمهٔ علامهٔ امینی، در وصف و اهمیت کتاب است.

این شعبه در مقدمهٔ کوتاه خود، انگیزهٔ تألیف و شیوه و ترتیب آن را باز گفته است. وی با اشاره به فراگیر بودن آموزه‌های معصومان علیهم‌السلام نسبت به دنیا و آخرت و این که بخش کمی از این آموزه‌ها - که نشان از حق و صواب و صدق دارند - در اختیار است، انگیزهٔ خود را از تألیف این کتاب، چنین ذکر کرده است که با وجود آموزه‌های اخلاقی و معنوی معصومان علیهم‌السلام، کتابی در این زمینه تألیف نشده است.^۱ مؤلف، این کتاب را به ترتیب پیامبر و ائمه علیهم‌السلام سامان داده و در پایان، چهار وصیت آورده است. او اسانید روایات را برای اختصار، حذف کرده و متذکر شده که بیشتر این روایات را از مشایخ سماع کرده است؛ گرچه اکثرشان در آداب و حکمت‌اند که محتوای آنها خود، شاهد درستی آنهاست.^۲ به علاوه، این روایات در سایر منابع معتبر شیعه نیز آمده است.^۳

اصل کتاب تحف العقول، شامل چهارده باب است: یک باب با نام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، نه باب با نام ائمه علیهم‌السلام، دو باب با دو روایت قدسی معروف در مواظ و حکم که به موسی علیه‌السلام و عیسی علیه‌السلام وحی شده، یک باب در مواظ مسیح علیه‌السلام که در انجیل آمده و باب پایانی کتاب، وصیت مفضل بن عمر به جماعت شیعه است.

خطبه‌های معصومان، نامه‌ها، کلمات قصار، مواظ، وصایا، حکمت‌ها، آداب و اخلاق، جواب نامه‌ها و...، دیگر عناوین باب‌های کتاب‌اند. در این کتاب، برخی از خطبه‌ها و نامه‌های امام علی علیه‌السلام نیز آمده است؛ چون: خطبهٔ معروف به وسیله و دیباج، عهدنامهٔ مالک اشتر، و نیز احتجاج امام صادق علیه‌السلام با سفیان ثوری و رسالهٔ امام هادی علیه‌السلام.

۱. تحف العقول، ص ۲-۳، مقدمهٔ محقق.

۲. همان، ص ۳.

۳. همان، ص ۳.

در جبر و تفویض. برخی از روایات کتاب، در سده‌های بعد، شرح شده‌اند که از آن جمله، می‌توان به شرح حدیث «معایش العباد» توسط شیخ محمد حسن کبه بغدادی (م ۱۳۳۳ ق) اشاره کرد.^۱

برخی از عناوین کتاب، عبارت‌اند از:

سه وصیت از پیامبر ﷺ به امام علی علیه السلام، پاسخ پیامبر به پرسش‌های فراوان شمعون بن لاوی راهب نصرانی، وصیت پیامبر به معاذ بن جبل هنگام عزیمت به یمن، خطبه پیامبر در حجة الوداع، خطبه امام علی علیه السلام در توحید. نامه ایشان به امام حسن علیه السلام، وصیت ایشان به امام حسین علیه السلام، چهارصد آداب در باره دین و دنیا برای اصحاب، اوصاف پرهیزگاران، خطبه آن حضرت در باره ایمان و کفر، کلام امام علی علیه السلام به کمیل بن زیاد، وصیت آن حضرت به کمیل بن زیاد، وصیت آن حضرت به محمد بن ابی بکر هنگام عزیمت او به مصر، ستایش زهد و نکوهش دنیا و ناپایداری آن، وصیت آن حضرت به امام حسن علیه السلام به هنگام وفات، رساله حقوق امام سجّاد علیه السلام، رساله ابو الحسن علی بن محمد [امام هادی علیه السلام] در ردّ جبر و تفویض و اثبات عدل و منزله بین المنزلتین، جواب‌های ایشان به مسائل یحیی بن اکثم، نامه امام هادی علیه السلام به اسحاق بن اسماعیل نیسابور، مناجات خدا با موسی بن عمران علیه السلام، مناجات خدا با عیسی ابن مریم علیه السلام، و مواعظ مسیح در انجیل.

۹. الاختصاص

مؤلف: شیخ مفید

تصحیح: علی اکبر غفّاری

ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ ق.

چندین نسخه خطی از الاختصاص وجود دارد. در تصحیح آن، بر دو نسخه اعتماد شده است: یکی نسخه سید محمود زرندی به خط محمد بن علی بن حرّ، که تاریخ

ندارد و در پایان آن، حکایتی از کتاب الأربعین شیخ بهایی آمده است. دیگری نسخه کتابخانه شیخ حسن مصطفوی با کتابت علی بن شیخ محمد علی، معروف به بشالی جبل عاملی، که در سال ۱۳۰۷ ق، استنساخ شده است.^۱ کتاب الاختصاص بارها به چاپ رسیده است؛ از جمله: در سال ۱۳۷۹ ق، در تهران، با تصحیح علی اکبر غفاری. الاختصاص در مصادر کتابشناسی اولیه، در شمار تألیفات شیخ مفید ذکر نشده است. سید هاشم بحرانی (م ۱۱۰۷ ق)، شیخ حرّ عاملی (م ۱۱۰۶ ق) و محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) از آن نام برده‌اند.^۲ انتساب این کتاب به شیخ مفید، معروف نیست؛ بلکه افزون بر شیخ مفید،^۳ از احمد بن حسین بن احمد بن عمران،^۴ جعفر بن حسین مؤمن قمی (م ۳۴۰ ق)،^۵ و فردی ناشناخته^۶ نیز به عنوان مؤلف الاختصاص، یاد شده است. این آشفتگی و تردید در باره مؤلف الاختصاص، برخاسته از اسانید و متن برخی از روایات کتاب و یا برخی از نسخ خطی آن است.

آقا بزرگ تهرانی، الاختصاص را همان العیون و المحاسن، کتاب دیگر شیخ مفید دانسته است. وی معتقد است که الاختصاص در اصل، تألیف احمد بن حسن عمران، مکتباً به ابو علی بوده و شیخ مفید آن را در العیون و المحاسن خود وارد کرده است. این کتاب از آن جا که در ابتدای آن، الإخصاص ابو علی آمده، با عنوان الاختصاص معروف شده است. قرینه بر این مطلب، چند چیز است:

۱. الاختصاص، ص ۷-۸، مقدمه مصحح.
۲. مدینه المعاجز، ج ۱، ص ۷۳؛ وسائل النبیة، ج ۲۰، ص ۴۴؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۷، ۲۸.
۳. وسائل النبیة، همان جا؛ بحار الأنوار، همان جا؛ مدینه المعاجز، همان جا؛ مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۷۸؛ الذریعة، ج ۱۵، ص ۳۸۶.
۴. أعيان النبیة، ج ۲، ص ۵۱۲؛ الذریعة، ج ۱، ص ۳۸۵-۳۶۰.
۵. كشف الحجب، ص ۳۰؛ مرآة الکبج، ج ۱، ص ۱۵؛ فهرست کتابخانه شهید مطهری، ج ۱، ص ۱۹۸.
۶. معجم رجال الحديث، ج ۱۰، ص ۳۳۹؛ مقالات فارسی کنگره شیخ مفید، ج ۵۵، ص ۱۹۵-۲۶۲؛ مجله نور علم، ج ۴۰، ص ۶۰-۸۰، ج ۴۲، ص ۱۵۰-۱۷۴.

قرینه یکم، نسخه‌های خطی: یکی نسخه‌ای در کتاب‌خانه آستان قدس با تاریخ کتابت ۱۰۵۵ ق، که کاتب آن متذکر شده که آن را از مجموعه‌ای کاتب کرده که همگی، مستخرج از کتب پیشینیان است. از جمله آن مجموعه، کتاب الاختصاص ابو علی است که شیخ مفید آن را استخراج کرده است. نسخه دیگر، در کتاب‌خانه مدرسه سپهسالار (شهید مطهری) است که احمد بن عبد الله بن احمد بن اسماعیل بحرانی نجفی، در سال ۱۱۱۸ ق، آن را کاتب کرده و در پایان متذکر شده که آن، مختصری از کتاب الاختصاص ابو علی است. نسخه‌های دیگر کتاب، در ۱۱۰۶ و ۱۰۸۵ ق، کتابت شده‌اند. نسخه اخیر در تملک شیخ حرّ عاملی بوده است.^۱

قرینه دوم، خطبه شیخ مفید: در آغاز الاختصاص، خطبه‌ای است که در آن، به عبارت «العیون و المحاسن» اشاره شده است:

هذا کتاب آلفته و صنفته و ألفت فی جمعه و إسباغه و أقحمته فنوناً من الأحادیث و عیوناً من الأخبار و محاسن من الآثار و الحکایات...^۲

قرینه سوم، این که: خطبه آغازین الاختصاص و فهرست مطالب پس از آن، همان خطبه العیون و المحاسن و مطالب آن است.^۳

در مقابل این دیدگاه، گفتنی است که الفصول المختارة من العیون و المحاسن - که گزیده سید مرتضی از کتاب العیون و المحاسن شیخ مفید است - بر خلاف نظر آقا بزرگ تهرانی، تفاوت‌هایی با الاختصاص دارد. این کتاب شامل مناظرات شیخ مفید با مخالفان و ردّ آرای آنها درباره امامت است و به لحاظ اسلوب و موضوع، با الاختصاص تفاوت دارد. محمد باقر مجلسی نیز این دو را دو کتاب مستقل دانسته است.^۴

۱. الذریعة، ج ۱، ص ۳۸۶ - ۳۸۹.

۲. الاختصاص، ص ۱.

۳. الذریعة، ج ۱۵، ص ۳۸۶ - ۳۸۷.

۴. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۷؛ تراثت، ش ۱۳، ص ۱۰۷ - ۱۰۸.

شیخ مفید در این کتاب، به رسم بسیاری از مؤلفان، کتاب را با نام خود آغاز کرده و گفته است:

قال محمد بن محمد بن النعمان: حَدَّثَنِي أَبُو غَالِبٍ وَجَعْفَرُ بْنُ قَوْلُوبِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ...^۱

او پس از خطبه، روایات کتاب الاختصاص ابو علی، روایات کتاب فضائل امیر المؤمنین علیه السلام ابن دأب، کتاب الجنة والنار سعید بن جناح و تراجم و شرح حال و فضایل و مدایح گروهی از رجال و مطالب پراکنده دیگر را آورده است.

تکرار اسم جعفر بن حسین مؤمن در آغاز بسیاری از اسانید کتاب، قرینه بر انتساب الاختصاص به وی دانسته شده است.^۲ ولی این قرینه، ناتمام است؛ چراکه در مصادر کتاب‌شناسی، الاختصاص در شمار تألیفات او ذکر نشده است. جعفر بن حسین مؤمن، مکنّا به ابو محمد، همان جعفر بن حسین بن علی به شهریار مؤمن قمی (م ۳۴۰ ق) که از قم به کوفه رفت و در آن جا در گذشت. برای وی، تنها دو کتاب المزار النوادر را ذکر کرده‌اند. گویا شیخ مفید، احادیث جعفر بن حسین مؤمن را از یکی از این دو کتاب، استخراج کرده است.

برخی با اشاره به ناسازگاری شماری از احادیث الاختصاص با آموزه‌های کلامی شیخ مفید در دیگر آثارش، در انتساب این کتاب به شیخ مفید، تردید کرده‌اند.^۳ به هر روی، نسخه چاپی الاختصاص، شامل مقدمه کوتاه محقق، مقدمه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، به نسخه‌های خطی قابل اعتماد، جایگاه علمی الاختصاص و برخی از روایات آن - که در شمار اخبار غریب، شناخته می‌شوند -، اشاره شده است. به موجب این مقدمه، شاید نام‌گذاری کتاب به «اختصاص»، به جهت

۱. همان، ص ۱.

۲. کشف الحجب و الأستار، همان جا.

۳. مقالات فارسی کنگره مفید، ج ۵۵ ص ۲۰۰ - ۲۶۰.

وجود روایاتی است که در آنها حقایق و دقایق و رقایق در شأن ائمه علیهم السلام آمده که تنها پیامبر مرسل یا فرشته مقرب یا بنده مؤمنی که خداوند قلب او را برای ایمان آزموده باشد، کنه آنها را می فهمد.^۱

مقدمه مؤلف، پس از ثنای خدا، در باره موضوع کتاب است. وی متذکر شده است که هدفش در این کتاب، گردآوری روایات و اخبار - که از آنها به «عیون و محاسن اخبار» یاد کرده - در زمینه های مختلف؛ بویژه رجال شناسی است. محمد باقر مجلسی با الهام از عبارت مؤلف، یادآور شده که روایات کتاب، در باره احوال اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام است، به علاوه آن که اخبار غریبی نیز در آن وجود دارد.^۲ این کتاب افزون بر ارزش حدیثی و کلامی و تاریخی، ارزش رجالی و کتاب شناسی نیز دارد. محقق کتاب، دو استدراک هم در پایان آن آورده است.

در مطالب الاختصاص، نظم و سامان مشخص و معناداری به چشم نمی خورد. از جمله آن مطالب است: فضیلت علم، سپاهیان جان برکف امیر مؤمنان علیه السلام، حالات برخی از اصحاب ائمه علیهم السلام، حدیث مباهله، وصایای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام، کتاب ابن داب در فضایل امیر مؤمنان، فضایل اهل بیت از کتاب بصائر الدرجات محمد بن حسن صفار، کتاب صفة الجنة والنار به نقل از احمد بن محمد بن عیسی از سعید بن جناح، یاران دیرین امیر مؤمنان مانند: سلمان، عمار، ابوذر و مقداد، حدیث غار، پرسش های فرد یهودی از پیامبر، پرسش های عبد الله بن سلام، ویژگی قلم و لوح محفوظ، حدیث داوود قمی با فرد خارجی، حدیث ابو الحسن موسی بن جعفر علیه السلام و هارون الرشید و فضل بن ربیع، احادیث موسی بن جعفر علیه السلام با: یونس بن عبد الرحمان، خزیمه بن ثابت، اصبع بن نباته، عیسی بن اعیّن، عبد الله بن عباس بن عبد المطلب، رشید هجری، زید بن صوحان، سفیان بن علیلی همدانی، ابراهیم بن

۱. الاختصاص، ص ۵-۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۷.

شعیب، سعد بن عبد الملک اموی، ابو احمد محمد بن ابی عُمَیر، مرزبان بن عمران قمی اشعری، صفوان بن یحیی، علی بن عبید الله بن علی بن حسین علیه السلام، هشام بن حکم و دلائل او بر برتری امام علی علیه السلام، از دواج امام جواد علیه السلام با دختر مأمون، گفتگوی امیر مؤمنان علیه السلام با ابلیس، باب قیاس، جزء فیه اخبار من روایات اصحابنا و غیرها، نامه محمد بن ابی بکر به معاویه، و صایای پیامبر صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام، زبان بعضی از حیوانات، نامه معاویه به امام علی علیه السلام و جواب آن حضرت، هشت گروه که نمازشان پذیرفته نمی شود، رنج نامه امیر مؤمنان علیه السلام، حدیث فدک، مناظره ابو حنیفه با امام صادق علیه السلام، عبد الله بن ابی یعفور، محمد بن مسلم، ابو جعفر احول محمد بن نعمان مؤمن طاق، جابر بن یزید جعفری صاحب تفسیر، حماد بن عیسی جُهنی بصری، حریر بن عبد الله و ابن مسکان، اثبات امامت امامان دوازدهگانه، حدیث مفضّل و آفرینش ارواح ائمه علیهم السلام، دعا و اوقات آن، دیدار با مؤمن برای خدا، و صایای لقمان حکیم به فرزندش و...

روایات کتاب الاختصاص، با اسناد کامل و گاه مرسل، از ۲۱ نفر از مشایخ مؤلف نقل شده اند، از جمله: جعفر بن حسین مؤمن قمی - که حدود ۳۵ روایت از وی نقل شده -، جعفر بن قولویه قمی، ابو غالب زراری، شیخ صدوق و ابن ولید. این کتاب، از مصادر کتاب‌های حدیثی، کلامی و رجالی است.^۱

۱۰. أمالی المفید

مؤلف: شیخ مفید

تحقیق: حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری

ناشر: دار المفید للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

۱. حلیۃ الأبرار، ج ۱، ص ۱۶۰؛ ج ۲، ص ۴۳۳؛ مدینة المعاجز، ج ۱، ص ۷۳، ۹۱، ۱۲۱، ۳۲۶؛ تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۱۲۷؛ وسائل النجعة، ج ۳، ص ۴۲۵؛ ج ۱۸، ص ۷۴، ۶۵.

در تحقیق کتاب الأمالی، از چهار نسخه خطی و یک نسخه چاپی استفاده شده است: نسخه خطی تصحیح شده اما ناقص، که به خط علی بن حسن بن احمد بن ابراهیم بن مظاهر در سال ۷۵۵ق، کتابت شده؛ نسخه‌ای به تاریخ ۱۲۹۵ق؛ نسخه وقی میرزا ابو طالب قمی بدون تاریخ و نام کاتب؛ نسخه کتابخانه سید جلال الدین ارموی؛ و نسخه چاپی در نجف اشرف با تحقیق شیخ حسن مصطفوی.^۱ الأمالی مفید، بارها در ایران و خارج از ایران چاپ شده است؛ از جمله، در تهران و در سال ۱۳۰۰ق. از این کتاب، گاه با عنوان الأمالی المتفرقات،^۲ المجالس^۳ و گاه با هر دو عنوان،^۴ یاد شده است. شاید قید «متفرقات» که در کلام نجاشی آمده، ناظر به پراکندگی زمان املا، پراکندگی موضوع روایات یا پراکندگی مشایخ در کتاب باشد. احتمال گزینه پراکندگی مشایخ، از آن رو محتمل است که شیخ طوسی در کتاب الأمالی خود، روایات هر یک از مشایخ را در یک جا و به دنبال هم، ذکر کرده است. انتساب الأمالی به شیخ مفید، معروف است و او نیز خود، در برخی آثارش، به آن ارجاع داده است.^۵ با این حال، شیخ طوسی و ابن شهر آشوب، از آن نام نبرده‌اند.

نسخه چاپی الأمالی مفید، شامل مقدمه محقق و اصل کتاب است. الأمالی در ۴۲ مجلس و با ۳۸۷ حدیث از پیامبر خدا ﷺ و عترت او، سامان یافته است. مطالب این کتاب، روایاتی است که شیخ مفید در مجالس مختلفی در هفت سال (۴۰۴-۴۱۱ق)، بر گروهی از شاگردان خود املا کرده است. راوی کتاب، علی بن محمد بن عبد الرحمان فارسی،^۶ در ابتدای هر مجلس، روز، ماه، سال و گاه مکان برگزاری آن را ذکر کرده است. بررسی تاریخ‌های یاد شده، روشن می‌کند که: این مجالس در

۱. الأمالی، مفید، ص ۲۸-۲۹.

۲. رجال النجاشی، ص ۴۰۳.

۳. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۷.

۴. الذریعة، ج ۲، ص ۳۱۵؛ ج ۱۹، ص ۳۶۷.

۵. تصحیح الاعتقاد، ص ۱۴۶.

۶. الأمالی، ص ۱.

ماه‌های رمضان و رجب و شعبان، و معمولاً در روز شنبه و گاه دوشنبه یا چهارشنبه، برپا می‌شده‌اند. همچنین، در سال‌های ۴۰۵ تا ۴۰۶، مجلسی تشکیل نشده، و در سال ۴۰۷ ق، بیش از دیگر سال‌ها، مجلس برپا شده است. در سال ۴۰۸ نیز، تنها دو مجلس برپا گردیده است. در میان مجالس کتاب، مجلس بیست و سوم بدون تاریخ است و تاریخ مجلس چهل و یکم، پیش از مجلس چهلم ذکر شده است. این، شاید در اثر پس و پیش شدن اوراق، رخ داده باشد.

در کتاب الأمالی، ۳۸۷ روایت با اسناد کامل نقل شده است. پس میانگین تعداد روایات هر مجلس، حداکثر شانزده حدیث است. مجلس بیست و سوم که بدون تاریخ است، ۴۷ حدیث دارد^۱ که همگی با یک سند، از احمد بن ولید از علی بن مهزیار، نقل شده‌اند. از میان روایات این مجلس، رساله حقوق از امام سجاد (ع) نیز به چشم می‌خورد که در ۲۳ صفحه، جای گرفته است. این تعداد روایات؛ بویژه رساله امام سجاد (ع) که قدری طولانی است، این احتمال را تقویت می‌کند که شیخ مفید، این روایات را به شیوه املانقل کرده است. به قرینه آن که مجالس پیش از مجلس بیست و چهارم، در رمضان سال ۴۰۸ برپا نشده، گویا شیخ مفید قسمتی از کتاب علی بن مهزیار را در اختیار راوی خود قرار داده تا آن را به جای مجلس برپا نشده، قرار دهد. شیخ مفید اکثر روایات الأمالی را یا از طریق عامه نقل کرده است یا از طرقی که مشتمل بر راویان اهل سنت اند.^۲

زمینه روایات کتاب، کلامی، اخلاقی، تاریخی و غیره است. این پراکندگی، در برخی از مجالس کتاب نیز دیده می‌شود. با یک نظر کلی ولی دقیق، معلوم می‌شود که مباحث کلامی؛ بویژه مسأله امامت و قضایای پیرامونی و مرتبط با آن - همچون تخلّفات خلفا از دستورهای پیامبر (ص) و خروج آنها از سنت^۳ و مسائل اخلاقی،^۴

۱. الأمالی، ص ۱۷۹.

۲. الأمالی، ص ۲۶، مقدّمه محقق کتاب.

۳. الأمالی، ص ۱۱۲، ۵۶، ۷۶.

زمینه اکثر روایات این کتاب را تشکیل می دهد.

در سال ۷۵۵ ق، علی بن حسن بن احمد بن مظاہر حلّی، شاگرد فخر المحققین فرزند علامه حلّی، این کتاب را تلخیص کرده نسخه خطی آن موجود است. دیگری نیز در سال ۱۰۷۴ ق، چنین کرد. الأمالی از مصادر فلاح السائل،^۵ محاسبه النفس،^۶ إقبال الأعمال،^۷ مدینه المعاجر توبلی، بحار الأنوار، وسائل الشیعة و مستدرک الوسائل است.

۱۱. أمالی الطوسی

مؤلف: شیخ طوسی

تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة، مؤسسة البعثة

ناشر: دار الثقافة، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.

در تحقیق کتاب، از یک نسخه خطی و دو نسخه چاپی استفاده شده است: نسخه خطی، با تاریخ تحریر ۵۸۰ ق، به خط سدید بن محمد بن عبد الله بن محمد بن هلال کاتب است؛ شامل هیجده مجلس آغازین کتاب، و با مشایخ مؤلف آغاز می شود. نسخه چاپ شده در ایران و در سال ۱۳۱۳ ق، کامل است و همه مجالس را شامل می شود. نسخه چاپی نجف اشرف، به سال ۱۳۸۱ ق، در چاپخانه نعمان چاپ شده است.^۸

از این کتاب با عنوان المجالس فی الأخبار،^۹ المجالس و الأخبار^{۱۰} و «المجالس، مشهور به الأمالی»^{۱۱} یاد شده است. در سده یازدهم، عده ای از کتاب شناسان، کتابی را با عنوان

۴. همان، مجلس ۲۳.

۵. فلاح السائل، ص ۱۶۷، ۲۱۵.

۶. محاسبه النفس، ص ۱۴-۱۵.

۷. الإجمال، ج ۱، ص ۲۳.

۸. الأمالی، ص ۲۶؛ رک: الذریعة، ج ۲، ص ۳۰۹؛ فهرس التراث، ج ۱، ص ۵۲۷.

۹. الفهرست، طوسی، ص ۲۴۱؛ معالم العلماء، ص ۱۵۰.

۱۰. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۸؛ الفوائد الرجالیة، ج ۳، ص ۲۳۳.

۱۱. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۷.

الأمالی - که گاه المجالس نیز نامیده می‌شود - به فرزند شیخ طوسی، حسن بن محمد بن حسن طوسی نسبت داده‌اند.^۱ برخی به تعدد الأمالی و المجالس، برای پدر و فرزند قائل شده‌اند.^۲ محمد باقر مجلسی متذکر شده که در سده یازدهم و دوازدهم، امالی ابو علی، معروف تر از امالی شیخ طوسی بوده؛ اگرچه اکثر مردم آن را همان امالی شیخ می‌پندارند.^۳ عده‌ای نیز همچون نویسندگان اعیان الشیعة والذریعة، بر یگانگی آن دو تأکید کرده‌اند و این قول را به سید بن طاووس نسبت داده‌اند. آنان متذکر شده‌اند که امالی منسوب به ابو علی، جزئی از امالی شیخ طوسی است.^۴

نسخه چاپی امالی طوسی، شامل مقدمه محقق و اصل کتاب است. اصل کتاب، در ۴۶ مجلس سامان یافته است. اسانید هیجده مجلس نخست کتاب، با مشایخ شیخ طوسی آغاز می‌شود؛ در حالی که اسانید ۲۸ مجلس دیگر، با خود شیخ طوسی شروع می‌شود. میانگین تعداد روایات در هیجده مجلس اول کتاب، بیش از میانگین تعداد روایات در ۲۸ مجلس دیگر است. همچنین، مجالس هیجده گانه نخست، با تاریخ سال، ماه و روز شروع نشده‌اند؛ ولی ۲۸ مجلس پایانی، تاریخ دارند. به استناد تاریخ‌های یاد شده، این مجالس در سال ۴۵۷ - ۴۵۸ ق، و در روزهای جمعه ماه‌های محرم تا صفر برپا شده‌اند. نسخه‌های خطی و مطبوع کتاب در سال ۱۳۱۳ ق، در تعداد مجالس کتاب، کم و بیش اختلاف دارند، چنان‌که نسبت به عناوین و برخی از مشخصات و حتی ترتیب مجالس هیجده گانه و بیست و هفت گانه نیز اختلاف است. در نسخه خطی کتاب، متعلق به سال ۵۸۰ ق، هیجده مجلس نخست، با عنوان «اجزاء هیجده گانه» ذکر شده و اسانید و روایاتشان، با مشایخ شیخ طوسی شروع می‌شود و فاقد تاریخ سال، ماه و روز است. در قسمت دوم، ۲۶ مجلس با عنوان «مجلس» و با تاریخ سال، ماه و روز ذکر شده و اسانید روایات آنها با نام شیخ طوسی آغاز می‌شود

۱. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۷؛ وسائل الشیعة، همان جا؛ مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۷۹، ۷۳.

۲. بحار الأنوار، همان جا؛ وسائل الشیعة، همان جا.

۳. بحار الأنوار، همان جا.

۴. الأمالی، طوسی، ص ۲۲، مقدمه محقق؛ الذریعة، ج ۲، ص ۳۰۹، ۳۱۳.

و راوی آن، ابو علی طوسی فرزند شیخ است. در نسخه مطبوع در ۱۳۱۳ ق، ترتیب نسخه خطی مراعات شده؛ ولی بر خلاف آن، هیجده جزء نخست کتاب، با نام شیخ طوسی آغاز می‌شود و ابو علی از وی روایت می‌کند و در ابتدای اجزای سال و ماه املا ذکر شده است. به موجب تاریخ‌های یاد شده، این مجالس در سال‌های ۴۵۵-۴۵۷ ق، برپا شده^۱ و شمارشان ۲۷ مجلس ذکر شده است. این تعداد با هیجده جزء نخست آن، ۴۵ مجلس می‌شود؛ در حالی که براساس نسخه خطی، شمار مجالس، ۴۶ مورد است. آقا بزرگ تهرانی براساس نسخه‌ای قدیمی اما نا تمام، متعلق به نیمه اول سده یازدهم، متذکر شده که نسخه موجود کتاب، کمتر از دو سوم اصل کتاب است.^۲

شیخ طوسی در این کتاب، روایات منقول از مشایخ خود را با اسناد کامل، به صورت متمرکز و پشت سر هم، ذکر می‌کند. شیخ مفید، ابن شاذان، حسین بن غضائری، ابن عبدون، ابن صلت، هلال حفار، ابن عقده، ابو غالب زراری، ابو منصور سکری، حسن بن محمد فحام، ابن ابی فوارس، حسین بن ابراهیم قزوینی، ابن خثیش، ابی طیب طبری، ابن بشران، ابن مخلد، ابن مهدی و...، از مشایخ حدیث او هستند.

از امالی شیخ مفید، مجالس ۲۶ تا ۳۲ در جزء اول و اوایل جزء دوم، و مجالس ۳۴ تا پایان آن، در اواخر جزء دوم تا اوایل جزء پنجم، نقل شده است. روایات بسیاری با یک سند از ابن عقده، در جزء ۱۶ تا ۱۸، از ابو قتاده در جزء ۱۰ و ۱۱، از ابراهیم بن اسحاق در جزء ۱۴، و از ابو مفضل شیبانی در جزء ۱۶ تا ۱۸ نقل شده است. به نظر می‌رسد که شیخ طوسی، این روایات را از روی کتاب این افراد املا می‌کرده است. همچنین، برخی از مجالس امالی شیخ صدوق، از طریق حسین بن عبید الله غضائری روایت شده است.^۳

۱. الذریعة، ج ۲، ص ۳۰۹؛ الامالی، همان، ص ۲۲-۲۳.

۲. الذریعة، ج ۲، ص ۳۱۳.

۳. الامالی، ج ۱۵.

مطالب کتاب پراکنده است و از این نظر، باامالی شیخ صدوق، شباهت دارد. از میان مطالب کتاب، می‌توان به این موارد اشاره کرد: امامت و اخلاق، مسائل فقهی، سیره نبوی، ادعیه مأثوره، گزارش‌های تاریخی دربارهٔ حرکت‌های سیاسی و... گزارش‌های تاریخی در این کتاب، از مجال و گسترهٔ وسیعی برخوردارند و برخی از حوادث، به تفصیل نقل شده است؛ مانند: هجرت مسلمانان به حبشه، جنگ خیبر و وقایع مربوط به آن، جنگ موته، مسئلهٔ خلافت پس از پیامبر ﷺ، مقتل امام حسین ﷺ، قیام مختار، و گزارش وفات پیامبر ﷺ به نقل از ابو بکر.

۱۲. کنز الفوائد

مؤلف: ابو الفتح کراجکی

تحقیق: شیخ عبد الله نعمت

ناشر: دار الأضواء، بیروت، چاپ اول (در دو مجلد)، ۱۴۰۵ ق.

در تحقیق کتاب، از چند نسخهٔ خطی استفاده شده که کهن‌ترین آنها متعلق به سال ۶۷۷ ق، است.^۱ این کتاب برای بار نخست، در سال ۱۳۲۲ ق، در ایران چاپ شد. انتساب کنز الفوائد به کراجکی، مشهور است.^۲ موضوع کتاب، مسائل پراکنده‌ای در زمینهٔ تفسیر، فقه، کلام، اخلاق و تاریخ است که در رساله‌های کوتاه و بلند، بدانها پرداخته است. نسخهٔ چاپی کتاب، در مقدمهٔ بلند محقق کتاب و ده رساله، سامان یافته است. تعداد رساله‌ها و نیز عناوین برخی از آنها، در نسخه‌های چاپی و فهرست تألیفات کراجکی، یکسان نیست. در فهرست تألیفات کراجکی، سیزده رساله، ولی در چاپ شیخ عبد الله نعمت، ده رساله و در چاپ مصطفوی، پنج رساله ذکر شده است. این رساله‌ها یا اجزاء عبارت‌اند از:

۱. الذخر للمعاد فی صحیح الاعتقاد، ۲. الإعلام بحقیقة اسلام امیر المؤمنین ﷺ، ۳. رساله فی

۱. الذریعة، ج ۱۸، ص ۱۶۱.

۲. خانمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۳۰؛ الذریعة، ج ۱۸، ص ۱۶۱.

و جوب الإمامة، ۴. التذكرة بأصول الفقه، ۵. البرهان على طول عمر صاحب الزمان عليه السلام، ۶. رسالة في مسح الرجلين، ۷. التنبيه على حقيقة البلاغة، ۸. الإيضاح بين طريقى الزيدية والإمامية، ۹. الكثر والفر، ۱۰. الكلام فى الخلا والملا، ۱۱. الرد على الغلاة، ۱۲. الرد على المنجمين، ۱۳. تفضيل الأنبياء عليهم السلام على الملائكة.^۱

برخی از این رساله ها، جدا گانه نیز به چاپ رسیده اند: ۱. رسالة التعجب، ۲. رسالة فى مسح الرجلين فى الوضوء، ۳. الإعلام بحقيقة إسلام أمير المؤمنين عليه السلام، ۴. البرهان على طول عمر صاحب الزمان عليه السلام.

تنوع و پراکندگی، محدود به موضوع رساله ها نیست، که در درون آنها نیز این تنوع دیده می شود. در رساله مقدمات فن کلام، این مطالب آمده است: جسم، جوهر، عرض، باقی، فانی، اجتماع، افتراق، حرکت، سکون، حی، قادر، عالم، مرید، غضب، رضا، تکلم، صدق، کذب، حق، خیر، کلمات امیر مؤمنان عليه السلام درباره علم و جایگاه عالم، حلم و حسن خلق، و مطالبی از تورات درباره کشتی نوح.

در رساله وجوب امامت نیز پس از بیان اهمیت وجود ائمه عليهم السلام و علل نیاز به آنها و نقل احادیثی از فریقین درباره ضرورت امام شناسی در هر زمان، به این مسائل و موضوعات پرداخته شده است: مسئله امامت، مسائل اخلاقی، مسائل فقهی، شعر، سخن مسیح درباره دنیا، کلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و علی عليه السلام درباره دنیا، تثبیت امامت صاحب الزمان عليه السلام و امامت پدران آن حضرت، وجوب امامت و عصمت امام، کلام امیر مؤمنان، حکمت های او، مواعظ، کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله، قصه و بیان خاطره، تفسیر قرآن، قضا و قدر، گفتگوی ابو حنیفه با امام کاظم عليه السلام، کلام امام صادق عليه السلام باز راره، کلام امیر مؤمنان و آداب و حکمت های او، غیبت و سبب آن، مسائل فقهی، کلامی از امیر مؤمنان درباره زنان، کلام سقراط درباره زنان، مریض و عیادت او، قبور و دفائن،

مسئله فقهی مشکل، حدیث و حدت صانع، کلام پیامبر خدا در خصلت‌ها از یک تاده، فضائل امیر مؤمنان علیه السلام و نصوصی درباره او از پیامبر صلی الله علیه و آله و آداب او در فضیلت سکوت و....

عناوین اصلی و فرعی کتاب و تربیت آنها، گویای سامانی معنادار و منطقی نیست. گویی کراچکی به مناسبت و از باب «الکلام یجر الکلام»، به این مباحث پرداخته است. تبیین مسائل در این کتاب، بر دوروش عقلی و نقلی استوار است. کاربرد دوروش عقلی، در اثبات توحید، قضا و قدر، عصمت امام، ضرورت وجود امام، شرح و تأویل آیه و یا تحلیل و تجزیه و نقد حدیث^۱ است. با این حال، تکیه گاه اصلی، روایات معصومان علیهم السلام و نقل است. مباحث اخلاقی، فقهی، فضائل، امامت ائمه علیهم السلام و حتی برخی از مسائل کلامی، با این روش پردازش شده‌اند. مؤلف در این زمینه، به روایات پیامبر خدا و ائمه علیهم السلام، آیات تورات و انجیل درباره پیامبر اسلام، گزارش‌های تاریخی و شواهد ادبی، قصه‌ها و حکایات پیشینیان، سخنان حکمای یونان و چند رؤیا استناد کرده است. بیشتر این گزارش‌ها، احادیثی از معصومان علیهم السلام در زمینه اخلاق و آداب، فضائل و نصوص، کلام، فقه و تفسیر است. کراچکی، احادیث اخلاقی را مرسل^۲ و گاه مسند، و احادیث فضائل و نصوص را مسند و گاه مرسل می‌آورد.^۳ در زمینه اخلاق، کلمات امام علی علیه السلام و گاه پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر معصومان، منبع اصلی کراچکی است. وی احادیث فضائل و نصوص را بیشتر از طریق اهل سنت روایت کرده است. این کتاب افزون بر ارزش کلامی، حدیثی، اخلاقی و تاریخی‌اش، در فقه الحدیث نیز اهمیت دارد. کراچکی در موارد بسیاری پس از نقل حدیث، با مطالبی تحت عنوان «شرح و توضیح» و گاه «تأویل»، معنای لغات و عبارات را روشن کرده و نیز در

۱. همان، ج ۱، ص ۵۶، ۵۷، ۱۲۳، ۱۴۴، ۱۵۵.

۲. همان، ج ۱، ص ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۸۶، ۹۳، ۹۸، ۹۹.

۳. همان، ج ۱، ص ۸۷، ۹۱، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۸۲، ۱۹۲.

مواردی اندک، به نقد محتوایی حدیث پرداخته است.^۱ کتاب کثر الفوائد، از مصادر وسائل الشیعة، بحار الأنوار و مستدرک الوسائل است.^۲

۱۳. روضة الواعظین و بصيرة المتعظین

مؤلف: فتال نیشابوری

تحقیق و تقدیم: سید محمد مهدی خراسان

ناشر: منشورات رضی، قم، چاپ دوم، بدون تاریخ (دو جزء در یک مجلد).

گویا چاپ اول آن، در سال ۱۳۰۳ ق، انجام گرفته است.^۳

از روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، گاه با همین عنوان^۴ و گاه با عنوان روضة الواعظین و بصيرة المتعظین^۵ یاد شده است. انتساب این کتاب به فتال نیشابوری، معروف است؛ اگرچه آن را به شیخ مفید نیز نسبت داده‌اند.^۶ روضة الواعظین در زمینه اخلاق و آداب، تاریخ، کلام و فضایل است. نسخه چاپی این کتاب، در یک مجلد و دو جزء، سامان یافته و شامل مقدمه محقق در شرح حال مؤلف و کتاب او، و سپس مقدمه کوتاه مؤلف است.

محقق کتاب در مقدمه، به اختلاف گزارش‌ها درباره مؤلف آن، جایگاه مؤلف و در پایان، جایگاه کتاب و انتساب آن به فتال نیشابوری پرداخته است. مقدمه مؤلف نیز شامل مطالبی است درباره: انگیزه تألیف، موضوع کتاب، شکل و شیوه پردازش، و تذکری درباره مفاد و مدلول برخی از روایات کتاب که در ظاهر، با عقاید مسلم شیعیان امامیه، هماهنگ نیستند. این کتاب، نخست در موضوع اصول دین و مسائل

۱. همان، ج ۱، ص ۱۵۶ - ۱۶۰.

۲. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۴۵؛ ج ۱۱، ص ۲۶۲؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۵، ۸۸، ۹۵.

۳. الذریعة، ج ۱۱، ص ۳۰۵.

۴. روضة الواعظین، ص ۲؛ معالم العلماء، ص ۱۵۱؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۲۶۰.

۵. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۷.

۶. روضة الواعظین، ص ۱۵ - ۱۶، مقدمه محقق.

پایه‌ای آن فراهم شد. پس از آن، به اقتضای کار وعظ و خطابه - که مؤلف از جوانی به آن اشتغال داشت -، دامنه موضوع به اخلاق و آداب و فضایل نیز گسترش یافته است.^۱

این کتاب بر اساس ابواب و مجالس، مرتب شده است. مؤلف در آغاز ابواب و مجالس، به ذکر آیات مناسب موضوع باب می‌پردازد و سپس احادیث پیامبر خدا و ائمه علیهم‌السلام را ذکر می‌کند. احادیث کتاب، مرسل‌اند و به گفته مؤلف، بدان جهت که احادیث یاد شده، معروف و شایع‌اند، سندشان حذف شده است.^۲ ابن فثال نیشابوری، آن تذکر آغازین را در پایان کتاب نیز داده است. وی خوانندگان را از داوری عجولانه درباره اخباری که ظاهرشان هماهنگ با مذهب حشو و اختلاط است، بر حذر داشته و به تأمل و تفکر در آنها و رجوع به آگاهان و تأویل‌دانان فرا خوانده است. او در مقدمه، تأکید کرده است که در این کتاب، اخبار و آثار موافق با مذهب حشورانی آورده، مگر آن که به تأویلش آگاه باشد. با این حال، وی به بهانه پرهیز از پر حجم شدن کتاب، از تأویلی درست آنها سر باز زده است. او تأکید کرده که اهل حشو و اختلاط نیست و اهل تحقیق است.^۳ محقق نسخه چاپی، متذکر شده است که مراد ابن فثال از «اهل تحقیق»، کسانی است که اعتقاد به حق دارند؛ یعنی امامیه.^۴

ابن فثال این کتاب را در دو جزء سامان داده است: جزء اول، شامل سی مجلس است که در میان آنها ابواب و فصولی بدین ترتیب قرار گرفته است: ماهیت عقول، علوم، نظر و وجوب شناخت خداوند متعال و فساد تقلید در آن، صفات باری، خلق افعال، قضا و قدر، عدل، توحید، نبوت، بعثت، معجزات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و تاریخ آن، امامت و مسائل مربوط به آن، تاریخ زندگانی ائمه علیهم‌السلام از امیر مؤمنان تا امام حسن عسکری و

۱. روضة الواعظین، ص ۱.

۲. روضة الواعظین، ص ۲.

۳. همان، ص ۲-۳.

۴. همان، ص ۱۶، مقدمه محقق.

نیز تاریخ حضرت زهرا علیها السلام.

جزء دوم، شامل بیش از هفتاد مجلس است در موضوعاتی مانند: تاریخ حضرت حجت علیه السلام و امامت او، مناقب آل محمد علیهم السلام و فضائل بعضی از بزرگان، ذکر بعضی از احکام، زمان ها و مکان ها، قبور، قیامت، صراط، میزان، جنت و نار و... کتاب روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، از مصادر کتاب های بسیاری است، مانند: مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق)، مشکاة الأنوار علی طبرسی (م، سده هفتم)، الصراط المستقیم علی بن یونس (م ۸۷۷ ق)، حلیة الأبرار، و نیز مدینه المعاجز سید هاشم بحرانی، بحار الأنوار، وسائل الشیعة و مستدرک الوسائل.

فصل پنجم

متون حدیثی تک زمینه‌ای

الف - فضایل ایام و ماه‌ها

۱. فضائل الأشهر الثلاثة (شهر رجب، شهر شعبان، شهر رمضان)

مؤلف: شیخ صدوق

تحقیق: میرزا غلام رضا عرفانیان

ناشر: دار المحجة البيضاء، دار الرسول الأکرم ﷺ، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۲ ق.

محقق کتاب، از چهار نسخه خطی استفاده کرده است: نسخه شیخ شیر محمد همدانی که بارها توسط همدانی، با چندین نسخه تصحیح شده و قابل اعتماد، مقابله شده است. نسخه کتاب خانه آیه الله شیخ محمد حسین آل کاشف الغطا، نسخه کتاب خانه امیر المؤمنین علیه السلام در نجف با شماره ۵ / ۸۷۲ و نسخه کتاب خانه آیه الله سید محسن طباطبائی حکیم. کهن ترین نسخه، در سال ۵۸۹ ق، کتابت شده است.^۱ نسخه همدانی، اصل و اساس تحقیق قرار گرفته و با دیگر نسخه‌ها به گونه اجمالی، مقابله شده است. نیز مقابله با جوامع اولیه و اصلی حدیث - مانند: بحار الأنوار، وسائل الشیعه، مستدرک الوسائل، مصباح المتجهّد، إقبال الأعمال، الأمالی والمجالس صدوق و ثواب الأعمال او - از نظر محقق دور نمانده است.

۱. الذریعة، ج ۱، ص ۸۷؛ فهرس التراث، ج ۱، ص ۴۲۳؛ فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۵، مقدّمه محقق.

عنوان «فضائل الأشهر الثلاثة» برای این کتاب، نامی مستحدث است که محمد باقر مجلسی^۱ و میرزا حسین نوری، آن را به کار برده‌اند.^۲ در نخستین مصادر کتاب‌شناسی - چون: رجال نجاشی، فهرست طوسی و معالم العلمای ابن شهر آشوب - از سه عنوان فضائل رجب، فضائل شعبان و فضائل رمضان نام برده شده است. شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه در سه جا،^۳ هر سه کتاب را یاد کرده، و در کتاب الخصال، تنها از فضائل ماه رجب^۴ نام برده است. شیخ حرّ عاملی نیز در دو کتاب أمل الآمل و وسائل الشیعة،^۵ هر سه عنوان را ذکر کرده است. انتساب این کتاب به شیخ صدوق، معروف است؛ اگرچه به سان دیگر کتب مؤلف، متواتر نیست.^۶ کتاب فضائل الأشهر الثلاثة، از مصادر وسائل الشیعة، بحار الأنوار و مستدرک الوسائل است.^۷

روایات کتاب، اسناد کامل دارند و بیشترشان از طریق اهل بیت علیهم‌السلام و با واسطه پدر مؤلف، ابن ولید، و گاه با واسطه ابن موسی بن متوکل و دیگران، روایت شده‌اند و موضوعشان فضایل سه ماه رجب، شعبان و رمضان است. این روایات، در یک سطح از اعتبار قرار ندارند و به دیگر سخن، صحیح به معنای اصطلاحی نیستند.^۸ با این حال، اعتبار کتاب همچنان پابرجاست؛ چرا که در ادبیات اسلامی به این گونه روایات، «روایات رجا» گفته می‌شود و عالمان نقد حدیث نیز ضعف اسناد آن‌ها را چندان مهم نمی‌گیرند. افزون بر این، مضمون این روایات، در دیگر کتب معتبر حدیثی - مانند: الوافی، وسائل الشیعة، بحار الأنوار و مستدرک الوسائل - نیز آمده است.

۱. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۷.

۲. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۸۷.

۳. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۹۲، ۹۴، ۱۰۰.

۴. الخصال، ص ۵۰۳.

۵. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۷-۳۸.

۶. بحار الأنوار، همان جا.

۷. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۸۹، ۲۴۰، ج ۷، ص ۲، ۱۵، ۱۸، ۹۰، ۳۳۰، ۳۵۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۸۷.

۸. ۴۸۷، ۲۹۹، ۲۹۶.

۸. فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۵، مقدّمه محقق.

نسخه چاپی کتاب، شامل مقدمه محقق و ۱۵۶ روایت در فضائل ماه‌های رجب، شعبان و رمضان است و در پایان، اجازه مکتوب محقق از سید ابو القاسم خویی و شرح حال او نیز افزوده شده است. در مقدمه محقق، افزون بر شرح حال مختصری از مؤلف، در باره جایگاه کتاب، انتساب آن به مؤلف و اعتبار روایات آن نیز سخن رفته است.

متن اصلی کتاب، که مقدمه‌ای از مؤلف ندارد، با این روایت آغاز می‌شود:

من صام أول يوم من رجب رغبة في ثواب الله، وجب له الجنة. ومن صام في وسطه... ومن صام في آخره، جعله الله من ملوك الجنة وشقعه في أبيه و...^۱

و با حدیثی از ابو هریره از پیامبر خدا ﷺ پایان می‌پذیرد:

رُبَّ صَائِمٍ حَظُّهُ مِنْ صِيَامِهِ الْجَوْعُ، وَرُبَّ قَائِمٍ حَظُّهُ مِنْ قِيَامِهِ السَّهَرُ.^۲

خطبه‌ای که شیخ صدوق با عنوان «خطبه پیامبر خدا ﷺ در جمعه پایانی ماه شعبان» از دو طریق آورده، تفاوت‌های بسیاری با خطبه مشهور دارد.^۳

۲. العروس

مؤلف: ابن رازی

تحقیق: سید محمد حسین نیشابوری

ناشر: ابو محمد، جعفر بن احمد بن علی قمی، معروف به ابن رازی، همان مؤلف جامع الأحادیث است که پیش از این، معرفی شد. العروس، همراه با جامع الأحادیث به چاپ رسیده و مصحح آن، سید محمد حسینی نیشابوری است. به نسخه‌های خطی و دیگر مشخصات آن، در معرفی جامع الأحادیث اشاره شد. کتاب العروس در این چاپ، ۲۳ صفحه جای گرفته و دارای ۴۲ باب در باره فضائل و اعمال روز جمعه است. مؤلف

۱. همان، ص ۱۷.

۲. همان، ص ۱۴۴.

۳. همان، ص ۱۲۹-۱۳۰.

در آغاز کتاب، با اشاره به انگیزه خود از تألیف آن، متذکر شده که خدا به روز جمعه، ویژگی‌های فراوان بخشیده است و برتری آن را بر روزهای دیگر، به عبادت قرار داده و آن را همانند عروس پا به حجله، آراسته است. وی در باره نام کتاب نیز اشاره کرده که آن را از روایتی الهام گرفته که بر پایه آن، امام صادق علیه السلام فرمود:

قیامت که فرارسد، خداوند روزها را به صورت‌هایی بر می‌انگیزد که مردم، آنها را می‌شناسند. آن گاه، جمعه را پیشاپیش آن روزها، به سان عروسی قرار خواهد داد که با جمال و کمال، راهی خانه شوهری دیندار و ثروتمند است.^۱

مؤلف در این کتاب، به کتاب فضل الجمعة نیز ارجاع داده، که گویا کتاب دیگر وی بوده است.^۲ سند روایات العروس، مرسل است. محمد باقر مجلسی و محدث نوری، از آن نقل کرده‌اند.^۳

۳. فضائل شهر رجب

مؤلف: حاکم حسکانی

تحقیق: محمد باقر محمودی

ناشر: مؤسسه فرهنگی دار الحدیث؛ در دفتر یازدهم میراث حدیث شیعه، قم، ۱۳۸۲ ش، ص ۵۳-۷۶.

در تحقیق این رساله، از نسخه‌ای خطی با تاریخ کتابت ۴۲۹ ق، استفاده شده است که در کتاب خانه آستان قدس رضوی، با شماره ۱۲۴۰۵ نگهداری می‌شود. فضائل رجب، پیش از این نیز در پایان مجلد دوم شواهد التنزیل توسط (مجمع إحياء الثقافة الإسلامية بیروت، ۱۴۱۱ ق)، به چاپ رسید.

نسخه چاپی با تحقیق محمودی، شامل مقدمه‌ای کوتاه در شرح حال مؤلف و

۱. جامع الأحادیث، ص ۱۴۵-۱۴۶.

۲. همان، ص ۱۶۶.

۳. بحار الآثار، همان جا؛ خاتمة مستدرک الوسائل، همان جا؛ الذریعة، ج ۱۵، ص ۲۵۴.

نسخه خطی کتاب است، سپس اصل رساله همراه با تعلیقات محقق، و سرانجام، پی‌نوشت محقق برای معرفی آن دسته از مشایخ حسکانی (حسکانی) که نامشان در اسناد روایات این رساله آمده است. اصل رساله، با مقدمه کوتاه مؤلف آغاز می‌شود. وی در این مقدمه، به انگیزه تألیف و فشرده‌گی اثر، اشاره کرده و گفته است که این رساله را به تقاضای عالمی زاهد به نام حامد بن احمد بن جعفر نوشته است، به این امید که تذکره‌ای برای اولاد او و دیگر خوانندگان باشد.^۱

رساله فضائل شهر رجب، در پانزده باب با عناوین مشخص، و با پانزده حدیث سامان یافته است. از این روایات - که با اسناد کامل، از طریق اهل سنت نقل شده‌اند - چهارده روایت از پیامبر خدا ﷺ و یک روایت از امام صادق علیه السلام است. این روایات رانه نفر از صحابه پیامبر خدا نقل کرده‌اند: آنس بن مالک، ابو بکره نفع بن حارث، عایشه، ابو سعید خدری، ابو هریره، ابن عباس، جابر بن عبد الله، سلمان فارسی و مخنف بن سلیم. روایت پانزدهم، دعایی است معروف به «دعای استفتاح»، که ام داوود از امام صادق علیه السلام نقل کرده است.

عناوین سایر ابواب رساله، به این ترتیب است: دعای هلال ماه رجب، تعیین محل ماه رجب میان شعبان و رمضان توسط پیامبر خدا، نام‌گذاری ماه رجب به «ماه خدا» علت نام‌گذاری ماه رجب به «اصم»، مکتوب بودن روزهای ماه رجب بر سر در آسمان، فضیلت غسل کردن در ماه رجب، روزه پیامبر ﷺ در این ماه، دستور پیامبر ﷺ به روزه رجب، فضیلت روزه رجب، فضیلت روزه در سه روز پنج‌شنبه، جمعه و شنبه در ماه رجب، فضیلت روزه در روز مبعث، فضیلت نماز شب در شب‌های رجب، فضیلت نماز در روزهای رجب به شماره روزهای آن، قربانی در رجب.

ب- متون اخلاق و آداب

۱. التمهیص

مؤلف: ابن همام اسکافی

تحقیق و تخریج: مدرسه الإمام المهدی علیه السلام، قم، ۱۴۰۴ ق.

در تحقیق و تصحیح التمهیص، بر سه نسخه خطی اعتماد شده است: نسخه شیر محمد همدانی، با تاریخ کتابت ۱۳۵۳ ق؛ نسخه آیه الله صفایی خوانساری که با نسخه میرزا محمد حسین نوری طبرسی (تاریخ کتابت: ۱۲۸۰ ق) مقابله شده است؛ و نسخه سید عبد العزیز طباطبائی یزدی، با تاریخ استنساخ ۱۳۸۰ ق.^۱

عنوان «التمهیص»، در مصادر نخستین نیامده است. در سده دهم، این کتاب مطرح گردید و از آن پس، در شمار منابع حدیثی معتبر شناخته شد. نخستین منابعی که از این کتاب یاد کرده اند، عبارت اند از: کتاب الوافیة فی تعین الفرقة الناجیة اثر شیخ ابراهیم قطیفی (م ۹۹۱ ق)، أمل الآمل شیخ حر عاملی، بحار الأنوار محمد باقر مجلسی، ریاض العلمی افندی اصفهانی، و مستدرک الوسائل میرزا حسین نوری.^۲ انتساب التمهیص به ابن همام اسکافی، معروف نیست. در باره مؤلف التمهیص، دو دیدگاه مطرح شده است. شیخ ابراهیم قطیفی، شیخ حر عاملی، قاضی نور الله شوشتری، افندی اصفهانی و آقا بزرگ تهرانی، آن را تألیف ابن شعبه حرّانی، معاصر شیخ صدوق، دانسته اند.^۳ گروهی دیگر مانند: فیض کاشانی،^۴ محقق خوانساری،^۵

۱. التمهیص، ص ۷۵، مقدمه محقق کتاب.

۲. الذریعة، ج ۴، ص ۴۲۲؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۷۴؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۷، ۳۴؛ ریاض العلماء، ج ۱، ص ۲۴۴؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۸۶.

۳. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۸۶-۱۸۸؛ الذریعة، ج ۴، ص ۴۳۲-۴۳۳؛ التمهیص، ص ۸-۱۲، مقدمه موحّدی اصفهانی.

۴. التمهیص، همان، ص ۹.

۵. روضات الجنات، ج ۶، ص ۱۵۱.

میرزا حسین نوری^۱ و محققان نسخه چاپی التمحیص،^۲ یا آن را به ابن همام نسبت داده‌اند و یا به این دیدگاه، متمایل شده‌اند. به هر حال، به نظر می‌رسد که التمحیص به ابن همام انتساب دارد؛ ولی با پذیرش این انتساب نیز تردیدی دیگر وجود دارد در این که: آیا روایات این کتاب، با واسطه از ابن همام روایت شده یا با املائی ابن همام بوده است؟ در فرض دوم، نگارش آن مانند امالی‌های شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی است. شاید تردید محمد باقر مجلسی نیز در انتساب التمحیص به ابن همام، از همین جهت بوده است.^۳

نسخه چاپی التمحیص، شامل مقدمه بلند محمد باقر موحد ابطحی و اصل کتاب است، و نیز معرفی سه نسخه خطی‌ای که در تحقیق کتاب، به آنها اعتماد شده است. اصل کتاب، در نه باب با عناوین مشخص، سامان یافته و ۱۷۱ روایت دارد. مؤلف به اقتضای شرایط خاص محیط بغداد و توابع آن،^۴ روایات این کتاب را بر اساس مفادشان گرد آورده است که در جهت کاهش آلام و دردها، از حکمت و پیامد بیماری‌ها، بلاها و سختی‌ها می‌گویند و نیز تأثیر مثبت و سازنده انواع بلاها بر روان آدمی، خبر بویژه محو و نابودی آثار گناهان. جز در حدیث اول کتاب که آن را با اسناد کامل آورده، در سایر روایات، تنها به نام نخستین راوی از معصوم علیه السلام، بسنده کرده است. مفصل‌ترین روایت کتاب، خطبه‌ای است به نام همام، که آن را از راوی ناشناخته‌ای روایت کرده است.^۵

عناوین باب‌های کتاب التمحیص، چنین است: سرعة البلاء إلى المؤمن (المؤمنین)، تعجیل التمحیص عن المؤمن (المؤمنین)، التمحیص بالعلل و

۱. خاتمة مستدرک الوسائل، همان جا.

۲. التمحیص، همان، ص ۱۴.

۳. همان جا.

۴. همان، ص ۲۹.

۵. همان، ص ۷۰-۷۵.

الأمراض، التمحيص بالحزن و الهم، التمحيص بذهاب المال و مدح الفقر، و جوب الأرزاق و الإجمال فى الطلب، حُسْنُ اختيار الله للمؤمنين و نظره لهم و إن كانوا كارهين، مدح الصبر و ترك الشكوى و اليقين و الرضا بالبلوى، فى أخلاق المؤمنين و علامات الموحدين.

۲. مصادقة الإخوان

مؤلف: شیخ صدوق

تصحیح و تحقیق: سید محمد مشکات

مترجم: محمد تقی دانش پژوه

ناشر: نشر کرمان، قم، ۱۴۰۲ ق.

در تحقیق کتاب، از چهار نسخه خطی استفاده شده است: نسخه میرزا مجد الدین نصیری که قدیمی ترین نسخه است و در اختیار میرزا حسین نوری بوده است؛ نسخه میرزا فضل الله شیخ الاسلام زنجانی که جدید و پر اشتباه است و تفاوت بسیاری با سایر نسخه‌ها دارد؛ و نسخه آیه الله میرزا محمد تهرانی، که اساس تحقیق و تصحیح بوده است.^۱ نسخه‌ای نیز با تاریخ کتابت ۱۲۷۷ ق، از آن کتابخانه آیه الله گلپایگانی در قم است که در مجموعه شماره ۱۳۰۷ جای دارد.^۲

مصادقة الإخوان بارها جداگانه یا همراه با کتابی دیگر، چاپ شده است. این کتاب افزون بر همین عنوان،^۳ با نام‌های المصادقة،^۴ حقوق الإخوان^۵ و کتاب الإخوان^۶ نیز معرفی شده است. شهرت مصادقة الإخوان، همانند دیگر کتب شیخ صدوق نیست.

۱. مصادقة الإخوان، ص ۲-۳.

۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه الله گلپایگانی، ج ۲، ص ۲۴۵، ۲۹۴.

۳. نجاشی، ص ۳۹۰؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۰.

۴. الفهرست، طوسی، ص ۲۳۷؛ معالم العلماء، ص ۱۴۷.

۵. أمل الآمل، ج ۲، ص ۲۸۴.

۶. وسائل النبیعة، ج ۲۰، ص ۴۱-۴۲.

در برخی از مصادر کتاب‌شناسی، مصادقة الإخوان با الإخوان علی بن بابویه پدر شیخ صدوق، یکی پنداشته شده است. قرینه بر این یگانگی، مشایخ مؤلف کتاب است که بی‌واسطه و با عبارت «حدّثنا» از آنها نقل شده است؛ کسانی چون: علی بن ابراهیم قمی، سعد بن عبد الله اشعری و محمد بن یحیی عطّار. اینان، مشایخ علی بن بابویه پدر صدوق بوده‌اند و شیخ صدوق، تنها با واسطه پدرش از آنها نقل کرده است.^۱

به هر حال، کتاب مصادقة الإخوان، به اخلاق و آداب و آیین دوستی و برادری پرداخته و از مصادر الدمعة الساکبة، وسائل الشیعة، بحار الأنوار و مستدرک الوسائل است.^۲ در نسخه چاپی کتاب، مقدمه‌ای از سعید نفیسی در شرح حال خاندان بابویه و اصل کتاب، گنجانده شده است. محقق کتاب با استناد به نسخه‌های خطی پیش گفته، موارد اختلاف را در پاورقی ذکر کرده است. اصل کتاب، در ۴۳ باب با عناوین مشخص دارد. روایات کتاب از ائمه علیهم‌السلام و با اسناد ناقص، نقل شده‌اند. برخی از عناوین کتاب، به این شرح است: اصناف برادران، دیدار با برادران، دوست داشتن برادران، مهربانی با برادران، پوشانیدن برادران، کسانی که باید از برادری با آنها پرهیز کرد، حقوق برادران بر یکدیگر، این که برادران دینی آینه یکدیگرند، مهربانی، از خود گذشتگی، اطعام برادران، همکاری و تعاون، دوری برادران، ثواب لبخند داشتن هنگام برخورد با برادران، مصافحه و دست دادن به برادران، خوش حال کردن برادران، مومن، ناپسندی بخل و گله و شکایت، تلاش برای رفع نیاز برادران، آزمایش برادران، دعا برای برادران و

۳. المواعظ

مؤلف: شیخ صدوق

تحقیق: عزیز الله عطاردی

۱. الذریعة، ج ۱، ص ۳۸۳؛ ج ۲۱، ص ۹۷.

۲. الذریعة، همان جا؛ وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۴۱۴-۴۱۵؛ بحار الأنوار، همان جا؛ مستدرک الوسائل، ج ۵،

ص ۳۰، ج ۷، ص ۲۰۹، ج ۱۰، ص ۳۷۹.

ناشر: انتشارات مرتضوی، قم، بی تا.

این کتاب که در مصادر، با عنوان المواعظ^۱ و یا المواعظ و الحكم^۲ از آن یاد شده، تا سده پانزدهم، نایاب شمرده می شد. نسخه خطی این کتاب، با عنوان ثلثی الغوالی، در کتاب خانه ناصریه در لکهنو هندوستان پیدا شده است.^۳ البته این که نسخه موجود به نام المواعظ، اثر شیخ صدوق باشد، مسلم نیست و اگر از آن صدوق باشد، روشن نیست که آیا همانی است که در منابع نام برده اند، یا اثری دیگر است که این نام را به خود گرفته.

به استناد سه قرینه موجود در این نسخه، می توان آن را از تألیفات شیخ صدوق شمرد: یکی موضوع کتاب که - همانند کتاب مذکور در تألیفات صدوق - در زمینه مواعظ و نصایح است. دوم این که: شماری از روایات کتاب که با عبارت «قال مصنف هذا الكتاب...» نقل شده اند، در قسمت نوادر کتاب من لایحضره الفقیه^۴ و معانی الأخبار نیز آمده اند. سوم این که مشایخ بی واسطه مؤلف در اسناد بسیاری از روایات کتاب، همان مشایخ شیخ صدوق اند.^۵

از دیگر سو، شاید این کتاب، همان قسمت نوادر کتاب من لایحضره الفقیه باشد که جداگانه بازنویسی شده، نه آن کتاب المواعظ که در فهرست تألیفات شیخ صدوق آمده است.^۶ مقابله ای که میان نسخه موسوم به المواعظ با بخش نوادر کتاب من لایحضره الفقیه انجام گرفت، نشان داد که در موارد بسیاری، هماهنگی اند؛ ولی هماهنگی شان کامل نیست. این هماهنگی و تشابه، دو احتمال را پیش می کشد:

۱. رجال التجاشی، ص ۳۹۲.

۲. الفهرست، طوسی، ص ۲۳۷؛ معالم العلماء، ص ۱۴۷.

۳. المواعظ، مقدمه محقق کتاب، ص الف.

۴. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۹۴ - ۴۲۰.

۵. همان، ص «ط» - «ی».

۶. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل ابن بابویه.

یک. شاید شیخ صدوق پس از تألیف بخش نوادر، تغییراتی در آن ایجاد کرده و عنوان «المواعظ» را بر آن نهاده باشد. مؤید این احتمال، آن است که شیخ صدوق، برخی از روایات را در چندین کتاب تکرار کرده است؛ مانند مناظرات امام رضا علیه السلام که در کتاب التوحید و کتاب عیون أخبار الرضا علیه السلام آمده است.

دو. شاید کس دیگری، بخش نوادر را تغییر داده و با عنوان المواعظ، به تنهایی مطرح کرده باشد.

به هر حال، روایات این کتاب، مرسل‌اند و بسیاری از آنها وصایای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام است. عزیز الله عطار دی، المواعظ را به فارسی برگردانده است.

۴. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال

مؤلف: شیخ صدوق

مقدمه: سید محمد مهدی سید حسن خراسان.

ناشر: منشورات شریف رضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۸ ش.

در تحقیق ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، افزون بر چاپ سنگی آن - که در سال ۱۹۶۲ م، در کتاب‌خانه حیدریه بغداد چاپ شده -، از یک نسخه خطی نیز استفاده شده است. نسخه سنگی، که با تحقیق سید احمد اشکوری است، با نسخه خطی دیگری مقابله شده که در کتاب‌خانه عمومی آیه الله حکیم در نجف (به شماره ۸۴۶) نگهداری می‌شود و بخش «ثواب الأعمال» در ۱۰۲۷ ق و «عقاب الأعمال» در ۱۰۲۸ ق، به خط محمد خلیفه جزائری سمنانی، استنساخ شده است.^۱

آقا بزرگ تهرانی، چند نسخه خطی دیگر را نیز معرفی کرده که کهن‌ترین آنها متعلق به سال ۹۸۵ ق، است.^۲ همچنین، مترجمی ناشناخته نیز این کتاب را ترجمه

۱. ثواب الأعمال، ص ۷.

۲. الذریعة، ج ۱۵، ص ۲۸۰؛ ج ۱۶، ص ۱۴۵.

کرده که به خط میر علی بن ابراهیم بن احمد کرقی در سال ۱۰۰۱ ق، کتابت شده و ۱۶۰ صفحه دارد. این نسخه، در کتابخانه شخصی رضا استادی است.^۱ کتاب ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، بارها در ایران و خارج از ایران، با چاپ سنگی و حروفی چاپ شد؛ از جمله، در سال ۱۲۹۹ ق، در تبریز. کار تحقیق آن، توسط علی اکبر غفاری و سید احمد اشکوری انجام گرفت.

در مصادر اولیه، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال را با دو عنوان جداگانه ذکر کرده‌اند.^۲ گویا نخستین بار، محمد باقر مجلسی در سده یازدهم، آن دو را تحت یک عنوان آورده است.^۳ انتساب این کتاب به شیخ صدوق، معروف و بلکه متواتر است. این کتاب، از اعتنا و اعتماد عالمان نامدار در سده‌های بعد، برخوردار شده است.^۴ صدوق این کتاب، اخلاق را در چشم‌انداز ثواب و عقاب اخروی اعمال، در میان نهاده است.

نسخه چاپی کتاب، شامل مقدمه بلند سید حسن موسوی خراسان، مقدمه کوتاه مؤلف و اصل کتاب است. سید حسن موسوی خراسان در مقدمه خود به چند مطلب پرداخته است: شرح حال خاندان بابویه، اهمیت کتاب، مشایخ شیخ صدوق، پیشینه موضوع، و معرفی نسخه خطی و نسخه‌های چاپی کتاب. به گفته وی، تنها دو کتاب در باره ثواب و عقاب، هر دو، تألیف شده است که این کتاب، دومی آنهاست. در باره ثواب اعمال، دوازده کتاب و در باره عقاب اعمال نیز دو کتاب تألیف شده است که بیشتر آنها نایاب‌اند.^۵

۱. تراش، ۴۹، ص ۱۴۶.

۲. رجال النجاشی، ص ۳۸۹؛ الفهرست، طوسی، ص ۱۴۰؛ معلم العلماء، ص ۱۴۹.

۳. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۷.

۴. همان، ج ۱، ص ۲۶؛ وسائل لشیعه، ج ۲۰، ص ۳۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۴۶، ص ۱۵۶، ج ۲، ص ۳۸۸.

۵. ثواب الأعمال، ص ۲۴-۲۵.

مقدمه مؤلف، به انگیزه تألیف اختصاص دارد. وی در این باره، به کلامی از پیامبر ﷺ استناد کرده که بر اساس آن، کسی که به خیر و نیکی راه‌نمایی کند، همانند کسی است که به آن عمل کند.^۱

گویا کتاب در اصل، فاقد ساختار و نظامی براساس فصل و باب و عنوان بوده است. این هر دو، توسط علی اکبر غفاری، و عنوان‌بندی مطالب، در تحقیق اشکوری انجام گرفته است. در نسخه علی اکبر غفاری، مطالب کتاب در دو جزء ثواب اعمال و عقاب اعمال، در ۵۲۰ باب سامان یافته است. در مجموع، در ثواب الأعمال بیش از هشتصد روایت، و در عقاب الأعمال بیش از سیصد روایت آمده است. روایات هر دو کتاب، غالباً با اسناد کامل و گاه ناقص، نقل شده‌اند. شمار مراسیل در ثواب الأعمال، تنها چهار حدیث و در عقاب الأعمال، پنج حدیث است. روایات، همگی از پیامبر خدا ﷺ و ائمه علیهم السلام است.^۲ اعتبار احادیث کتاب، در یک سطح نیست؛ چرا که جایگاه این روایات، به سان سایر روایات و کتاب‌های ترغیب و ترهیب، ثواب و عقاب است. در این گونه کتاب‌ها، هدف اصلی مؤلف از هر مذهب و در هر شهر و دهی، گردآوری احادیث برای ترهیب و ترغیب است؛ یعنی فراخواندن به خیر و دور داشتن از شر و بدی. از این روست که انواع اخبار آحاد دارای متن قوی و سند صحیح، متن مبتذل و سست و سند ضعیف، متن مقبول و سند مردود و مردود الدلاله و مقبول السند، در چنین آثاری دیده می‌شود. این شیوه، بر پایه تساهل در اخبار است که بر قاعده تسامح در أدلة سنن، تکیه دارد. به موجب این قاعده، شروط لازم برای عمل کردن به اخبار آحاد - مانند: اسلام، عدالت و ضبط -، در روایات حاکی از سنن، چه در جنبه فعل (مستحبات) و چه در ترک (مکروهات)، لازم نیست؛ مگر آن که معلوم شود روایت، بر ساخته (جعلی) است. این قاعده در میان فریقین، اجماعی است.^۳

۱. ثواب الأعمال، ص ۲.

۲. همان، ص ۲۵-۲۶.

۳. همان، ص ۲۶.

سه ترجمه فارسی از کتاب ثواب الأعمال انجام گرفته است: دو ترجمه در سده چهاردهم،^۱ و یکی هم توسط علی اکبر غفاری که چاپ شده است. باب نخست ثواب الأعمال، باب «ثَوَابُ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است و باب پایانی آن، «ثَوَابُ مَحَبَّةِ الْوَلَدِ وَ ثَوَابِ مَنْ فَرَحَ ابْنَتَهُ». باب نخست عقاب الأعمال، باب «عِقَابُ مَنْ أَتَى اللَّهَ مِنْ غَيْرِ بَابِهِ» و باب پایانی آن، «عِقَابُ مَجْمَعِ عِقوباتِ الْأَعْمَالِ» است.

۵. الخصال

مؤلف: شیخ صدوق

تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری

ناشر: انتشارات جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ق.

در تحقیق الخصال، از یک نسخه چاپی و دو نسخه خطی استفاده شده است: نسخه چاپی در سال ۱۳۰۲ و ۱۳۷۴ ق، با تصحیح سید فضل الله طباطبایی یزدی منتشر شده و در تحقیق کتاب، اصل قرار گرفته است. یکی از دو نسخه خطی، در کتابخانه مسجد شاه (امام خمینی) است که دو جزء دارد: جزء اول در ۱۰۱۱ ق، توسط کاتبی ناشناخته استنساخ شده و جزء دوم در ۱۰۶۴ ق، توسط بهاء الدین محمد بن عبد الله بن محمد بن حسین بشروی. نسخه دوم، در کتابخانه دکتر سید محمود حجّت همدانی است با تاریخ ۱۱۰۴ ق، به خط محمد جان بن حاج محب علی همدانی.^۲

افزون بر اینها، نسخه‌ای به کتابت صدر الدین محمد بن فتح الله حسینی در سال ۱۰۷۱ ق، که در پایان آن، تاریخ تملک محمد حسن بن علی نقی حسینی تونی، در سال ۱۱۳۹ ق، ثبت شده است.^۳ کتاب الخصال، بارها در ایران و خارج از آن چاپ شده است، از جمله: در سال ۱۳۸۹ ق، توسط مکتبه الصدوق در تهران.

۱. الذریعة، ج ۴، ص ۹۳.

۲. الخصال، ص ۱۲، مقدّمه مصحّح.

۳. تراثا، ش ۲۲، ص ۱۱۷.

الخصال با همین عنوان، در مصادر اولیه نیز ذکر شده است.^۱ انتساب آن به شیخ صدوق، معروف و بلکه متواتر است. و از مصادر وسائل الشیعة، بحار الأنوار و مستدرک الوسائل است. روایات الخصال، در زمینه اخلاق و فضائل و رذائل است. نسخه چاپی، شامل مقدمه محقق، مقدمه کوتاه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، به نسخه‌های قابل اعتماد در تصحیح کتاب، موضوع کتاب و اهمیت آن اشاره شده و مهم‌تر از همه، این که اسانید کتاب؛ بویژه اسانید متعلق به رجال اهل سنت، با استناد به مصادر رجالی آنان تصحیح شده است.

مقدمه مؤلف، در باره موضوع کتاب و شیوه سامان آن است. به موجب این مقدمه، شیخ صدوق به تألیفی ابتکاری دست زده که پیشینه‌ای نداشته است؛ وی روایات را بر اساس «اعداد» گرد آورده است.^۲ مطالب کتاب، در ۲۶ باب با عنوان «باب الواحد»، «باب الثانی»، «باب الثالث»... تا «الف الف»، سامان یافته است. برای نمونه، در روایت باب پایانی کتاب، نقل شده است که: «خداوند تا ألف ألف (هزار هزار) عالم و ألف ألف آدم آفریده است». شیخ صدوق تحت هر باب، با الهام از مضمون روایات همان باب، عناوین متناسب را که بیشتر با واژه «خصلت» آغاز می‌شود، ذکر کرده است. در عنوان باب‌ها، باب شصتم و نودم دیده نمی‌شود، و این، گویا بدان جهت بوده که مؤلف این ارقام را در روایات نیافته است.

روایات کتاب با اسناد کامل، از طریق شیعه امامی و بیشتر با واسطه علی بن بابویه پدر شیخ صدوق، ابن ولید، ابن ماجیلویه و ابن موسی بن متوکل، نقل شده‌اند و در کمتر از هفتاد مورد، از طریق مشایخ حدیث اهل سنت.^۳ ابو الفتح کراجکی با الهام از سبک عددی الخصال، کتاب معدن الجواهر را نگاشت.^۴ عده‌ای دیگر نیز به اختصار،

۱. رجال التجاشی، ص ۳۸۹؛ الفهرست، طوسی، ص ۲۳۷، در نسخه بدل؛ معالم العلماء، ص ۱۴۹.

۲. الخصال، ص ۱.

۳. الأنالی، ص ۱، مقدمه کوه کمره‌ای؛ الخصال، ص ۱۲، مقدمه محقق.

۴. الذریعة، ج ۲۱، ص ۲۲۹.

شرح و برگردان آن به فارسی پرداختند.^۱ از آن جمله اند: کتاب نخبة الخصال از مؤلفی ناشناخته، که نسخه‌ای از آن با تاریخ کتابت ۱۲۶۷ ق، در کتاب‌خانه مدرسه سپهسالار موجود است و میرزا حسین نوری آن را در اختیار داشته و در فهرست کتاب‌های خود، ذکر کرده است؛^۲ دو شرح که در سده سیزده و اوایل سده چهارده، بر باب‌های دوازدهم و هفتم نوشته شده اند؛^۳ و نیز شرح فارسی کامل، به قلم شیخ میرزا باقر کوه کمره‌ای، که در سه مجلد در سال ۱۳۶۷ ش، چاپ شده است.

باب اول الخصال، در توحید است. نخستین روایت که گویا تنها روایت این باب است، نقل سؤال اعرابی از امام علی علیه السلام در جنگ جمل است. امام علیه السلام توحید را چهار قسم کرده، دو قسم را باطل و دو قسم را درست دانسته است. دو قسم باطل، یکی وحدت عددی است که خدا در باب اعداد قرار نمی‌گیرد و دیگری و دیگری «واحد من الناس...». برخی از عناوین دیگر باب‌ها، به این قرار است: باب بیستم: در بیست خصلت محبت اهل بیت علیهم السلام، باب چهلیم: در قبول نشدن نماز شارب خمر تا چهل روز، باب پنجاهم: در حقوق پنجاهگانه‌ای که امام علی بن حسین سید العابدین علیه السلام، باب هفتم: در هفتاد فضیلت بی‌بدیل امیر مؤمنان علیه السلام، باب هشتم: در نزول هشتاد آیه قرآن در شأن امام علی علیه السلام، باب صد و بیستم: در ۱۲۰ رنگ میوه، باب سیصد و شصتم: در تعداد روزهای سال. نیز بابی با عنوان «الصلاة لها أربعة آلاف باب» و باب دیگر: «خلق الله أربعة وعشرين ألف نبی و خلق الله أربعة وعشرين ألف وصی».

۱.۶. الأعمال المانعة من دخول الجنة

مؤلف: ابو محمد جعفر بن احمد بن علی قمی، معروف به ابن رازی قمی.

ابن رازی قمی، همان صاحب جامع الأحادیث است و چون چند اثر او با هم چاپ

۱. همان، ج ۲۰، ص ۱۹۵؛ ج ۲۴، ص ۹۴.

۲. الذریعة، همان جا.

۳. همان، ج ۱۳، ص ۱۹۴؛ ج ۲۲، ص ۳۱۴.

شده‌اند، مشخصات کتاب‌شناسی همه آنها در معرفی جامع الأحادیث گذشت. الأعمال المانعة من دخول الجنة، در باره اعمالی است که مانع ورود به بهشت می‌شوند. این رساله، ۲۴ باب دارد و احادیث آن با اسناد کامل، از پیامبر خدا ﷺ و در موردی از کعب الاحبار نقل شده‌اند. این رساله از مصادر بحار الأنوار و مستدرک الوسائل است.^۱

۷. صفات الشيعة

مؤلف: شیخ صدوق

ناشر: انتشارات عابدی، تهران، بدون نوبت و تاریخ چاپ

نسخه‌هایی از این کتاب، در کتاب‌خانه‌های ایران و عراق موجود است که کهن‌ترین آنها به سده نهم تعلق دارد.^۲ صفات الشيعة جداگانه و گاه همراه با فضائل الشيعة و یا مصادقة الإخوان، چاپ شده است. گروه تحقیق مدرسه المهدی، در سال ۱۴۱۰ ق، و شیخ محمد تقی ذاکری در چاپ بیروت (انتشارات دار الشرق الاوسط) آن را با تحقیق، منتشر کرده‌اند.

این کتاب، از آثار معروف شیخ صدوق است و در مصادر نخستین، نامش در کنار کتاب‌های معروف و مسلم وی آمده است.^۳ برخی از متأخران، آن را متواتر و «معلوم الانتساب» خوانده‌اند؛^۴ ولی گروهی، شهرت آن را به اندازه دیگر آثار شیخ صدوق ندانسته‌اند.^۵ این کتاب از مصادر وسائل الشيعة و بحار الأنوار و مستدرک الوسائل است. نسخه چاپی صفات الشيعة، مقدمه‌ای از مؤلف ندارد و شامل هفتاد روایت از معصومان (ع) است، بدون ترتیب و باب و عنوان است. اسناد روایات، کامل نیست و با

۱. بحار الأنوار، همان جا؛ خاتمة مستدرک الوسائل، همان جا؛ الذریعة، ج ۲ ص ۲۴۷؛ ج ۱۹، ص ۳۰.

۲. الذریعة، ج ۱۷، ص ۱۳۸؛ ج ۱۶، ص ۲۶۰؛ ج ۱۵، ص ۴۵.

۳. رجال النجاشی، ص ۲۶۸؛ معالم العلماء، ص ۱۰۶.

۴. وسائل الشيعة، ج ۲۰، ص ۳۶-۳۸.

۵. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۶.

واسطه علی بن بابویه، ابن ولید و ابن ماجیلویه نقل شده است. طولانی ترین احادیث کتاب، خطبه همام^۱ و خطبه امام علی علیه السلام پس از جنگ جمل است که در بصره برای اصحاب و یارانش فرمود.^۲

موضوع این کتاب، بایدها و نبایدها، پسندها و ناپسندها، خوبها و بدها و در یک بیان کلی، در باره اخلاق در جنبه های فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و معنوی است. برخی از این بایدها و نبایدها، عبارت اند از: ورع، اجتهاد، وفاداری، امانتداری، زهد، قیام در شب و روزه در روز، فرمان برداری از امام و مخالفت با دشمنان او، لزوم تقیه، دوستی با اهل بیت علیهم السلام و دشمنی با دشمنان آنان، عیادت از بیماران، شاد شدن با شادی دوستان اهل بیت علیهم السلام و محزون شدن با حزن آنان، دوری از هم نشینی با اشرار و نزدیکی با ابرار، عفت در شکم و فرج، اخلاص در عمل، تقوا پیشگی، رجا و خوف، توجه داشتن به فقرا، پرهیز از هم نشینی با اهل ریب، رأفت و مهربانی، حلم و بردباری، مداومت بر دعا و تلاوت قرآن.

۸. معدن الجواهر و ریاضة الخواطر

مؤلف: ابو الفتح کراجکی

تحقیق: سید احمد حسینی

ناشر: چاپ خانه مهر استوار، چاپ دوم، ۱۳۹۴ ق.

در تحقیق این کتاب، از نسخه ای خطی متعلق به سال ۹۰۲ ق، استفاده شده است.

این نسخه در مجموعه ای شامل ده رساله، در کتاب خانه عمومی آیه الله مرعشی است.^۳ آقا بزرگ تهرانی سه نسخه خطی از معدن الجواهر و ریاضة الخواطر را ذکر کرده است: یکی نسخه شیخ عباس قمی است و دیگری، نسخه ای به خط شیخ تاج الدین

۱. صفات التبعة، ص ۱۸.

۲. همان، ص ۳۹.

۳. معدن الجواهر، ص ۱۲-۱۳.

حسین بن شمس الدین صاعدی، مندرج در مجموعه‌ای با تاریخ کتابت ۹۸۶ ق، که بر پشت آن، صورت اسناد این کتاب به مؤلف آمده است. سومی، نسخه‌ای است که، در کتابخانه شیخ امین آل حاج کاظم کاظمی، که در برخی از حواشی آن، تاریخ کتابت ۷۸۱ ق، ذکر شده است. سید حسن امین، صاحب اعیان الشیعة، احتمال داده که این نسخه، با خط ابن ادریس حلی باشد.^۱

شیخ عباس قمی کتاب معدن الجواهر و ریاضة الخواطر را با عنوان نزهة النواظر فی ترجمة معدن الجواهر، به فارسی برگرداند، که از سال ۱۳۳۹ ق، بارها توسط انتشارات مرتضوی چاپ شده است.^۲ اصل کتاب نیز در مجله الهادی، متعلق به دار التبلیغ قم، در سال ۱۳۹۲ ق، چاپ شد.

کتاب معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، با همین عنوان^۳ و گاه با عنوان معدن الجواهر^۴ ذکر شده است. انتساب این کتاب به ابو الفتح کراجکی، معروف است.^۵ این کتاب، در زمینه اخلاق و مواظ و آداب و حکم تألیف شده و از مصادر کتاب‌های حدیثی متأخر است.^۶

نسخه چاپی معدن الجواهر، شامل مقدمه محقق کتاب، مقدمه کوتاه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، پس از شرح حال مؤلف، به معرفی تألیف از جهت انتساب به مؤلف، موضوع، پیشینه و نسخه‌های خطی آن، پرداخته شده است. مؤلف نیز در مقدمه خود، به اهمیت موضوع کتاب، شیوه نظم و ترتیب مطالب و سابقه آن اشاره کرده و گفته است که پس از گردآوری «جواهر الفاظ و عیون معانی» در اخلاق

۱. الذریعة، ج ۲۱، ص ۲۲۱-۲۲۲.

۲. الذریعة، ج ۲۴، ص ۱۳۰؛ معجم المطبوعات النجفیة، ص ۳۶۲.

۳. «مکبة العلامة الکراجکی»، السید عبد العزیز الطباطبائی، تراثنا، ش ۴۴، ۳۸۷؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۲۸۷.

۴. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۸.

۵. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۵.

۶. وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۰۷؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۱۸؛ مستدرک لوسائل، ج ۲، ص ۸۲؛ ج ۴، ص ۲۷۸.

و آداب و مواعظ»، آنها را بر اساس ترتیب و تسلسل اعداد - که بی سابقه نبود - سامان داده است. کراجکی در این زمینه، بر اخبار پیامبر خدا ﷺ، برخی از امامان علیهم السلام پاره‌ای از سخنان دیگر پیامبران و نیز حکمای مسلمان و غیر مسلمان و زهاد، اعتماد کرده است.^۱ او اسانید روایات را برای اختصار، ذکر نکرده است.

کراجکی مواعظ و نکته‌های حکمی و اخلاقی را به گونه عددی، همانند روش شیخ صدوق در کتاب الخصال، مرتب کرده و در ده باب، به ترتیب اعداد از یک تا ده، سامان بخشیده است. سخنان مربوط به هر باب یا عدد را نیز بر اساس نظام معنایی تقدّم و تأخّر مقام معنوی گوینده کلام، سامان داده است؛ به این صورت که ابتدا سخنان پیامبر خدا ﷺ، سپس سخنان ائمه علیهم السلام و در پایان، کلام زهاد و حکمای مسلمان و غیر مسلمان را آورده است. از اشخاص غیر معصوم، گاه با ذکر نام و گاه با عنوان علما، حکما، زهاد و یا با عبارت «قیل»، یاد شده است. لقمان، ارسطاطالیس، هند، بزرگمهر، ابن مقفع، عبد الله بن عباس، احنف بن قیس و حسن بصری، از کسانی هستند که از آنها سخنانی نقل کرده است. نقل نمونه‌هایی از عنوان باب‌ها و مطلب ذیل هر کدام، خالی از فایده نیست:

باب ذکر ما جاء فی واحد

قال سیدنا رسول الله ﷺ: أيها الناس! إن ربكم واحد
 رؤى عنهم ﷺ أن أصل خير في الدنيا شيء واحد، وهو الخوف من الله.
 قال بعض العلماء: أشقى الناس رجل واحد، وهو من كفى أمر دنياه...
 وسئل حكيم عن البخل والجبن والحرص، فقال: الجميع طبيعة واحدة و يجمعهن
 شيء واحد وهو سوء الظن.

باب ذکر ما جاء فی اثنين

[قال] سیدنا رسول الله ﷺ: العلماء رجلان: رجل أخذ بعلمه فهو...

قال أمير المؤمنين عليه السلام: الناس في الدنيا رجلان: رجل ابتاع نفسه فأعتقها ورجل باع نفسه فأوثقها.

قال الباقر عليه السلام: ما من خطوة أحب من خطوتين: خطوة يشد بها صفاً في سبيل الله وخُطوة ذي رحم.

قال لقمان لابنه: يا بُنَيَّ! أنهاك عن شيئين: الكسل والضجر. فإنك إذا كسلت، لم تُؤدِّ حقاً وإذا ضجرت، لم تصبر.

باب ذكر ما جاء في ثلاثة

رُوي أنَّ في بعض كتب الله تعالى: «مَنْ عَافَيْتُهُ مِنْ ثَلَاثَةٍ أَكْمَلْتُ نِعْمَتِي عَلَيْهِ مَنْ أَغْنَيْتُهُ عَنْ مَالٍ أَخِيهِ وَ عَنْ سُلْطَانٍ يَأْتِيهِ وَطِيبٍ يَسْتَشْفِيهِ».

ج - متون کلامی

۱. الشفاء والجلاء

مؤلف: خَضِيبِ إِيَادِي رَازِي

تحقيق: مُحَمَّد باقر محمودی

ناشر: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۴ ق، (در سه مجلد).

عنوان این کتاب، گاه الشفاء و الجلاء^۱ و گاه الجلاء والشفاء^۲ ذکر شده و انتساب آن به خضیب ایادی، معروف است. ابن شهر آشوب در مناقب آل ابی طالب، بدون اشاره به نام مؤلف، چند بار از آن نقل کرده است^۳ و افتدی اصفهانی، آن را در شمار تألیفاتِ ذکر کرده که مؤلفشان ناشناخته است.^۴ به هر روی، این کتاب از مصادر کتاب‌های حدیثی، کلامی و دعایی بسیاری است، مانند: الغیبة شیخ طوسی،^۵ مناقب

۱. رجال التجاشی، ص ۹۷؛ النهرست، طوسی، ص ۷۶؛ خلاصة الأقوال، ص ۳۲۲.

۲. معالم العلماء، ص ۵۴.

۳. مناقب آل ابی طالب ج ۳، ص ۱۲۸، ۴۴۶، ۴۸۹، ۵۲۶.

۴. ریاض العلماء، ج ۱، ص ۴۹.

۵. الغیبة، ص ۱۴۸، ۱۵۴، ۱۵۵.

آل ابی طالب ابن شهر آشوب، جمال الأسبوع، الطرائف، فلاح السائل و كشف المحجة ابن طاووس، المحضر حسن بن سلیمان حلی،^۱ بحار الأنوار محمد باقر مجلسی (با واسطه المحضر حسن بن سلیمان)، و مستدرک الوسائل میرزا حسین نوری (با واسطه مناقب آل ابی طالب).^۲

موضوع کتاب الشفاء و الجلاء، به تصریح اکثر کتاب شناسان متقدم -مانند: نجاشی، شیخ طوسی، ابن شهر آشوب و علامه حلی-، در زمینه غیبت امام دوازدهم است و آن را کتابی نیکو^۳ در این زمینه دانسته‌اند.^۴ گزارش‌ها و روایت‌هایی که از آن کتاب، نقل شده در باره موضوعاتی است از این دست: ملاقات‌هایی با امام زمان (عج) در دوره غیبت کبرا،^۵ فضائل ائمه (عج) -همچون: آگاهی پیشین امام علی (عج) از خیانت ابو موسی اشعری،^۶ مهریه فاطمه زهرا (عج)،^۷ و آگاهی امام رضا (عج) از امور غیبی و زبان‌های مختلف -^۸، گفتگو در باره جانشین امام رضا (عج)،^۹ کیفیت صلوات بر محمد و آل محمد (عج)،^{۱۰} لزوم قصد در صحت طلاق، و تحریم ازدواج خواهر.^{۱۱}

۲. الإمامة و التبصرة من الحيرة

مؤلف: ابن بابویه قمی

۱. بحار الأنوار، ج ۸، ص ۳۴۷؛ ج ۱۴، ۳۶۱.

۲. جمال الأسبوع، ص ۳۰-۳۶؛ الطرائف، ص ۵۱۱؛ فلاح السائل، ص ۱۶۵؛ كشف المحجة، ص ۵۳؛ بحار الأنوار، ج ۶ ص ۲۴۳، ج ۱۱، ص ۲۲۶، ج ۱۳، ص ۲۵۰، ج ۱۴، ص ۴۵۸، ج ۲۷، ص ۱۳۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۹۱.

۳. الفهرست، طوسی، همان جا.

۴. كشف المحجة، ص ۵۳.

۵. فلاح السائل، همان جا؛ جمال الأسبوع، همان جا؛ النبیة، طوسی، ص ۱۳۳-۱۳۵.

۶. الطرائف، همان جا.

۷. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۲۸-۱۳۰.

۸. همان، ج ۳، ص ۴۴۶-۴۶۰.

۹. همان، ج ۳، ص ۵۲۶.

۱۰. جمال الأسبوع، ص ۳۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۴۷.

۱۱. به ترتیب مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۹۱، ج ۱۴، ص ۳۶۱.

تحقیق: گروه تحقیق مدرسه الإمام المهدي علیه السلام

ناشر: مدرسه الامام المهدي علیه السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.

در تحقیق کتاب، از دو نسخه خطی مصور استفاده شده است که هر دو، متعلق به سده یازدهم اند: یکی نسخه محمد باقر مجلسی در کتاب خانه سید محمد علی روضاتی، و دیگری نسخه موجود در کتاب عوالم العلوم، نوشته شیخ عبد الله بن نور الله بحرانی، معاصر و شاگرد محمد باقر مجلسی.^۱ این نسخه را، توسط ابن محمد رضا معروف به قاسم، با عنوان الإمامة والتبصرة و به نام علی بن حسین بن بابویه، در سال ۱۰۹۷ ق، کتابت کرده است.^۲ نسخه اول، شامل دو قسمت است: قسمت اول، کتاب الإمامة والتبصرة من الحيرة و قسمت دوم، جامع الأحادیث جعفر بن احمد بن علی قمی. برخی از کتاب شناسان، چون میرزا حسین نوری و آقا بزرگ تهرانی، در انتساب الإمامة والتبصرة به ابن بابویه قمی، تردید کرده اند. آنان در بررسی انتساب این کتاب به ابن بابویه، مطالبی را ملاک قرار داده اند که در بحار الأنوار، از آن نقل شده است. به موجب این بررسی، معلوم شد که برخی از مشایخ مؤلف این کتاب، در طبقه مشایخ ابن بابویه قرار ندارند؛ بلکه در طبقه فرزند او، شیخ صدوق، جای می گیرند؛ مانند: هارون بن موسی تلعبری (م ۳۸۵ ق)، حسن بن حمزه علوی، سهل بن احمد دیباجی (م ۳۷۰ ق) و ابو مفضل شیبانی (م ۳۸۷ ق).^۳ با پیدا شدن دو نسخه خطی یاد شده، معلوم شد که آنچه میرزا حسین نوری و آقا بزرگ تهرانی بدان استناد کرده اند، روایاتی از جامع الأحادیث ابن رازی، معاصر شیخ صدوق بوده است. گذشت که نسخه محمد باقر مجلسی، مشتمل بر هر دو کتاب بوده است؛^۴ اما وی به جهت افتادگی صفحات آغازین و پایانی جامع الأحادیث، نتوانسته بود مؤلف آن را بشناسد

۱. الإمامة و التبصرة، ص ۱۵-۱۶، مقدمه محقق.

۲. همان، ص ۱۸.

۳. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۸۳؛ الذریعة، ج ۲، ص ۳۴۲.

۴. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۶.

و به علت، با اشاره به وجود دو کتاب در یک نسخه، همه روایات منقول از آن نسخه را با نام الإمامة والتبصرة آورده است. برخی از پژوهشگران معاصر، روایات منسوب به الإمامة والتبصرة را در بحار الأنوار و مستدرک الوسائل، بررسی و روشن کرده اند که همه موارد منقول از مشایخ یاد شده، نقل از جامع الأحادیث بوده است.^۱

الإمامة والتبصرة، توسط گروه تحقیق مدرسه امام المهدی علیه السلام و محمد جواد حسینی جلالی، تحقیق شده و با دو مقدمه مفصل - یکی از سید محمد باقر موحدی ابطحی، و دیگری از محمد رضا حسینی جلالی - به چاپ رسیده است. این نسخه چاپی، شامل مقدمه ای است در شرح حال ابن بابویه، و سپس مقدمه مؤلف، متن اصلی کتاب و مستدرکات.

تأمل در عنوان کتاب، مقدمه مؤلف و عناوین ابواب آن، چنین می نمایاند که ابن بابویه در این کتاب، دو هدف را دنبال می کرده است: یکی اثبات امامت دوازده امام علیهم السلام و دیگری، مسائل تاریخی، اعتقادی و بویژه اجتماعی مربوط به غیبت امام دوازدهم علیه السلام. علی بن بابویه در مقدمه مبسوط کتاب، به اسرار غیبت و غایات اجتماعی آن پرداخته و در اصل کتاب، نصوص بر امامت ائمه تا امام رضا علیه السلام را آورده است. این برداشت از مقدمه و عنوان کتاب، قرینه است بر این که وی موفق به تکمیل کتاب نشده است. از دیگر سو، باب «النوادر» را که پس از باب مربوط به امام رضا علیه السلام آمده، می توان گویای آن دانست که او همین مقدار را در نظر داشته است. گروه تحقیق مدرسه المهدی، با استناد به کتب شیخ صدوق، در بخشی با عنوان «مستدرک» باب های دیگری را بر کتاب افزوده اند تا مطالب آن تا امام دوازدهم، تکمیل شود. نیز روایات این کتاب را در مصادر حدیثی سده چهارم به بعد، استخراج کرده، در پاورقی آورده اند.

به هر حال، علی بن بابویه در مقدمه این کتاب، به روش کلامی بحث کرده و در

اصل کتاب، چونان محدثی تمام عیار ظاهر شده و احادیث را با اسناد کامل و گاه از چند طریق، نقل کرده است. وی در مقدمه، بارها تأکید کرده که تنهار وایات صحیح را در این کتاب آورده است.^۱ به گفته محقق کتاب، از ۸۷ حدیث کتاب، پانزده حدیث را تنها در این کتاب می‌توان یافت.^۲

متن اصلی کتاب، در ۲۳ باب با عناوین مشخص، شامل ۸۷ حدیث است. باب اول تا سوم، در باره جایگاه امامت در دستگاه کلامی شیعه است. موضوع دیگر باب‌های کتاب، چنین است: اختصاص امامت به آل محمد علیهم‌السلام، انحصار امامت در فرزندان امام حسین علیه‌السلام، علت اجتماع امامت در حسن و حسین علیهم‌السلام، و عدم اجتماع امامت پس از آنان در دو برادر، وارد نشدن امامت در عمو و دایی و برادر، امامت علی بن حسین علیه‌السلام و ابطال امامت محمد بن حنفیه، امامت امام باقر علیه‌السلام، امامت امام صادق علیه‌السلام، امامت موسی بن جعفر علیه‌السلام، ابطال امامت اسماعیل بن جعفر، ابطال امامت عبد الله بن جعفر، سبب آن که برخی قائل به وقف شدند، امامت علی بن موسی علیه‌السلام، لزوم شناخت امام، معنای شناخت امام، تکلیف مردم پس از درگذشت امام، پیامد انکار امام و شریک قرار دادن برای او.

کتاب باباب «النوادر» پایان می‌یابد. مستدرک کتاب نیز در چهارده باب، شامل ۷۹ روایت است که از کتاب کمال الدین و تمام النعمة و گاه از التوحید شیخ صدوق (فرزند مؤلف) استخراج شده‌اند. امامت امام جواد، امام هادی و حضرت قائم علیهم‌السلام، ویژگی‌های امام دوازدهم و مسائل دوران غیبت، در ابواب بخش مستدرک مطرح شده است.

کتاب الإمامة و التبصرة من الحيرة، از مصادر کتاب‌های بسیاری است؛ مانند: الغیبة ی نعمانی، کمال الدین شیخ صدوق، الغیبة ی شیخ طوسی، بحار الأنوار و مستدرک الوسائل.

۱. الإمامة و التبصرة، ص ۱۹.

۲. همان، ص ۱۱۶، مقدمه محقق.

۳. الإستغاثة فی بدع الثلاثة

مؤلف: ابو القاسم کوفی

محقق: ناشناخته

ناشر: اداره نشر و اشاعه احقاق الحق، پاکستان، ۱۴۰۸ ق.

در تحقیق کتاب، از نسخه‌ای به خط اسفندیار بن سلام الله حسنی حسینی طباطبائی، متعلق به سال ۱۰۴۸ ق، استفاده شده است.^۱ چندین نسخه از این کتاب، در ایران و عراق موجود است، از جمله: نسخه‌ای با تاریخ کتابت ۹۶۹ ق، در کتابخانه آستان قدس رضوی،^۲ و نسخه‌ای همراه با تحفة النجباء فی مناقب آل العباء (ع) نوشته سید عبد الرحیم حسینی، که گویا متعلق به سده نهم و دهم است.^۳

کتاب الاستغاثة، چندین بار در یک یا دو مجلد، و یک بار با ترجمه مرحوم فلاطوری، چاپ شده است. این کتاب با چند عنوان: البدع المحدثه،^۴ الاستغاثة فی بدع الثلاثة،^۵ و الإغاثة فی بدع الثلاثة، معرفی شده است.

انتساب الإستغاثة به ابو القاسم کوفی، معروف است و در مصادر اولیه کتاب‌شناسی، در شمار تألیفات ابو القاسم کوفی ذکر شده است. با این حال، در آن تردید نیز شده است. محمد باقر مجلسی با توصیف آن به کتابی مشهور، آن را به ابن میثم بحرانی (م ۶۷۹ ق) شارح نهج البلاغة نسبت داده است.^۶ گویا به پیروی از او، شیخ عبد النبی کاظمی (م ۱۲۵۶ ق)^۷ و شیخ سلیمان بحرانی استاد یوسف بحرانی

۱. الاستغاثة، ج ۲، ص ۸۶.

۲. الذریعة، ج ۲، ص ۲۹.

۳. «فهرس مخطوطات مکتبه امیر المؤمنین العامة»، سید عبد العزیز طباطبائی، تراثنا، ش ۵۶ ص ۲۸۲.

۴. نجاشی، ص ۲۶۶؛ معالم العلماء، ص ۹۹.

۵. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۷، ۱۹، ۳؛ ریاض العلماء، ج ۳، ص ۳۵۵؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۶۳؛

الذریعة، ج ۲، ص ۲۸.

۶. بحار الأنوار، همان جا.

۷. تکملة کاظمی، ج ۲، ص ۱۵۹؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۷۲.

(م ۱۱۰۷ ق)^۱ نیز چنین رأیی داشته‌اند؛ اگرچه به گفته یوسف بحرانی و شیخ عبد الله بن صالح بحرانی، شاگرد دیگر شیخ سلیمان، او از این رأی عدول کرد.^۲

انتساب این کتاب به ابن میثم، درست نیست؛ چرا که مؤلف الاستغاثه، از علی بن ابراهیم قمی، بلا واسطه روایت کرده^۳؛ در حالی که علی بن ابراهیم، از مشایخ کلینی است و با طبقه ابو القاسم کوفی سازگار است. دیگر آن که همو متذکر شده است که نَسَب سادات عصر او، با شش یا هفت واسطه، به امام زین العابدین علیه السلام می‌رسد^۴ و این نیز با طبقه ابو القاسم سازگار است.^۵

الاستغاثه کتابی کلامی، تاریخی و نقد الحدیثی است. نسخه چاپی این کتاب، در دو مجلد و شامل مقدمه محقق، مقدمه مؤلف و متن اصلی است. در مقدمه محقق، شرح حال مؤلف، انتساب کتاب به ابو القاسم و موضوع آن، مطرح شده و در مقدمه مؤلف، انگیزه تألیف آمده است. ابو القاسم کوفی در باره انگیزه تألیف این کتاب، به پراکندگی، تکثر و اختلاف مسلمانان اشاره کرده و این که رویکرد غالب فرقه‌ها و مذاهب پدید آمده، بی توجهی به احکام اسلام است. وی سبب اصلی آن را دور شدن امام علی علیه السلام از مقام خلافت پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز تحریف‌ها و بدعت‌های خلفا دانسته و بر این اساس، برای روشن کردن اذهان و مقابله با برخی کج‌اندیشی‌ها و تعصب‌های بی‌منطق، این کتاب را تألیف کرده است.^۶

متن اصلی کتاب، در دو جزء فراهم شده است: جزء اول، در باره جایگاه بی‌بدیل اهل بیت و بویژه امام علی علیه السلام، بیان نامایمات بر آن امام پس از درگذشت پیامبر

۱. لؤلؤ البحرين، ص ۲۶۰؛ ریاض العلماء، همان جا؛ خاتمة مستدرک الوسائل، همان جا.

۲. لؤلؤ البحرين، همان جا.

۳. الاستغاثه، ج ۱، ص ۲۹.

۴. همان، ج ۱، ص ۸۳.

۵. الاستغاثه، ج ۱، ص ۷-۸، مقدمه محقق کتاب.

۶. الاستغاثه، ج ۱، ص ۲-۱.

خدا ﷺ و بدعت‌های خلفاست. جزء دوم، در نقد روایات و گزارش‌هایی است که فضائل و مناقب خلفا را مطرح می‌کنند.

ابو القاسم کوفی در تبیین این مسائل و مباحث، از قرآن، روایات، تاریخ و عقل بهره گرفته است. از این رو، کتاب وی افزون بر ارزش تاریخی و روایی و کلامی، در نقد متنی و محتوایی حدیث نیز ارزش فراوان دارد. وی با استناد به آیات قرآن و قول و فعل پیامبر خدا ﷺ، برخی از کارهای خلفا را بدعت در دین شمرده است. به گزارش او، هر یک از خلفا، بیش از پنج بدعت در دین نهاده‌اند، که مهم‌ترینشان را چنین می‌توان برشمرد:

بدعت‌های خلیفه اول: امارت بر مسلمانان به عنوان خلیفه پیامبر ﷺ، تعیین حقوقی از بیت المال برای خود در برابر مقام خلافت، قرار دادن شرط عدالت برای پذیرفتن آیه‌های قرآن در جریان گردآوری قرآن - با هدف از رسمیت انداختن مصحف امام علی علیه السلام و به علت ترس از عیان شدن مفاسد خود -، معرفی عمر برای خلافت و جانشینی خود، بدون نظرخواهی از مردم.^۱

بدعت‌های خلیفه دوم: شستن پاها و منع مسح آن دو در وضو، حذف «حی علی خیر العمل» از اذان و اقامه، گفتن «آمین» پس از خواندن سوره حمد، خواندن نماز مغرب پیش از آشکار شدن ستاره‌ای از ستارگان، روا شمردن نماز تراویح در شب‌های ماه رمضان، تغییر محل مقام ابراهیم علیه السلام از جای پیشین که پیامبر ﷺ نیز تأیید کرده بود، نهی از متعه نسا و متعه حج که در زمان پیامبر ﷺ حلال بودند، بدعت در نکاح و طلاق؛ یعنی مطرح کردن طلاق بدعت در برابر طلاق سنت، و منع عرب از تزویج با عجم و به عکس.^۲

بدعت‌های خلیفه سوم: قرار دادن حق الاجاره برای کوه‌ها و دشت‌ها جهت

۱. الاستغاثه، به ترتیب: ج ۱، ص ۱۲-۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۲.

۲. همان، به ترتیب: ص ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۲۸-۲۹، ۳۴-۳۵، ۳۶، ۴۰-۴۱، ۴۴-۴۵.

چرانیدن گوسفندان و چهارپایان، سوزاندن و از بین بردن مصاحف، تبعید ابوذر غفاری - که پیامبر ﷺ او را صادق‌ترین فرد دانسته بود - به ربهذه، تغییر دادن روز عید و جابه‌جا کردن زمان خواندن خطبه در مکه از روز دهم ماه ذی حجه (روز قربانی) به روز نهم، اجرا نکردن حکم قصاص بر عبد الله بن عمر که هرمنان را کشت؛ چون گمان داشت که وی در قتل پدرش نقش داشته است.^۱

در جزء دوم، ۳۲ روایت از پیامبر ﷺ و گزارش‌هایی در مناقب خلفا آمده است. مفاد برخی از این روایات، چنین است: پیش نماز شدن ابو بکر به جای پیامبر ﷺ در هنگام بیماری منجر به ارتحال ایشان، توصیف ابو بکر به «مصاحب پیامبر» در جریان پنهان شدن در غار هنگام هجرت آن حضرت به مدینه، قرار داشتن ابو بکر و عمر به عنوان دو وزیر پیامبر ﷺ، توصیف اموال ابو بکر (در ازدواج عایشه و انفاق چهل هزار) از زبان پیامبر ﷺ به عنوان سودمندترین مال، دستور پیامبر ﷺ به اقتدا به ابو بکر و عمر پس از خود، توصیف آن دو به «دو آقای پیران بهشت»، اعلم و افضل بودن ابو بکر و عمر، توصیف ابو بکر به «صدیق» و عمر به «فاروق» در نوشته‌ای روی ساق عرش در آسمان، نجات یافتن عمر ابن خطاب به تنهایی از عذاب آسمانی، صلاحیت عمر برای دریافت وحی، فرار کردن شیطان از عمر و ترس او از وی، آرام بخش بودن زبان عمر، هم‌زانونشینی عثمان با پیامبر ﷺ، ازدواج عثمان با رقیه و زینب دختران پیامبر، بهشتی شدن عثمان، حیا کردن فرشتگان از عثمان، توصیف ابو بکر و عمر و عثمان و علی به «افضل مردم پس از پیامبر ﷺ» و این که ابو بکر و عمر، مصداق این آیه اند: ﴿وَالسَّيْقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَنٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتُهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ و نیز مصداق یا مؤول آیه ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُنَاقِضُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ...﴾، و این که ابو بکر مصداق این آیه است: ﴿وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ﴾ و نیز مصداق

«من اتقی» در آیه «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى * وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى * فَسَنُيَسِّرُهُ وَلْيُسْرَى * وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى * وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى * فَسَنُيَسِّرُهُ وَلْيُعْسِرَى * ... وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى * الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى * وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى * إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى * وَلَسَوْفَ يَرْضَى» و وحی بر پیامبر ﷺ برای اعلام رضایت خدا از ابو بکر.

ابوالقاسم کوفی در قسمت بعدی این جزء، به نقد روایات یاد شده، پرداخته است. وی ابتدا به راه و روش نقد حدیث اشاره کرده و توضیح داده است که حدیث، از دو طریق اسناد و محتوا، نقد می شود معیار در نقد محتوایی، شواهد قرآنی و دلالت روایات اجماعی است. اگر شواهد در موافقت با روایتی بود، آن روایت حجت است و اگر در مخالفت بود، آن روایت باطل است و اگر شواهد بر تأیید یا مخالفت یافت نشد، باید توقف کرد.^۱ معیار در نقد اسناد، تأیید صداقت و وثوق راوی توسط پیامبر ﷺ و امر به پیروی اوست، و اهل بیت به استناد روایت ثقلین - که مورد اجماع فریقین است -، این ویژگی را دارند. ابوالقاسم کوفی در نقد روایات مربوط به مناقب خلفا، بر نقد محتوایی تکیه کرده^۲ و آنها را مخالف شواهد قرآنی و روایی شمرده و سندشان را از طریق غیر اهل بیت علیهم السلام دانسته است.^۳ وی این روایات را یک یک، نقل کرده و سپس با معیار قرآن و روایات صحیح و نیز با نمایاندن اختلاف متن در آنها، همه را نقد کرده است.

برای نمونه، در نقد فضیلت نخست - که حاکی از تقدّم ابو بکر در نماز به جای پیامبر ﷺ است -، با تکیه بر اختلاف در متن این روایت ها، همه را فاسد دانسته است توضیح این اختلاف در متن، چنین است که در یک روایت آمده: «أَنْ أَبَا بَكْرٍ صَلَّى بِالنَّاسِ أَيَّامًا فِي حَيَاةِ الرَّسُولِ ﷺ فِي عِلَّتِهِ»؛ ولی در روایت دیگر آمده: «إِنَّهُ قَدَّمَهُ لَصَلَاةٍ

۱. همان، ج ۲، ص ۱۲.

۲. الاستغاثة، ج ۲، ص ۱۱.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۳.

واحدة وهى الصلاة التى توفى عقبها».

روایت دیگر در این باره، چنین است: «لَمَّا كَبَّرَ أَبُو بَكْرٍ فِي الْمَحْرَابِ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بَيْنَ عَلِيٍّ وَالفَضْلِ بْنِ الْعَبَّاسِ وَرِجْلَاهُ تَخْطَأَانِ فِي الْأَرْضِ ضَعْفًا مِنَ الْعِلَّةِ، فَدَخَلَ الْمَحْرَابَ وَصَلَّى بِالنَّاسِ قَاعِدًا». اما این روایت نیز مختلف نقل شده است. به موجب یک روایت: «إِنَّهُ أَزَالَ أَبَابَكْرَ عَنِ الْمَحْرَابِ وَأَقَامَهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الصَّفِّ الْأَوَّلِ، فَكَانَ أَبُو بَكْرٍ يَصَلِّي بِصَلَاةِ الرَّسُولِ ﷺ وَالنَّاسُ يَصَلُّونَ بِصَلَاةِ أَبِي بَكْرٍ» و به روایت دیگر: «بَقِيَ مَعَهُ فِي الْمَحْرَابِ يَصَلِّيَانِ جَمِيعًا».

اختلاف در روایتی که در باره برترین منقبت ابوبکر نقل شده، شاهد روشنی بر بطلان آن است.^۱ از دیگر سو، محال است که پیامبر خدا ﷺ کسی را پیش نماز کند و نمازگزاران ندانند که آیا او نماز خواند یا نخواند، آیا پیامبر او را کنار زد یا کنار نزد.

این کتاب با همه فراز و فرودهایش، مورد اعتماد واقع شده است. ابن شهر آشوب، محمد باقر مجلسی، علی بن یونس بیاضی، قاضی شوشتری و میرزا حسین نوری، از این کتاب نقل کرده‌اند.^۲ کتاب الاستغاثة، افزون بر این مصادر حدیثی، از مصادر کتاب‌های تاریخی و کلامی بسیاری است که در یک سده اخیر تألیف شده‌اند.

۴. کتاب الغیبة

مؤلف: ابن ابی زینب نعمانی

تحقیق و تخریج: فارس حسون کریم

ناشر: انوار الهدی، قم، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.

در تحقیق کتاب الغیبة، از چند نسخه خطی و چاپی استفاده شده است: یکی نسخه چاپ بیروت در ۱۴۰۳ ق، که پرخطا بوده، و نسخه‌های چاپ تهران در ۱۳۹۷ ق،

۱. همان، ج ۲، ص ۱۴-۱۵.

۲. مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۳۶۴؛ بحار الأنوار، همان جا؛ الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۵۰؛ الصوارم المهرقة، ص ۲۰-۲۱، ۳۳۹-۳۴۰؛ إحقاق الحق، ص ۲۱۵؛ خاتمة مستدرک الوسائل، همان جا.

با تحقیق علی اکبر غفاری که با چند نسخه خطی، مقابله شده است (از جمله، با دو نسخه در کتابخانه ملک در تهران: یکی به تاریخ تحریر ۱۰۷۷ ق، که در صفحات آغازین و پایانی، افتادگی دارد، و نسخه‌ای دیگر که به قرینه خط آن، گویا در حدود سده دهم تحریر شده است). نیز نسخه موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی، به تاریخ تحریر ۵۷۷ ق، و نسخه کتابخانه دانشگاه تهران که نوشته‌ای به خط میرزا حسین نوری در ۱۲۸۹ ق، روی آن است.^۱ الغیبة بارها چاپ شده است؛ از جمله، در تهران و به سال ۱۳۱۸ ق.

معرفی این کتاب با همین عنوان^۲ و یا ملاء العیبة فی طول الغیبة^۳ آمده است. انتساب الغیبة به ابن ابی زینب نعمانی، معروف و بلکه متواتر است و از مصادر کتاب‌های حدیثی و کلامی بی شماری است؛ مانند الإرشاد، الإستهصار، الغیبة ی طوسی، قصص الأئمة راوندی، بحار الأنوار، وسائل الشیعة، مدینه المعاجز، عوامل العلوم، مستدرک الوسائل و دها کتاب دیگر در زمینه غیبت امام دوازدهم علیه السلام.

نسخه چاپی الغیبة، شامل مقدمه محقق، مقدمه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، پس از شرح حال مؤلف، به معرفی نسخه‌های خطی و چاپی کتاب، جایگاه و اعتبار تألیف و ویژگی‌های آن، پرداخته شده است. مقدمه بلند مؤلف، شامل انگیزه تألیف و اشاره به باب‌های آن است. به موجب این مقدمه، شیعیان در مسئله غیبت امام دوازدهم، پراکنده و در حیرت، دچار تردید بودند: برخی در راه افراط قدم می‌زدند و برخی در طریق تقریط و تقصیر.^۴ به گفته نعمانی، کم‌دانی نسبت به روایات در این باب و کم تأملی و بی‌درایتی در آنها - که درایت در روایت، توصیه معصوم

۱. الغیبة، نعمانی، ص ۱۴-۱۵.

۲. الإرشاد، ج ۲، ص ۳۵۰؛ رجال التجاشی، ص ۳۸۳؛ معالم العلماء، ص ۱۵۳؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۲۳۳؛ الذریعة،

ج ۱۶، ص ۷۹.

۳. الذریعة، ج ۲۲، ص ۱۸۳؛ معجم ما کب عن الرسول و أهل البيت علیهم السلام، ج ۹، ص ۲۱۷، ۲۶۱.

۴. الغیبة، نعمانی، ص ۲۷-۲۸.

است،^۱ سبب این تحیر و پراکندگی بوده و افزون بر آن، دنیاطلبی، نفاق و تظاهر به هدف، ریا و ضعف ایمان بوده است. مؤلف به اقتضای وضعیت و عوامل یاد شده، و نیز در جهت سفارش معصومان علیهم‌السلام به انتشار و انتقال علم توسط اهل علم و دانایان، این کتاب را تألیف کرد.

کتاب الغیبة در ۲۶ باب و شش فصل با عناوین مشخص و گاه بدون عنوان، سامان یافته است. صفحات آن، با ذکر نصوص بر امامت امام دوازدهم آغاز می‌شود و سپس به این مطالب می‌پردازد: خالی نماندن زمین از حجت، غیبت امام مهدی علیه‌السلام، اوصاف و سیره و حکم و آیات و فضائل او، علامات و نشانه‌های پیش از قیام، انطباق حبل الله بر امامت و تعیین امام توسط خدا، امامت عهد و امانت الهی، این که ائمه علیهم‌السلام دوازده امام‌اند، قرائنی از کتب آسمانی قرآن و تورات و انجیل بر شمار آنان، روایات منقول از طریق عامه و امامیه در این باره، حکم کسی که ادعای امامت کند، کسی که بپندارد امام است و امام نباشد، پرچمی که پیش از قیام قائم علیه‌السلام بر افراشته شود، شک و تردید در یکی از امامان، کسی که بخوابد و امام خود را شناسد، خالی نشدن زمین از حجت خدا، این که «اگر در زمین تنها دو نفر باقی بمانند، یکی از آن دو، حجت خداست»، غیبت امام، غیبت امام دوازدهم در کلام امیر مؤمنان و سایر ائمه علیهم‌السلام، وظیفه شیعیان در دوره غیبت، پراکندگی شیعیان در دوره غیبت و این که «تنها گروهی اندک، بر حقیقت امر باقی می‌مانند»، شدت و فشار پیش از قیام حجت، آیاتی که در شأن امام دوازدهم نازل شده است، منع از توقیت و بردن نام صاحب الامر، کسانی که قائم را به هنگام قیام ملاقات می‌کنند، جیش غضب (سپاه قائم) و تعداد افراد آن، سفیانی، احوال شیعه به هنگام خروج قائم و پیش و پس از آن، مدت حکومت قائم، اسماعیل فرزند امام صادق علیه‌السلام و بطلان ادعاهایی که در باره وی مطرح شده، و ده‌ها مطلب دیگر در باره امام دوازدهم.

از عناوین ابواب و چینش آنها، استفاده می‌شود که مطالب، بر پایه میزان اهمیت و جایگاه منطقی‌شان مرتب شده‌اند و مؤلف، این کتاب را برای شیعیان نگاشته تا اعتقاد آنها به امام دوازدهم، در برابر شبهه‌های مخالفان سست نشود و افراد سرگردان، از این وضعیت رهایی یابند. روایات کتاب، با اسناد کامل، از امامان معصوم علیهم‌السلام و گاه از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و از طریق اهل سنت، نقل شده است. این مطالب در یک نگاه کلی، در دو زمینه مطرح شده است: یکی در زمینه مبادی و مبانی اعتقادی غیبت، و دیگری در شرح حال امام دوازدهم و مسائل مربوط به غیبت.

نعمانی این کتاب را دور از موطن اصلی خود، در حلب تألیف کرده است.^۱ وی تصریح می‌کند که در این کتاب، تنها احادیثی را که در وقت تألیف در اختیار داشته، گرد آورده است؛ چون تمام روایاتی که در این زمینه داشته، آن هنگام در اختیار وی نبوده است. این کتاب، به استناد عبارت روی جلد یکی از نسخه‌های بسیار قدیمی، در ذی حجه ۳۴۲ ق، تألیف شده است.^۲ به نظر می‌رسد که این تاریخ، زمان روایت کتاب از سوی مؤلف برای شاگردش ابو الحسن شجاعی است. به علاوه، در متن کتاب، عبارت «وله الآن نیف و ثمانون» را در باره عمر امام دوازدهم گفته است.^۳ پس با توجه به قول صحیح در باره تاریخ ولادت امام زمان علیه‌السلام در (سال ۲۵۵ یا ۲۵۶ ق)، این کتاب را پس از سال ۳۳۶ تا ۳۴۲ ق، نوشته است.

راوی این کتاب، ابو الحسن محمد بن علی شجاعی، معروف به کاتب بوده است.^۴ وی کتاب الغیبة را در سال ۳۴۲ ق، نزد مؤلف خوانده است. نجاشی نیز خود، شاهد بوده که عده‌ای این کتاب را نزد شجاعی کاتب می‌خواندند.^۵ با توجه به این که نجاشی در سال ۳۷۲ ق، متولد شده، می‌توان حدس زد که ابو الحسن شجاعی، دست

۱. الغیبة، ص ۲۹.

۲. همان، ص ۲.

۳. همان، ص ۱۵۷.

۴. الغیبة، ص ۲۵.

۵. رجال التجاشی، ص ۳۸۳.

کم تا سال ۳۸۰ ق، زنده بوده است.

شیوه نعمانی در نقد اسنادی، بر تقه بودن راوی بدون لحاظ مذهب او، بوده است؛ چراکه او در این کتاب، از ابن عقده نیز روایت کرده و در باره او متذکر شده است که در وثاقت و خبرویت و حدیث شناسی و رجال شناسی ابن عقده، تردید و سخنی نیست.^۱

۵. شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام

مؤلف: قاضی نعمان مغربی

محقق: سید محمد حسین حسینی جلالی

ناشر: مؤسسه نشر اسلامی، جلد اول، ۱۴۰۹ ق؛ جلد دوم، ۱۴۱۰ ق؛ و جلد سوم، ۱۴۱۲ ق.

در تحقیق این کتاب از هفت نسخه خطی و یک نسخه چاپی استفاده شده است. این نسخه‌ها همگی ناقص‌اند و هر یک، شامل شماری از اجزای کتاب هستند. به موجب مقدمه سید محمد حسین حسینی جلالی، این نسخه‌ها از کتاب‌خانه‌های داخل و خارج ایران فراهم شده‌اند و کهن‌ترینشان متعلق به سده دوازدهم است.^۲

شرح الأخبار در مصادر اولیه، بجز معالم العلماء، ذکر نشده است.^۳ در مصادر متأخر، محمد باقر مجلسی، میرزا حسین نوری و آقا بزرگ تهرانی، از آن نام برده‌اند.^۴ به هر حال، انتساب این کتاب به قاضی نعمان، معروف است.^۵ و یکی از مصادر کتاب‌های حدیثی و کلامی است.^۶

۱. الغیة، نعمانی، ص ۳۲.

۲. شرح الأخبار، ج ۱، ص ۹، مقدمه محقق.

۳. معالم العلماء، ص ۱۶۱.

۴. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۹؛ خاتمة مستدرک لوسائل، ج ۱، ص ۱۶۰؛ الذریعة، ج ۱۳، ص ۶۶.

۵. شرح الأخبار، ج ۱، ص ۲۳، مقدمه محقق.

۶. مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۲۶؛ ج ۲، ص ۷۸، ۹۰، ۱۸۵، ۱۹۹، ۲۲۰؛ ج ۲، ص ۴۱؛ ج ۳،

شرح الأخبار در زمینه فضایل و مناقب ائمه علیهم السلام تا امام هفتم، و در راستای و تأیید و تقویت مذهب اسماعیلی است. نسخه چاپی کتاب با شانزده جزء، در سه مجلد فراهم شده و شامل چند بخش است: مقدمه مفصل محقق کتاب، خطبه مؤلف، اصل کتاب، و تخریج احادیث توسط محقق در پایان هر جلد. محقق در مقدمه، پس از به شرح حال مؤلف و مذهب او، به معرفی اجمالی مذهب اسماعیلی پرداخته و سپس در باره دیگر تألیفات قاضی نعمان، نسخه‌های خطی این کتاب و برخی از ویژگی‌های آن، سخن گفته است. به گفته وی، در این کتاب، روایاتی یافت می‌شود که یا در دیگر مصادر حدیث یافت نمی‌شود و یا بر اثر تقطیع، دستیابی به آنها، سخت دشوار است.^۱ با این حال، او در قسمت «تخریج احادیث» تلاش کرده برای روایات کتاب، شواهد و مؤیداتی از منابع حدیثی فریقین بیاورد.

از آن جا که قاضی نعمان، کتاب‌های خود را با ارشاد، موافقت، اذن یا تأیید خلفای فاطمی فراهم کرده است، آثار او را می‌توان آینه تمام‌نمای افکار خلفای فاطمی شمرد.^۲ وی اختصار اسانید و حذف متون مکرر را شیوه به کار رفته در کتاب ذکر کرده و این التزام را در هر مناسبتی، بازگفته است.^۳ قاضی نعمان روایات را یا از طریق سماع، مناوله و اجازه از معز، خلیفه فاطمی (م ۳۶۵ ق) دریافته است و یا از کتب معروفی استفاده کرده است که در کتاب‌خانه‌های فاطمیان؛ بویژه کتاب‌خانه معز در منصوریه و قاهره، فراوان یافت می‌شد. قاضی نعمان جز در مواردی اندک، مصادری را که از آنها استفاده کرده، نام نبرده است، روش وی این است که به نام مؤلفان اسناد می‌دهد. شاید این گونه اسناد، گویای آن باشد که وی روایات را از کتاب‌های آنان

۱. ص ۱۱۶، ۱۶۶، ۱۷۶، ۳۰۹: بحار الأنوار، ج ۲۰، ص ۹۳؛ ج ۲۳، ص ۳۷۱؛ ج ۳۷، ص ۲۶۰؛ ج ۳۸، ص ۴۶.

۲. ج ۲۰۶، ۲۰۴؛ ص ۴۰، ۱۶۴، ۲۲۹؛ ج ۴۳، ص ۲۵۱، ۲۵۴؛ ج ۴۴، ص ۱۹۷؛ ج ۴۵، ص ۳۲۹؛ الأربعین

للماحوزی، ص ۳۶۷؛ عوالم العلوم، ص ۳۹؛ مدینه المعاجز، ج ۲، ص ۳۰۸؛ الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۲۷۸.

۱. شرح الأخبار، ج ۱، ص ۱۱-۱۲، مقدمه محقق.

۲. شرح الأخبار، همان، ج ۱، ص ۷۶.

۳. شرح الأخبار، ج ۱، ص ۸۸، ۱۲۶.

دریافت کرده است و نه از دیگر راه‌های تحمّل حدیث. کتاب‌های قاضی نعمان، افزون بر ارزش حدیثی‌شان، منبعی برای دستیابی به کتاب‌های نایاب به شمار می‌روند؛ از جمله: المغازی محمد بن اسحاق بن یسار مطّلیبی (م ۱۵۱ ق)، المغازی محمد بن عمر بن واقدی (م ۲۰۷ ق)، المغازی علی بن هاشم (م ۳۰۷ ق)، المناقب احمد بن شعیب نسائی (م ۳۰۲ ق)، الغدير، طبری (م ۳۱۰ ق). گویا الغدير، تنها کتابی است که قاضی نعمان از آن با اسم، یاد کرده و فراوان نیز از آن نقل کرده است.

در خطبه مؤلف، این مطالب آمده است: بیان موضوع کتاب، گواهی به صحت روایات کتاب، اشاره به حذف اسانید و متون تکراری، و این تذکر که اخبار و آثار حاکی از فضائل ائمه ابرار علیهم‌السلام را بر حسب توان و امکان، فراهم کرده و تنها گزارش‌های صحیح آن را در این کتاب آورده است. معیار صحت روایات در نظر او، تأیید و اجازه خلیفه فاطمی، المعزّ لدین الله، است که وی از او به «ولی امر و صاحب زمان و عصر» یاد می‌کند^۱ و درباره سبب حذف اسانید کتاب، اعلام می‌کند که: «امام عصر، آنها را تأیید کرده است»^۲.

اصل کتاب در شانزده جزء افزون بر دویست عنوان دارد و ۱۴۶۰ روایت را در خود جای داده است. هریک از اجزای شانزده گانه، چندین عنوان هم افق را در بر می‌گیرد، بدین شرح:

جزء اول: درباره فضائل و مناقب امام علی علیه‌السلام از زبان پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و با حدیث «أنا مدینه العلم و علی بابها» آغاز می‌شود و سپس این مطالب می‌آید: «أفضاکم علی»، «علیّ منی و أنا من علی»، «أنت منی بمنزلة هارون من موسی»، «من كنت مولاه فعلیّ مولاه»، علی علیه‌السلام نفس پیامبر، «علیّ منی؛ یؤدّی دینی و یقضی عداّتی»، «علیّ امیر المؤمنین و الوصی و الخلیفه»، و حدیث طبر.

جزء دوم: با پیش‌گامی امام علی علیه‌السلام در اسلام، شروع می‌شود و سپس این مطالب

۱. شرح الأخبار، ج ۱، ص ۸۷.

۲. همان، ص ۸۸.

می‌آید: اختصاص علی علیه السلام به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله. برتری علی علیه السلام (با تصریح به نام)، فرمان برداری علی علیه السلام و عدم مفارقت او، دستور پیامبر به پیروی از علی علیه السلام و نهی از مفارقت او، ولایت علی علیه السلام و ولایت ائمه علیهم السلام.

جزء سوم: با بحث دربارهٔ جهاد علی علیه السلام آغاز می‌شود و سپس دربارهٔ جهاد او در غزوه‌های بدر، احد، حمراء الأسد، خندق، خیبر، فتح مکه، غزوهٔ بنی جذیمه، غزوهٔ حنین، سریه‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله، و دربارهٔ فضیلت جهاد و مجاهدان.

جزء چهارم: جهاد علی علیه السلام با ناکثین و قاسطین و مارقین، عوامل اختلاف پس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مانند سقیفه، خطبهٔ علی علیه السلام پس از بیعت با او، جنگ جمل، جنگ صفین....

جزء پنجم: ادامهٔ گزارش، دربارهٔ جهاد امام علی علیه السلام با قاسطین، مقتل عبید الله بن عمر، کتاب ابن ابی رافع کاتب امام علی علیه السلام، شهدای بنی عبد المطلب در رکاب علی علیه السلام جنگ نهروان، ابن عباس و خوارج، ابن عباس و معاویه، پشیمانی عایشه، فراخوانی، دعوت علی علیه السلام برای جنگ با معاویه پس از جنگ با خوارج، معرفی متخلفان از دستور علی علیه السلام.

جزء ششم: فضائل پنداری، بهانه جویی با خون خواهی عثمان، سعد بن ابی وقاص، بهانه و حجت خوارج در جدا شدن از علی علیه السلام، ابو سفیان، معاویه بن ابی سفیان، مقتل حجر بن عدی.

جزء هفتم: مناقب امام علی علیه السلام و ردّ شبهات، احتجاج علی علیه السلام در شورای عمر، سعد بن ابی وقاص و موضع او در برابر کسی که امام علی علیه السلام را دشنام داد، حدیث «سَدُّ الأبواب»، وجوه برتری، شناخت فاضل و مفضل.

جزء هشتم: دلایل لزوم اطاعت از امام علی علیه السلام، حرکت در خط و مسیر امیر المؤمنین، دعای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بارهٔ علی علیه السلام، قضاوت امیر المؤمنین علیه السلام.

جزء نهم: آیاتی که در شأن علی علیه السلام نازل شده‌اند، آیهٔ ولایت، ازدواج فاطمه علیها السلام با علی علیه السلام، زهد امیر المؤمنین، خبر راهب، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و فضائل علی علیه السلام، حدیث

دینار، علی علیه السلام با ملائکه.

جزء دهم: معرفی معاویه، شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله به بهشتی بودن علی علیه السلام و موقعیت و مقام او در آخرت، فضائل اهل بیت علیهم السلام.

جزء یازدهم: فضائل دیگر اهل بیت، دوستی با اهل بیت علیهم السلام، منقطع شدن همه نسب‌ها در قیامت، مگر نسب پیامبر صلی الله علیه و آله، توبه آدم علیه السلام، آیین ابراهیم علیه السلام، حدیث «أساس الإسلام حبنا أهل البيت»، «ذریة طیبة»، «أهل البيت علیهم السلام أمانٌ للأمة»، حدیث کبر، فضائل فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا، «فدك لفاطمة»، «الله يأمر بتزويج فاطمة»، ماجرای شب زفاف حضرت فاطمه، حدیث «یغضب الله لغضب فاطمة»، «فاطمة بضعة منی»، حضرت فاطمه علیها السلام و اسماء دختر عمیس، درخواست فاطمه برای گرفتن میراث خود، خطبه الزهراء و شرح آن، تسبیح حضرت زهراء «الحسن و الحسين علیهم السلام سیدا شباب أهل الجنة»، «مَنْ أَحَبَّنِي فَلِيُحِبَّ هَذَيْنِ»، «الحسنان يتصارعان»، «نعم الراكبان»، ابو هریره و امام حسن علیه السلام.

جزء دوازدهم: درباره فضائل امام حسن و امام حسین علیهم السلام: نام‌گذاری آنان، داستان به دنیا آمدن، مولد امام حسن و امام حسین علیهم السلام، «مَنْ أَحَبَّنَا فَهُوَ معنا»، ریحاننا الرسول صلی الله علیه و آله، أفضل الأسباط، امام حسن علیه السلام و معاویه، مصائب امام حسن علیه السلام، وصیت امام حسن علیه السلام، نقش عایشه در دفن امام حسن علیه السلام، دختر اشعث؛ قاتل و خائن، مقتل امام حسین علیه السلام، حادثه‌ای که آسمان و زمین بر آن گریستند، تعیین محل شهادت امام حسین علیه السلام توسط امیر المؤمنین، «لا بارک الله فی یزید»، هرثمه و حدیث شهادت، حرکت به سوی کربلا، مصائب سرزمین طف، مسلم بن عقیل، دیدار حرّ با امام حسین علیه السلام، خطبه امام در میان اصحاب، ملحق شدن حرّ به امام حسین، به خاک افتادن علی پسر امام حسین، شهادت امام حسین، وقایع پس از شهادت، مجلس ابن الباغیة (عبید الله بن زیاد)، اهل بیت در شام.

جزء سیزدهم: حوادث عاشورا، کسانی که همراه امام حسین علیه السلام کشته شدند، فرزندان امام حسین علیه السلام، قاسم بن حسن، عبد الله بن حسن، عباس و برادران [مادری] او، فرزندان عقیل، خانواده امیر المؤمنین، جعفر بن ابی طالب، جعفر هاجر هجرتین،

اولاد عبد المطلب، ابو طالب، حمزة بن عبد المطلب، عباس بن عبد المطلب، عقیل بن ابی طالب، عبد الله بن عباس، فضائل ائمه که از اولاد امام حسین علیه السلام هستند، فضائل علی بن حسین امام زین العابدین علیه السلام، عبادت او، دعای او، زهد او، امام سجّاد و ابن شهاب زهّری، فتنه ابن زبیر، قصیده فرزدق، در مدح امام زین العابدین علیه السلام، امام محمد باقر علیه السلام.

جزء چهاردهم: درباره امام جعفر بن محمد صادق علیه السلام و امامان پنهان و مستور، جاری شدن جمله «سلونی قبل أن تفقدونی» بر زبان امام صادق علیه السلام، امام صادق و ابو حنیفه، معرفی بعضی از فرقه‌های شیعه فطّحیه قطعیه، کیسانیه وزیدیه، یحیی بن زید، شهید فخّ، یحیی بن عبد الله، ادریس بن عبد الله، حسن بن حسین بن زید، ولایت عهدی امام رضا علیه السلام، شهادت امام رضا علیه السلام، روزگار معتصم، روزگار مستعین، روزگار معتمد عباسی، ظهور مهدی فاطمی، معالم و نشانه‌های مهدی، المتشبه بالمهدی، حدیثی درباره انتظار، اتباع المهدی والقیام معه، الصادق علیه السلام مع قوم من أهل الكوفة.

جزء پانزدهم: ادامه مطالب درباره مهدی: معالم المهدی و بشاراته، خطبه امیر المؤمنین فی الکوفة، سیره المهدی، المهدی هو الفاتح للقسطنطینیه، صفة المهدی، مِمَّنْ هو المهدی؟، الفِتن ثلاث، المهدی من نسل فاطمة علیها السلام، بدء الدعوة الفاطمیه، المهدی والدلائل علیه فی الیمن، فی شمال إفريقيا.

جزء شانزدهم: درباره صفات شیعه علی علیه السلام، «من مات علی الولاية»، مقام الموالی، الرسول صلی الله علیه و آله و شیعة علی، صفة من یتغض علیاً امیر المؤمنین علیه السلام، الرسول صلی الله علیه و آله یتستغفر لشیعة علی، من دَمَعَتْ عیناه فینا، عبد مات علی حبّ علی، العبادة بدون الولاية، تفرحون لفرحنا، صفات الشیعة.

۶. نوادر المعجزات فی مناقب الأئمة الهداة علیهم السلام

مؤلف: ابن جریر طبری

تحقیق و نشر: مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.

در تصحیح کتاب، افزون بر دیگر کتاب‌های حدیثی، از نسخه‌ای استفاده کرده‌اند از نسخه‌ای که گویا در سده سیزدهم^۱ کتابت شده است.^۲ موارد اختلاف دیگر مصادر حدیثی با این نسخه خطی، در پاورقی ذکر شده است. از اشاره محقق کتاب به چگونگی یافتن این نسخه خطی، بر می‌آید که نوادر المعجزات، پیش از این چاپ نشده است.

نوادر المعجزات در بیشتر مصادر کتاب‌شناسی، ذکر نشده است. آقا بزرگ تهرانی^۳ و عمر کَحّال^۴، از آن در شمار تألیفات ابن جریر طبری امامی، یاد کرده‌اند. به هر روی، این کتاب از مصادر بحار الأنوار و مستدرک الوسائل است.^۵

نسخه چاپی نوادر المعجزات، پس از مقدمه مفصل گروه تحقیق، شامل مقدمه کوتاه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، به شرح حال مؤلف، آثار او، نسخه خطی و موضوع نوادر المعجزات، اشاره شده است. مقدمه مؤلف، به انگیزه تألیف اختصاص دارد. بر اساس این مقدمه، گویا فرد یا گروهی، معجزات ائمه علیهم‌السلام را انکار می‌کنند و مؤلف به دنبال آن رویداد، تصمیم می‌گیرد این کتاب را تألیف کند.^۶ وی پیش از ورود به اصل موضوع، به بررسی جایگاه وصایت در میان پیامبران پیشین می‌پردازد. به گفته او، سلیمان علیه‌السلام آصف بن برخیا را که پسر عمو و دامادش بود، وصی خود کرد؛ یوشع ابن نون بن افرائیم بن یوسف، وصی موسی علیه‌السلام بود؛ عیسی علیه‌السلام شمعون صفا را وصی خود خواند و دانیال علیه‌السلام نیز منذر بن شمعون را.^۷ این اوصیا، همگی معجزاتی

۱. الذریعة، ج ۲۴، ص ۳۴۹.

۲. نوادر المعجزات، ص ۸.

۳. الذریعة، ج ۴، ص ۳۹۴.

۴. معجم المؤلفین، ص ۱۶۴.

۵. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۵۴، ص ۳۳۹؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۰۵؛ الذریعة، ج ۲۴، ص ۳۴۹.

۶. همان، ص ۱۰-۱۱.

۷. همان، ص ۱۲.

داشته‌اند. همچنان‌که پیامبر اسلام ﷺ برتر از پیامبران پیشین است، اوصیای او نیز برتر از دیگر اوصیا هستند و همان‌گونه که اوصیای آنها به‌سان خود پیامبران، صاحب معجزات بوده‌اند، اوصیای پیامبر اسلام نیز معجزات دارند.

ابن جریر از منابع پراکنده‌ای مانند الاثوار ابن همام اسکافی،^۱ به گردآوری مناقب، علوم، معجزات و نشانه‌های فضل ائمه علیهم‌السلام پرداخته است. وی در مقدمه، یادآور شده است که برخی از این معجزات، چنان شگفت می‌نماید که عقول بشری، از فهم آن عاجز و در درکش حیران می‌مانند، و تنها راه تحمّل چنین معجزاتی، تکیه بر ایمان است.^۲

ابن جریر در این کتاب، از ۱۵۲ روایت بهره برده و آنها را در سیزده باب، سامان داده است؛ دوازده باب به دوازده امام، و یک باب به حضرت فاطمه علیها‌السلام اختصاص دارد. روایات کتاب را - که در هر باب، شماره شده است -، از طریق مشایخ خود و یا از منابع اهل سنت، با اسناد کامل و گاه به گونه مرسل یا مرفوع، نقل کرده است. باب‌های سیزدهگانه عبارت‌اند از:

باب یکم: دلایل امیر المؤمنین و سید الوصیین علیهم‌السلام (۴۲ روایت)

باب دوم: فضائل و معجزات فاطمه علیها‌السلام (۱۷ روایت)

باب سوم: معجزات امام حسن علیه‌السلام (۱۶ روایت)

باب چهارم: معجزات و نشانه‌های امام حسین علیه‌السلام (۸ روایت)

باب پنجم: معجزات و نشانه‌های علی بن حسین علیهم‌السلام (۱۳ روایت)

باب ششم: معجزات و نشانه‌های محمد باقر علیه‌السلام (۶ روایت)

باب هفتم: معجزات و نشانه‌های جعفر بن محمد صادق علیه‌السلام (۲۱ روایت)

باب هشتم: معجزات و نشانه‌های موسی بن جعفر علیه‌السلام (۱۱ روایت)

۱. همان، ص ۸۰.

۲. همان، ص ۱۴.

باب نهم: معجزات و نشانه‌های علی بن موسی علیه السلام (۱۱ روایت)
 باب دهم: معجزات و نشانه‌های محمد بن علی النقی علیه السلام (۱۱ روایت)
 باب یازدهم: معجزات و نشانه‌های علی بن محمد النقی علیه السلام (۸ روایت)
 باب دوازدهم: معجزات و نشانه‌های حسن بن علی عسکری علیه السلام (۶ روایت)
 باب سیزدهم: دلائل و براهینی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام بر وجود صاحب الزمان علیه السلام (۸ روایت)

۷. نوادر الآثار فی: «علی خیر البشر»

مؤلف: ابن رازی قمی

مؤلف این رساله، ابو محمد جعفر بن احمد بن علی، معروف به ابن رازی قمی، صاحب جامع الأحادیث است که پیش از این، معرفی شد. از آن جا که این رساله، همراه با دیگر آثار مؤلف چاپ شده، مشخصات کتاب‌شناسی آن، در معرفی جامع الأحادیث اشاره شده است.

این رساله با همین عنوان، در مصادر کتاب‌شناسی متأخر و معاصر دیده می‌شود.^۱ موضوع آن، بیان طرق حدیث نبوی «علی خیر البشر، من شک فقد کفر» است و گویا به سان جامع الأحادیث، العروس و المسلسلات، به درخواست فردی فراهم آمده است.^۲ ابن رازی در ۲۴ صفحه، روایت یاد شده را با ۷۹ طریق، از پنج نفر از صحابیان نقل کرده است، که از آن جمله‌اند: سلمان فارسی، جابر بن عبدالله انصاری، حذیفه بن یمان، عایشه و ابو رافع. از طریق ابن رازی، شانزده طریق به جابر بن عبدالله انصاری می‌رسد. ظاهر اسانید، گویای آن است که تنها شش روایت، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده و مابقی آنها مستند به خود صحابیان است.

متن این حدیث با حفظ این عنوان که امام علی علیه السلام «خیر البشر» است، با تعبیر

۱. الذریعة، ج ۲۴، ص ۳۴۳.

۲. جامع الأحادیث، ص ۲۹۸.

مختلفی آمده است. روایات کتاب که با اسانید کامل نقل شده‌اند، درز مینه کلام و بویژه در موضوع امامت، ارزش فراوان دارند. مصحح در پاورقی‌ها - که حجمشان کمتر از متن نیست -، به منابع و مأخذ فراوانی از اهل سنت اشاره کرده است.

۸. الاعتقادات فی دین الإمامیه

مؤلف: شیخ صدوق

تحقیق: عصام عبد السید

ناشر: دار المفید للطباعة والنشر، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

در تصحیح و تحقیق این کتاب، از پنج نسخه خطی و نیز از تصحیح الاعتقاد شیخ مفید، استفاده شده است. دو نسخه خطی، در کتابخانه آیه الله مرعشی (با تاریخ کتابت ۸۱۷ ق و ۹۹۲ ق)، و دو نسخه در کتابخانه آستان قدس رضوی (با تاریخ کتابت ۸۸۰ ق و ۹۹۹ ق)، موجود است. چاپ سنگی این کتاب، متعلق به سال ۱۳۷۰ ق، است که در ضمن مجموعه‌ای، همراه با شرح باب حادی عشر، آداب المتعلمین و چند کتاب دیگر، منتشر شد. چاپ حروف آن، در سال ۱۴۱۲ ق، با تحقیق غلام رضا بن غلام حسین مازندرانی، انجام گرفته است.

این کتاب با عنوان الاعتقادات، در مصادر اولیه - مانند: رجال نجاشی و متن چاپی فهرست طوسی -، نیامده است. مصحح کتاب فهرست طوسی، در پاورقی با عنوان «زیادة»، از این کتاب یاد کرده، که گویا برای اشاره به اختلاف در نسخه است.^۱ شیخ طوسی از کتابی با عنوان دین الإمامیه یاد کرده،^۲ که شاید همان الاعتقادات باشد. به قرینه آن که از یک سو، این شهر آشوب کتاب دین الإمامیه را در کنار کتاب دعائم الاعتقاد و کتاب الاعتقاد یاد کرده، و از دیگر سو، عنوان یکی از مجالس کتاب الأمالی صدوق نیز «دین الإمامة» است، می‌توان حدس زد که کتاب موسوم به دین الإمامیه، همان عنوان

۱. النهرست، طوسی، ص ۲۳۸.

۲. النهرست، طوسی، همان جا.

موجود در کتاب الأمالی است که به لحاظ انسجام موضوعی و اهمیت مذهبی، صورت جداگانه پیدا کرده و مصادر اولیه، آن را کتابی مستقل شمرده‌اند. محمد باقر مجلسی از این کتاب، به رساله العقائد یاد کرده؛^۱ ولی در مصادر متأخر، با عنوان الاعتقادات آمده است.^۲

به هر حال، انتساب این کتاب به شیخ صدوق، معروف است^۳ و بحار الأنوار و دیگر کتاب‌هایی که پس از آن تألیف شده‌اند، از آن نقل کرده‌اند.

نسخه چاپی الاعتقادات، شامل مقدمه محقق کتاب و متن اصلی است. در مقدمه محقق، به نقلی بودن شیوه کتاب، نسخه‌های خطی کتاب و چگونگی استفاده از این نسخه‌ها و نسخه‌های چاپی، اشاره شده است.

این کتاب در ۴۵ باب سامان یافته و مؤلف در هر باب، عنوان مشخصی را ذکر کرده است. با نگاه به عناوین باب‌ها معلوم می‌شود که شیخ صدوق در پی آن نبوده که مسائل اعتقادی به معنای خاص و مصطلح کلمی را مطرح کند؛ بلکه هدف وی، بیان آموزه‌های خاص و ممتاز مذهب شیعه، و به عبارت روشن‌تر، ارائه دیدگاه شیعه درباره مسائل اختلافی و بعضاً کم‌اهمیت در میان فرق و مذاهب مختلف آن روز بوده است. بر همین مبنا، در این کتاب از مباحث مهم کلامی، به مسائلی چون مسئله عصمت، توحید، جبر و تقویض، صفات ذات و عدل، پرداخته و در کنار اینها، مسائلی از این دست را نیز مطرح کرده است: دیدگاه امامیه درباره دو حدیث مختلف، احادیث طبّی، صراط، حساب و میزان، بداء، غلو و تقصیر، شفاعت، تقیه، کیفیت نزول قرآن، تعداد انبیا، نیاکان پیامبر ﷺ و جدال در کلام، روش معمول در تبیین مسائل یاد شده، چنین است که مؤلف ابتدا مسئله را تحت عنوان «اعتقاد ما در فلان

۱. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۷.

۲. أمل الآمل، ج ۲، ص ۲۶؛ كشف الحجب والأنسار، ص ۵۱ الذریعة، ج ۱۹، ص ۳۵۵.

۳. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۶؛ بحار الأنوار، همان جا.

مسئله» مطرح و آن‌گاه دیدگاه خود را با الهام مستقیم از قرآن و بویژه احادیث معصومان علیهم‌السلام، مطرح می‌کند. روایات کتاب، عموماً مرسل‌اند و در مواردی در حد نیاز، سند نیز نقل شده است. بر این کتاب، نقدها و شرح‌های بسیاری نگاشته شده و نیز چند بار به فارسی برگردانده شده است. معروف‌ترین این شرح‌ها که با نقد همراه است، کتاب تصحیح الاعتقاد شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) و پس از آن، کهن‌ترین شرح، شرح الاعتقادات عبد الله بن حسن شولستانی، معاصر میرزا عبد الله افندی صاحب ریاض العلماء است.

۹. التوحید

مؤلف: شیخ صدوق

تصحیح و تعلیق: سید هاشم حسینی تهرانی

ناشر: مؤسسه النشر الاسلامی (انتشارات جامعه مدرّسین)، قم، بدون نوبت و تاریخ چاپ.

در تصحیح کتاب، از پنج نسخه خطی متعلق به سده یازدهم که برخی نیز تصحیح شده‌اند، و سه نسخه چاپی استفاده شده است. این کتاب برای بار، در سال ۱۲۸۵ ق، در تهران چاپ شد. کتاب التوحید - که به توحید صدوق و توحید ابن بابویه نیز معروف است -، از آثار بنام شیخ صدوق شناخته می‌شود.^۱ گویا نام التوحید را صدوق خود، بر این کتاب نهاده است؛ چرا که وی در مقدمه کتاب متذکر شده که این کتاب را در توحید و نفی تشبیه و جبر، تألیف کرده است.^۲

کتاب التوحید در زمینه مهم‌ترین موضوع کلامی، یعنی اسما، صفات و افعال الهی، تألیف شده و انگیزه اصلی مؤلف - چنان که خود تصریح کرده -، تفسیر و تأویل احادیثی است که ظاهر آنها تشبیه و جبر را می‌رساند و با آموزه‌های مسلم امامیه،

۱. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۶، ۲۲.

۲. التوحید، ص ۱۸.

ناساز است. شیخ صدوق درباره این گونه احادیث، بر این عقیده است که احادیث، همانند آیات قرآن، محکم و متشابه دارند و از زبان یکسانی تبعیت نمی‌کنند و از همین رو، نمی‌توان این دسته احادیث را به دلیل ظهور آنها در جبر و تشبیه، بر ظاهرشان حمل کرد و یا دور انداخت؛ بلکه باید تأویل درست آنها را با احادیث محکم و نیز آیات قرآن، به دست آورد. وجود این نوع روایات در متون حدیث شیعه، و ظاهرنگری مخالفان (اهل سنت)، زمینه هجوم به هویت مذهب امامیه و اتهام تشبیه و جبرگرایی را فراهم کرده بود. در چنان شرایطی بود که انگیزه لازم و حتی کافی، برای تألیف کتاب التوحید در شیخ صدوق ایجاد شد.

کتاب التوحید بر اساس نسخه چاپی، شامل مقدمه محقق کتاب، مقدمه مؤلف، اصل کتاب و پژوهش‌هایی است که محقق کتاب درباره آن انجام داده است. در مقدمه محقق کتاب، اهمیت و جایگاه کتاب التوحید، اعتبار روایات آن، انتساب کتاب به شیخ صدوق، نسخه‌های خطی و چاپی کتاب، شروح آن، شماره ابواب و احادیث و تصویر چند نسخه خطی کتاب آمده است.

در مقدمه مؤلف، پس از ثنا و ستایش خدا و درود بر پیامبر خدا ﷺ و ائمه علیهم السلام، ضرورت و انگیزه تألیف التوحید بیان شده است.

اصل کتاب یاد شده، بر اساس نسخه چاپی، در ۶۷ باب سامان یافته است. این در حالی است که بسیاری از نسخ کتاب، ۶۶ باب دارند؛ چرا که در برخی از نسخه‌ها، باب چهل و سوم و در برخی دیگر، باب چهل و نهم، باب باب پیش از خود ادغام شده است. به گفته محقق کتاب، این اختلاف از آن جانشی شده که در ابتدای دو باب یاد شده، عنوان «باب» ذکر نشده است؛ ولی حق، آن است که آن دو بخش نیز به دلیل اختلاف و استقلال در موضوع، به عنوان دو باب در نظر گرفته شوند.

به هر حال، هر یک از ابواب کتاب، دارای موضوع مشخصی است و مؤلف در ذیل آنها احادیث مرتبط و مناسب را نقل می‌کند. از این نظر، کتاب از طبقه‌بندی

معناداری برخوردار است. ترتیب و چینش ابواب نیز قابل ملاحظه است. با نگاه اجمالی به عناوین ابواب، به نظر می‌رسد که شیخ صدوق عناوین را براساس نظام معنادر «کلی به جزئی» مرتب کرده است؛ به این صورت که ابتدا مباحث کلی را درباره توحید و دیگر صفات ذات و افعال خدا آورده و پس از آن، به تفسیر و تأویل آیات قرآن و آن گاه، به تفسیر مفاهیم قرآنی پرداخته و در پایان نیز مباحثه و مناظره امام رضا (ع) را با اهل ادیان و اصحاب مقالات - چون جاثلیق و رأس الجالوت - و نیز سخن ایشان با سلیمان مروزی، متکلم خراسان، در باب توحید را مطرح کرده که هر دو جلسه، در حضور مأمون برگزار شده‌اند. باب پایانی کتاب، درباره نهی از کلام و جدال و مراء درباره خداست.

گویا چینش و ترتیب احادیث در درون ابواب نیز خالی از مبنا و پایه نیست. با تأمل در روایات هر باب، این حدس قوی می‌نماید که شیخ صدوق ترتب احادیث را بر یکدیگر، در نظر داشته است. قرینه برای این مطلب، آن است که او در موارد بسیاری پس از یک یا چند روایت - که گاه با توضیح مختصر یا مفصلی نیز همراه است -، با عبارت «و تصدیق ذلك...» و «و تصدیق ما ذکرته...»، «و من ذلك...» یا «و فی روایة أخرى...»، روایت یا روایات دیگری را آورده است.^۱

برخی از باب‌های کتاب که در بردارنده روایات پرشمار تری هستند، بدین قرار است: ثواب الموحّدين و العارفين، التوحید و نفی التشبیه، إِنَّهُ ﷻ لیس بجسم و لا صورة، ما جاء فی رؤية الله، صفات الذات و صفات الأفعال، نفی المكان و الزمان و السكون و الحركة و النزول و الصعود و الإنتقال عن الله تعالى، أسماء الله تعالى و الفرق بین معانیها و بین معانی أسماء المخلوقین، فطرة الله الخلق على التوحید، الإستطاعة، القضاء و القدر و الفتنة و الأرزاق و الأسعار و الآجال، نفی الجبر و التفویض، المشیة

و الإرادة، التعريف و البيان و الحجة و الهداية، النهی عن الكلام و الجدل و المراء فی الله ﷻ.

باب «التوحيد ونفی التشبيه» با ۳۷ حدیث، باب «النهی عن الكلام و الجدل» و باب «ثواب الموحّدين و العارفين»، هریک با ۳۵ حدیث، و پس از آن باب «ما جاء فی الرؤية» با ۲۴ حدیث و باب «نفی المكان و الزمان». با ۲۲ حدیث، بیشترین احادیث را دارند. بیشتر باب‌ها کمتر از ده حدیث و شمار اندکی، بین ده تا بیست حدیث دارند. احادیث کتاب با اسناد کامل و از طریق شیعه، و گاه از اهل سنت است. شش حدیث از طریق اهل سنت و بیست حدیث قدسی، در میان احادیث کتاب وجود دارد.^۱ شیخ صدوق در این کتاب، از ۵۶ شیخ حدیث، روایت نقل کرده است. علی بن بابویه پدر مؤلف (۱۵۴ حدیث)، ابن ولید (۸۹ حدیث)، علی بن احمد بن محمد بن عمران دقاق (۶۵ حدیث)، محمد بن موسی بن متوکل (۳۶ حدیث)، محمد بن ماجیلویه (۲۳ حدیث) و احمد بن محمد بن یحیی (۱۷ حدیث)، به ترتیب، مهم‌ترین مشایخ شیخ صدوق شناخته می‌شوند.

شیخ صدوق معمولاً با عنوان «قال مصنف هذا الكتاب: ...» و یا «یعنی...»، به توضیح و گاه تأویل روایات پرداخته است. این توضیحات، در ذیل ۵۶ مورد از ۸۵۳ روایت کتاب آمده است. طولانی‌ترین توضیح مؤلف، ذیل حدیث سوم باب سوم، در معنای واحد و توحید و موحد، دیده می‌شود که در چهار صفحه جای گرفته است. وی در توضیح و تأویل احادیث، از معنای لغوی، فرهنگ متعارف اهل زبان، تأملات عقلی - و البته با الهام گرفتن از آموزه‌های مسلم اهل بیت (علیهم‌السلام) -، اقوال اهل کلام، آیات قرآن و تاریخ، بهره گرفته است. از این رو، کتاب التوحید افزون بر ارزش حدیثی و کلامی، در زمینه فقه الحدیث نیز ارزش دارد.

همه روایات کتاب، در یک سطح از اعتبار قرار ندارند؛ ولی آن تعداد اندک که در

مرتبه صحیح اصطلاحی جای نمی گیرند، به اعتبار کتابی آسیبی نمی رسانند؛ چرا که متون آنها با دیگر آموزه های اهل بیت علیهم السلام هم ساز است و به علاوه، اکثر این روایات، در کتب معتبر دیگری چون نهج البلاغه، الکافی، المحاسن و برخی از کتب مؤلف - مانند: عیون اخبار الرضا علیه السلام و معانی الاخبار -، با سندهای متعدّد نقل شده اند.

چهار شرح بر کتاب التوحید نوشته شده که همگی به سده یازدهم و دوازدهم تعلق دارند؛ مانند؛ شرح التوحید قاضی سعید قمی شاگرد فیض کاشانی، و شرح محدث جزایری با نام انس الوحید فی شرح التوحید یک برگردان به فارسی نیز از محمد علی بن محمد حسن اردکانی، از علمای سده سیزدهم، با نام اسرار توحید به چاپ رسیده است.^۱ در نسخه چاپی کتاب - که به کوشش سید هاشم حسینی تهرانی، مقابله و تصحیح شده است -، فهرستی از ابواب کتاب، بیانات مؤلف، موضوعات مختلف با عنوان تفصیل مطالب، فهرست اسمای حسناى الهی و فهرست اعلام نیز گنجانده شده است.

۱۰. کمال الدین و تمام النعمه

مؤلف: شیخ صدوق

تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری

ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی، (انتشارات جامعه مدرسین)، قم، ۱۴۰۵ ق / ۱۳۶۳ ش.
در تحقیق و تصحیح کتاب، از هفت نسخه خطی متعلق به سده دهم و یازدهم استفاده شده است که بیشتر آنها خود، تصحیح شده هستند.^۲ سه نسخه از هفت نسخه یاد شده، اساس کار تصحیح قرار گرفته اند. افزون بر این نسخه ها، از نسخه چاپی کمال الدین و بحار الأنوار نیز استفاده شده است.^۳

۱. الذریعه، ج ۱۳، ص ۱۵۳؛ التوحید، ص ۷-۸، مقدمه محقق.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۹.

۳. همان، ص ۲۹-۳۰.

کمال الدین و تمام النعمة، در ایران و نجف، بارها چاپ سنگی و حروفی شده است. چهار بار نیز به فارسی ترجمه شده که دو ترجمه - یکی از محمد باقر کوه کمره‌ای و دیگری از منصور پهلوان - به چاپ رسیده‌اند. کهن‌ترین ترجمه کمال الدین، از سید علی امامی اصفهانی، معاصر صاحب‌ریاض است.^۱

این عنوان در منابع اولیه کتاب‌شناسی چون رجال نجاشی و فهرست طوسی، ذکر نشده است. ابن شهر آشوب کتاب یاد شده را با همین عنوان آورده است.^۲ در منابع متأخر نیز گاهی با عنوان اکمال الدین و إتمام النعمة^۳ ذکر شده است. این کتاب به سان کتاب‌آمالی، از کتاب‌های مشهور و متواتر شیخ صدوق است و علمای شیعه در اعصار مختلف، به آن اعتماد کرده‌اند.^۴

نسخه چاپی کتاب، شامل مقدمه مصحح، مقدمه طولانی مؤلف و متن کتاب است. در مقدمه محقق، پس از اهمیت موضوع کتاب و ضرورت تصحیح آن، به بررسی اعتبار روایات کتاب و نیز شرح حال مؤلف پرداخته شده است. مقدمه مؤلف، با ثنا و ستایش خدا و درود بر پیامبر و ائمه علیهم‌السلام آغاز می‌شود و پس از اشاره به ضرورت و انگیزه تألیف، با بحث کلامی مفصل و خالصی در باره امامت - البته نه به شیوه مصطلح - پایان می‌یابد.

این کتاب در شرایطی نگاشته شد که به تصریح مؤلف آن، طولانی شدن مدت غیبت امام عصر علیه‌السلام سبب تحیر و سستی ایمان شیعیان در شهرهای نیشابور و بخارا^۵

۱. الذریعة، ج ۴، ص ۸۰ و ۷۸.

۲. معالم العلماء، ص ۳۴.

۳. أمل الآمل، ج ۲، ص ۲۸۴؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۷؛ کشف الحجب و الأستار، ص ۷۵؛ الذریعة، ج ۲، ص ۲۶۸.

۴. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۷-۳۸؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۲۴. نیز، ر. ک: نوادر الأخبار، فیض کاشانی، ص ۲۰۹-۳۰۵؛ إنبات الهداة، شیخ حر عاملی؛ کشف الحجب و الأستار، ص ۷۵؛ النجم الثاقب، محدث نوری؛ کمال لدین، ص ۱۱ (مقدمه محقق).

۵. کمال الدین، ص ۲ (مقدمه محقق).

و بغداد شده بود.^۱ مناظرات و مباحثات بسیاری که در کتاب یاد شده با فرقه‌ها و مذاهبی چون کیسانیه، ناووسیه و واقفه، زیدیه و افراد ملحد و در پاسخ به شبهه‌ها مطرح شده، نشان می‌دهد که مسئله غیبت امام دوازدهم، مهم‌ترین مسئله فکری آن عصر بوده و هویت شیعه امامیه را تهدید می‌کرده است. مقدمات انگیزشی تألیف این کتاب، ابتدا در نیشابور^۲ و سپس در قم^۳ فراهم می‌شود و سرانجام در ری، به انجام می‌رسد. به موجب ظاهر کلام شیخ صدوق، عامل بسیار مهمی که در تألیف کتاب یاد شده نقش «شرط کافی» را ایفا نموده، تمایل و بلکه دستور حضرت ولی عصر علیه السلام به وی در عالم رؤیا بوده است.^۴

کتاب مورد بحث، با یک مقدمه طولانی در ۱۲۸ صفحه آغاز می‌شود که شباهت فراوانی به چکیده و دورنمای مباحث کتاب دارد. این مقدمه بدون عنوان بندی، مطالب متنوع و تا حدی فارغ از انسجام را درباره مسئله امامت و بویژه غیبت، فرا می‌گیرد. مؤلف در این قسمت، به سان یک متکلم - البته نه به معنای مصطلح - ظاهر شده و به تحلیل مطالب پرداخته است. وی در تبیین مدعای خود، ضمن تحلیل بحث، از قرآن و روایات و اقوال متکلمانی چون ابن قبه و ابو سهل نوبختی، بهره گرفته است.^۵

چنان‌که اشاره شد، غیبت امام عصر علیه السلام و طولانی شدن مدت آن، شیعیان را گرفتار تردید و شک ساخت و برای مخالفان، بهانه و بستر مناسبی را جهت ایراد شبهه و تعرض به هویت شیعه امامیه فراهم آورد. شیخ صدوق در کتاب یاد شده نیز حجم و تکیه گاه مباحث را برطرف کردن استبعاد یاد شده از اذهان شیعیان و به تبع، خلع

۱. همان، ص ۱۶.

۲. همان، ص ۲.

۳. همان، ص ۳.

۴. همان، ص ۴.

۵. همان، ص ۸۸.

سلاح مخالفان قرار داد.

برخی از مباحث کتاب، کلی است و جنبه تمهیدی دارد؛ مانند وقوع غیبت در میان پیامبران الهی علیهم‌السلام^۱ و خبر دادن و بشارت پیشینیان، از ظهور پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم. از جمله مباحثی که ارتباط مستقیم با موضوع کتاب دارد و بلافاصله به آن پرداخته شده، اصل امامت حضرت مهدی علیه‌السلام و شبهات مطرح شده در این باره است. برخی از عناوین شایان ذکر در این باره، عبارت‌اند از: ضرورت وجود خلیفه، وجوب اطاعت از خلیفه، بایستگی انتخاب خلیفه از سوی خدا، لزوم یکی بودن خلیفه، وجوب شناخت مهدی علیه‌السلام، غیبت و حکمت آن، فرقه کیسانیه، روایات راجع به وفات محمد بن حنفیه، ابطال قول ناووسیه و واقعه درباره غیبت، مناظره ابو الحسن علی بن احمد بن بشار با ابو جعفر محمد بن عبد الرحمان بن قبه رازی درباره غیبت، استدلال بر وجود امام غایب، اعتراضات زیدیه، طرح و دفع شبهات مخالفان، مباحثات ابو سهل اسماعیل بن علی نوبختی، و در پایان کتاب، مطلبی تحت عنوان «تنبیه»، درباره درستی غیبت.^۲ اصل کتاب کمال‌الدین در دو جزء، شامل ۵۸ باب با عناوین مشخص است:

جزء اول: ۳۲ باب دارد که مطالب هفت باب آن، شامل پیشینه غیبت در میان پیامبران الهی است. در این باره، سخن از نخستین غیبت آغاز می‌شود: غیبت ادریس نبی علیه‌السلام، نهصد سال پیامبری نوح علیه‌السلام پس از ادریس علیه‌السلام، غیبت صالح نبی علیه‌السلام، غیبت ابراهیم علیه‌السلام، غیبت یوسف علیه‌السلام، غیبت موسی علیه‌السلام، غیبت اوصیای موسی. یازده باب در: اخبار و بشارت پیشینیان، درباره ظهور اسلام و آمادگی گروهی از مردم برای درک پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم؛ مانند: بشارت عیسی بن مریم علیه‌السلام، خبر سلمان فارسی، خبر قیس بن ساعده ایادی، خبر ثُبَع، خبر عبد المطلب و ابو طالب، خبر

۱. همان، ص ۱۲۷-۱۴۵.

۲. همان، به ترتیب: ص ۹۵، ۱۰۹، ۲۰، ۳۲، ۳۶، ۴۰، ۵۱، ۶۵، ۶۷، ۷۳، ۸۸، ۱۲۷-۱۴۵.

سیف بن ذی یزن، خبر بُحیرای راهب، خبر ابو مویهب راهب، خبر سطح کاهن، خبر یوسف یهودی، خبر (دواس) ابن حواش مقبل.^۱

سه باب در: ضرورت امامت، پیوستگی آن از زمان حضرت آدم علیه السلام و خالی نشدن زمین از حجت خدا.

چهار باب - که البته پشت سر هم قرار ندارد - در: وجود حضرت قائم و به عنوان امام دوازدهم، نص قرآنی، نصوص نبوی، روایت صحیفه‌ی منسوب به حضرت فاطمه علیها السلام درباره‌ی اسامی ائمه علیهم السلام و مادرانشان و نیز حضرت قائم به عنوان امام دوازدهم، نص بر وجود قائم در لوح اهدایی از طرف خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله و از پیامبر به فاطمه علیها السلام.

وقوع غیبت امام دوازدهم، موضوع دیگر باب‌های این جزء است، شامل اخباری از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، امام علی، امام حسن، امام حسین، امام زین العابدین و امام باقر علیهم السلام. جزء دوم: شامل ۲۶ باب است.

باب نخست: اخبار امام صادق علیه السلام و دیگر ائمه تا امام حسن عسکری علیه السلام، درباره‌ی بر وقوع غیبت. حدیث خضر نبی علیه السلام و ذوالقرنین، عنوان دو باب دیگر است که در همین راستا آمده‌اند.

هفت باب در: سرانجام انکار امام دوازدهم، عدم اجتماع امامت در دو برادر پس از امام حسن و حسین علیهم السلام، مادر حضرت قائم و نام پدر او، میلاد قائم علیه السلام، کسانی که حضرت قائم را دیده‌اند و با او صحبت کرده‌اند، علت غیبت، و توقیعات آن حضرت. هشت باب در: معمرین یا دراز عمرها، حدیث دجال و ارتباط آن با قائم علیه السلام، حدیث «ظباء بأرض نینوی»، حدیث حبابه و بیه، داستان بلوهر و یوزاسف، حدیث معمر مغربی ابو الدنیا علی بن عثمان بن خطاب بن مره بن مؤید، حدیث عبید بن

شریه جُزْهَمی، حدیث ربیع بن ضَبْع فزاری، حدیث شق کاهن، و حدیث شداد بن عاد بن اِرم.

دیگر باب‌ها: ثواب منتظر فرج، نهی از بردن نام قائم علیه السلام، و علائم خروج قائم. باب پایانی، باب «النوادر» است. در این باب، مسئله فترت مطرح شده است. کسانی که به فترت قائل شده‌اند، پنداشته‌اند همان گونه که در نبوت فترت و فاصله وجود دارد در امامت نیز چنین است. شیخ صدوق فترت در امامت را مخالف روایات پرشماری با مضمون «إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حَجَّةٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» دانسته است.^۱ روایات کتاب، با اسناد کامل‌اند و بیشترشان از علی بن بابویه پدر مؤلف، ابن ولید و محمد بن علی ماجیلویه نقل شده‌اند. کتاب کمال الدین، افزون بر ارزش حدیثی و کلامی، ارزش فراوان تاریخی نیز دارد. البته میزان صحت گزارش‌های تاریخی آن؛ بویژه در قسمت اخبار معمرین، به پای روایات مربوط به اصل امامت و غیبت آن حضرت نمی‌رسد و خود مؤلف نیز به این مسئله تصریح کرده است. وی خود، متذکر شده که تکیه گاه اصلی او، روایات صحیح و مورد اتفاق است. اخبار معمرین و امثال آنها تکیه گاه اصلی در امکان و اثبات غیبت امام دوازدهم نیست؛ چرا که غیبت آن حضرت، با روایت صحیح و بی‌شماری از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام ثابت است. یاد کردن از دراز عمرها و غیبت انبیای الهی و اوصیای آنها و بسیاری از پادشاهان صالح - که مورد قبول مخالفان است -، تنها برای رفع استبعاد از اصل غیبت است.^۲

۱۱. فضائل الشيعة

مؤلف: شیخ صدوق

تحقیق: گروه تحقیق مدرسه امام المهدی علیه السلام و شیخ محمد تقی ذاکری
ناشر: کانون انتشارات عابدی، تهران، بدون تاریخ و نوبت چاپ.

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۶۵۶-۶۵۷.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۶۳۸-۶۳۹.

این کتاب بارها، جداگانه، یا همراه با کتابی دیگر، چاپ شده است. چند نسخه خطی از این کتاب، در کتابخانه‌های ایران و عتبات عراق نگهداری می‌شود. به گزارش آقا بزرگ تهرانی، نسخه‌ای با خطی کهن و قطعی بزرگ، نزد دکتر نوع پرست در تهران، و نسخه‌ای در اختیار اردوبادی در نجف، و نسخه‌ای همراه با صفات الشیعه در سامرا، وجود دارد. نسخه دیگری به خط میرزا حسین نوری، در اختیار حفید او میرزا علی بهزادی در تهران است.^۱

موضوع کتاب، فضایل شیعه است. مؤلف در این راستا، ۴۵ روایت را با اسناد ناقص و بدون ترتیب و عنوان و باب خاص، از پیامبر ﷺ، علی ﷺ، امام باقر ﷺ و صادق ﷺ درباره فضائل و جایگاه معنوی شیعه گردآورده است. این مضامین، در روایات کتاب دیده می‌شود: خبر دادن جبرئیل به آدم ﷺ از بهشتی بودن شیعیان، آفرینش ارواح شیعیان پیش از ملائکه، پاکی شیعیان و اصالت آنها، معنای «رافضی»، درخواست حضرت ابراهیم ﷺ که از شیعیان باشد، مهربانی پیامبر و امامان به شیعیان، بعضی از فضائل امیر مؤمنان و دوستان وی، دوستی اهل بیت ﷺ به عنوان بزرگ‌ترین نعمت، وفاداری شیعیان، دوست داشتن شیعیان برای خدا، فضیلت برآوردن حاجت شیعیان، اعتصام به حبل المتین اهل بیت.

طولانی‌ترین احادیث کتاب، حدیث هفدهم و هیجدهم است، که یکی در معرفی امام علی ﷺ به عنوان معیار حب و بغض الهی و حبل المتین رستگاری، و دیگری درباره معنای «رافضی»، از امام صادق ﷺ نقل شده‌اند. در مورد اخیر، امام صادق از عنوان «رافضی» برای شیعیان، استقبال کرده و آن را با عنوان یاران هارون و موسی ﷺ در قرآن دانسته است.^۲

در مصادر نخستین کتاب‌شناسی، این عنوان ذکر نشده است؛ اما در سده یازدهم،

۱. الذریعة ج ۱۵، ص ۴۵؛ ج ۱۶، ص ۲۶۰؛ ج ۱۷، ص ۱۲۷، ۱۲۸؛ فضائل الشیعة، ص ۳۱-۳۲.

۲. همان، ص ۳۳-۳۵.

شیخ حرّ عاملی^۱ و محمد باقر مجلسی^۲ از آن یاد کرده‌اند. شهرت این کتاب، به اندازه دیگر کتب شیخ صدوق نیست. با این حال، از مصادر دو کتاب وسائل الشیعة و بحار الأنوار است. به قرینه نقل اندک میرزا حسین نوری از فضائل الشیعة - که به نقل از بحار الأنوار^۳ و گاه بدون واسطه است -،^۴ این حدس قوی می‌نماید که وی این کتاب را چندان معتبر نمی‌دانسته است.

۱۲. مئة منقبة فی فضائل أمير المؤمنين والأئمة علیهم السلام من ولده

مؤلف: ابن شاذان (شاذان) قمی

تحقیق: مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم

ناشر: مدرسه امام مهدی علیه السلام، چاپ اول، قم، ۱۴۰۷ ق.

در تحقیق کتاب، بر دو نسخه خطی و یک نسخه چاپی اعتماد شده است: یکی، نسخه کتابخانه آیه الله سید مصطفی خوانساری است که توسط پدرش سید احمد بن محمد رضا حسینی خوانساری، در سال ۱۳۲۸ ق، استنساخ شده است. نسخه دوم، در کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی است که بر روی آن، مطالبی به خط عزالدین حسین بن حیدر بن قمر حسینی عاملی کرکی در سال ۹۸۴ ق، نوشته شده است. این نسخه، در یکی از چهار نسخه‌ای است که آقا بزرگ تهرانی به آنها اشاره کرده است.^۵ مئة منقبة در سال ۱۳۴۹ ق، در نجف اشرف چاپ شد.^۶

در مصادر کتاب‌شناسی، عنوان ایضاح دفتان النواصب، در فضائل اهل بیت علیهم السلام^۷،

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۷، ۳۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۶.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۷۰؛ ج ۵، ص ۱۹۴.

۴. همان، ج ۱۱، ص ۲۷۲.

۵. الذریعة، ج ۱۹، ص ۴؛ فهرس التراث، ج ۱، ص ۴۶۸.

۶. مئة منقبة، ص ۱۵ - ۱۶، مقدمه محقق.

۷. الاستبصار، ص ۶؛ کنز الفوائد، ص ۲۵۹.

ایضاح دفائن النواصب،^۱ مئة حدیث^۲، مناقب أمير المؤمنين، مئة منقبة،^۳ والمناقب^۴ آمده است. گویا ایضاح دفائن النواصب، المناقب، ومئة منقبة، عناوین یک کتاب اند. این تلقی، تا سده دوازدهم وجود داشته است. قرینه بر این مطلب، توصیف این عناوین با فضائل أمير المؤمنين و نقل حدیث از آنها است. کراجکی و ابن شهر آشوب با عنوان ایضاح دفائن النواصب^۵، ابن طاووس با عنوان المئة حدیث فی فضائل مولانا علی علیه السلام^۶، سید هاشم بحرانی توبلی با سه عنوان: فضائل أمير المؤمنين و ولده الأئمة علیهم السلام^۷، مئة حدیث، والمناقب المئة^۸، شیخ حر عاملی با عنوان مناقب أمير المؤمنين مئة منقبة،^۹ محمد باقر مجلسی با عنوان المناقب^{۱۰} و الفضائل والمناقب،^{۱۱} از آن نقل کرده اند.

در سده دوازدهم به بعد، دو دیدگاه در یگانگی یا تعدد کتاب ایضاح النواصب و مئة منقبة پدید آمد. افندی اصفهانی، محقق خوانساری و برخی از کتاب شناسان معاصر، آن دورا دو کتاب دانسته اند. مهم ترین قرینه ای که بر این مطلب ذکر شده، مقایسه و مقابله نسخه های دو کتاب است.^{۱۲} عده ای دیگر از کتاب شناسان، چون میرزا حسین نوری^{۱۳} و علامه امینی،^{۱۴} بر یگانگی آنها تأکید کرده اند.

۱. معالم العلماء، ص ۱۵۲.

۲. الیقین، ص ۱۴، ۱۰۲، ۳۰.

۳. أمل الآمل، ج ۲، ص ۲۴۲، ۱۸.

۴. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۸.

۵. مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۵۲.

۶. الیقین، همان جا.

۷. غایة المرام، ج ۱، ص ۳۱، ۱۸؛ مدینة المعاجز، ج ۱، ص ۶۵؛ ج ۲، ص ۲۴.

۸. أمل الآمل، همان جا.

۹. بحار الأنوار، همان جا.

۱۰. کشف الحجب و الأستار، ص ۵۵۵.

۱۱. ریاض العلماء، ج ۵، ص ۲۶؛ روضات الجنات، ج ۶، ص ۱۷۹-۱۸۹؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۴۲؛

هدیة العارفين، ج ۶، ص ۶۳؛ معجم المؤلفین، ص ۳۲۵؛ الذریعة، ج ۲، ص ۴۹۴؛ ج ۳، ص ۱۰۷؛ ج ۲۲، ص ۳۱۶.

۱۲. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۳۸-۱۳۹.

۱۳. فهرس التراث، ج ۱، ص ۴۶۷.

به چند قرینه، یگانگی این دو عنوان، قوی می‌نماید: یکی این که کراجکی هنگام نقل از کتاب ایضاح دفائن النواصب، تأکید کرده که موضوع آن، فضائل اهل بیت علیهم‌السلام از طریق اهل سنت است.^۱ قرینه دیگر گزارش‌هایی است از کتاب الایضاح^۲ و ایضاح المماثلة^۳ و این که ابن شهر آشوب در توصیف کتاب ایضاح دفائن النواصب، موضوع آن را نصوص برائمه علیهم‌السلام ذکر کرده،^۴ و محمد باقر مجلسی نیز از آن با عنوان «المناقب ابن شاذان» یاد کرده و به ذکر آن توسط ابن شهر آشوب نیز اشاره کرده است.^۵ به هر روی، انتساب مئة متنبه به ابن شاذان، معروف است. موضوع کتاب، بیان صد مورد از فضائل و مناقب امیر المؤمنین علیه‌السلام و اولاد او است. گویا ابن شاذان در تألیف این کتاب، از ابن عیّاش جوهری الهام گرفته است. روایات کتاب به موجب نسخه چاپی، با اسانید کامل است که مؤلف از مشایخ حدیث امامی و سنی خود، نقل کرده است. این کتاب، از مصادر برخی کتاب‌های حدیثی و کلامی اهل سنت است. ابو الفتح کراجکی شاگرد مؤلف، در دو کتاب الاستنصار و کز الفوائد، ابن طاووس در یقین، سید هاشم بحرانی (معروف به توبلی) در غایة المرام و مدینة المعاجز، محمد باقر مجلسی در بحار الأنوار، و میرزا حسین نوری در مستدرک الوسائل،^۶ از آن نقل کرده‌اند. از اهل سنت نیز احمد بن محمد مکی خوارزمی (م ۵۶۸ ق) در دو کتاب المناقب و مقتل الحسین علیه‌السلام، محمد بن یوسف شافعی (م ۶۵۸ ق) در کتاب کفایة الطالب، و ابراهیم بن محمد بن مؤید حمّونی خراسانی (م ۷۳۰ ق) در فرائد السمطين^۷.

۱. الاستنصار، ص ۶؛ کز الفوائد، ص ۲۵۹.

۲. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۳۹.

۳. الذریعة، ج ۲، ص ۴۹۴.

۴. مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۵۲.

۵. بحار الأنوار، همان جا.

۶. الاستنصار، ص ۶؛ کز الفوائد، ص ۶۲، ۱۲۱، ۱۲۹، ۱۸۵، ۲۰۸، ۲۲۰، ۲۵۹؛ یقین، باب ۷۷- ۸۶، ص ۲۳.

۳۱، ۱۰۲، ۱۰۳؛ غایة المرام، ج ۱، ص ۱۸، ۳۱، ۳۳، ۶۷-۶۹؛ مدینة المعاجز، ج ۱، ص ۶۵، ۶۶، ۳۷۱، ۳۷۲، ۴۰۰.

ج ۲، ص ۲۴، ۲۵، ۳۱۰، ۳۱۴؛ بحار الأنوار، ج ۳، ص ۸؛ ج ۲، ص ۸۷؛ ج ۶، ص ۲۵۶؛ مستدرک

الوسائل، ج ۱، ص ۱۷۱؛ ج ۶، ص ۷۸.

۷. المناقب، ص ۳۲، ۷۰-۷۳؛ مقتل الحسین علیه‌السلام در مئة متنبه، ص ۸، مقدّمه محقق؛ دایرة المعارف بزرگ

شایان گفتن است که خوارزمی به کتاب ابن شاذان اشاره نکرده، ولی روایاتی را از طریق ابن شاذان نقل کرده، که با همان اسناد و متن، در کتاب مئة منقبة ذکر شده‌اند. به قرینه ارسال روایات منقول توسط سید هاشم بحرانی از کتاب مئة منقبة، در برخی از نسخه‌های کتاب، اسانید روایات حذف شده است.^۱

نسخه چاپی کتاب شامل مقدمه محقق کتاب، مقدمه کوتاه مؤلف و اصل کتاب است. محقق در مقدمه، به شرح حال مؤلف، اهمیت و جایگاه تألیف و سپس به معرفی نسخه‌های خطی و چاپی آن پرداخته است. مقدمه مؤلف، به انگیزه و موضوع تألیف اختصاص دارد. به موجب این مقدمه، ابن شاذان این کتاب را براساس تقاضای فردی که از او به «شیخ» یاد کرده، تألیف نموده است. وی متذکر شده که در این کتاب، صد فضیلت از فضائل امیر المؤمنین (ع) و اولاد او را از طریق عامه (اهل سنت)، گرد آورده است.^۲

اصل کتاب شامل صد فضیلت در صد روایت است که با اسناد کامل، از مشایخ امامی و سنی مؤلف، از طریق اهل سنت نقل شده است. این فضائل، براساس اسامی حروف الفبا مرتب شده‌اند.

۱۳. الاستبصار فی النص علی الأئمة الأطهار (ع)

مؤلف: ابو الفتح کراچی

تحقیق: گروه مصادر حدیث شیعه

ناشر: دار الأضواء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۵ ق.

پنج نسخه خطی از این کتاب موجود است، از جمله: نسخه‌ای در کتابخانه آیه الله مرعشی، و نسخه‌ای در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، با تاریخ کتابت

۱. اسلامی، مدخل ابن شاذان، کفایة الطالب در مئة منقبة، همان جا؛ دایرة المعارف بزرگ اسلامی، همان جا؛ فرائد السطین، همان جا.

۱. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۳۸.

۲. مئة منقبة، ص ۱۷ و ۱۸.

۹۶۰ ق. ۱ کتاب الاستبصار بارها چاپ شده است. از جمله، در سال ۱۳۴۶ ق، در نجف به انضمام کتاب مقتضب الأثر ابن عیاش جوهری (م ۴۰۱ ق).

کتاب الاستبصار با همین عنوان^۲، یا با عنوان الاستنصار فی النص علی الأئمة الأطهار^۳ و شرح الاستبصار^۴ ذکر شده است. به قرینه ذکر عنوان «الاستبصار» در فهرست مصنفات کراجکی،^۵ این نام به واقع نزدیک تر است. گویا این اختلاف، از آن جهت پدید آمده که کراجکی نامی برای کتاب خود، انتخاب نکرده است. وی در مقدمه این کتاب، در وصف آن، دو عبارت «یستبصر منه الناظر» و «یستنصر به المناظر» را به کار برده است. کتاب شناسان، این دو عبارت را رمز نام کتاب تلقی کرده اند؛ ولی برخی، تعبیر اول و برخی تعبیر دوم را به کار برده اند.^۶

انتساب این کتاب به کراجکی، مشهور است. الاستبصار چنان که از نام آن پیداست، در موضوع امامت امامان دوازده گانه است. مؤلف در مقدمه، به انگیزه تألیف و اهمیت آن پرداخته است. انگیزه تألیف، در پی انکار وجود نص بر امامت ائمه^۷ در مناظره ای میان یکی از دوستان وی و مخالفان، پدید آمده است. این کتاب در دو باب و دوازده فصل، با ۳۶ خبر سامان یافته است.

باب اول: شامل نوزده روایت از طریق خاصه (امامیه) است که از پیامبر خدا ﷺ، امام علی^۸ و برخی از صحابه، با سند کامل آمده است.

باب دوم: مختص روایات از طریق عامه است، شامل سیزده روایت از پیامبر

۱. میراث حدیث شیعه، ج ۲، ص ۹۲ و ۹۳؛ فهرس التراث، ج ۱، ص ۵۱۸.

۲. البقین، ص ۳۷۴؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۲۸۷؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۸؛ خانمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۳۰.

۳. تراش، ۴۳ و ۴۴؛ البقین، ص ۱۱۰؛ کشف الحجب و الأستار، ص ۴۱؛ الذریعة، ج ۲، ص ۳۴ و ۳۵.

۴. معالم العلماء، ص ۱۵۴.

۵. تراش، همان جا.

۶. الاستبصار، ص ۴ و ۵.

۷. الاستبصار، ص ۲.

خدا ﷺ علی ﷺ و برخی از صحابه.

سایر فصل‌های کتاب عبارت‌اند از: دو فصل در دو متن از تورات،^۱ یک فصل در خبر هارونی، یک فصل در خبر خضر - که مفصل است -،^۲ و یک فصل در خبر قیس بن ساعدة ایادی از جارود بن منذر عبدی.^۳

مؤلف در این کتاب، به نقل روایت و خبر بسنده نکرده و به نقد آنها نیز پرداخته است. نقد وی، هم نسبت به روایات فریقین است که جنبه تأییدی دارد و هم به متون تورات است. وی در این راستا، با تفسیر و تطبیق متون یاد شده بر ائمه علیهم‌السلام، ایرادهای مربوط به تورات را در سه دسته - انطباق متن بر امامت ائمه علیهم‌السلام، نسخ و تحریف آن - بیان کرده و پاسخ داده است. وی درباره نسخ، متذکر شده که نسخ، در اوامر و نواهی است، نه در اخبار.

کراجکی روایات فریقین را از کتاب ایضاح دفائن النواصب و مئة مثبته ابو الحسن محمد بن احمد بن علی بن شاذان قمی،^۴ و از محمد بن عثمان ذهبی نقل کرده است. این کتاب از مصادر الیقین ابن طاووس، الأربعین قمی و بحار الأنوار مجلسی است.^۵

۱۴. التعجب من أغلاط العامة في مسألة الإمامة

مؤلف: ابو الفتح کراجکی

تصحیح و تخریج: فارس حسون کریم

ناشر: دار الغدير، قم، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.

یازده نسخه خطی از این کتاب موجود است که کهن‌ترین آنها متعلق به سال

۱. الاستبصار، ص ۲۶ و ۲۷.

۲. همان، ص ۳۱.

۳. همان، ص ۲۴.

۴. الاستبصار، ص ۲۰.

۵. الأربعین، ص ۳۵۹؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۵؛ ج ۲۶، ص ۲۶۴.

۹۸۶ ق است.^۱ التعجب در سال ۱۳۲۲ ق، همراه با کتز الفوائد، در تهران چاپ سنگی شد.

فارس حسون در تصحیح کتاب، بر دو نسخه اعتماد کرده است: نسخه‌ای که در سال ۱۳۲۲ ق، در پایان کتاب کتز الفوائد چاپ شده، و نسخه خطی کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی در مجموعه شماره ۴/۶۷ که به اشتباه در فهرست نسخه‌های کتابخانه (ج ۲، ص ۷۸) با عنوان کتاب الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف ابن طاووس حلی (م ۶۶۴ ق) یاد شده است. سید عبد العزیز طباطبائی، این اشتباه را تصحیح کرده است.^۲

التعجب من أغلاط العامة فی الإمامة با همین عنوان،^۳ التعجب،^۴ التعجب فی الإمامة^۵ و عجائب الأغلاط،^۶ یاد شده است. آقا بزرگ تهرانی عجائب الأغلاط را به سید مرتضی نسبت داده است؛ ولی وی عبارتی را نیز در بیان انگیزه مؤلف آورده، گویای آن که التعجب من العامة و عجائب الأغلاط، تکمیلی برای کتاب شیخ مفید به شمار می‌آیند. از این عبارت، چنین بر می‌آید که این دو عنوان، نام یک کتاب است و گویا صاحب الذریعة درباره مؤلف آن، تردید داشته است.

به هر حال، انتساب التعجب به کراجکی، معروف است و این کتاب از مصادر برخی کتاب‌های حدیثی و کلامی است.^۷ موضوع کتاب، بیان تناقضات عامه در مسئله امامت است. مؤلف با استناد به قرآن، روایات، تاریخ و عقل، به بیان اشتباهات و

۱. تراثنا، ش ۴۴، ص ۳۸۳؛ التعجب، ص ۱۶، مقدمه محقق.

۲. التعجب، مقدمه محقق، ص ۲۳، ۲۴.

۳. «مکتبه العلامة الکراجکی»، السید عبد العزیز الطباطبائی، تراثنا، ش ۴۴، ص ۳۸۳؛ بحار الآثار، ج ۱،

ص ۳۵، ۱۸؛ خانمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۳۱؛ الذریعة، ج ۴، ص ۲۱۰.

۴. فهرست منتخب الدین، ص ۱۰۰.

۵. معالم العلماء، ص ۱۱۹.

۶. الذریعة، ج ۲، ص ۲۱۶؛ ج ۱۵، ص ۲۱۸.

۷. بحار الآثار، همان جا؛ فرحة الغری، ص ۵۴.

ناسازگاری های اقوال و آرای اهل سنت پرداخته است. رویکرد کتاب، کلامی و شیوه بحث آن، جدلی و احتجاجی است. مؤلف ابتداءً آرای اهل سنت را در مسئله ذکر می کند و معمولاً در سه تا پنج سطر، به نقد کلی آن می پردازد. سپس تحت عنوان «التعجب»، موارد تناقض و اشتباه آنان را آشکار می سازد. کراجکی آرای اهل سنت را از منابع حدیثی و تاریخی مورد اعتماد آنان، ذکر می کند و آن گاه، با استناد به قرآن، دلائل عقلی، سنت و تاریخ، به نقد آنها می پردازد. وی همچنین، در مواردی برای تأیید یک مطلب، به اقوال برخی از علمای اهل سنت و یا بعضی اشعار اشاره می کند. از این رو، کتاب التعجب در زمینه نقد محتوایی حدیث، بسیار ارزشمند است. کراجکی احادیث و گزارش های تاریخی را از طریق اهل سنت و گاه از طریق شیعه، بدون ذکر سند نقل می کند.

نسخه چاپی کتاب شامل مقدمه مصحح، مقدمه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه مصحح، شرح حال مؤلف، انتساب تألیف به کراجکی، موضوع کتاب و نسخه های خطی و چاپی آن، معرفی شده است. در مقدمه مؤلف، درباره انگیزه تألیف اشاره شده است به این که التعجب، در راستای فصل آخر کتاب أطراف الدلائل و أوائل المسائل شیخ مفید و با هدف بسط و تکمیل آن، به نگارش در آمده است.^۱ اصل کتاب در هفده فصل با این عناوین مشخص، سامان یافته است:

فصل اول: وصیت پیامبر ﷺ به ولایت علی علیه السلام

فصل دوم: نص پیامبر ﷺ بر ولایت و جانشینی علی علیه السلام

فصل سوم: واگذاری تعیین جانشین پیامبر ﷺ به انتخاب

فصل چهارم: انتخاب ابوبکر

فصل ششم: علم امام و جانشین پیامبر

فصل هفتم: عصمت پیامبر و امام و جانشین پیامبر

فصل هشتم: پیش افتادن امامت مفضول بر فاضل (ابو بکر بر امام علی علیه السلام)

فصل نهم: دلائل امامت ابو بکر

فصل دهم: تقیة امام علی علیه السلام در باره خلفا

فصل یازدهم: فضائل صحابه

فصل دوازدهم: اسامی و اوصاف ابو بکر و دیگر خلفا

فصل سیزدهم: دشمنی با اهل بیت علیهم السلام

فصل چهاردهم: تفضیل ابو بکر با آیه معروف به غار

فصل پانزدهم: درباره انفاق ابو بکر بر پیامبر صلی الله علیه و آله

فصل شانزدهم: فدک

فصل هفدهم: منابع احکام، و بدعت هایی در شریعت اسلام

۱۵. التفضیل

مؤلف: ابو الفتح کراجکی

تحقیق: جلال الدین محدث ارموی

ناشر: موسسه بعثت، تهران، ۱۳۶۱ ش.

گویا یک نسخه خطی از این کتاب موجود است و محقق کتاب نیز بر آن اعتماد کرده است. این نسخه به خط سید محمد بن محمد بن حسن حسینی، مشهور به ابن قاسم عالمی عینائی و در سال ۱۰۵۷ ق، از روی نسخه‌ای به خط شهید ثانی، استنساخ شده است. این نسخه، ابتدا با عنوان المعتمد، در کتاب خانه محدث ارموی بوده، سپس به کتاب خانه آیه الله گلپایگانی در قم منتقل شده است. آقا بزرگ تهرانی با استناد به عنوان المعتمد بر روی نسخه خطی، آن را المعتمد فی الإمامة معرفی کرده است.^۱ این کتاب در سال ۱۳۷۰ ق، در دار الکتب الاسلامیه در تهران، با تحقیق محدث ارموی چاپ شد.

کتاب التفضیل، با عنوان تفضیل امیر المؤمنین علیه السلام^۱ نیز ذکر شده است. این عنوان در فهرست تألیفات کراجکی نیامده است؛ ولی دو عنوان دیگر که در راستای هدف و انگیزه التفضیل به نظر می‌رسند، در آن فهرست دیده می‌شود: یکی المسألة الثبانية فی فضل امیر المؤمنین علیه السلام علی جمیع البریة سوی سیدنا رسول الله صلی الله علیه و آله، و دیگری الرسالة العلویة فی فضل امیر المؤمنین علیه السلام علی سائر البریة سوی سیدنا رسول الله صلی الله علیه و آله. برخی از کتاب‌شناسان، بر یگانگی التفضیل و الرسالة العلویة تأکید کرده‌اند. میرزا حسین نوری، سید عبد العزیز طباطبایی^۲ و شیخ عبد الله نعمت^۳، بر این قول هستند. قرینه بر یگانگی این دو عنوان، عبارتی است در پایان الرسالة العلویة، گویای آن که مؤلف، آن را برای شریف ابو طالب نگاشته است^۴ و در ابتدای التفضیل نیز همین عبارت آمده است.^۵ به هر حال، این کتاب از مصادر بحار الاثوار و مستدرک الوسائل است.^۶

موضوع کتاب، چنان‌که مؤلف خود به آن تصریح کرده،^۷ اثبات برتری امیرمؤمنان علی علیه السلام بر سایر انسان‌ها جز پیامبر اسلام است. وی در تبیین این موضوع، از کتاب و سنت و تأمل در تاریخ زندگی امام علی علیه السلام و سابقه و عملکرد درخشان وی در اسلام، بهره گرفته است.

کتاب التفضیل در یک مقدمه - که خطبه کتاب است - و دو باب، سامان یافته است. هر باب نیز مشتمل بر چند فصل است. خطبه کتاب، در باره اهمیت و ضرورت تألیف و اشاره به راه‌های استدلال بر موضوع آن است. باب نخست، شامل دلایل قرآنی و روایی بر برتری امام علی علیه السلام است. باب دوم، در باره عملکرد و سابقه درخشان امام

۱. أمل الآمل، ج ۲، ص ۲۸۷؛ ریاض العلماء، ج ۵، ص ۱۳۹؛ روضات الجنات، ج ۶، ص ۲۰۹؛ الذریعة، ج ۴، ص ۳۵۹.

۲. تراثنا، ش ۴۳ و ۴۴، ص ۳۹۶ و ۳۹۷.

۳. کنز النوائد، ج ۱، ص ۲۳.

۴. تراثنا، همان، ص ۳۹۵.

۵. التفضیل، ص ۶.

۶. بحار الاثوار، ج ۱، ص ۱۸، ۳۵؛ ج ۵۷، ص ۳۰۰.

۷. التفضیل، ص ۷ و ۸.

علی علیه السلام از صحنه‌ها و مواقع گوناگون است.

کراجکی دلایل نقلی را با قرآن شروع کرده و در این زمینه، آیه مباهله را مطرح نموده است. وی در تبیین مفاد آیه مباهله، از سیاق آیه و روایت ابن مسعود از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کمک گرفته است. استدلال به روایات نیز، در سیزده فصل مرتب شده است. وی اخبار فضائل و گاه احادیث مخالف را ذکر می‌کند. روش کار وی چنین است که ابتدا وضعیت خبر را از نظر میزان اعتبار و مقبولیت، اشاره می‌کند و گاه، پیش از ذکر اصل روایت یا روایات و گاه، پس از آن و در مواردی در هر دو جا، به بیان وجه دلالت آن اخبار بر موضوع می‌پردازد. از آن جا که روی سخن کراجکی در مرتبه نخست، با اهل سنت و منکران برتری امام علی علیه السلام بر دیگر انسان‌هاست، یا به روایاتی استشهاد کرده است که از هر دو طریق، نقل شده‌اند و یا به احادیثی که تنها اهل سنت نقل کرده‌اند. وی معمولاً در ابتدا یا پایان حدیث، به این نکته اشاره می‌کند.^۱ کراجکی در این کتاب، به سان دیگر کتاب‌هایش، به هنگام نقل حدیث، گاه به زمان و مکان اخذ حدیث نیز اشاره کرده است.^۲ وی احادیث اهل سنت را از ابن شاذان و گاه ابو الحسن سلمی - که از هر دو به استاد و شیخ یاد می‌کند - نقل کرده است.^۳ اسناد احادیث کتاب، جز در مواردی اندک، کامل است.

کراجکی گاه چند روایت را در یک موضوع نقل می‌کند و پس از نقل آنها یادآور می‌شود که امثال این خبر، در کتب عامه و خاصه یا کتب اهل سنت، وجود دارد یا فراوان است.^۴ برخی از روایات کتاب، عنوان خاص و معروف دارند؛ مانند: حدیث «مؤاخاة»، حدیث طائر، و حدیث «علی علیه السلام خیر البشر».^۵ وی این گونه اخبار را بدون ذکر مقدمه نقل می‌کند. در باب دوم که با عنوان «الاستدلال بالاعتبار» یاد شده، به

۱. همان، ص ۲۳، ۲۴، ۲۵.

۲. همان، ص ۱۵، ۱۶، ۲۵، ۳۱.

۳. همان، ص ۲۰، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۹.

۴. همان، ص ۱۲، ۲۳.

۵. همان، ص ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۲۰، ۲۲.

برخی از سوابق و عملکرد امام علی علیه السلام اشاره شده است. در ابتدای این باب، از ابن عباس و نافع بن ازرق حکایت شده که علی علیه السلام در سابقه و عملکرد، بی نظیر و بی بدیل بوده است. پس از آن، موارد و مصادیق برجسته ای از عملکرد آن حضرت در وفاداری به اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر شده است. از ماجرای لیلۃ المیت، و مبارزه در غزوه های احد و احزاب و خیبر، به عنوان نمونه های برجسته یاد شده و در توضیح هر یک، به سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام در عظمت شخصیت امام علی علیه السلام نیز استناد شده است. کراچکی در پایان با اشاره به این که امامیه بر برتری امام علی علیه السلام اجماع دارند، به شبهه های حشویه اهل سنت، معتزله و گروه های بی نام و نشان از شیعه (اصاغر شیعه) پرداخته و به آنها پاسخ داده و در این جهت، به قرآن، سنت، عقل و تاریخ، استناد کرده و گاه به شیوه جدل، استدلال کرده است.^۱

۱۶. إثبات الوصية لعلی بن أبی طالب علیه السلام

مؤلف: ابو الحسن مسعودی

مترجم: محمد جواد نجفی

ناشر: انتشارات اسلامیة، تهران ۱۳۴۴ ش.

این کتاب بارها چاپ شده است. از جمله، در سال ۱۳۲۰ ق، در تهران که در ۲۶۷ صفحه همراه بالغیبة نعمانی چاپ شد و در سال ۱۳۶۷ ق، نیز در نجف اشرف در ۲۲۹ صفحه.^۲

از کتاب إثبات الوصية، در بیشتر مصادر کتاب شناسی، نام برده شده است.^۳ بر پایه نسخه چاپی، مطالب کتاب در سه جزء، سامان یافته است:

۱. همان، ص ۴۴-۴۸.

۲. تراث، ش ۱۸، ص ۱۳۶.

۳. رجال النجاشی، ص ۲۵۴؛ خلاصة الاقوال، ص ۱۸۶؛ رجال ابن داوود، ص ۱۳۷؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۱۸۰ - ۱۸۱.

جزء نخست: گزارش آفریدگان پیش از حضرت آدم علیه السلام تا زمان آن حضرت. در این جزء، پس از آفرینش آدم علیه السلام و شرح حال مختصر او، اسامی اوصیای حضرت آدم علیه السلام ذکر شده است و سپس دیگر پیامبران، به این ترتیب: نوح علیه السلام، ابراهیم علیه السلام، موسی علیه السلام، داوود علیه السلام، عیسی مسیح علیه السلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، همراه با شرح حال مختصر هر یک از آنان و ذکر اوصیای آنان. این اوصیا در هر طبقه، غالباً دوازده نفر ذکر شده‌اند. مسعودی در پایان شرح حال هر یک از این افراد، متذکر می‌شود که خداوند به او وحی کرد که تابوت و مواریث انبیای پیشین را به وصی بعدی ودیعه دهد.

جزء دوم: شامل شرح حال کوتاه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از تولد تا وفات، خلافت امیر المؤمنین علیه السلام و گزراشی از برخورد ناموجه خلفای پیشین با او و حضرت زهرا علیه السلام، از جمله: فشار برای وادار کردن آن حضرت به بیعت با خلیفه، قضیه آتش زدن در خانه امام علی علیه السلام و سقط شدن محسن.^۱

جزء سوم: اشاره به برخی از حالات و معجزات امام علی علیه السلام، وفات آن حضرت و معرفی امام حسن علیه السلام به عنوان وصی، و... این جزء با همین سبک و سیاق، تا امام زمان علیه السلام دنبال می‌شود. مؤلف در شرح حال هر یک از امامان علیهم السلام، به ولادت، سیره، معجزات و وفات آنها می‌پردازد. از نکات قابل توجه در این جزء، آن است که مؤلف در شرح حال امام جواد علیه السلام آورده که «وی در گهواره سخن می‌گفت».^۲ در شرح حال امام دوازدهم علیه السلام نیز با بیان نصوص بر امامت امامان دوازده گانه، متذکر شده است که ابو محمد امام حسن عسکری علیه السلام معمولاً رو در رو و حضوری، با شیعیان برگزیده صحبت نمی‌کرد و این بدان جهت بود که زمینه و آمادگی برای غیبت امام زمان را فراهم سازد.^۳

۱. إثبات الوصیة، ص ۱۲۳ - ۱۲۴.

۲. إثبات الوصیة، ص ۱۸۴.

۳. همان، ص ۲۳۰.

مسعودی این کتاب را در سال ۳۳۲ ق، تألیف کرده و متذکر شده است که عمر امام زمان علیه السلام تا زمان تألیف این کتاب ۷۵ سال و هشت ماه است.^۱

۱.۱۷. المسترشد

مؤلف: ابن جریر طبری امامی

تحقیق: احمد محمودی

ناشر: مؤسسه الثقافة الإسلامية لکوشانپور، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.

در تحقیق این کتاب، از دو نسخه خطی استفاده شده است: نسخه‌ای به خط محمد باقر مجلسی در ۱۰۹۵ ق، و نسخه سید محمد رضا بن ابی القاسم بن فتح الله بن نجم الدین حسینی کالی استرآبادی، در کتابخانه حسینیة شوشتری در نجف اشرف. شیخ شیر محمد همدانی نسخه کامل این دو نسخه را فراهم کرد.^۲

المسترشد با همین عنوان،^۳ و یا با عنوان المسترشد فی الإمامة، المسترشد فی إثبات الإمامة، والمسترشد فی دلائل الإمامة، در مصادر آمده است.^۴ هر چند انتساب المسترشد به طبری، معروف است، قطعی نیست؛ چرا که ابن ندیم کتابی را با همین عنوان، به ابن جریر طبری عامی نسبت داده است.^۵ البته شاید سخن وی، بر اثر اشتباه در نام مؤلف و یا وجود دو کتاب با این عنوان باشد.

نسخه چاپی المسترشد، شامل مقدمه بلند محقق و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، به شرح حال ابن جریر طبری و تألیفات او و نیز جایگاه المسترشد و معرفی نسخه‌های خطی آن، اشاره شده است. اصل کتاب گویا فاقد سامانی بر پایه فصل و

۱. همان، ص ۲۳۱.

۲. المسترشد، ص ۶۸؛ الذریعة، ج ۸، ص ۲۴۵.

۳. الفهرست، طوسی، ص ۲۳۹.

۴. رجال التجاشی، ص ۳۷۶؛ معالم العلماء، ص ۱۴۱؛ خلاصة الأقوال، ص ۲۶۶؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۴۰.

۵. فهرست ابن ندیم، ص ۲۹۲.

باب بوده و با این حال، از عناوین فرعی برخوردار است. زمینه بحث کتاب چنان‌که مؤلف خود اشاره کرده،^۱ فضائل امام علی علیه السلام و اثبات امامت اوست و نیز پاسخ این ادعای مخالفان که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، اصلح ابو بکر است. ابن جریر طبری در راستای این هدف، از روایات مخالفان استفاده کرده است. این امر، تعجب ابن ابی الحدید را برانگیخته و او احساس خود را این گونه بروز داده است که در میان کتب شیعه، چنین اخباری را تنها در کتاب سید مرتضی و کتاب المسترشد ابن جریر طبری امامی یافته است.^۲

المسترشد از مصادر نهج البلاغة، الصراط المستقیم علی بن یونس و بحار الأنوار است.^۳ این کتاب افزون بر ارزش کلامی، ارزش تاریخی دارد؛ زیرا در آن از منابع تاریخی بالارزشی نقل شده است که نایاب به شمار می‌آیند؛ از جمله، روایات فراوانی از واقدی. ابن جریر با تکیه بر روایات - که آنها را بدون سند ذکر کرده -، به مباحث متعددی با این عنوان‌ها پرداخته است: اثبات فضل کسی که دارای فضل است، نفی امامت از کسی که شایستگی آن را ندارد، پاسخ به این سؤال که «چرا علی علیه السلام برای گرفتن حق خود قیام نکرد؟» داستان انصار، شرح حدیث نبوی «أنت منی بمنزلة هارون من موسی»، لزوم امامت، اثبات وصیت و وصی، این که پیامبر صلی الله علیه و آله پشت سر ابو بکر نماز نخواند و... است.

۱۸. دلائل الإمامة

مؤلف: ابن جریر طبری امامی

تحقیق: گروه مطالعات اسلامی مؤسسه بعثت

ناشر: مؤسسه البعثة، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

۱. المسترشد، ص ۱۱۱.

۲. شرح نهج البلاغة، ج ۲، ص ۳۶.

۳. مصادر نهج البلاغة و أسانیده، ج ۱، ص ۴۰؛ الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۴؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۴۰.

در تحقیق کتاب، از دو نسخه خطی و یک نسخه چاپی استفاده شده است: نسخه کتاب خانه آستان قدس رضوی، نسخه کتاب خانه عمومی آیه الله مرعشی (با تاریخ تحریر ۱۳۱۹ ق، از روی نسخه‌ای با تاریخ کتابت ۱۰۹۲ ق) و نسخه چاپی در چاپ خانه حیدریه در نجف اشرف، در سال ۱۳۶۹ ق. معرفی کتاب دلائل الإمامة، با همین عنوان^۱ و یا با عنوان الإمامة،^۲ مسند فاطمة علیها السلام، و مناقب فاطمة و ولدها علیهم السلام^۳ آمده است. انتساب این کتاب به ابن جریر طبری، معروف است؛ اگرچه خالی از تردید نیست. یک نظر آن است که این کتاب، همان المسترشد پیش گفته است.^۴ دیدگاه دیگر آن است که این، کتابی مستقل است.^۵ بر پایه دیدگاه سوم که در میان متأخران و معاصران مطرح شده، این کتاب، نه تألیف ابن جریر طبری صاحب المسترشد؛ که تألیف فردی است به همان نام که معاصر نجاشی و شیخ طوسی بوده است.^۶ آقا بزرگ برای دفاع از این دیدگاه، به شواهدی اشاره کرده که بر ناسازی مشایخ صاحب المسترشد با مشایخ صاحب دلائل الإمامة و گاه ابهامات و آشفتگی‌ها در اسناد کتاب دلائل الإمامة استوار است. مؤلف کتاب دلائل الإمامة از بسیاری از مشایخ نجاشی و طوسی روایت کرده است؛ همچون: ابن خیاط قمی، محمد بن هارون بن موسی تلکبری، ابو مفضل شیبانی و حسین بن عبید الله غضائری. او از کسانی روایت کرده که راوی شیخ صدوق و تلکبری اند، چنان‌که نجاشی و طوسی نیز از آنها روایت

۱. دلائل الإمامة، مقدمة محقق، ص ۳۶-۳۷.

۲. الیقین، ص ۱۰۰-۱۰۲.

۳. معالم العلماء، ص ۱۴۱؛ إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۳۶، ج ۳، ص ۱۱۳؛ الأمان من أخطار الأسفار، ص ۶۶، ص ۱۳۵؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۲۷۲.

۴. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۴۰؛ کشف الحجب و الأستار، ص ۲۱۵.

۵. معالم العلماء، همان جا؛ أمل الآمل، همان جا؛ فرج المهموم، ص ۱۰۲؛ کشف المحجّة، ص ۳۵؛ الیقین، ص ۵۰.

۱. الذریعة، ص ۲۶؛ مدینة المعاجز، ج ۱، ص ۳۶؛ ریاض العلماء، ج ۱، ص ۱۰۳؛ معجم المؤلفین، ص ۱۶۴.

۶. الذریعة، ج ۸، ص ۲۴۱؛ الأخبار الدخیلة، ج ۱، ص ۴۳؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۶، ص ۱۵۸؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابن جریر طبری».

کرده‌اند. در این کتاب، پس از حدیث ۱۲۸ در زمینه دلائل امام حجت علیه السلام، آمده است که: «این خبر، از اصلی به خط ابو عبد الله حسین بن غضائری - رحمه الله علیه - روایت شده است».^۱

کتاب دلائل الإمامة به استناد نسخه خطی موجود - که نسخه چایی نیز از روی آن است - مشتمل بر شرح زندگانی و معجزات و دلائل فاطمه زهرا علیها السلام و دیگر ائمه علیهم السلام از امام حسن تا حضرت حجت است. به قرینه اسقاط در اسناد حدیث اول آن و نیز مواردی که ابن طاووس (م ۶۶۴ ق) در إقبال الأعمال^۲ و الیقین^۳ درباره پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و ظاهراً فاطمه علیها السلام از آن نقل کرده است، بر می آید که این نسخه، ناقص است و نسخه کامل آن، در دو مجلد یا دو جزء بوده و هر دو جزء، در اختیار ابن طاووس قرار داشته است.^۴ جزء اول کتاب، پس از ابن طاووس نایاب شد و گویا محمد باقر مجلسی و سید هاشم توبلی نیز آن را در اختیار نداشته‌اند.^۵ این کتاب از مصادر کتاب‌های حدیثی و کلامی همچون مدینه المعاجز، بحار الأنوار است.

۱۹. مقتضب الآثار

مؤلف: ابن عیاش جوهری

تحقیق: سید هاشم رسول محلاتی

ناشر: مکتبة الطباطبائی، قم، ۱۳۷۹ ق.

نسخه خطی این کتاب، از روی نسخه‌ای به خط محمد بن احمد بن محمد بن عبد الکریم ابن ابی الفتوح همدانی (کتابت در سال ۵۷۵ ق) در کتابخانه میرزا

۱. الذریعة، همان جا؛ الأخبار الدخيلة، همان جا.

۲. الإقبال، ج ۱، ص ۳۶؛ ج ۳، ص ۱۱۳.

۳. باب ۶۵، ۶۶، ۶۷.

۴. دلائل الإمامة، ص ۳۹ - ۴۱، مقدمه محقق.

۵. الذریعة، ج ۸، ص ۲۴۴؛ دلائل الإمامة، ص ۴۱ - ۴۲، مقدمه محقق.

محمد عسکری تهرانی موجود است.^۱ مقتضب الأثر بارها در ایران و خارج از آن چاپ شده است؛ از جمله، در نجف اشرف در سال ۱۳۴۶ ق.^۲ این کتاب با عنوان مقتضب الأثر فی عدد الأئمة الإثنی عشر، یا با عنوان مقتضب الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، در مصادر کتاب شناسی ذکر شده است.^۳ انتساب مقتضب الأثر به ابن عیاش، معروف است. این کتاب از مصادر کتاب های حدیثی و کلامی، بویژه در مسئله امامت است؛ مانند: کفایة الأثر ابن خرزّاز قمی، الاستبصار و کز الفوائد کراچکی، وسائل الشیعة، بحار الآثار و مستدرک الوسائل.

نسخه چاپی شامل مقدّمه بلند لطف الله صافی، مقدّمه مؤلف و اصل کتاب است. لطف الله صافی، در مقدّمه، به جایگاه امامت و ائمه دوازده گانه در متون روایی اهل سنت و شیعه و آثاری که در این باره تألیف شده، پرداخته است. مقدّمه مؤلف به انگیزه تألیف، موضوع کتاب و معرفی بخش های آن، اختصاص دارد. به موجب این مقدّمه، هدف اصلی مؤلف، گردآوری روایاتی از طریق اهل سنت بوده است، که اسامی، تعداد و اشخاص ائمه علیهم السلام را مطابق با آنچه در روایات امامی آمده، گزارش کرده اند. وی متذکر شده که مطالب کتاب را در سه جزء با موضوع مشخص، سامان داده است.

جزء نخست: در روایات از طریق اهل سنت درباره اسامی و تعداد ائمه علیهم السلام، شامل روایاتی از برخی صحابیان، چون: سلمان فارسی، عبد الله بن مسعود، جابر بن سمّره، عبد الله بن اُبّی عوفی و جابر بن عبد الله انصاری.

جزء دوم: در اشعار و اخبار پیشینیان درباره اسامی ائمه علیهم السلام، شامل: روایت عبد الله بن عمر، کعب الأحبار و حسن بصری که به ذکر شدن در اسامی و شمار ائمه علیهم السلام در

۱. الذریعة ج ۲۲، ص ۲۱؛ فهرس التراث، ج ۱، ص ۴۵۶؛ تراشا، ش ۲۵، ص ۱۱۰.

۲. الذریعة، همان جا؛ تراشا، همان جا.

۳. رجال النجاشی، ص ۸۵؛ لفرست، طوسی، ص ۷۹؛ بحار الآثار، ج ۱، ص ۱۹؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۴۱؛ الذریعة، ج ۲۲، ص ۲۱.

کتاب‌های آسمانی پیشین اشاره دارند، و نیز اشعاری از اشعار قُتس بن ساعده و دیگران، که پیش از ولادت ائمه علیهم‌السلام سروده شده و در آنها به عدد ائمه اشاره شده است.

جزء سوم: در روایات از طریق شیعه و با اسناد به اهل بیت علیهم‌السلام.^۱

مؤلف در ابتدای هر جزء، به مفاد روایات و طریق روایت، و در پایان یافتن آن اشاره کرده است.

وی روایات را با اسانید کامل نقل کرده و معمولاً درباره روایات منقول از طریق عامه، توضیحاتی نیز داده و یا روایتی همخوان و موافق با آن را از طریق امامیه نقل کرده است. از نکات جالب در این کتاب، آن است که مؤلف در موارد بسیاری، نحوه اخذ حدیث و گاه تاریخ را نیز باز گفته است.

۲۰. کفایة الأثر

مؤلف: ابن خزاز قمی

تحقیق: سید عبداللطیف حسینی کوه کمری خویی
ناشر: انتشارات بیدار، قم، ۱۴۰۱ ق.

در تحقیق این کتاب، افزون بر نسخه چاپ سنگی، از سه نسخه خطی استفاده شده است، که دو نسخه در کتاب‌خانه آیه الله مرعشی نجفی است: یکی به خط مؤمن بن عبد الجواد کاظم (کتابت در ۱۰۸۶ ق)، و دیگری به خط میرزا حسین نوری طبرسی و با تصحیح او در سال ۱۲۸۰ ق. نسخه سوم، در کتاب‌خانه سید جلال الدین محدث ارموی است که در سال ۹۳۱ ق، به خط تاج الدین بن عبد الله بن سلیمان فقیه، از روی نسخه‌ای متعلق به سال ۴۰۴ ق، استنساخ شده است. همچنین، برخی از احادیث کتاب با کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق نیز مقابله شده است.^۲ کفایة الأثر پیش از این نیز در ایران (سال ۱۳۰۵ ق) همراه با الخرائج و الجرائح قطب الدین

۱. مقتضب الأثر، ص ۳.

۲. کفایة الأثر، ص ۱۸ - ۲۰، تراندا، ش ۲۴، ص ۱۳۲.

راوندی (م ۵۷۳ ق) چاپ شد.^۱

این کتاب با عنوان الکفایة فی النصوص^۲، الکفایة فی النصوص علی عدد الأئمة^۳ و نیز کفایة الآخر فی النصوص علی الأئمة الإثنی عشر یاد شده است. انتساب کفایة الآخر به ابن خرزاز، معروف است. این کتاب مصادر کتاب های حدیثی و کلامی، مانند: بحار الأنوار، وسائل الشیعة و مستدرک الوسائل است.^۴

نسخه چاپی شامل مقدمه محقق، مقدمه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، شرح حال مؤلف، جایگاه کتاب و معرفی نسخه های خطی آمده است. مقدمه مؤلف، به انگیزه تألیف اختصاص دارد، گویای آن که مؤلف، این کتاب را بر حسب نیاز زمان خویش تألیف کرده است. در آن دوره، شماری از شیعیان که ایمان قوی نداشتند و کم دان نیز بودند، در مسئله امامت و تعداد امامان تردید داشتند و بعضی از آنها تحت تأثیر شبهات معتزله، به انکار نصوص بر امامت ائمه^۵ نیز می پرداختند. در این شرایط، ابن خرزاز این کتاب را با استفاده از روایات صحابه و اهل بیت^۶ تألیف کرد.

اصل کتاب، در دو بخش سامان یافته است. بخش نخست، به روایات صحابیان معروف اختصاص دارد، از جمله: عبد الله بن عباس، عبد الله بن مسعود، ابو سعید خدری، ابو ذر غفاری، سلمان فارسی، جابر بن سمره، جابر بن عبد الله، انس بن مالک، ابو هریره، عمر بن خطاب، زید بن ثابت، زید بن ارقم، ابی امامه، واثله بن اسقع، ابو ایوب انصاری، عمار بن یاسر، حذیفه بن أسید، عمران بن حصین، سعد بن مالک، حذیفه بن یمان، ابو قتاده انصاری، علی بن ابی طالب و حسن و حسین^۷ و از زنان، ام سلمه، عایشه و فاطمه دختر رسول خدا^۸.

۱. تراش، ش ۲۳، ص ۲۳۷، ۲۳۸.

۲. معالم العلماء، ص ۱۰۶.

۳. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۴۰.

۴. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۷؛ الذریعة، ج ۱۸، ص ۸۶.

بخش دوم، به ذکر اخبار از طریق ائمه علیهم‌السلام اختصاص یافته است. در این بخش، پس از نصوص بر امامت ائمه علیهم‌السلام به طور کلی، نصّ هر کدام بر امام بعدی نیز آمده است. در پایان کتاب، دو باب به زید بن علی اختصاص پیدا کرده است: یک باب، درباره نصّ زید بر امامت ائمه علیهم‌السلام، و باب دوم درباره قیام او و این که ادعای امامت نداشته است.

طبقه‌بندی مطالب کتاب در دو فصل و ۳۷ باب، نشان می‌دهد که مؤلف در این نوشتار، از نظام معنایی خاصی پیروی کرده است. وی مطالب را با مراعات «عام به خاص» و مصادر حدیث را به لحاظ تقدّم رتبه و نیز ترتیب زمانی، سامان داده است. روایات کتاب با اسناد کامل، از طریق شیعه و گاه از راویان اهل سنت نقل شده است. برخی از راویان شیعی این روایات، عبارت‌اند از: شیخ صدوق، ابو المفصل محمد ابن عبد الله بن مطلب شیبانی، ابو عبد الله احمد بن محمد بن عبد الله بن حسن بن عباس جوهری، قاضی ابو الفرج معافا بن زکریا بغدادی، ابو عبد الله حسین بن محمد بن سعید بن علی خُزاعی، ابو عبد الله احمد بن اسماعیل سلیمانی، ابو الحسن علی بن حسین بن محمد از ابو محمد هارون بن موسی تلعبکری، ابو الحسن محمد بن جعفر بن محمد تمیمی معروف به ابن نجّار کوفی، و علی بن حسین بن محمد بن منده از تلعبکری.

۲۱. ایمان ابی طالب

مؤلف: شیخ مفید

تحقیق: گروه مطالعات اسلامی موسسه بعثت

ناشر: دار المفید، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

در تحقیق این کتاب، بر یک نسخه خطّی با تاریخ کتابت ۹۸۶ ق، موجود در کتاب‌خانه عمومی مرکزی مشهد، اعتماد شده است.^۱ سه نسخه خطّی دیگر، در

کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی،^۱ کتاب‌خانه آیه الله حکیم در نجف اشرف^۲ و کتاب‌خانه ملک در تهران،^۳ موجود است.

این کتاب بارها در ایران و عراق چاپ شده است؛ از جمله در عراق، در ضمن مجموعه‌ای با تحقیق و اشراف شیخ محمد حسن آل یاسین، در سال ۱۳۷۲ ق.

در منابع کتاب‌شناسی، کتاب ایمان ابی طالب با همین عنوان، در شمار آثار شیخ مفید ذکر شده است.^۴ این کتاب در دفاع از ایمان آوردن ابو طالب به پیامبر اسلام ﷺ تألیف شده است. ایمان ابو طالب به سان برخی دیگر از موضوعات و آموزه‌های شیعی، و مرتبط با آن، به لحاظ تاریخی و کلامی، گرفتار دیدگاه‌های مختلف گردیده است. این کتاب در هر دو زمینه کلام و تاریخ، ارزشمند و مفید است.

نسخه چاپی ایمان ابی طالب، شامل مقدمه بلند محقق کتاب، مقدمه کوتاه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، اهمیت موضوع کتاب، و توجه به آن در میان اندیشه‌وران مسلمان، و پیشینه موضوع به ذکر ۳۷ کتاب، آمده است. مقدمه مؤلف به موضوع کتاب و انگیزه و سبب تألیف اختصاص دارد. شیخ مفید متذکر می‌شود که در این باره، در کتاب‌ها و نوشته‌های معروفش - مانند: الإرشاد، الاختصاص و الأمالی -، به اندازه کافی سخن گفته است؛ با این حال، در پی خواستی که از او شده و نیز به جهت مفیدتر بودن تألیف مستقل مختصر، این کتاب را تألیف کرد.^۵ وی در این کتاب، به اثبات ایمان ابو طالب به پیامبر ﷺ و یاری و محبت او نسبت به آن حضرت می‌پردازد. وی در این راستا، به صورت گسترده به دیوان شعر ابو طالب و شواهد تاریخی،^۶

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی، ج ۷، ص ۲۷ و ص ۲۷۲.

۲. فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه آیه الله حکیم، ج ۱، ص ۸۲.

۳. تراش، ش ۱۳، ص ۹۷-۹۸.

۴. رجال التجاشی، ص ۴۰۱؛ معالم العلماء، ص ۱۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۷.

۵. ایمان ابی طالب، ص ۱۷.

۶. همان، ص ۲۲-۲۳.

استناد می‌کند. یکی از اشعار دیوان ابوطالب که به آن‌ها استناد شده، دو قصیده «لامیه» و «میمیه» است^۱ که هر دو معروف هستند. گویا آنچه در این کتاب بیش از هر چیز مورد توجه مؤلف قرار گرفته، اخلاص دینی ابوطالب است. وی با نقل شواهد تاریخی و اشعار دیوان، در پی اثبات این است که وفاداری، پشتیبانی و دفاع ابوطالب از پیامبر خدا ﷺ از سر عصیبت و رابطه نسبی و سببی صرف نبوده است، که این تلاش‌ها از ایمان او به پیامبر خدا بر می‌خاست. به هر روی، این کتاب از مصادر بحار الأنوار است.^۲

۲۲. الغیبة

مؤلف: شیخ طوسی

تحقیق: عباد الله تهرانی و علی احمد ناصح

ناشر: مؤسسة المعارف الإسلامية، قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.

افزون بر نسخه چاپی نجف اشرف،^۳ چند نسخه خطی از این کتاب وجود دارد: نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی (تاریخ کتابت: ۱۰۷۴ ق)، نسخه کتابخانه مدرسه فیضیه در قم (به خط خلف بن یوسف بن نجم نجفی، در ۱۰۸۵ ق)، نسخه کتابخانه آستان قدس با تاریخ تحریر ۱۰۸۹ ق، نسخه کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی (به خط ملاعباسقلی شمس العلما). الغیبة نخستین بار در تبریز، در سال ۱۳۲۳ ق، چاپ شد.^۴

از کتاب الغیبة با همین عنوان، در مصادر یاد شده است.^۵ این کتاب درباره غیبت

۱. همان، ص ۱۸، ۲۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۱.

۳. الغیبة، ص ۱۲-۱۳؛ فهرس التراث، ج ۱، ص ۵۳۰.

۴. الغیبة، ص ۹-۱۰.

۵. الفهرست، طوسی، ص ۲۴۱؛ معالم العلماء، ص ۱۵۰؛ بحار الأنوار، ص ۷.

امام دوازدهم و مسائل مربوط به آن است. به قرینه عبارت شیخ طوسی در بیان شبهه طولانی شدن عمر حضرت مهدی علیه السلام - که: «تا این وقت، امام قائم ۱۹۱ سال دارد»^۱ - معلوم می شود که وی این کتاب را در سال ۴۴۷ ق، تألیف کرده است. نسخه چاپی کتاب شامل مقدمه محقق، مقدمه مؤلف و اصل کتاب است.

بر اساس گفته های مؤلف در مقدمه این کتاب در پی تقاضای «شیخ جلیل» که ناشناخته است، فراهم آمده است. وی متذکر شده که این کتاب را در بیان سبب غیبت، علت طولانی شدن غیبت در حال نیاز مبرم و شدید به حضور امام، راه چاره و سایر شبهه های مخالفان - که گاه با ریشخند همراه است - تألیف کرده است.^۲ اصل کتاب پس از مقدمه ای مفصل، در هشت فصل طبقه بندی شده است. از مقدمه مؤلف و دیگر مباحث کتاب، پیداست که شیخ طوسی در این کتاب، به سؤالات و شبهه هایی پاسخ داده که در موضوع غیبت امام زمان علیه السلام، میان موافقان و مخالفان مطرح بوده است. البته این سؤالات و شبهه ها در آن زمان، تازه و مستحدث نبودند؛ اگرچه به دلیل طولانی شدن غیبت، جدی تر از گذشته شده بودند. مؤلف در بخش اول کتاب، گفتاری مفصل با عنوان «کلام فی غیبة صاحب الزمان» آورده و به امامت حضرت مهدی علیه السلام و اثبات آن با توجه به مسئله غیبت پرداخته و گاه به مناسبت، از ولادت، سبب غیبت و موانع حضور او نیز سخن گفته است. در این قسمت، دیدگاه های فرق و مذاهب مختلفی را - چون کیسانیه، محمدیه، فطاحیه، ناووسیه و واقفه - نقد کرده است. تکیه بحث وی در نقد مذاهب کلامی، بر دیدگاه واقفه است. از جمله این مباحث است: نقد دیدگاه واقفه در معرفی امام موسی کاظم علیه السلام به عنوان مهدی و اعتقاد به زنده بودن او، کسانی که این دیدگاه را برای نخستین بار مطرح کردند، انگیزه و سبب اصلی طرح این مطلب. و شیخ طوسی در این قسمت، به طور عام، بر دلایل عقلی و تاریخی تکیه

۱. الغیبة، ص ۱۱۲.

۲. همان، ص ۱.

کرده و از اخبار و روایات، تنهادر تأیید آنها بهره برده است.^۱

عناوین دیگر فصول کتاب، بدین قرار است: ولادت امام زمان علیه السلام، کسانی که آن امام را پس از تولّد دیده اند، دلائل و معجزات او، برخی از توقیعات آن حضرت، موانع ظهور او، وکلا و سفرای امام، برخی از توقیعات به افراد قابل اعتماد در زمان سفر، نامشخص بودن وقت ظهور، و نشانه های ظهور، برخی از فضائل و سیره و صفات آن حضرت.^۲

شیخ طوسی در این کتاب، به شیوه کلامی بحث کرده و هر کدام از عقل و نقل را در جای مناسب به کار برده است. وی در موارد استدلال عقلی، از اخبار به قصد تأیید بهره گرفته است. روایات کتاب با اسناد کامل و گاه ناقص است و اکثر آنها از طریق مشایخ معروف مؤلف - چون: شیخ مفید، ابن غضائری، ابن عبدون و ابن ابی جید - نقل شده اند. شیخ در برخورد با اخباری که از فرقه های مخالف بویژه واقعه نقل کرده، نخست متذکر شده است که اینها اخبار آحاد هستند و حجّیت ندارند؛ چرا که نمی توان به درستی آنها علم پیدا کرد.^۳ وی سپس به نقد رجالی آنها پرداخته و به استناد اخباری، متذکر شده است که رجال واقعی، قابل اعتماد نیستند.^۴ او افزون بر نقد رجالی، به توضیح معنا و مراد اخبار یاد شده، و بیان همسویی آنها با دیدگاه امامیه و نقض دیدگاه واقفه پرداخته است.

شیخ طوسی در تألیف این کتاب، از مصادر معروف و مهم علمای امامیه استفاده کرده است. از جمله این مصادر، چنین می توان نام برد: الإمامة والتبصرة ی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه ی شیخ صدوق، الغیبه ی ابن ابی زینب نعمانی، و کتب گوناگون شیخ مفید و سیّد مرتضی در زمینه غیبت. وی همچنین، در بیان دلائل واقعه برای

۱. الغیبه، ص ۴۳.

۲. همان، ص ۲۲۹، ۲۵۳، ۲۸۵، ۳۴۵-۳۹۷، ۴۱۹-۴۳۳، ۴۶۷.

۳. همان، ص ۴۲-۴۳.

۴. الغیبه، ص ۶۷.

اثبات دیدگاهشان، از کتاب محمد بن علی بن احمد علوی موسوی با عنوان فی نصره الواقعة، استفاده کرده است.^۱

کتاب الغیبة ی طوسی افزون بر ارزش حدیثی، در زمینه های گوناگون دیگری چون کلام، تاریخ، نقد الحدیث و فقه الحدیث نیز ارزشمند است. این کتاب پس از تألیف، با اعتنا و اعتماد علمای شیعه مواجه شده و در شمار مصادر بسیاری از کتاب های حدیثی و کلامی جای گرفته است.^۲

۲۳. عیون المعجزات

مؤلف: حسین بن عبد الوهّاب

تحقیق: محمد علی اردوبادی

ناشر: منشورات رضی، قم، ۱۴۱۴ ق.

در تحقیق و تصحیح کتاب، بر نسخه خطی شیخ شبر محمد همدانی جورقانی اعتماد شده که از روی نسخه شیخ حرّ عاملی صاحب وسائل الشیعة (با تاریخ کتابت ۱۰۸۷ ق) استنساخ شده است.^۳

کتاب عیون المعجزات، پیش از این نیز در نجف اشرف، توسط چاپخانه حیدریه در سال ۱۳۶۹ ق، در ۱۴۲ صفحه با مقدمه شیخ محمد علی اردوبادی چاپ شد.^۴ نام کتاب به اختلاف نسخه ها، افزون بر عیون المعجزات، عیون المعجزات و فنون الکرامات المنتخب من بصائر الدرجات، و فنون المعجزات المنتخب من بصائر الدرجات نیز ذکر شده است.^۵ انتساب عیون المعجزات به حسین بن عبد الوهّاب، معروف نیست؛ چرا که در مصادر کتاب شناسی و روایی، این کتاب گاه به سید مرتضی علم الهدی،^۶

۱. همان، ص ۴۳.

۲. مدینه المعاجز، ج ۳، ص ۳۴۵، ج ۷، ص ۱۲۵؛ وسائل الشیعة، ج ۲ ص ۸۱۱ و ج ۲۰، ص ۴۲؛ بحار الاثوار، ج ۱، ص ۷؛ مستدرک لوسائل، ج ۲ ص ۲۳۱.

۳. عیون المعجزات، ص ۵؛ مقدمه محقق، الذریعة، ج ۱۵، ص ۳۸۳-۳۸۵.

۴. معجم المطبوعات النجفیة، ص ۲۵۴.

۵. أعیان الشیعة، ج ۶ ص ۸۳.

۶. مدینه المعاجز، ج ۱، ص ۱۴۷، ۱۵۱.

یا حسین بن عبد الوهّاب^۱ و گاه به مؤلفی ناشناخته در سده پنجم^۲ نسبت داده شده است.

سبب تردید و اختلاف در عنوان کتاب و نام مؤلف، افتادگی صفحات آغازین نسخه‌های خطی کتاب است. تنها گزارشی از عنوان کتاب و نام مؤلف که برگفتار خود مؤلف در صفحات آغازین و پایانی کتاب استوار است، از میرزا عبد الله افندی است. بر پایه این گزارش، عیون المعجزات کتابی مستقل در تکمیل تثبیت المعجزات ابو القاسم کوفی است و نه مختصر یا منتخب کتاب بصائر الدرجات چنان‌که سیدهاشم بحرانی^۳ و شیخ حرّ عاملی^۴ بر آن هستند، مصادر کتاب‌شناسی بعدی، همگی برگزارش افندی اصفهانی اعتماد کرده‌اند. به گفته افندی، حسین بن عبد الوهّاب در آغاز و پایان عیون المعجزات، به انگیزه و سبب تألیفات کتاب نیز اشاره کرده است. وی در گفتار آغازین، به کتاب بصائر الدرجات فی تزیه النبوات که در فضائل و دلائل و معجزات انبیاست، اشاره کرده و نیز به و تصمیم خود بر حذف اسانید آن و افزودن فضائل و معجزات پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام با عنوان عیون المعجزات المنتخب من بصائر الدرجات؛ ولی در گفتار پایانی، از یافتن کتاب تثبیت المعجزات ابو القاسم کوفی (م ۳۵۳ ق) و اتخاذ تصمیم جدید سخن به میان آورده است. به موجب گفتار دوم، ابو القاسم کوفی اگرچه در مقدمه کتاب از تصمیم خود بر ذکر معجزات و دلائل انبیاء و ائمه یاد کرده؛ ولی در متن کتاب، به معجزات و دلائل ائمه علیهم السلام نپرداخته است. به این جهت، گویا حسین عبد الوهّاب از تصمیم نخست خود بر می‌گردد و در راه تکمیل تثبیت المعجزات، کتاب عیون المعجزات را تألیف می‌کند.^۵

۱. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۲۳ - ۱۲۴؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۵۲، ۲۲۰؛ الذریعة، ج ۳، ص ۱۲۳ - ۱۲۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۱؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۳۶۵.

۳. مدینه المعاجز، ج ۱، ص ۱۳۸.

۴. أعيان النبیة، ج ۶، ص ۸۳ - ۸۴.

۵. الذریعة، ج ۱۵، ص ۳۸۳ - ۳۸۵؛ أعيان النبیة، ج ۶، ص ۸۳، ۸۴.

افزون بر این گزارش، به دو قرینه دیگر نیز بر انتساب این کتاب به حسین بن عبد الوهّاب اشاره شده است: یکی اشاره به نام مؤلف در لابه لای کتاب، و دیگری همخوان نبودن بسیاری از روایات کتاب با ذوق و سلیقه سید مرتضی.^۱

بر پایه همین گزارش، حسین بن عبد الوهّاب کتاب عیون المعجزات را در هفتم رمضان ۴۴۸ ق، آغاز کرد و در عید فطر همان سال، به پایان رساند.^۲ وی روایات کتاب را مرسل و گاه با اسناد کامل نقل کرده است. وی در نقل اخبار، به کتاب‌های مشایخ پیش از خود، اعتماد کرده است؛ بویژه بر کتاب‌های: الأثوار ابن همام اسکافی،^۳ و نوادر المعجزات ابن جریر طبری، مقتضب الأثر ابن عیّاش جوهری، الأنساب لقریش به خط صاحب المجدی ابو الحسن نسابة، الهدایة الکبری حسین بن حمدان، والاستشهاد الاستظهار ابو القاسم کوفی.^۴

عیون المعجزات از مصادر کتاب‌های حدیثی و کلامی پس از خود است.^۵ سامان این کتاب، بر پایه ترتیب ائمه علیهم‌السلام است؛ با دلائل و معجزات امام علی علیه‌السلام آغاز می‌شود و پس از آن، دلائل و معجزات حضرت فاطمه علیها‌السلام و فرزندان او، یکی پس از دیگری تا امام مهدی علیه‌السلام، می‌آید که گاه، با شرح حال نیز همراه است. حسین بن عبد الوهّاب، روایات کتاب را از شش نفر از مشایخ خود نقل کرده است، که عبارت‌اند از: ابو التحف علی بن محمد بن ابراهیم طیب مصری، ابو علی احمد بن زید بن دارا، ابو الحسین بن احمد خضر مؤدّب، ابو محمد حسین بن محمد بن نصر، ابو عبد الله کازرانی کاغذی، ابو الغنائم احمد بن منصور سروری.

۱. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۲۰، ۲۵۲؛ لذریعة، همان جا.

۲. ریاض العلماء، همان جا؛ لذریعة، همان جا؛ أعیان الشیعة، همان جا.

۳. عیون المعجزات، ص ۳۶.

۴. ریاض العلماء، همان جا؛ لذریعة، ج ۲، ص ۲۷؛ مدینة المعاجز، ج ۳، ص ۶۳.

۵. مدینة المعاجز، ج ۱، ص ۱۳۸، ۱۴۷، ۱۵۱؛ ج ۳، ص ۱۱، ۳۳؛ بحار الأثوار، ج ۱، ص ۱۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۵۲.

د- تاریخ و شرح حال و فضائل

۱. تاریخ الأئمة عليهم السلام

مؤلف: ابن ابی ثلج کاتب بغدادی

ناشر: کتاب‌خانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق

ناشر تاریخ الأئمة، به نسخه‌ای خطی از آن اشاره نکرده و تنها متذکر شده است که این کتاب به همراه شش کتاب دیگر - به نام: مسار الشيعة، تاج الموالید، تاریخ موالید الأئمة و وفیاتهم، ألقاب الرسول و عترته، المستجاب من کتاب الرشاد، و توضیح المقاصد -، در مجموعه‌ای نفیس قرار داشت.^۱ تاریخ الأئمة عليهم السلام در برخی منابع کتاب‌شناسی، در شمار تألیفات ابن ابی ثلج ذکر شده است.^۲

این کتاب، حجم کمی دارد و درباره تاریخ پیامبر خدا و ائمه عليهم السلام است. در ابتدای کتاب، طریق راوی آن به مؤلف و اسناد مؤلف به مشایخ حدیث، ذکر شده است. به موجب این اسناد، راوی کتاب، محبّ الدین ابو عبد الله محمد بن محمود بن حسن بن نجّار بغدادی است که در مدرسه مستنصریه بغداد، حدیث می‌گفته است. وی این کتاب را از سه نفر از مشایخ خود نقل کرده که عبارت‌اند از: ابو عبد الله محمد بن عبد الواحد بن فاخر قرشی، ابو ماجد محمد بن حامد بن عبد المنعم بن عزیز واعظ و ابو محمد اسعد بن احمد بن حامد ثقفی. این سه نفر، همگی از ابو منصور عبد الرحیم محمد بن احمد سرابی شیرازی نقل کرده‌اند و او از ابو مسعود احمد بن محمد بن عبد العزیز بن شادان بَجَلّی، از ابو علی احمد بن محمد بن علی عمادی نسوی، از ابو العباس احمد بن ابراهیم بن علی کندی (در مکه، در سال ۳۵۰ ق)، و او از ابوبکر محمد بن احمد بن محمد بن عبد الله بن اسماعیل، معروف به ابن ابی ثلج، ابن ابی ثلج در این اسناد، از طریق عتبه بن سعد بن کنانه، از احمد بن محمد فاریابی، از

۱. تاریخ الأئمة، ص ۴.

۲. رجال النجاشی، ص ۳۸۱؛ الذریعة، ج ۳، ص ۲۱۸.

نصر بن علی جهضمی، از امام رضا علیه السلام روایت می‌کند، و آن حضرت نیز از پدرانش تا امام علی علیه السلام، نقل می‌کند.^۱

در آغاز حدیث نخست - که درباره تاریخ پیامبر صلی الله علیه و آله است -، این سند به صورت کامل، بیان می‌شود. در دیگر موارد که به تاریخ ائمه علیهم السلام ارتباط دارد، گاهی سخن با «قال القریابی...» شروع می‌شود که معمولاً به یکی از معصومان علیهم السلام انتساب پیدا می‌کند؛ ولی در بسیاری از موارد، بدون نقل قول است و از تکرار سند حدیث، چشم‌پوشی شده است.

مطالب کتاب تاریخ الأئمة علیهم السلام، در ده عنوان سامان یافته است. در بخشی با عنوان تاریخ پیامبر صلی الله علیه و آله، به اختصار، حوادث سال‌های عمر آن حضرت در مراحل مختلفی مانند سال بعثت، در مکه، در مدینه و سال وفات، و موضوعاتی همچون مدت عمر ایشان، مطرح شده است. قسمت تاریخ ائمه علیهم السلام نیز به گونه یاد شده و بر پایه ترتیب زمانی آنان، با امام علی علیه السلام شروع شده، سپس به حضرت فاطمه علیها السلام و فرزندان او تا امام زمان علیه السلام، پرداخته شده است. ذکر اولاد، القاب، کنیه، محل دفن، ابواب و اولاد کوچک و صغیر پیامبر خدا و ائمه علیهم السلام، از عناوین فرعی این کتاب است.

۲. مروج الذهب و معادن الجواهر

مؤلف: ابو الحسن مسعودی

تحقیق: عبدالمهنّا، بیروت، ۱۴۱۱ ق (در سه مجلد)

در مصادر کتاب‌شناسی، از این کتاب یاد شده^۲ و انتساب آن به مسعودی، معروف است. مسعودی مروج الذهب را در سال ۳۳۲، ق همزمان با کتاب إثبات الوصیة و پس از کتاب التنبیه و الإشراف، تألیف کرد.^۳ وی در این کتاب، به مباحث و

۱. رجال التجاشی، ص ۳-۴.

۲. همان، ص ۲۵۴.

۳. مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۳۲؛ التنبیه و الإشراف، ص ۳۴۶؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۲۴ و ۱۲۵.

موضوعات و حوادث مختلف تاریخی پرداخته است. بخشی از این مباحث، دربارهٔ زندگانی پیامبر ﷺ و فضائل امام علی علیه السلام و تاریخ خلافت اسلامی؛ اعم از خلفای سه گانه، بنی امیه و بنی عباس است. سبک و سیاق کتاب، به سان کتب اهل سنت است. مسعودی در این کتاب، بر اخبار اهل سنت نیز اعتماد کرده و از بدگویی دربارهٔ خلفا و نیز بیان مظالم و مطاعن آنها، خودداری کرده است. چنان که پیش از این اشاره شد، همین امر به عنوان قرینهٔ قوی برگرایش وی به مذهب اهل سنت، تلقی شده است.

به هر حال، مسعودی در همین کتاب به مسئلهٔ لزوم عصمت امام^۱ و برخی از فضائل امام علی علیه السلام (اولین مسلمان، هجرت با پیامبر ﷺ، یاری آن حضرت و خویشاوندی وی با وی، ایثار و جان نثاری وی در راه پیامبر ﷺ، علم، قناعت، جهاد، ورع، زهد، قضاوت و...) نیز پرداخته و متذکر شده که: «علی علیه السلام، حظّ و سهم فراوانی از این همه ویژگی‌ها داشت و از این نظر، تمام فضائل تک تک صحابیان را به تنهایی، دارا بود».^۲ به قرینهٔ همین مطالب و مطالب بسیار دیگری چون حدیث اخوت، حدیث منزلت، حدیث ولایت، و حدیث طیر - که همگی به آن حضرت اختصاص دارند - و نیز گزارش‌هایی چند دربارهٔ مطاعن خلفا، برخی از رجال‌شناسان معروف اهل سنت، او را به تشیع اعتزالی متهم نموده‌اند و با تعبیر توهین‌آلود و تحقیرآمیز، از او یاد کرده‌اند.^۳

کتاب مروج الذهب، از مصادر برخی کتاب‌های حدیثی، کلامی، تاریخی و رجالی به شمار آمده و منبعی مهم، در مطالعات تاریخی است.^۴

۱. مروج الذهب، ج ۲، ص ۶۱، بند ۲۲۶۰.

۲. همان، ج ۳، ص ۱۸۰، بند ۱۷۵۶.

۳. سیر أعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۵۶۹، لسان العیزان، ج ۴، ص ۲۲۵.

۴. اختیار الرجال، ج ۱، ص ۱۰۰؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۱۸-۱۱۹.

۳. أخبار الزمان و من أباده الحدثان و عجائب البلدان و الغامر بالماء و العمران

مؤلف: ابو الحسن مسعودی

تصحیح: گروهی از پژوهشگران کتابخانه نجف اشرف

ناشر: دار الأندلس، بیروت، ۱۳۸۶ ق (یک مجلد)

در تصحیح کتاب أخبار الزمان، از چند نسخه خطی و چاپی استفاده شده است. در مصادر کتاب شناسی، از این کتاب یاد شده و مسعودی نیز خود، در مقدمه مروج الذهب^۱ به آن اشاره کرده و همچنین، در مقدمه التنبيه و الإشراف، گفته است که أخبار الزمان را پیش از مروج الذهب و التنبيه و الإشراف، تألیف کرده است. در مجموع، هفت کتاب تاریخی به مسعودی نسبت داده‌اند.^۲

کتاب أخبار الزمان، به قرینه اشاره مسعودی به فهرست مطالب این کتاب در مروج الذهب،^۳ و ارجاع فراوان به آن در دو کتاب التنبيه و الإشراف و مروج الذهب، بسیار مفصل و بزرگ بوده است. به همین قرینه، به نظر می‌رسد که همه آن کتاب، باقی نمانده و آنچه به چاپ رسیده، تنها بخش کوچکی از آن است.^۴

کتاب أخبار الزمان، در چند زمینه تاریخ، نجوم و جغرافیا بوده و به گزارش مسعودی در مقدمه کتاب، شامل این مطالب بوده است: هیئت زمین و شهرها، عجائب، دریاها، کوه‌ها، آب‌ها و نهرها، معادن، جزایر، گزارش‌هایی درباره بناهای بزرگ، آغاز آفرینش، اصل نسل، پراکندگی و تباین سرزمین‌ها، تبدیل نهر به بحر و بحر به نهر، و تبدیل خشکی به آب و آب به خشکی و عوامل فلکی آن، اخبار ملوک و پادشاهان و امت‌های پیشین، اخبار انبیا تا پیامبر اسلام ﷺ، ذکر مولد و منشأ پیامبر خدا و بعثت و هجرت و جنگ‌های او تا هنگام ارتحال، و سپس گزارش‌هایی درباره

۱. مروج الذهب، ص ۳-۴.

۲. التنبيه و الإشراف، ص ۱۳.

۳. مروج الذهب، ص ۳-۴.

۴. أخبار الزمان، مقدمه محقق، ص ۱۰-۱۷.

دوران خلافت تازمان تألیف کتاب، که «دوره خلافت متقی الله امیر المؤمنین، در سال ۳۳۲ ق» بوده است.

نسخه چاپی کتاب، شامل مقدمه مصحح کتاب، مقدمه مؤلف و اصل کتاب است. مصحح در مقدمه، به انتساب کتاب به مسعودی، معرفی نسخه‌های خطی و چاپی کتاب، موضوع آن و ارتباط آن با سایر کتاب‌های مسعودی؛ به ویژه التنبیه و الإشراف و مروج الذهب، پرداخته است. مقدمه مؤلف، با ستایش خدا و درود بر پیامبرش آغاز می‌شود و با ذکر سخنان برخی از صحابه درباره آفرینش جهان و زمین، ادامه می‌یابد. مطالب کتاب بر حسب عناوین فرعی آن، چنین است: عمر دنیا، آفریدگان پیش از آدم علیه السلام، جن و اجناس و قبایل آنها، زمین و آنچه در آن است، دریا و عجایب آن، آدم علیه السلام و فرزندانش، حام بن نوح علیه السلام، کنعان بن حام، یافث بن نوح، سام بن نوح، ابراهیم علیه السلام، اسماعیل علیه السلام، قوم عاد، عناق دختر آدم علیه السلام، مطالبی درباره کاهنان عرب، خبر کاهنان بعد از طوفان، بنیان‌گذاران اهرام مصر، پادشاهان مصر پیش از طوفان، ملوک مصر بعد از طوفان، یاجوج و ماجوج، صقالبه، نصارا، مجوس و خورشید پرستان، سرزمین یونان، چین، اندلس، برجان، ترک، روم، فارس، خراسان و....

۴. التنبیه والإشراف

مؤلف: ابو الحسن مسعودی

ناشر: دار صعب، بیروت.

انتساب این کتاب به مسعودی، معروف است. افلاک و اشکال آن، نجوم و تأثیرات آن، عناصر و ترکیب و اقسام زمان‌ها و فصول سال، باده‌ها، زمین و شکل و مساحت و نواحی و آفاق آن و نیز تأثیر این نواحی و آفاق بر ساکنان آن، اقالیم هفتگانه، امت‌های هفتگانه پیشین، لغات و مساکن آنها، طبقات پادشاهان فارس و روم و اخبار آنان، تاریخ انبیا، راه شناخت سال‌های قمری و شمسی، سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله، غزوات ایشان، حوادث سال هجرت، سیره خلفای راشدین و دیگر خلفا،

همراه با ذکر پادشاهان معاصر آنان در روم و اندلس تا سال ۳۴۵ ق.

مؤلف در صفحات ۱۹۵ تا ۳۴۶ به تاریخ اسلام می پردازد. وی از دوره پیامبر اسلام ﷺ شروع می کند، سپس دوران خلفا، امویان و عباسیان را تا سال ۳۴۳ ق، تک به تک شرح می دهد. ولادت پیامبر خدا، مبعث، مغازی، سرایا، نویسندگان آن حضرت و وفات وی،^۱ حوادث سال دوم هجرت، حوادث سال سوم و دیگر سال ها را تا سال یازدهم، به ترتیب ذکر می کند، و سپس حوادث دوره خلافت ابوبکر، عمر، عثمان، علی بن ابی طالب، حسن بن علی، معاویه، یزید بن معاویه، معاویه بن یزید بن معاویه، مروان بن حکم، عبد الملک بن مروان، ولید بن عبد الملک، سلیمان بن عبد الملک، عمر بن عبد العزیز، یزید بن عبد الملک، هشام بن عبد الملک و... تا هنگام تألیف کتاب.

۵. خصائص الأئمة (خصوصائص أمير المؤمنين (ع))

مؤلف: شریف رضی

تحقیق: محمد هادی امینی

ناشر: مجمع البحوث الإسلامية، مشهد، ۱۴۰۶ ق.

چند نسخه خطی از این کتاب، در ایران و عراق و هند وجود دارد. محقق کتاب، بر نسخه ای بسیار کهن اعتماد کرده است. اصل این نسخه که در سده ششم کتابت شده، در یکی از کتابخانه های هند نگهداری می شود و میکروفیلم آن، در کتابخانه سید عبد العزیز طباطبائی در قم است. این نسخه به گواهی مطالب صفحه اول و آخر آن، در سال ۵۵۵ ق، توسط سید فضل الله راوندی کاشانی (۵۷۰ ق) تصحیح شده است و در آن، زیاداتی نیز وجود دارد.^۲ این کتاب بار نخست، در نجف در سال ۱۳۶۸ ق، چاپ شده است.^۳

۱. التنبیه و الإشراف ص ۱۹۵-۲۰۲.

۲. خصائص الأئمة، ص ۱۴-۱۶، مقدمه محقق.

۳. همان، ص ۱۳.

کتاب خصائص الاثمة^۱ در منابع کتاب‌شناسی، با همین عنوان ذکر شده است.^۱ کتاب خصائص الاثمة با هدف معرفی جامع و در عین حال مختصر ائمه دوازده گانه تألیف شده است؛ ولی تنها شامل شرح حال امیر مؤمنان علی^{علیه السلام}، زیارت و دعا، کلمات و سخنان وی و دلایل و نصوص بر امامت وی است.^۲ از این رو، کتاب یاد شده افزون بر ارزش حدیثی و نقل سخنان و کلمات امام علی^{علیه السلام}، یک منبع ارزشمند تاریخی در تاریخ زندگی آن امام است. این کتاب، از مصادر کتاب‌های حدیثی، تاریخی و کلامی است.^۳

نسخه چاپی کتاب خصائص الاثمة^۱، شامل مقدمه محقق، مقدمه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، به معرفی نسخه خطی کهن، جایگاه کتاب و اهمیت موضوع آن، پرداخته شده و شرح حالی کوتاهی از سید رضی و سید فضل الله راوندی (کاتب نسخه) نیز نوشته شده است. سید رضی در مقدمه مؤلف، درباره موضوع کتاب و انگیزه خود از تألیف آن، سخن گفته است.

سید رضی کتاب یاد شده را به تقاضای یکی از شاگردانش و نیز برای اظهار هویت شیعی خود در برابر برخی سخنان تحقیرآلود و توهین آمیز، در سال ۳۸۳ ق، در کاظمین، به رشته تحریر درآورد.^۴ وی پس از ذکر کلمات و سخنان کوتاه امام علی^{علیه السلام} - که قسمت پایانی کتاب، به آن‌ها اختصاص یافته است -، با تقاضای عده‌ای از دوستان خود مبنی بر گردآوری دیگر سخنان و خطبه‌های امیر المؤمنین مواجه شد و لذا دیگر این تألیف را ادامه نداد و نخست، به گردآوری نهج البلاغه پرداخت؛^۵ ولی گویا پس از تألیف کتاب نهج البلاغه، اجل به وی مهلت نداد تا کتاب خصائص الاثمة

۱. رجال النجاشی، ص ۳۹۸؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۲۶۱؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۱؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۶۷؛ الفهرست، ج ۴، ص ۱۹۵؛ الذریعة، ج ۷، ص ۱۶۴.

۲. خصائص الاثمة^۱، ص ۳۶.

۳. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۱؛ وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۲۱۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۲۷؛ و ج ۳، ص ۳۵۱؛ و ج ۸، ص ۲۶۶؛ و ج ۱۰، ص ۲۱۲، ۲۰۳؛ الدمعة الساکبة (به نقل از: الذریعة، ج ۷، ص ۱۶۴).

۴. همان، ص ۳۷.

۵. نهج البلاغة، عده، ج ۱، ص ۲؛ خصائص الاثمة^۱، ص ۱۴.

را کامل سازد. از این رو، این کتاب، تنها خصائص امیر المؤمنین را در بر دارد. برخی از مطالب آن، چنین است: تاریخ ولادت، مدت عمر، سال وفات و محل دفن علی علیه السلام که جنبه تاریخی دارد، پاره‌ای شواهد و دلایل بر اعلام امامت علی علیه السلام توسط پیامبر، اشعار و قصاید برخی از شعرا درباره حدیث غدیر - مانند: حسان بن ثابت انصاری، قیس بن عباد، ابو هاشم اسماعیل بن محمد بن یزید بن وداع حمیری ملقب به سید -، اعلام و دلایل امام علی علیه السلام همچون قضیه «رد الشمس»، اسامی پدران وی، گزیده‌هایی از قضاوت‌ها، جواب مسائل، کلمات کوتاه در فنون بلاغت و مواعظ و زهد و امثال، کلام آن حضرت به کمال بن زیاد نخعی، و وصیت ایشان به امام حسن علیه السلام.

بخش پایانی کتاب، به زیاداتی اختصاص یافته است که به گفته محقق کتاب، در نسخه راوندی وجود دارد. وی آن زیادات را که نزدیک به سه صفحه است، با عنوان «و منها الرعية»^۲ آورده است. روایات کتاب، با اسناد ناقص است.

۶. الأربعین عن الأربعین

مؤلف: ابو سعید نیشابوری خزاعی

مصحح: محمد باقر محمودی

ناشر: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.

دو نسخه خطی از این کتاب موجود است: یکی در کتابخانه آستان قدس رضوی (با تاریخ کتابت ۵۳۴ ق) و دیگری در کتابخانه آیه الله مرعشی در قم. در مصادر این کتاب را با همین عنوان، برای ابو سعید خزاعی ذکر کرده‌اند.^۳ موضوع الأربعین عن الأربعین، چنان‌که از عنوان آن پیداست و مؤلف نیز در مقدمه

۱. خصائص الأئمة علیهم السلام، ص ۴۱.

۲. همان، ص ۱۲۱-۱۲۵.

۳. فهرست منتخب الدین، ص ۱۰۲؛ معالم العلماء، ص ۱۵۱؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۲۴۰.

کتاب اشاره کرده، در فضائل و مناقب امیر المؤمنین علی علیه السلام است. وی در این باره، چهل حدیث را با اسناد کامل، از چهل نفر از مشایخ خود نقل کرده است.^۱

کتاب الأربعین عن الأربعین، در اختیار شیخ منتجب الدین (م ۵۸۹ ق) صاحب کتاب معروف الفهرست بود و وی با الهام از آن، کتابی با همین نام نگاشت.^۲ همچنین، این کتاب از مصادر الیقین ابن طاووس (م ۶۶۲ ق)، أربعین حدیث شهید اول، محمد بن مکی (م ۷۶۱ ق)،^۳ المجموعه ی محمد بن علی جبای (م حدود ۹۲۵ ق) جد شیخ بهایی،^۴ بحار الأنوار و مستدرک الوسائل است.^۵ گویا شیخ حرّ عاملی (م ۱۱۱۱ ق) این کتاب را در اختیار نداشته و مطالب آن را، از کتاب أربعین حدیث شهید اول، نقل کرده است.

۷. الإرشاد فی معرفة حُجَج الله علی العباد

مؤلف: شیخ مفید

تحقیق و تخریج: مؤسسه آل البيت علیهم السلام

ناشر: مؤسسه اهل البيت علیهم السلام، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق (در دو مجلد)

در تحقیق الإرشاد، بر سه نسخه خطی اعتماد شده است: نسخه‌ای در کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی (با تاریخ کتابت ۵۶۵ ق)، نسخه‌ای در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (با تاریخ کتابت ۵۷۵ ق) و نسخه سوم، در کتابخانه سید حسین شیرازی (کتابت در سده هفتم یا هشتم).^۶

۱. الأربعین، ص ۷؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۶.

۲. الأربعین، ص ۲؛ الذریعه، ج ۱، ص ۴۳۲.

۳. أربعین حدیث، ص ۲؛ خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۷۵؛ فهرس التراث، ج ۱، ص ۴۶۶.

۴. خاتمه مستدرک الوسائل، همان جا؛ فهرس التراث، همان جا.

۵. بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۶۷؛ خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۷۵-۷۶.

۶. الإرشاد، ج ۱، ص ۱۱-۱۲؛ مقالات عربی کنگره شیخ مفید، ج ۱، ص ۲۰۱-۲۰۲.

این کتاب بارها چاپ شده است؛ از جمله، در تهران در سال ۱۲۹۵ ق. محمد مسیح کاشانی (م ۱۱۲۵ ق) آن را با نام التحفة السليمانية، به فارسی برگرداند و در ایران در سال ۱۳۰۳ ق، به چاپ رساند.^۱

از کتاب الإرشاد، با همین عنوان^۲ و یا با عنوان الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد،^۳ یاد شده است و انتساب آن به شیخ مفید، معروف است. موضوع الإرشاد، شرح حال و تاریخ زندگی دوازده امام علیهم السلام و نیز دلائل و کرامات آنان است. الإرشاد افزون بر ارزش حدیثی، ارزش فقه الحدیثی و رجالی نیز دارد. این کتاب همچون دیگر کتاب‌های شیخ مفید، با اعتنا و اعتماد علمای شیعه مواجه شد و عده‌ای به تلخیص، شرح و ترجمه آن پرداختند. برای نمونه، المستجاد فی تلخیص الإرشاد یا المستجاد من الإرشاد، تلخیصی است منسوب به علامه حلی که نسخه باقی مانده آن، در سال ۹۸۲ ق، در بغداد نگاشته شده است.^۴ همچنین، شرح محمد باقر بن زین العابدین حسینی شیرازی (زنده در ۱۰۹۲ ق)،^۵ و شرحی به نام منهج الرشاد، تألیف محمد بن حسن بن قنبر علی بن محمد حسن زنجانی (م ۱۳۴۰ ق) که در چهار جزء بوده است.^۶ نیز در سال‌های اخیر، محمد محمدی اشتهاردی و محمد باقر ساعدی خراسانی، آن را به فارسی برگردانده، که توسط انتشارات جامعه مدرسین قم، به چاپ رسیده است. همچنین، کتاب الإرشاد از مصادر بسیاری از کتب حدیثی، کلامی و تاریخی، به حساب آمده است.^۷

۱. تراش، ص ۱۳، ۹۵-۹۶.

۲. رجال الجاشی، ص ۴۰۳؛ الفهرست، طوسی، ص ۲۳۹؛ معالم العلماء، ص ۱۴۷؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۷؛

الذریعة، ج ۱، ص ۵۰۹.

۳. مجموعه رسائل مفید، ص ۳۵۳؛ فلاح السائل، ص ۷۲.

۴. الذریعة، ج ۲۱، ص ۲.

۵. أعيان الشيعة، ج ۹، ص ۱۸۰.

۶. الذریعة، ج ۲۳، ص ۱۸۸.

۷. ر.ک: إعلام الوری، ص ۱۷۳-۱۷۴، ۱۸۰، ۱۸۲؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۳۰۵؛ وج ۲، ص ۱۲۵.

نسخه چاپی الإرشاد، شامل مقدمه بلند گروه تحقیق، مقدمه کوتاه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه گروه تحقیق، به شرح حال شیخ مفید، جایگاه کتاب، معرفی نسخه‌های خطی آن، و نیز شیوه تحقیق و تخریق احادیث، پرداخته شده است.

مقدمه مؤلف، به انگیزه و موضوع تألیف اختصاص دارد. به موجب این مقدمه، شیخ مفید کتاب الإرشاد را به درخواست یکی از دوستانش تألیف کرد. وی در این کتاب به اختصار، به اسامی ائمه علیهم‌السلام، تاریخ عمر آنان، ذکر مشاهد، اسامی فرزندان و بخشی از اخبار آنان - که در شناخت بیشتر احوال آنان، مفید است - می‌پردازد.^۱

اصل کتاب در ۴۲ باب و سی فصل، سامان یافته است. با نگاه کوتاه به عناوین باب‌ها و فصول الإرشاد، به نظر می‌رسد که در بیشتر موارد، تحت باب‌ها عناوین کلی آمده و در فصول، عناوین فرعی و جزئی مطرح می‌شود. به هر روی، جلد اول این کتاب، اختصاص به امیر المؤمنین علیه‌السلام دارد و در سه باب و ۲۱ فصل بدین شرح، فراهم شده است:

باب الخبر عن امیر المؤمنین علیه‌السلام: علم و آگاهی امام علی علیه‌السلام از آینده، آگاهی امام از کشته شدنش، سبب قتل آن حضرت و چگونگی آن، محل قبر امیر المؤمنین علیه‌السلام و شرح ماجرای دفن او.

باب فضائل و مناقب امیر المؤمنین علیه‌السلام: کلمات، حکمت‌ها و مواعظ، معجزات، قضاوت‌ها و بیانات آن حضرت. این باب، بلندترین باب کتاب است و در حدود ۲۳۰ صفحه،^۲ این موضوعات را برگرفته است: پیشتازی امیر المؤمنین در ایمان، افضل و اعلم بودن امام علی علیه‌السلام، «محبّت علی، نشانه ایمان است و بغض او نشانه نفاق»، «علی و شیعه او، رستگارانند»، معرفی علی علیه‌السلام توسط پیامبر به امارت و ولایت مسلمانان در

۱. ۱۲۶، ۳۱۲، ج ۳، ص ۸۲، ۸۹؛ إقبال الأعمال، ج ۳، ص ۱۱۴؛ کشف الغمّة، ج ۱، ص ۱۹۴، ج ۲، ص ۸۷؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۴۳، ج ۱، ص ۳۲۵، ۳۱۲، ۶۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۲۸، ج ۲، ص ۱۳۹، ۲۲۷.

۱. الإرشاد، ج ۱، ص ۴.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۹-۳۵۴.

گزارش‌هایی مانند: حدیث غدیر، حدیث دار، لیلۃ المبیت، گرفتن پرچم از دست سعد بن عباد و دادن آن به دست علی علیه السلام توسط پیامبر در روز فتح مکه و در روز خیبر، جریان اعلان برائت از مشرکان، جهاد امیر المؤمنین علیه السلام در غزوهای بدر، احد، خندق یا احزاب و...، قضاوت‌های امیر المؤمنین علیه السلام در زمان پیامبر و پس از آن، سخنان امام علی علیه السلام تحت عنوان سخنی دربارهٔ وجوب معرفت خدا، توحید و نفی تشبیه، عدل، گونه‌های حکمت و دلایل و حجّت، سخنی در مدح علما و فضل علم و حکمت، و نیز کرامات امیر المؤمنین علیه السلام.

باب اولاد امیر المؤمنین علیه السلام: تعداد و اسامی آنها و مختصری از اخبار هریک از آنها. امام پس از امیر المؤمنین علیه السلام و تاریخ ولادت، دلایل امامت، مدّت خلافت، وقت وفات، محلّ قبر، تعداد اولاد و بخشی از دیگر اخبار او، سبب وفات امام حسن علیه السلام و مسائل مربوط به آن؛ مانند: دفن آن حضرت و مسموم شدن او توسط معاویه.

امام پس از حسن بن علی علیه السلام، مختصری در قیام امام حسین علیه السلام، بیعت مردم، خروج از مدینه، شهادت او در کربلا، اسامی شهدای اهل بیت در کربلا - که هفده نفر بودند و حسین بن علی علیه السلام، نفر هجدهم بود -، مطالبی دربارهٔ عباس و عبد الله و جعفر و عثمان، فرزندان امیر المؤمنین علیه السلام از امّ البنین، پاره‌ای از فضائل امام حسین علیه السلام و فضیلت زیارت و ذکر مصیبت او.

امام پس از حسین بن علی علیه السلام،... مختصری از اخبار علی بن حسین علیه السلام.

کلام ابو جعفر امام محمد باقر علیه السلام با سید ابن محمد حمیری و بازگشت او از مذهب کیسانیه به امامیه. باب سی و هفتم: امام پس از ابو محمد علیه السلام و تاریخ مولد و دلایل امامت او، و ذکر پاره‌ای از اخبار او، غیبت و سیرت او به هنگام قیام و مدّت دولت او.

باب سی و هشتم: دلایل بر امامت حضرت قائم (عجل الله فرجه). شیخ مفید به دلیل عقلی و نقلی، بر وجود امام قائم استدلال کرده است. دلیل عقلی او، بر پایهٔ تأمین صلاح مردم و دوری آنها از فساد، استوار است و بر اساس آن، «وجود امام

معصوم کامل که در احکام و علوم، نیازی به مردم نداشته باشد، در هر زمان برای مردم، اقرب به صلاح و ابعاد از فساد است». از دیگر مطالب این باب می‌توان چنین یاد کرد: نص بر امامت صاحب الزمان، کسانی که امام غایب را دیده‌اند، دلایل و بیّنات و آیات امام زمان علیه السلام، علامات قیام قائم علیه السلام و مدّت ایام ظهور او، شرح سیرت و طریقت احکام او و پاره‌ای از آنچه در دولت و ایام حکومت یا پیش از ظهور او، آشکار می‌شود: مانند: خروج سفیانی، قتل حسنی و اختلاف بنی کعب.

کتاب الإرشاد، در دو جنبهٔ روایی و تاریخی ارزشمند است. شیخ مفید احادیث این کتاب را با اسناد کامل، از مشایخ حدیثی امامی نقل کرده؛ ولی در قسمت تاریخی، اسناد آن ناقص است.

۸. مساز الشیعة فی مختصر تواریخ الشریعة

مؤلف: شیخ مفید

تحقیق: مهدی نجف

ناشر: دار المفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

در تحقیق کتاب، از نسخه‌ای با تاریخ کتابت ۳۹۱ ق، به خط مظفر بن علی بن منصور سالار، اعتماد شده است.^۱ چند نسخهٔ خطی از مساز الشیعة وجود دارد: نسخه‌ای در کتابخانهٔ عمومی آیه الله مرعشی در قم؛^۲ نسخه‌ای به خط زین الدین علی بن فضل، شاگرد ابن فهد حلّی، که در کتابخانهٔ سید صدر در کاظمیه است؛ نسخه‌ای در کتابخانهٔ مدرسهٔ سپهسالار در تهران؛ نسخه‌ای در کتابخانهٔ آستان قدس رضوی؛ و نسخه‌ای در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران.^۳

این کتاب بارها در داخل و خارج ایران، چاپ شده است؛ از جمله در تبریز در

۱. مساز الشیعة، ص ۳، ۶۳.

۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ آیه الله مرعشی، ج ۳، ص ۷۳.

۳. تراثا، ش ۱۳، ص ۱۰۵-۱۰۶.

سال ۱۳۱۳ ق، همراه با توضیح المقاصد شیخ بهائی.^۱

این کتاب با عنوان تاریخ الشریعة،^۲ التواریخ الشرعیة،^۳ مسار الشیعة،^۴ مسار الشیعة فی مختصر التواریخ الشرعیة،^۵ والتواریخ الشرعیة عن الأئمة المهديّة^۶ ذکر شده است.

به قرینۀ عناوین ابواب کتاب و مقدمۀ شیخ مفید - که شامل مناسبات مسرّت بخش و حزن آور، هر دو است -، عنوان مسار الشیعة نام کاملی برای کتاب نیست. در مقدمۀ مؤلف، عنوان کتاب «مختصر فی تاریخ آیام مسار الشیعة و أعمالها من القرب فی الشریعة و ما خالف فی معناه» آمده است. این عنوان، هم تاریخ ایام سرور و هم ایام حزن و اعمال هر دو ایام را شامل می شود.

این کتاب از آثار معروف شیخ مفید است و در کتاب های حدیثی و تاریخی، بر آن اعتماد شده است. نسخه چاپی مسار الشیعة، شامل مقدمۀ سید محمد رضا حسینی جلّالی، مقدمۀ مؤلف، اصل کتاب و تاریخ کتابت آن است. محقق کتاب پس از اشاره به نسخه خطی کهن این کتاب - که در سال ۳۹۱ ق، کتابت شده - به ویژگی های مسار الشیعة پرداخته است. به گفته سید محمد رضا حسینی، این کتاب چند ویژگی دارد:

۱. این کتاب بر خلاف سایر کتاب ها که املائی شیخ مفید بوده، توسط مؤلف کتابت شده است؛

۲. تاریخ تألیف کتاب - چنان که در پایان آن آمده -، در سال ۳۸۹ ق بوده است؛

۳. این کتاب افزون بر ارزش حدیثی و تاریخی، در فلسفۀ تاریخ از نظر اسلام نیز سودمند است.^۷

۱. مقالات کنگره شیخ مفید، ج ۱، ص ۲۳۷.

۲. رجال النجاشی، ص ۴۰۱.

۳. معالم العلماء، ص ۱۴۹؛ الإقبال، ج ۱، ص ۲۶۴.

۴. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۶۳؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۷۰.

۵. الإقبال، ج ۱، ص ۲۸؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۷.

۶. كشف الحجب و الأستار، ص ۱۴۵.

۷. مسار الشیعة، ص ۵ و ۶.

مقدمه مؤلف به انگیزه تألیف، موضوع آن و ترتیب و سامان مباحث، اختصاص دارد. بر اساس این مقدمه، شیخ مفید مسأله الشیعه را به تقاضای یکی از شاگردانش نوشت که خواستار تألیف کتابی مختصر در تاریخ روزهای خوش و ناخوش شیعه و اعمال آنها بود. او با تأکید بر اهمیت و ارزش اعمال این ایام و با اشاره به جایگاه آن در میان پیشینیان، لزوم تألیف چنین کتابی را گوشزد کرده است.^۱ ترتیب و سامان کتاب، بر پایه ماه‌های قمری است. این ترتیب، با ماه رمضان آغاز و با ماه شعبان پایان می‌یابد. جهت آغاز با ماه رمضان، چند چیز ذکر شده است:

۱. تقدّم آن بر سایر ماه‌ها در قرآن؛ ۲. خصوصیت این ماه در عبادت و تقرّب به خدا؛ ۳. توصیف آن توسط اهل بیت علیهم‌السلام به «نخستین ماه سال در ملت اسلام».^۲

در هر فصل و پس از هر عنوان، ابتدا وقایع خوش و ناخوش ایام، و به تعبیر کامل‌تر، مناسبت‌های آن ایام، ذکر و سپس اعمال مستحب و واجب مربوط به آن بیان می‌شود. گونه بیان مطالب در این کتاب، اگرچه تاریخی است و مؤلف به نقل اخبار و احادیث با اسناد و بدون اسناد نمی‌پردازد؛ پیدا است که گفته‌های او بر پایه اخبار معصومان علیهم‌السلام و تاریخ معتبر است. مطالب کتاب با اختصار بیان شده است. این، بدان جهت است که برخی از مباحث آن، در کتاب‌های الإرشاد و المزار والمقنعة، با تفصیل ذکر شده است.

۹. الْجَمَلُ (النصرة لسيد العترة في حرب البصرة)

مؤلف: شیخ مفید

تحقیق: سید علی میر شریفی

ناشر: دار الکتب العلمیة، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

در شمار تألیفات شیخ مفید، سه عنوان در موضوع جنگ جمل دیده می‌شود:

۱. مسأله الشیعه، ص ۱۷ و ۱۸.

۲. همان، ص ۱۹ و ۲۰.

۱. کتابی با عنوان الجمل^۱ که با عنوان احکام اهل الجمل^۲ نیز ذکر شده است؛
۲. کتابی با عنوان النصرة لسيّد العترة في احکام البغاة عليه في حرب البصرة؛
۳. المسألة الكافية في إبطال توبة الخاطئة، یا المسألة الكافية في تهسيق الفرقة الخاطئة،^۳ که شیخ مفید در برخی از کتاب‌های خود، از آن را با عنوان المسألة الكافية نام برده است.^۴
- این سه عنوان، متعلق به سه کتاب مستقل اند که ظاهراً با سه رویکرد متفاوت، به یک موضوع (جنگ جمل) پرداخته‌اند؛ چرا که منابع کتاب‌شناسی اولیه - مانند فهرست‌های نجاشی و طوسی که هر دو، از شاگردان شیخ مفید بوده‌اند -، هر سه عنوان را جداگانه آورده‌اند؛ بویژه شیخ طوسی که به تصریح می‌گوید کتاب‌هایی را که برای شیخ مفید ذکر کرده، نزد او خوانده یا از او سماع کرده است.^۵
- کتاب الجمل، بارها به چاپ رسیده و موجود است؛ ولی کتاب النصرة، نایاب است و در منابع بعدی نیز گزارشی از آن انعکاس نیافته است. در باره رابطه این دو کتاب، به چند قرینه باید توجه کرد:
- یکم: ظاهر عنوان النصرة لسيّد العترة، می‌تواند این معنا و پیام را در ذهن تداعی کند که این کتاب، در تبیین دلایل حَقانیت امام علی (ع) در جنگ جمل و احکام فقهی مربوط به آن بوده و لذا رویکردی کلامی و فقهی داشته است.
- دوم: عنوان کتاب الجمل، این پیام را تداعی می‌کند که محتوای آن، در زمینه بیان و نقل حوادث و تاریخ و جزئیات جنگ جمل است و بارویکرد تاریخی، تألیف شده است.
- سوم: با ملاحظه مطالب کتاب الجمل در نسخه چاپی، معلوم می‌شود که این کتاب

۱. رجال النجاشی، ص ۳۹۹؛ الذریعة، ج ۵، ص ۱۴۱.

۲. الفهرست، طوسی، ص ۳۱۶؛ معالم العلماء، ص ۱۴۹؛ الذریعة، ج ۱، ص ۲۹۵.

۳. رجال النجاشی، ص ۳۹۹؛ الفهرست، طوسی، ص ۳۱۶.

۴. الجمل، ص ۲۲۹؛ الإيضاح، ص ۱۲۹؛ الفصول المختارة، ص ۱۰۵.

۵. الفهرست، طوسی، ص ۳۱۶. برای اطلاعات بیشتر در این باره، ر.ک: مقالات عربی کنگره شیخ مفید، ج ۱، ص ۳۴۲-۳۴۳؛ نور علم، ش ۴۷، نامه هفتم.

در دو بخش سامان یافته است: بخش نخست، با رویکرد کلامی و گاه فقهی، به جنگ جمل پرداخته؛ ولی بخش دوم، تنها با رویکرد تاریخی.

نتیجه این سه مقدمه، این احتمال را تقویت می‌کند که بخش نخست کتاب، همان کتاب النصرة است و بخش دوم، کتاب الجمل. با طرح این احتمال، دیگر مهم نیست که دانسته شود آیا مؤلف، خود، دو کتاب النصرة و الجمل را در یک مجلد قرار داده، یا برخی از ناسخان چنین کرده‌اند.

به هر حال، تشابه بسیاری نیز میان کتاب المسألة الکافیة و کتاب الجمل به چشم می‌خورد، که باعث شده است نسخه باز یافته کتاب المسألة الکافیة را - که از منقولات آن در بحار الأنوار به دست آمده - به همان سبک و سیاق کتاب الجمل، نظم و سامان دهند.^۱ چند نسخه خطی از الجمل، موجود است: نسخه سید ابوالقاسم اصفهانی محرر، نسخه‌ای در کتابخانه آل کاشف الغطاء، نسخه‌ای در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، و نسخه‌ای در کتابخانه آستان قدس رضوی^۲. محقق کتاب، افزون بر نسخه آستان قدس، از نسخه دیگری نیز استفاده کرده، که در سال ۱۳۳۸ ق، از روی نسخه‌ای کهن، استنساخ شده است.^۳

این کتاب ابتدا در چاپخانه حیدریه در نجف، و بار دیگر در سال ۱۳۶۸ ق، در همان جا به چاپ رسید. نسخه چاپی کتاب الجمل، با مقدمه محقق، مقدمه کوتاه مؤلف و اصل کتاب، سامان یافته است. شیخ مفید در مقدمه، پس از اشاره به اهمیت موضوع و جایگاه کتاب، متذکر شده است که در این کتاب، به بیان و شرح این مطالب می‌پردازد: اختلاف اهل قبله درباره فتنه بصره (جنگ در بصره) و جنگ میان امیر المؤمنین علیه السلام و عایشه و طلحه و زبیر، دیدگاه فرق و مذاهب مختلف اسلامی درباره آن، اثبات سبب پدید آمدن این فتنه و سرانجام، داستان و اخبار این جنگ.^۴

۱. المسألة الکافیة، ص ۳-۴.

۲. تراش ۱۳، ص ۹۸-۹۹.

۳. الجمل، ص ۳۱، مقدمه محقق.

۴. همان جا.

شیخ مفید در این کتاب، طبقه‌بندی و ساماندهی خاصی را به کار نبسته است؛ ولی چنان که گذشت، با تأمل در مطالب کتاب، می‌توان پی برد که آن را در دو بخش سامان داده است. در نسخه چاپی، مطالب کتاب تحت عناوین فرعی خاصی که معمولاً با عبارت «فصل» همراه است، طبقه‌بندی شده است. عناوینی چون: القول فی اختلاف الأئمة، اختلاف الفرق، رأی المعتزلة، رأی الحشویه، رأی المرجئة و اصحاب الحدیث، رأی الخوارج، رأی الشیعة، دلائل عصمة امیر المؤمنین، نظرة فی النصوص، و نیز مطالبی چون: نحوه بیعت مسلمانان با سه خلیفه اول و تفاوتش با بیعت آنان با امام علی علیه السلام، موضع امام علی علیه السلام در برابر فتنه عثمان، برخی از خطبه‌های امام علی علیه السلام مانند خطبه شقشقیه و خطبه روز بیعت مسلمانان با او، نامه‌های آن حضرت به مردم کوفه و بصره و....

کتاب الجمل ارزش تاریخی فراوان دارد؛ چرا که به احتمال زیاد، مؤلف از منابع و تکنگرایی‌های بسیاری استفاده کرده که بیشترشان نایاب‌اند، مانند: کتاب الجمل ابو مخنف، کتاب الجمل مدائنی، کتاب الجمل ثقفی، کتاب الجمل شیخ صدوق، دو کتاب مقتل طلحة بن عبد الله^۱ و الجمل و اقدی^۲ و....^۳

مؤلف در جای جای کتاب؛ بویژه در بخش نخست آن، با دیدگاه کلامی، به نقد اخبار و گزارش‌های تاریخی و نیز دیدگاه‌های مذاهب پرداخته است. از این رو، الجمل مفید افزون بر ارزش تاریخی، در زمینه تبیین و نقد مباحث و دیدگاه‌های کلامی و نقد الحدیث؛ بویژه نقد اسنادی^۴ و فقهی، نیز ارزش شمند است.

روایات و اخبار کتاب، گاه مرسل و گاه مسند نقل شده‌اند و بسیاری از آنها از منابع و طرق اهل سنت، روایت گردیده‌اند.^۵ شیخ مفید در اخبار مربوط به جنگ

۱. الجمل، ص ۲۰۶.

۲. همان، ص ۲۰۰، ۲۲۱.

۳. مقالات کنگره شیخ مفید، ج ۱، ص ۲۴۲؛ تراش، ش ۳، ص ۴۸ - ۵۱.

۴. الجمل، ص ۲۰۶، ۲۲۶.

۵. همان، ص ۲۰۶.

جمل، بر اخبار و گزارش‌های قابل اعتماد، تکیه کرده و در مواردی، بر صحت آنها تصریح کرده است.^۱ گویا کتاب الجمل مفید، پس از تألیف، نایاب شده و از همین روست که منابع بعدی؛ بویژه مجموعه حدیثی بحار الأنوار و کتب سید هاشم توبلی - که در آنها از کتب تاریخی و تکیه‌نگاری‌های مختلفی در جنگ جمل استفاده شده - از این کتاب نقل نکرده‌اند.

۱۰. المسألة الكافية

مؤلف: شیخ مفید

تحقیق و تخریق: علی اکبر زمانی نژاد

ناشر: دار المفید، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

همان گونه که در معرفی کتاب الجمل، گذشت، در آثار شیخ مفید، از کتابی با این عنوان و یا با عنوان المسألة الكافية فی إبطال توبة الخاطئة یا فی تفسیق الفرقة الخاطئة، یاد شده است. اصل این کتاب، نایاب است و محقق کتاب نیز متذکر شده که تلاش وی برای یافتن نسخه‌ای از آن، بی‌فایده بوده است.^۲ وی این کتاب را تنها با تکیه بر منابعی که از آن بهره برده‌اند، بازسازی کرده است؛ مانند: بحار الأنوار، مستدرک الوسائل، و کتابی خطی با عنوان مثالب النواصب.

این کتاب، بر سبک و سیاق و نظم کتاب الجمل، در سه فصل طبقه‌بندی شده است: فصل اول: جایگاه و موقعیت طلحه و زبیر نزد عثمان و بیعت آن دو با امام علی (ع) و سپس نقض آن. فصل دوم: در جنگ جمل. فصل سوم: در احکام محارب‌ان با امیر المؤمنین.

روایات کتاب در مجموع، ۶۵ حدیث است که ۶۲ روایت آن، از کتاب بحار الأنوار به دست آمده - که با اسناد کامل نقل شده‌اند -^۳ و سه روایت دیگر، از مثالب النواصب

۱. همان، ص ۲۲۶.

۲. المسألة الكافية، ص ۲.

۳. بحار الأنوار، ج ۳۰، ص ۱۴۲ - ۱۴۴؛ ج ۳۱، ص ۴۹۱ - ۴۹۲؛ ج ۳۲، ص ۳۱ - ۳۳، ۹۲، ۱۴۰، ۱۹۶، ۱۹۷.

ابن شهر آشوب^۱ و خاتمة مستدرک الوسائل^۲ که در پایان کتاب ذکر شده‌اند.

۱۱. منتخب الأنوار فی تاریخ الأئمة الأطهار علیهم السلام

مؤلف: ابن همام اسکافی

تحقیق و تخریج: علی رضا هزار

ناشر: دار الحديث، دفتر پنجم، از مجموعه میراث حدیث شیعه، قم، ۱۳۷۹ ش.

نسخه خطی این کتاب - که گویا تنها نسخه و بدون تاریخ است - در مرکز «احیاء التراث اسلامی» در قم، نگهداری می‌شود.^۳ این کتاب در مصادر، با عنوان الآثار فی تاریخ الأئمة الأطهار علیهم السلام،^۴ و الآثار،^۵ ذکر شده است. اصل این کتاب - که درباره تاریخ زندگی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و دوازده امام علیهم السلام است - از مصادر عیون المعجزات^۶ و فرحة الغری عبد الکریم بن طاووس^۷ بوده است؛ اما پس از ابن طاووس، نایاب شد. منتخب آن با نام منتخب الآثار فی تاریخ الأئمة الأطهار علیهم السلام، در اختیار محمد باقر مجلسی در سده یازدهم،^۸ و زوزی در پایان سده سیزدهم قرار داشت و از آن در بحار الأنوار و جواهر الأخبار^۹ نقل کردند.

نسخه چاپی منتخب الآثار، شامل مقدمه محقق در شرح حال مؤلف، مقدمه کوتاه مؤلف، و اصل کتاب است. در مقدمه مؤلف، به انگیزه تألیف و چگونگی آن اشاره

۱. ۳۵۳، ۳۲۶، ۲۷۴، ۲۵۲، ۲۰۱.

۲. مثالب التواص (مخطوط)، ج ۳، ص ۲۴۸، به نقل از: المسألة الکافیة، ص ۳ (مقدمه محقق).

۳. همان، ج ۴، ص ۱۹۵-۱۹۷.

۴. میراث حدیث شیعه، ج ۵، ص ۱۴.

۵. رجال النجاشی، ص ۳۷۶.

۶. الفهرست، طوسی، ص ۱۴۱؛ عیون المعجزات، ص ۱۰؛ فرحة الغری، ص ۱۲۹.

۷. عیون المعجزات، ص ۶، ۱۰، ۱۳، ۳۵، ۱۰۷، ۵۱.

۸. فرحة الغری، ص ۱۲۰، ۱۲۹، ۱۳۴، ۱۳۷.

۹. بحار الآثار، ج ۱، ص ۱۷، ۳۴.

۱۰. الذریعة، ج ۲، ص ۴۱۳.

شده است. اسکافی در این مقدمه، در باره پیشینه تألیف در زمینه موضوع کتاب، گفته است که مشایخ امامیه در گذشته و حال، در باره موضوعات دینی گوناگونی کتاب تألیف کرده‌اند؛ با این همه، کتابی که اختصاص به تاریخ زندگی ائمه علیهم‌السلام داشته باشد، تألیف نشده است. از این رو، او تصمیم گرفته کتابی در این موضوع بنگارد. وی متذکر شده در این کتاب که فشرده و مختصر است، افزون بر ائمه علیهم‌السلام، به تاریخ زندگی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و فاطمه علیها‌السلام نیز می‌پردازد. مؤلف در شرح حال و تاریخ زندگی این بزرگان، به مدت عمر، ولادت، وفات، اولاد، پدر و مادر، انساب و کنیه‌ها، القاب، ابواب، محل قبر، شهدا و مقتولان وابسته به آنان، و نیز به ملوک و پادشاهان معاصر هر کدام پرداخته است.

اصل کتاب، در سیزده باب با عناوین مشخص، سامان یافته است. روایات آن، مرسل و گاه با اسناد کامل، از طریق امامیه است. چند نمونه از ابواب کتاب، عبارت‌اند از: باب اول: رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، باب دوم: فاطمه بنت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، و باب سوم: امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام. باب چهارم تا دوازدهم نیز به ترتیب، به تاریخ زندگی امام حسن مجتبی علیه‌السلام تا امام حسن عسکری علیه‌السلام اختصاص دارند.

مصادری که در نسخه چاپی، تخریج روایات در آنها صورت گرفته، بدین قرار است: الکافی، الإرشاد، مساز الشیعة، مناقب آل ابی طالب، إعلام الوری بأعلام الهدی، کشف الغمة، بحار الأنوار، الخصال، قرب الإسناد، الإحتجاج، علل الشرائع، دلائل الإمامة، عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، کمال الدین و تمام النعمة.

۱۲. الهدایة الكبرى

مؤلف: ابن حمدان جنبلائی

تحقیق: مؤسسه البلاغ

ناشر: مؤسسه البلاغ للطباعة والنشر، بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۱۱ ق.

در تحقیق کتاب، از نسخه‌ای کامل استفاده شده؛ اگرچه ویژگی‌های آن ذکر نشده است.^۱ چند نسخه خطی از این کتاب، موجود است: نسخه خیابانی در کتاب وقائع الائمه، نسخه سماوی، نسخه کتاب‌خانه کاشف الغطاء، و نسخه فضل الله شیخ الاسلام در زنجان، که به خط نصر الله قزوینی و در سال ۱۲۸۰ ق، از روی نسخه محمد باقر مجلسی استنساخ شده است.^۲

در مصادر کتاب‌شناسی، عنوان این کتاب، تاریخ الأئمة علیهم‌السلام،^۳ الهدایة^۴ و الهدایة الکبری^۵ آمده است. این کتاب در مصادر حدیثی متأخر، کم دیده می‌شود. کجوری در الذمعة الساکبة^۶ و نیز محمد باقر مجلسی و میرزا حسین نوری، از آن نقل کرده‌اند. موضوع الهدایة الکبری تاریخ، شرح حال و دلائل و شواهد نبوت و امامت پیامبر و ائمه علیهم‌السلام است. نسخه چاپی کتاب، شامل مقدمه بلند محقق کتاب و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، شرح حال مؤلف، معرفی کتاب و توضیحاتی درباره آرا و عقاید علوی‌ها آمده است. اصل کتاب، در چهارده باب با اسامی چهارده معصوم - به ترتیب، از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، فاطمه علیها‌السلام، علی علیه‌السلام و فرزندان او تا حضرت حجت علیه‌السلام، سامان یافته است. مؤلف در آغاز هر باب، شناس نامه معصوم را ذکر می‌کند. از مطالب این باب‌ها می‌توان چنین نام برد: نام معصوم، نام پدر و مادر، سال ولادت، سال وفات، مدت عمر، القاب و کنیه‌ها، فرزندان، زنان، حوادث خاص، و نیز دلائل و شواهد برگزیدگی آنها در جایگاه نبوت و امامت و عصمت؛ یعنی همان فضائل و مناقب هر کدام، که به تفصیل، درباره آن بحث کرده است. وی گاه، اقوال مختلف را نقل و سپس نقد می‌کند. روایات، با اسناد کامل و گاه ناقص، از ائمه علیهم‌السلام است. شاکله و ساختار بحث، مانند

۱. الهدایة الکبری، ص ۴۳۷.

۲. الذریعة، ج ۲۵، ص ۱۶۴ - ۱۶۵.

۳. رجال النجاشی، ص ۶۷.

۴. بحار الأنوار، ج ۱۰۲، ص ۶۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۹۶.

۵. الذریعة، ج ۲۵، ص ۱۶۴.

۶. الذریعة، ج ۲۵، ص ۱۶۴.

کتاب‌هایی از قبیل بحار الانوار و عیون المعجزات است. برای نمونه، در احوال حضرت حجت (عجل)، به کیفیت ظهور او و رجعت پیامبر خدا و ائمه (علیهم‌السلام) پس از آن، اشاره شده است.

۱۳. تاریخ قم

مؤلف: حسن بن محمد بن حسن کاتب قمی

مترجم: حسن بن علی بن حسن عبد الملک قمی

تصحیح و تحشیه: سید جلال الدین تهرانی

ناشر: چاپ‌خانه مجلس شورا، تهران، ۱۳۳۳ ش (چاپ دوم: توس، تهران، ۱۳۶۱).^۱
در تحقیق کتاب، از نسخه‌ای که در سال ۱۰۰۱ ق، تحریر شده، استفاده شده است.^۲ این کتاب در سال ۳۷۸ ق، به تشویق صاحب بن عبّاد، وزیر فخر الدولة دیلمی، به عربی تألیف شد^۳ و در سال‌های ۸۰۵ و ۸۰۶، توسط حسن بن علی بن حسن بن عبد الملک قمی، به فارسی برگردانده شد.^۴ آنچه از این کتاب باقی مانده، بخشی از همین ترجمه است.

نسخه چاپی در یک مجلد، شامل مقدمه مترجم، مقدمه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه مترجم، به انگیزه ترجمه اشاره شده است. مقدمه مؤلف به فضائل و مناقب و خدمات دینی و دنیوی صاحب بن عبّاد، عوامل و موجبات تألیف تاریخ قم، و معرفی ابواب آن، اختصاص دارد. به موجب این مقدمه، سه عامل در تألیف این کتاب، نقش داشته است: یکی رسالت فرهیختگان هر عصر که باید میراث زمان خود را ثبت کنند تا آن را به دیگران برسانند و نام خود را جاودانه سازند. دیگری، فقدان کتاب

۱. گفتنی است در سال‌های اخیر، دو تصحیح دیگر نیز از این کتاب، منتشر شده است: یکی توسط دارالتحقیق آستانه مقدسه قم (قم: زائر، ۱۳۸۵) و دیگری توسط محمد رضا انصاری قمی (قم: کتاب‌خانه آیه الله مرعشی، ۱۳۸۶).

۲. تاریخ قم، ص ۱.

۳. تاریخ قم، ص ۴ و ۵.

۴. همان، ص ۲ و ۳، مقدمه مترجم.

در باره تاریخ قم و معرفی اهل قم و عالمان و شاعران آن است که رنجش خاطر ابو الفضل محمد بن حسین عمید (ابن العمید وزیر) را فراهم کرده بود. و عامل سوم، تشویق برادر مؤلف، ابو القاسم علی بن محمد بن حسن کاتب است که در آن هنگام، حاکم قم بوده است.^۱

مؤلف، کتاب را در بیست باب با عناوین مشخص، سامان داده است. باب شانزدهم آن، در معرفی بعضی از علمای قم است و نیز عدد خواص آنها - که ۲۶۶ نفر بوده اند - و عدد عامه از اهل قم - که به قم منسوب بودند و شمارشان تنها چهارده نفر بوده است - و ذکر مصنفات و روایاتشان و اخباری درباره آنان.

کتاب تاریخ قم، در شرح حال وضعیت اقلیمی، اقتصادی و بویژه خراج، سیاسی، مذهبی، علمی و انسانی شهر قم است. اصل این کتاب، شامل بیست باب و پنجاه فصل، در چند مجلد بوده است. ظاهر کلام محمد باقر مجلسی و افندی اصفهانی،^۲ چنین می نمایند که اصل کتاب را در اختیار داشته اند. میرزا حسین نوری - با اشاره به این که خود، از بیست باب کتاب، تنها هشت باب آن را در اختیار دارد -،^۳ متذکر می شود که اصل کتاب، در اختیار سید احمد حسینی (نوه دختری محقق کرکی و پسر خاله محقق داماد و نیز داماد او) بوده و وی در کتابی درباره فضائل سادات، موسوم به منهاج الصفوی، از آن نقل کرده است. نیز آقا محمد علی فرزند وحید بهبهانی، آن را در اختیار داشته و در حاشیه های خود بر نقد الرجال تفرشی، از آن نقل کرده است. اینک نسخه عربی این کتاب، نایاب است. نسخه فارسی آن نیز تنها شامل پنج باب نخست است و دیگر باب های کتاب، نایاب اند. مترجم در مقدمه کتاب، متذکر شده است که «کتاب تاریخ قم، مشتمل بر بیست باب و پنجاه فصل است». از این عبارت، معلوم می شود که وی همه باب ها و فصل های آن را در اختیار داشته است؛ اما معلوم

۱. تاریخ قم، ص ۱۱ - ۱۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۴۲؛ ریاض العلماء، ج ۱، ص ۳۱۸.

۳. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۶۷.

نیست که آیا همه آنها را به فارسی برگردانده، یا تنها به همین پنج بابی که باقی مانده، بسنده کرده است.

میرزا حسین نوری با بررسی منقولات کتاب فضائل السادات سید احمد حسینی، احتمال داده که وی ترجمه دیگری از کتاب را در اختیار داشته است؛ چنان که احتمال داده است که همو و نیز آقا محمد علی، اصل عربی کتاب را نیز در اختیار داشته‌اند.^۱

هـ- متون تفسیری

۱. تفسیر القمی

مؤلف: علی بن ابراهیم قمی

مصحح: سید طیب موسوی جزایری

ناشر: دار الکتاب، قم، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ق.

در تحقیق این کتاب، از دو نسخه خطی و دو نسخه چاپی استفاده شده است. در هامش نسخه چاپی سال ۱۳۱۵ ق، تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام نیز گنجانده شده است. نسخه چاپی ۱۳۱۳ ق، نسخه خطی کتاب خانه آیه الله حکیم و نسخه خطی کتاب خانه شیخ کاشف الغطاء - که نسخه ای است نادر - دیگر نسخه های پیشین این کتاب اند.^۲

انتساب این تفسیر به علی بن ابراهیم، معروف نیست؛ اگرچه اصل این که او تفسیری بر قرآن نوشته است، معروف و حتی متواتر است.^۳

کسی که این تفسیر را از علی بن ابراهیم روایت کرده، شاگرد وی عباس بن محمد بن قاسم بن حمزة بن موسی بن جعفر، مکنّا به ابو الفضل است.^۴ راوی

۱. خانمة مستدرک الوسائل، ج ۱ ص ۳۶۷.

۲. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۶-۱۷.

۳. رجال النجاشی، ص ۲۶۰؛ الفهرست، طوسی، ص ۱۵۲؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۷.

۴. الذریعة، ج ۴، ص ۳۰۷؛ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۷.

کتاب، در مصادر رجالی امامیه ذکر نشده^۱ و در اصطلاح، مجهول است. با این حال، از وی در کتاب‌های انساب، یاد شده است؛ مانند المجدی فی أنساب الطالبین، عمدة الطالب، بحر الأنساب، العمدة، المشجر، کشف والنسب المسطر که در آغاز سده هفتم تألیف شده است.^۲ نیز نام پدر او، معروف به محمد اعرابی، و جد وی با عنوان محمد بن قاسم بن حمزه، در مصادر رجالی آمده است. شیخ طوسی پدر او را در شمار اصحاب امام هادی علیه السلام^۳ و کشی جد او را با عنوان قاسم بن حمزه علوی،^۴ یاد کرده‌اند و به نقل از آقا بزرگ تهرانی از کشی، وی از ابو بصیر روایت می‌کند و ابو عبد الله محمد بن خالد برقی نیز از وی روایت می‌کند.

برخی از معاصران، با استناد به جهالت راوی اصلی این تفسیر، ابو الفضل العباس، و نیز جهالت کسی که آن را از ابو الفضل روایت کرده، در انتساب آن به علی بن ابراهیم، تردید کرده‌اند^۵ و آن را ساخته و پرداخته همان ابو الفضل راوی کتاب، دانسته‌اند. شاید قرینه محکم بر این انتساب، این باشد که روایات این تفسیر، همگی از علی بن ابراهیم نیست. به گفته آقا بزرگ تهرانی، روایات کتاب تا اوایل سوره آل عمران - که به آیه «وَأَنْتُمْ كُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخُلُونَ فِي بُيُوتِكُمْ» می‌رسد، از علی بن ابراهیم است؛ ولی از این آیه به بعد، اسلوب روایت تغییر می‌کند و روایت از ابن عقده (م ۳۳۳ ق) با این عنوان، افزوده می‌شود: «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيُّ، قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ حَدَّثَنَا كَثِيرُ بْنُ عِيَّاشٍ عَنْ زِيَادِ بْنِ مَنْزَرٍ أَبِي الْجَارُودِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ (امام باقر علیه السلام)». این طریق در مصادر کتاب‌شناسی، برای تفسیر ابو الجارود ذکر شده است.^۶ گویا نمی‌توان گوینده «حَدَّثَنَا» را در طریق یاد شده

۱. الذریعة، ج ۴، ص ۳۰۳.

۲. همان، ج ۴، ص ۳۰۷-۳۰۸.

۳. رجال الطوسی، ص ۳۹۲.

۴. اختیار الرجال، ج ۲، ص ۷۳۶.

۵. التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۳۲۶.

۶. فهرست، طوسی، ص ۱۳۱؛ رجال التجاشی، ص ۱۷۰.

که چهار بار تصریح شده - علی بن ابراهیم دانست؛ چراکه علی بن ابراهیم، شیخ کلینی است و ابن عقده، الکافی را از کلینی روایت می‌کند. این که گوینده «حدَّثنا» علی بن ابراهیم باشد، به این معناست که: علی بن ابراهیم، از کسی روایت می‌کند که او بزرگ‌ترین شیخ استادش کلینی است. پذیرش چنین چیزی، قبول این قول دشوار می‌نماید.^۱ راوی تفسیر در دیگر موارد تا پایان تفسیر، تمام سند را ذکر نمی‌کند و به عبارت: «وفی رواية أبي الجارود» بسنده می‌کند.

از دیگر سو، می‌توان این احتمال را پیش کشید که اصل این تفسیر، از علی بن ابراهیم است؛ ولی راوی آن ابوالفضل العباس، به هدف ایجاد رغبت بیشتر به این تفسیر یا به هر جهت دیگری، برخی از روایات تفسیری ابوالجارود از امام باقر علیه السلام را به آن افزوده است. قرینه بر این احتمال - که قوی نیز می‌نماید -، این است که به گزارش کتاب النسب المسطور، عباس در طبرستان بود و طبرستان در آن زمان، مرکز زیدیة جارودیه شناخته می‌شد.^۲

به هر روی، این تفسیر از مصادر تفاسیر روایی و برخی از جوامع حدیثی است؛ مانند: مجمع البیان، الصافی، البرهان، نور الثقلین، بحار الأنوار و وسائل الشیعة.

نسخه چاپی این کتاب، شامل مقدمه مصحح کتاب، مقدمه مؤلف، و اصل تفسیر است. در مقدمه مصحح، افزون بر معرفی مؤلف و جایگاه او، به نسخه‌های مورد اعتماد و نقد برخی از شبهات درباره اعتبار این تفسیر، پرداخته شده است. مقدمه تفسیر، با ستایش خدا و درود بر پیامبر و اهل بیت علیهم السلام آغاز می‌شود و سپس سخنی دراز دامن، درباره انواع علوم قرآن دارد. قمی در این مقدمه که مدخل تفسیر است، فشرده و کوتاه، به ذکر روایات مستندی در بیان انواع علوم پرداخته، که امام صادق علیه السلام از امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده است. گویا این روایات را - که مفصل هم هستند - ابن

۱. الذریعة، ج ۴، ص ۳۰۴.

۲. الذریعة، ج ۴، ص ۳۰۸.

ابی زینب نعمانی شاگرد کلینی، به تفصیل در آغاز تفسیرش آورده و به گفته آقا بزرگ تهرانی، سید مرتضی با افزودن خطبه‌ای، از مجموع آنها رساله‌ای ساخته و آن را المحکم و المتشابه، نامیده است. محمد باقر مجلسی نیز این روایات را در «کتاب القرآن» بحار الأنوار، بدون کاستی ذکر کرده است.

اصل کتاب، شامل تفسیر آیات قرآن از سوره حمد تا پایان قرآن است. مؤلف، هر آیه را -نه به صورت کامل- ذکر می‌کند و سپس به تفسیر آن می‌پردازد. وی در تفسیر آیات، از روایات و گاه اشعار برخی شعرای معروف^۱ کمک می‌گیرد و در مواردی، بیان‌هایی را از خود، بر آن می‌افزاید.

روایات کتاب -که جنبه تفسیر و بیشتر بیان مصداق و به قولی، جنبه تأویل دارند- از امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام نقل شده‌اند و در مواردی اندک، از سایر امامان علیهم السلام. طریق روایات امام صادق علیه السلام، از علی بن ابراهیم از مشایخ او -که به قولی به شخصت نفر می‌رسند و مهمترینشان پدر اوست -^۲ و روایات امام باقر علیه السلام، از ابن عقده از ابو الجارود نقل شده است. سایر روایات، از دیگر مشایخ راوی تفسیر نقل شده است، که به ده نفر می‌رسند.^۳ ابوالفضل العباس راوی تفسیر، روایات ابو الجارود را در چهار مورد، با اسناد کامل از ابن عقده نقل می‌کند؛^۴ ولی سایر موارد را بدون ذکر سند، تنها با عبارت «و فی روایة أبی الجارود»^۵ آورده است. وی در بیشتر موارد، پس از پایان یافتن روایت ابو الجارود یا روایت یکی از مشایخش،^۶ به تفسیر علی بن ابراهیم باز می‌گردد و با عباراتی از این دست، از آن یاد می‌کند: «و قال علی بن ابراهیم...» یا

۱. تفسیر الفی، ج ۱، ص ۴۶.

۲. الذریعة، ج ۴، ص ۲۰۳.

۳. الذریعة، ج ۴، ص ۳۰۴.

۴. تفسیر الفی، ج ۱، ص ۱۰۲، ۱۹۸، ۲۲۴، ۲۷۱.

۵. همان، ج ۱، ص ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۹، ۱۲۰.

۶. همان، ج ۲، ص ۴۰۵-۴۰۶.

«رجع إلى رواية علي بن ابراهيم» یا «رجع إلى تفسير علي بن ابراهيم» یا «وفى رواية علي بن ابراهيم» و... گویا وی با این گونه پردازش، بر آن بوده که روایات ابو الجارود را از روایات علی بن ابراهیم، جدا سازد.

۲. تفسیر العیاشی

مؤلف: عیاشی

تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی

ناشر: مکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۱ ق (در دو مجلد)

در تحقیق این کتاب، از دو نسخه خطی استفاده شده است: نسخه کتابخانه دانشگاه تهران و نسخه تصحیح شده شیخ عبد الله شاه میری تفرشی. نسخه دوم، از روی نسخه محدث نوری استنساخ شده و هم با نسخه کتابخانه آستان قدس، مقابله شده است و هم با جوامع حدیث و برخی تفاسیر روایی مانند: مجمع البیان طبرسی، الصافی فیض کاشانی، البرهان سید هاشم بحرانی (که تمام کتاب عیاشی، در آن نقل شده است)، بحار الاثوار محمد باقر مجلسی، وسائل الشیعه و نیز اثبات الهداة شیخ حر عاملی.^۱ گروه تحقیق مطالعات اسلامی مؤسسه بعثت نیز در تحقیق آن، افزون بر این تفاسیر و جوامع حدیث، بر سه نسخه خطی نیز تکیه کرده‌اند: نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی، نسخه کتابخانه ملک و نسخه کتابخانه شاهچراغ.^۲

این کتاب که با عنوان تفسیر، در مصادر ذکر شده^۳ و انتساب آن به عیاشی، معروف است، از مصادر جوامع حدیث و کتاب‌های تفسیری است. نسخه چاپی آن، در دو مجلد با مقدمه سید محمد حسین طباطبایی معروف به علامه طباطبایی، مقدمه محقق کتاب، مقدمه کوتاه کاتب نسخه خطی تفسیر و اصل آن، فراهم آمده است. در مقدمه محقق، نسخه‌های خطی و جوامع حدیثی که از آنها استفاده، معرفی شده‌اند. مقدمه

۱. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۶-۷.

۲. تراش، ص ۲۳، ص ۲۳۷.

۳. رجال النجاشی، ص ۳۵۰؛ الفهرست، طوسی، ص ۲۱۲؛ معالم العلماء، ص ۱۳۴.

علامه طباطبایی نیز به جایگاه و اهمیت تفسیر عیاشی اختصاص دارد.

ناسخ کتاب که ناشناخته است، این تفسیر را یافته و در پی اطمینان از انتساب آن به عیاشی، تلاش کرده است به مصدری هم که این تفسیر را از طریق سماع از مصنف یا کس دیگری دریافت کرده، دست یابد؛ ولی موفق نشده است. بر این اساس، اسانید روایات آن را حذف کرده و متذکر شده است که اگر پس از این، به کسی دست یافت که واجد شرایط پیش گفته باشد، اسانید را ذکر خواهد کرد.^۱ اصل کتاب، با مباحث و دانش‌های تفسیری آغاز شده است که مدخل تفسیر به شمار می‌آیند، و سپس اصل تفسیر آمده است. مقدمات تفسیر، شامل عناوین زیر است: فضائل قرآن، مورد و شأن نزول قرآن، معنای اصطلاحاتی چون: ناسخ، منسوخ، ظاهر، باطن، محکم و متشابه، آیاتی از قرآن که به ائمه علیهم‌السلام اشاره دارند، علم ائمه به تأویل آیات قرآن، حکم کسی که قرآن را به رأی خود تفسیر کند، و ناپسند بودن جدال درباره قرآن.

اصل تفسیر، با سوره فاتحه آغاز می‌شود و تا سوره کهف پیش می‌رود. روایات تفسیر عیاشی، همگی از ائمه علیهم‌السلام است و شامل شرح الفاظ آیات، شأن نزول و بیان مصادیق و موارد انطباق است که به ترتیب آیات ذکر شده‌اند. گویا این تفسیر، کامل بوده و در دو جزء سامان داشته است: جزء اول آن، شامل هجده سوره - از سوره حمد تا پایان سوره کهف - و جزء دوم، شامل سایر سوره‌های قرآن. جزء دوم آن، نایاب است.^۲ به چند قرینه، می‌توان کامل بودن این تفسیر را حدس زد:

۱. سکوت نجاشی (م ۴۵۰ ق) و شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) درباره ناتمام بودن آن؛ چرا که آنها معمولاً این توضیح را برای کتاب‌های ناقص داده‌اند.
۲. عیاشی در جزء موجود،^۳ مطلبی را از تفسیر آیه ۳۲ سوره فاطر نقل می‌کند.

۱. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲.

۲. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۴، مقدمه طباطبایی.

۳. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۶۴.

روشن است که این سوره، در جزء دوم بوده است.

۳. طبرسی (م ۵۶۱ ق) در تفسیر سوره نور و سوره تحریم،^۱ وابن طاووس (م ۶۶۲ ق) در تفسیر آیه ۳۲ سوره فاطر،^۲ روایاتی را از عیاشی نقل کرده‌اند. به هر حال، مؤلف این کتاب، احادیث را مسند ذکر کرده بوده؛ ولی در سده‌های بعد، برخی از نسخ به جهت اختصار، اسانید آن را حذف کرده‌اند.^۳ این تفسیر، موثق‌ترین تفسیر روایی باقی مانده از پیشینیان است که از زمان تألیف تاکنون، مورد اعتماد مفسران و محدثان بوده^۴ و به طور خاص، از سده یازدهم، از مصادر مهم تفسیر روایی به شمار آمده و جوامع و تفاسیر بسیاری، از آن نقل کرده‌اند؛ مانند: الصافی فیض کاشانی، البرهان بحرانی، نور الثقلین حویزی، وسائل الشیعة و إثبات الهداة حر عاملی، و بحار الأنوار مجلسی.

۳. تفسیر نعمانی

مؤلف: ابن ابی زینب نعمانی

ناشر: مجمع البحوث الإسلامية

کتاب التفسیر، در مصادر کتاب‌شناسی اولیه، در شمار تألیفات ابن ابی زینب نعمانی یاد نشده است. در سده یازدهم، شیخ حر عاملی و محمد باقر مجلسی، از تفسیر نعمانی یاد کرده‌اند. به گفته شیخ حر، المحکم والمتشابه منسوب به سید مرتضی، همان تفسیر نعمانی است؛ یعنی وی آن را از تفسیر نعمانی نقل کرده است.^۵ در این سده، قسمت‌هایی از این تفسیر پیدا شد^۶ و محمد باقر مجلسی در «کتاب القرآن»

۱. مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۹-۲۴۰، ج ۱۰، ص ۵۶.

۲. سعد السعود، ص ۷۹.

۳. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۷؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۸.

۴. تفسیر العیاشی، مقدمه طباطبائی، همان جا.

۵. أمل الآمل، ج ۲، ص ۱۸۴.

۶. همان، ج ۲، ص ۲۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۵.

بحار الأنوار، همه آن را آورده است.^۱ آقا بزرگ تهرانی با اشاره به کلام شیخ حرّ عاملی، متذکّر شده است که شاید مراد شیخ حر از «قطعه»، روایاتی باشد که نعمانی با اسناد خود به امام صادق علیه السلام در مقدمه تفسیرش قرار داده است و این روایات، هم است که جداگانه نیز همراه با خطبه مختصری با عنوان محکم و متشابه، به سید مرتضی نسبت داده شده است.^۲ به هر روی، معلوم نیست که آیا تفسیر موجود، تنها مقدمه تفسیر نعمانی است یا اصل تفسیر او.

تفسیر نعمانی، حاوی روایاتی است از طریق امام صادق از امیر المؤمنین علیه السلام، با محتوایی شامل دسته‌بندی آیات قرآن، بیان موارد و مصادیق عناوین و احکام قرآن، و نیز شرح الفاظ آیات. محمد بن ابراهیم نعمانی، این تفسیر را با اسناد کامل از احمد بن محمد بن سعید بن عقده، از احمد بن یوسف بن یعقوب نجفی، از اسماعیل بن مهران، از حسن بن علی بن ابی حمزه، از پدرش از اسماعیل بن جابر و از ابو عبد الله جعفر بن محمد صادق علیه السلام نقل کرده است. به موجب این گزارش، امام صادق علیه السلام با اشاره به جامعیت و جاودانگی قرآن، به دسته‌بندی آیات آن پرداخته و با اشاره به نادانی یا کم‌دانی عده‌ای درباره این انواع، متذکّر شده است که تنها راه درست فهم قرآن، استفاده از اهل بیت علیهم السلام است. مطلب اصل تفسیر نعمانی، که سخن امام علی علیه السلام است، با تقسیم‌بندی آیات و معانی قرآن در هفت قسم، آغاز می‌شود: امر، زجر، ترغیب، ترهیب، جدل، مثل و قصص. وی سپس به دسته‌بندی و معرفی احکام و تعابیر قرآنی پرداخته است: ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، خاص و عام، مقدم و مؤخر، عزائم و رخص، حلال و حرام، فرائض و احکام، منقطع معطوف و منقطع غیر معطوف، حرف مکان حرف، لفظ خاص با معنای عام، لفظ عام با معنای خاص، لفظ واحد با معنای جمع، لفظ جمع با معنای واحد، لفظ ماضی در معنای مستقبل و....

۱. بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۸۵-۲.

۲. الذریعة، ج ۴، ص ۳۱۸.

۴. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل

مؤلف: حاکم حَسْکَانی

تحقیق: محمد باقر محمودی

ناشر: مؤسسه چاپ و نشر، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.

در تحقیق کتاب، از دو نسخه خطی با عنوان نسخه کرمانی - که تاریخ کتابت ندارد - و نسخه یمنی (کتابت در ۱۳۸۰ ق)، اعتماد شده است. افزون بر این دو نسخه، شش نسخه خطی دیگر نیز از این کتاب موجود است که کهن ترین آنها به سده یازدهم تعلق دارد.^۱ این کتاب پیش تر نیز در بیروت در سال ۱۳۹۴ ق، در یک مجلد و در سال ۱۴۰۶ ق، در دو مجلد، به چاپ رسیده است. کتاب شواهد التنزیل، در مصادر کتاب شناسی فریقین، در شمار تألیفات حاکم حَسْکَانی ذکر شده است.^۲ این کتاب از مصادر بسیاری از کتاب های حدیثی و کلامی امامیه است؛ مانند: مجمع البیان طبرسی، المناقب ابن شهر آشوب، الطوائف ابن طاووس، الصراط المستقیم بیاضی،^۳ جلیة الأبرار و نیز مدینة المعاجز سید هاشم توبلی، بحار الأنوار و وسائل الشیعة است.

موضوع شواهد التنزیل، آن دسته از فضائل امام علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام است که بر اساس روایات اسباب نزول، در قرآن اشاره شده است. بر این اساس، کتاب یاد شده را می توان از کتب تفسیری شمرد. نسخه چاپی کتاب، شامل مقدمه محقق کتاب، مقدمه کوتاه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، به اهمیت شواهد التنزیل، شرح حال

۱. تراتا، ش ۱۴، ص ۵۴-۵۶؛ فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ج ۸، ص ۱۶۹.

۲. معالم العلماء، ص ۱۱۳؛ تذکره الحفاظ، ص ۱۲۰؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۱۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۳؛ ریاض العلماء، ج ۳، ص ۲۵۶-۲۵۷، ۲۹۶-۳۰۰؛ الذریعة، ج ۴، ص ۱۹۴؛ تراتا، ش ۱۶، ص ۱۲؛ ج ۱۸، ص ۹۴.

۳. مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۱۷؛ ج ۳، ص ۲۷۴؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۴۳؛ الطوائف، ص ۳۵؛ الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۲۷۲؛ ج ۲، ص ۲۷.

مؤلف، معرفی نسخه‌های خطی آن و چگونگی استفاده از آنها اشاره شده است. مقدمه مؤلف، درباره انگیزه تألیف است. به موجب این مقدمه، برخی از اهل علم در مجلس عمومی و در حضور جمعیتی فراوان، اعلام می‌کنند که هیچ مفسری سوره اهل اتی (انسان) و غیر آن را در شأن امام علی علیه السلام و دیگر اهل بیت، تفسیر نکرده است. از عالمان حاضر در آن مجلس، انتظار می‌رفت که در برابر این انکار، واکنش نشان دهند؛ ولی تنها ابو العلاء صاعد بن محمد (قدس روحه)، بعضی از خواص خود را که در آن مجلس حاضر بودند، مورد عتاب و سرزنش قرار می‌دهد. مؤلف در این شرایط، از باب حسبه و برای دفع شبهه از ذهن اصحاب، دست به کار می‌شود و این کتاب را با عجله و شتاب فراوان، تألیف می‌کند تا این اذعارا که هیچ آیه‌ای از قرآن، در شأن اهل بیت علیهم السلام نیست و هیچ کس هم چنین سخنی نگفته، نقض کند. حسکانی در ابتدای کتاب^۱ و در پایان آن،^۲ متذکر شده که در این کتاب، به ذکر روایاتی که به صحت آنها اطمینان داشته، بسنده نکرده است؛ بلکه بنای او بر این بوده که هر آیه‌ای را که گفته شده نزولش در شأن اهل بیت علیهم السلام است و یا در شأن آنان تفسیر شده، در این کتاب ذکر کند. از این رو، وی به نقد اسانید و متون روایات پرداخته است؛ چرا که این روایات در کتب حدیثی و کلامی، فراوانند و مؤلف نیز مجال چنین کاری را نداشته است. اصل کتاب در شش فصل، به فضائل امام علی علیه السلام از زبان برخی صحابه و تابعان پرداخته و شامل معرفی ۲۱۰ آیه در شأن امام علی و اهل بیت علیهم السلام، همراه با ۱۱۶۳ روایت است. فصول ششگانه کتاب، عبارت‌اند از:

فصل اول: فراوانی فضائل امیر المؤمنین علیه السلام در این فصل، خصائص امام علی علیه السلام از زبان چنین کسانی نقل شده است: عبد الله بن عباس، مجاهد بن جبر، سلیمان بن طرخان، ابو طفیل عامر بن واثله لیثی، احمد بن حنبل بغدادی، عبد الله بن عمر بن

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۰.

۲. همان، ج ۲، ص ۴۸۶.

خطاب، عکرمه مولی ابن عباس و عایشه؛

فصل دوم: تقدّم وی بر تلاوت و تفرّد در حفظ قرآن؛

فصل سوم: پیشی گرفتن وی بر دیگران، در گردآوری قرآن؛

فصل چهارم: بی‌بدیل بودن او در شناخت قرآن و معانی آن و علم به نزول آن؛

فصل پنجم: فراوانی آیاتی که درباره او و فرزندان و خاندانش نازل شده است؛

فصل ششم: بیان این که امام علی علیه السلام مصداق و مراد تعبیر «یا ایها الذین آمنوا»

است که نو د بار، در قرآن ذکر شده است.

روش حاکم حسکانی در شواهد التنزیل، آیات را به ترتیب سوره‌ها بیان کرده و روش او این است که ابتدا یک یا چند آیه را به عنوان موضوع بحث، مطرح می‌کند و سپس از طریق مشایخ حدیث خود، روایاتی را از صحابه و تابعان نقل می‌کند که آن آیه یا آیات را درباره اهل بیت علیهم السلام دانسته‌اند. روایات کتاب، همگی با اسناد کامل و از طریق اهل سنت است و گاهی نیز از برخی مصادر پیشین؛ مانند: تفسیر فرات کوفی،^۱ تفسیر عیاشی و مقتضب الاثر ابن عیّاش جوهری.^۲ گویا برخی، شواهد التنزیل را مختصر کرده‌اند، مانند نسخه‌ای خطی با عنوان مجزء فی فضائل علی؛ منتخب من شواهد التنزیل، که در یکی از کتاب‌خانه‌ها زیدیه موجود است.^۳

و- دعا و زیارت

۱. کامل‌الزیارات

مؤلف: ابن قولویه قمی

تحقیق: جواد قیومی

ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی (انتشارات جامعه مدرّسین)، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.

۱. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۷؛ الذریعة، ج ۴، ص ۲۹۸.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۸۹.

۳. تراثا، ص ۱۴، ص ۵۴.

در تحقیق کتاب، از دو نسخه خطی استفاده شده است: یکی نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی به خط محمد شفیع کرمانی (تاریخ کتابت ۱۰۹۳ ق) که با توحید مفضل و رسالة الأهلیة همراه است، و دیگری نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی به خط سید ابو القاسم نجفی. به علاوه، متن آن با برخی از کتب رجالی و حدیثی نیز مقابله شده است.^۱ کامل الزیارات بارها چاپ شده است؛ از جمله، با تحقیق شیخ عبد الحسین امینی نجفی، با تصحیح علی اکبر غفاری و مقدمه محمد علی اردوباری، در چاپخانه مرتضویه نجف، در سال ۱۳۵۶ ق.^۲

معرفی این کتاب، با چند عنوان الزیارات،^۳ جامع الزیارات^۴ کمال الزیارات^۵ و کامل الزیارات^۶ آمده است؛ ولی «کامل الزیارات»، عنوان مورد نظر مؤلف بوده است.^۷ انتساب این کتاب به ابن قولویه قمی، معروف بلکه متواتر است و کتابهای حدیثی، دعایی، زیارات و رجالی بسیاری، از آن نقل کرده‌اند؛ مانند: المزار شیخ مفید، التهذیب و الاستبصار شیخ طوسی، کتب گوناگون ابن طاووس، المزار ابن مشهدی، بحار الأنوار، وسائل الشیعة و مستدرک الوسائل.^۸ این، از آن روست که کامل الزیارات، ارزش حدیثی، دعایی، معنوی، معرفتی و رجالی دارد.

نسخه چاپی کامل الزیارات، شامل مقدمه محقق، مقدمه معرفی مؤلف و اصل کتاب است. مقدمه محقق، شامل این مطالب است: شرح حال مؤلف و پدر و برادر

۱. کامل الزیارات، ص ۱۰، مقدمه غفاری.

۲. ترانها، ص ۲، ص ۱۶۰.

۳. رجال النجاشی، ص ۱۲۶؛ الإقبال، ص ۷۰۱.

۴. الفهرست، طوسی، ص ۹۲.

۵. مصباح الزائر، ص ۲۹۳.

۶. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۷؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۴۸؛ الذریعة،

ج ۷، ص ۲۵۵.

۷. کامل الزیارات، ص ۴.

۸. الإقبال، ص ۷۰۱؛ مصباح الزائر، ص ۲۹۳-۲۹۷، ۳۹۴-۳۹۶؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۶۷؛ خاتمة مستدرک

الوسائل، ج ۳، ص ۲۵۱؛ معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۵۰.

او، اهمیت و جایگاه کتاب، معرفی مشایخ و راویان ابن قولویه، توثیق مشایخ او و معرفی نسخه‌های خطی. مقدمه مؤلف، به موضوع کتاب، شیوه سامان و ویژگی روایات آن، اختصاص یافته است. به موجب این مقدمه، روایات کتاب، همگی از اهل بیت علیهم‌السلام و از طریق مشایخ تقه و قابل اعتماد، نقل شده‌اند. مطالب آن نیز در ابوابی با عناوین مشخص، سامان یافته و در ذیل هر باب، تلاش شده تنهاروایات مربوط به همان باب، آورده شود.^۱ این کتاب در زمینه زیارت رسول اکرم، زیارت امیر المؤمنین و زیارت ائمه معصوم علیهم‌السلام است، شامل: نصوص این زیارات و فضایل و ثواب آنها، به نقل از خود اهل بیت. مطالب کتاب در ۱۰۸ باب، با عناوین خاص و متناسب با روایات هر باب، مرتب شده است. بیش از هشتاد باب، به ذکر اخبار مربوط به شهادت سید الشهداء علیه‌السلام و زیارت او در زمان‌های معین و سایر اوقات و نیز فضایل و ثواب ایشان، اختصاص دارد. در باب‌های دیگر، به زیارت صالحان غیر معصوم پرداخته شده است، مانند: عباس بن علی، حمزه بن عبد المطلب، عبد العظیم حسنی، فاطمه معصومه و شهدا. باب پایانی کتاب، باب النوادر است.

تعداد روایات کتاب، ۷۵۵ مورد است که از این تعداد، ۱۲۴ حدیث مرسل است.^۲ محدث نوری در سده سیزدهم، به استناد قرآینی از خود کتاب، ابراز کرده است که برخی از روایات کتاب - چون خبری طولانی و شریف، معروف به «خبر زائده» در باب ۸۲ و ۸۸ -، توسط یکی از شاگردان ابن قولویه، نقل شده و وی آن را به جهت مشابهت و هم‌خوانی معنوی با دیگر مطالب، پس از درگذشت مؤلف، به کتاب افزوده است.^۳ این روایت، بدون اشاره به نکته یاد شده، در بحار الأنوار^۴ و گویا از طریق شیخ حرّ عاملی،^۵ روایت شده است.

۱. کامل الزیارة، ص ۳۷.

۲. مشلیخ الثقلت، ص ۱۵۳.

۳. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۴۸-۲۵۱.

۴. بحار الأنوار، ج ۸، ص ۱۱۳ (چاپ سنگی).

۵. کامل الزیارة، ص ۳۰، مقدمه محقق.

شمار راویان در اسناد روایات کتاب کامل الزیارات، ۷۰۹ نفر است.^۱ از این تعداد، ۳۲ نفر مشایخ ابن قولویه اند.^۲ درباره وثاقت راویان کتاب یاد شده، در میان علمای رجال، اختلاف نظر وجود دارد. برخی چون شیخ حرّ عاملی و سید ابو القاسم خویی - در رأی اول خود -، همه راویان آن را اعم از مشایخ ابن قولویه و مشایخ مشایخ او تا معصوم، موثق دانسته اند.^۳ در مقابل، عده‌ای چون محدث نوری و سید ابو القاسم خویی - در رأی دوم - و برخی از شاگردان او مانند عرفانیان و سبحانی، تنها مشایخ مستقیم ابن قولویه را موثق دانسته اند.^۴ این اختلاف، از دو برداشت مختلف از ظاهر عبارت ابن قولویه در ابتدای کتاب، پدید آمده است که می‌گوید: این روایات را از طریق مشایخ «امامی ثقه و معروف به حدیث و علم»، از ائمه علیهم‌السلام نقل می‌کند.^۵ بر مبنای متأخر در تقسیم‌بندی حدیث، با مراجعه به منابع رجالی، معلوم می‌شود که از ۷۰۹ راوی کتاب کامل الزیارات، ۳۱۵ نفر توثیق شده‌اند، ۳۲۷ نفر مسکوت مانده‌اند، ۱۴ نفر تضعیف شده‌اند و ۲۵ نفر اختلافی اند.^۶

۲. المزار (مناسک المزار)

مؤلف: شیخ مفید

تحقیق: مدرسه الإمام المهدی علیه‌السلام

ناشر: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد (کنگره هزاره شیخ مفید)، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

در تحقیق کتاب، بر دو نسخه خطی اعتماد شده است: نسخه‌ای در کتابخانه

۱. مشایخ الثقات، ص ۱۲۳-۱۵۳.

۲. همان، ص ۱۲۲؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۵۱؛ کلیات فی علم الرجال، ص ۳۰۴؛ کامل الزیارات، ص ۱۲-۱۳ (مقدمه محقق).

۳. وسائل النجعة، ج ۲۰، ص ۶۷؛ معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۵۰.

۴. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۴۸-۲۵۱.

۵. بحار الأنوار (چاپ سنگی)، ج ۸، ص ۱۳ (به نقل از: خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۴۸).

۶. کامل الزیارات، ص ۳۰ (مقدمه جواد قیومی).

آستان قدس رضوی و نسخه‌ای در کتاب‌خانه مسجد جامع گوه‌رشاد در مشهد، که هر دو در سال ۹۵۷ ق، کاتب شده‌اند.^۱

از این کتاب، با سه عنوان المزار الصغیر^۲، مناسک المزار^۳ و المزار،^۴ یاد شده است. المزار، از کتاب‌های معروف شیخ مفید است و در بسیاری از کتاب‌های دعا و زیارات - مانند: کتاب المزار تهذیب الأحکام^۵ و مصباح المتهجد شیخ طوسی، المزار الکبیر ابن مشهدی، فرحة الغری سید عبد الکریم بن طاووس،^۶ المزار شهید اول، البلد الامین و المصلح کفعمی و بحار الأنوار - بر آن اعتماد شده است.

نسخه چاپی کتاب، شامل مقدمه محقق، دو مقدمه از مؤلف و سپس اصل کتاب است. در مقدمه محقق، به معرفی نسخه‌های خطی، شیوه تصحیح کتاب، شرح حال و جایگاه این تألیف، پرداخته شده است.

شیخ مفید در مقدمه آغازین دو قسمت المزار، به موضوع کتاب و ترتیب مطالب آن، اشاره کرده است. این کتاب در نوع خود، بی سابقه است. قسمت نخست المزار، درباره مناسک زیارت امیر المؤمنین علیه السلام و امام حسین علیه السلام است و قسمت دوم آن، درباره مناسک زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه علیها السلام، سایر ائمه علیهم السلام، و نیز قبور شهدا و شیعیان. نظم و سامان مطالب کتاب، این گونه است که ابتدا فضیلت و ارزش هر زیارت، با استناد به احادیث معصومان علیهم السلام روشن می‌گردد و سپس آداب، اذکار و چگونگی زیارت در مراحل و حالات مختلف، ذکر می‌شود.

به استناد دو مقدمه کتاب، شیخ مفید ابتدا مناسک زیارت امیر المؤمنین و امام

۱. المزار، ص ۱۳.

۲. رجال النجاشی، ص ۴۰۱.

۳. الإرشاد، ج ۲، ص ۱۳۴؛ معالم العلماء، ص ۱۴۹؛ محاسبه النفس، ص ۳۷؛ فرحة الغری، ص ۱۱۷.

۴. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۷.

۵. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱.

۶. فرحة الغری، ص ۱۱۷، ۱۳۸.

حسین (علیه السلام) را تألیف کرده و پس از آن که گویا مدتی فاصله افتاده، به تألیف قسمت دوم پرداخته است. وی اگرچه قسمت نخست را به اختصار نوشته، بر اختصار قسمت دوم تصریح کرده^۱ و گویا به همین جهت است که نجاشی، از آن به المزار الصغیر یاد کرده است.^۲ نیز شیخ مفید به فردی که مأمور گردآوری این بخش المزار بوده، متذکر شده است که آن را با جزء اول، یکی کند و به صورت یک کتاب درآورد.^۳ بنا بر این، عنوان «مناسک المزار» یا «المزار»، بر دو جزء مدوّن در یک مجلد، اطلاق شده است. برخی از کتاب شناسان، مانند سید اعجاز حسین^۴ و به تبع او آقا بزرگ تهرانی،^۵ خطبه ای را در آغاز المزار ذکر کرده اند که در نسخه چاپی وجود ندارد. آغاز این خطبه، چنین است:

يَا مَنْ جَعَلَ الْحُضُورَ فِي مَشَاهِدِ أَصْفِيَاءِهِ ذُرِيَةً إِلَى الْفَوْزِ بِدَرَجَاتٍ....^۶

گویا این خطبه، خطبه آغازین المزار شهید اول است که به اشتباه، به المزار مفید نسبت داده شده است.^۷ به هر حال، قسمت نخست این کتاب، در ۶۷ باب و قسمت دوم آن، در ۷۹ باب فراهم آمده است. از مطالب هر بخش، چنین می توان یاد کرد:

قسمت اول: فضیلت کوفه، مسجد کوفه، فضیلت نماز خواندن در کنار ستون هفتم مسجد کوفه، فضیلت مسجد سهله، فضیلت رود فرات، فضیلت غسل کردن در فرات و نوشیدن از آن، زیارت امیر المؤمنین (صلوات الله علیه)، فضیلت کربلا و جوب زیارت امام حسین (علیه السلام)، ثواب زیارت امام حسین (علیه السلام)، باب تمحیص و پاکسازی گناهان

۱. المزار، ص ۱۶۵.

۲. رجال النجاشی، ص ۴۰۱.

۳. المزار، همان جا.

۴. كشف الحجب و الأستار، ص ۵۰۲.

۵. الذریعة، ج ۲۰، ص ۳۲۵.

۶. الذریعة، ج ۲۰، ص ۳۲۵.

۷. المزار، ص ۲۴، مقدّمه محقق.

باز یارت امام حسین علیه السلام، فضیلت زیارت آن امام در چند هنگام - مانند: در اوّل و نیمه ماه‌های رجب و شعبان، شب عید فطر، روز عرفه، روز عاشورا، اربعین و... - زیارت علی بن حسین، زیارت عباس بن علی علیه السلام.

قسمت دوم: چند باب مختصر درباره: فضیلت زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله، شرح زیارت آن حضرت، فضیلت زیارت حضرت فاطمه علیها السلام، فضیلت زیارت ابو محمد امام حسن مجتبی علیه السلام، فضیلت زیارت سیدنا علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام، فضیلت زیارت سیدنا ابو الحسن موسی بن جعفر علیه السلام و ابو جعفر محمد بن علی بن موسی علیه السلام، فضیلت زیارت مولانا ابو الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام، فضیلت زیارت سیدین ابو الحسن علی بن محمد و ابو محمد حسن بن علی العسکریین علیه السلام، باب «زیارة جامعة لسائر الأئمة علیهم السلام»، باب ثواب حجّ و زیارت نیابتی همراه با مزد از طرف برادران دینی، باب فضیلت زیارت قبور شیعیان، باب النوادر.

مفید در کتاب المزار، حدود ۱۲۰ روایت را با اسناد کامل و گاه ناقص، از طریق جعفر بن قولویه قمی نقل کرده است. به قرینه نقل فراوان از ابن قولویه قمی، کتاب کامل الزیارات ابن قولویه، مهم‌ترین مصدر کتاب المزار شیخ مفید بوده است.

۳. مصباح المتعبد

مؤلف: شیخ طوسی

تحقیق: علی اصغر مروارید

ناشر: مؤسسه فقه الشیعه، بیروت، ۱۴۱۱ ق.

چند نسخه خطی از این کتاب موجود است: نسخه‌ای کهن در کتاب‌خانه آستان قدس رضوی (تاریخ تحریر: ۵۰۲ ق)، نسخه عنایه الله بن اشرف بن حبیب الله بن زین العابدین حسینی (به تاریخ: ۱۰۳۹ ق)،^۱ نسخه محمد باقر بن محمد مهدی مشهدی

(تاریخ: ۱۱۰۹ ق)، نسخه‌ای به تاریخ ۱۱۱۶ ق،^۱ و نسخه‌ای دیگر به قلم محمد هاشم بن شاه محمود (تاریخ تحریر: ۱۰۷۵ ق).^۲ این کتاب بارها در ایران و خارج از ایران، چاپ شده است.

کتاب مصباح‌المتجهّد، با همین عنوان در مصادر آمده است.^۳ شیخ طوسی یک بار کتاب مصباح‌المتجهّد را در حجم بسیار، تألیف کرد و سپس به تلخیص آن پرداخت. عنوان کتاب اصلی، مصباح‌المتجهّد فی عمل السنة الکبیر و عنوان نسخه مختصر آن، مختصر المصباح فی عمل السنة ذکر شده است.^۴ در منابع کتاب‌شناسی و حدیثی، بیشتر با سه عنوان رو به رو می‌شویم: مصباح‌المتجهّد، المصباح والمصباح الکبیر.^۵ محمد باقر مجلسی مانند شیخ طوسی، به هر دو عنوان اشاره کرده است.^۶ گویا شیخ طوسی این کتاب را در سال‌های پایانی عمر خود و در نجف تألیف کرده است؛ چراکه او در مقدمه کتاب، متذکر می‌شود که غرض اصلی در این اثر، ذکر دعاها و دعاهایی است که در کتاب‌های فقهی نیامده است.^۷ سید بحر العلوم، از عبارت یاد شده، همین مطلب را برداشت کرده است.^۸

کتاب مصباح‌المتجهّد، در زمینه اعمال واجب و مستحب در ایام سال و نیز دعا‌های هر روز، تألیف شده است. مطالب کتاب در یک مقدمه، احکام فقهی و اعمال و دعا‌های ایام سال، طبقه‌بندی شده‌اند. احکام فقهی کتاب، در دو مبحث طهارت (با

۱. همان، ج ۴، ص ۱۳۳.

۲. تراش، ص ۲۶، ۱۲۹: الذریعة، ج ۸، ص ۱۷۷؛ ج ۲۰، ص ۲۰۹؛ فهرس التراث، ج ۱، ص ۵۳۲؛ ج ۹، ص ۲۳۳.

۳. الفهرست، طوسی، ص ۲۴۱؛ معالم العلماء، ص ۱۵۰.

۴. الفهرست، طوسی، همان جا.

۵. معالم العلماء، همان جا؛ الإقبال، ج ۱، ص ۱۷۷، ۱۹۹؛ ج ۲، ص ۲۷، ۳۴؛ الجواهر السنية، ص ۳۴۸؛ وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۸۳۴، ۷۴۲.

۶. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۷.

۷. مصباح‌المتجهّد، ص ۴.

۸. الفوائد الرجالية، ج ۳، ص ۲۳۳.

تکیه بر اغسال واجب و مستحب) و نماز (با تکیه بر نمازهای واجب و مستحب یا نوافل)، خلاصه شده است. قسمت اعظم مطالب کتاب، اعمال و دعاهاست که مؤلف با عنوان اعمال هفته، اعمال جمعه، دعاهای هفته، ادعیه مربوط به ماه‌های رمضان، ذو قعدة، ذو حجه، محرم، صفر، رجب و شعبان، به بیان آنها پرداخته و با ذکر دعای حضرت خضر علیه السلام، کتاب را به پایان رسانده است.

روایات کتاب، مرسل و گاه با اسناد کامل نقل شده‌اند. این کتاب با اعتنا و اعتماد علمای شیعه در سده‌های مختلف مواجه شد و برخی به تلخیص، شرح و ترجمه آن پرداختند. از جمله این کارها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

الف - تلخیص: قَبَسُ المصباح صهرشتی، معاصر و شاگرد شیخ طوسی؛^۱ الإختیار من المصباح الکبیر، از سید علی بن حسان بن باقی قرشی، معاصر سید بن طاووس؛^۲ منهاج الصلاح فی إختیار المصباح، علامه حلی؛^۳ مختصر المصباح سید عبد الله شبر.^۴

ب - شرح: شرح فاضل مقداد سیوری (م ۸۲۶ ق)؛ دو شرح مفصل و مختصر، از شیخ خضر رازی نجفی، شاگرد میر سید شریف جرجانی (م ۸۳۸ ق)؛ یکی با نام جامع الذرر و دیگری مفتاح الغرر؛ شرح ابن ابی جمهور احسایی (م پس از ۹۰۱ ق) با عنوان معین الفكر و شرح آن با عنوان معین المعین؛ شرح مختصر مصباح المتعبد، از سید علی حسینی نجفی که قاضی نور الله در کتاب المجالس و نراقی در کتاب الخزان، از آن نقل کرده‌اند؛ شرح عبد الوحید بن نعمت الله استرآبادی، شاگرد شیخ بهایی (م پس از ۱۰۲۵ ق) به نام فتح الباب؛ شرح حاج میرزا علی تبریزی (م ۱۳۴۵ ق).

۱. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۸۰؛ الذریعة، ج ۱۷، ص ۲۹ - ۳۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۸؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۸۰؛ الذریعة، ج ۱، ص ۳۶۴.

۳. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۸۰؛ الذریعة، ج ۳، ص ۵.

۴. الذریعة، ج ۲۱، ص ۱۱۸.

ز - ترجمہ

ترجمہ ای متعلق بہ سال ۱۰۸۶ ق، از مترجمی ناشناختہ؛^۱ ترجمہ سید علی امامی اصفہانی، معاصر صاحب ریاض؛ ترجمہ شیخ عباس قمی.^۲

افزون بر این همه، ابن طاووس نیز بہ تکمیل کتاب مصباح المتہجد شیخ طوسی پرداخت و با استفادہ از دیگر منابع دعایی - کہ بیشترشان از اصول قدیمی بودند - آن را در دہ مجلد با عناوین مختلف، افزایش داد و مجموع آن را در مهمات المتعبد و تمتات مصباح المتہجد نام گذاشت.^۳

کتاب مصباح المتہجد، از مصادر مهم کتاب های دعایی نیز ہست.^۴

ح - متون فقہی

۱. دعائم الإسلام

مؤلف: قاضی نعمان مغربی

تحقیق: آصف بن علی اصغر فیضی

ناشر: دار المعارف، قاہرہ، مؤسسۃ آل البیتؑ، ۱۳۸۳ ق.

در تحقیق این کتاب، از ہشت نسخہ خطی استفادہ شدہ است، کہ کهن ترین آنها در سال ۹۶۱ ق، نوشتہ شدہ است.^۵ این کتاب با ہمین عنوان، در برخی از مصادر متأخر، در شمار تألیفات قاضی نعمان ذکر شدہ^۶ و از مصادر برخی کتاب های حدیثی و فقہی است، مانند: بحار الأنوار، مستدرک الوسائل و جواهر الکلام.^۷ انتساب دعائم الإسلام

۱. همان، ج ۴، ص ۱۳۶.

۲. ر.ک: الاستبصار، ج ۱، ص ۳۲-۳۳ (مقدمہ محقق).

۳. فلاح السائل، ص ۶.

۴. از آن جملہ: الإقبال، ابن طاووس؛ البلد الأمين و المصباح، کفعمی؛ وسائل الشیعہ؛ الجواهر السنیۃ و الفصول المهمہ، شیخ حر عاملی؛ بحار الأنوار؛ وسائل الشیعہ؛ مستدرک الوسائل، نوری.

۵. دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۴-۱۷، مقدمہ محقق.

۶. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۶؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۴۷.

۷. معجم رجال الحدیث، ج ۲۰، ص ۱۸۵.

به قاضی نعمان، معروف است البته به گزارش محمد باقر مجلسی، این کتاب به شیخ صدوق نیز نسبت داده شده؛ ولی سخن او، اشتباه است و به سبب تشابه در عنوان بوده است.^۱ با این حال، اعتبار و جایگاه ارزشی دعائم الإسلام، محکم و بدون تردید نیست. محمد باقر مجلسی و میرزا حسین نوری، آن را معتبر دانسته‌اند و در برابر، صاحب جواهر و سید ابو القاسم خویی، در اعتبار آن تردید کرده‌اند.^۲

نسخه چاپی کتاب دعائم الإسلام، در دو مجلد، شامل مقدمه محقق کتاب و اصل است. مقدمه محقق، این مطالب را در بر دارد: شرح حال مؤلف، اشاره به موضوع تألیف و سامان و ترتیب کتاب، و معرفی نسخه‌های خطی آن اصل کتاب، در دو بخش فراهم آمده است: بخش نخست، حاوی مباحث نظری ناظر به عقاید و فقه عبادی است و بخش دوم، درباره معاملات است.

کتاب دعائم الإسلام، با الهام مستقیم از روایت معروف به دعائم سبعة (منسوب به امام صادق علیه السلام) تألیف شده است. در این حدیث، اساس اسلام هفت چیز دانسته شده و از همین روست که قاضی نعمان در کتاب یاد شده، به تبیین این هفت پایه - شامل: ولایت، طهارت، نماز، حج، جهاد، روزه و زکات - پرداخته است. البته او دامنه مباحث را از این هفت امر، فراتر برده و در آغاز بخش یا جزء نخست کتاب - که به دعائم سبعة اختصاص دارد - مطالبی را از باب ضرورت و اهمیت، درباره ایمان مطرح کرده است؛ از جمله: تعریف ایمان، اهمیت ایمان، تفاوت ایمان و اسلام و... در جزء دوم، به موضوع معاملات پرداخته و در این مبحث، ۲۵ کتاب را ذکر کرده است.

در جزء اول که درباره عبادت است، این مطالب آمده است: الإیمان (مطابق آموزه‌های مذهب فاطمی)، الطهارة، الصلاة - که شامل جنائز نیز می‌شود - الزکاة، الصوم، الحج، الجهاد. این هفت چیز، دعائم هفتگانه شناخته می‌شوند. مطالب جزء

۱. بحار الأنوار، همان جا.

۲. معجم رجال الحديث، همان جا.

دوم که درباره معاملات است، عبارت‌اند از: کتاب البیوع، کتاب الایمان و النذور، کتاب الأطعمة، کتاب الأشربة، کتاب الطب، کتاب اللباس، کتاب الصيد، کتاب الضحایا و العقائق، کتاب النکاح، کتاب الطلاق، کتاب العتق، کتاب العطایا، کتاب الوصایا، کتاب الفرائض، کتاب الدیات، کتاب الحدود، کتاب السراق، کتاب الردّة و البدعة، کتاب الغصب، کتاب العاریة، کتاب اللقطة، کتاب القسمة و البنیان، کتاب الشهادات، کتاب الدعوی، کتاب آداب القضاة.

قاضی نعمان به دلیل عرضه روایات کتاب بر خلیفه وقت، آن را صحیح و بی‌نیاز از ذکر سند دانسته است.^۱ همه روایات کتاب، از طریق امام صادق علیه السلام نقل شده‌اند. مقایسه روایات کتاب دعائم الإسلام با کتاب پیش گفته (الجعفریات محمد بن محمد بن اشعث کوفی)، نشان از مشابهت‌های فراوان دارد. این مشابهت‌ها، این حدس را در ذهن تقویت می‌کند که قاضی نعمان از کتاب الجعفریات، بسیار استفاده کرده است.^۲

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه

مؤلف: شیخ صدوق

تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری

ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی (انتشارات جامعه مدرّسین)، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق (در چهار مجلد).

در تحقیق کتاب، از سیزده نسخه خطی استفاده شده است، که عبارت‌اند از: ۱. نسخه میرزا ابو الحسن شعرانی، حاوی اجازه شیخ حر عاملی به خط خودش، برای محمد ابراهیم بن محمد نصیر؛ ۲. نسخه کتاب‌خانه سید محمد باقر سبزواری، (تاریخ کتابت: ۱۰۷۴ ق)؛ ۳. نسخه تصحیح شده حسن حسن‌زاده آملی (به تاریخ

۱. همان، ص ۲؛ شرح الأخبار، ج ۱، ص ۸۷.

۲. خانمہ مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۴۲.

۱۰۷۵ ق؛ ۴. نسخه شیخ حسن مصطفوی (به تاریخ ۱۰۳۰ ق)؛ ۵. نسخه سید موسی زنجانی (به تاریخ ۱۰۵۷)؛ ۶ و ۷. دو نسخه در کتاب‌خانه شیخ حسین مقدس (یکی به تاریخ ۱۱۰۱ ق، و دیگری ۱۰۷۳ ق)؛ ۸ و ۹. دو نسخه متعلق به محمد کاظم مدیر شانه‌چی (یکی به تاریخ ۱۰۹۷ ق و دیگری ۱۰۶۵ ق)؛ ۱۰. نسخه کتاب‌خانه سید ابو الحسن مرتضوی موسوی (به تاریخ ۱۰۹۲ ق)؛ ۱۱. نسخه سید علی احمدی تهرانی (به تاریخ ۱۰۱۳ ق)؛ ۱۲. نسخه کتاب‌خانه شیخ عبد الرحیم ربّانی (به تاریخ ۱۱۰۱ ق) و ۱۳. نسخه دیگری از آن سید موسی زنجانی (به تاریخ ۱۰۸۸ ق) که پس از تصحیح جلد اول، در اختیار مصحح قرار گرفته است.^۱

این کتاب بارها در ایران و خارج از ایران، با تحقیق سید حسن موسوی خراسان و یا علی اکبر غفاری، چاپ شده است.

شیخ صدوق عنوان کتاب من لا یحضره الفقیه را با الهام از کتاب من لا یحضره الطیب محمد بن زکریای رازی،^۲ برای کتاب خود، برگزید^۳ و در مصادر کتاب‌شناسی نیز

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۹-۲۲، مقدّمه مصحح.

۲. این، همان نکته‌ای است که شیخ صدوق، خود، در وجه نام‌گذاری این کتاب مطرح کرده است. این وجه نام‌گذاری و نیز معنای روشن و هدفمندی که از عبارت «کتاب من لا یحضره الفقیه» به دست می‌آید، به خوبی و به صراحت نشان می‌دهند که واژه «کتاب» نیز بخشی از نام این اثر است. با این حال، شاید به علت همسان پنداشتن این عنوان با دیگر عناوین - که هر چند واژه «کتاب» در آغازشان فراوان به کار می‌رود، ولی بخشی از عنوان علم شده (اسم خاص) به شمار نمی‌آید -، یا برای کوتاه کردن این نام دراز، غالباً نام این کتاب را «من لا یحضره الفقیه» ذکر می‌کنند. هر چند شهرت این کتاب و منحصر به فرد بودن نامش، جلوی هر اشتباهی را می‌گیرد، به دلایلی که اینک مجال بازگویی‌اش نیست، شایسته و حتی بایسته است که نام هر کتابی را کامل بگوییم و اگر نیاز یا میلی به اختصار هست، از ذکر واژگان پایانی عنوان صرف‌نظر کنیم، نه این که واژه آغازین آن را بیندازیم یا دیگرگون سازیم.

نکته دیگر این که در بسیاری از متون فقهی که پیایی از این کتاب نام برده‌اند، عنوان اختصاری «الفقیه» نیز فراوان به کار رفته است. بر پایه آنچه گذشت، شایسته می‌دانیم که این عنوان را نیز به کار نبریم؛ هر چند بر اهل فن، لازم است که با همه گونه‌های تغییر یافته عنوان کتاب آشنا باشند؛ به ویژه به توجه به رواج تغییر یا ترخیم یا تلخیص عناوین کتب، در میان پیشینیان، از یک سو، و اقتضات گریزناپذیر پژوهش در روزگار کنونی، از

سوی دیگر. (ویراستار)

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲.

همین عنوان ذکر شده است.^۱ انتساب این کتاب به شیخ صدوق، معروف بلکه متواتر است.^۲

نسخه چاپی کتاب من لا یحضره، شامل مقدمه محقق، مقدمه مؤلف و سپس اصل کتاب است. در مقدمه محقق، پس از شرح حال شیخ صدوق و آثار وی، به جایگاه کتاب من لا یحضره الفقیه و معرفی نسخه‌های خطی آن، پرداخته شده است. مقدمه مؤلف، به انگیزه تألیف، محل تألیف، ویژگی‌های روایات کتاب و مصادر آن، اختصاص دارد. بر پایه این مقدمه، شیخ صدوق در سفر به ماوراء النهر - که از آن جابه «بلاد غربت» یاد کرده - به سرزمین بلخ از توابع ایلاق می‌رسد و در آن جا با شخصی به نام محمد بن حسن بن اسحاق بن (حسن) حسین بن اسحاق بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب دیدار می‌کند. شیخ صدوق بر این شخص - که از او به «شریف الدین ابو عبدالله، معروف به نعمت» یاد کرده، وارد می‌شود و به مذاکره و گفتگو با وی می‌پردازد. در وی صفات پسندیده بسیاری - چون: آرامش، وقار، عفاف، تقوا و ستر و صلاح - می‌یابد و از همین ره‌گذر، اقامتش در بلخ، با سرور و نشاط و آرامش همراه می‌گردد. ابو عبد الله نعمت، پیشنهاد تألیف کتابی را به صدوق می‌دهد که جامع روایات قابل اعتماد در فقه و حلال و حرام و شرایع و احکام، و به سبک و سیاق کتاب من لا یحضره الطیب محمد بن زکریای رازی باشد. شیخ صدوق متذکر شده است که همه ۲۴۰ کتابی را که تا آن هنگام تألیف کرده بوده، و نیز کتاب من لا یحضره الفقیه را بر ابو عبد الله نعمت قرائت کرده است.^۳

مؤلف در باره این کتاب، سه مطلب مهم را گوشزد کرده است: یکی آن که اسانید روایات را با هدف کوتاه‌تر و سودمندتر ساختن کتاب، حذف کرده است. دوم آن که وی بر آن بوده است که روایات صحیح و شایسته برای فتوای را - که حجت بین او و خدا شمرده می‌شوند - ذکر نماید. و سوم، این که شیخ صدوق در اشاره به مصادر مهم

۱. الفهرست، طوسی، ص ۲۳۸؛ خلاصه الاثقال، ص ۴۸.

۲. الفوائد الرجالية، ج ۳، ص ۲۹۹.

۳. همان، ج ۱، ص ۲.

کتاب، متذکر شده است که این روایات را از کتاب‌های مرجع مشهور و شایان اعتماد، فراهم آورده است؛ مانند: کتاب حریز بن عبد الله سجستانی، کتاب عبید الله بن علی حلبی، کتب علی بن مهزیار اهوازی، کتب حسین بن سعید، نوادر احمد بن محمد بن عیسی، کتاب نوادر الحکمة ی محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری، کتاب الرحمة ی سعد بن عبد الله، جامع محمد بن حسن ولید - که رضوان خدا بر او بادا -، نوادر محمد بن ابی عمیر، محاسن احمد بن ابی عبد الله برقی و رسالته‌ی پدرش برای او - که رضوان خدا بر او بادا -، و نیز اصول و مصنفات دیگری که طریق وی به آنها، در فهرست کتاب‌هایی که او از مشایخ و پیشینیانش روایت کرده، معروف است.^۱

اصل کتاب من لایحضره الفقیه، شامل ابواب یا همان کتاب‌های فقهی و مشیخه کتاب است. شمار کتاب‌ها و مسائل فقهی به اختلاف، ۶۶۶، ۶۲۶ و ۵۶۶ ذکر شده است. جلد اول، دارای ۸۷ باب، جلد دوم ۲۲۸ باب، جلد سوم ۷۸ باب و جلد چهارم، دارای ۱۷۳ باب است. شمار احادیث منقول در هر باب نیز چنین گزارش شده است: جلد اول ۱۵۸۱ حدیث، جلد دوم ۱۶۳۷ حدیث، جلد سوم ۱۸۰۵ حدیث، و جلد چهارم ۹۰۳ حدیث.^۲ شمار مسانید جلد اول، ۷۷۷ حدیث و مراسیل آن ۸۰۴ حدیث، مسانید جلد دوم ۱۰۶۴ حدیث و مراسیل آن ۵۷۳ حدیث، مسانید جلد سوم ۱۲۹۵ حدیث و مراسیل آن ۵۱۰ حدیث، و مسانید جلد چهارم ۷۷۷ حدیث و مراسیل آن ۱۲۶ حدیث.^۳ در مجموع چهار جلد، ۳۹۱۳ حدیث مسند و ۲۰۵۰ حدیث مرسل نقل شده و مجموع احادیث کتاب، ۵۹۲۶ حدیث است.^۴

عنوان نخستین باب کتاب من لایحضره الفقیه، «کتاب الطهارة» است که با مسئله آب‌ها آغاز می‌شود، و «کتاب الإرث» نیز پایان‌بخش کتاب است. عنوان دیگر باب‌های فقهی این کتاب، بدین شرح است: نماز، زکات، خمس، روزه، حج، قضاوت،

۱. همان، ص ۳-۴.

۲. علل لتراجم، ج ۱، ص ۳۱-۳۲، مقدمه محقق.

۳. همان.

۴. همان.

شهادات، عتق، بیع، صید، لُقْطه، ذین، خوردن و آشامیدن، سوگند، کفّارات، نکاح، طلاق، حدود، دیات، و وصیت. ترتیب و رده‌بندی این کتاب‌ها و مسائل مطرح در هر کدام، گویای سامان دهی معناداری است که در نوع خود، ابتکاری به نظر می‌رسد. گستره این مسائل، به ترتیب، از حیات و زندگی تا مرگ است. گویی چون حیات با آن شروع می‌شود، نخستین مسئله را حکم آبها و انواع نجس و پاک آن قرار داده و آخرین مسئله را وصیت - که به مرگ مربوط است - و پس از آن، درباره ارث سخن گفته است. به هر روی، شیخ صدوق به مناسبت‌های گوناگون، به مسائل دیگری نیز پرداخته است که جنبه فقهی ندارند و در چارچوب اصطلاحی فقه جای نمی‌گیرند. برای نمونه، در ذیل بحث نمازهای شبانه روزی و تعداد آنها، احادیث «رَدّ الشمس» را آورده و به بحث در این باره پرداخته است؛ در حالی که این موضوع، جنبه کلامی دارد. وی به چند حدیث اشاره کرده که بر پایه آنها رَدّ الشمس برای سلیمان نبی، برای یوشع بن نون و برای علی بن ابی طالب علیه السلام رخ داده است.^۱ نیز به مناسبت بحث حج و زیارت خانه خدا، به موضوع زیارت پرداخته و نزدیک به چهل صفحه را به آن اختصاص داده است.^۲ وی پس از بحث زیارات، دو باب دیگر آورده است که جنبه اخلاقی دارند؛ یکی «باب الحقوق»^۳ و دیگری «باب الفروض علی الجوارح».^۴ وی در پایان مسائل وصیت نیز «باب النوادر» را - که از آن، به باب آخر کتاب یاد کرده - به مواظ و وصایای اخلاقی اختصاص داده است.^۵

شیخ صدوق در پایان کتاب من لا یحضر الفقیه، بی‌درنگ به معرفی طریق خود به صاحبان اصول و مصنفات پرداخته و این بخش را «مشیخه» نامیده است. گویا وی با این کار، قصد داشته حذف اسانید را جبران کند؛ اتفاقی که در کتاب افتاده بود و برای

۱. کتاب من لا یحضر الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۲-۲۰۳.

۲. همان، ج ۲، ص ۵۷۲-۶۰۹.

۳. همان، ج ۲، ص ۶۱۸-۶۷۶.

۴. همان، ج ۲، ص ۶۷۶ تا پایان آن.

۵. همان، ج ۴، ص ۳۵۲-۴۷۰.

آن به عنوان کتاب مرجع، نقص شمرده می‌شد. برای نمونه، نخستین طریقی که ذکر کرده، چنین است:

احادیثی که در این کتاب، از عمار بن موسی سابطی آمده است، همگی از طریق علی بن بابویه (پدر مؤلف) و محمد بن حسن بن احمد بن ولید - که رضوان خدا بر هر دو باد! -، از سعید بن عبدالله، از احمد بن حسن علی بن فضال، از عمرو بن سعید مدائنی، از مصدق بن صدقه، از عمار بن موسی سابطی نقل شده است.^۱

در پایان مشیخه آمده است:

تَمَّتْ أَسَانِيدُ كِتَابِ مَنْ لَا يَحْضَرُ الْفَقِيهَ، بِحَمْدِ اللَّهِ وَ مَنِّهِ. وَ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.^۲

بر اساس برخی از نسخه‌های خطی من لا یحضره الفقیه، پس از عبارت «تَمَّتْ أَسَانِيدُ كِتَابِ...»، این عبارت نیز آمده است:

وَذَلِكَ فِي ذِي الْقَعْدَةِ مِنْ سَنَةِ اثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ وَ ثَلَاثُمِئَةٍ.^۳

بر این اساس و با لحاظ سال ورود شیخ صدوق به بلخ (۳۶۸ ق) و با توجه به این‌که وی تنها یک بار به آن دیار رفته و در آن جا ۲۴۵ کتابش را بر ابو عبد الله نعمت خوانده است، معلوم می‌شود که تألیف این کتاب من لا یحضره الفقیه، چهار سال طول کشیده است.

پایان بخش کتاب در نسخه چاپی، بخشی است به قلم محقق آن، به شرح و توضیح اصطلاحات کلامی مطرح در مشیخه پرداخته است. این اصطلاحات، عبارت‌اند از: فَطْحِي، ناووسی، کیسانی، واقعی، زیدی، جارودی، بتری، غالی، حروری، قَدْرِي،

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۲.

۲. همان، ج ۴، ص ۵۳۸.

۳. همان، ج ۴، ص ۵۴۰، محقق کتاب.

مُرجی، مُفَوَّضه، و معنای «مولی» و «مرتفع».^۱

این کتاب، بویژه قسمت‌های فقهی آن، از سده پنجم، با اعتنا و اعتماد فقها و علمای رجال مواجه گردید.^۲ کتاب من لا یحضره الفقیه پس از الکافی کلینی، دومین کتاب حدیثی معتبر و مرجع در میان امامیه شناخته می‌شود. با این حال، جای این پرسش هست که این کتاب، از کی به عنوان یکی از «کتب اربعه» مطرح شد؟ گویا اصطلاح «کتب اربعه»، از سده دهم پدید آمد؛^۳ پس از آن که محقق کرکی (م ۹۴۰ ق)، این کتاب و سه کتاب الکافی، التهذیب والاستبصار را اصول مورد قبول در میان فقهای امامیه خواند.^۴ پس از او، شیخ حسین عبد الصمد پدر شیخ بهایی (م ۹۵۴ ق)، چهار کتاب یاد شده را افزون بر کتاب مدینه العلم شیخ صدوق، پنج اصل و کتاب معتبر شیعه توصیف کرده است.^۵ در سده یازدهم و دوازدهم، با شکل‌گیری کتاب‌هایی چون الوافی فیض کاشانی (م ۱۰۹۳ ق)، وسائل الشیعه شیخ حرّ عاملی (م ۱۱۰۶ ق) و بحار الأنوار علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ ق)، عنوان «کتب اربعه» شایع و رایج شد. درباره علت گزینش این چهار کتاب به عنوان کتب معتبر و مرجع شیعه، در لابه لا و ظاهر و نص عبارات محدثان و فقهای سده‌های یاد شده، چهار وجه امتیاز مشترک دیده می‌شود:

یکم: ویژگی‌های فردی و شخصیتی مؤلف هر یک از این چهار کتاب.^۶

دوم: معروف و متواتر بودن انتساب این کتاب‌ها به مؤلفان آنها.^۷

۱. همان، ج ۴، ص ۵۴۱-۵۵۲.

۲. رسائل السید المرتضی، ج ۱، ص ۱۷۶؛ الرازی، ج ۲، ص ۳۷۳، ۵۲۹، ۵۳۲؛ ج ۳، ص ۶۱۵-۶۲۴؛ کشف المحجّه ابن طائوس، ص ۱۲۲-۱۲؛ المعبر، محقق حلی، ج ۱، ص ۴۲، ۴۵، ۱۹۱؛ الفوائد لرجالی، ج ۳، ص ۲۹۹ و....

۳. منتقى الجمان، ج ۱، ص ۲.

۴. رسائل الکرکی، ج ۳، ص ۴۶.

۵. منتقى الجمان، ج ۱، ص ۲.

۶. الفوائد لرجالی، ج ۳، ص ۲۹۹.

۷. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۶.

سوم: شهادت مؤلف هر کتاب، به صحت روایات آن کتاب.^۱
چهارم: جامعیت فقهی آنها.^۲

با نظر به وجوه چهارگانه یاد شده، سید بحر العلوم به صحت روایات کتاب من لا یحضره الفقیه، تصریح می‌کند و با انتساب همین عقیده به صاحب معالم، متذکر می‌شود که اصحاب ما، بر نقل اقوال شیخ صدوق، اجماع دارند و دیدگاه او را در مسائل اجماعی و اختلافی، به دیده اعتبار می‌نگرند و قول وی را در توثیق و تعدیل راویان، می‌پذیرند و به طور خاص، بر کتاب من لا یحضره الفقیه او اعتماد می‌کنند. سید بحر العلوم با استناد به قوت حفظ و حسن ضبط شیخ صدوق، تثبیت او در روایت و ضمانت، وی به صحت روایات کتاب من لا یحضره الفقیه، این کتاب را بر سه کتاب دیگر از کتب اربعه، مقدم دانسته است.^۳

قسمت مشیخه کتاب من لا یحضره الفقیه - که در صفحات پیش، درباره اش سخن رفت -، یک منبع مهم و ارزشمند رجالی است. از سده هشتم، علامه حلی و به تبع او ابن داود، در کتب رجالی خود، به بحث درباره رجال مشیخه صدوق پرداختند. در سده یازدهم، این بحث تحت عنوان عنوان‌های گوناگونی چون شرح یا تعلیقه و حاشیه بر کتاب من لا یحضره الفقیه و یا بر مشیخه و یا رجال کتب اربعه، دنبال شد. یکی از مباحث مهم که در برخی از این کتاب‌ها به خوبی به آن پرداخته شده، مراسیل کتاب من لا یحضر و اعتبار آنهاست. مراد تفرشی، شاگرد علامه مجلسی و سید حسین خوانساری، افزون بر تألیف کتاب نقد الرجال - که درباره رجال کتب اربعه است -، شرحی نیز بر کتاب من لا یحضره الفقیه نگاشت که به التعلیقه السجّادیه معروف است.^۴ وی از ۵۹۶۳ حدیث کتاب من لا یحضره الفقیه، ۲۰۵۰ حدیث را مرسل ذکر کرده و همین

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۶۶؛ نقد الرجال، ج ۵، ص ۴۱۵.

۲. متقی الجمان، ج ۱، ص ۲.

۳. الذریعه، ج ۱۴، ص ۹۴.

۴. الذریعه، ج ۱۴، ص ۹۴.

رقم را محدّث بحرانی نیز با تفکیک مجلّدات کتاب، به صورت نموداری ترسیم نموده است.^۱ تفرشی متذکّر می‌شود که دو دسته از روایات این کتاب، تحت عنوان مرسل جای می‌گیرند:

دسته اوّل: روایاتی که در آنها، اسم راوی اصلاً ذکر نشده است و مثلاً شیخ صدوق به صورت مجهول، گفته: «رُوی» و یا گفته است: «قال الصادق علیه السلام...».

دسته دوم: روایاتی که نام راوی و صاحب اصل یا کتاب منبع، در سندشان آمده، ولی طریق مؤلف به آنها ذکر نشده است.^۲

در میان علمای رجال تا اواخر سده چهاردهم، ظاهراً اعتبار و صحّت روایات مسند کتاب من لا یحضره الفقیه، مسلّم گرفته می‌شده و تنها اختلافی که وجود داشته، درباره اعتبار یا عدم اعتبار مراسیل آن بوده است. سید بحر العلوم با تعبیر «قیل»، متذکّر شده است که:

مراسیل شیخ صدوق در الفقیه، از نظر حجّیت و اعتبار، مانند مراسیل ابن ابی عمیر است.

و بعد افزوده که این، از امتیازات خاصّ این کتاب است.^۳ پیش از سید بحر العلوم، صاحب معالم،^۴ شیخ بهایی،^۵ شیخ حرّ عاملی،^۶ مراد تفرشی^۷ و پس از او، محدّث نوری^۸ نیز این عقیده را ابراز کرده‌اند. در سده پانزدهم، سید ابو القاسم خویی^۹ و به

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، مقدّمه خراسان، ص «اض».

۲. همان جا.

۳. همان جا.

۴. الفوائد الرجالیة، ج ۳، ص ۲۹۹.

۵. کتاب من لا یحضره الفقیه، مقدّمه خراسان، ص «اض».

۶. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۶۲.

۷. کتاب من لا یحضره الفقیه، مقدّمه خراسان، ص «اض».

۸. خانمة مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۶.

۹. معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۹۴.

تبع او، جعفر سبحانی^۱ و محمد باقر بهبودی^۲ با نقد دیدگاه سنتی در اعتبار همه احادیث کتاب من لایحضره الفقیه، نه تنها مراسیل آن را صحیح ندانسته‌اند، که نسبت به صحت برخی از مسانید آن نیز تردید کرده‌اند.

بر محور اصل کتاب من لایحضره الفقیه و یا مشیخه آن، نوزده شرح، بیست حاشیه، شش ترتیب، دو گزیده و تهذیب، یک ترجمه و چندین پژوهش انجام گرفته است.^۳ برخی از این کارها که چاپ شده‌اند، عبارت‌اند از: دو شرح - که یکی عربی است، با عنوان روضة المتقین در شش مجلد، و دیگری فارسی، با عنوان اللوامع القدسیة یا لوامع صاحب‌قرانی - هر دو از محمد تقی مجلسی (م ۱۰۷۰ ق)؛ شرح میرزا حسین نوری بر مشیخه، که در مجلد چهارم و پنجم خاتمه مستدرک الوسائل آمده است؛ شرح سید حسن موسوی خراسان بر مشیخه، که در پایان مجلد چهارم کتاب من لایحضره الفقیه آمده؛ تهذیب کتاب من لایحضره الفقیه به دست محمد باقر بهبودی، با عنوان صحیح الکافی؛ و کتابی با عنوان التنبيه على غرائب من لایحضره الفقیه، از شیخ مفلح بن حسن صمیری که برخی از فتاویٰ مخالف اجماع شیخ صدوق و نیز مسائل متروک از پیشینیان و پسینیان را در این کتاب گرد آورد.^۴

۳. المَقْنَع

مؤلف: شیخ صدوق

تحقیق: مؤسسه الهادی علیه السلام

ناشر: مؤسسه الإمام الهادی علیه السلام، قم، ۱۴۱۵ ق.

۱. کلیات فی علم الرجال، ص ۸۹.

۲. گزیده کتاب من لایحضره الفقیه، ص ۱۲.

۳. کتاب من لایحضره الفقیه، مقدمه خراسان، همان جا؛ الذریعة، ج ۱۴، ص ۶۶-۹۴؛ علوم حدیث، ش ۳۲، ص ۲۰۹-۲۱۷.

۴. الذریعة، ج ۴، ص ۴۳۸؛ کتاب من لایحضره الفقیه، مقدمه خراسان.

در تحقیق کتاب، افزون بر چهار نسخه خطی به عنوان نسخه اساسی، از سه نسخه کمکی نیز استفاده شده است. کهن ترین نسخه از آن میان، در سال ۱۱۴۵ ق، کتابت شده و در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می شود.^۱

این کتاب بارها چاپ شده است؛ از جمله، در سال ۱۲۷۴ ق، در تهران، همراه با *فقه الرضای*.^۲

کتاب المقنع، با همین عنوان در مصادر آمده^۳ و انتساب آن به شیخ صدوق، معروف و بلکه متواتر است. این کتاب، افزون بر کتاب های حدیثی همچون بحار الأنوار، وسائل الشیعة و مستدرک الوسائل، از مصادر کتاب های فقهی بسیاری نیز به شمار آمده است؛ مانند: المعبر محقق حلی، الأشباه والنظائر یحیی بن سعید حلی، کشف الر موز فاضل آبی، مختلف الشیعة ی علامه حلی، والذکری ی شهید اول.^۴

کتاب المقنع، یک دوره کامل اما مختصر فقه، از طهارت تا دیات است. مسائل مطرح در این کتاب، متون روایاتی است که با اسناد کامل، در اختیار شیخ صدوق بوده و وی برای استفاده آسان عموم، اسانید آنها را حذف کرده است.^۵ وی همچنین، برای اعتمادسازی بیشتر نسبت به درستی و اعتبار روایات کتاب، تصریح کرده است که این روایات را از کتب و اصول مشایخ حدیث، گرد آورده است. وی این مشایخ را به دو وصف فقاقت و دانشوری، ستوده است.^۶ به همین جهت، اکثر فقها و محدثان شیعه، متن المقنع را هم سنگ حدیث دانسته اند و با تعبیراتی همچون «نص منقول»،

۱. المقنع، ص ۷-۸، مقدمه محقق.

۲. تراننا، ص ۳۲، ج ۲۱۱، ص ۴۸، ص ۴۷۸.

۳. رجال النجاشی، ص ۳۸۹؛ الفهرست، طوسی، ص ۲۳۷؛ معالم العلماء، ص ۱۴۹؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۲۴۷.

۴. المعبر، ج ۱، ص ۵۷، ۶۵، ۱۰۳، ۲۳۰؛ الأشباه والنظائر، ص ۱۰، ۱۱، ۱۸؛ کشف الر موز، ج ۱، ص ۱۰۱، ۱۴۰.

۵. مختلف لشیعة، ج ۱، ص ۱۹۵، ۳۵۰؛ ج ۲، ص ۲۲۴؛ الذکری، ص ۳۴، ۳۸، ۳۴۲.

۵. المقنع، ص ۵.

۶. همان.

«خبر مأثور»^۱، «اصول و مسائل متلقات»^۲ و «فقه منصوص»^۳، از آن یاد کرده‌اند.^۴ شیخ حرّ عاملی به نقل متونی که شیخ صدوق از آنها به حدیث یا روایت تعبیر کرده، بسنده نموده و دیگر متون را کلام خود شیخ، به شمار آورده است.^۵ موضع میرزا حسین نوری - که تا حدّی افراطی است -، چنین است که نه تنها همه عبارات المقنع را خود روایت به شمار آورده، که روایات آن را صحیح (به معنای اخصّ آن نزد متأخرین) دانسته و مجموع کتاب را از این حدیث، برتر از کتاب من لایحضره الفقیه توصیف کرده است. سرچشمه این برداشت، همان عبارت پیش گفته شیخ صدوق در ابتدای المقنع^۶ است. به عقیده میرزا حسین نوری، از آن کلام شیخ صدوق، می‌توان چهار نتیجه به دست آورد:

یکم: متن کتاب، خود، متون روایات است.

دوم: همه اخبار آن، در اصل مسند بوده است.

سوم: اخبار کتاب، از اصول اصحاب گرفته شده است.

چهارم: صاحبان آن کتب و اصول و نیز طریق شیخ صدوق به آنها، همگی از فقها و دانشوران موثق بوده‌اند.

۴. الهدایة

مؤلف: شیخ صدوق

تحقیق: مؤسسه الهادی علیه السلام

ناشر: مؤسسه الامام الهادی علیه السلام، قم، ۱۴۱۸ ق

۱. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۴۰۵.

۲. البدر الزاهر، ص ۲۱.

۳. المهذب، ج ۱، ص ۲۲-۲۳، مقدمه سبحانی.

۴. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۸۹.

۵. المقنع، ص ۵.

چنان که گزارش شده، هجده نسخه خطی از این کتاب وجود دارد که کهن ترین آنها در سال ۶۸۷ ق، کتابت شده است.^۱ گروه تحقیق مؤسسه الهادی، افزون بر چهار نسخه اساسی، بر هشت نسخه کمکی نیز اعتماد کرده اند که برخی از آنها به سال ۱۰۳۴ ق، تعلق دارد.^۲ کتاب الهدایه، بارها چاپ شده است؛ از جمله، در سال ۱۳۷۶ ق.^۳ نام کتاب الهدایه افزون بر همین عنوان،^۴ الهدایه بالخیر^۵ نیز آمده است. شیخ صدوق در کتاب الاعتقادات فی دین الإمامیه،^۶ به الهدایه ارجاع داده است. از این قرینه، به دست می آید که وی این کتاب را پیش از الاعتقادات تألیف کرده و بر آن اعتماد نموده است. انتساب الهدایه به شیخ صدوق، معروف است؛ هر چند نه به حد و اندازه آثار دیگرش همچون معانی الأخبار و الأمالی.^۷ شیخ صدوق تصریح نکرده که عبارات الهدایه، متن روایت است - چنان که درباره متن المقنع، تصریح کرده بود - و حتی بر صحت روایات آن نیز تأکید نکرده - چنان که درباره روایات کتاب من لا یحضره الفقیه، تصریح کرده بود - . با این همه، شگفت است که الهدایه، از مصادر کتاب های حدیثی و فقهی و کلامی است؛ مانند: مختلف الشیعه، بحار الأنوار، الحقائق الناطرة، کتب شیخ مرتضی انصاری و جواهر الکلام.^۸ در توجیه این اعتماد، برخی متذکر شده اند که همه فتاوی صدوق، به مثابه متن حدیث است.^۹

۱. الهدایه، ص ۲۵ - ۲۶، مقدمه محقق.

۲. همان، ص ۲۸ - ۳۰.

۳. مجله تراثنا ج ۵۴، ص ۴۴۹ - ۴۵۰.

۴. الفهرست، ابن ندیم، ص ۲۹۱، ۲۹۲؛ رجال التجاشی، ص ۳۹۷؛ الفهرست، طوسی، ص ۲۳۷؛ الهدایه، ص ۶، مقدمه محقق.

۵. الذریعة، ج ۲۵، ص ۱۷۴.

۶. الاعتقادات فی دین الإمامیه، ص ۹۵.

۷. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۶.

۸. مختلف الشیعه، ج ۳، ص ۱۷۴، ۲۸۱، ۲۹۵؛ الهدایه، ص ۹، مقدمه محقق.

۹. بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۴۰۵؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۲۷؛ الهدایه، ص ۱۶، مقدمه محقق.

نسخه چاپی الهدایة، شامل مقدمه بسیار بلند محقق و اصل کتاب است. مطالب مطرح در مقدمه محقق، عبارت‌اند از: شرح حال مؤلف، اوضاع بلاد و شهرهای اسلامی در روزگار وی، اوضاع سیاسی آن عصر و پس جایگاه و ویژگی‌های این تألیف.^۱ الهدایة شامل دو بخش است: بخش نخست، دوره مختصر مباحث اعتقادی (به معنای عام)، و بخش دیگر آن، فروع فقهی است. بخش اصول، در ده باب با این عناوین، طبقه‌بندی شده است: مباحث توحید، نبوت، امامت، شناخت ائمه علیهم‌السلام و اسلام و ایمان، تقیه، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و نیت. برخی از این عناوین، در دوره‌های بعد، در میان مباحث فقهی جای گرفتند. همه این مباحث، مستقیم یا غیر مستقیم، با تکیه بر روایات مطرح شده‌اند. مباحث فقهی کتاب - که افزون بر اختصار، ناقص نیز مطرح شده است -، از طهارت تا ارث را شامل می‌شود.

۵. المتعة

مؤلف: شیخ مفید

تحقیق: علی اکبر زمانی

ناشر: المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید (کنگره هزاره شیخ مفید)، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

به گزارش کتاب الذریعة، دو نسخه خطی از رساله المتعة موجود است، که یکی از آنها در کتاب‌خانه آستان قدس رضوی است، با عبارت آغازین «الحمد لله رب...» و عبارت پایانی: «و قد أملت فی هذا المعنی کتاباً سمّيته الموضع فی الوعد والوعید إن وصل إلى السید الشریف». نسخه دیگر، در میان موقوفات سید علی ابروانی در تبریز است.^۲ در مصادر کتاب‌شناسی، چند عنوان درباره متعه، به شیخ مفید نسبت داده

۱. الهدایة، ص ۱-۲۳۶.

۲. الذریعة، ج ۱۹، ص ۶۶-۶۷.

شده است: کتاب فی المتعة،^۱ أحكام المتعة،^۲ والموجز فی المتعة، کتاب مختصر المتعة.^۳ به قرینۀ ذکر سه عنوان توسط نجاشی، گویا شیخ مفید سه رساله با سه رویکرد تألیف کرده، که همگی درباره متعه بوده‌اند: یکی اصل کتاب - که از آن با عنوان کتاب فی المتعة، رسالۀ فی المتعة و أحكام المتعة یاد شده است -، و دو کتاب دیگر در اختصار و ایجاز آن. به هر روی، کتاب المتعة تا سده یازدهم، نایاب بود، تا این که محمد باقر مجلسی، نسخه‌ای از آن را یافت و روایات آن را بدون مقدمۀ مؤلف، نقل کرد.^۴ میرزا حسین نوری نیز در سده چهاردهم، نسخه‌ای از آن را در اختیار داشته و در مستدرک الوسائل، از آن نقل کرده است.^۵

محقق رسالۀ المتعة، از آن جا که نتوانسته نسخه‌ای از این رساله را پیدا کند، کوشیده است که آن را از میان عبارات بحار الأنوار محمد باقر مجلسی، بازسازی کند. در این کتاب، ۴۳ روایت با اسناد کامل و از طریق امامیه، فراهم آمده است. شایان گفتن است که بر پایۀ آنچه آقا بزرگ تهرانی متذکر شده، همه روایات رسالۀ المتعة، در بحار الأنوار نیامده است.^۶

۶. تهذیب الأحکام

مؤلف: شیخ طبرسی

تحقیق و تعلیق: سید حسن موسوی خراسان

ناشر: دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۴ ش.

در تحقیق کتاب، از چهار نسخه خطی و یک نسخه چاپی بدین شرح، استفاده شده است: نسخه خطی همراه با تصحیح، به خط لطف الله بن محمد مؤمن (کتابت

۱. رجال التجاشی، ص ۳۹۹؛ معالم العلماء، ص ۱۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۷.

۲. الفهرست، طوسی، ص ۲۳۹ - ۲۴۰.

۳. رجال التجاشی، همان جا.

۴. بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۳۰۵ - ۳۱۱.

۵. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۴۵۴ - ۴۵۵.

۶. الذریعة، همان جا.

در ۱۰۷۸؛ نسخه‌ای به خط شکرالله بن محمد حسینی (کتابت در ۱۰۷۸)؛ نسخه‌ای ناقص (کتابت در ۱۰۷۴ ق)؛ و نسخه چاپ شده در تهران و در سال ۱۳۱۷ ق، در دو مجلد.^۱

کتاب تهذیب الأحکام با همین عنوان، در مصادر آمده^۲ و انتسابش به شیخ طوسی، معروف و حتی متواتر است. نسخه چاپی کتاب، در ده مجلد با مقدمه سید حسن موسوی خراسان، مقدمه مؤلف و اصل کتاب، سامان یافته است. در مقدمه مؤلف، انگیزه تألیف، موضوع کتاب و شیوه پردازش مطالب آن، مطرح شده است. به موجب این مقدمه، گروهی از دوستان شیخ طوسی، از وی درخواست کرده‌اند که کتابی در جهت رفع اختلاف اخبار بنویسد. وی پس از پذیرش این درخواست، المقتنعی شیخ مفید را اصل و مبنا قرار داده و با مراعات ترتیب مباحث فقهی آن، مسائل کتاب را به گونه اجتهادی، شرح کرده است. پایه‌های استدلال شیخ طوسی، عبارت‌اند از: قرآن (اعم از ظاهر، صریح، فحوا، دلیل و معنای آن)، سنت قطعی (شامل خبر متواتر و خبر واحد برخوردار از قرائن) اجماع مسلمانان و اجماع فرقه محقه (امامیه). وی در مقدمه، متذکر شده که پس از این، به ذکر احادیث موافق و مخالف از طریق امامیه می‌پردازد. ابتدا خواهد کوشید که میان آنها جمع کند؛ ولی اگر جمع امکان نداشت، به نقد اسنادی و محتوایی آنها خواهد پرداخت.^۳

اصل کتاب، شامل یک دوره کامل فقه، از طهارت تا دیات است و قسمتی نیز در زیارت و مزار،^۴ و در پایان، مشیخه آمده است. به قرینه آن که وی در بحث طهارت، در موارد بسیاری به هنگام روایت از

۱. تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳، مقدمه ناشر.

۲. رجال النجاشی، ص ۴۰۳؛ النهرست، طوسی، ص ۲۴۱؛ معالم العلماء، ص ۱۵۰.

۳. تهذیب الأحکام، ص ۲.

۴. همان، ج ۶، ص ۱۱۶.

استادش شیخ مفید، برای او از خدا درخواست تأیید (أَيَّدَهُ اللهُ) کرده و در بحث نماز، برای او درخواست رحمت (رَحِمَهُ اللهُ) نموده، معلوم می‌شود که وی تألیف کتاب تهذیب را در هنگام حیات استاد خود، شروع کرده و ظاهراً در این زمان، ۲۵ یا ۲۶ سال سن داشته است و استادش نیز پس از ورود او به شرح «کتاب الصلوة»، از دنیا رفته است.^۱

مؤلف در مقدمه، به شیوه و سبک کار خود در این تألیف، اشاره کرده و در بحث طهارت و اوایل بحث نماز، بدان عمل کرده است.^۲ این شیوه، چنین است که ابتدا مسائل کتاب مقنعه را با همان ترتیب کتاب و هر مسئله را جداگانه، شرح می‌کند. شارح در این قسمت، به قرآن، سنت قطعی، اجماع مسلمانان و اجماع شیعه امامیه بر مسئله، استدلال می‌کند. پس از این مرحله، اخباری را که درباره هر مسئله وارد شده، چه اخبار مورد اتفاق و چه ناسازگار، نقل می‌کند و البته برای رفع ناسازگاری میان اخبار مورد اختلاف نیز، از طرق مختلفی چون تأویل، ترجیح محتوایی و ترجیح اسنادی، تلاش می‌کند.^۳

شیخ طوسی این شیوه را در کتاب‌ها و باب‌های دیگر، کنار می‌نهد؛ چراکه آن را موجب تفصیل و ازای بحث می‌یابد. در شیوه جدید، وی بدون پرداختن به شرح مسائل، مستقیماً به ذکر اخبار ناسازگاری می‌پردازد که از طریق امامیه نقل شده‌اند، و برای رفع ناسازگاری میان آنها، تلاش می‌نماید. بنا و خواست اولی و اصلی شیخ طوسی، ایجاد سازگاری میان اخبار است و این را بر نقد اسنادی، مقدم می‌دارد. وی معمولاً در موارد جمع و تأویل، تلاش می‌کند از حدیث دیگری استفاده کند که به نحوی - اعم از صراحت یا فحوا - بر همان مطلب دلالت می‌کند و آن‌گاه، در صورت

۱. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۶۸.

۲. تهذیب الأحکام، ج ۱۰، ص ۴.

۳. همان، ج ۱، ص ۳.

عدم امکان سازش، به راه حل‌های نقدِ اسنادی و محتوایی روی می‌آورد و در صورت تساوی، به حدیثی عمل می‌کند که موافق اصل است؛ اگرچه خود او در جای دیگر، معیار تخیر را مطرح کرده است. شیخ طوسی در بارهٔ مبنای خود در جمع میان اخبار، توضیح نداده؛ ولی به قرینهٔ موارد انجام گرفته در کتاب، معلوم می‌شود که مبنای عرفی را اختیار کرده است. او در نقد محتوایی، به مخالفت حدیث با اجماع عملی فقهای امامیه (العصابه) اشاره می‌کند؛ ولی در جای دیگر،^۱ سه معیار دیگر را هم ذکر کرده است.

شیخ در این کتاب، بر خلاف کتاب الاستبصار، به تعداد ابواب و احادیث آن اشاره نکرده است؛ ولی بر اساس شمارش برخی از محققان، کتاب تهذیب الأحکام مشتمل بر ۳۹۳ باب و ۱۳۵۹۰ حدیث است.^۲ از آن جا که این کتاب، بزرگ‌تر از کتاب استبصار است، خود شیخ طوسی^۳ و به تبع او نجاشی،^۴ از آن به «کتاب کبیر» یاد کرده‌اند.

شیخ طوسی روایات کتاب تهذیب الأحکام را گاه با اسانید مرسل و گاه با اسانید کامل، نقل کرده است. وی خود نیز در پایان مجلد آخر کتاب، به این اختلاف در نحوهٔ ذکر اسانید، اشاره کرده^۵ و به منظور رفع ارسال از اسانید یاد شده، طریق خود به صاحب کتاب یا اصلی که روایت را از آن نقل کرده، ذکر کرده است. در این قسمت کتاب - که به «مشیخه» موسوم است، شیخ طوسی به ذکر همهٔ طرق روایات مرسل پرداخته و در برخی موارد، به کتاب فهرست خود ارجاع داده است.^۶

این کتاب، سومین کتاب از کتب اربعهٔ حدیث شیعه است. برخی از علمای شیعه،

۱. همان جا.

۲. الذریعة، ج ۴، ص ۵۰۴؛ الاستبصار، ج ۱، ص ۲۰ (مقدمهٔ محقق).

۳. الاستبصار، ج ۴، ص ۳۰۵.

۴. رجال النجاشی، ص ۴۰۳، ش ۱۰۶۸.

۵. تهذیب الأحکام، ج ۱۰، ص ۵-۴.

۶. الفوائد الرجالية، ج ۳، ص ۲۲۶ (به نقل از: خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۱۴).

براین عقیده‌اند که دو کتاب تهذیب و استبصار بویژه کتاب تهذیب، با ارزش تر و نیز پر منفعت تر از دیگر کتب اربعه هستند؛ چرا که در آنها اخبار متعلق به فروع، به طور کامل استقصا شده و فقیه برای استنباط، در اکثر روایات، با رجوع به آن دو، از کتب دیگر بی نیاز می شود. به علاوه، این کتاب مشتمل است بر یک دوره فقه، استدلال، مباحث اصولی، رجالی، فقه الحدیث، و شیوه جمع و توفیق میان اخبار با تکیه بر نقل و اعتبار.^۱

حدود پنجاه شرح، حاشیه، تلخیص، ترتیب، فهرست‌نگاری و ترجمه، بر محور بخش فقهی و رجالی تهذیب الأحکام انجام گرفته است.^۲ برخی از این آثار، چاپ شده‌اند که از آن جمله، می توان چنین نام برد:

۱. ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، به قلم محمد باقر مجلسی. این شرح، ناقص است و تا پایان باب نکاح را در بر گرفته است. محمد مهدی رجایی آن را تحقیق کرده و توسط انتشارات کتاب‌خانه آیه الله مرعشی، در سال ۱۳۶۳ ش، چاپ شده است.
۲. مقصود الأنام فی شرح تهذیب الأحکام، اثر سید نعمت الله جزایری در دوازده مجلد؛

۳. شرح مشیخة التهذیب، سید حسن بن عبد الهادی موسوی آل خرسان؛

۴. گزیده تهذیب، محمد باقر بهبودی.

۷. الاستبصار فی ما اختلف من الأخبار

مؤلف: شیخ طوسی

تحقیق و تعلیق: سید حسن موسوی خرسان

ناشر: دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۳۶۳ ش.

۱. الفوائد الرجالية، ج ۳، ص ۲۲۷-۲۲۸.

۲. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۱۴؛ کشف الحجب و الأستار، ص ۳۲۱-۳۲۲؛ لذریعة، ج ۴،

ص ۵۰۴-۵۰۵ تهذیب الأحکام، مقدمه محقق، ج ۱، ص ۴۷-۴۸؛ مجلة علوم حدیث، ج ۳۲، ص ۲۲۰-۲۲۷.

در تحقیق این کتاب، از چهار نسخه خطی و یک نسخه چاپی استفاده شده است: از جمله، نسخه خطی به قلم محمد بن محمود اردکانی (به تاریخ ۱۰۷۸ ق) و نسخه‌ای به خط علی رضا (به تاریخ ۱۰۷۲ ق). نسخه چاپی نیز در چاپ خانه جعفریه لکهنو، در سال ۱۳۰۷ ق، طبع شده است.^۱ کهن‌ترین نسخه خطی الاستبصار، در سال ۹۰۰ ق، استنساخ شده است.^۲

این کتاب با همین عنوان، در منابع کتاب‌شناسی ذکر شده^۳ و انتساب آن به شیخ طوسی، متواتر است. نسخه چاپی الاستبصار، شامل مقدمه محقق، مقدمه مؤلف، اصل کتاب و مشیخه است. در مقدمه مؤلف، به موضوع کتاب، انگیزه تألیف و روش پردازش مطالب و معیارهای نقد محتوایی حدیث، اشاره شده است. به موجب این مقدمه، شیخ طوسی پس از تألیف تهذیب الأحکام و استقبال دیگران از گردآوری احادیث متخالف، تصمیم گرفت در این زمینه، کتابی جداگانه به ترتیب ابواب تهذیب الأحکام، تألیف کند تا فایده بیشتری داشته باشد. وی متذکر شده است که باب‌های کتاب را با احادیث مورد قبول و مطابق فتوا، آغاز و سپس احادیث مخالف را ذکر می‌کند. رسالت نخست مؤلف - که مهم‌ترین هدفش نیز بوده - بیان وجوه جمع و تأویل اخبار متخالف است. وی در این کتاب - همانند تهذیب الأحکام، که از آن به «کتاب کبیر» یاد کرده -، به انواع خبر، جایگاه و اعتبار هر یک از اقسام آن پرداخته و به طور خاص، درباره ارزش خبر واحد سخن گفته و آن‌گاه، شیوه و راه حل خود را برای رفع ناسازگاری میان اخبار، متذکر شده است: خبر، یا متواتر است یا واحد. خبر متواتر، علم‌آور است و در چنین خبری، تعارض پیدانمی‌شود.^۴ خبر واحد، دو قسم است: یکی برخوردار از قرائن پشتیبانی و تأیید، و دیگری خبر فاقد این قرائن.

۱. الاستبصار، ج ۱، ص ۵-۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۴؛ فهرس التراث، ج ۱، ص ۵۲۷.

۳. رجال التجاشی، ص ۴۰۳؛ الفهرست، طوسی، ص ۲۴۲؛ معالم العلماء، ص ۱۵۰.

۴. الاستبصار، ج ۱، ص ۳.

قرائن یاد شده، عبارت‌اند از: عقل، قرآن (اعم از ظاهر، فحوا، دلیل و عموم)، سنت قطعی (اعم از صریح، فحوا، دلیل و عموم)، اجماع مسلمانان، و اجماع امامیه. خبر برخوردار از این قرائن، همانند خبر متواتر، علم‌آور است و گرفتار تعارض اخبار نمی‌شود؛^۱ ولی خبری که فاقد قرائن یاد شده باشد (اخبار آحاد)، تنها در صورتی اعتبار پیدا می‌کند که با خبر دیگری معارض نباشد و اجماع عملی نیز بر خلاف آن، شکل نگرفته باشد. اگر معارض داشته باشد، راه حل اول، استفاده از مرجحات اسنادی است؛ خبری که راویان آن، عادل تر باشند و یا راویان بیشتری آن را نقل کرده باشند، مقدم بر دیگری است. حال اگر از این جهات اسنادی نیز مساوی باشند، باید میان آنها جمع کرد. وی تأویل مطلوب یا جمع موجه میان اخبار ناسازگار را این می‌داند که با مضمون خبر سومی، پشتیبانی و تأیید شود و اگر در مقام تأویل، وضعیت یکسانی وجود داشته باشد یا دو خبر قابل جمع نباشند، باید میان آنها یکی را اختیار کرد.^۲

با ملاحظه آنچه در باره شیوه رفع ناسازگاری میان اخبار گذشت، معلوم می‌شود که دیدگاه شیخ در دو کتاب تهذیب و استبصار، با هم تفاوت دارد. وی در کتاب تهذیب تأویل را مقدم بر نقد اسنادی دانسته در حالی که در این جا، نقد اسنادی را مقدم بر تأویل ذکر کرده است. همچنین، در صورت تساوی وضعیت یا غیر قابل جمع بودن اخبار، در کتاب تهذیب، راه حل را عمل به خبر موافق اصل دانسته؛ ولی در این جا، تخییر را پیشنهاد می‌کند. اصل کتاب الاستبصار، در سه جزء سامان یافته است: جزء اول و دوم، در عبادات و مسائل مربوط به آن است و جزء سوم، در معاملات و دیگر ابواب فقه. مطالب هر جزء نیز با عناوین خاص در همه ابواب، مرتب و طبقه‌بندی شده است. شیخ طوسی مجموع ابواب و احادیث کتاب را در هر جزء، جداگانه بیان کرده است:

۱. همان، ص ۴.

۲. همان جا.

جزء اول: با سیصد باب، در بر دارنده ۱۳۹۹ حدیث.

جزء دوم: با ۲۱۷ باب، در بر دارنده ۱۱۷۷ حدیث.

جزء سوم: با ۳۹۸ باب، ۲۴۵۵ حدیث.

تعداد در مجموع کتاب: ۹۲۵ باب و ۵۵۱۱ حدیث.^۱ تعداد احادیث شماره گذاری شده در نسخه چاپی کتاب، ۵۵۵۸ حدیث است؛ یعنی ۴۷ شماره بیشتر از آماري که مؤلف به دست می دهد. آن گونه که محقق کتاب متذکر می شود، این اختلاف با ملاحظه شمار احادیثی که شیخ طوسی با عنوان «سند آخر» ذکر کرد، و نیز احادیث مکرر در یک باب و کسر آنها از عدد یاد شده، تفاوت دو آمار تقریباً از بین می رود.^۲ مؤلف، نیمی از روایات کتاب را - که به عبادات مربوط اند - با اسناد کامل و نیم دیگر را مرسل نقل کرده است. شیخ طوسی در پایان کتاب، در بخشی با عنوان «مشيخه»، به سان مشيخه تهذيب، طريق خویش را به صاحبان کتب و اصول حدیثی، ذکر کرده است. با مقایسه دو مشيخه تهذيب والاستبصار، معلوم می شود که میان آنها تفاوتی وجود ندارد.^۳ الاستبصار چهارمین کتاب از کتب اربعه شيعه است و به دليل اعتبار و اهميت آن در گستره حدیث شيعه و نیز جایگاه و ارزش رجالی آن، با استقبال و اعتماد فراوان علمای شيعه مواجه شد. بالغ بر ۲۲ شرح و ترتیب و حاشیه و تعلیقه بر متن الاستبصار و اسانید و مشيخه آن، نگاشته شده است.^۴ برخی از این شرح ها که چاپ نیز شده اند، عبارت اند از:

۱. كشف الأسرار فی شرح الاستبصار، به قلم سید نعمت الله جزایری، که در سه مجلد، با تحقیق و تعلیق سید طیب موسوی جزایری، توسط دار الکتب در قم در

۱. الاستبصار، ج ۴، ص ۳۴۲.

۲. همان، هامش.

۳. الفوائد الرجالية، همان جا؛ خانمة مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۱۴.

۴. كشف الحجب، ص ۳۲۱-۳۲۲؛ الذريعة، ج ۲، ص ۱۵-۱۶؛ الاستبصار، ص ۲۰-۲۱، مقدمه محقق؛ علوم

حدیث، ش ۳۲، ص ۲۲۷-۲۳۲.

سال ۱۳۷۱ ش، چاپ شد.

۲. شرح مشیخة الاستبصار، سید حسن موسوی خراسان که در پایان الاستبصار چاپ شده است.

۳. شرح میرزا حسین نوری بر دو مشیخة تهذیب الأحکام والاستبصار، که در خاتمه مستدرک الوسائل چاپ شده است.

۴. روش های فقه الحدیثی شیخ طوسی در الاستبصار از کمال صحرایی اردکانی (پایان نامه کارشناسی ارشد)؛

۵. الشیخ الطوسی، از حسن عیسی حکیم (رساله دکتری تاریخ اسلام)، در دانشگاه بغداد؛

۶. تنقیح أسانید التهذیب، از سید حسین بروجردی، با تصحیح و تبویب مهدی تبریزی؛

۷. مشیخة الاستبصار والتهذیب والفقیه، از ملا شریف علی بن حسن؛

۸. المعجم المفهرس لألفاظ الأحادیث عن الكتب الأربعة، گروه تحقیق مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی؛

۹. المعجم المفهرس لألفاظ الكتب الأربعة، علیرضا برازش؛

۱۰. فهرس الكتب الأربعة، سید احمد بن عنایة الله حسینی زنجانی.^۱

ط - متون طبّی

طبّ الأئمة علیهم السلام

مؤلف: ابنا بسطام نیشابوری

ناشر: انتشارات شریف رضی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۱ ق.

این کتاب پیش از این نیز در نجف اشرف، توسط چاپ خانه حیدریه، با تحقیق و

مقدمه سید محمد مهدی و سید حسن موسوی خراسان، در سال ۱۳۸۵ ق، چاپ شد. در تحقیق کتاب، به نسخه خطی آن اشاره نشده است. به گزارش آقابزرگ تهرانی، یک نسخه خطی طبّ الأئمة علیهم‌السلام، در کتاب‌خانه آستان قدس رضوی و نسخه‌ای دیگر، کاظمیه نزد هبة الدین شهرستانی است و در هند نیز چاپ شده است.^۱ وی همچنین، متذکر است که ملا فیض الله عصاره تستری - که در طبّ و نجوم صاحب نظر بود -، در دوره ولایت فتح علی خان بن واخستوخان بها، در سال ۱۰۸۸ ق، طبّ الأئمة علیهم‌السلام را به فارسی ترجمه کرد.^۲

این کتاب در مصادر، با نام کتاب الطبّ^۳ و طبّ الأئمة^۴ ذکر شده است. انتساب طبّ الأئمة به فرزندان بسطام نیشابوری، معروف نیست و با تردید نیز رو به رو شده؛ چنان‌که در اعتبار اصل کتاب نیز تردید شده است. ریشه این تردید، در چند چیز است: عدم توثیق مؤلفان،^۵ ضعف طریق نجاشی به آن - که ابن عیاش جوهری است -،^۶ و ضعف اسانید برخی از روایات آن.^۷ با این همه، در بحار الأنوار، وسائل الشیعة و مستدرک الوسائل، از این کتاب نقل شده است.^۸ این اعتنا، بدان جهت بوده که در این کتاب، احکام فرعی، بسیار کم آمده و بیشتر روایات آن، و در زمینه دعا و ادویه است که در چنین مباحثی، اسانید قوی شرط دانسته نمی‌شود.^۹

۱. الذریعة، ج ۱۵، ص ۱۳۹ - ۱۴۰.

۲. همان.

۳. رجال النجاشی، ص ۳۹.

۴. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۱، ص ۳۰؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۴۳.

۵. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۰.

۶. رجال النجاشی، ص ۸۶.

۷. طبّ الأئمة علیهم‌السلام، ص ۱۴، مقدمه آیه الله بروجردی؛ فهرس التراث، ج ۱، ص ۳۸۵.

۸. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۸۷، ۳۹۶، ۴۰۹.

۹. بحار الأنوار، همان جا؛ الذریعة، ج ۱۵، ص ۱۴۰.

به هر روی، طب الائمه علیهم السلام، در حدود ۲۵۰ باب با ۴۰۹ روایت، سامان یافته است. موضوع این کتاب، منافع و مضرات خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، راه‌های پیشگیری از بیماری، شیوه درمان آن است و البته دعاها و تعویذ و ایجاد طلسم نیز در نزدیک به پنجاه مورد، نقل شده است. روایات آن با اسناد کامل، از معصومان علیهم السلام نقل شده است.

فصل ششم

علوم حدیث

علوم حدیث که شامل نقد حدیث (چه در شکل جرح و تعدیل رجال و بررسی سند و حدیث چه در شکل نقد محتوایی آن)، فقه الحدیث و درایة الحدیث است، در این دوره مورد توجه عالمان شیعه بوده و درباره آنها به استثنای درایة الحدیث، تألیفات جداگانه‌ای انجام گرفته است.

فقه الحدیث

۱. معانی الأخبار

مؤلف: شیخ صدوق

تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری

ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی (انتشارات جامعه مدرّسین)، قم، ۱۳۷۹ ق.

در تحقیق این کتاب، از دو نسخه خطی و دو نسخه چاپی استفاده شده است. یکی از دو نسخه خطی، توسط محمد بن محمد محسن بن مرتضی معروف به علم الهدی (فرزند فیض کاشانی)، در ۱۰۷۳ ق، تصحیح شده است. نسخه خطی دیگر نیز تصحیح شده و در کتاب خانه آیه الله نجفی مرعشی قم است با تاریخ کتابت ۱۲۸۷ ق. دو نسخه چاپی، همراه با علل الشرائع چاپ شده‌اند؛ یکی در سال ۱۲۹۹ ق، و دیگری در سال ۱۳۱۱ ق.^۱

۱. معانی الأخبار، ص ۶-۷، مقدّمه مصحح؛ الذریعة، ج ۲۱، ص ۲۰۴.

کتاب معانی الأخبار با همین عنوان، در مصادر معرفی شده^۱ و انتسابش به شیخ صدوق، معروف و چه بسا متواتر است. این کتاب از مصادر بحار الاثوار، وسائل الشیعة و مستدرک الوسائل است. نسخه چاپی آن، شامل مقدمه محقق و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، این مطالب آمده است: شرح حال مؤلف، معرفی نسخه‌های خطی کتاب، معرفی آثار شیخ صدوق، و نیز شرح مجلس مناظره شیخ صدوق در حضور رکن الدوله، به نقل از شیخ جعفر بن محمد دوریستی، از کتاب مجالس المؤمنین شوشتری.^۲ اصل کتاب در نزدیک به ششصد باب با عنوان مشخص، سامان یافته است. مؤلف در باب اول، سه روایت از امام صادق علیه السلام در باره اهمیت فهم و درایت حدیث، ذکر کرده است. شیخ صدوق تألیف کتاب معانی الأخبار را در سال ۳۳۱ ق، به پایان رساند.^۳ گویا وی این اثر را با الهام از حدیثی تألیف کرده که در آن، بر فهم کلام معصومان علیهم السلام بیش از نقل آن، تأکید و تکیه شده است.^۴ مؤلف در این کتاب، برخی از مفاهیم، ألفاظ و عبارات قرآن و احادیث را که در متون روایات، معنا و تفسیر شده‌اند، گردآوری کرده است. از این رو، این کتاب افزون بر ارزش حدیثی‌اش، یک منبع ارزشمند در فقه الحدیث است. عنوان کتاب (اخبار) با محتوای آن، انطباق کامل ندارد. برای توجیه این نام‌گذاری، به ناچار یا باید به معنای ظاهری آن بسنده کرد و آن را از باب اکثر و اغلب افراد دانست، و یا آن که در معنای این عنوان تصرف کرد و آن را به معنای مرجعیت و مبنای دانستن اخبار در فهم و تفسیر همه ألفاظ و عبارات - اعم از حدیثی، قرآنی و حتی تاریخی - تفسیر کرد. توجیه دوم، با محتوای کتاب سازگارتر است.

ترتیب و چینش ابواب در این کتاب، چونان دیگر کتب مؤلف، از نظام معناداری حکایت نمی‌کند. وی معمولاً ابواب آغازین و پایانی را مناسب و معنادار می‌آورد؛ ولی در ابواب بینابین، این نظام به هم می‌خورد. از جمله ابواب یاد شده، می‌توان به

۱. رجال النجاشی، ص ۳۹۸؛ الفهرست، طوسی، ص ۲۳۷؛ معلم العلماء، ص ۱۴۹؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۲۴۷.

۲. معانی الأخبار، ص ۲۶-۳۵.

۳. الذریعة، ج ۲۱، ص ۲۰۴.

۴. معانی الأخبار، ص ۱.

این موارد اشاره کرد: معنای «بسم الله الرحمن الرحيم»، معنای توحید و عدل، معنای «استواء علی العرش»، معنای صراط، معنای رجس، معنای ابلیس، معنای ثقلین، معنای منزلت و....

روایات کتاب با اسناد کامل، از طریق شیعه و بیشتر با واسطه علی بن بابویه پدر مؤلف (نزدیک به دویست روایت)، ابن ولید، ابن ماجیلویه نقل شده است. مؤلف گاهی در ذیل برخی از روایات، توضیح مختصری نیز از خود یا به نقل از دیگران، با عنوان «قال مصنف هذا الكتاب...» ارائه می‌دهد.

کتاب معانی الأخبار توسط عده‌ای از علمای شیعه، شرح یا تلخیص شد و یا ترجمه یا ترتیب و سامان هجایی یافت. عبد النبی طسوجی (م ۱۲۰۳ ق) بر کل کتاب و شیخ محمد بن علی قطیفی (در نیمه نخست سده سیزدهم) بر حدیث توحید آن، شرح نگاشتند.^۱ شرح قطیفی به خط شاگرد او، در کتاب خانه شیخ مشکور حولاوی دیده شده است.^۲ شیخ علی بن احمد قطیفی (م ۱۲۶۶ ق) نیز آن را با عنوان مختصر المعانی، تلخیص کرد.^۳ همچنین، شیخ داوود بن حسن بن یوسف بحرانی (معاصر شیخ حرّ عاملی) آن را بر اساس حروف هجایی، مرتب نمود و نام آن را ترتیب معانی الأخبار نهاد.^۴ محمد ابراهیم بن محمد علی، آن را به فارسی برگرداند که نسخه ترجمه او، در کتاب خانه مجلس شورای اسلامی موجود است.^۵

۲. المَجازَات النبویة

مؤلف: شریف رضی

تحقیق و شرح: طه محمد زینی (استادالازهر)

ناشر: مکتبه بصیرتی، قم.

۱. الذریعة، ج ۱۳، ص ۱۹۴؛ ج ۱۴، ص ۷۲.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۱۹۴.

۳. همان، ج ۲۱، ص ۲۰۴.

۴. همان، ج ۲۶، ص ۲۰۲.

۵. همان، ج ۲۱، ص ۲۰۳.

در تحقیق این کتاب، از چند نسخه خطی و چاپی استفاده شده، که عبارت‌اند از: نسخه کتاب‌خانه دکتر حسین محفوظ در کتاب‌خانه دانشکده ادبیات دانشگاه بغداد (تاریخ کتابت: ۹۸۲ ق)، نسخه کتاب‌خانه سید حسن صدر در کاظمیه، نسخه کتاب‌خانه امام رضا علیه السلام در مشهد (تاریخ کتابت: ۱۰۶۴ ق)، نسخه کتاب‌خانه دانشگاه الأزهر در قاهره، نسخه کتاب‌خانه ملک، در تهران، و نسخه‌ای متعلق به سده دهم، که در کتاب‌خانه سید محمد علی روضاتی در اصفهان است.^۱

کتاب المجازات النبویه، بارها چاپ شده است؛ از جمله، در مطبعة الآداب در بغداد، به سال ۱۳۲۸ ق، و با تحقیق محمود مصطفی و طه محمد زینی و شیخ رضا استادی. این کتاب با همین عنوان، در مصادر، ذکر شده^۲ و انتساب آن به شریف رضی، معروف است. گویا شریف رضی، مجازات الآثار النبویه را هم زمان با تألیف نهج البلاغة نگاشته است؛ به این قرینه که در باره استعاره موجود در حکمت ۴۶۶ نهج البلاغة: «العین وکاء السه»، متذکر می‌شود که در کتاب موسوم به مجازات الآثار النبویه، سخن گفته شده و همچنین، در چند جای المجازات (ص ۲۲، ۴۱، ۱۶۱، ۲۲۳ و ۲۵۲)، به نهج البلاغة ارجاع داده است.

این کتاب در زمینه فقه الحدیث، بار و یک‌بار تأکید بر وجوه بلاغی و آرایه‌های ادبی در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله، تألیف شده است. مؤلف، احادیث کتاب را از کتب معروف غریب الحدیث، کتب مشهور مغازی و مسانید صحیح، گرد آورده^۳ و تصریح نموده که طریق وی به این احادیث، از طریق روایت و اجازه و یا قرائت بر مشایخ خود بوده است.^۴ سید رضی در این کتاب، به بیان گونه‌های ادبی و بلاغی مجاز، استعاره، کنایه و تشبیه در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخته و معمولاً در ذیل هر حدیث، وجوه مختلف

۱. تراشا، ص ۴۵-۴۶.

۲. رجال النجاشی، ص ۳۹۸؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۲۶۱؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۱؛ الغدير، ج ۴، ص ۱۹۵؛

الذريعة، ج ۱، ص ۳۵۸.

۳. المجازات النبویه، ص ۱۲.

۴. همان.

معنایی و تأویل درست آن را نیز بیان کرده است. از این رو، کتاب المجازات النبویه افزون بر جنبه ادبی اش، در زمینه فقه الحدیث نیز ارزشمند است.

شیوه کار سید رضی چنین است که پس از نقل حدیث - که بدون ذکر اسناد است -، اگر روایت دیگری از آن حدیث وجود داشته باشد، به نقل آن می‌پردازد و سپس متذکر می‌شود که این قول، مجاز است یا این کلام، استعاره یا کنایه و یا تشبیه است. محقق محترم کتاب بر این عقیده است که سید رضی، میان انواع بلاغت، تمایز نگذاشته و تشبیه و کنایه و مجاز و استعاره را یکی پنداشته است^۱ و خود در پاورقی، به این تمایز اشاره کرده و در هر مورد، وجه و نوع خاص انواع بلاغت را ذکر کرده است.

این کتاب با اعتنا و اعتماد علما و محدثان مواجه شده است. برای نمونه، شیخ ابراهیم کفعمی (م ۹۹۴ ق) آن را تلخیص کرده^۲ و محمد باقر مجلسی در بحار الأنوار و شیخ حرّ عاملی در وسائل الشیعة و میرزا حسین نوری در مستدرک الوسائل، از آن نقل کرده‌اند.^۳

۳. رسالة فی معنی المولی

مؤلف: شیخ مفید

تحقیق: مهدی نجف

ناشر: دار المفید بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

در مقدمه محقق کتاب، به نسخه‌های خطی آن اشاره نشده است. از این کتاب چندین نسخه به موجب برخی گزارش‌ها، چندین نسخه خطی از این کتاب وجود

۱. المجازات النبویه، ص ۵.

۲. الذریعة، همان جا.

۳. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۱؛ وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۴۹۴، ۵۰۰، ۵۰۳، ۱۷۵، ج ۵، ص ۸۴، ج ۲۰، ص ۴۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۹۷، ۷۸؛ ج ۳، ص ۱۱۵، ۱۲۱، ۱۴۶، ۳۵۸؛ ج ۴، ص ۵۹، ۱۰.

دارد: یکی در کتاب‌خانه میرزا محمد تهرانی در سامرا^۱ سه نسخه در کتاب‌خانه عمومی آیه الله مرعشی، و دو نسخه نیز در کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی.^۲ در مصادر کتاب‌شناسی اولیه، این عنوان ذکر نشده؛ ولی در منابع متأخر، با عنوان مناظره الشيخ المفید^۳، فی معنی المولی^۴ و رساله فی معنی المولی^۵ آمده است. در انتساب این کتاب به شیخ مفید، تردیدی صورت نگرفته است.

نسخه چاپی این رساله، شامل مقدمه محقق و اصل رساله است. در مقدمه محقق، به جایگاه رساله با تصویری کلی از مطالب آن، پرداخته شده است. این رساله حاصل مناظره و گفتگوی شیخ مفید با چند متکلم معتزلی از گروه بهشمیه (منسوب به ابو هاشم جنائی) و برخی از مجبره است. آنان مدعی بودند که لفظ «مولی» در حدیث غدیر، بر امامت و ریاست دلالت نمی‌کند؛ زیرا این لفظ هرگز چنین معنایی ندارد. شیخ مفید در این گفتگو، مدعی شده که امامت و ریاست، نه تنها یکی از معانی لفظ مولاست، که معنای اصلی آن است و سایر معانی هر کدام به نحوی، به آن باز می‌گردند. مهم‌ترین دلایل وی در این باره، عبارت اند از: شواهد شعری (از بزرگان صحابه و دیگر کسانی که در شناخت لغت و دلالت آن، می‌توان به کلام آنان احتجاج کرد)، فهم لغوی معاصر - با استناد به اتصال این فهم به زمان پیامبر ﷺ - و کلام اهل بیت علیهم السلام به این اعتبار که آنان، عالم به لغت هستند.

شیخ مفید به سروده‌های شعرایی استناد کرده است که در لغت و زبان عربی، به فصاحت کلام، نامور بوده‌اند و کلامشان حجّت و مرجع است. اینان واژه مولارادر

۱. الذریعة، ج ۲، ص ۲۷۲؛ ج ۲۰، ص ۳۹۶.

۲. تراشد ش ۱۳، ص ۱۰۹؛ فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه آیه الله مرعشی، ج ۱، ص ۹۱، ۲۶۸، ۲۸۳؛ فهرست کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی، ج ۷، ص ۲۹، ۲۷۱.

۳. الذریعة، ج ۲۲، ص ۳۰۳.

۴. الفدیر، ج ۱، ص ۳۴۵.

۵. رساله فی معنی المولی، ص ۳، مقدمه محقق.

معنایی به کار برده‌اند که حاکی از ریاست یا اولویت در تصرف است؛ مانند شعری که اخطل در مدح عبد الملک بن مروان سروده است. شیخ مفید متذکر شده که اخطل شاعری است که همگان بر خبرویت و سرآمدی او در زبان عربی ولغت، اذعان دارند. نمونه دیگر، قصیده معروف کمیت بن زید است؛ کسی که در تفسیر قرآن، به شعر او استشهاد شده و همگان بر فصاحت و معرفت او به لغت، هم زبان‌اند. چگونه می‌توان پذیرفت که چنین فردی، لفظ را در معنایی به کار برده باشد که در لغت، هرگز در آن معنا به کار نرفته است؟! همچنین، قیس بن سعد بن عباده در قصیده‌ای که هیچ کس از اهل نقل، در آن تردید نکرده است و نیز حسان بن ثابت شاعر رسول خدا ﷺ که در دوره جاهلیت و اسلام، سرآمد فصحا بود.^۱

ذکر این که برخی از اهل لغت، معنای ریاست و تصرف را برای مولا ذکر نکرده‌اند، این استدلال را سست نمی‌کند؛ چرا که برای یافتن معنای واژه، قول اندکی از اهل لغت، بسنده نیست و از دیگر سو، ذکر نکردن این معنادلالت بر نفی آن در نظر آنان نمی‌کند. این عده، معنای «اولویت در تصرف» را ذکر نکرده‌اند، نه این که آن را انکار نموده‌اند.

شیخ مفید پس از پایان مناظره، تحت عنوان «فصل» به چند مطلب اشاره کرده است. موضوع فصل اول، احتمال جهل، عناد یا تأویل بر حسب اعتقاد درباره شعرا و اصحاب لغتی است که به آنها اعتماد شده است. به نظر شیخ مفید، این احتمال قابل اعتنا نیست؛ زیرا به سد باب علم به لغت، می‌انجامد.

در فصل دوم، به نکته‌ای از کتاب غریب اللغۃ ابو عبیده استشهاد کرده است. ابو عبیده عبارت قرآنی ﴿هُوَ مَوْلَانُكُمْ﴾ را به «أولی بکم» تفسیر کرده است. در این فصل، به شعر لبید نیز استشهاد شده است.

در فصل سوم، دربارهٔ استشهاد به کلام کمیت، این اعتراض مطرح شده است که ممکن است وی معنای اولویت را برای مولا، نه از عبارت نبوی «من کنت مولا فلهذا علی مولا»، که از تسلیم مردم نسبت به او از باب ریاست مسلمانان، استفاده کرده باشد. بنا بر این، استدلال به شعر و کلام کمیت در کاربرد معنای اولویت برای مولا، کامل نیست. شیخ مفید در پاسخ، سه مطلب را متذکر شده است. دومی و سومی آن - که با این بحث، ارتباط بیشتری دارند - این است که حدیث تسلیم به امارت و ریاست امیر المؤمنین علیه السلام، در ذیل حدیث غدیر و به دنبال این قول پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «من کنت مولا فعلی مولا»، و دیگر آن که حدیث غدیر، متواتر است و استدلال به آن، معروف و مشهور؛ ولی دیگر دلایل بر امامت علی علیه السلام، در این حد از شهرت نیستند. بنا بر این، نمی توان پذیرفت که شاعری مانند کمیت، استناد به معروف را ترک و به غیر معروف استناد کرده باشد.^۱

۴. أقسام المولی

مؤلف: شیخ مفید

تحقیق: مهدی نجف

ناشر: دار المفید، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

محقق کتاب، به نسخه های خطی کتاب اشاره نکرده است. چندین نسخه خطی و چاپی از این کتاب، موجود است: دو نسخه در کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی^۲ و سه نسخه در کتابخانهٔ آیه الله مرعشی.^۳

این رساله پیش تر، در نجف اشرف نیز توسط «مکتبه دار الکتب التجاریه»، همراه با المسائل الجارودیه و رساله فی النص علی امیر المؤمنین بالخلافة والشقلا،^۴ چاپ شده

۱. همان، ص ۳۵-۴۳.

۲. فهرست نسخه های خطی مجلس شورای اسلامی، ج ۷، ص ۱۷؛ ج ۲۱، ص ۸.

۳. فهرست نسخه های خطی کتابخانهٔ آیه الله مرعشی، ج ۱، ص ۹۳، ۲۶۹، ۲۸۵.

۴. ترانها، ش ۱۳، ص ۹۶؛ ج ۱۹، ص ۱۵۲.

است. از این رساله، با عنوان أقسام المولى فى اللسان^۱ و أقسام المولى^۲ یاد شده است. شیخ مفید در این رساله، ده معنا برای لفظ مولا ذکر کرده و برای هر معنا، شواهد قرآنی و شعری آورده است. وی اولویت را نخستین معنای مولا ذکر کرده و متذکر شده که این، معنای اصلی مولاست و سایر معانی، به آن باز می‌گردند. او در این راستا، از اشعار شعرای معروف عرب - چون: اخطل، حسان بن ثابت، کمیت بن زید اسدی، قیس بن سعد بن عباده و امیر المؤمنین (علیه السلام) - استفاده کرده است.

۵. رساله حول خبر ماریه

مؤلف: شیخ مفید

تحقیق: مهدی صباحی

ناشر: دار المفید، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

در تحقیق این رساله، به چهار نسخه خطی و یک نسخه چاپی اعتماد شده است: سه نسخه در کتاب‌خانه آیه الله مرعشی (یکی با مهر تملک به سال ۸۸۸ ق، و خط عبد الحمید بن محمد مقیم، بدون ذکر سال کتابت و دیگری با تاریخ کتابت ۱۳۳۴ ق، به خط شیخ محمد بن شیخ طاهر سماوی)؛ نسخه خطی کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی، متعلق به سده یازدهم؛ نسخه چاپ شده در نجف اشرف با عنوان رسائل الشیخ المفید، در سال ۱۳۷۰ ق.^۳

انتساب این اثر با همین عنوان به شیخ مفید، معروف است.^۴ شیخ مفید در این رساله با تأملات عقلی و تکیه بر قرائن کلامی، به تبیین و شرح خبر موسوم به «خبر ماریه قبطیه» پرداخته است. بر این پایه، رساله ماریه در فقه الحدیث

۱. رجال النجاشی، ص ۴۰۱.

۲. معالم العلماء، ص ۱۴۹.

۳. رساله حول خبر ماریه، ص ۱۰-۱۱.

۴. رجال النجاشی، ص ۴۰۱؛ کشف الحجب و الأستار، ص ۱۶؛ الذریعة، ج ۲۰، ص ۳۸۶.

ارزشمند و مفید است.

نسخه چاپی این رساله، شامل مقدمه محقق، مقدمه سید محمد رضا حسینی جلالی، مقدمه مؤلف، و اصل رساله است و رساله سید جعفر مرتضی و نقد آن نیز در پایان آمده است.

در مقدمه محقق، به موضوع رساله و نسخه‌های خطی و چاپی آن، اشاره شده است. به موجب مقدمه مؤلف، فردی معتزلی درباره خبر نام‌برده به ماریه قبطیه، سؤال‌هایی را نزد شیخ مفید مطرح کرده است. این رساله، حاصل گفت و باز گفت و پرسش و پاسخ شیخ مفید و آن معتزلی است.^۱

اصل رساله، شامل فشرده خبر و سؤال‌ها و پاسخ‌هاست. در این خبر، چنین آمده است: عایشه همسر پیامبر ﷺ، ماریه - همسر دیگر رسول خدا و مادر ابراهیم، تنها فرزند نرینه پیامبر - را به برقراری ارتباط نامشروع با جریح قبطی پسر عموی او، متهم کرد. وی به دنبال این اتهام، ابراز داشت که ابراهیم از جریح قبطی است، نه از پیامبر ﷺ. چون این خبر به گوش پیامبر رسید، آن حضرت به علی ﷺ مأموریت داد که اگر جریح را در خانه ماریه یافت، گردن بزند. علی ﷺ از پیامبر پرسید که تحقیق کند یا بدون تحقیق، این مأموریت را انجام دهد؟ پیامبر گزینه تحقیق را به او پیشنهاد کرد؛ با این عبارت که: «بل یری الشاهد ما لا یری الغائب». «آمین المؤمنین ﷺ به خانه ماریه قبطیه رفت. فرد قبطی را در آن جا یافت. وقتی آن قبطی، شمشیر را در دست امیر المؤمنین دید، ترسید و از نخل بالا رفت. در این هنگام بود که باد، پیراهن او را کنار زد و معلوم شد که او آلت مردانه ندارد. امیر المؤمنین ﷺ او را رها کرد و به نزد پیامبر ﷺ برگشت و آنچه را مشاهده کرده بود، به ایشان گزارش داد. پیامبر خوش حال شد و خدا را به این جهت که اهل بیت را از تهمت مردان بد، منزّه و پاک ساخته، ستایش کرد.^۲

۱. رساله حول خبر ماریه، ص ۱۶.

۲. همان، ص ۱۷-۱۸.

این خبر، برخی از آموزه‌های مسلم شیعه امامیه را درباره گستره علم پیامبر ﷺ و امامان ﷺ به چالش می‌کشد. در این رساله، سه سؤال مطرح شده و شیخ مفید به آنها پاسخ داده است:

۱. اعتبار و درستی خبر: شیخ مفید این خبر را مسلم و اتفاقی دانسته است.
 ۲. چرا پیامبر ﷺ در حالی دستور به قتل جریح داد که به تحقق جرم توسط وی، قطع و یقین نداشت؟
 ۳. چرا علی ﷺ از پیامبر پرسید که آیا این دستور (کشتن جریح) مطلق و در هر حالت است یا مشروط به اثبات تحقق جرم است؟^۱
- سؤال اول، ناظر به اسناد حدیث، ولی دومی و سومی، به محتوای آن مربوط اند. شیخ مفید ابتدا متذکر می‌شود که درباره این خبر، تفسیرها و برداشت‌های مختلف و گاه متناقضی توسط پیروان مذاهب و فرقه‌های کلامی، مطرح شده است که همگی فاسد و باطل اند. از آن جمله است:
۱. تفسیر غلات که به این سخن امیر المؤمنین ﷺ، جنبه رمزی داده‌اند و آن را دلیل بر آگاهی آن حضرت از همه چیز دانسته‌اند.
 ۲. تفسیر عامه (اهل سنت) و معتزله که آن را شاهد بر این گرفته‌اند که اشتباه و خطا در احکام، برای پیامبر نیز جایز است.
 ۳. تفسیر فرقه منتسب به موسی بن عمران که از آن، تفویض تشریع در احکام و چگونگی آن را به پیامبر ﷺ برداشت کرده‌اند.
 ۴. تفسیر اصحاب رأی و استحسان که این رفتار پیامبر را به عمل به رأی و استحسان توصیف می‌کنند.
 ۵. برداشت زنادقه و اهل ذمه که آن را به قرینه بر بی‌پایگی نبوت اسلام

پیامبر گرفته‌اند.^۱

شیخ مفید در توجیه و تأویل درست خبر ماریه، این عقیده را مطرح می‌کند که دستور پیامبر ﷺ، مطلق نبود و آن حضرت خود و نیز امام علی علیه السلام، به این مطلب واقف بودند. اما با این حال، چرا پیامبر امر را مطلق بیان کرد و در کلام خود، هیچ اشاره‌ای به قید آن نکرد؟ از یک سو، این بدان جهت بود که او می‌دانست علی علیه السلام به این قید و شرط، آگاهی دارد و دیگر نیازی به ذکر آن در خود کلام نبود. حضرت در این کلام، مطابق شیوه معمول در میان حکما و عرف اهل زبان، عمل کرد. به اقتضای عرف اهل زبان، امر حکما در اطلاق و تقیید و اجمال و تفصیل، تابع میزان فهم و معرفت و حکمت و ذکاوت فرد مأمور است؛ اگر مأمور در سطح عالی ذکاوت و معرفت و حکمت باشد، با اجمال و اطلاق سخن می‌گویند و اگر در سطح متوسط باشد، سخنشان با تأکید و بیان اضافی، همراه می‌شود و اگر در سطح پایین باشد، خواسته خود را با شرح و تفصیل و تکرار، بیان خواهند کرد. این، سیره همه عقلا و عرف اهل زبان است و از دیگر سو، پیامبر ﷺ با این کار (ترک قید)، می‌خواست فضیلت و علم لدنی امام علی علیه السلام را بر مردم آشکار سازد.

۶. تصحیح الاعتقاد

مؤلف: شیخ مفید

تحقیق: حسین درگاهی

ناشر: دار المفید، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

در تحقیق کتاب، از شش نسخه خطی استفاده شده است: دو نسخه در کتابخانه مجلس شورای اسلامی - یکی به تاریخ کتابت ۱۰۸۰ ق، با خط احمد بن عبد العالی میسی عاملی، و دیگری به تاریخ ۱۳۳۵ ق، که ناسخ آن دانسته نیست - و چهار نسخه

نیز در کتاب خانه آستان قدس رضوی: به خط مصطفی قلی حسینی قزوینی در ۱۰۷۹ ق، و به خط ابن زین العابدین محمد حسین ارموی نجفی در ۱۳۵۲ ق، و به خط شاه محمد بن زین العابدین در تاریخ ۱۰۴۲ ق، و چهارمین نسخه بدون تاریخ و نام ناسخ.^۱

کتاب تصحیح الاعتقاد با تحقیق هبة الدین حسینی شهرستانی، در سال ۱۳۶۳ ق، در تهران چاپ شد.^۲ در مصادر کتاب شناسی اولیه، در شمار تألیفات شیخ مفید، نامی از این کتاب نیامده؛ ولی در مصادر سده یازدهم به بعد، از آن با همین عنوان و یا با عنوان شرح عقائد صدوق، یاد شده است.^۳ تصحیح الاعتقاد، شرح نقد گونه ای است بر الاعتقادات شیخ صدوق که از مشایخ حدیث مؤلف بوده است. این کتاب در فقه الحدیث و نقد الحدیث، مفید و ارز شمند است.

نسخه چاپی این کتاب، شامل مقدمه محقق، مقدمه هبة الدین شهرستانی و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، به نسخه های خطی و کارهایی که در تحقیق کتاب انجام گرفته، اشاره شده است. مقدمه شهرستانی، درباره جایگاه و اهمیت کتاب است. در اصل کتاب، آرای شیخ صدوق به همراه شرح و گاه نقد شیخ مفید آمده است. شیخ مفید در این کتاب، از ۴۵ مسئله ای که در الاعتقادات شیخ صدوق آمده، به ۳۳ مسئله پرداخته است. نظم و ترتیب این مسائل، هماهنگ با نظم و سامان کتاب شیخ صدوق نیست. عنوان مسئله پایانی در هر دو کتاب، «الأحادیث المختلفة» است. تصحیح الاعتقاد با عبارت «قال الشيخ ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بابویه قمی المتوفی سنة ۳۸۱ فی رساله اعتقاداته...» آغاز می شود و نخستین مسئله آن، معنای آیه «یَوْمَ یُکْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَیُذْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ» است.^۴

۱. تصحیح الاعتقاد، ص ۴-۶.

۲. مجله تراث ج ۹، ص ۲۳۱.

۳. بحار الآثار، ج ۴، ص ۱۲۶؛ کنف الحجب و الأستار، ص ۱۲۴؛ الذریعة، ج ۴ ص ۱۹۳.

۴. تصحیح الاعتقاد، ص ۲۸.

روش پردازش مطالب کتاب، این گونه است که شیخ مفید با عنوان «قال ابو جعفر»، قول شیخ صدوق را ذکر و سپس شرح می‌کند. او یک شارح بی‌نظر و بدون رأی نیست؛ بلکه شارحی نقاد است. مبنای او در شرح و نقد آرای شیخ صدوق، قرآن، احادیث معصومان، عرف و استعمال اهل زبان،^۱ شعر،^۲ پیش فرض‌های کلامی و عقل، به عنوان منبع و ابزار است. وی در نقد احادیث، به نقد اسنادی و محتوایی، هر دو، توجه نشان داده است. در نقد اسنادی، به ضعف اسناد یا شاذ بودن آن و در نقد محتوایی، به مخالفت حدیث با قرآن، ناسازگاری و اختلاف درونی و نیز مخالفت با عقل و اخبار صحیح، پرداخته است. البته در مواردی، دیدگاه شیخ صدوق را تأیید کرده، آن را هماهنگ با معیارهای یاد شده دانسته است.^۳ در نقد اسنادی و محتوایی، از این دست عبارات، در کلام شیخ مفید آمده است: «این حدیث، متروک و غیر معمول به است و اسناد آن، رضایت بخش نیست»؛ «حدیث با زبان عرب، هماهنگی ندارد؛ زیرا در زبان و لغت عرب، علم به یک چیز، ملازم با آفرینش آن نیست»؛ «حدیث با قرآن مخالف است. قرآن داور و میزان حدیث صحیح و سقیم، و مقدم بر آن است»؛ «این حدیث، مرسل است»؛ «سخن شیخ ابو جعفر - که رحمت خدا بر او باد -، بی‌حاصل و متخالف و متناقض است و سبب این تخالف و تنافی، ظاهر برخی احادیث است که ناسازگاری درونی دارند و او از این ناسازگاری - به دلیل توجه به ظاهر -، غفلت کرده است»؛ «این احادیث، شاذ هستند و با فرض صحت و ثبت اسناد، نباید به ظاهرشان بسنده کرد. معانی، وجوه و تأویل آنها را عالمان می‌شناسند»؛^۴ «حدیثی که ابو جعفر از زراره نقل کرده، صحیح است و معنای آن، بر عقلا پنهان

۱. همان، ص ۵۴، ۳۰.

۲. همان، ص ۲۸ - ۲۹، ۷۶.

۳. همان، ص ۵۹.

۴. همان: به ترتیب: ص ۴۲، ۴۴، ۴۶، ۴۹، ۵۴.

نیست و هماهنگ با قول به عدل و مخالف با قول به جبر است؛^۱ یا «وی در این راستا، طریقه مثلی را پیش گرفته و مطابق با عقل، عمل کرده است».^۲

برای نشان دادن شیوه‌ای که برای شرح و نقد، در تصحیح الاعتقاد به کار رفته، دو مسئله «بدا» و «جدل» را برای نمونه، نقل می‌کنیم:

مسئلهٔ بدا

شیخ مفید روایات بدا را در اسناد، صحیح دانسته و به شرح و تأویل آنها پرداخته است. او متذکر شده که بدا در اصل، به معنای ظهور است. این معنا، در قرآن آمده - مانند: آیه «وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَالٌ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ» و آیه «وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَخَافَ بِهِمْ» - و مطابق عرف و استعمال اهل زبان نیز است. از این رو، مراد از بدا در باره خدا، تعقب رأی و نظر و آشکار شدن امری بر او پس از آن که بر وی پوشیده بود، نیست. به عقیدهٔ شیخ مفید، بدا در باره خدا، در دو جامی تواند به کار رود: یکی در باره فعلی که به گونه معمول و متعارف و مطابق حساب عادی و ظن غالب، انجام نمی‌گیرد. به موجب این معنا، منظور امام صادق علیه السلام که فرمود: «ما بدا لله فی شیء کما بداله فی إسماعیل»، اهمیت مورد است. در شرایطی که ظن غالب، بر وقوع قتل توسط ابراهیم بود و خوف تحقق آن وجود داشت، خدا بر ابراهیم لطف کرد. مؤید این معنا، سخن دیگر امام صادق علیه السلام است که فرمود: «کان القتل قد کتب علی إسماعیل مرتین، فسألت الله فی دفعه عنه فدفعه».

مورد دوم کاربرد بدا، در افعال است. به استناد آیات قرآن، اجل دو گونه است: اجل قطعی و اجل قابل افزایش و کاهش: «ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ»، «وَمَا يُعْمَرُ مِنْ مُّعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَضُ مِنْ عُمرِهِ إِلَّا فِی كِتَابٍ» و «لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَأَتَّقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ». اجل غیر قطعی، تابع عمل خیر و ناشایست است. نوح

خطاب به قومش می‌گوید: ﴿اَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا﴾. شیخ مفید در پایان این بحث، به قول برخی از علمای امامیه با عنوان «بعض اصحاب» اشاره کرده است. بر اساس این قول، چون بدا در لغت در معنای تعقّب و تبدّل رأی به کار می‌رود، اطلاق آن بر خدا مجاز و استعاره است؛ چنان‌که اطلاق غضب و رضا چنین است. وی متذکّر می‌شود که اعتقاد به این قول، با وجود اطلاق بدا بر خدا در روایات، مضر به مذهب نیست.^۱

جدال درباره خدا

شیخ صدوق روایاتی را در نهی از جدال درباره خدا نقل کرده است؛ مانند این روایت از امام صادق (ع): «یَهْلِكُ أَهْلُ الْكَلَامِ وَ يَنْجُو الْمُسْلِمُونَ».

اما شیخ مفید، جدال را دو قسم دانسته است: جدال حق و جدال باطل. جدال حق، پسندیده و مطلوب است و جدال باطل، ناپسند و غیر مطلوب. وی در این راستا، به چند آیه قرآن و روایت استناد کرده است. از جمله، به این آیه خطاب به پیامبر: ﴿وَجَبِلْهُمْ بِآلَتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ یا به عموم مسلمانان: ﴿وَلَا تُجَبِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾، ﴿قَالُوا يَنْتُحِ فَدَجِدَلْنَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدْلَنَا﴾، ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُجَدِّلُونَ فِيَّ ءَايَتِ اللَّهِ أَنِّي يُضَرِّفُونَ﴾، ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ حَاجَّ إِبرَهِيمَ فِي رَيْبِهِ﴾، ﴿وَبَلَكَ حُجَّتْنَا ءَاتَيْنَهَا إِبرَهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ يَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَن نَّشَاءُ﴾، ﴿قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِّنْ عِلْمٍ فَتُخَرِّجُوهُ لَنَا﴾.

شیخ، مطلب را این گونه ادامه داده است که افزون بر خود ائمه (ع)، بزرگان اصحاب آنان نیز در اعصار مختلف، همواره در باره دین خدا با مخالفان، مناظره و جدل و احتجاج می‌کردند و مورد تشویق ائمه (ع) نیز قرار می‌گرفتند. وی در این زمینه، از کتاب الکافی کلینی - که آن را «أَجَلُ كِتَابِ الشَّيْعَةِ وَأَكْثَرُهَا فَائِدَةً» توصیف کرده -، گفتگوی یونس بن یعقوب با امام صادق (ع) را به هنگام ورود فردشامی برای

مناظره، نقل می‌کند. به موجب این حدیث، امام صادق علیه السلام به یونس خطاب می‌کند که دوست دارد او که خوش‌سخن است، با فرد شامی مناظره کند. یونس اشاره می‌کند که شنیده است آن حضرت خود، از کلام (مناظره در باره خدا) نهی کرده است. پس از آن که یونس شنیده خود را کامل ذکر می‌کند، امام صادق علیه السلام در پاسخ او می‌فرماید: «إنما قلت ویل لهم إذا ترکوا قولی و صاروا إلى خلافه». سپس امام علیه السلام حمران بن أعین و محمد بن طیار و هشام بن سالم و قیس ماص را فرا می‌خواند و آنان در حضور او، درباره خدا سخن می‌گویند....^۱

۷. أمالی المرتضی

مؤلف: سید مرتضی علم الهدی

تصحیح و تعلیق: محمد ابوالفضل ابراهیم

ناشر: دار الفکر العربی، قاهره، ۱۹۹۸ م (دو جلدی).

چند نسخه خطی از این کتاب موجود است که همگی متعلق به سده ششم اند و کهن‌ترین آنها در سال ۵۴۴ ق، استنساخ شده است.^۲ الأمالی سید مرتضی بارها چاپ شده است؛ از جمله، با تصحیح و تعلیق شیخ احمد بن امین شتیعی در سال ۱۳۲۵ ق، در سه مجلد.

این کتاب افزون بر عنوان الأمالی، با عنوان الغرر^۳ و الغرر و الدرر^۴ و الأمالی فی التفسیر^۵ نیز ذکر شده است. الأمالی، بر پایه مجالس املای سید مرتضی با یک تکمله، سامان یافته است. تاریخ شروع مجالس، معلوم نیست؛ ولی پایان آن بر اساس گفتار

۱. همان، ص ۶۸-۷۳.

۲. الأمالی، سید مرتضی، ص ۲۱-۲۳، مقدمه محقق؛ فهرس التراث، ج ۱، ص ۴۹۸.

۳. رجال النجاشی، ص ۲۷۰.

۴. الفهرست، طوسی، ص ۱۶۴؛ معالم العلماء، ص ۱۰۴؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۱۸۲؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۱؛

وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۰۱.

۵. الذریعه، ج ۳، ص ۳۱۱.

محمد بن حسن بن حمزه جعفری در پایان نسخه کتاب، در جمادی اولی سال ۴۱۳ ق، بوده است.^۱ بر پایه نسخه چاپی کتاب، شمار مجالس، هشتاد مجلس است. عنوان مجالس کتاب، در دو سوم آنها، تأویل یک یا چند آیه از قرآن است و در مجالس دیگر، تأویل روایات. هر مجلس، با بحث کلامی یا ادبی آغاز می شود. مطالب مجالس، نشان می دهد که نظم و انسجام معنایی و موضوعی، بر آنها حاکم نیست و گویا سید مرتضی به تناسب حال مخاطبان یا از باب تنوع در مطالب، از یک موضوع به موضوع یا موضوعات دیگر منتقل شده است. بسیار مشاهده می شود که پس از تأویل آیه ای، به تأویل حدیثی پرداخته است که به ظاهر، ارتباط معنایی با آن آیه ندارد و یا به نقل نظم یا نثری از ادبای معروف، روی آورده است.

سید مرتضی در این کتاب، تحت عنوان «تأویل» به بررسی معنای درست^{۳۱} روایات پرداخته است. این روایات، مرسل نقل شده اند و موضوعشان کلام، اخلاق و آداب و گاه مسائل فقهی است. مؤلف در تبیین معنای درست روایت - که معمولاً از آن به تأویل، تعبیر می کند -، کلمات و عبارات ذو وجوه و مورد اختلاف، و گاه معنای کامل روایت را مورد بحث و بررسی قرار می دهد. وی در این زمینه، معمولاً دیدگاه های مختلف؛ بویژه آرای ابن قتیبه و قاسم بن سلام و ابن انباری را نقل و نقد می کند. گاهی نیز پس از برشمردن همه وجوه محتمل و مختلف در معنای یک واژه یا معنای حدیث، وجه درست و سازگار با آموزه های مذهب امامیه را با ذکر دلیل، بیان می کند.

سید مرتضی در تأیید تأویل درست حدیث، افزون بر قرائن شعری و ادبی، لغت، فهم عقلی، حدیث و قرآن، بر کلام برخی از صاحبان ادب و فرهنگ رایج عرب جاهلی نیز تکیه کرده است. از این رو، کتاب اُمالی سید مرتضی، در زمینه نقد الحدیث و فقه الحدیث ارزشمند است. احادیث کتاب، به نقل از ابو هریره، ابو عبیده

قاسم بن سلام، ابو مسعود بلری، صفوان بن یحیی، عبد الله بن عمر، عقبه بن عامر، عبد الله بن مسعود و زید بن سالم، و گاه بدون اشاره به نام راوی، از پیامبر ﷺ، امیر المؤمنین، امام صادق و امام رضا علیهم‌السلام نقل شده است.

۸. دلیل النص بخبر الغدير

مؤلف: ابو الفتح کراچکی

تحقیق و تخریج: علاء آل جعفر

ناشر: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم، ۱۴۱۶ ق.

گویا یک نسخه خطی از این کتاب - که در سال ۶۷۷ ق، کتابت شده - با عنوان کز الفوائد، در کتابخانه آستان قدس رضوی است.^۱ محقق کتاب از این نسخه خطی و به طور خاص، از نسخه چاپی آن با تحقیق عبد الله نعمت، استفاده کرده است.

کتاب دلیل النص با کز الفوائد با تحقیق شیخ عبد الله نعمت، در سال ۱۳۲۲ ق، همراه با کز الفوائد، و با تحقیق أسامة آل جعفر، در سال ۱۴۱۰ ق، جداگانه چاپ شد.^۲ موضوع این کتاب، شرح حدیث معروف به غدیر با محوریت واژه «مولی» است. دلیل النص افزون بر ارزش روایی، ارزش فقه الحدیثی دارد.

نسخه چاپی کتاب، شامل مقدمه محقق کتاب، مقدمه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، پس از شرح حال مؤلف و بحث درباره انتساب کتاب به مؤلف، به نسخه خطی و چاپی کتاب و موضوع آن اشاره شده است. محقق، مصادر اقوال و روایات کتاب را نیز در پاورقی، ذکر کرده است. مقدمه مؤلف، به انگیزه تألیف اختصاص دارد. به موجب این مقدمه، یکی از دوستان کراچکی درباره حدیث غدیر - که مهم‌ترین سند شیعه بر امامت و خلافت امام علی علیه‌السلام است - چهار پرسش مطرح کرده است. کراچکی در این کتاب، با استناد به قرآن، روایات، لغت، شعر، سیاق و

۱. دلیل النص بخبر الغدير، ص ۳۰-۳۱، مقدمه محقق.

۲. تراث، ش ۲۱، ص ۴۲۱-۴۵۴.

تبادر عرفی، به این پرسش‌ها پاسخ داده است. وی پس از بررسی همه تأویلات محتمل در واژه مولا، معنای خلافت و اولویت در تصدی امامت مسلمانان را با استناد به دلایل، اختیار کرده است.^۱ پرسش‌های چهارگانه‌ای که انگیزه این تألیف را فراهم کرده‌اند، عبارت‌اند از:

۱. دلیل بر درستی خبر غدیر چیست؟ چرا که قول به بطلان آن نیز وجود دارد.
۲. دلیل بر دلالت لفظ مولا بر اولویت به عنوان یکی از معانی محتمل آن، چیست؟
۳. در صورتی که اولویت را یکی از معانی محتمل مولا بدانیم، به کدام دلیل مراد از آن در حدیث غدیر، اولویت است و لاغیر؟
۴. به کدام دلیل مراد از اولویت، امامت است؟ این معنا از کجای کلام استفاده می‌شود؟

کراجکی در پاسخ به این پرسش‌ها، افزون بر قرآن، روایات، عقل و لغت، از شعر نیز بهره برده است؛ بویژه از کتاب معروف المجاز فی القرآن ابو عبیده معمر بن مثنیٰ - که منزلت و جایگاه او در علم عربی معروف است - و شعر لبید و معانی القرآن.^۲ وی در پاسخ پرسش اول، به اتفاق فریقین، بر حدیث غدیر اشاره کرده و متذکر شده است که هیچ یک از عالمان؛ بویژه اهل سنت، در اعتبار این حدیث تردید نکرده‌اند. ایرادها یا نقدهایی که مطرح شده، درباره محتوای آن است. البته کراجکی به انکار ابن ابی داوود سجستانی، جاحظ و خوارج نیز اشاره کرده؛ ولی توضیح داده است که انکار آنان، اجماع مسلمانان بر اعتبار حدیث غدیر را از میان نمی‌برد؛ زیرا اگر قول شاذ مخالف یا رأی مستحدث، چنین اعتباری داشته باشد، هیچ اجماعی تحقق پیدا نمی‌کند. از این گذشته، گویا ابن ابی داوود از این نسبت، تبرّی جسته است و حال

۱. دلیل النص، ص ۳۷-۳۹.

۲. همان، ص ۴۴-۴۵.

جاحظ نیز معلوم است؛ زیرا معروف است که جاحظ در کتاب‌های خود، اقوال و آرای متضاد و متنافی و سست و خلاف واقع، فراوان دارد. خوارج نیز بزرگ‌ترین دشمنان امیر المؤمنین بودند و از این رو، سخن آنها صلاحیت بی اعتبار کردن خبر غدیر را ندارد.

کراچکی در پاسخ پرسش دوم، اشاره کرده که کمترین آشنایی با لغت عرب و اهل آن، معلوم می‌دارد که یکی از معانی مولا، اولویت است. وی به ده معنا که در لغت برای مولا آمده، اشاره کرده است: ۱. اولی - که معنای اصلی واژه مولا، همین معناست و سایر معانی، به آن بازگشت می‌کنند - ۲. مالک رق، ۳. معتق رق، ۴. معتق، ۵. پسر عمو، ۶. ناصر، ۷. متولی ضمان جریره، ۸. هم پیمان، ۹. همسایه، ۱۰. امام و سید مطاع.

در جواب کراچکی به پرسش سوم، آمده است که سیاق کلام و به عبارتی صدر کلام، در فهم درست ذیل کلام، نقش دارد. عادت اهل لسان، بر این است که معنای محتمل معطوف به معنای مصرح را در معنای مصرح، اراده می‌کنند. در صدر حدیث غدیر، به واژه «اولی» تصریح شده است. سپس در ذیل آن، عبارت «من کنت مولاہ فعلی مولاہ» بر آن عطف شده است. پس گرچه واژه «مولی» می‌تواند به یکی از معانی دهگانه باشد؛ در این حدیث به قرینه معنای اولویت در صدر آن، بر حسب عرف، خطاب به معنای اولویت است و لا غیر. به علاوه، عبارت نبوی «من کنت مولاہ فعلی مولاہ» از دو حالت خارج نیست: یا مراد از آن، اولویت است - به قرینه عرف اهل کلام -، یا یکی از نه معنای دیگر است. اگر معنای اول باشد، مطلوب حاصل است و اگر غیر آن باشد، لازم می‌آید که پیامبر در خطاب به مردم، کلامی گفته باشد که ممکن است مردم خلاف مراد او را برداشت کنند و راهی هم برای تشخیص مراد پیامبر، وجود نداشته باشد. حال آن که نسبت دادن چیزی به پیامبر، به استناد عقل، درست نیست.

کراچکی در پاسخ به پرسش چهارم نیز باز به عرف اهل لغت استناد کرده است. اهل لغت، وصف مولا را برای کسانی به کار می‌برند که مالک تدبیر و تصرف و امر و نهی در متعلق اولویت باشند. مثلاً می‌گویند: «سلطان در اجرای حدود، اولاً از رعیت است» و «مولا نسبت به بنده‌اش، اولاً است» و «زوج، اولاً به زوجه خویش است».

رجال، تراجم و کتاب شناسی

۱. رسالة أبي غالب الزراري

مؤلف: ابو غالب زراری

تحقیق: سید محمد رضا حسینی جلالی

ناشر: مرکز البحوث و التحقیقات الإسلامية، قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.

تُه نسخه خطی از این رساله، همراه با تکملة ابن غضائری وجود دارد که همگی متعلق به سده سیزدهم و چهاردهم‌اند. از جمله: نسخه کتاب خانه آستان قدس، نسخه مرکز احیاء میراث اسلامی با تاریخ ۱۳۴۸ ق، و نسخه کتاب خانه آیه الله مرعشی با تاریخ ۱۳۵۹ ق.^۱ این کتاب بارها چاپ شده است. از جمله، در بغداد با تحقیق شیخ محمد حسن آل یاسین (در سال ۱۳۷۳ ق) و با شرح سید محمد علی ابیطحی موحد اصفهانی (در سال ۱۳۹۹ ق).^۲

این کتاب با عنوان رسالة أبي غالب إلى ابن ابته،^۳ رسالة أبي غالب،^۴ رجال أبي غالب^۵ و الإجازة،^۶ معرفی شده است. این رساله افزون بر آن که بیانگر گونه خاصی از تألیف در سده چهارم است، در زمینه تاریخ، رجال و کتاب شناسی نیز ارزش فراوان دارد و

۱. رسالة أبي غالب الزراري، ص ۲۵. مقدمة محقق؛ فهرس التراث، ج ۱، ص ۴۱۰؛ فهرستگان نسخه‌های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، ص ۱۳۴-۱۳۵.

۲. مجلة تراث، ج ۲۹، ص ۱۳۴.

۳. رجال التجاني، ص ۷۵؛ الفهرست، طوسی، ص ۷۷.

۴. الذريعة، ج ۱۱، ص ۷.

۵. همان، ج ۱۰، ص ۹۳.

۶. همان، ج ۱، ص ۱۴۳.

انتساب آن به ابو غالب زراری، معروف است. رساله ابو غالب، از مصادر کتاب‌های رجال، تاریخی و کتاب‌شناسی است. نجاشی، شیخ طوسی و علامه حلی در کتاب‌های رجال و کتاب‌شناسی خود و نیز شیخ حرّ عاملی، محمد باقر مجلسی و میرزا حسین نوری در رجال و کتاب‌شناسی، از آن استفاده کرده‌اند. ابو غالب این رساله یا اجازه را برای تنها بازمانده خاندان اَعین - که نوه پسریش محمد بن عبد الله بن احمد بود و چهار سال پیش نداشت -، تألیف کرد.^۱ وی این رساله را در ذی قعدة سال ۳۵۶ ق، تألیف کرد و در سال ۳۶۷ ق، به بازنگری و اصلاح آن پرداخت.^۲

انگیزه اصلی ابو غالب از تألیف این رساله، آن بوده که در فقدان فرد یا افراد تداوم بخش سلسله پرافتخار خاندان اَعین و در حال پیری و ضعف خود وی و نیز کوچک بودن تنها بازمانده خاندان یاد شده، میراث گران‌بهای را که از تاریخ و افتخارات محدّثان و راویان آل اَعین به او رسیده بود و نیز کتاب‌های را که از خود و مشایخ خود در اختیار داشت و نسبت به انتساب آن کتاب‌ها به مؤلفان آنها اعتماد داشت، در اختیار نوه خود قرار دهد تا شاید بدین وسیله، [این افتخارات و ارزش‌ها، در] نسل آل اَعین ادامه پیدا کند.^۳ بر این اساس، ابو غالب زراری ابتدا به معرفی خاندان اَعین - از زُراه و حمران بن اَعین تا پدر خود و سپس خود و تنها فرزندش - پرداخته و مشایخ خود را نیز ذکر کرده است. وی در این باره، بنا به نقلی که در اختیار دارد، متذکر شده که آل اَعین، همگی اهل علم و حدیث و از دل‌دادگان اهل بیت پیامبر ﷺ بوده‌اند و شمار محدّثان آن خاندان، به شصت نفر می‌رسد.^۴

نکته مهم در این قسمت، آن است که ابو غالب در نقد و جرح و تعدیل راویان، بر مبنای اعتبار و وثاقت راوی عمل می‌کرده و نوع مذهب را دخالت نمی‌داده است. مثلاً

۱. رساله ابی غالب، ص ۴۲.

۲. همان، ص ۴۵.

۳. همان، ص ۴۲.

۴. همان، ص ۲، ص ۶، ص ۱۷.

وی از حمید بن زیاد و ابو عبد الله ثابت و احمد بن محمد ریحان که واقفی بودند، روایت کرده و درباره آنها متذکر شده است که: «آنها افرادی فقیه، قابل اعتماد در حدیث (تفه در حدیث) و کثیر الروایه‌اند».^۱ ظاهراً بخش مهم‌تر کتاب، کتاب‌شناسی آن است. وی در بخش یاد شده، کتاب‌های خود و نیز کتاب‌های مشایخ و دیگر محدثان را که در اختیار داشته، معرفی کرده و متذکر شده که از مؤلفان کتاب‌های یاد شده، اجازه روایت دارد. نکته قابل توجه و بسیار مهمی که اعتبار این رساله را بیشتر می‌کند، این است که ابو غالب در معرفی بسیاری از این کتاب‌ها، نحوه روایت کتاب را از حیث سماع و اجازه و حتی زمان اجازه یا سماع، ذکر کرده است.

این رساله یکی از کهن‌ترین کتاب‌ها در فن تراجم و شرح حال‌نگاری است و چون مؤلف، یکی از افراد خاندان اعین بوده، با دقت بسیار شرح حال ایشان را نوشته است. همچنین، این رساله به گفته آقا بزرگ تهرانی، از کهن‌ترین اجزای است که از قدما به دست ما رسیده، و عده‌ای از علما این رساله را یکی از اصول دانش رجال شمرده‌اند و آن را بر کتب پنجگانه رجالی مشهور، مقدم دانسته‌اند. به هر روی، رساله ابو غالب، در اختیار شیخ حر عاملی، علامه مجلسی و شیخ یوسف بحرانی (م ۱۱۸۶ ق) بوده است. علامه مجلسی در فصل معرفی مصادر کتاب بحار الاثوار، وعده داده که آن را در قسمت اجازات بیاورد؛ ولی با مراجعه به مجلدات پایانی کتاب بحار الاثوار، این رساله یافت نشد. محدث بحرانی نیز تمام آن را در کتاب کشکول خود ذکر کرده است.^۲

ابن غضائری که راوی این رساله است، تکمله کوتاهی بر این رساله نوشته که در اغلب نسخه‌ها همراه با اصل رساله است. نیز سید محمد علی موحد ابطحی، با شرح رساله ابو غالب و تکمله ابن غضائری، کتابی با عنوان تاریخ آل اعین نوشته و در آن، به شرح حال این خاندان پرداخته است.

۱. همان، ص ۴۱.

۲. کنکول، ج ۱، ص ۱۸۰-۲۲۰؛ الذریعة، ج ۱، ص ۱۴۴.

۲. تکملة رسالة أبي غالب الزرّارى

مؤلف: حسين بن عبيد الله غضائرى

شرح و تحقيق: محمد على موحد ابطحي

ناشر: مطبعة ربّانى، ۱۳۹۹ ق.

اين رساله، چه همراه با رساله ابو غالب زرّارى و چه جداگانه، بارها چاپ شده است. از جمله، با تحقيق محمد رضا حسيني، در سال ۱۴۱۱ ق، با رساله أبى غالب الزرّارى.

در تحقيق كتاب، از چند نسخه خطّى كه معمولاً همراه با رساله ابو غالب است، استفاده شده است.^۱ اين كتاب در برخى از مصادر كتاب شناسى متأخر، چون الفوائد الرجالية،^۲ خاتمة مستدرک الوسائل والذريعة ذكر شده است.^۳ تكملة ابن غضائرى، مختصر و کوتاه، در راستای تکميل رساله ابو غالب زرّارى تأليف شده است. مؤلف در اين كتاب، كسانى از خاندان اعين را كه در رساله ابو غالب نيامده اند، از منابع ديگرى مانند: منتخبات جعفر بن قولويه،^۴ دست نوشته هاى ابو الحسن محمد بن احمد بن داوود قمى و رجال عقيقى، فراهم آورده است.^۵

۳. الضعفاء

مؤلف: ابن غضائرى

تحقيق: سيد محمد رضا حسيني جلالى

ناشر: دار الحديث، قم، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.

۱. رساله أبى غالب الزرّارى، ص ۱۵، مقدّمه حسيني جلالى؛ شرح تكملة رساله أبى غالب، ص ۷۵.

۲. الفوائد الرجالية، ج ۱، ص ۲۳۶، ۲۴۴.

۳. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۴۴۵؛ الذريعة، ج ۱۱، ص ۷-۸.

۴. شرح تكملة رساله أبى غالب، ص ۹۷.

۵. همان، ص ۱۰۰، ۱۰۱.

در تحقیق این کتاب، از دو نسخه خطی استفاده شده است: نسخه دانشگاه تهران (کتابت در: ۱۳۶۳ ق) و نسخه کتابخانه آیه الله مرعشی (کتابت در: ۱۳۵۵ ق).^۱

این کتاب افزون بر عنوان الضعفاء،^۲ گاه بدون عنوان خاص^۳ و گاه به نام رجال ابن غضائری^۴ ذکر شده است. الضعفاء تا عصر نجاشی و شیخ طوسی، موجود بود و پس از آن، تا حدود دو قرن نایاب شد. در سده هفتم، احمد بن طاووس حلّی (م ۶۷۳ ق) نسخه‌ای از آن را یافت و مطالب آن را در کتاب رجالی حلّ الإشکال خویش گنجاند. پس از او، ملا عبد الله شوشتری (م ۱۰۲۱ ق) نسخه‌ای از حلّ الإشکال ابن طاووس را به دست آورد و کتاب الضعفاء ابن غضائری را استخراج و جداگانه تحریر کرد. آنچه امروزه از کتاب ابن غضائری در دست است، همان تنظیم و ترتیب شوشتری است.^۵

کتاب الضعفاء در نوع خود در حوزه شیعه، کتابی نو و بدیع است. مؤلف در این کتاب، همانند برخی رجال‌شناسان اهل سنت و شاید متأثر از آنها، تنها به ذکر راویان ضعیف یا افرادی که متهم به ضعف شده‌اند، پرداخته است. مؤلف در این کتاب برای بیان ضعف افراد، واژه «طعن» را - گاه مطلق و گاه به صورت مضاف - به کار برده است، مانند: «طعن أصحابنا فيه»، «طعن في عدالته»، «طعن عليه بالغلو»، «طعن عليه بفساد مذهبه»، «طعن في مذهبه، لا في نفسه»، «الطعن إنما وقع على دينه»، «الطعن فيه، لا في من أخذ عنه»، «ليس الطعن فيه، إنما الطعن في من يروي عنه».^۶

ملاحظه این گونه تعابیر، نشان می‌دهد که اولاً: ابن غضائری در تضعیف رجال، بر

۱. الرجال، ابن الغضائری، ص ۳۱-۳۲.

۲. تحریر الطاووسی، ص ۴-۵: رجال ابن داود، ص ۲۵-۲۶.

۳. خلاصة الأحوال، ص ۳۷۷، ۴۱۴.

۴. الرجال، ابن الغضائری، ص ۳.

۵. تحریر الطاووسی، همان جا؛ مجمع الرجال، ج ۱، ص ۱۰؛ سماء المقال، ج ۱، ص ۲۰؛ الذريعة، ج ۱، ص ۲۸۸؛

معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۴۴، ۱۱۴؛ کلیات فی علم الرجال، ص ۸۵.

۶. ر.ک: الرجال، ابن الغضائری.

دو عامل - یکی مذهب و دین (اثنا عشری) و دیگری صداقت و اجتناب از دروغ‌گویی در کلام و نقل (عدالت) - تکیه کرده است. وی فقدان این شرایط یا یکی از آنها را در خود راوی یا شیخ راوی، سبب ضعف او دانسته است. ثانیاً: وی در تضعیف، بر بُعد اثباتی تکیه کرده و معتقد بوده که عدم طعن، مساوی با توثیق است.^۱ در انتساب کتاب الضعفاء به ابن غضائری، تا سده چهاردهم تردیدی صورت نگرفته بود.^۲ تنها در این میان، شهید ثانی و محقق خوانساری آن را به پدر او، حسین بن عبید الله غضائری (م ۴۱۱ ق)، نسبت داده‌اند.^۳ این در حالی است که شهید در تعلیقات خود بر خلاصة الاقوال علامه حلی، از عبارات علامه استفاده می‌کند که مراد از ابن غضائری - که مکرر در این کتاب ذکر شده -، احمد بن حسین بن عبید الله غضائری است.^۴ اما در سده چهاردهم و پانزدهم، عده‌ای از علمای کتاب‌شناسی و رجال، با تردید در انتساب کتاب الضعفاء به ابن غضائری، آن را ساخته و پرداخته مخالفان شیعه و یا دست کم، محرّف و دست‌خورده، توصیف نموده‌اند.^۵ ادعای گروه یاد شده، به طور عمده به دو مطلب استناد داده شده است: یکی عدم وصول نسخه کتاب از طریق قابل قبول، و دیگری کثرت تضعیفات و جرح.

کتاب الضعفاء، از سده هفتم به بعد، از مصادر کتاب‌های رجالی شمرده شد. برخی بر این کتاب اعتماد کرده‌اند؛ اگرچه در مقام تعارض، گاه آرای امثال نجاشی و شیخ را

۱. ر.ک: همان، ص ۲۲-۲۵ (مقدمه محقق).

۲. ر.ک: خلاصة علامه، ص ۳۶ و ۳۷ (به نقل از: سماء المقاله ج ۱، ص ۱۱۹)؛ رجال ابن داوود، ص ۲۵-۲۶؛ الرواشح الساویة، ص ۱۱۱-۱۱۴؛ مجمع الرجال، ج ۱، ص ۱۱؛ أمل الأمل، ج ۲، ص ۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۴۱؛ نقد الرجال، ج ۱، ص ۱۱۹؛ الفوائد الرجالية، ج ۲، ص ۴۹-۵۰. سماء المقاله ج ۱، ص ۱۴؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۸؛ لمرجال، ابن الغضائری، ص ۱۷ (مقدمه محقق).

۳. سماء المقاله ج ۱، ص ۱۶؛ معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۴۴؛ کلیات فی علم الرجال، ص ۸۴.

۴. سماء المقاله ج ۱، ص ۲۰.

۵. ر.ک: الذریعة، ج ۲، ص ۲۹۰ و ج ۱۰، ص ۹۱؛ معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۹۵-۹۶، ۲۰۸؛ بحوث فی فقه الرجال، فانی، ص ۲۹.

ترجیح داده‌اند.^۱ برخی نیز اگرچه بر آن اعتماد نکرده‌اند، مطالب آن را در کنار دیگر اقوال، ذکر و گاه نقد کرده‌اند.^۲ عده‌ای دیگر که بر کتاب ابن غضائری اعتماد نکرده‌اند، معتقدند که اولاً وی در آرای رجالی خود، بر پایه‌ی اجتهاد عمل کرده و ثانیاً، در جرح به اموری مانند غلو تمسک کرده که یا سبب جرح نیستند و یا در سببیت آنها اختلاف است، و ثالثاً، وی عده‌ی بسیار زیادی را جرح و تضعیف کرده است. به همین جهت، درباره‌ی او چنین عباراتی به کار رفته است: «کسی از دم تیغ طعن او، سالم خارج نشده است»، «راوی سالم، کسی است که از زیر دست او سالم بیرون آمده باشد»، «جرح او، در واقع، مدح است» و «وی فردی طعان است».^۳

نسخه‌ی چاپی الضعفاء، شامل این بخش هاست: مقدمه‌ی محقق، مقدمه‌ی کوتاه تستری، اصل کتاب، مستدرک کتاب و فهرست‌های عموی آن. مقدمه‌ی محقق، در شرح حال مؤلف، آثار او، انتساب کتاب به ابن غضائری، معرفی کتاب و شیوه‌ی نقد و جرح رجال، و معرفی نسخه‌های خطی کتاب است.

در اصل کتاب، نام ۱۶۰ راوی با ذکر مورد جرح هر کدام، آمده است. مطالب بر اساس اسامی راویان از الف تا یاء، و یک باب با عنوان کنیه، سامان یافته است.

قسمت پایانی کتاب، ذکر راویانی است که در رجال النجاشی و خلاصه‌ی الأقوال علامه‌ی حلی و رجال ابن داود، درباره‌ی آنها مطلبی از ابن غضائری نقل شده است. محقق کتاب این موارد را تحت عنوان «مستدرکات» آورده است.

کار دیگر محقق، نگارش فهرست کتاب در این موارد است: ۱. فهرس أسماء الأعلام، ۲. فهرس کنی الأعلام، ۳. فهرس ألقاب الأعلام و أنسابهم، ۴. فهرس ألقاب

۱. مانند ابن طاووس (به نقل از: التحریر الطاووسی؛ خلاصه‌ی علامه؛ رجال ابن داود؛ نقد الرجال؛ الفوائد الرجالية و سماء المقال).

۲. مانند صاحبان رسائل الشیعه و خاتمه‌ی مستدرک لوسائل.

۳. الذریعة، ج ۲، ص ۲۹۸ و ج ۱۰، ص ۸۹؛ الرجال، ابن الغضائری، ص ۲۱ (مقدمه‌ی محقق).

الجرح و التعديل كما جاءت في الكتاب، ۵. فهرس المصطلحات و الألفاظ الخاصة، ۶. فهرس المواضع و البلدان، ۷. فهرس الكتب غير المصادر و المراجع، ۸. فهرس المصادر و المراجع، ۹. فهرس المحتوى.

۴. رجال النجاشي

مؤلف: نجاشي

تحقيق و تصحيح: سيد موسى شبيري زنجاني.

ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي (انتشارات جامعه مدرسين)، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ ق.
در تحقيق اين كتاب، از چهارده نسخه خطي استفاده شده است^۱ كه كهـن ترين نسخه، متعلق به سال ۹۸۲ ق، است.^۲ رجال نجاشي در سال ۱۳۹۷ ق، با تحقيق محمد جواد غروي نائيني، و در سال ۱۴۰۷ ق، با تحقيق سيد موسى شبيري زنجاني چاپ شده است.

عنوان اصلي كتاب نجاشي، دانسته نيست. در برخي مصادر، و نيز به موجب برخي نسخه‌هاي خطي كتاب، نام آن فهرست اسماء مصتفي الشيعة ذكر شده است.^۳ گويـا عنوان الرجال، در سده هشتم و توسط علامه حلي و ابن داود، مطرح شده است.^۴ به هر روي، اين كتاب كه انتسابش به نجاشي، معروف و حتي متواتر است از مصادر كتاب‌هاي رجالي و حديثي است. نسخه چاپي آن شامل مقدمه محقق، مقدمه مؤلف و اصل كتاب است. مقدمه محقق، به نسخه‌هاي خطي و چاپي كتاب و نيز كارهايي كه در جهت تصحيح آن انجام شده، اشاره دارد. مقدمه کوتاه مؤلف، درباره انگيزه تأليف و برخي از ويژگي‌هاي كتاب است. به موجب اين مقدمه، اتهام مخالفان به شيعة كه

۱. رجال النجاشي، ص ۲.

۲. الذريعة، ج ۱، ص ۱۵۴؛ رجال النجاشي، همان جا؛ فهرس التراث، ج ۱، ص ۵۲۱.

۳. فرج المهيوم، ص ۹۷، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۳۰؛ فتح الأبواب، ص ۱۹۰، ۲۴۳؛ الفوائد الرجالية، ج ۲، ص ۳۰-۳۱.

۴. خلاصة الأقوال، ص ۷۲؛ رجال، ابن داود، ص ۲۵، مقدمه محقق.

پیشینه تألیف و کتاب ندارند، انگیزه لازم را برای تألیف این کتاب فراهم آورده است. نیز همه تألیفات عالمان امامی، به جهت کثرت و پراکندگی شان، در این کتاب ذکر نشده است و برای اختصار، به ذکر یک طریق به صاحب کتاب، بسنده شده است.

در اصل کتاب، ۱۲۶۹ نفر از رجال و مؤلفان شیعه معرفی شده‌اند. گو این که هدف اصلی نجاشی، ذکر تألیفات و آثار بوده؛ ولی معلوم است که بدون معرفی مؤلف، معرفی تألیف انجام نمی‌گیرد. در شرح حال مؤلفان، افزون بر اسامی، کنیه‌ها، القاب و انساب، به اقوال مطرح در مدح و ذم آنان، و گاه به نام راویان و مشایخ و سال وفات آنان نیز اشاره شده و در معرفی آثار، ذکر کتاب‌ها و رساله‌ها و طریق نجاشی به آنها آمده است. به موجب نسخه‌هایی از رجال نجاشی، این کتاب شامل دو جزء بوده است که جداگانه نگارش شده‌اند: جزء نخست، از حرف الف تا عین و جزء دوم از حرف عین تا پایان کتاب.^۱ در نسخه چاپی، این تقسیم‌بندی نیست.

در نسخه چاپی ابتدا تحت عنوان «طبقه اولی»، شش نفر از متقدمان در تألیف، بدون مراعات ترتیب الفبایی، معرفی شده‌اند؛ ابو رافع، علی بن ابی رافع، ربیع بن سمیع، سلیم بن قیس هلالی، اصبع بن نباته مجاشعی و عبید الله بن حرّ جعفی. پس از این طبقه، به سایر محدثان و مؤلفان بر اساس حروف الفبا و با رعایت ترتیب دو حرف اول اسم محدث، پرداخته شده است. باب پایانی، به کسانی اختصاص یافته است که به کنیه مشهورند. شمار رجال معرفی شده در کتاب، ۱۲۶۹ نفر است؛ اولین آنها ابان بن تغلب بن رباح و آخرین نفر ابو یعقوب جعفی است. اگرچه نجاشی به قصد معرفی مصنفات شیعه امامیه، این کتاب را تألیف کرده؛ در لابه لای آن، شیعیان غیر امامی و افراد غیر شیعه‌ای که یا از رجال شیعه روایت کرده‌اند یا در تأیید آموزه‌های شیعه، کتاب نگاشته‌اند نیز معرفی شده‌اند.^۲ نجاشی درباره مذهب برخی از این افراد که شیعه غیر امامی‌اند، سکوت کرده است.^۳ درباره جرح و تعدیل نیز

۱. الفوائد الرجالية، ج ۲، ص ۳۰-۳۱.

۲. کلیات فی علم الرجال، ص ۶۲.

۳. قواعد الحدیث، ص ۱۶۰.

همین داستان وجود دارد؛ نجاشی گاهی به جرح و تعدیل رجال پرداخته، و گاه سکوت کرده است. همین سکوت‌ها، زمینه ساز اختلاف میان رجال شناسان گشته است. عده‌ای از علمای رجال، بر این عقیده‌اند که سکوت نجاشی؛ به ویژه در هر دو زمینه جرح و تعدیل افراد، دلیل بر این است که آنها از هرگونه طعن و لغزشی سالم هستند.^۱ محقق داماد، این دیدگاه را به ابن داوود نیز نسبت می‌دهد. به گفته وی، ابن داوود کسانی را که در رجال نجاشی، مجرد از ایراد طعن و لغزش ذکر شده‌اند، در قسمت ممدوحین کتاب خود آورده است.^۲ اما برخی از علمای رجال معاصر، این عقیده را ندارند و در تأیید دیدگاه خود، بر این مطلب انگشت می‌گذارند که نجاشی اولاً و بالذات، کتاب را برای معرفی مصنفات شیعه تألیف کرد و مسئله جرح و تعدیل نویسندگان آنها، امر ثانوی و تبعی بوده است و از این رو، خود را ملزم به جرح و تعدیل راویان نمی‌دیده است.^۳

دیگر از ویژگی‌های کتاب رجال نجاشی - که همچون موارد قبلی، به عنوان یک قاعده مطرح شده - این است که هرگاه یکی از مؤلفان، روایتی را از یکی از امامان علیهم‌السلام نقل کرده باشد، نجاشی آن روایت را در ترجمه آن شخص یا ترجمه فرد دیگری، ذکر می‌کند. بنابراین، در مواردی که نسبت به این امر اهمال شده است، می‌توان نتیجه گرفت که آن فرد، در طبقه کسانی است که از امامان روایت نکرده است.^۴ نجاشی معمولاً از جرح و تعدیل افراد، در شرح حال خود آنها سخن می‌گوید؛ ولی گاه در این باره، در ضمن شرح حال فرد دیگری اظهار نظر می‌کند. این دسته از مصنفان، هفت نفر شمارش شده‌اند^۵ و عده قابل توجهی نیز مشاهده می‌شوند که شرح حال آنها در کتاب نیامده، ولی نجاشی به جرح و تعدیل آنها پرداخته است. این عده، ۴۳ نفر

۱. الرواشح السماویة، ص ۶۷؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۵۲.

۲. الرواشح السماویة، ص ۶۸.

۳. کلیات فی علم الرجال، ص ۶۲.

۴. الرواشح السماویة، ص ۶۸.

۵. رک: کلیات فی علم الرجال، ص ۶۴.

شمارش شده‌اند.^۱ این نیز گفتنی است که پنج نفر از محدّثان مؤلف، در رجال نجاشی معرفی نشده‌اند: ابن شعبه حرّانی، ابن رازی صاحب جامع الأحادیث، محمّد بن شاذان، ابو الفتح کراجکی و طرازی.

این کتاب در اختیار سیّد بن طاووس بوده و وی آن را به همراه چهار کتاب رجالی دیگر، در کتابی با عنوان حلّ الإشکال فی معرفة الرجال، گرد آورد.^۲ همچنین، این کتاب در اختیار محقّق حلّی، علامه حلّی، ابن داوود، شهید ثانی، صاحب معالم، محقّق داماد، محقّق شوشتری، عنایت الله قهپایی، شیخ حرّ عاملی، علامه مجلسی و... بوده و آنها در کتاب‌های خود، آن را نقل کرده‌اند. این کتاب توسط برخی از علمای رجال، مرتّب شد. از جمله آنها می‌توان به ابن داوود، عنایت الله قهپایی و شیخ داوود بن حسن جزایری (معاصر صاحب حدائق)، اشاره کرد.^۳ نیز مشایخ نجاشی، بر اساس این کتاب، در اثری مستقل استخراج شده‌اند که با عنوان مشیخه نجاشی، در سال ۱۴۱۳ ق. در قم، توسط دار الکتب به چاپ رسید.

۵. رجال الطوسی

مؤلف: شیخ طوسی

تحقیق: جواد قیومی اصفهانی

ناشر: مؤسسه النشر الاسلامی (انتشارات جامعه مدرّسین)، قم، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.

در تحقیق کتاب، افزون بر نسخه چاپی، بر نسخه ای خطی اعتماد شده که در تاریخ

۵۳۳ ق، به خطّ محمّد بن سرآهنگ بن مرتضی حسینی نوشته شده است.^۴

رجال الطوسی با تحقیق سیّد محمّد صادق بحر العلوم، در سال ۱۳۸۱ ق، نیز چاپ

۱. همان، ص ۶۵-۶۸.

۲. التحریر الطاووسی، ص ۵.

۳. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۵۱.

۴. رجال الطوسی، ص ۱۲-۱۳؛ تراشدش، ص ۷، ۱۲۰؛ فهرس التراث، ج ۱، ص ۵۲۹.

شد. از این کتاب با عنوان الرجال^۱ و الأبواب، یاد شده^۲ و انتساب آن به شیخ طوسی، معروف بلکه متواتر است.

نسخه چاپی رجال الطوسی، شامل مقدمه محقق، مقدمه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، به پیشینه دانش رجال و تألیفات مهم رجالی؛ بویژه رجال نجاشی، فهرست و رجال طوسی، اشاره شده و ویژگی های رجال طوسی، بیان شده است. مقدمه مؤلف، به انگیزه تألیف و موضوع کتاب و سامان و ترتیب آن، اختصاص دارد. به موجب این مقدمه، شیخ طوسی به درخواست شیخی فاضل که ناشناخته است، به این تألیف دست زده است. بخش عمده این کتاب، شامل اسامی رجالی است که از پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام تا زمان حضرت قائم علیهم السلام، بی واسطه روایت کرده اند. پایان بخش کتاب، یادکرد از کسانی است که یا در دوره غیبت به سربرده اند یا معاصر راویان حدیث بوده اند، ولی از ائمه علیهم السلام روایت نکرده اند.^۳ شیخ طوسی متذکر شده این پردازش بر پایه ترتیب حروف الفبا از همزه تا یاء، انجام گرفته است. وی در تألیف این کتاب، رجال ابن عقده را - که به اصحاب امام صادق علیه السلام اختصاص داشت - اصل قرار داده و اصحاب سایر ائمه علیهم السلام را بر آن افزوده است.^۴

اصل کتاب، در سه قسمت سامان یافته است: قسمت اول، کسانی که از پیامبر ﷺ روایت کرده اند؛ قسمت دوم، کسانی که از ائمه علیهم السلام روایت کرده اند؛ و قسمت سوم، کسانی که هر چند در عصر پیامبر و ائمه بودند، از آنها بی واسطه روایت نکرده اند و نیز کسانی که پس از عصر ائمه علیهم السلام زندگی می کردند.

ملاک طوسی در ترتیب الفبایی، حرف اول اسم است. شمار راویان نام برده در

۱. رجال النجاشی، ص ۴۰۳؛ الفهرست، طوسی، ص ۴۴۲؛ معالم العلماء، ص ۱۵۹؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۷.

۲. الفوائد الرجالية، ج ۲، ص ۲۲۸؛ الذریعة، ج ۱، ص ۷۳.

۳. رجال الطوسی، ص ۱۷.

۴. همان، ص ۱۷.

کتاب، ۶۴۲۹ نفر است که نزدیک به سی نفرشان زن هستند. در پایان هر باب - که به یکی از معصومان علیهم السلام (بجز حضرت فاطمه علیها السلام و امام مهدی علیه السلام) اختصاص دارد و مجموع آنها دوازده باب می شود -، بخشی هایی با عنوان «باب الکُنْی» و «باب النساء» آمده است. شیخ طوسی در معرفی این راویان، افزون بر نام راوی و نام پدر و گاه اجداد وی، کم و بیش به این مطالب نیز اشاره کرده است: کنیه، لقب، قبیله، گاه نام مادر، زادگاه، محلّ شهادت، تاریخ وفات، مشایخ، امامانی که وی از آنها روایت کرده، گاه جرح و تعدیل، شاگردان راوی، و کسانی که از وی اجازه روایت گرفته اند که در موارد بسیاری، با ذکر تاریخ اجازه است.

گویا شیخ طوسی الرجال را پس از الفهرست تألیف کرده است؛ چرا که او در قسمت سوم کتاب، در معرفی کسانی که از معصومان روایت نکرده اند، فراوان به الفهرست ارجاع داده است. بنای شیخ طوسی در کتاب الرجال - چنان که در مقدمه گفته -، ذکر اصحاب پیامبر و ائمه علیهم السلام و راویان آنهاست؛ خواه مؤمن باشند، خواه منافق، چه امامی و چه غیر امامی یا عامی. بر همین پایه، خلفای سه گانه و کسانی چون معاویه و عمرو بن عاص نیز در شمار اصحاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمده اند. نیز زیاد بن ابیه، عبید الله بن زیاد و برخی از خوارج، در شمار اصحاب امام علی علیه السلام، چنان که منصور دوانیقی از اصحاب امام صادق علیه السلام به شمار آمده؛ ولی درباره آنان چیزی گفته نشده است. از این رو، ذکر فردی در این کتاب رانمی توان دلیل امامی بودن یا ثقه بودن او شمرد.^۱ در این کتاب، در موارد فراوانی پس از ذکر فردی از اصحاب امام صادق علیه السلام، عبارت «أسند عنه» آورده است که از نظر هیئت و معنا ابهام دارد. به قرینه عرف استعمال، این عبارت به صیغه معلوم است و به معنای روایت با واسطه از امام صادق علیه السلام.^۲ در مواردی، از

۱. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۷۶ - ۱۷۷؛ قاموس الرجال، ج ۱، ص ۱۹؛ قواعد الحديث، ص ۱۶۲ - ۱۶۴؛ کلیات فی علم الرجال، ص ۶۹؛ رجال الطوسی، ص ۸ - ۹، مقدمه محقق کتاب.

۲. ر.ک: الرواشح السماویة، ص ۶۵؛ الفوائد الرجالية، وحید بهبهانی، ص ۳۱؛ طرائف المقال، ج ۲، ص ۲۵۳ -

یک شخص با یک عنوان یا دو عنوان، دو بار یاد شده است؛ گاه بدون اختلاف در اسم او و گاه با اختلاف در اسم او یا اسم پدرش یا کنیه اش. گویا علت این اختلاف و تکرار، اختلاف اصول اصحاب بوده است. شایان دقت است که نام برخی، هم در عنوان اصحاب معصومان علیهم السلام آمده و هم در عنوان کسانی که از معصومان روایت نکرده‌اند. در این باره، چند وجه گفته شده است:

وجه نخست: مراد از ذکر آن راوی در شمار اصحاب معصومان علیهم السلام، صرف معاصرت است؛ اگرچه معصوم را ندیده و یا از او روایت نکرده باشد. گویا این وجه، در همه موارد صادق نیست.

وجه دوم: این شخص، هم بی واسطه از معصوم روایت کرده و هم با واسطه، و به هر یک از این دو اعتبار، در یکی از دو قسمت کتاب جای گرفته است.

وجه سوم: شیخ طوسی در وابستگی این افراد به هر یک از دو قسم یاد شده، تردید داشته است. وی با تکرار نام وی، جانب هر دو طرف احتمال را نگه داشته است.

وجه چهارم: شیخ طوسی در این موارد، دچار غفلت یا فراموشی شده است.

وجه پنجم: از آن جا که درباره مصاحبت این افراد با معصوم، دیدگاه‌ها متفاوت بوده، شیخ هر دو دیدگاه را مطرح کرده است.^۱

ابن طاووس در سده هفتم، کتاب الرجال طوسی را همراه با چهار کتاب رجالی دیگر، سامانی تازه بخشید و در مجموعه‌ای با عنوان حلّ الإشکال فی معرفة الرجال، گرد آورد.^۲ مشابه این کار، در پایان سده دهم و اوایل سده یازدهم نیز توسط عنایت الله قهپایی، در مجمع الرجال انجام گرفت.^۳

۱. ۳۵۵: رجال الخاقانی، ص ۱۲۲-۱۲۷؛ معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۹۹-۱۰۰؛ قواعد الحديث، ص ۱۶۵؛ رجال الطوسی، ص ۱۰، مقدمه محقق.

۲. ن. ک: خانمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۷۶-۱۷۷؛ معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۹۷-۹۹؛ قواعد الحديث، ص ۱۶۴-۱۶۶؛ رجال الطوسی، ص ۱۲، مقدمه محقق کتاب.

۳. التحریر الطاووسی، ص ۵.

۴. مجمع الرجال، ج ۱، ص ۱۰-۱۱.

کتاب رجال شیخ طوسی، از مصادر مهم حلّ الإشکال ابن طاووس، خلاصة الأقوال علامة حلی، رجال ابن داود، التحریر الطاووسی و نیز منقّی الجمان صاحب معالم، الرواشح السماویة میرداماد، مجمع الرجال قهپایی، بحار الأنوار، وسائل الشیعة و... است.

۶. الفهرست

مؤلف: شیخ طوسی

تحقیق: شیخ جواد قیومی

ناشر: مؤسسه النشر الاسلامی (انتشارات جامعه مدرّسین)، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
در تحقیق این کتاب، از نسخه خطی کتابخانه ملک در تهران با تاریخ سده یازدهم - که به موجب نوشتار روی آن، از روی نسخه ای کهن، متعلّق به سال ۵۸۷ ق، کتابت شده - استفاده شده است.^۱ این کتاب پیش تر نیز در کلکته در سال ۱۲۷۱ ق، و در عراق به سال ۱۳۸۰ ق (با تحقیق سیّد محمد صادق بحر العلوم)، چاپ شد.^۲

کتاب الفهرست طوسی با همین عنوان، در مصادر ذکر شده^۳ و انتساب آن به شیخ طوسی، معروف بلکه متواتر است. نسخه چاپی آن، شامل مقدّمه محقق، مقدّمه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدّمه محقق، به همزمانی تألیف الفهرست و الرجال شیخ طوسی، نسخه های خطی کتاب، و کارهایی که در این تحقیق انجام گرفته و ویژگی های کتاب، اشاره شده است. مقدمه مؤلف، به انگیزه تألیف و موضوع و ترتیب آن اختصاص دارد. به موجب این مقدمه، از زمان مؤلف، تألیف جامع و شاملی برای معرفی اصول و مصنفات امامیه انجام نگرفته بود. تنها ابو الحسین احمد بن حسین بن عبید الله، دو کتاب با عنوان الأصول والمصنفات فراهم کرده بود؛ ولی آن دو را کسی استنساخ نکرد و خود ابو الحسین نیز مخترم شد (پیش از چهل سالگی فوت شد) و به گزارش،

۱. فهرس التراث، ج ۱، ص ۵۳۱-۵۳۲: الفهرست، طوسی، مقدّمه محقق کتاب، ص ۲۵.

۲. تراث، ش ۲۱ ص ۳۶۳.

۳. رجال النجاشی، ص ۴۰۳: الفهرست، طوسی، ص ۲۴۱: معالم العلماء، ص ۱۵۰: الفوائد الرجالیة، ج ۲، ص ۲۲۸.

برخی از وارثان او، کتاب‌های وی و از جمله این دو کتاب را نابود کردند. افزون بر این جای خالی، درخواست شیخ فاضل - که ناشناخته است - نیز انگیزه‌ساز برای تألیف این کتاب بوده است.^۱

شیخ طوسی هر چند اصول و مصنفات را دو دسته تألیف دانسته، متذکر شده که آنها را به جهت اختصار، جداگانه نیاورده است؛ چراکه برخی از مصنفان، اصل نیز داشته‌اند و در صورت تألیف جداگانه، تکرار اسامی آنها در اصول، سبب دراز شدن کتاب می‌شد. وی این کتاب را به ترتیب حروف الفبا از همزه تا یاء، و بر اساس حرف اول سامان داده و برخلاف الرجال، در این جا ترتیب زمانی را مراعات نکرده است. وی نام‌ها را در ۲۴ باب بر اساس حروف الفبا گنجانده؛ در یک باب، کسانی را نام برده است که به کنیه معروف‌اند و وی به اسامی آنها دست نیافته؛ و در باب پایانی، آنان را که به قبیله و لقب و شهرشان شهرت دارند. وی در مجموع، از ۹۱۲ نفر نام برده است.

شیخ طوسی در معرفی صاحبان کتب و اصول، به نام مصنف، نام پدر و اجداد نزدیک او، کنیه، لقب، زادگاه و محل اصلی سکونت و تحصیل، مسافرت‌ها، جرح و تعدیل، مذهب، قبیله، سال وفات، مشایخ، راویان، اجازات و... کم و بیش می‌پردازد. پس از معرفی مصنف، همانند نجاشی به ذکر آثار وی می‌پردازد و در این قسمت، معمولاً ضمن اشاره به کمیت کتب به صورت کلی، گزیده‌ای از آنها را معرفی نیز می‌کند. به قرینه موارد بسیار، این گزینش غالباً بر اساس معروفیت کتب و یا قرائت و سماع خود شیخ نزد مؤلف یا یکی از مشایخ، صورت می‌گیرد.^۲

کتاب فهرست، همزمان با کتاب رجال تألیف شده است؛ چراکه هم در کتاب فهرست، از کتاب رجال یاد شده؛ و هم در کتاب رجال، چندین بار به کتاب فهرست ارجاع داده شده است. برای نمونه، شیخ در رجال خود هنگام معرفی حسین بن عبید الله

۱. الفهرست، ص ۳۲.

۲. برای مثال، شیخ طوسی درباره شیخ صدوق، شیخ مفید و سید مرتضی، چنین کرده است.

غضائری، متذکر می‌شود که غضائری کتاب‌هایی نیز دارد که وی آنها را در فهرست نام برده است.^۱ ظاهراً تألیف دو کتاب یاد شده؛ بویژه کتاب فهرست، پیش از وفات سید مرتضی به پایان رسیده است.^۲

به هر حال، این کتاب نیز مانند کتاب رجال، با این اشکال مواجه شده که شیخ درباره بسیاری از راویان، به جرح و تعدیل و نیز مذهب آنان اشاره نکرده است.^۳ این در حالی است که شیخ طوسی در مقدمه، وعده داده است که پس از نام هر یک از صاحبان اصول و مصنفان، به آنچه در تعدیل و جرح وی گفته شده نیز بپردازد و معلوم بدارد که وی قابل اعتماد است یا نه، و بر مذهب حق است یا مخالف آن؛ «چرا که بسیاری از صاحبان اصول و مصنفان امامی، به مذاهب فاسد گرویده‌اند؛ هرچند کتاب‌های آنان قابل اعتماد است».^۴ در این موارد که شیخ طوسی سکوت کرده است، تکلیف چیست؟ به قرینه آن که در این کتاب، اصل بر ذکر مصنفات و اصول امامیه (اصحابنا) بوده است و اشاره به تصانیف دیگران، استطرادی است، اگر قرینه‌ای قوی بر فساد مذهب وجود نداشته باشد، باید به قاعده اکثر و اغلب عمل کرد و فرد نام برده را شیعه امامی دانست. ولی درباره جرح و تعدیل، با توجه به آن که بسیاری از راویان سرشناس و معروفی مانند زراره و سلمان فارسی، توثیق نشده‌اند، نمی‌توان ترک توثیق را دلیل بر عدم وثاقت گرفت مگر این که گفته شود: بسیاری از راویانی که شیخ طوسی توثیق نکرده، نیاز به توثیق نداشته‌اند.^۵

شیخ طوسی، معمولاً طریق خود را به صاحبان اصول و مصنفات، ذکر کرده و گاهی نیز دو طریق یا بیشتر را آورده است. معروف‌ترین مشایخ وی که طریق وی به

۱. ر.ک: الضعفاء، حسین بن عبید الله غضائری.

۲. الفهرست، طوسی، ص ۷، ش ۳۸.

۳. کلیات فی علم الرجال، ص ۷۰؛ قواعد الحدیث، ص ۱۶۰-۱۶۲.

۴. همان، ص ۳۲.

۵. قواعد الحدیث، ص ۱۶۱.

صاحبان کتب را تشکیل می‌دهند، پنج نفرند: شیخ مفید، حسین بن عبیدالله غضائری، ابن عبدون معروف به ابن حاشر، ابن صلت و ابن ابی جید. وی در موارد بسیاری از این افراد با عبارت «أخبرنا جماعة» یا «عده من أصحابنا»، یاد کرده است.^۱

شیخ طوسی در تألیف این کتاب و بویژه در شرح حال صاحبان کتب، از آثار کتاب‌شناسی و رجالی پیش از خود استفاده کرده است. در این میان، کتاب فهرست ابن ندیم و نیز دو کتاب مصنفات و اصول ابن غضائری، قابل توجه‌اند.^۲

کتاب فهرست شیخ طوسی، همچون کتاب رجال او، با اعتنا و اعتماد علمای شیعه مواجه شد. عده‌ای به ساماندهی و ترتیب و گاه شرح آن پرداختند و عده بسیاری نیز آن را در شمار مصادر کتب خود جای دادند.^۳ علی بن عبد الله بن عبد الصمد مقابی، آن را بر سبک و سیاق مرسوم در کتب رجالی، مرتب کرد. شیخ سلیمان ماحوزی نیز ضمن ترتیب، به شرح آن پرداخت. عنوان این شرح، معراج الکمال إلى معرفة الرجال است که البته ناتمام مانده و تا اوایل باب «باء» را شامل می‌شود.^۴

۷. اختیار معرفة الرجال

مؤلف: شیخ طوسی

تعلیق: میرداماد (محمد باقر حسینی رستر آبادی)

تحقیق: سید مهدی رجائی

ناشر: مؤسسه آل البيت (ع)، قم، ۱۴۰۴ ق.

شمار نسخه‌های خطی موجود از این کتاب، ۲۵ نسخه است. از جمله، نسخه

۱. کلیات فی علم الرجال، ص ۷۰؛ الفهرست، طوسی، ص ۱۴ (مقدمه محقق).

۲. النوائد الرجالية، ج ۲، ص ۵۲؛ الذریعة، ج ۱، ص ۱۰.

۳. حلّ الاشکال، ابن طاووس (به نقل از: تحریر طاووسی، ص ۵؛ رجال ابن داوود، ص ۲۵؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۶-۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۷.

۴. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۷۹.

کتاب خانه آیه الله مرعشی به خط منصور بن علی بن منصور خازن (کتابت در: ۵۷۷ ق).^۱ این کتاب پیش تر نیز در بمبئی در سال ۱۳۱۷ ق، به اهتمام علی محلاتی حائری و در نجف اشرف با تعلیقات سید احمد حسینی، چاپ شد.

کتاب اختیار معرفة الرجال با همین عنوان، در منابع کتاب شناسی و حدیثی ذکر شده است.^۲ به استناد عبارتی که در ابتدای نسخه ابن طاووس بوده، شیخ این کتاب را در سال ۴۵۶ ق، در نجف اشرف، بر گروهی از اهل علم، املا کرده است.^۳ کتاب اختیار، تهذیب شده و گزیده مطالب کتاب رجال الکشی یا همان معرفة الرجال است.^۴ از آن جا که کشی تنها به ذکر روایاتی پرداخت که در مدح یا ذم افراد وارد شده بود، این پرسش مطرح است که شیخ طوسی در گزینش خود، چه روایاتی را حذف کرد یا چه چیز یا چیزهایی را تهذیب نمود؟ پاسخ این سؤال، دقیقاً روشن نیست؛ چرا که رجال الکشی، ظاهراً پس از سده پنجم نایاب شده و هیچ یک از علمای رجال، آن را در اختیار نداشته اند. نجاشی معاصر طوسی، به تصریح گفته است: «در رجال الکشی، غلط های بسیار وجود دارد»^۵؛ اما روشن نیست که این اغلاط، از چه نوعی بوده است. ظاهر کلمه «غلط»، بر وجود غلط لفظی سهوی دلالت می کند.

برخی گفته اند: «شیخ طوسی، رجال الکشی را از روایات عامه، تهذیب کرد»^۶؛ ولی این ادعا مطابق با واقع نیست؛ چرا که در کتاب اختیار الرجال نیز گروهی از رجال عامه ذکر شده اند.^۸ به هر روی، نسخه ای از اختیار الرجال، در دسترس

۱. فهرستگان نسخه های خطی، ص ۱۳۷ - ۱۴۰؛ الذریعة، ج ۱، ص ۳۶۵.

۲. الفهرست، طوسی، ص ۲۵؛ معالم العلماء، ص ۱۵۰؛ فرج المهموم، ص ۱۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۳.

۳. فرج المهموم، ص ۱۳۰.

۴. همان جا؛ الفوائد الرجالية، ج ۳، ص ۲۳۲.

۵. الرجال التجاشی، ص ۳۷۲.

۶. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۸۶.

۷. مجمع الرجال، ج ۱، ص ۱۳ (به نقل از: خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۸۶).

۸. کلیات فی علم الرجال، ص ۵۹ - ۶۰.

ابن طاووس بود^۱ که پس از او، به علامه حلی و ابن داوود رسید. این دو نفر گرچه از این عنوان و از شیخ طوسی نام نبرده‌اند، از کثی بسیار نقل کرده‌اند. پس از این سده، کتاب حل الإشکال ابن طاووس - که مطالب اختیار الرجال را نیز در بر داشته -، همچنان در میان علمای رجال دست به دست می‌شد، تا این که صاحب معالم فرزند شهید ثانی، اختیار الرجال را از حل الإشکال ابن طاووس استخراج کرد و با عنوان التحریر الطاووسی، به بازنویسی آن پرداخت.^۲ پس از او، عنایت الله قهپایی نیز مطالب آن را در مجمع الرجال گرد آورد.^۳

قرینه آشکاری بر وجود رجال کثی در سده شش به بعد تا عصر حاضر، مشاهده نمی‌شود. ابن طاووس، مواردی را نقل کرده که همگی از کتاب اختیار الرجال طوسی بوده و از کتاب الرجال کثی نام نبرده است.^۴ در سده هشتم، علامه حلی و ابن داوود، دو رجالی معروف، از کتاب اختیار الرجال طوسی نام نبرده‌اند و گزارش‌های خود را با عباراتی شبیه «ما حَقَّقَهُ الْكَثِّي»^۵ و یا «قال الْكَثِّي»^۶ نقل کرده‌اند. این گونه عبارت و نقل قول، در عده‌ای این پندار را تقویت کرده که گویا این دو رجالی، اصل کتاب کثی را در اختیار داشته‌اند.^۷

کتاب اختیار الرجال، در ابتدا نظم و ترتیب معناداری نداشته است. ابن طاووس در کتاب حل الإشکال، روایات کتاب اختیار الرجال را به همراه مطالب دیگر کتب رجالی، بر اساس حروف الفبا سامان داده و در هر مورد، به نام کتاب مرجع نیز اشاره کرد.^۸ وی

۱. التحریر الطاووسی، ص ۵.

۲. التحریر الطاووسی، ص ۵.

۳. مجمع الرجال، ج ۱، ص ۱۱.

۴. فرج المهموم، همان جا.

۵. رجال ابن داوود، ص ۲۵.

۶. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۸۶؛ کلیات فی علم الرجال، ص ۶۰.

۷. التحریر الطاووسی، ص ۵.

۸. التحریر الطاووسی، ص ۵.

همچنین، به تهذیب آن پرداخت و اکثر اخبار آن را از نظر اسناد و متن، مورد بحث و بررسی قرار داد. شبیه همین ترتیب، در دو کتاب رجالی علامه حلی و ابن داوود نیز انجام گرفت. شیخ حسن، صاحب معالم، اختیار الرجال را که مشتمل بر اخبار متعارض بود و از نظر اسناد و متن نیاز به تحقیق و تحریر تازه‌ای داشت، بر اساس حروف الفبا طبقه‌بندی کرد. دیگر ترتیب‌بندی و بازسازی‌های انجام گرفته، عبارت‌اند از: ترتیب‌بندی بر اساس رجال شیخ طوسی، توسط یوسف بن محمد زین الدین حسینی شامی، در سال ۹۸۱ ق؛ ترتیب‌بندی عنایت الله قهپایی به ترتیب کتاب منهج المقال و امثال آن، بر اساس حروف الفبا؛ ترتیب‌بندی شیخ داوود بن حسن جزائری، معاصر صاحب حدائق؛^۱ و ترتیب و شرح محمد باقر استرآبادی معروف به میرداماد (م ۱۰۴۱ ق). نسخه‌ای از بیشتر این ترتیب‌ها، در اختیار میرزا حسین نوری بوده است.^۲

۱. خاتمة مستدرک الوسائل، همان جا.

۲. خاتمة مستدرک الوسائل، همان جا.

منابع و مأخذ

۱. آل بویه نخستین سلسله قدر تمدن شیعه، علی اصغر فقهی، تهران: صبا، ۱۳۶۵ ش.
۲. احیای فرهنگی در عهد آل بویه، جونل کرمر، ترجمه: محمد سعید حنایی کاشانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵ ش، اول.
۳. اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)، أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسی (م ۴۶۰ ق)، تصحیح و تعلیق: محمد باقر الحسینی الإسترآبادی (میرداماد)، تحقیق: السید مهدی الرجائی، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۴ ق، اول.
۴. إقبال الأعمال، رضى الدين أبو القاسم على بن موسى الحلّی (ابن طاووس) (۵۸۹-۶۶۴ ق)، تحقیق: جواد القيومی الإصفهانی، قم: مكتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۱۴ ق، اول.
۵. الاختصاص، محمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادی (الشيخ المفيد) (۳۳۶-۴۱۳ ق)، تحقیق: علی أكبر الغفاری و السید محمود الزرندی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۶. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادی (الشيخ المفيد) (۳۳۶-۴۱۳ ق)، تحقیق: مؤسسة آل البيت علیه السلام و دار المفید، ۱۴۱۳ ق.
۷. الاستبصار فی ما اختلف من الأخبار، أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسی (الشيخ الطوسی) (م ۴۶۰ ق)، تحقیق: السید حسن الموسوی الخرسان و الشيخ علی الآخوندی و الشيخ محمد الآخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۳، چهارم.

٨. الاستغاثة، أبو القاسم علي بن أحمد بن موسى الشريف الكوفي (م ٣٥٢ ق)،
تصحيح: عبد الجواد فلاطوري، تهران: مؤسسة الأعلمي، ١٣٧٣ ش، أول.
٩. الاستنصار في النصّ على الأئمة الأظهر، أبو الفتح محمد بن علي الكراجكي
الطرابلسي (م ٤٤٩ ق)، بيروت: دار الأضواء ١٤٠٥ ق، دوم.
١٠. الاعتقادات، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)، تحقيق:
عاصم عبد السيد، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد.
١١. الأمالي، أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م ٤٦٠ ق)،
تحقيق: مؤسسة البعثة، قم: مؤسسة البعثة، ١٤١٤ ق، أول.
١٢. الأمالي، أبو جعفر محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)،
تحقيق: مؤسسة البعثة، قم: مؤسسة البعثة، ١٤٠٧ ق، أول.
١٣. الأمالي، محمد بن محمد بن النعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (٣٣٦ -
٤١٣ ق)، تحقيق: حسين استاد ولي و علي أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر
الإسلامي، ١٤٠٣ ق.
١٤. الإمامة والتبصرة من الحيرة، أبو جعفر محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ
الصدوق) (م ٣٢٩ ق)، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، قم: مؤسسة الإمام
المهدي عليه السلام، ١٤٠٤ ق / ١٣٦٣ ش.
١٥. الأمان من أخطار الأسفار والأزمان، رضى الدين أبو القاسم علي بن موسى الحلّي
(ابن طاووس) (٥٨٩ - ٦٦٤ ق) تحقيق: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، قم:
مطبعة مهر، ١٤٠٩ ق، أول.
١٦. الأمصار والآثار، أبو عبد الله محمد بن أحمد الذهبي (م ٧٤٨ ق)، تحقيق: قاسم
علي سعد، بيروت: دار البشائر الإسلامية، ١٤٠٦ ق، أول.
١٧. اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، مارتین مکلر موت، ترجمه: احمد آرام، تهران:
انتشارات دانشگاه تهران، ١٣٧٢ ش.
١٨. إيمان أي طالب، محمد بن محمد بن النعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد)
(٣٣٦ - ٤١٣ ق)، تحقيق: مؤسسة البعثة، بيروت: دار المفيد، ١٤١٤ ق، دوم.

۱۹. أعلام الحديث في شرح صحيح البخاري، حمد بن محمد الخطّابی (م ۳۸۸ ق)، تحقيق: محمد بن سعد بن عبد الرحمان آل سعود، مكّة: مركز إحياء التراث الإسلامي، ۱۴۰۹ ق، أول.

۲۰. أقسام المولى في اللسان، محمد بن محمد بن النعمان العكبرى البغدادي (الشيخ المفيد) (۳۳۶-۴۱۳ ق)، تحقيق: مهدي نجف، بيروت: دار المفيد، ۱۴۱۴ ق، دوم.

۲۱. أمل الآمل، محمد بن الحسن الحرّ العاملي (م ۱۱۰۴ ق)، تحقيق: سيّد أحمد الحسيني، بغداد: مكتبة الأندلس.

۲۲. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محمد باقر المجلسي (م ۱۱۱۰ ق)، بيروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م، دوم.

۲۳. البداية والنهاية، إسماعيل بن عمر الدمشقي (ابن كثير) (م ۷۷۴ ق)، تحقيق: علي شيري، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۸ م، أول.

۲۴. البيان، محمد بن جمال الدين مكّي العاملي (الشهيد الأوّل) (۷۳۴-۷۸۶ ق)، قم: مجمع الذخائر الإسلامية.

۲۵. تاريخ آل زرارّة، السيّد محمد علي الموحّد الأبطحي، قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام.

۲۶. تاريخ بغداد، أبو بكر أحمد بن علي البغدادي (الخطيب البغدادي) (م ۴۶۳ ق)، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطاء، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۷ ق، أول.

۲۷. تاريخ تشيع در ايران، رسول جعفریان، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸ ش، أول.

۲۸. تاريخ گسترش تشيع در ري، رسول جعفریان، ري: آستان قدس حضرت عبد العظيم، ۱۳۷۱ ش.

۲۹. تاريخ مذهبي قم، علي اصغر فقيهي، قم: زائر، ۱۳۸۰.

۳۰. تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، علي الغروي الحسيني الإسترآبادي (م ۹۴۰ ق)، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، ۱۴۰۷ ق، أول.

٣١. التحرير الطاووسي، حسين بن زين الدين الشهيد الثاني (صاحب معالم) (م ١٠١١ ق)، تحقيق: فاضل الجواهري، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ١٤١١ ق، أول.
٣٢. التحصين، رضى الدين أبو القاسم على بن موسى الحلّي (ابن طاووس) (م ٦٦٤ ق)، تحقيق: الأنصاري، قم: مؤسسة دار الكتاب (جزائري)، ١٤١٣ ق، أول.
٣٣. التحصين في صفات العارفين من العزلة والخمول بالأسانيد المتلقاة من آل الرسول، أحمد بن محمد بن فهد الحلّي (٧٥٧ - ٨٤١ ق)، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام.
٣٤. تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، أبو محمد الحسن بن علي بن حسين الحرّاني (ابن شعبة) (م ٣٨١ ق)، تحقيق: علي أكبر الغفّاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤٠٤ ق / ١٣٦٣ ش، دوم.
٣٥. تدريب الراوي في شرح تقريب النواوي، جلال الدين عبد الرحمان بن أبي بكر السيوطي (٨٤٩ - ٩١١ ق)، تحقيق: أحمد عمر هاشم، بيروت: دار الكتاب العربي، ١٤١٤ ق / ١٩٩٣ م.
٣٦. تصحيح اعتقادات الإمامية، محمد بن محمد بن نعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (٣٣٦ - ٤١٣ ق)، تحقيق: حسين درگاهي، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، ١٤١٣ ق، أول.
٣٧. التعجب من أغلاط العامة، تحقيق: فارس حسن كريم، قم: دار الغدير، ١٤١٢ ق، أول.
٣٨. تفسير العياشي، أبو النضر محمد بن مسعود اسلمي السمرقندي (العياشي) (م ٣٢٠ ق)، تحقيق: السيد محمد رضا الحسيني الجلالى، قم: دار الحديث، ١٤٢٢ ق، أول.
٣٩. التفضيل، أبو الفتح محمد بن علي الكراجكي الطرابلسي (م ٤٤٩ ق)، تحقيق: مير جلال الدين الأرموي (المحدث الأرموي)، تهران: مؤسسة أهل البيت ١٣٦١ ش.
٤٠. تكملة رسالة أبي غالب الزراري في آل أعين، أبو عبد الله حسين بن عبيد الله الغضائري (م ٤١١ ق)، شرح: السيد محمد علي الموسوي الموحد الأبطلحي الإصفهاني.

۴۱. التمهیص، أبو علی محمد بن همام الإسفکافی (م ۳۳۶ ق)، تحقیق: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام.
۴۲. التوحيد، أبو جعفر محمد ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (۳۸۱ ق)، تحقیق: السيد هاشم الحسيني الطهراني، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۳۹۸ ق، أول.
۴۳. توضیح افکار لمعانی تنقیح الأنظار، محمد بن إسماعیل (الأمیر الصنعانی) (م ۱۱۸۲ ق)، تحقیق: أبو عبد الرحمان صلاح بن محمد بن عویضة، بیروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۷ م، أول.
۴۴. تهذیب الأحکام فی شرح المقنعة، أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م ۴۶۰ ق)، تحقیق: السيد حسن الموسوی الخرسان وعلی الآخوندی، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۳۹۰ ق.
۴۵. تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال، السيد محمد علی الموحّد الأبطحي، قم: ابن المؤلف، ۱۴۱۷ ق، دوم.
۴۶. ثلاثیات الكلینی، أمين ترمس العاملي، قم: دار الحديث، ۱۴۱۷ ق، أول.
۴۷. جامع الأحادیث، أبو محمد جعفر بن أحمد القمینی (ابن الرازی) (ق ۴ ق)، تحقیق: السيد محمد الحسيني النيسابوري، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۳ ق، أول.
۴۸. الجامع لأخلاق الروای و آداب السامع، أبو بكر أحمد بن علی البغدادي (الخطيب البغدادي) (م ۴۶۳ ق)، تحقیق: محمد عجاج الخطيب، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۲ ق، أول.
۴۹. جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع، رضى الدين أبو القاسم علی بن موسى الحلي (ابن طاووس) (م ۶۶۴ ق)، تحقیق: جواد القيومي الإصفهاني، قم: مؤسسة الأفاق، ۱۳۷۱ ش، أول.
۵۰. الجمل، محمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادي (الشيخ المفيد) (م ۴۱۳ ق)، قم: مكتبة داورى.
۵۱. جواهر الكلام، محمد حسن النجفی الإصفهاني (م ۱۲۶۶ ق)، تحقیق: الشيخ محمود القوجاني، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۳۶۷ ش، سوم.

٥٢. الحافظ خطيب البغدادي و أثره في علوم الحديث، محمد طحان، بيروت: دار القرآن الكريم، ١٤٠١ ق، أول.
٥٣. الحدائق النازقة في أحكام العترة الطاهرة، يوسف بن أحمد البحراني (م ١١٨٦ ق)، تحقيق: الشيخ علي الآخوندي، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
٥٤. حلية الأولياء و طبقات الأصفياء، أحمد بن عبد الله الإصفهاني (أبو نعيم) (م ٤٣٠ ق)، تحقيق: سعيد بن سعد الدين خليل الإسكندراني، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٤٢١ ق، أول.
٥٥. خاتمة مستدرک الوسائل، ميرزا حسين النوري الطبرسي (المحدث النوري) (م ١٣٢٠ ق)، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، أول.
٥٦. خاندان نوبختي، عباس اقبال آشتياني، تهران: طهوري، ١٣١١ ش، أول.
٥٧. خصائص الأئمة عليهم السلام (خصائص أمير المؤمنين عليه السلام)، السيد محمد بن الحسين الموسوي (الشريف الرضي) (م ٤٠٦ ق)، تحقيق: محمد هادي الأميني، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية التابع للحضرة الرضوية المقدسة، ١٤٠٦ ق.
٥٨. الخصال، أبو جعفر بن محمد القمي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤٠٣ ق.
٥٩. خلاصة الأقوال في معرفة الرجال، أبو منصور حسن بن يوسف الحلّي (العلامة) (م ٧٢٦ ق)، تحقيق: جواد القمي، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤١٧ ق، أول.
٦٠. الدروس الشرعية في فقه الإمامية، محمد بن جمال الدين مكّي العاملي (الشهيد الأول) (٧٣٤ - ٧٨٦ ق)، تحقيق: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤١٢ ق، أول.
٦١. الدروع الواقية، رضى الدين أبو القاسم علي بن موسى الحلّي (ابن طاووس) (٥٨٩ - ٦٦٤ ق)، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ١٤١٤ ق / ١٣٧٢ ش، أول.
٦٢. دعائم الإسلام و ذكر الحلال و الحرام، و القضايا و الأحكام عن أهل بيت رسول الله، أبو حنيفة النعمان بن محمد التميمي المغربي (م ٣٦٣ ق)، تحقيق: آصف بن علي أصغر فيضي، القاهرة: دار المعارف، ١٣٩٣ ق / ١٩٦٣ م، سوم.

۶۳. دلائل الإمامة، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری الإمامی (ق ۵ ق)، تحقیق: مؤسسة البعثة، قم: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۳ ق، اول.
۶۴. الذريعة إلى تصانيف الشيعة، محمد محسن بن علی المنزوی (آقا بزرگ الطهرانی) (م ۱۳۴۸ ق)، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۰۳ ق، سوم.
۶۵. الرجال (رجال ابن داوود)، الحسن بن علی الحلّی (ابن داوود) (۶۴۷-۷۰۷ ق)، نجف: المكتبة الحيدرية، ۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۲ م.
۶۶. رجال السيد بحر العلوم (فوائد الرجالية)، السيد محمد مهدي بحر العلوم الطباطبائي (۱۱۵۵-۱۲۱۲ ق / ۱۷۴۲-۱۷۹۸ م)، تحقیق: محمّد صادق بحر العلوم، تهران: مكتبة الصادق، ۱۳۶۳ ش، اول.
۶۷. رجال الطوسي، محمد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م ۴۶۰ ق)، تحقیق: جواد القيومي الاصفهاني، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۱۵ ق، اول.
۶۸. الرسائل العشر، أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي (شيخ الطوسي) (م ۴۶۰ ق)، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۶۹. رسالة حول الحديث نحن معاصر الأئمة لانورث، محمد بن محمد بن نعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (۳۳۶-۴۱۳ ق)، بیروت: دار المفيد، ۱۴۱۴ ق، دوم.
۷۰. رسالة حول خير مارية، محمد بن محمد بن نعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (۳۳۶-۴۱۳ ق)، تحقیق: مهدي الصباحي.
۷۱. رسالة في معنى المولى، محمد بن محمد بن نعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (۳۳۶-۴۱۳ ق)، تحقیق: مهدي نجف، بیروت: دار المفيد، ۱۴۱۴ ق، دوم.
۷۲. الرسالة المستطرفة، محمد بن جعفر الكتاني (م ۱۳۴۵ ق)، بیروت: دار البشائر الإسلامية، ۱۴۱۴ ق، پنجم.
۷۳. الروائح السماوية في شرح الأحاديث الإمامية، مير محمد باقر الحسيني الإستر آبادي (مير داماد) (م ۱۰۴۱ ق)، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۵ ق، اول.

٧٤. روض الجنان في شرح إرشاد الأذهان، زين الدين بن علي الجبجي العاملي الشامي (الشهيد الثاني) (٩١١ - ٩٦٦ ق)، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، لإحياء التراث.
٧٥. روضة الواعظين، محمد بن الحسن القتال النيسابوري (م ٥٠٨ ق)، مقدّمه: السيّد محمد مهدي الخراسان، قم: منشورات الرضى.
٧٦. سعد السعود، رضى الدين أبو القاسم على بن موسى الحلّي (ابن طاووس) (م ٦٦٤ ق)، نجف: المكتبة الحيدرية، ١٣٦٩ ق / ١٩٥٠ م، أول.
٧٧. سماء المقال في علم الرجال، أبو الهدي الكلّباسي (م ١٣٥٦ ق)، تحقيق: السيّد محمد الحسيني القزويني، قم: مؤسسة وليّ العصر عليه السلام للدراسات الإسلامية، ١٤١٩ ق، أول.
٧٨. سنن الدار قطني، علي بن عمر البغدادي (الدار قطني) (م ٢٨٥ ق)، تحقيق: أبو الطيّب محمد آبادي، بيروت: عالم الكتب، ١٤٠٦ ق، چهارم.
٧٩. السنن الكبرى، أبو بكر أحمد بن الحسين البيهقي (م ٤٥٨ ق)، تحقيق: محمد عبد القادر عطاء، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٤ ق، أول.
٨٠. سير أعلام النبلاء، أبو عبدالله محمد بن أحمد الذهبي (م ٧٤٨ ق / ١٣٧٤ م)، تحقيق: شُعيب الأرناؤوط وحسين الأسد، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤١٣ ق / ١٩٩٣ م، نهم.
٨١. شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار، أبو حنيفة النعمان بن محمد المغربي (القاضي أبو حنيفة) (م ٣٦٣ ق)، تحقيق: السيّد محمد الحسيني الجلالى، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤١٢ ق، أول.
٨٢. شعب الإيمان، أحمد بن الحسين البيهقي (م ٤٨٥ ق)، تحقيق: أبو هاجر محمد السعيد بسيوني زغلول، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٠ ق، أول.
٨٣. شناخت و تحليل مكتب حديثي قم از آغاز تا قرن پنجم، رساله دكترى محمد رضا جبّارى، استاد راهنما: دكتر محمد باقر حجّتى، استاد مشاور: دكتر محمد على مهدوى راد و دكتر نهىلا غروى نايينى، دانشكده علوم انسانى دانشگاه تربيت مدرّس، ١٣٧٩ ش.

۸۴. صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، محمد بن أحمد بن حبان (م ۳۵۴ ق)، ترتیب: علی بن بلبان الفارسی (م ۷۳۹ ق)، تحقیق: شعیب الأرناؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۴ ق، دوم.

۸۵. الصراط المستقیم إلى مستحقّی التقدیم، أبو محمد علی بن یونس النباطی البیاضی (م ۸۷۷ ق)، تحقیق: محمد باقر البهودی، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، ۱۳۸۴ ق، اول.

۸۶. الصوارم المهرقة فی جواب الصواعق المحرقة، القاضي نور الله التستري المرعشي (۹۵۶ - ۱۰۱۹ ق)، تحقیق: میر جلال الدین الأرموی (المحدث الأرموی)، تهران: نهضت، ۱۳۵۸ ش.

۸۷. طبّ الأئمة عليهم السلام، ابنا بسطام النيسابوريان، مقدّمه: السيّد محمد مهدي الخراسان، قم: منشورات الرضى، ۱۳۶۳ ش، دوم.

۸۸. الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، رضى الدين أبو القاسم علی بن موسى الحلّی (ابن طاووس) (م ۶۶۴ ق)، قم: مطبعة الخيام، ۱۴۰۰ ق، اول.

۸۹. علل الشرائع، أبو جعفر محمد بن علی ابن بابويه القمّي (الشيخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق)، نجف: المكتبة الحيدرية، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۶ م.

۹۰. علم الحديث و دراية الحديث، كاظم مدير شانه‌چی، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۳۷۲ ش.

۹۱. علوم الحديث (مقدّمه ابن صلاح)، أبو عمرو ثمان بن عبد الرحمان الشهرزورى (ابن صلاح) (۵۷۷-۶۴۳ ق)، تحقیق: نورالدين عتر، مدينه: مكتبة العلمية، ۱۹۷۲ م، دوم.

۹۲. عيون أخبار الرضا عليه السلام، أبو جعفر محمد بن علی ابن بابويه القمّي (الشيخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق)، تحقیق: حسين الأعلمی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۴ م، اول.

۹۳. عيون المعجزات، حسين بن عبد الوهاب (ق ۵ ق)، تحقیق: محمد كاظم الكتبي، نجف: المطبعة الحيدرية، ۱۳۶۹ ق / ۱۹۵۰ م.

٩٤. غاية العرام و حجة الخصام في تعيين الإمام من طريق الخاصّ و العامّ، السيّد هاشم بن إسماعيل البحراني (م ١١٠٧ ق)، تحقيق: السيّد علي عاشور، بيروت: مؤسسة التاريخ العربي، ١٤٢٢ ق.
٩٥. غرر الفوائد و درر القلائد (الأثالي في التفسير و الحديث و الأدب)، أبو القاسم علي بن الحسين الموسوي (السيّد المرتضوي) (م ٤٣٦ ق)، تحقيق: السيّد محمّد بدر الدين النعماني، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ١٤٠٣ ق.
٩٦. الغيبة، ابن أبي زينب محمّد بن إبراهيم الكاتب النعماني (م ٣٥٠ ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، تهران: مكتبة الصدوق.
٩٧. الغيبة، أبو جعفر محمّد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م ٤٦٠ ق)، تحقيق: عباد الله الطهراني و علي أحمد ناصح، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ١٤١١ ق، أول.
٩٨. فتح الأبواب بين ذوى الألباب و بين ربّ الأرباب في الاستخارات، رضى الدين أبو القاسم علي بن موسى الحلّي (ابن طاووس) (٥٨٩ - ٦٦٤ ق)، تحقيق: حامد الخفّاف، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ١٤٠٩ ق / ١٩٨٩ م، أول.
٩٩. فتح المغيث بشرح أافية الحديث للعراقي، أبو عبد الله محمّد بن عبد الرحمان السخاوي (٨١٣ - ٩٠٢ ق)، تحقيق: علي حسين علي، دار الإمام الطبري، ١٤١٢ ق / ١٩٩٢ م، دوم.
١٠٠. فرائد الأصول (الوسائل)، الشيخ مرتضى الأنصاري (١٢١٤ - ١٢٨١ ق)، بيروت: مؤسسة الأعلّمي للمطبوعات، ١٤١١ ق / ١٩٩١ م، أول.
١٠١. فرج المهموم في تاريخ علماء النجوم، رضى الدين أبو القاسم علي بن موسى الحلّني (ابن طاووس) (م ٦٦٤ ق)، قم: منشورات الشريف الرضى.
١٠٢. فرحة الغرّ في تعيين قبر أمير المؤمنين عليه السلام، عبد الكريم بن طاووس الحسنى (م ٦٩٣ ق)، تحقيق: السيّد تحسين آل شبيب الموسوي، قم: مركز الغدير للدراسات الإسلامية، ١٤١٩ ق / ١٩٩٨ م، أول.

۱۰۳. فضائل الأشعر الثلاثة، أبو جعفر محمد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق)، تحقیق: غلامرضا عرفانیان، دار المحبّة البيضاء و دار الرسول الأکرم، ۱۴۱۲ ق، دوم.
۱۰۴. فهرس أسماء مصنّی الشيعة (رجال النجاشی)، أبو العباس أحمد بن النجاشی الأسدی الکوفی (۳۷۲ - ۴۵۰ ق)، تحقیق: السید موسی الشبیری الزنجانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۱۰۵. الفهرست، أبو الفرج محمد بن إسحاق (ابن النديم) (م ۳۸۰ ق)، ترجمه و تحقیق: محمد رضا تجدد، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶ ش، سوم.
۱۰۶. الفهرست، أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسی (الشیخ الطوسی) (م ۴۶۰ ق)، تحقیق: السید جواد القيّومی الإصفهانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۱۷ ق، اول.
۱۰۷. فهرس التراث، محمد حسين الحسيني الجلالی، تحقیق: محمد جواد الحسيني الجلالی، قم: دلیل، ۱۴۱۲ ق، اول.
۱۰۸. الفهرست، منتجب الدين علی بن بابويه الرازی (ق ۶ ق)، تحقیق: السید جلال الدين الأرموی (المحدث الأرموی)، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۳۶۶ ش.
۱۰۹. الكافّة فی إبطال توبة الخاطئة، محمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادی (الشيخ المفيد) (۳۳۶ - ۴۱۳ ق)، تحقیق: علی أكبر زماني نژاد، قم: المؤتمر العالمي لأفیه الشيخ المفيد، ۱۴۱۳ ق.
۱۱۰. الکافی، أبو جعفر محمد بن یعقوب الكليني الرازی (م ۳۲۹ ق)، تحقیق: علی أكبر الغفّاری و الشيخ محمد الآخوندی، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۳۸۸ ق، سوم.
۱۱۱. کامل الزیارات جعفر بن محمد القمّی (ابن قولویه) (م ۳۶۷ ق)، جواد القيّومی، قم: نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ ق، اول.
۱۱۲. کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او، اتان گلبرگ، ترجمه: سید علی قرائی و رسول جعفریان.
۱۱۳. کتاب من لایحضره الفقيه، أبو جعفر محمد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق)، تحقیق: علی أكبر الغفّاری، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، سوم.

١١٤. كشف الحجب و الأستار عن أسماء الكتب و الأسفار، السيد إعجاز حسين النيسابورى الكنتورى (١٢٨٦ - ١٣٤٠ ق)، قم: مكتبة آية الله المرعشى النجفى، ١٤٠٩ ق.
١١٥. كشف المحجة لثمره المهجة، رضى الدين أبو القاسم على بن موسى الحلّى (ابن طاووس) (م ٦٦٤ ق)، نجف: المطبعة الحيدرية، ١٣٧٠ ق / ١٩٥٠ م.
١١٦. كفاية الأثر فى النصّ على الأئمة الإثنى عشر، أبو القاسم على بن محمد الخزّاز القمّى (ق ٤ ق)، تحقيق: السيّد عبد اللطيف الحسينى الكوه كمرى، قم: بيدار، ١٤٠١ ق.
١١٧. كليات فى علم الرجال، جعفر السبحانى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، ١٤١٦ ق، سوم.
١١٨. كمال الدين و تمام النعمة، أبو جعفر محمد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)، تحقيق: على أكبر الغفارى، مؤسسة النشر الإسلامى، ١٤٠٥ ق، أوّل.
١١٩. لسان الميزان، أبو افضل أحمد بن على بن حجر العسقلانى (م ٨٢٥ ق)، بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، ١٣٩٠ ق / ١٩٧١ م، دوم.
١٢٠. لؤلؤة البحرين فى الإجازات و تراجم رجال الحديث، يوسف بن أحمد البحرانى (م ١١٨٦ ق)، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
١٢١. مئة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة من ولده، محمد بن أحمد القمّى (ابن شاذان) (ق ٥ ق)، قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، ١٤٠٧ ق، أوّل.
١٢٢. المجازات النبوية، محمد بن الحسين الموسوى (الشريف الرضى) (م ٤٠٦ ق / ١٠١٥ م)، تحقيق و شرح: طه محمد الزينى، قم: مكتبة بصيرتى.
١٢٣. المجتنى من الدعاء المجتبى، رضى الدين أبو القاسم على بن موسى الحلّى (ابن طاووس) (م ٦٦٤ ق)، تحقيق: صفاء الدين البصرى، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ١٤١٣ ق.
١٢٤. مجمع الفائدة والبرهان فى شرح إرشاد الأذهان، أحمد الأردبيلي (م ٩٩٣ ق)، تحقيق: مجتبى العراقى و على پناه الإشتهاردى و حسين اليزدى الإصفهاني، قم: مؤسسة النشر الإسلامى.

۱۲۵. المحتضر، حسن بن سلیمان الحلّی (زنده در اوایل ق ۹)، نجف: المطبعة الحيدرية، ۱۳۷۰ ق / ۱۹۵۱ م، أول.
۱۲۶. مختصر بصائر الدرجات، محمد بن الحسن الصفّار القمّي (ابن فروخ) (م ۲۹۰ ق)، اختصار: حسن بن سلیمان الحلّی (ق ۸ ق)، نجف: المطبعة الحيدرية، ۱۳۷۰ ق / ۱۹۵۰ م، أول.
۱۲۷. مختلف الشيعة في أحكام الشريعة، أبو منصور حسن بن يوسف الحلّی (العلامة) (م ۷۲۶ ق)، تحقيق: مؤسسة النشر الإسلامي، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۱۲ ق، أول.
۱۲۸. مدينة معاجز الأئمة الإثني عشر و دلائل الحجج على البشر، هاشم بن سليمان البحراني (م ۱۱۰۷ ق)، تحقيق: عزّة الله المولائي الهمداني، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ ق، أول.
۱۲۹. المزار الكبير، محمد بن جعفر المشهدي (ق ۶ ق)، تحقيق: جواد القيومي الإصفهاني، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۱۹ ق، أول.
۱۳۰. المزار، محمد بن جمال الدين مكّي العاملي (الشهيد الأول ۷۳۴-۷۸۶ ق)، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، ۱۴۱۰ ق، أول.
۱۳۱. المزار، محمد بن محمد بن نعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (۳۳۶-۴۱۳ ق)، تحقيق: السيد محمد باقر الأبطحي، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، ۱۴۱۳ ق، أول.
۱۳۲. المسائل الصاغانية، محمد بن محمد بن نعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (م ۴۰۶ ق)، تحقيق: السيد محمد القاضي، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، ۱۴۱۳ ق، أول.
۱۳۳. مسارّ الشيعة في مختصر تواريخ الشريعة، محمد بن محمد بن نعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (۳۳۶-۴۱۳ ق)، تحقيق: مهدي نجف، دار المفيد، ۱۴۱۴ ق، دوم.

١٣٤. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین النوری الطبرسی (م ١٣٢٠ ق)، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ١٤٠٧ ق، أول.
١٣٥. المسترشد في إمامة أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام، أبو جعفر محمد بن جرير الطبري الإمامي (ق ٥)، تحقيق: أحمد المحمودي، تهران: مؤسسة الثقافة الإسلامية لكوشانبور، ١٤١٥ ق، أول.
١٣٦. مشايخ الثقات، ميرزا غلامرضا عرفانيان، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤١٧ ق، أول.
١٣٧. مصادر الاستنباط بين الأصوليين و الأخباريين، محمد عبد الحسن محسن الغراوي، قم: نشر مكتب الإعلام الإسلامي، ١٤١٣ ق، أول.
١٣٨. مصادقة الإخوان، أبو جعفر محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)، تحقيق: السيد علي الخراساني، قم: عشقعلی، ١٤٠٢ ق / ١٩٨٢ م.
١٣٩. مصباح المتهجد، أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (٣٨٥ - ٤٦٠ ق)، بيروت: مؤسسة فقه الشيعة، ١٤١١ ق، أول.
١٤٠. معالم العلماء، أبو عبد الله محمد بن علي المازندراني (ابن شهر آشوب) (٤٨٨ - ٥٨٨ ق)، نجف: المبعة الحيدرية، ١٣٨٠ ق.
١٤١. معاني الأخبار، أبو جعفر محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٣٦١ ش.
١٤٢. معجم البلدان، شهاب الدين أبو عبد الله ياقوت بن عبد الله الحموي الرومي (م ٦٢٦ ق)، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٣٩٩ ق، أول.
١٤٣. معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، السيد أبو القاسم الموسوي الخوئي (م ١٤١٣)، ١٤١٣ ق / ١٩٩٢ م، پنجم.
١٤٤. معجم المؤلفين، عمر رضا كحالة، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٣٧٦ ق.
١٤٥. معدن الجواهر و رياضة الخواطر، أبو الفتح محمد بن علي الكراجكي الطرابلسي (م ٤٤٩ ق)، تحقيق: السيد أحمد الحسيني، قم: مهر استوار، ١٣٩٤ ق، دوم.

۱۴۶. معرفة الحديث، محمد باقر البهبودی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ ش، اول.
۱۴۷. معرفة علوم الحديث، محمد بن عبد الله الحاكم النيسابوری (م ۴۰۵ ق)، تحقیق: السيد معظم حسين، قاهره: مكتبة المتنبي.
۱۴۸. مقضب الأثر فی النصّ علی الأئمة الاثنی عشر، أحمد بن عبيد الله بن العیاش الجوهري (م ۴۰۱ ق)، قم: مكتبة الطباطبائي.
۱۴۹. المقنع، محمد بن علی بن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق)، تحقیق: مؤسسة الإمام الهادي عليه السلام، قم: مؤسسة الإمام الهادي عليه السلام، ۱۴۱۵ ق.
۱۵۰. مناقب آل أبي طالب (المناقب لابن شهر آشوب)، أبو عبد الله محمد بن علی المازندرانی (ابن شهر آشوب) (م ۵۸۸ ق)، نجف: المطبعة الحيدرية، ۱۳۷۶ ق / ۱۹۵۶ م.
۱۵۱. المناقب، الموفق بن أحمد بن محمد المكي الخوارزمي (م ۵۸۶ ق)، تحقیق: مالک المحمودی، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۱۱ ق، اول.
۱۵۲. منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، أبو منصور حسن بن يوسف الحلّي (العلامة) (م ۷۲۶ ق)، تحقیق: مجمع البحوث الإسلامية، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۲ ق، اول.
۱۵۳. میزان الاعتدال فی قد الرجال، أبو عبد الله محمد بن أحمد الذهبي (م ۷۴۸ ق)، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دار المعرفة.
۱۵۴. ناسخ الحديث و منسوخه، ابن شاهين البغدادي (م ۳۸۵ ق)، تحقیق: کريمة بنت علی، بیروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۰ ق، اول.
۱۵۵. قد الرجال، مصطفى بن حسين الحسيني التفرشي (ق ۱۱ ق)، تحقیق: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۸ ق.
۱۵۶. نوادر المعجزات فی مناقب الأئمة الهداة، أبو جعفر محمد بن جرير الطبري الإمامي (ق ۵ ق)، تحقیق: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، قم: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، ۱۴۱۰ ق، اول.

١٥٧. نهاية الدراية في شرح الرسالة الموسومة بالوجيزة للبهائي، السيد حسن الصدر، تحقيق: ماجد الغرباوي، تهران: مشعر.
١٥٨. الوافية في تعيين الفرقة الناجية، إبراهيم بن سليمان القطيفي البحراني (م ٥٩٠ ق)، تحقيق: محمود الغريفي، مشهد: دار حفظ التراث البحراني، ١٤١٨ ق.
١٥٩. وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، محمد بن الحسن الحر العاملي (م ١١٠٤ ق)، تحقيق: عبد الرحيم الرئاني الشيرازي، قم: مكتبة الإسلامية، ١٣٦٧، ششم.
١٦٠. وصول الأخيار إلى أصول الأخبار، حسين بن عبد الصمد العاملي (الشيخ البهائي) (٩١٨ - ٩٨٤ ق)، تحقيق: السيد عبد اللطيف الكوه كمرى، قم: مجمع الذخائر الإسلامية، ١٠٤١ ق.
١٦١. الهداية، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)، تحقيق: مؤسسة الإمام الهادي عليه السلام، ١٤١٨ ق، أول.
١٦٢. اليقين في إمرة أمير المؤمنين، رضى الدين أبو القاسم علي بن موسى الحلّي (ابن طاووس) (م ٦٦٤ ق)، تحقيق: محمد باقر الأنصاري، قم: مؤسسة دار الكتاب (جزائري)، ١٤١٣ ق، أول.

تاریخ حدیث شیعه

در سده‌های ششم و هفتم

محمدکاظم رحمتی

مقدمه

هر پژوهشی را که بتواند به نحوی خواننده را با چرایی و چگونگی انجام شدن آن و نیز سؤالات بعدی قابل تحقیق، آشنا کند، می‌توان تحقیقی کامیاب دانست. نوشته حاضر، بر آن است تا وضعیت حدیث شیعه در دو قرن ششم و هفتم را ترسیم کند. نخست، لازم است به اختصار درباره منابع مهم این تحقیق، توضیحاتی ارائه شود. از مهم‌ترین مصادر این تحقیق، آثار رجالی شیعه، به‌خصوص کتاب فهرست علماء شیعه‌ی منتجب‌الدین رازی (از آثار قرن ششم) است. این اثر، مدرک مهمی از جامعه شیعه‌ری در دو قرن پنجم و ششم است، که به نحو مستقل (نخست به کوشش محدث ارموی و بار دوم به تحقیق مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی) چاپ شده و افندی در بخش اجازات بحار الأنوار - که از الحاقات وی به بحار است - متن کامل آن را آورده است. همچنین برای اطلاع از فهرست برخی آثار نگاشته شده به وسیله علمای امامی این دوره، می‌توان به این کتاب رجوع نمود.

کتاب معالم العلماء ابن شهر آشوب، دیگر اثر رجالی این دوره است که اطلاعات هر چند اندک، اما مهمی از رجال شیعه قرن ششم، در بر دارد.

کتاب‌شناسی الذریعة إلی تصانیف الشيعة ی آقا بزرگ تهرانی که بر اساس الفبایی مرتب شده است، اطلاعات تقریباً جامعی در معرفی آثار شیعه در بر دارد. آقا بزرگ در ذیل معرفی کتب، اطلاعات موجود درباره مؤلف آنها را از منابع متعدد آورده است.

همچنین موسوعة رجالی آقا بزرگ یعنی طبقات أعلام الشيعة، فهرست کاملی از عالمان امامیه را در بر دارد. دو مجلد از این مجموعه با عنوان‌های: «تقات العیون فی

سادس القرون» و «الأنوار الساطعة في المئة السابعة»، به معرفی عالمان و رجال شیعه در قرن ششم و هفتم اختصاص دارند.

اجازات ذکر شده در مجلدات آخربحار الأنوار، به دلیل آگاهی های منحصر به فردی که در خود دارند، دارای اهمیت فراوانی برای این تحقیق اند. از طریق این اجازات، می توان به نکات زیر آگاهی یافت:

۱. مراکز علمی شیعه در قرن ششم و هفتم، ۲. کتاب ها و آثار متداول در جامعه امامیه، ۳. شیوخ اجازه روایت.

جامع ترین این اجازات، اجازه علامه حلی به بنو زهره است که اطلاعات مهمی از این دست دارد.

کتاب رجالی ریاض العلماء و حیاض الفضلاء افندی نیز - گرچه اثری از دوره صفویه است - اطلاعات مفیدی در بر دارد. افندی که خود، کتاب شناسی ذو فنون بوده است، اطلاعات فراوانی از نسخه های خطی زمانش را با گزارش اسناد اجازات - که گاه بر نسخه ها بوده - آورده است.

از مآخذ مهم رجالی قرن هفتم، آثار رجالی ابن ابی طی، عالم امامی قرن ششم و هفتم است که در صورت یافت شدن، می تواند آگاهی های مفیدی درباره تشیع حله - که آغاز درخشش آن، در قرن ششم و هفتم است - در اختیار ما قرار دهد.^۱

همین جا باید اشاره نمود که بررسی وضعیت شیعه در حله، خود، نیاز به تحقیق جدایی دارد که تا به حال، چندان توجه محققان را به خود جلب نکرده است و در تحقیق کنونی، تنها با توجه به وضعیت حدیثی شیعه در این شهر، گزارشی آمده است.^۲

۱. آقای رسول جعفریان، بازمانده هایی از این کتاب را که در منابع بعدی نقل شده است، استخراج کرده و با عنوان الحاوی فی رجال الشيعة الإمامية منتشر کرده است.

۲. اطلاعات منحصر به فردی از این دست، در کتاب مجمع الادب ابن فوطی، وجود دارد. گزارش تاریخی از جامعه شیعه در قرن ششم و هفتم را آقای رسول جعفریان در کتاب تاریخ تشیع در ایران آورده که به دلیل

قرن ششم و هفتم از نظر علمی، تنها دوره گذار برای جامعه امامیه است. میراث حدیثی شیعه که در قرن دوم و سوم در کوفه به صورت تدوین اصول و مجامع اولیه حدیثی شکل گرفته بود، در قم و بغداد مبنایی برای تألیف آثار مفصل تر، چون کتب اربعه (الکافی، کتاب من لایحضره الفقیه، الاستبصار و تهذیب الأحکام) گردید. در قرن چهارم، تلاش های شیخ مفید و انتقال میراث حدیث شیعه به نسل برجسته بعد از خود، بخصوص عالمانی چون شیخ طوسی و سید مرتضی، پیش زمینه ای برای شکل گیری حوزه نجف گردید. ورود سلجوقیان و مهاجرت شیخ طوسی از بغداد به نجف، مهم ترین حادثه در تاریخ شیعه در قرن پنجم است.

تشیع با تأسیس حله در اواخر قرن پنجم، با وضعیت مطلوبی روبه رو شد. خاندان شیعی بنو مزید، محیطی مطلوب برای عالمان شیعی پدید آوردند. با این حال از حیث علمی، قرن ششم، آغاز دوره رکود جامعه شیعه بود و این رکود در قرن هفتم نیز تداوم یافت. تنها استثنای مهم در قرن هفتم، رضی الدین ابن طاووس، عالم پُر اثر امامی است که در آثار مختلف خود، اطلاعات گران بهایی از میراث حدیثی امامیه را حفظ کرده است.

بر خلاف اهل سنت، تلقی خاص عالمان امامی از حدیث، مانع از پدید آمدن علوم متداول حدیثی در میان شیعیان شد. هم و غم عالمان امامی در این دوره، تنها گردآوری مجموعه های حدیثی بر اساس متون قدیمی بوده و به دلیل متداول بودن کتب حدیثی، متن های حدیثی مُرسل فراوانی، چه در حوزه اهل سنت و چه شیعه، پدید آمده است. با این حال، همین متون، نکاتی در بر دارند که می توانند مارادر فهم برخی نظرات حدیثی عالمان امامی، یاری دهند. ویژگی خاص قرن ششم و تا حدی قرن هفتم، تألیف آثار فراوانی در مناقب نویسی ائمه است.

فصل‌های این تحقیق، چنین ارائه شده است:

نخست، گفتار کوتاهی دربارهٔ وضعیت فرهنگی جهان اسلام آمده و به اختصار از وضعیت حوزه‌های حدیثی اهل سنت، زیدیه و اباضیه سخن رفته است. در قرن ششم، مهم‌ترین حادثهٔ منحصربه‌فرد جهان اسلام، انتقال میراث زیدیه از ایران و عراق به یمن است. شخصیت کلیدی در این حادثه، قاضی جعفر بن احمد بن عبد السلام مسوری است. همچنین مهم‌ترین متن حدیثی اباضیه، در این زمان تدوین شده است. قابل ذکر است که از اواخر قرن ششم، مراکزی علمی به نام «دار الحدیث» در جهان اهل سنت شکل گرفته‌اند.

مهم‌ترین حوزه‌های حدیثی این دو قرن، نخست شهر ری در قرن ششم است و بعد از آن در قرن هفتم، شهر حله اهمیت محوری دارد. با این حال نباید از خاطر برد که در دیگر شهرها چون قم و بغداد نیز مطمئناً عالمان امامیه حضور داشته‌اند. دوم، شرح حال و آثار شخصیت‌های علمی شیعهٔ این دو قرن، بیان شده و در دو بخش مجزا، از محدثان شیعی این دو قرن، سخن رفته است.

در این جا لازم است به نکتهٔ مهمی اشاره گردد. دو کتاب اصول فقه متداول در آن دوره، یعنی الذریعة إلى أصول الشریعة ی سید مرتضی (م ۴۳۶ ق) و عُدَّةُ الْأُصُول شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق)، حاوی مباحث مهمی در علم الحدیث‌اند. فی المثل، مباحثی چون نسخ و احکام آن (نسخ کتاب به کتاب، نسخ سنت به کتاب و یا نسخ کتاب به سنت)، بحث از اقسام خبر، خبر واحد، اجماع، و تحمّل روایت (مناوله، اجازة، سماع)، بحث از وجوب یا عدم وجوب پیروی از عمل پیامبر، و بحث از ویژگی متحمّل حدیث و نیز الفاظ روایت، در کتاب سید مرتضی، نزدیک‌ترین مباحث به علم الحدیث‌اند.^۱

۱. ر.ک: الذریعة إلى أصول الشریعة. گفتنی است عمادالدین طبری، شرح مسائل الذریعة را در شرح این کتاب و

تفصیل برخی مطالب دیگر نیز در آثار شیخ طوسی، قابل توجه است. به عنوان نمونه، شیخ طوسی بحث مبسوطی در باب خبر واحد آورده و در ضمن آن، به طرح این نکته پرداخته که: چرا باید اخبار رجال و اقفی، غلات و یا کسانی را که راوی اخبار جبر و تشبیه هستند، بپذیریم؟

این مباحث برای آشنایی با ذهنیت حدیثی شیعه، مفید است؛ اما بحث از آنها به دلیل تألیف این آثار در قرن پنجم، از حوزه این پژوهش، خارج است. خواننده بصیر تنها باید بداند که عدم وجود تألیف کتاب خاصی در علم الحدیث، به معنای نبود مباحث این گونه در میان امامیه نیست و به نحو پراکنده می‌توان چنین موضوعاتی را در آثار مختلف امامی پیدا نمود.^۱

از ویژگی‌های متون حدیثی امامیه در قرن ششم و هفتم، تخریج روایات از آثار کهن‌تر امامیه در تألیف متون نگاشته شده است.^۲ تخریج الحدیث، نقل حدیث از منبعی است که فرد راوی، آن را از استاد خود به یکی از روش‌های تحمّل حدیث، روایت کرده است. اهمیت این نقل قول‌ها در آن است که گاه، برخی از آثار تألیف شده در قرن ششم و هفتم، تنها، تخریج کتابی کهن (یعنی نقل احادیثی از یک اثر قدیمی تنها با اسناد مختلف از مؤلف اصلی) به وسیله مؤلفان این قرون است.

۱. سید کمال الدین مرتضی مرعشی (از مشایخ منتجب الدین) نیز شرح دیگری بر آن نگاشته است (ر.ک: الذریعة إلی تصانیف الشیعة، ج ۱۰، ص ۲۶).

۲. بحث کوتاهی از این دست را شیخ طوسی در کتاب الاستبصار نیز آورده است.

۳. برای آگاهی بیشتر از مفهوم «تخریج» در علوم حدیث، ر.ک: دانش‌نامه جهان اسلام، ج ۶ ص ۷۲۶ و ۷۲۷ مدخل «تخریج» (به قلم مجید معارف) و برای دیدن بحثی در شیوه شناسایی متون تخریج شده، ر.ک: «دو کتاب به روایت شیخ صدوق»، محمدکاظم رحمتی، کتاب ماه دین، ش ۶۶-۶۷، فروردین-اردیبهشت ۱۳۸۲، ص ۶۱-۶۷.

سفید

فصل یکم

وضعیت فرهنگی - اجتماعی در قرن ششم و هفتم

مراکز علمی در قرن ششم و هفتم

وضعیت سیاسی جهان اسلام در پی ورود ترکان سلجوقی در سال ۴۲۸ ق به ایران و نقش مهمی که این تحوّل در اواخر قرن پنجم و بخصوص در قرن ششم ایفا نمود و تأثیر به سزایی که در این دوره در گسترش علوم دینی چون علوم حدیث داشت، مطلبی است که به راحتی می توان آن را از خلال منابع مختلف تاریخی باقی مانده از این دوره دید.

همچنین تأسیس مدارس نظامیه به وسیله خواجه نظام الملک، گرچه در راه تقویت مذهب شافعی بود، اما موجب شد که در این دوره اساساً ساخت مدارس، یکی از فعالیت های چشمگیر حاکمان گردد.^۱ اواخر قرن پنجم به بعد، دوران ساخت مدارس در جهان اسلام است. در این مدارس، ضمن تدریس کتب مختلف فقهی و تفسیری، متون حدیثی نیز تدریس می شده است.^۲ مهم ترین مرکز علمی جهان اسلام

۱. برای اطلاع از مدارس نظامیه و اهمیت آنها، ر. ک: مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن.

۲. تذکر این نکته، ضروری است که بر خلاف اهل سنت، علوم حدیث (به معنای مصطلح) و نگارش آناری چون: معرفة الحدیث و علم الحدیث، تقریباً تا قرن هفتم در میان شیعه مرسوم نبوده و شاهد خاصی بر نگارش کتبی در این باب در دست نیست و غالباً بجز برخی نقدها بر وثاقت احادیثی خاص، روایات کتب اربعه مورد پذیرش بوده است. نخستین کسی که همانند اهل سنت، روایت شیعه را تقسیم بندی نمود، جمال الدین ابن طائوس بود (ر. ک: مقدمه ای بر فقه شیعه، ص ۵۳، پی نوشت). ظاهراً اولین متون موجود شیعی در علم

از اواخر قرن سوم به بعد تا قبل از حمله مغولان، شهر نیشابور بوده است. این شهر در دوره گسترش خود، یکی از مهم ترین مراکز علمی جهان اسلام به شمار می رفته است. مؤید این نکته، وجود مدارس فراوان در این شهر است.^۱

شهر بغداد نیز از جمله مراکز علمی مورد توجه این دوره است. در این شهر، دو گروه مهم شیعه و حنابله، حضور چشمگیری داشته اند، گرچه شهر بغداد، بعد از به آتش کشیده شدن کتاب خانه شاپور و مهاجرت شیخ طوسی به نجف، مرکزیت علمی خود را برای حوزه شیعه از دست داد. تقریباً در اواخر قرن پنجم بود که شهر نجف، مرکزیت علمی جهان تشیع را به دست آورد.

در اواخر قرن پنجم، در حدود سال ۴۹۵ ق، امیر شیعی مذهب، صدقه بن منصور دببسی (مؤسس سلسله آل مزید)، شهر حله را تأسیس نمود.^۲ این شهر به زودی، یکی از مراکز مهم امامیه شد.^۳ البته قبل از رونق گیری شهر حله، شهرری با داشتن

۱. الحدیث، کتاب لرعاية فی علم الدرایة فی شهید ثانی (م ۹۶۶ ق) و کتاب وصول الأخبار إلى أصول الأخبار حسین بن عبد الصمد عاملی (م ۹۸۴ ق) هستند.

۲. در مورد مدارس نیشابور و خاندان های مشهور آن، ر. ک:

Richard W. Bulliet, *The Particans of Nishapur: A Study in Medieval Islamic Social History* (Cambridge, 1972).

این کتاب، توصیف تقریباً کاملی را از خاندان های مهم شهر نیشابور از اواخر قرن سوم تا قرن ششم در بر دارد. متن کتاب بر اساس آثار نگاشته شده درباره علمای نیشابور است. قدیمی ترین اثر موجود درباره علمای نیشابور، کتاب تاریخ نیشابور حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ ق) است که به طور کامل باقی نمانده و در حال حاضر تنها تلخیصی فارسی از آن موجود است. متن این کتاب، مرجع مهمی برای نگارش دو کتاب مهم تراجم حنفیان و شافعیان، یعنی کتاب الجواهر المضية فی تراجم العلماء الحنفية (نگاشته عبد القادر قریشی) و کتاب طبقات الشافعية الکبری (نگاشته شبکی) بوده است. متن کتاب، بر اساس منقولات موجود، در سه مجلد در حال بازسازی است.

۲. معجم البلدان، ذیل «حله»؛ دائرة المعارف اسلام (EI^۲)، ذیل «حله». اطلاعات ذکر شده در دائرة المعارف اسلام، تلخیصی از گفته های یاقوت است.

۳. برای اطلاع از مراکز مهم شیعی و شیوخ اجازه در این قرن به طور کلی، ر. ک: بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۴۷-۵۰.

مدارس متعدد، نقش مهمی در ترویج معارف اهل بیت علیهم السلام ایفا نمود. شهرری، بعد از مهاجرت شیخ صدوق به آن جا، مرکزی برای اشاعه معارف اهل بیت بوده است. گفتنی است که قرن ششم، دوره سیطره افکار و آرای شیخ طوسی است. این را می توان از نگاهی به فهرست مؤلفان امامی قرن ششم در یافت که غالباً نزد شاگردان شیخ، تلمذ کرده اند.

مهم ترین منبعی که اطلاعات ریز تاریخی همراه با شمایی از وضعیت فکری شیعه را در اختیار ما قرار می دهد، کتاب فارسی بعضی مطالب النواصب فی نقض کتاب فضائح الروافض عبد الجلیل قزوینی (مشهور به کتاب نقض) است.^۱ این کتاب پاسخی است به کتاب فضائح الروافض، نوشته نویسنده ای از اهل سنت که ادعا نموده در آغاز، شیعه بوده و سپس به تسنن گرویده است.

سوی نکات فراوان و جالبی که در کتاب قزوینی عرضه شده است، آنچه برای ما در این جا اهمیت دارد، گزارش های او در مورد مدارس شیعه است.^۲ این گزارش ها، تنها شواهد موجود فعلی از حضور چشمگیر تشیع در شهرری در قرن ششم است. قزوینی در پاسخ به گفته مؤلف فضائح - که گفته: «و به روزگار سلطان ملک شاه و سلطان محمد - قدس الله روحهما - نگذاشتندی که اینان مدرسه و خانقاه سازند» - اطلاعات جالبی از مدارس شهرری ارائه نموده، می نویسد:

اما جواب این کلمه که از وجوه، دفع ضروری کرده است، آن است که نمی دانم که به کدام بقعه اشارت می کند. اگر به تحصیل و تعدید مدارس سادات مشغول شویم در بلاد خراسان و حدود مازندران و شهرهای حلب و حرّان و از بلاد عراق چون قم و کاشان و آبه، که «مدارس چنداست و کی بوده است و اوقاف چند دارد؟»، طومارات کتب خواهد؛ اما از برای دفع شبهت را اشارتی برود به شهر ری که منشأ و مولد این قائل است:

۱. در مورد عبد الجلیل قزوینی، ر.ک: مقدمه نقض.

۲. برای دستیابی به گزارش تفصیلی از این کتاب، ر.ک: اندیشه تفاهم مذهبی در قرن هفتم و هشتم هجری، ص ۱۳ - ۶۲.

اولاً، مدرسه بزرگ سید تاج الدین محمد کیسکی - رحمه الله -؛ کلاهدوزان که مبارک شرقی فرموده است و قرب نود سال است که در آن جا ختمات قرآن و نماز به جماعت هر روز پنج بار و مجلس و عظم هر یک هفته دو بار و یک بار و در این مدرسه موضع مناظره و نزول مصلحان در آن جا... باشند... و... مدرسه شمس الاسلام حسکا بابویه که پیر این طایفه بود که نزدیک سرای ایالت است... و دیگر، مدرسه‌ای میان این دو مدرسه که تعلق به سادات کیسکی دارد... و مدرسه‌ای به دروازه آهنین که منسوب به سید زاهد بلفتح... و مدرسه فقیه علی جاسبی به کوی اصفهانیان... و مدرسه خواجه عبد الجبار مفید که چهارصد مرد فقیه و متکلم، در آن مدرسه درس شریعت آموختند...^۱

از دیگر مسائل جالب توجهی که قزوینی به آنها اشاره کرده، نکاتی درباره وضعیت فکری جامعه شیعیان است. از نظر رویکرد به حدیث، دو نوع تفکر مهم در تاریخ تشیع، حضور داشته است: نخست، تفکر حدیث‌گرایا اخباری و دوم، تفکر اصولی.

اخباری‌گری که گرایش اغلب محدثان امامی بود، بر پیروی محض از احادیث، تأکید داشت و کاربرد استدلال‌های عقلی را در نقد و جرح احادیث، بر نمی‌تافت. این گروه از عالمان شیعه خود به دو دسته معتدل و افراطی تقسیم شده‌اند: گروه اول، آنان که بر اساس ضوابطی، هر حدیثی را نمی‌پذیرفتند، و گروه دوم، آنان که طرفداران بی‌قید و شرط احادیث نقل شده بودند و در منابع شیعی از آنها به حشویه، مقلده و اخباریه و اصطلاحات مشابه، یاد شده است.

عالمان اصولی، بر خلاف گروه اول، بر به کارگیری عقل در تشخیص صحت و سقم احادیث، تأکید داشته‌اند. این گرایش‌ها در میان شیعیان، به طور کلی به اخباری و اصولی، مشهور است.^۲ توضیحات قزوینی در مورد این دو جریان، جالب توجه است.

۱. نقض، ص ۳۴ و ۳۵.

۲. برای اطلاع از تفصیل مطلب، ر. ک: مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ص ۳۷-۳۹.

دو مسئله مهم این برهه، که نشانگر این دور و یکرد عقل‌گرا (تشیع اصولی) و نص‌گرا (تشیع اخباری) به حدیث است، عقیده درباره تعداد روزهای ماه رمضان و پذیرش و یار در روایات ناظر به تحریف قرآن است. مؤلف فضاخ در خرده‌گیری‌ای بر شیعه، نوشته است:

رافضی، بر سنت مصریان زود و دو روز پیش [تر] نیت ماه رمضان بکند و چون دو روز به عید مانده باشد، افطار کند و به مصر هم چنین کنند و به جدول، روزه دارند و عید، یک روز پیش تر کنند مخالفت آل عباس را.

عبد الجلیل قزوینی در پاسخ این گفته، می‌نویسد:

اما جواب آنچه در روز پیش تر از رمضان روزه درگیرند، به حساب، کورتر است، که زهاد و عباد شیعه به دو ماه پیش تر از رمضان روزه درگیرند، اما نه به نیت ماه رمضان روزه دارند و کتب فقهای ایشان در احتیاط این مسئله و عدد رؤیت هلال ماه و عدد شهر بر اختلاف احوال، أظهر من الشمس است و به جدول و نجوم و مانند این، هرگز معترف نبوده‌اند و آن را منکر باشند و روزه‌گشایند و در این معنا تقیه‌ای نتوان کردن.

بلی؛ جماعتی اخباریه که خویشان را شیعت خوانند، این معنا مذهب ایشان بوده است و از ایشان بسی نمانده‌اند و گر جایی باشند، این معنا پنهان اصولیان کنند که علم الهدی و شیخ بو جعفر طوسی و علمای ما از متأخران برایشان انکار کرده‌اند...^۱

یکی از شگفت‌ترین حوادثی که در این دوره اتفاق افتاده، انتقال میراث زیدی از ایران و عراق به یمن است. شخصیت کلیدی در انتقال میراث کلامی، حدیثی و فقهی زیدیه به یمن، شخصی به نام قاضی جعفر بن عبد السلام مسوری است. از آن جا که وی نقش مهمی در تاریخ زیدیه در قرن ششم ایفا کرده و مطالب خاصی در مورد وی در آثار متداول، بیان نشده است، به تفصیل بیشتری در حدّ مجال این نوشتار، به او و نکاتی درباره تدوین حدیث در میان زیدیه اشاره می‌شود.

تدوین حدیث زیدیه

نخستین نشانه‌ها از تدوین حدیث، در میان زیدیان کوفه قابل مشاهده است. جامعه زیدیه کوفه در قرن دوم، به دو گروه بتریه و جارودیه تقسیم می‌شده است. گروه بتریه با همان اصول اهل سنت، به حدیث، نگاه می‌کرده و مراجعه به اقوال روایت‌شده از پیامبر به نقل از صحابه را امری قابل قبول می‌دانسته است. در مقابل، گروه جارودیه، تنها به احادیث منقول از اهل بیت - البته به معنای متوسعی که از این مفهوم داشته‌اند - معتقد بوده‌اند. در نهایت نیز همین جریان در میان زیدیه تداوم یافت. قدیمی‌ترین اثر موجود میان زیدیه، مجموع الفقه منسوب به زید بن علی (م ۱۲۲ ق) است.

در قرن سوم، چند گرایش در میان زیدیه کوفه وجود داشته است:

نخستین مکتب فقهی زیدیه قرن سوم، مبتنی بر آرای احمد بن عیسی بن زید (م ۲۴۷ ق) است. آرای وی را شاگردش محمد بن منصور مرادی (م ۲۹۴ ق) گردآوری کرده است.

مکتب دوم، متأثر از آرای قاسم بن ابراهیم رسی بوده که بیشتر به مشرب فقهی مدینه نزدیک بوده است.

تلفیق آرای این مکاتب، به دست مؤلفی زیدی به نام ابو عبد الله علوی (م ۴۴۵ ق) در کتاب الجامع الکافی صورت پذیرفته است. این آثار در میان زیدیه ایران نیز رواج داشته است. هرچند عالمان زیدی ایرانی چون: المؤید بالله احمد بن حسین هارونی (م ۴۱۱ ق)، ابوطالب یحیی بن حسین هارونی (م ۴۲۴ ق)، الموفق بالله حسین بن اسماعیل شجری (م ۴۲۰ ق)، فرزندش یحیی بن حسین شجری مشهور به المرشد بالله، و حاکم جُشمی محسن بن کرامه (م ۴۹۴ ق) و دیگران، آثار مهمی را در حدیث زیدیه تدوین کرده‌اند، اما این آثار به کوشش قاضی جعفر به یمن رسید. برخی از این آثار، امروز تنها در یمن موجود است و نسخه‌ای از آنها در ایران یافت نمی‌شود.^۱

۱. برای دستیابی به گزارشی توصیفی از متون مهم حدیثی زیدیه، ر. ک: «کتاب‌های حدیثی منتشر شده از زیدیه»، سید علی موسوی‌نژاد، علوم حدیث، ش ۲۵، پاییز ۱۳۸۱، ص ۱۵۶ - ۱۸۶.

قاضی جعفر و نقش وی در انتقال میراث زیدیه به یمن^۱

آثار عالمان برجسته زیدیه (چون: حاکم جُشَمی، المؤید بالله، و المرشد بالله) و دیگر کتب حدیثی - رجالی زیدیه، به وسیله عالمان زیدیه بخصوص حسن بن زید بیهقی، به یمن انتقال یافت. در این میان، شخصیت کلیدی زیدیه، قاضی جعفر بن احمد بن عبد السلام مسوری است. وی علاوه بر تألیف کتب کلامی متعدّد، نقشی مهم در انتقال میراث زیدیه ایران به یمن داشته است.

آثار حدیثی قاضی جعفر به دو صورت است: اثر تألیفی (مانند أربعین حدیث علویة که شرح چهل حدیث علیه السلام مسند الإمام زید است)^۲ و اثر غیر تألیفی (همانند تیسیر المطالب و أمالی قاضی عبد الجبار المعتزلی، که در حقیقت، ترتیب آثار دیگران است).

نخست، اطلاعات مربوط به شرح حال قاضی جعفر و اساتید وی را مرور می‌نماییم و بعد از آن درباره تیسیر المطالب و اهمیت آن به مطالبی اشاره خواهیم کرد، گرچه این کتاب با وجود اهمیتی که دارد، چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

شرح حال قاضی جعفر را فقیه زیدی، صارم الدین، در کتاب طبقات الزیدیه خود آورده است. این گزارش، تقریباً شرح حال کاملی از این عالم برجسته زیدیه را در بر دارد. فزون‌تر، آن که در این شرح حال به متون متداول حدیثی، کلامی و فقهی زیدیه نیز اشاره شده است که می‌تواند سیر نگارش آثار زیدیه را در قرون گذشته نشان دهد. شمس الدین جعفر بن احمد مسوری، مشهور به قاضی جعفر، از عالمان نامدار زیدی است که در ابتدا بر مذهب اسماعیلیه بوده است. وی در تاریخ نامشخصی به

۱. برای دستیابی به گزارشی از محدّثان زیدیه و تاریخ حدیث زیدیه، ر.ک: التحف شرح الزلف و لواع الآثار فی جوامع العلوم و الآثار و تراجم أولى العلم والأخضر. نیز جهت اطلاع از اهمیت متون زیدیه برای تاریخ حدیث امامیه، ر.ک: «زیدیه و منابع مکتوب امامیه»، حسن انصاری قمی، علوم حدیث، ش ۲۰، تابستان ۱۳۸۰، ص ۱۴۹-۱۶۱، «معرفی جلاء الأبصار فی متون الأخبار (متنی حدیثی از میراث معتزله)»، محمّد کاظم رحمتی، علوم حدیث، ش ۲۱.

۲. این کتاب با عنوان الأربعون العلویة و شرحها و با تحقیق عبدالفتاح الکبسی (آنان، ۱۴۲۳ ق) به چاپ رسیده است.

زیدیه گروید. در زمان قاضی جعفر، دو جریان مهم در میان زیدیة یمن وجود داشته است: جریان موسوم به «مطرفیه» با آرای خاص کلامی، و جریان مقابل آن، که به دلیل مخالفت با مطرفیه، به «مخترعه» مشهور است.

در پی تشدید اختلاف میان این دو گروه، عالمان مخترعه، از عالمان زیدی ایران دعوت کردند تا به یمن رفته، با تدریس متون کلامی معتزله بصره، آنها را در مقابله با مطرفیه - که علاوه بر آرای خاص خود، از مکتب کلامی بغداد پیروی می کردند - یاری کنند.

همچنین عالم مشهور و شریف زیدی مکه، علی بن عیسی مشهور به ابن وهاس، از فقیه و متکلم نامور زیدی ایرانی به نام زید بن حسن بیهقی بروغنی (م ۵۵۱ ق) دعوت نمود تا به یمن برود. بعد از سفر بیهقی به یمن، قاضی جعفر که از عقاید مطرفیه پیروی می کرد، به مخترعه گروید.

بعد از آن، قاضی جعفر به مناطق جبال و عراق سفر کرد و در پی این سفر بود که میراث حدیثی - کلامی زیدیة ایران و عراق را با خود به یمن برد. قاضی جعفر در ۵۷۳ ق، درگذشت و در زادگاهش، سناع، به خاک سپرده شد.^۱

یکی از مهم ترین متون حدیثی زیدی که قاضی جعفر، در سلسله روایت آن قرار دارد، کتاب تیسیر المطالب، تألیف عالم نامدار زیدی، ابوطالب یحیی بن حسین هارونی (م ۴۲۴ ق) است. کتاب تیسیر المطالب در اصل، امالی هارونی است. تحریر موجود این کتاب، به ترتیب قاضی جعفر است. وی کتاب را باب بندی نموده و آن را در شصت و چهار باب، منظم کرده است.^۲ تا به حال، نسخه ای از اصل کتاب، یافت

۱. برای اطلاع از شرح حال قاضی جعفر، ر.ک: طبقات الزیدیه الکبری (بلوغ المراد إلى معرفة الأسناد)، ج ۱، ص ۲۷۳-۲۷۸.

۲. قاضی جعفر، اشاره کرده که چیزی به متن کتاب نیفزوده است: «تم الكتاب علی کماله من غیر زیاده علیه ولا نقصان منه سوی ترتیب الأبواب وإلحاق کل شیء ببابه» (تیسیر المطالب، ص ۲۴)؛ اما ظاهراً مطالب دیگری نیز بوده که در روایت های دیگر کتاب، موجود بوده است (ر.ک: کتابخانه ابن طاووس، ص ۱۸۲-۱۸۴).

نشده و آنچه در حال حاضر موجود است، همین متن متداول است. این اثر، یکی از آثار مورد علاقهٔ زیدیه و یکی از معدود آثار موجود از میراث حدیثی زیدیهٔ ایران است.^۱

وضعیت علم حدیث در میان اهل سنت

مهم‌ترین آثار علم الحدیث در بین اهل سنت، در قرن چهارم و پنجم تدوین شد و از قرن پنجم به بعد، آثار پدید آمده، تنها شرح و بسط مطالب کتب قبلی بوده است. پیش‌تر اشاره شد که مراکز مهم علمی جهان اسلام در این قرن، شهرهای نیشابور و بغداد بوده‌اند. در این دو شهر، عالمان بسیاری به تحصیل و تدریس مشغول بوده‌اند. در بغداد، عالم مشهور، ابن جوزی، کتاب‌الموضوعات^۲ را نگاشت. جوزقانی همانند این کتاب، کتاب‌الابطال را نگاشت. این دو اثر، به ادبیات نقد حدیث، مربوط‌اند.

عالمان خراسانی نیز به نگارش کتب رجالی، همت نهادند. ابوسعید عبد‌الکریم بن محمد سمعانی (م ۵۶۲ ق)، کتاب‌الأنساب را نگاشت که مبنایی برای کار یاقوت حموی در نگارش اثر سترگ معجم البلدان بوده است. سمعانی همچنین کتابی به نام الاستملاء در آداب املان نگاشته است. عبد‌الکریم بن محمد رافعی نیز اثری رجالی در احوال علمای قزوین با عنوان التدوین فی أخبار قزوین نگاشته است.^۳

۱. نگارندهٔ این سطور در جای دیگر (از جمله در مقدمهٔ خود بر کتاب الإفادة فی أخبار الأئمة السادة و مقالاتی چند در نشریات آئینه پژوهش و کتاب ماه دین و...)، با تفصیل بیشتری به میراث مکتوب زیدیه پرداخته است.
۲. ر.ک: «مبانی وضع‌شناسی در الموضوعات ابن جوزی»، سید محمد جواد وزیری فرد، علوم حدیث، ش ۱۲، در آثار این گونه، مؤلفان به بررسی احادیث جعلی می‌پردازند.
۳. این کتاب به وسیلهٔ عزیرالله عطاردی تصحیح و منتشر شده است. برای مرور نکات بااهمیت کتاب، ر.ک: «سیری در التدوین فی أخبار قزوین»، مرضی ذکایی ساوجی، (مجلهٔ آئینه پژوهش، ش ۳۴، ص ۴۶-۵۲). اهمیت کتاب التدوین در علوم حدیث، اطلاعات فراوان آن دربارهٔ روایت متون حدیثی، بخصوص متون حدیثی اهل سنت است. نیز اطلاعات جالبی دربارهٔ روایت کتاب صحیفة الرضا^{علیه السلام}، در این کتاب آمده است.

از دیگر مراکز مهم حدیثی، می‌باید به اندلس اشاره کرد. توجّه به حدیث در اندلس، از اواخر قرن دوم و سوم آغاز شده بود؛ ولی اوج و شکوفایی این دانش و توجّه به آن، از قرن پنجم به بعد بوده است.^۱ در اندلس، متون حدیثی را غالباً فقهای مالکی و شافعی - که دو مذهب غالب در آن جا بوده‌اند - به رشته تحریر درآورده‌اند. یکی از مهم‌ترین عالمان مالکی قرن ششم در اندلس، ابو بکر محمد بن عبد الله اندلسی مشهور به ابن عربی (م ۵۴۲ ق) است. وی در سال ۴۶۸ ق به دنیا آمد و در طلب حدیث، به مناطق مهم جهان اسلام بجز مناطق شرقی ایران سفر نمود و به سماع حدیث در نزد عالمان مختلف پرداخت.^۲ وی شاگردان بسیاری تربیت نمود. مهم‌ترین آثار حدیثی موجود وی، القیس فی شرح موطأ مالک بن انس، ترتیب المسالک فی شرح موطأ مالک و عارضة الأخوذی فی شرح الترمذی است. به غیر از ترتیب المسالک، دو اثر دیگر وی، به چاپ رسیده‌اند.

از دیگر عالمان اندلسی، می‌توان به ابو محمد عبد الحق بن عبد الرحمان اشبیلی (م ۵۸۲ ق) مؤلف الجمع بین الصحیحین اشاره کرد. دو کتاب صحیح البخاری و صحیح مسلم، معتبرترین متون حدیثی نزد اهل سنت‌اند. از این رو، مرکز توجّه عالمان در نگارش متون حدیثی بوده‌اند. این را می‌توان از شروح متعدّد و یا آثار نوشته‌شده تحت نام «الجمع بین الصحیحین» دریافت.

ابو محمد اشبیلی در سال ۵۱۰ ق در اشبیلیه به دنیا آمد. در آن جا وی از آخرین

۱. برای دستیابی به گزارشی از شکل‌گیری علم الحدیث در اندلس، ر.ک: «حدیث در اندلس»، ایزابل فیهرو، ترجمه محمّد کاظم رحمتی، علوم حدیث، ش ۱۶، ص ۱۲۹ - ۱۶۰، لحدیث بقرطبه خلال القرن الخامس الهجری و برای شناخت این کتاب، ر.ک: مهدی هوشمند، «پژوهش‌های حدیثی در قرطبه در قرن پنجم هجری» (علوم حدیث، ش ۱۷، ص ۱۸۸ - ۱۹۹).

۲. برای دستیابی به گزارشی از سفرهای ابن عربی، ر.ک: الواسم من لقواصم، مقدّمه؛ عارضة الأخوذی، ج ۱، ص ۱۳ - ۲۴. همچنین، ر.ک: در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابن عربی»، ج ۴، ص ۲۲۳ - ۲۲۶ (به قلم احمد پاکتچی).

شاگرد ابن حزم، یعنی قاضی شریح (م ۵۳۹ ق)، اخذ حدیث نمود. وی بر خلاف شیوخ اندلسی، تنها به تحصیل علوم در اندلس اکتفا نمود؛ زیرا در این تاریخ تقریباً متون متداول حدیثی، در اندلس رواج یافته بود.

از دیگر عالمان اهل سنت که در حوزه نگارش آثار حدیثی قلم زده‌اند، می‌باید به جلاله زمخشری (م ۵۴۸ ق) مؤلف الفائق فی غریب الحدیث و ربیع الأثرار و نصوص الأخبار، و مجد الدین ابو السعادات مبارک بن محمد، مشهور به ابن اثیر جَزَری (م ۶۰۶ ق) مؤلف النهایة فی غریب الحدیث و جامع الأصول اشاره کرد.

غریب الحدیث، از علوم وابسته به حدیث است. در این نوع آثار، سعی می‌شود تا مفاهیم ناآشنا و دور از ذهن به کار رفته در احادیث، شرح و توضیح داده شوند.^۱ با وجود آن که آثار مهمی در این حوزه در قرون متقدم تألیف شده، نگاشته ابن اثیر دارای اهمیت خاصی است. برای درک اهمیت کار وی، لازم است اندکی درباره شیوه‌های نگارش متون غریب الحدیث، سخن گفته شود.

یک روش در تدوین کتب غریب الحدیث، ترتیب مطالب بر اساس الفبایی است. این روش را نخست، ابو عبید احمد بن محمد هروی ابداع نمود و آن را در تألیف کتاب خود (الغریبین) به کار برد.

این روش، مورد پذیرش عده‌ای از علما قرار گرفت و در قرن ششم، ابو موسی محمد بن ابی بکر مدینی اصفهانی، تکمله‌ای بر کتاب هروی با عنوان المجموع المغیث فی غریبی القرآن والحدیث تألیف نمود. پس از آن، ابن اثیر با نگارش کتاب النهایة، این کار را تکمیل نمود. آقای عبد الهادی مسعودی در مورد روش و اهمیت کار ابن اثیر نوشته است:

۱. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: «سیر تدوین غریب الحدیث»، عبد الهادی مسعودی، علوم حدیث، ش ۱۳، ص ۹۲-۱۱۰. همچنین، ر.ک: کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۲۰۳-۱۲۰۷ و ۱۲۰۹.

کتاب ابن اثیر، سه قسمت اصلی دارد: واژه‌های الغریبین هروی، واژه‌های المجموع المغیث مدینی، و یافته‌های خود او. ابن اثیر، این سه بخش را به همان ترتیب مشهور الفبایی (بر اساس ماده) سامان داد^۱ و پس از ذکر ماده کلمه ناآشنا، عبارتی از حدیث را که مشتمل بر آن واژه غریب [و نیازمند شرح] است، آورد. او در تفسیر واژه‌های غریب، راه اختصار می‌پیمود و همین روش نیکو، همراه با فراگیر بودن کتاب - که حتی واژه‌های غریب احادیث صحابیان و تابعیان را نیز در بر داشت -، موجب شد که ابن اثیر کتابش را النهایة بنامد.^۲

ادبیات فضائل نگاری اهل بیت (علیهم السلام) در میان اهل سنت^۳

یکی از ویژگی‌های جریان تدوین حدیث در قرن ششم و هفتم، تداوم نگارش آثاری در فضایل اهل بیت است. در این جابه دو نمونه از آثار مهم تألیف شده در این حوزه اشاره می‌شود.

لازم به ذکر است که آثار تألیف شده در میان زیدیه درباره فضایل اهل بیت، در این قرن فراوان است؛ اما اندکی از این آثار به چاپ رسیده است. نمونه اول، کتاب محاسن الأذهار فی فضائل إمام الأئمة حمید بن احمد محلّی است.

حمید بن احمد محلّی، فقیه و عالم نامدار زیدی (متولد ۵۸۲ ق) نزد بزرگان زیدیه چون: المنصور بالله عبدالله بن حمزه (م ۶۱۴ ق)، محمد بن احمد بن الولید قرشی، احمد بن حسن رصاص، علی بن احمد اکوع، عمران بن حسن، عمرو بن جمیل نهدی، تاج الدین زین بن احمد یا احمد بن احمد بیهقی (عالم زیدی مهاجر از ایران به

۱. ابن اثیر، ابتکاری دیگر به روش الفبایی افزود. وی واژه‌هایی را که حرف اول آنها جزء ماده اصلی کلمه نیست، برای دسترس آسان، به همان شکل ذکر نموده و بعد از ذکر هر کلمه بدین گونه، به زاید بودن آن حرف، تصریح کرده است.

۲. «سیر تدوین غریب الحدیث»، عبدالهادی مسعودی، علوم حدیث، ش ۱۳، ص ۱۰۰. ایشان متذکر شده است که رواج این کتاب ابن اثیر، حتی موجب شد تا تألیف دیگری در این باب با عنوان مثال الطالب فی شرح طوال الغرائب، مورد کم‌توجهی قرار گیرد.

۳. برای دستیابی به گزارشی کامل از آثار اهل سنت درباره اهل بیت، ر.ک: أهل البيت فی المکتبة العریة.

یمن که در سال ۶۱۰ ق به یمن رسید) و اسماعیل حضرمی شافعی، تلمذ کرده است. از مهم ترین تألیفات وی، می توان کتاب مهم الحقائق الوردیة در تاریخ امامان زیدیه تاروزگار خود او، کتاب العمدۃ در کلام، و کتاب محاسن الأزهار فی فضائل إمام الأبرار اشاره کرد. وی در کهن سالی در میدان نبرد، به شهادت رسید.

کتاب محاسن الأزهار فی فضائل إمام الأبرار وی، در حقیقت، شرحی بر قصیده‌ای از امام زیدی، المنصور بالله، است. مطلب بااهمیت این کتاب، بهره‌گیری مُحلی از مصادر کهن تر است که در مقدمه تصحیح شده کتاب به آن اشاره‌ای نشده است.^۱

ابراهیم بن محمد جوینی و کتاب «فرائد السمطين»

نگارش آثاری در فضایل اهل بیت علیهم السلام به وسیله اهل سنت، در قرن هفتم نیز تداوم داشته است. از میان این آثار، کتاب فرائد السمطين فی فضائل المرتضى و البتول و السبطین و الأئمة من ذریتهم علیهم السلام جوینی (تحقیق محمدباقر محمودی، بیروت: ۱۳۹۸م) از جهاتی اثری ارزشمند است.

صفدی^۲ شرح حال جوینی را چنین ثبت کرده است:

إبراهیم بن محمد الإمام الزاهد المحدث شیخ خراسان، صدر الدین أبو المجمع ابن الشیخ سعد الدین أبو المؤید بن حمویة الجوینی الصوفی، ولد سنة بضع و أربعین و ستمئة و توقی - رحمه الله - سنة اثنتین و عشرين و سبعمئة، و سمع من ابن الموفق الأذکانی صاحب المؤید الطوسی و من جماعة بالشام و العراق و الحجاز، و عنی بهذا الشأن جداً و کتب و حصل، و کان ملیح الشكل جید القراءة دیناً و قوراً، و علی یده أسلم قازان، و قدم الشام سنة خمس و تسعين، ثم حج سنة إحدى و عشرين و سبعمئة، و لقیه الشیخ صلاح الدین خلیل ابن العلاتی و خرج لنفسه سباعات بإجازات و سمع مسلماً من عثمان بن موفق سنة أربع و ستین، و سمع فی

۱. برای دستیابی به گزارش تفصیلی از این کتاب و اهمیت منابع مورد استفاده مُحلی، ر.ک: «کتابی ارزشمند

در فضایل امیر المؤمنین علیه السلام»، علی یزدی، کتاب ماه دین، ش ۷۲، مهر ۱۳۷۲، ص ۳۴-۳۷.

۲. الوافی بالوفیات، ج ۶، ص ۱۴۱ و ۱۴۲.

بغداد من الشیخ عبدالصمد، و من ابن أبی الدنیه و ابن الساغوجی و ابن بلدجی و یوسف بن محمد بن سرور الوکیل. قال الشیخ شمس الدین: أنبأنا الظهیر ابن الکازرونی قال: وفي سنة إحدى و سبعین اتّصلت ابنة علاء الدین صاحب الدیوان بالشیخ صدر الدین أبی المجامع إبراهیم ابن الجونی، و الصداق خمسة آلاف دینار ذهباً أحمر. و له إجازة من نجم الدین عبد الغفار صاحب الحاروی، و له مجامیع و تألیف.

این شرح حال به خوبی باز تاب دهنده تلاش‌های جوینی در طلب حدیث و نشانگر علاقه‌وی در اخذ حدیث از مشایخ مختلف است. کتاب فرائد السمطین وی نیز شاهد ارزشمندی از سفرهای او در طلب حدیث است.

کتاب جوینی، همانند اغلب آثار قرن ششم، در حقیقت، تخریجی از آثار کهن‌تر است و تنها نکته شگفت‌انگیز در این میان، توجه او به تخریج احادیثی از کتاب‌های مشایخ شیعه و برخی کتاب‌های فضایل به روایت مشایخ حله است.

به عنوان مثال، جوینی از کتاب المناقب ابو المؤید الموفق بن احمد اخطب خوارزم (م ۵۸۶ ق)^۱ با این سلسله سند، نقل روایت کرده و احادیثی را از آن تخریج نموده است:

وقد أخبرني الشيخان مجد الدين عبد الصمد بن أحمد بن عبد القادر البغدادي، و عماد الدين عبد الحافظ بن بدران بن شبل المقدسي إجازة قالوا: أخبرنا الشيخ جمال الدين أبو عبد الله محمد بن يحيى بن سعيد الزينبي الواسطي إجازة، قال: أنبأنا الإمام العلامة برهان الدين أبو الفتح بن أبي المكارم إجازة، قال: أنبأنا الإمام أخطب خوارزم...^۲

مطلب دیگری که باید به آن اشاره کرد، تعدّد طرق روایت به آثار کهن است که در حقیقت، نشانگر تلمذ مؤلف نزد مشایخ متعدّد و اعتبار وی در روایت از این آثار کهن است.

۱. درباره این کتاب، ر.ک: أهل البيت في المكتبة العربية، ص ۵۸۴-۵۸۸.

۲. المناقب، خوارزمی، ج ۱، ص ۱۶.

اثر دیگری که جوینی به تکرار، روایاتی را از آن تخریح کرده و در حقیقت به لطف این نقل قول‌های وی، ما اینک بخش اعظمی از کتابی تألیف شده در قرن ششم را در دست داریم، کتاب الخصائص العلویة علی سائر البریة ی ابو الفتح محمد بن احمد بن علی نطنزی (م ۵۵۰ ق) است.^۱ جوینی به چند طریق، روایاتی را از این کتاب تخریح کرده است. مهم‌ترین این طریق‌ها چنین است:

أخبرنی السید النسابة عبد الحمید بن فخر الموسوی - رحمه الله - كتابة، أخبرنا النقیب أبو طالب عبد الرحمان بن عبد السمیع الواسطی إجازة، أنبأنا شاذان بن جریریل بن إسماعیل القمّی بقراءة علی، أنبأنا أبو عبد الله محمد بن عبد العزيز القمّی، أنبأنا الإمام حاکم الدین... النطنزی.^۲
 أنبأنا أبو عبد الله ابن یعقوب الحنبلی، أنبأنا عبد الرحمان بن عبد السمیع، أنبأنا شاذان بن جریریل قراءة علی، أنبأنا محمد بن عبد العزيز بن أبي طالب، أنبأنا أبو عبد الله... النطنزی...^{۳، ۴}

ابن دحیة کلبی و کتاب «إعلام النصر المبین فی المفاضلة بین أهل صفین»

یکی از آثار تألیف شده در قرن هفتم که به نحوی می‌توان آن را در جرگه ادبیات فضائل‌نگاری دانست، کتاب إعلام النصر المبین فی المفاضلة بین أهل صفین، تألیف عالم اندلسی، ابن دحیة کلبی (م ۶۳۳ ق) است.^۵

ابو الخطّاب عمر بن حسن بن دحیة کلبی، نسب خود را به دحیة کلبی، شخصیت معروف زمان پیامبر، می‌رساند. مادر وی أمة الرحمان، دختر ابو عبد الله محمد بن

۱. درباره این کتاب، ر.ک: أهل البيت فی المکبة العریة، ص ۱۴۳ و ۱۴۴؛ «الخصائص العلویة تألیف ابو الفتح نطنزی»، محمد کاظم رحمتی، (کتاب ماه دین، ش ۷۲، مهر ۱۳۸۲، ص ۶۰).

۲. فرائد السطین، ج ۱، ص ۴۹، ۴۰ و ۶۰.

۳. همان، ص ۶۶.

۴. برای دیدن برخی از این روایت‌ها با همین سلسله سندها و طریق‌های دیگر، ر.ک: همان، ج ۱، ص ۷۶، ۹۶، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۱۸، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۲، ۱۳۴ و ۱۷۷.

۵. برای اطلاع از وی به نحو مختصر، ر.ک: أهل البيت فی المکبة العریة، ص ۴۹ و ۵۰.

موسی بن عبد الله بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب است.^۱ وی خود را «ذو نسبین» یا «ذو نسبین» نامیده است.^۲ البته عده ای در این که وی از دحیه کلبی نسب ببرد، تردید کرده اند.^۳ ابن خلکان، تاریخ تولد وی را سال ۵۴۴ ق، دانسته^۴ و به نقل برخی از کسان، از قول خود وی درباره تاریخ تولدش، ذی قعدة سال ۵۴۸ را ذکر کرده است. در مورد تاریخ وفات وی، اختلافی میان مورخان نیست و جملگی، چهاردهم ربیع اول سال ۶۳۳ ق را ذکر کرده اند.^۵

وی از محدثان کثیر السفر بوده است. او در آغاز عمر، به مغرب سفر کرد و در آن جا از شیوخ حدیث، سماع حدیث نمود. در مراکش در سال ۵۶۵ ق، به محضر ابو بکر محمد بن عبد الله عبدی (که در نحو و ادب از سرآمدان زمان خود بوده است) رسید! همچنین در همان جا در سال ۵۶۴ ق، با ابو عبد الله محمد بن حسین بن حبوس، در منزلش دیدار نمود و از وی سماع حدیث کرد.

وی بار دیگر به اندلس بازگشت و از ابو القاسم بن بشکوال، ابو عبد الله محمد بن سعید بن زرقوق، ابو عبد الله بن المجاهد، ابو بکر بن خیر، ابو العباس بن مضاء، ابو محمد بن بونه، ابو القاسم بن حُبیش، ابو بکر بن جُبیر لَمْتونی و دیگران، سماع حدیث نمود.^۶

او سپس به یلمسان سفر کرد و با قاضی آن دیار، ابو الحسن بن ابی حَیون، دیدار کرد و از وی سماع حدیث نمود.^۷ نیز در سفر به افریقیه در سال ۵۹۵ ق، از گروهی از

۱. در مورد این علوی، ر.ک: المستفاد من ذیل تاریخ بغداد، ص ۲۰۶.

۲. ر.ک: البدایة و النهایة، ج ۱۳، ص ۱۴۴.

۳. میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۱۸۶؛ ذیل تاریخ بغداد، ص ۶۵؛ المستفاد من ذیل تاریخ بغداد، ص ۲۰۸.

۴. وفیات الأعیان، ج ۳، ص ۴۵۰.

۵. ذیل تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۶۸؛ الذیل علی الروضین، ص ۱۶۳؛ وفیات الأعیان، ج ۳، ص ۴۵۰؛ سیر أعلام

البلاء، ج ۲۲، ص ۳۹۴؛ نفع الطیب، ج ۲، ص ۱۰۳.

۶. التکملة لکتاب الصلة، ج ۲، ص ۶۵۹؛ ذیل لتقید، ص ۲۳۶.

۷. التکملة لکتاب الصلة، ج ۲، ص ۶۵۹.

عالمان چون: ابو عبد الله بن بشکوال، ابو الوليد بن المناصف، قاسم بن دحمان، صالح بن عبد الملك، ابو اسحاق بن قرقول، ابو العباس ابن سيده، ابو عبد الله قباعی، ابو بکر بن مفاوز و ابو عباس بلنسی، سماع حدیث کرد.^۱

از دیگر سفرهای وی، می توان به سفر به مصر و دیدار با محدث مشهور آن دیار، بوصیری و هم طبقه های وی، سفر به شام، عراق و خراسان اشاره کرد، چنان که خود در کتابش، به حضور در نیشابور و محله مشهور آن، شادیاخ، اشاره کرده است. او در بغداد، از ابو الفرج ابن الجوزی، سماع حدیث نموده است.

ابن دحیه کلبی در سال ۶۰۴ ق، به شهر اربل سفر نمود و در سال روز ولادت پیامبر ﷺ، کتابی برای امیر اربل، مظفرالدین کوکبری، با عنوان التنبؤ فی مدح السراج المنیر تألیف نمود و در ذیل آن، قصیده بلندی در مدح کوکبری سرود.

وی در شهر واسط، مسند أحمد بن حنبل را از احمد بن ابی الفتح مندایی،^۲ در اصفهان، المعجم الکبیر احمد بن سلیمان طبرانی را از ابو جعفر صیدلانی^۳ و در نیشابور، صحیح مسلم را از منصور فراوی، به سند متصل به مؤلفان این کتابها دریافت نمود. او به مصر بازگشت و به استادی در «دار الحدیث الکاملیه» رسید.^۴ مقام علمی وی را ستوده اند و به تبخر وی در فقه مالکی و حدیث، اشاره کرده اند. فهرست آثار وی، گواهی بر گفته این عالمان است.

قرن ششم در تاریخ تدوین کتب حدیثی آباضیه، از اهمیت خاصی برخوردار است.^۵ ابو یعقوب یوسف بن ابراهیم ورجلانی (م ۵۷۰ ق / ۱۱۷۴ م) از عالمان مشهور

۱. همان، ج ۲ ص ۶۵۹.

۲. المختصر المحتاج إلیه من تاریخ أبی عبد الله البیہقی، ص ۲۸۸.

۳. ذیل التفتید، ص ۲۳۶.

۴. بغیة الوعاة، ج ۲، ص ۲۱۸.

۵. در مورد این فرقه و اهمیت آن، ر.ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «اباضیه» (به قلم مسعود جلالی مقدم).

اباضی، مجموعه احادیث روایت شده از صحیح ربیع بن حبیب فراهیدی را گردآوری نمود و تحت نام ترتیب فی صحیح حدیث رسول الله روایة ربیع بن حبیب (شرح الجامع الصحیح مسند الإمام الربیع بن حبیب الفراهیدی) براساس اصل مسند، نظم داد.^۱ این اثر، مورد توجه و عنایت عالمان اباضی قرار دارد.^۲

شهری، مرکز حدیثی شیعه در قرن ششم و هفتم

شهری، از مراکز مهم شیعه در قرن ششم بوده است. بعد از مهاجرت شیخ صدوق و ماندگاری وی در این شهر، اعقاب وی در همان جا اقامت گزیدند. آنها ضمن تحصیل علوم دینی، راویان آثار تألیفی شیخ صدوق نیز بوده‌اند. این نکته را می‌توان از اسناد احادیث روایت شده در بشارة المصطفی دریافت.

دری، طبری، آثار صدوق را از طریق شمس الإسلام حسن بن حسین حسکا به سال ۵۱۰ ق، از شیخ صدوق روایت نموده است.^۳ از محله‌های شیعی شهری، به محله درب زامهران و درب مصلحگاه، اشاره شده است.^۴

طبری، حدیثی را که سلسله سند جالبی دارد، در محله مصلحگاه، سماع نموده است:

۱. این کتاب در دمشق (۱۹۶۳م) در سه جلد منتشر شده است.

۲. برای دستیابی به گزارشی از حدیث اباضیه، ر.ک: دراسات عن الأباضية. در این کتاب، بحث بسیار جالبی درباره تدوین حدیث اباضیه آمده است. همچنین برای اطلاع بیشتر از رجال و علمای اباضیه، ر.ک: معجم أعلام الأباضية من القرن الأول الهجری إلى العصر الحاضر، قسم المغرب الإسلامی. نیز برای دستیابی به گزارش مختصر محسن معینی از تدوین مباحث میان زیدیه و اباضیه، ر.ک: در دانش‌نامه جهان اسلام، مدخل «تدوین حدیث».

۳. برای نمونه، ر.ک: بشارة المصطفی، ص ۹۵ و ۹۷.

۴. در مورد درب زامهران، ر.ک: همان، ص ۱۱۱ - ۱۱۶.

وی این احادیث را از ابو النجم محمد بن عبد الوهّاب بن عیسی رازی در سال ۵۱۰ و ۵۱۶ ق سماع نموده است. این فقیه ظاهراً همان ابو النجم محمد بن عبد الوهّاب بن عیسی السمان است که منتجب الدین از وی با عنوان فقیه، حافظ و صاحب کتابی در فقه یاد کرده است (ر.ک: الفهرست، منتجب الدین، ص ۱۶۰).

عن عليّ بن الحسين بن عليّ الرازي في درب مصلحگاه^۱ في ذى القعدة سنة ثمان عشرة وخمسمئة إملاء من لفظه، قال: حدّثنا أبو عبد الله الحسين بن محمد بن نصر الحلواني في داره غرة ربيع الآخر سنة إحدى عشرة وثمانين وأربعمئة بخرخ بغداد إملاء من لفظه، قال: حدّثني الشريف الأجلّ المرتضى علم الهدى ذو المجدين أبو القاسم عليّ بن الحسين الموسوي -رضي الله عنه- في داره ببغداد في بركة زلزل في شهر رمضان سنة تسع وعشرين وأربعمئة قال: حدّثني أبي الحسين بن موسى، قال: حدّثني أبي موسى بن محمد، قال: حدّثني أبي محمد بن موسى، قال: حدّثنا أبي موسى بن إبراهيم، قال: حدّثنا أبي إبراهيم بن موسى، قال: حدّثني أبي موسى بن جعفر، قال: حدّثني أبي جعفر بن محمد، قال: حدّثني أبي محمد بن عليّ، قال: حدّثني أبي عليّ بن الحسين، قال: حدّثني أبي الحسين بن عليّ، قال: حدّثنا جابر بن عبد الله الأنصاري، قال: قال رسول الله ﷺ: «زَيَّنُوا مَجَالِسَكُمْ بِذِكْرِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طالب»^۲.

از عالمان شیعی در قرن ششم، ابو عبد الله محمد بن احمد بن شهریار خازن، داماد شیخ طوسی، است که در نجف وطن گزیده بود.^۳ وی با وجود این که خود، صاحب اثری نیست یا حدّ اقل خبری از نوشته‌ای از وی نداریم، از مشایخ اجازه است.^۴ وی راوی آثار شیخ طوسی، صحیفه سجّادیه و دیگر کتب امامی است.

طبری در سال ۵۱۲ ق، آثار شیخ طوسی و مفید و برخی آثار دیگر را نزد ابو عبد

۱. در متن، «درب مصلحگاه» به خطا «مسلخگاه» آمده است (ر.ک: معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۴۳).

۲. بشارة المصطفی، ص ۱۰۵.

۳. برای اطلاع بیشتر در مورد وی، ر.ک: طبقات أعلام الشيعة (نفت العيون)، ص ۴۶-۲۴۵. نواده وی، علی بن حمزه، به عنوان عالمی امامی که آثار چندی را کتبات کرده، شناخته شده است. این آثار، به خطّ وی موجودند. وی در سال ۵۶۲ ق، در شهر حلّه، نسخه‌ای از اختصار معرفة الرجال را استنساخ کرده است. نسخه‌ای از تفسیر التّبيان شیخ طوسی به خطّ وی -که در سال ۵۶۷ ق از کتبات آن فارغ شده- نیز موجود است (ر.ک: همان، ص ۱۸۸).

۴. همان، ص ۸ و ۱۱. وی در سال ۵۱۶ ق، کتاب التّعاذی را از ابو الحسن زید بن ناصر حسینی برای ابو العباس احمد بن حسین، روایت کرده است (ر.ک: التّعاذی، ص ۴-۹۳).

الله شهریار به سماع و قرائت، دریافت نموده است.^۱ ویژگی دیگر برخی از احادیثی که طبری نزد وی سماع نموده، این است که رجال اسانید آنها، همگی عراقی هستند. نخستین مرکز فعالیت حدیثی شیعه، شهر کوفه بوده است. آثار نگاشته شده در این شهر، در دوره بعد به وسیله راویان قم و ری، روایت شده‌اند. به دلیل اهتمام روات قمی نقل روایات اهل بیت، در سلسله اسناد حدود نود درصد از روایات کتب اربعه، نام راویان ری یافت می‌شود. با این حال، این نکته جالب توجه است که هنوز روایات کوفی و عراقی وجود داشته که روات قمی، آنها را روایت نکرده بودند.^۲

مهم‌ترین شیخ حدیث و اجازه در قرن ششم در شهر ری، ظاهرأ شمس الإسلام حسن بن حسین بن بابویه قمی مشهور به حَسْکَا بوده است.^۳ منتجب الدین از وی به عنوان فقیهی ثقه و مشهور یاد کرده است. وی تمام تصانیف شیخ طوسی را نزد خود شیخ در نجف (یعنی بعد از مهاجرت وی به نجف در حوالی سال‌های ۴۵۱ ق)^۴ قرائت نموده بود. وی همچنین نزد دو شاگرد برجسته شیخ طوسی یعنی سلار بن عبد العزیز و ابن براج، تمام آثار و تصانیفشان را قرائت کرده است.^۵ از جمله آثار وی می‌توان به العبادات، الأعمال الصالحة، سیر الأئبیاء و الأئمة علیهم‌السلام اشاره نمود که متأسفانه از هیچ یک، نسخه‌ای باقی نمانده است.^۶

۱. برای نمونه، ر.ک: بشارة المصطفی، ص ۲۴، ۱۹، ۳۰، ۳۷ و ۴۰.

۲. برای نمونه، همان، ر.ک: ص ۴۴، ۷۲، ۸۵، ۸۸. برای دستیابی به شواهدی از وجود نام روات قم و ری در اسناد کتب حدیثی، ر.ک: تهذیب الأحکام، ج ۱۰، ص ۳۸۳-۳۹۳.

۳. علامه حلی، کتاب من لایحضره لفقیه صدوق را از طریق برهان الدین محمد بن علی حمدانی، از منتجب الدین، از پدرش، از حَسْکَا بابویه رازی روایت کرده است (ر.ک: فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سید محمد مشکات، ج ۳، بخش ۳، ص ۱۵۵۱).

۴. در مورد تاریخ این مهاجرت شیخ طوسی به نجف، ر.ک: «الأصول الأربع مئة»، اتان کلبرگ، ترجمه محمد کاظم رحمتی، علوم حدیث، ش ۱۷، ص ۸۱.

۵. همچنین، ر.ک: الفهرست، منتجب الدین، ص ۸۶ (وی در این صفحه آثار سلیمان بن حسن صهرشتی را نیز روایت کرده است)، ۱۰۷ و ۱۵۴.

۶. همان، ص ۴۲ و ۴۳. همچنین در مورد عالمانی که نزد وی تلمذ کرده‌اند، ر.ک: همان، ص ۴۸، ۷۷ و

عمادالدین طبری در ری، آثار شیخ طوسی را به روایت از وی سماع نموده است. در این روایات، شمس الإسلام حَسْكَا بابویه تصریح نموده که در جمادی اوّل سال ۴۵۵ ق، در نجف، آثار روایت نموده را سماع کرده است.^۱

از دیگر شیوخ اجازه و راوی کتب متقدمین شیعه در این قرن بر اساس کتاب طبری، می‌توان به محمد بن علی بن عبد الصمد تمیمی نیشابوری اشاره کرد. نام وی در سلسله سند روایت کتب صدوق، موجود است. طبری، روایات خود را از وی در نیشابور به سال ۵۱۴ ق، سماع نموده است.^۲

یکی دیگر از شیوخ اجازه قرن ششم، سدید الدین ابو الفضل شاذان (/ شاذان) ابن جبرئیل بن شاذان قمی (زنده در سال ۵۸۴ ق) مؤلف اثری به نام إزاحة القبله فی معرفة القبله است.^۳ از وی کتابی به نام الروضة یا المناقب موجود است که جزو منابع بحار است.^۴ در این کتاب، ابن شاذان به واسطه پدر خود، از شیخ ابو الحسن محمد بن

ج ۱۱۳. در عبارت «رأی الشیخ أباعلی ابن الشیخ أبی جعفر والشیخ الجّد شمس الإسلام حسکابن بابویه وقرأ علیهما تصانیف الشیخ أبی جعفر -رحمهم الله-»، تصریح شده که پدر متجرب الدین نزد جدش حسکا بابویه، تمام آثار را که پدرش از طریق اجازه و سماع از مشایخش (شیخ طوسی، سلار، ابن بزّاج و سید حمزه) دریافت کرده بود، تحصیل کرده است (ر.ک: همان، ص ۱۱۱).

۱. برای نمونه، ر.ک: بشارة المصطفی، ص ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۳۲ و ۱۴۵. در صفحات ۱۹۱ و ۲۲۲، طبری تأکید می‌کند که احادیث را به اجازه از حسکا دریافت کرده و سپس گفته: «نسخت من أصله و قابلت من کتابه مع ولده».

۲. برای نمونه، ر.ک: همان، ص ۲۳۱.

۳. وی را نباید با ابو الحسن محمد بن احمد بن شاذان قمی (م قبل از ۴۱۸ ق)، که خواهرزاده ابن قولویه (م حدود ۳۶۹ ق)، استاد شیخ طوسی و کراچکی است و در سال ۴۱۲ ق، در نزد وی کتاب حدیثش با نام إیضاح دفائن الثواب را خوانده، اشتباه کرد (ر.ک: معالم العلماء، ص ۱۱۷؛ فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سید محمد مشکات، ج ۳، بخش ۳، ص ۱۱۲۹-۱۱۳۰). نیز در مورد کتاب إزاحة القبله، ر.ک: همان، ص ۱۷۷۴ و ۱۷۷۵. وی از راویان مهم آثار شیخ طوسی و صدوق است (ر.ک: بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۶۸-۷۰).

۴. دانش‌پژوه در معرفی نسخه‌ای از کتاب الروضة، بر اساس تفاوت بین دو نسخه روضه و مناقب، این دو کتاب را دواتر از ابن شاذان معرفی کرده است (ر.ک: فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سید محمد مشکات، ج ۳، بخش ۳، ص ۱۳۴۳).

محمّد بصری، از سید مرتضی، از عماد الدین طبری (مؤلف بشارة المصطفی)، فقیه امامی ابو محمد ریحان بن عبد الله مصری (م حدود ۵۶۰ ق و شاگرد کراجکی)، ابو المکارم حمزة بن زهره حسینی، قاضی جمال الدین علی بن عبد الجبار طوسی (شاگرد قطب راوندی) و جمعی دیگر از شیوخ برجسته زمانه خود، سماع حدیث کرده و آنان جزو شیوخ روایت وی هستند.^۱

از مشهورترین شاگردان وی، می توان شمس الدین فنّار بن معد (م ۶۳۰ ق، مؤلف کتاب الحجة علی الذاهب إلى تکفیر أئی طالب)، تاج الدین حسن بن دربی و محیی الدین محمد بن زهره - که کتاب النظم فی جواب مسائل الامتحان و أجوبة المسائل الدالّة علی مهدی آل الرسول را بر وی خوانده -، نام برد. وی همچنین در دمشق به سال ۵۸۲ ق، کتاب الکرّ و الفرّ فی الإمامة ی کراجکی را نزد ابن شاذان خوانده است. ابن شاذان در کتاب المناقب، روایاتی را از کتاب فردوس الأخبار ابو شجاع شیرویه بن شهردار دیلمی (م ۵۰۹ ق)، نقل نموده است.^۲

در این کتاب، ابن شاذان از: شیخ محمد بن ابو مسلم بن ابی فوارس، شیخ ضیاء الدین حسن بن احمد همدانی، شیخ الإسلام ابو الحسن علی بن محمد مهدی و ابو طالب محمد بن احمد بن فرج، نقل روایت کرده است.^۳

۱. برای اطلاع از فهرست این شیوخ، ر. ک: همان، ص ۱۳۳۹.

۲. کتاب فردوس الأخبار همانند کتاب الشهاب فی الحکم قاضی قضاعی (م ۴۵۴ ق)، ده هزار حدیث را نقل کرده و به شکل معجم و بدون سند آورده است. پسر شیرویه، ابو منصور شهردار (م ۵۵۸ ق)، اسانید آن را گرد آورد و نام آن را مست فردوس نهاد (ر. ک: همان، ص ۱۳۴۰).

۳. ر. ک: همان، ص ۱۳۴۱. برهان الدین محمد بن علی قزوینی، از عالمان ساکن در ری، کتاب رجال التجاشی را از طریق عالم امامی، سید فضل الله بن علی حسینی، روایت کرده است (ر. ک: بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۹۵).

فصل دوم

عالمان امامی و تدوین کتب حدیثی

بخش اول: قرن ششم

وضعیت فکری شیعه

آثار باقی مانده از قرن ششم، عمدتاً به ادبیات حدیثی مناقب و مثالب نویسی تعلق دارند. سؤالی که می توان مطرح کرد، این است که: دلیل نگارش چنین آثاری چه بوده است؟ و آیا در آن روزگار، نگرشی ضد علوی رواج داشته است؟ ظاهراً این گونه نیست و پاسخ را باید در ماهیت و جایگاه نظریه امامت در تفکر شیعی جستجو کرد، با ذکر این نکته که اگر گفته شود: «ولایت» و «امامت» در تفکر شیعه، نقطه ثقل کلیدی اند، گزافه نیست.

در قرن دوم و سوم، تجلی این اهمیت با نگارش آثار متعددی تحت نام «الإمامة» بروز کرده و در قرن چهارم و پنجم، این روند ادامه داشته است. تألیف کتاب الشافی سید مرتضی و کتاب تلخیص الشافی شیخ طوسی (در مقابل کتاب المغنی قاضی عبد الجبار) در ادامه این حرکت بوده است. قرن پنجم، دوره ای است که تفکر عقلگرایی معتزلی، رو به افول می نهد. همگام با افول جریان اعتزال و یا به عبارت بهتر، تسلیم شدن این جریان در مقابل اهل سنت و تعدیل جریان حدیث گرایی اهل سنت، حاکمیت اندیشه حدیث گرایی را شاهد هستیم.

همگام با حرکت فکری جهان اسلام به سمت نص‌گرایی، آن سنتی که نمی توانست از تفکر شیعه محو گردد، صورت خود را با وضعیت جدید تطبیق داد. به این ترتیب، ادبیات مناقب نویسی را می توان تداوم سنت نگارش آثار در اثبات امامت دانست. این نکته را با مراجعه به این آثار می توان دید. محدثان امامی جهد بلیغی نموده‌اند تا تمام احادیث فضایل و مناقب اهل بیت را که در کتب اهل سنت بوده، بیرون کشیده، در رسائل جدایی تدوین کنند. مسائل منتخب، همان مسائل کلامی جدلی بین شیعه و اهل سنت است.

مهم‌ترین تحلیل در مورد ماهیت ادبیات مناقب نویسی، گفته‌های ابن شهر آشوب در آغاز کتاب مناقب آل ابی طالب است. وی در آغاز کتابش، هدف‌های خود را این‌گونه شرح داده است:

لَمَّا رَأَيْتُ كُفْرَ الْعَادَةِ وَالشَّرَاءَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَوَجَدْتُ الشَّيْعَةَ وَالسُّنَّةَ فِي إِمَامَتِهِ مُخْتَلِفِينَ، وَأَكْثَرَ النَّاسِ عَنْ وِلَاءِ أَهْلِ الْبَيْتِ نَاكِصِينَ وَعَنْ ذِكْرِهِمْ هَارِبِينَ، وَفِي عُلُومِهِمْ طَاعِنِينَ وَلِمَحَبَّتِهِمْ كَارِهِينَ، انْتَبَهْتُ مِنْ نَوْمَةِ الْغَافِلِينَ وَصَارَ لِي ذَلِكَ لُطْفًا إِلَى كَشْفِ الْأَحْوَالِ وَالنَّظَرِ فِي اخْتِلَافِ الْأَقْوَالِ، فَإِذَا هُوَ مَمَارُوتُهُ الْعَامَّةُ مِنْ أَحَادِيثَ مُخْتَلَفَةٍ وَأَخْبَارَ مُضْطَرِبَةٍ عَنِ النَّاسِكِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ وَالْخَاذِلِينَ وَالْوَاضِعِينَ وَالضَّعْفَاءَ وَالْمَجْرُوحِينَ وَالْخَوَارِجَ وَالشَّاكِينَ... أَلَا تَرَى أَنَّ أَزْكَاهُمْ قَدْ أَقْبَى حَدِيثَ الْخَاتَمِ وَقِصَّةَ الْغَدِيرِ وَخَبَرَ الطَّيْرِ وَآيَةَ التَّطْهِيرِ؟ وَأَنَّ أَصْفَهُمْ قَدْ كَتَمَ حَدِيثَ الْكَهْفِ وَالْإِجَابَةَ وَالتَّحْفَ وَالْإِرْقَاءَ؟ وَأَنَّ خَيْرَهُمْ قَدْ طَعَنَ فِي حَدِيثِ «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ» وَحَدِيثِ الْوُحُوشِ... وَجَدْتُ جَمَاعَةً يُؤَوِّلُونَ الْأَخْبَارَ الْجَمْعَ عَلَيْهَا... وَجَمَاعَةً زَادُوا فِي الْأَخْبَارِ أَوْ انْقَصَوْا مِنْهَا... وَجَمَاعَةً تَقُولُوا مَنَاقِبَهُمْ إِلَى غَيْرِهِمْ... وَجَمَاعَةً جَاهِرُوا بِهِم بِالْعُدَاوَةِ، كَمَا طَعَنَ النِّظَامُ فِي أَحْكَامِهِ، فِي كِتَابِيهِ الْفِتْيَا وَالنِّكَتِ.^۱

برخی از نکات مورد اشاره ابن شهر آشوب، به قرون دوم و سوم باز می‌گردد. فی المثل، عبارات‌های آخر وی به کتاب النکت نظام و الفتای جاحظ (م ۲۵۵ ق) اشاره دارد. ابن حمزه در علّت تألیف کتاب الثاقب فی المناقب^۱ می‌نویسد:

وإن أصحابنا -رضی الله عنهم- قد صَنَفُوا فی هذا المعنی کتباً و صحفاً ضخمة و أنا ألتقط منها ما هو أروع إلى السمع و أرفع فی القلب و أملاً للصدور.^۲

با این توضیح، نگاهی گذرا به آثار تدوین شده امامیه در این دوره و اهمّیت هر کدام، خواهیم داشت.

ابن شهر آشوب

یکی از محدثان مشهور قرن ششم، محمد بن علی بن شهر آشوب (۵۸۸-۴۸۹ ق) است. قدیمی‌ترین آگاهی ما در مورد وی، گزارش‌هایی است که شاگرد وی، ابن ابی طی، در کتاب طبقات الإمامیه (الحاوی) آورده است.^۳ دیگر اخبار ذکر شده در مآخذ، رونویسی از گفته‌های ابن ابی طی است. در پی این نکات مهم، شرح حال ابن شهر آشوب را به روایت شاگردش ابن ابی طی، مرور می‌کنیم:

قال ابن أبي طيٍّ في تاريخه: نشأ في العلم و الدراسة و حفظ القرآن، و له ثمان سنين و اشتغل بالحديث و لقي الرجال، ثم تفقه و بلغ النهاية في فقه أهل البيت، و نبغ في علم الأصول حتّى صار رحلة. ثم تقدّم في علم القرآن، القراءات و الغريب و التفسير و النحو و ركب المنبر الوعظ. و نفقت سوقه عند الخاصّة و العامّة، و كان مقبول الصورة، مستعذب الألفاظ، مليح الغوص على المعاني.

۱. درباره این کتاب، ر.ک: ص ۴۷۹.

۲. الثاقب فی المناقب، ص ۳۶.

۳. اصل این کتاب، در حال حاضر یافت نشده است و تنها منقولاتی از این اثر در آثار مؤلفان بعدی، بخصوص ابن حجر عسقلانی و اثر مشهورش لسان المیزان، موجود است. این منقولات را حجة الإسلام رسول جعفریان گردآوری کرده و جداگانه به چاپ رسانده است. نیز برخی اطلاعاتی که ابن شهر آشوب در معالم العلماء آورده، برای اطلاع از شیوخ رجالی وی مفید است. همچنین، ر.ک: معجم أعلام الشيعة، ج ۱، ص ۱۱۶.

حدّثني، قال: صار لي سوق بمازندران حتّى خافني صاحبها، فأنفذ يأمرني بالخروج عن بلاده، فصرّت إلى بغداد في أيّام المُتَقَفِي [بالله] ووعظت، فعظمت منزلتي واستدعيت وخلع عليّ وناظرت واستظهرت على خصومي، فلُقِّبت بـ«رشيد الدين» وكنت ألقَّب بـ«عزّ الدين»، ثم خرجت إلى الموصل، ثم أتيت حلب. قال: وكان نزوله عليّ والدي فأكرمه وزوّجه ببنت أخته، فربيت في حجره وغذاني من علمه وبصرني في ديني، وكان إمام عصره وواحد دهره، وكان الغالب عليه علم القرآن والحديث، كشف وشرح وميّز الرجال، وحقق طريق طالبي الأسناد، وأبان مراسيل الأحاديث من الآحاد، وأوضح المفترق، من المتفق، والمؤتلف من المختلف، والسابق من اللاحق، والفصل من الوصل، وفرّق بين رجال الخاصّة والعامة.

حدّثني أبي، قال: ما زال أصحابنا بحلب لا يعرفون الفرق بين ابن بطّة الشيعي من ابن بطّة الحنبلي، حتّى قدم الرشيد، فقال: ابن بطّة الحنبلي بالفتح والشيعي بضمّها. وكان عند أصحابنا بمنزلة الخطيب للعامة وكيحيى بن معين في معرفة الرجال. وقد عارض من كلّ علم من علوم العامة بمثله وبرز عليهم بأشياء حسنة لم يصلوا إليها، وكان بهيّ المنظر، حسن الوجه والشيبة، صدوق للهجة، مليح المحاوره، واسع العلم، كثير الفنون، كثير الخشوع والعبادة والتهجّد، لا يجلس إلّا على وضوء....

ومن تصانيفه كتاب في النحو سمّاه الفصول، جمع فيه أمّهات المسائل وكتاب المكنون والمخزون في عيون الفنون، كتاب متشابه القرآن، كتاب الأعلام والطرائق في الحدود والحقائق، كتاب مناقب آل أبي طالب، كتاب المثالب، كتاب المائدة والفائدة، جمع فيه أشياء من النوادر والفرائد.

توفّي ليلة سادس عشرة شعبان سنة ثمان وثمانين، ودفن بجبل جوشن عند مشهد

الحسين عليه السلام.

١. تاريخ الإسلام (حوادث ٥٨١ - ٥٩٠ ق)، ص ٣٠٩. همچنين، ر. ك: طبقات المفترين، ص ٩٦؛ الوافي بالوفيات، ج ٤، ص ١٦٤؛ لسان الميزان، ج ٦، ص ٣٩٥، ش ٧٨٨٩.

بر اساس متن فوق و برخی اطلاعات دیگر درباره ابن شهر آشوب، می توان گفت: وی همانند دیگر محدثان، سفرهای متعددی در طلب حدیث (رحله) داشته است. وی در سال ۵۰۸ ق در نیشابور نزد فتال نیشابوری، سماع حدیث نموده است. وی همچنین تفسیر الکشاف ز مخشری و مجمع البیان طبرسی را - که در سال ۵۳۶ ق، ساز کتابت آن فارغ شده - نزد مؤلفان آنها سماع نموده است.

او در سال‌های ۵۵۳ - ۵۴۷ ق در بغداد سکونت داشته و پس از آن به حله سفر نموده و در سال ۵۶۷ ق در حله به تدریس مشغول بوده است. ظاهراً در همین سال، ابن ادریس و ابن بطریق از وی حدیث، سماع نموده‌اند.

وی در اواخر عمر به حلب رفت و در همان جا درگذشت. مرقد وی در حال حاضر زیارتگاه شیعیان است.^۱ از ویژگی‌های جالب توجه ابن شهر آشوب، ذکر تمام طرق خود در روایت کتاب‌های حدیثی در کتاب مناقب آل ابی طالب است. مروری بر این بخش کتاب ابن شهر آشوب و تأمل در اسناد روایی وی مفید است و باید آن را در حکم مشیخه وی دانست.

منابع ابن شهر آشوب در «مناقب آل ابی طالب»

اثر مهم حدیثی ابن شهر آشوب، کتاب مناقب آل ابی طالب است. ابن شهر آشوب، این کتاب را در اواخر عمر خود تألیف کرده و تألیف آن، اندکی بعد از سال ۵۵۳ ق، در بغداد بوده است. خود وی در مورد زمان تألیف اثرش چنین می نویسد:

وذلك بعد ما أذن لي جماعة من أهل العلم والديانة بالسماع والقراءة والمناولة و
المكاتبة والإجازة، فصَحَّ لي الرواية عنهم بأن أقول: حَدَّثَنِي وَأَخْبَرَنِي وَأُنْبَأَنِي وَ
سَمِعْتُ وَاعْتَرَفَ لِي بِأَنَّهُ سَمِعَهُ وَرَوَاهُ، كَمَا قَرَأْتُهُ وَنَوَلَنِي مِنْ طَرَقِ الْخَاصَّةِ.^۲

۱. برای دستیابی به توضیحات بیشتر، ر.ک: در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابن شهر آشوب» (به قلم احمد پاکتچی).

۲. مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۹. وی در مورد اسناد مشهورترین مصادر کتاب خود، به تفصیل، سلسله

متأسفانه نسخه چاپی این کتاب، ناقص است و تنها احوال ائمه تا امام حسن عسکری علیه السلام را در بر دارد. این اثر در دست ابن طاووس بوده و وی از بخش های مفقود شده، عبارت هایی را نقل کرده است.^۱

بر این اساس، نظر داده شده که بخش موجود و چاپ شده، همان نخب المناقب است^۲ که عالم امامی، حسین بن جبر، فراهم آورده است.^۳ شیخ حسین بن جبر، شاگرد نجیب الدین ابو الحسین علی بن فرج و از شاگردان ابن شهر آشوب، تلخیصی از کتاب مناقب آل ابی طالب را تصنیف کرده است. دانش پژوه، در معرفی نسخه ای از نخب به نقل از وی در آغاز کتابش می نویسد:

گزیننده در آغاز می گوید که ابن شهر آشوب، مناقب را از کتب بسیاری از سنی و شیعی گرد آورد و شیخ فقیه نجیب الدین ابو الحسین علی بن فرج، آن را بر او خواند و از او اجازه گرفت که همه نگارش ها و روایات او را نقل کند و او این اجازه را به طور کامل برای ابن شاگرد نوشت

گزیننده چون دید که این کتاب، دراز است، آن را گزین کرد و مناقب دارای حجیت را آورد و حدیث های همانند را گرد کرد و چیز هایی هم افزود. این گزین برای سید اجل تاج الدین شمس الشرف ... علی بن محمد ... علوی بوده است که بدو دستور داد و خطبه ای برای آن ساخت که گزیننده در آغاز آن گذارده است. در دیباجه، اسانیدی است درباره روایت کتب سنی و شیعه از خود ابن شهر آشوب که نکات تاریخی فراوانی در آن هست. در آغاز بحار هم همه این دیباجه دیده می شود.

۱. سندها را در آغاز کتاب آورده است (ر. ک: همان، ص ۱۹ - ۳۴)، گرچه در متن کتاب، از مصادر دیگری جز آنچه در آغاز آورده نیز استفاده کرده است.

۱. ر. ک: کتابخانه ابن طاووس، ص ۳۹۹ و ۴۰۰؛ «دست نوشتی عتیق از مناقب ابن شهر آشوب» (آینه پژوهش، ش ۴۷، ص ۶۴).

۲. ر. ک: فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سید محمد مشکات، ج ۳، بخش ۳، ص ۱۵۸۸.

۳. «دست نوشتی عتیق از مناقب ابن شهر آشوب»، جويا جهانبخش، آینه پژوهش، ش ۴۷، ص ۶۵؛ فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سید محمد مشکات، ج ۳، بخش ۳، ص ۱۵۸۷.

دست‌نوشتی کهن از کتاب مناقب به روزگار ابن شهر آشوب موجود است که توصیف و ویژگی‌های آن را آقای جو یا جهانبخش در مقاله‌ای یاد کرده است.^۱ اهمیت خاص کتاب مناقب، در نقل عبارت‌هایی از متون کهن امامی است که امروز تنها نام آنها باقی مانده است. آثار منقول در مناقب عبارت‌اند از:

۱. الجلاء و الشفاء،^۲ تألیف عالم امامی ابو علی احمد بن علی مشهور به ابن الخَضِیبِ ایادی. نام کامل این کتاب الشفاء والجلاء فی الغیبة است. نجاشی به اختصار از وی یاد کرده و گفته است:

ابو العباس احمد بن علی رازی مشهور به خضیب ایادی، از دیگر اصحاب ماست، هر چند که آنچه روایت کرده، چندان مقبول اصحاب مانوده و از افرادی بوده که درباره آنان، غلو و زیاده‌روی در شأن امامان، گزارش شده است (قال أصحابنا لم یکن بذاک، وقیل فیہ غلو و ترفع).

وی کتابی به نام الشفاء والجلاء در غیبت، نیز کتاب فرائض و کتاب آداب را تألیف کرده است. طریق من در روایت آثار وی، چنین است: «أخبرنا محمد بن محمد، عن محمد بن أحمد بن داوود، عنه بکته».^۳

شیخ طوسی نیز در الفهرست با عباراتی مشابه، از ایادی یاد کرده و چنین نوشته است:

وی مشهور به ابو العباس و به نقل برخی، ابو علی رازی بوده است. فردی ثقه در نقل حدیث نبوده و متهم به غلو بوده است (لم یکن بذلک الثقة فی الحدیث و متهم

۱. «دست‌نوشتی عتیق از مناقب ابن شهر آشوب»، جو یا جهانبخش، آینه پژوهش، ش ۴۷، ص ۶۶ به بعد. نسخه را ابو القاسم بن اسماعیل بن عنان کتبی حلی در سال ۶۵۸ ق، در اواخر رجب، کتابت نموده است. بخشی از نسخه نیز به کتابت جعفر بن احمد بن حسین حائری در یکشنبه ۱۶ رجب ۵۸۷ ق، نگاشته شده است. نسخه در سال ۵۸۷ ق در شهر حله در مسجد امیر زاهد نجم الدین عیسی بن نصر بن مدهاقر مقابل شده است (ر. ک: همان، ص ۶۷).

۲. این کتاب، یکی از منابع مهم شیخ طوسی در کتاب الغیبة بوده است. ابن طاووس نیز نسخه‌ای از این کتاب را در اختیار داشته است (ر. ک: کلب‌خانه ابن طاووس، ص ۵۲۱ و ۵۲۲).

۳. ر. ک: رجال للنجاشی، ص ۹۷.

بالفلو). وی آناری داشته است، از جمله: کتاب الشفاء و الجلاء در امر غیبت که کتابی نیکوست، کتاب الفرائض و کتاب الآداب. طریق من در نقل آثار وی، چنین است: «أخبرنا بهما الحسين بن عبيد الله، عن محمد بن أحمد بن داوود و هارون بن موسى التلعكبري، جميعاً عنه».^۱

موارد نقل شده از این کتاب، در: ج ۲ ص ۳۳ (درباره قضاوت امام علی علیه السلام در زمان پیامبر ﷺ)، ج ۳ ص ۳۵۱ (حدیثی از امام باقر علیه السلام در فضیلت برخی مکان‌ها)، ج ۴ ص ۳۳۳ (ماجرای بین امام رضا علیه السلام و مأمون)، ص ۳۵۰ (گفته محمد بن عیسی یقطینی در جمع آوری هجده هزار مسئله از امام رضا علیه السلام)، ص ۳۸۲ (رفتن برخی از بزرگان امامیه بعد از وفات امام رضا علیه السلام به صریا) و ص ۴۲۴ (گفته‌ای از ابو جعفر عمری).

۲. بصائر الدرجات، نوشته سعد بن عبدالله اشعری (م ۲۹۹ یا ۳۰۱ ق).

موارد نقل شده از این کتاب، در: ج ۲ ص ۳۶ (اشاره به این که اشعری در کتاب بصائر خود، به ۳۶ طریق، حدیث «عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ أَلْفَ بابٍ يَفْتَحُ كُلَّ بابٍ أَلْفِي بابٍ» را از علی علیه السلام روایت کرده است)، ج ۲ ص ۵۵، ج ۳ ص ۳۳۶، ج ۴ ص ۶، ۱۳۹، ۲۳۹ و ۲۴۰ (سه حدیث و احتمالاً چهار حدیث بعدی نیز از بصائر باشد).

۳. سلوة الشيعة، نوشته فنجگردی.

مورد نقل شده از این کتاب، در: ج ۲ ص ۷۲.

۴. جمل أنساب الأشراف.

موارد نقل شده از این کتاب، در: ج ۲ ص ۱۱۸ و ۱۲۵، ج ۳ ص ۱۸۱ و ۲۲۶.

۵. الأحكام الشرعية، نوشته ابو القاسم علی بن محمد خزّاز قمی.^۲

موارد نقل شده از این کتاب، در: ج ۲ ص ۱۲۲ و ۴۱۶.

۶. کتاب النسب، نگاشته حسن حسینی.

مورد نقل شده از این کتاب، در: ج ۲ ص ۱۶۷.

۷. منهاج، تألیف کراجکی.

۱. ر.ک: الفهرست، طوسی، ص ۷۶.

۲. برای آگاهی بیشتر درباره این کتاب، ر.ک: الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۱، ص ۲۹۸.

- مورد نقل شده از این کتاب، در: ج ۲ ص ۲۱۸.
۸. الأمالی، نوشته ابوالمفضل^۱ محمد بن عبدالله شیبانی (م ۳۸۷ ق).
مورد نقل شده از این کتاب، در: ج ۲ ص ۲۸۹.
- این کتاب، یکی از منابع اصلی شیخ طوسی در تألیف الأمالی بوده است.^۲
۹. رامش افزای آل محمد، تألیف محمد بن حسین محتسب.
موارد نقل شده از این کتاب، در: ج ۲ ص ۳۳۰، ج ۳ ص ۱۸۰، ج ۴ ص ۲۵۰ و ۲۶۹.
۱۰. الفتیاء، نوشته جاحظ.
مورد نقل شده از این کتاب، در: ج ۲ ص ۴۰۲.
- این کتاب، تألیف متکلم مشهور معتزلی، ابو عثمان عمرو بن بحر (م ۲۵۵ ق) است. این کتاب، به دلیل نقل بخش اعظم کتاب النکت نظام - که حاوی انتقاداتی از صحابه بوده - مورد توجه عالمان امامی بوده است. بخش اعظمی از این کتاب را شیخ مفید نقل کرده است.
۱۱. صحیفه الرضا، نگاشته عبدالله بن احمد بن عامر طائی.
مورد نقل شده از این کتاب، در: ج ۳ ص ۶۵.
- مجموعه‌ای کهن است که در آن، مؤلف، از طریق پدرش روایاتی را از امام رضا علیه السلام گردآوری کرده است. این کتاب، متن بسیار متداولی بوده است.^۳
-
۱. در متن، به اشتباه، «أبی الفضل» تصحیح شده است.
۲. برای اطلاع از جگونگی استفاده ابن طاووس از این کتاب، ر. ک: کتابخانه ابن طاووس، ص ۱۸۴ و ۱۸۵.
۳. در متن، این مورد به اشتباه، «رامش اقرایی» تصحیح شده است؛ ولی در موارد دیگر، نام، درست آمده است.
۴. شیخ صدوق، بخش اعظم این کتاب را به طریق شیوخ خود به مؤلف، در آثار مختلف خود تخریج کرده است. در این باره در مقاله «صحیفه الرضا به روایت شیخ صدوق و ابو عبد الرحمان سلمی» (کتاب ماه دین، شماره ۷۰-۷۱، مرداد و شهریور ۱۳۸۲، ص ۶۱-۶۵) به تفصیل سخن گفته‌ام. همچنین، برای دستیابی به گزارشی از کتاب صحیفه الرضا و روایت آن، ر. ک: شیخ آقا بزرگ تهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۱۵ ص ۱۷ و ۱۸؛ لواع الأنوار فی جوامع العلوم والآثار و تراجم أولی العلم و الأنظار (صعدة، ۱۴۱۴ ق)، ج ۱ ص ۴۷۶-۴۸۲.

۱۲. أخبار فاطمة، نوشته ابو علی صولی .
- مورد نقل شده از این کتاب، در: ج ۳ ص ۳۸۵.
۱۳. مؤنس الحزین، نگاشته فتال نیشابوری^۱.
- مورد نقل شده از این کتاب، در: ج ۴ ص ۱۲.
۱۴. المسألة الباهرة فی تفضیل الزهراء الطاهرة،^۲ نوشته ابو محمد حسن بن طاهر قائینی هاشمی (حدیث فطرس، از این کتاب، نقل شده است).
- مورد نقل شده از این کتاب، در: ج ۴ ص ۸۲.
۱۵. المقتضب، تألیف ابو عبد الله بن عیاش .
- مورد نقل شده از این کتاب، در: ج ۴ ص ۱۴۶.
۱۶. الاثوار، نوشته عامری.
- موارد نقل شده از این کتاب، در: ج ۴ ص ۱۴۶، ۳۲۲ و ۳۵۳.
۱۷. المعجزات.
- مورد نقل شده از این کتاب، در: ج ۴ ص ۲۰۳.
۱۸. الشعر و الشعراء، نوشته ابو خالد برقی.
- مورد نقل شده از این کتاب، در: ج ۴ ص ۲۲۶.
۱۹. الدلالات.
- موارد نقل شده از این کتاب، در: ج ۴ ص ۲۴۶، ۲۵۴ و ۲۶۴.
۲۰. الواحدة، نوشته ابن جمهور، ج ۴ ص ۲۴۸؛ بصائر الدرجات، نوشته حسن جرجانی، ج ۴ ص ۲۵۹؛ مناقب الأئیرار، نوشته ابن شهرزوری^۳ (ر. ک: هدیه العارفین، ج ۵ ص ۶۰۷) ج ۴ ص ۳۹۱.

۱. شیخ آقا بزرگ تنها از کتاب مؤنس لحزین فی معرفة الحق و یقین ابن بابویه نام برده که مؤلف تاریخ قم، داستان ساخت مسجد جمکران را از آن نقل کرده است (ر. ک: الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۲۳، ص ۲۸۲).

۲. در مورد این کتاب، ر. ک: همان، ج ۳، ص ۱۵.

۳. مقصود، عبد القاهر بن حسن بن علی ابو السعادات (م ۵۷۱ ق) است.

۲۱. المعتمد فی الأصول.
 - مورد نقل شده از این کتاب، در: ج ۴ ص ۴۴۵.
 ۲۲. النبوة، تألیف ابن بابویه.
 - موارد نقل شده از این کتاب، در: ج ۱ ص ۳۹، ۸۹، ۹۰، ۳۴۵.
 ۲۳. المغازی، نوشته ابان بن عثمان بجلی.^۱
 - موارد نقل شده از این کتاب، در: ج ۱ ص ۵۳، ۲۵۸ و ۲۶۱، ج ۲ ص ۱۳۷.
 ۲۴. تفسیر قرآن، نگاشته قاضی ابن براج.
 - مورد نقل شده از این کتاب، در: ج ۱ ص ۶۱ و ۶۳.
 ۲۵. الشیطان.
 - مورد نقل شده از این کتاب، در: ج ۱ ص ۸۶.
 ۲۶. الأمالی، نوشته حاکم نیشابوری.
 - موارد نقل شده از این کتاب، در: ج ۱ ص ۱۶۳، ج ۴ ص ۲۳۷۳ و ۳۷۷.
 ۲۷. سحر البلاغة.
 - مورد نقل شده از این کتاب، در: ج ۱ ص ۲۰۵.
 ۲۸. شوق العروس.^۲
 - موارد نقل شده از این کتاب، در: ج ۱ ص ۲۲۳، ج ۴ ص ۶۷، ۱۶۷، ۲۵۴ و ۲۹۹.
 ۲۹. الأحسن و المحسن، نگاشته محمد بن احمد صفوانی (م ۳۴۶ ق).^۴
 - موارد نقل شده از این کتاب، در: ج ۱ ص ۲۹۶، ج ۲ ص ۴۱، ۱۸۱، ۳۰۶ و ۳۸۶، ج ۳ ص ۱۱۶.
-
۱. محقق ارجمند به خطا، وی را ابان بن عثمان بن عفان معرفی کرده است.
 ۲. محله «فوزا» ذکر شده در خبر، به صورت «فَز» درست است. در مورد این محله، ر. ک: معجم البلدان، ذیل «فَز».
 ۳. برای آگاهی بیشتر در مورد این کتاب، ر. ک: کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۰۶۷.
 ۴. برای آگاهی در مورد وی، ر. ک: رجال التجاشی، ش ۱۰۵۰.

۳۰. مصباح الواعظ.

موارد نقل شده از این کتاب، در: ج ۱ ص ۳۴۳.

۳۱. کشف الحیره.

موارد نقل شده از این کتاب، در: ج ۱ ص ۳۴۵.

۳۲. الکفایة فی النصوص، نوشته خزرآز قمی.^۱

مورد نقل شده از این کتاب، در: ج ۱ ص ۳۵۶-۳۵۸.

۳۳. مولد فاطمة، تألیف ابن بابویه.

موارد نقل شده از این کتاب، در: ج ۱ ص ۳۵۹، ج ۳ ص ۳۷۷.

۳۴. الردّ علی أهل التبديل فی ما وقع من أهل التألیف، نوشته ابوالقاسم کوفی

(م ۳۵۰ ق). مهم ترین آثار منقول در مناقب، چند نقل قول از این کتاب است که نقل

مهم از میان این چند نقل، عبارت زیر درباره تحریف قرآن است:

فصل فی ذکره علیه السلام فی الکتب. أبو القاسم الکوفی فی [کتابه] الردّ علی أهل التبديل:

إِنْ حَسَدَ عَلِيٌّ عليه السلام شَكَّوْا فِي مَقَالِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فِي فُضَائِلِ عَلِيٍّ عليه السلام فَتَزَلُّ: «فَإِنْ كُنْتَ فِي

شَكٍّ مِمَّا أُنْزِلْنَا إِلَيْكَ» (یعنی فی علی) «فَاسْأَلِ الَّذِينَ يَقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ»

(یعنی أهل الكتاب) عَمَّا فِي كُتُبِهِمْ مِنْ ذِكْرِ وَصِيِّ مُحَمَّدٍ؛ فَإِنَّكُمْ تَجِدُونَ ذَلِكَ فِي

کُتُبِهِمْ مَذْكَورًا.

ثُمَّ قَالَ: «لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ * وَلَا تَكُونَنَّ

مِنَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (یونس، ۹۴ و ۹۵)،

یعنی بالآیات هاهنا الأوصياء المتقدمين والمتأخرين.^۲

نقل دیگر از این کتاب، به صراحت، مؤید این است که ابن شهر آشوب به متن

خود کتاب و اثر مشابه دیگری دسترس داشته و از اثر به واسطه نقل نمی کند.

۱. در معرفی وی، ابن شهر آشوب نوشته است که او در ری سکونت داشته و از اهل سنت، ۱۷۵ خبر از طریق

صحابه درباره تعداد ائمه نقل کرده است. ابن شهر آشوب نام آنها را آورده است.

۲. مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۸۷. برای دو نقل قول دیگر، ر. ک: همان، ج ۳، ص ۱۳۲ و ج ۴،

ص ۴۵۷ و ۴۵۸.

همچنین این نقل، نشانی از تفسیری بودن عبارات اضافه شده در قرائت آیات قرآن است:

و رأيت في كتاب الردّ على أهل التبديل أنّ في مصحف أمير المؤمنين: ﴿يَلِكَيْتَنِي كُنْتُ تُزَيَّأً﴾ (نبا، آیه ۴۰) یعنی من أصحاب علی و فی کتاب ما نزل فی أعداء آل محمد فی قوله: ﴿وَيَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ﴾ (فرقان، آیه ۲۷) و يقول العاص وهو رجل من بني تميم: ياليتني كنت تراباً، أى شيعياً^۱.

۳۵. الأربعين في فضائل الزهراء، تأليف ابوصالح عبد الملك المؤذن (م ۴۷۰ ق). موارد نقل شده از این کتاب، در: ج ۱ ص ۱۲۷ و ۲۵۶، ج ۲ ص ۱۹۴، ۲۵۰، ۳۸۷ و ۳۴۹، ج ۳ ص ۲۱۷، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۴۴، ۳۸۵ و ۳۹۲، ج ۴ ص ۳۱۶. نیز، ج ۳ ص ۳۴۶ و ۳۵۴.
۳۶. الأربعين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام، تأليف ابوبکر احمد بن علی مشهور به خطیب بغدادی (م ۴۳۶ ق). موارد نقل شده از این کتاب، در: ج ۱ ص ۲۹۱، ج ۲ ص ۳۱، ۴۱، ۱۸۶، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۸ و ۳۱۶، ۳۶۹، ج ۳ ص ۴۴، ۱۴۹، ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۱۱، ۲۲۸ و ۳۷۳.
۳۷. إبانة ما في التنزيل في مناقب آل الرسول، نگاشته احمد بن حسن طوسی فلکی مفسر (م ۳۸۴ ق). موارد نقل شده از این کتاب، در: ج ۱ ص ۱۲ و ۱۹۴، ج ۲ ص ۹، ۶۴، ۶۹، ۲۴۲، ۲۵۲ و ۳۴۳، ج ۳ ص ۲، ۱۵، ۸۳، ۸۶، ۹۸، ۱۱۹، ۱۸۷، ۲۳۰، ۲۳۳ و ۲۳۵.
۳۸. مناقب علی عليه السلام، تأليف ابواسحاق ابراهيم بن احمد طبري مقرئ (م ۳۹۳ ق). موارد نقل شده از این کتاب، در: ج ۲ ص ۲۵۲ و ۳۵۲، ج ۴ ص ۱۳۲.

-
۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب، ج ۳ ص ۱۳۳.
 ۲. برای آگاهی درباره این کتاب، ر.ک: أهل البيت في المکبة العریة، ص ۳۵.
 ۳. برای آگاهی درباره این کتاب، ر.ک: أهل البيت في المکبة العریة، ص ۳۴.
 ۴. برای آگاهی درباره این کتاب، ر.ک: أهل البيت في المکبة العریة، ص ۱۴ و ۱۵.
 ۵. برای آگاهی بیشتر از این کتاب، ر.ک: أهل البيت في المکبة العریة، ص ۶۱۱ و ۶۱۲.

۳۹. شرح الأخبار، تألیف قاضی نعمان بن محمد بن حیون تمیمی (م ۳۶۳ ق).
ابن حیون تمیمی، قاضی القضاة و فقیه نامدار اسماعیلی است. کتاب شرح
الأخبار وی در فضایل ائمه است که به چاپ نیز رسیده است.
موارد نقل شده از این کتاب، در: ج ۲ ص ۱۶، ۱۸، ۴۹، ۶۴، ۲۴۰، ۲۴۹، ۲۵۳،
۳۷۹، ۳۶۳ و ۳۶۴، ج ۳ ص ۱۶، ۴۰، ۳۳۷ و ۳۹۷، ج ۴ ص ۱۰، ۱۶۳ و ۱۷۴.
۴۰. البدع المحدثه فی الإسلام بعد النبی ﷺ، تألیف ابو القاسم کوفی.
این کتاب به الاستغاثه من بدع الثلاثة شهرت دارد و متن آن با همین عنوان به چاپ
رسیده است.

موارد نقل شده از این کتاب، در: ج ۱ ص ۱۵۹، ج ۲ ص ۷۲ و ۳۶۴.
۴۱. نزہة الأنصار و محاسن الآثار، تألیف ابو الحسن علی بن مهدی مامطیری.^۱
ابن شهر آشوب گاهی از این کتاب با عنوان مجالس ابن مامطیری یاد کرده است.
کتاب فوق، یکی از متون تألیف شده قبل از نهج البلاغه ی سید رضی است که مؤلف آن
به گردآوری برخی از کلمات حضرت امیر علی همت گمارده است. متن این کتاب در
یک نسخه خطی در واتیکان باقی است.

موارد نقل شده از این کتاب، در: ج ۱ ص ۸۴، ۹، ۱۵۹، ج ۲ ص ۱۰۵، ۱۱۴، ۳۴۳،
۳۵۴، ۳۶۸ و ۳۷۸، ج ۳ ص ۱۵۴ و ۱۹۷، ج ۴ ص ۲۳، ۸۷ و ۱۶۳.
موارد نقل شده با عنوان «ابن مهدی المامطیری فی مجالسه»، در: ج ۱ ص ۷۹.
۴۲. الفنون، نگاشته احمد بن المؤدب.

موارد نقل شده از این کتاب، در: ج ۴ ص ۲۳ و ۲۷۴.

۴۳. الخصال، تألیف شیخ صدوق.

تنها در دو مورد، از این کتاب، نقل شده است که در مورد اول، ابن شهر آشوب

۱. برای دستیابی به گزارشی از شرح احوال مامطیری و کتاب نزہة الأنصار، ر. ک: «نهج البلاغه پیش از نهج
البلاغه»، حسن انصاری قمی، نشر دانش، سال ۱۹، ش ۱، بهار ۱۳۸۱، ص ۶۳-۶۶.

اشاره کرده که ابن بابویه حدیث «عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ أَلْفَ بَابٍ...» را به ۲۴ طریق نقل کرده است. البته در کتاب الخصال،^۱ این حدیث به ۳۴ طریق روایت شده که بر تصحیف متن مناقب دلالت دارد.

۴۴. الخصال فی آداب الملوك، تألیف مؤلفی ناشناخته.

ابن شهر آشوب، عبارت‌ی از حضرت امیر علیه السلام را از این کتاب نقل کرده است.^۲

ابن شهر آشوب و کتاب «معالم العلماء»

اهمیت ابن شهر آشوب، گذشته از تألیف آثار حدیثی، نگارش کتاب معالم العلماء است. در این قرن، دو اثر مهم رجالی شیعه به رشته تحریر در آمد که یکی از آنها همین کتاب معالم العلماء است.^۳ این کتاب ابن شهر آشوب، تکمله‌ای بر کتب رجالی شیخ طوسی است. بخش‌های عمده این کتاب، همان مطالب کتب رجالی نجاشی و شیخ طوسی است؛ اما مواردی وجود دارند که ابن شهر آشوب، اطلاعات جدیدی را عرضه می‌دارد. مهم‌ترین این موارد، عبارت‌اند از:

۱. در تعریف اصول، ابن شهر آشوب از قول شیخ مفید چنین گفته است:

قال الشيخ المفيد أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان البغدادي - رضي الله عنه
وقدس روحه -: صَنَّفَ الإمامية من عهد أمير المؤمنين علي عليه السلام إلى عهد أبي
محمد الحسن العسكري - صلوات الله عليه - أربع مئة كتاب تسمى الأصول و هذا
معنى قولهم: أصل.^۴

این نکته تا آن جا که منابع بررسی شد، قدیمی‌ترین نقل قول در باره اصول
اربع مئة است.^۵

۱. ر.ک: الخصال، ج ۲، ص ۶۴۲-۶۵۲.

۲. ر.ک: مناقب آل أبي طالب، ج ۱، ص ۲۷۲.

۳. آثار مهم رجالی شیعه، عبارت‌اند از: کتاب الفهرست و الرجال شیخ طوسی، کتاب معرفة الناقلين کشی، تهذیب شیخ طوسی با عنوان اختیار معرفة الرجال، و کتاب رجال ابو العباس احمد بن علی نجاشی.

۴. معالم العلماء، ص ۳.

۵. برای بررسی در مورد اصول اربع مئة (نخستین جوامع حدیثی شیعه)، ر.ک: «الأصول أربع مئة»، اتان کلبرگ، ترجمه محمد کاظم رحمتی، علوم حدیث، ش ۱۷، ص ۶۹-۱۲۳.

۲. در شرح حال محمد بن بحر رُهْنی، نکات جدیدی بجز آنچه نجاشی گفته، آمده است. محمد بن بحر رُهْنی، از عالمان و محدثان به نام دوره غیبت صغری است. آثار وی در مورد غیبت، مورد استفاده شیخ طوسی و صدوق در تألیف کتاب هایشان در موضوع غیبت بوده است. ابن شهر آشوب درباره وی، چنین نوشته است:

أبو الحسن محمد بن بحر الرهني السجستاني المتكلم يتهم بالغلو، وله نحو من خمسمئة مصنف ورسالة. وكتبه بخراسان، فمنها: كتاب الفرق بين الآل والأمة، البرهان السديد من عون المديد، الطلاق، المبسوط في الصلاة، التكليف والوضيف، إنبات الإمامة، الرد على من أنكر الإثني عشر ومعجزاتهم، كتاب الحجّة في إطاء القائم عليه السلام، مجلس الرهني بالسواوة والمقابلة، التلخيص و التلخص في التفسير، المثل والسير والخراج، القواعد، مرج البهاء وروض الضياء، المناسك.^۱

نجاشی تقریباً به بیشتر این آثار، اشاره نکرده است.

در مورد غلو نسبت داده شده به رُهْنی نیز باید گفت که در قرن چهارم، جامعه امامیه دارای دو مکتب عمده کلامی بوده است: مکتب خراسان و مکتب بغداد. ظاهراً عالمان مکتب خراسان (چون: کشی، عیاشی و فضل بن شادان) در مورد علم ائمه معتقد به اکتسابی بودن آن و منکر علم غیب ائمه بوده‌اند و معتقد بوده‌اند که ائمه خود را از طریق مطالعه کتب برجامانده از امامان پیشین به دست می‌آورده‌اند،^۲ در حالی که علمای بغداد، علم غیب ائمه (مفهوم محدث بودن ائمه) را قبول داشته، علم ائمه را لدنی و غیر اکتسابی می‌دانسته‌اند.

با توجه به این، عالمان خراسان، کسانی را که به ائمه علم غیب نسبت می‌دادند، «غالی» معرفی می‌کردند. نخستین اثر رجالی شیعه را عالمی از مکتب خراسان به نام ابو عمرو کشی تألیف نمود. این کتاب به دست عالمان مکتب بغداد رسید و آنها مطالب آن را در کتب خود درج نمودند؛ اما به این مسئله (غلو) توجهی نکردند. به

۱. معالم العلماء، ص ۹۶.

۲. برای آگاهی از احادیث منقول از مکتب خراسان در مورد انکار علم غیب ائمه، ر.ک: الأمالی، مفید، ص ۲۳.

همین دلیل، نجاشی در ضمن معرفی رهنی می‌نویسد:

قال بعض أصحابنا: «إنه كان في مذهبه ارتفاع وحديثه قريب من السلامة» و
لا أدري من أين قيل ذلك.^۱

ظاهراً مقصود از «بعض أصحابنا» در این عبارت، کشی است.
شیخ طوسی نیز تنها، گفته کشی را بدون اظهار نظر بیان کرده است (یرمی
بالتفویض).^۲

۳. از عالمان اسماعیلی قرن چهارم، قاضی نعمان، چهره بسیار مشهوری است.
وی کتاب مهمی به نام الإيضاح در فقه و حدیث، تألیف کرده است. این اثر، مبنایی
برای تألیف آثار بعدی وی، بویژه دعائم الإسلام بوده است. از اصل کتاب الإيضاح، تنها
بخشی در باب «صلاة» باقی مانده است.^۴ نکته مهم این کتاب، استفاده از متون کهن
امامی است. مادلونگ در مقاله‌ای با عنوان «منابع فقه اسماعیلی» اهمیت این مصادر را
تشریح کرده است.

آنچه ابن شهر آشوب را به کتاب الإيضاح ربط می‌دهد، این است که وی این اثر را
در اختیار داشته و برخی عالمان و آثار آنها را که در معالم العلماء معرفی کرده، به واسطه
این کتاب بوده است.^۵ همچنین ابن شهر آشوب، یکی از قدیمی‌ترین مؤلفان امامی
است که از کتب قاضی نعمان، مطالبی را در آثار خود نقل کرده است. وی در تألیف
مناقب، از کتاب شرح الأخبار قاضی نعمان، با عنوان «قال ابن فياض في شرح الأخبار»
نقل‌هایی را آورده است.^۶ ابن شهر آشوب در معرفی قاضی نعمان، چنین نوشته است:

۱. رجال اللجاشی، ص ۳۸۴.

۲. رجال الطوسی، ص ۴۴۷.

۳. این بخش به کوشش نگارنده تصحیح و چاپ شده است. توضیحات مفصل‌تر را در مقدمه آن آورده‌ام
(ر.ک: میراث حدیث شیعه، ج ۱۰).

۴. مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه، ص ۲۵۲-۲۶۹ (مقاله «منابع فقه اسماعیلی»).

۵. برای دستیابی به موارد نقل‌شده از کتاب شرح الأخبار به وسیله ابن شهر آشوب، ر.ک: ابن شهر آشوب،
مناقب آل أبي طالب، ج ۲، ص ۲۵، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۸۳، ۲۸۷، ۴۰۵ و ۴۲۱، ج ۳، ص ۲۲ و ۴۲۱، ج ۴،
ص ۱۳ و ۱۸۷.

ابن فیاض القاضی النعمان بن محمد، لیس بامامی و کُتبه حسان، منها: شرح
الْأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، ذکر المناقب إلى الصادق عليه السلام، الاتفاق و
الافتراق، المناقب و المثالب، الإمامة، أصول المذهب، الدولة، الإيضاح.^۱

همین گونه ابن شهر آشوب از آثار ابو القاسم بستی، مؤلف کتاب الدرجات،^۲ که
اینک با عنوان کتاب المراتب چاپ شده، استفاده کرده است.^۳ در یک مورد نیز از ابن
کتاب با عنوان المراتب یاد شده است.^۴ ابو القاسم بستی، از رجال زیدی است.^۵
۴. ابن شهر آشوب، در آخر کتاب خود، فهرستی از شاعران شیعی را ذکر کرده
است. همو در تألیف کتاب مناقب آل ابی طالب از آثار بیشتر آنان سود جسته است.
در اکثر موارد، منقولات وی تنها بخش هایی است که از ادبیات شعری شیعه باقی
مانده است.

توجه به این نکته ضروری است که این اشعار، تنها از جنبه ادبیات منظوم، اهمیت
ندارند و غالب آنها بازتاب عقاید کلامی امامیه اند. به عنوان مثال، اشعار مربوط به
حادثة غدیر^۶ یا شعر زیر که بازتاب عقاید امامیه درباره مسئله علم امام است، از
اهمیت خاصی برخوردار است. شایسته است تا این اشعار، جداگانه در تحقیقی
مستقل، مورد بررسی قرار گیرند.

مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ وَ حَكْمُهُ مَنْ شَاهَدَ يَتْلُوهُ مِنْهُ نَذَاراً
عِلْمُ الْبَلَايَا وَ الْمَنَایَا عِنْدَهُ فَصَلِ الْخُطَابَ نَمِي إِلَيْهِ وَ صَاراً.^۷

۱. معالم العلماء، ص ۱۲۶.

۲. برای دستیابی به گزارشی از این کتاب، ر.ک: أهل البيت في المكتبة العربية، ص ۴۶۰-۴۶۲.

۳. برای دیدن موارد نقل شده از او، ر.ک: مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۰۵، ۳۲۹، ۳۷۶ و ۳۹۰.

۴. همان، ج ۲، ص ۳۹۰.

۵. برای آگاهی از شرح حال بستی، ر.ک: «ابو القاسم بستی و کتاب المراتب»، حسن انصاری قمی، کتاب ماه

دین، ش ۳۸-۳۹، آذر-دی ۱۳۷۹، ص ۳-۹.

۶. ر.ک: مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۲-۴۵.

۷. ر.ک: همان، ص ۱۰۵.

برداشت‌های ابن شهر آشوب از احادیث

مواردی که در پی به آنها اشاره می‌شود، چند نکته حدیثی است که می‌تواند نوع تلقی و برداشت ابن شهر آشوب از احادیث را تبیین کند:

یک. توضیح و تبیین حدیث با استفاده از آیات و اشعار، یکی از ویژگی‌های ابن شهر آشوب است. وی ضمن نقل حدیثی از الکافی در بیان شأن نزول آیه ۵۵ از سوره مائده - که در کلام شیعه یکی از دلایل امامت حضرت امیر علیه السلام تفسیر شده - بعد از بیان دوروایت می‌نویسد:

والدلیل على أن لفظة «ولِي» في الآية تفيد الأولى ما ذكره المبرّد في كتاب العبارة عن صفات الله أن الولي هو الأولى، وقال النبي ﷺ: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ نَكَحَتْ بِغَيْرِ إِذْنِ وَلِيِّهَا» ومنه أولياء الدم وفلان وليّ أمر الرعيّة.

و نعم وليّ الأمر بعد وليّه و منتجع التقوى و نعم المؤدّب.

و ما يعترض به السائل، فلا يلتفت إليه. واختصاص الآية ببعض المؤمنين حيث وصفهم بإيتاء الزكاة، يوجب خروج من لم يؤتها، و من حيث خصّ إيتاءهم بحال الركوع و لم يحصل ذلك لجميع المؤمنين، و من حيث نفى الولاية عن غير المذكورين في الآية بإدخال لفظة «إنّما» و إيتاء الزكاة في حال الركوع لم يدع لأحد غيره.^۱

دو. آگاهی‌های تاریخی - حدیثی فراوانی در کتاب مناقب آل ابی طالب آمده است. از این موارد، روایات متعدّد ابن شهر آشوب درباره تدوین قرآن، قابل تأمل است. وی در این باره می‌نویسد:

ورويتم^۲ أنّه إنّما أبطأ على ﷺ عن بيعة أبي بكر لتأليف القرآن. أبو نعيم في الحلية و الخطيب في الأربعين بالإسناد عن السدي، عن عبد خير، عن علي عليه السلام، قال: «لَمَّا قبض رسول الله ﷺ أقسمت - أو حلفت - أن لا أصنع ردائي عن ظهري حتّى أجمع ما بين اللوحين. فما وضعتُ ردائي حتّى جمعت القرآن».

۱. همان، ص ۹. نیز برای دیدن مباحث مشابه، ر. ک: همان، ج ۲، ص ۵ به بعد (تفضیل حضرت امیر).

۲. مرجع ضمیر، اهل سنت اند.

بعد از آن، ابن شهر آشوب خلاصه‌ای از روایتی که نخستین بار در کتاب منسوب به سلیم بن قیس آمده، نقل می‌کند:

و فی أخبار أهل البيت - عليهم السلام - أنه آلی أن لایضع رداءه علی عاتقه إلا للصلاة حتی یؤلف القرآن و یجمعه، فانقطع عنهم مدّة إلى أن جمعه، ثم خرج إلیهم به فی إزار یحمّله و هم مجتمعون فی المسجد. فأنکروا مصیره بعد انقطاع مع البتة (الأكبة)، فقالوا: الأمر ما جاء به أبو الحسن! فلمّا توسّطهم، وضع الكتاب بینهم، ثم قال: «إن رسول الله ﷺ قال: إني مخلف فیکم ما إن تمسکنم به لن تضلّوا: کتاب الله و عترتی أهل بیتی. و هذا الكتاب و أنا العترة». فقام إلیه الثانی فقال له: إن یکن عندک قرآن، فعندنا مثله، فلا حاجة لنا فیکما. فحمل ﷺ الكتاب و عاد به بعد أن أزمهم الحجّة.^۱

این روایات و برخی احادیث دیگر که ابن شهر آشوب آورده است، این نکته را در ذهن تداعی می‌کند که وی به تحریف قرآن معتقد بوده است.^۲ خوش‌بختانه اظهارات دیگری از ابن شهر آشوب در دست است که می‌توان به کمک آنها تا حدی ذهنیت وی در این مسئله را دریافت. در این جا عبارت‌هایی را از ابن شهر آشوب می‌آوریم که به ادبیات جدلی مبتنی بر احادیث، تعلق دارد:

و أنکرتم أن یکون بسم الله الرحمن الرحیم من القرآن إلا التي فی سورة النمل، و طعنتم فی ذلك علی أبی بکر و عمر و عثمان فی ما وضعوه فی صدر کلّ سورة لمّا جمعهو علی زعمکم، فإن قلتم إنهم أثبتوا فيه ما لم یس فيه، لقد هلك من زاد فيه، وإن کان من القرآن، لقد کتمتم آیه من کتاب الله، و أعجب من هذا إنکم تکتبونها فی المصاحف و لا تقرأ و نهی فی الصلاة و تقولون فیها آمین و لا تکتبونها فی المصاحف!^۳

۱. همان، ج ۲، ص ۵۱.

۲. برای دیدن روایات دال بر تحریف موجود در این کتاب، ر. ک: همان، ج ۳، ص ۱۲۷ - ۱۳۰.

۳. مثالب الثواب (نسخه خطی)، ص ۵۶. مثالب الثواب، نسخه‌ای خطی در کتابخانه ناصریه (لکهنو) است که تاریخ کتابت آن، سال ۸۴۵ هجری است. تصویر عکسی این کتاب، در مرکز احیای میراث اسلامی قسم موجود است.

و زعمتم أنه جمع القرآن وقال الله تعالى: ﴿إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ﴾ فَإِذَا قَرَأْتَهُ فَذَاتِغٍ قُرْآنَهُ^۲ على أن لفظة القرآن يدل على خطابه؛ لأن القرآن هو المجموع من الأمثال والحكم، ورويتهم أنه لم يحفظ القرآن أحد من الخلفاء، و كيف يجمع من لم يحفظ أو يحفظ غير مجموع؟...^۳

فإن كان الأمر على ما رويتهم، لقد ذهب عامة القرآن وارتفعت الثقة لو سمعت اليهود أو الزنادقة هذه الأخبار لكان لهم الشبه التي تروون بها على الإسلام. وفي كتاب التحريش أنه قيل للحسين بن علي بن أبي طالب: إن نعتلاً زاد في القرآن ونقص منه باباً...، فقال الحسين: «أنا مؤمن لا تنقصت كما لا زيدت» فاستحيا^۴.

از مقایسه این عبارات، می توان به اساس جدولی این مسئله پی برد. تحلیل دیگر این مسئله در بحث از الاحتجاج آمده است.

سه. برخی احادیث شاذ نیز در کتاب ابن شهر آشوب موجود است. ابن شهر آشوب، حدیث فطرس را از رساله المسألة الباهرة فی تفضیل الزهراء الطاهرة ی ابو محمد حسن بن طاهر قاینی هاشمی،^۶ نقل کرده است. بنا بر این نقل، فرشته ای به نام فطرس، مرتکب خطایی می شود که خداوند او را مخیر به انتخاب عذاب دنیا یا آخرت می کند. فطرس، عذاب دنیا را انتخاب می کند «و كان معلقاً بأشفار عينيه فی جزيرة فی البحر لا یمر به حیوان و تحته دخان متن غیر منقطع. فلما أحس الملائكة نازلین سأل من مر به منهم عما أو جب لهم ذلك».

فرشتگان، خبر تولد امام حسین (ع) را به او می دهند. او نیز از آنها می خواهد که

۱. مرجع ضمیر، عثمان است.

۲. قیامت، آیه ۱۷ و ۱۸.

۳. همان، ص ۴۶۸.

۴. در جایی دیگر از این کتاب، ابن شهر آشوب بار دیگر بر این نکته تأکید نموده و گفته است: «وقد ذکر الغزالی ذلك فی الإحیاء إلا أنه اعتذر له. فقال و قد حرق عثمان مصحفین، ثم قال: لکرة القراءة فيها. فإن کان فيها زیادة علی ما فی أیدی الناس، لقد قصّد إلى إبطال بعض کتاب الله و تعطیل بعض شریعته» (همان، ص ۴۷۲).

۵. همان، ص ۲۶۵.

۶. برای آگاهی درباره این رساله، ر.ک: الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۳، ص ۱۵.

چون به نزد پیامبر ﷺ رسیدند، سلام او را به ایشان برسانند و ایشان از خدا بخواهد که وی را به حقّ حسین علیه السلام ببخشد. پیامبر ﷺ دعا کرد و چنین شد.^۱

نقش ابن شهر آشوب در انتقال میراث امامیه از ایران به حله

نقش مهم دیگر ابن شهر آشوب، انتقال میراث شیعی از ایران (ری، کاشان، قم و نیشابور) به حله است. در مورد اهمیت مکتب ری - که متأثر از حوزه نجف بوده است - اطلاعات اندکی موجود است. در کاشان، نسخه‌ای از کتاب النهایة ی شیخ طوسی در غرّه ذی قعدة ۵۷۹ ق به خطّ ابو القاسم بن محمد بن علی جاسبی، کتابت شده است. این نسخه دارای اجازه قطب راوندی به کاتب با این شرح است:

کتاب النهایة فی فقه أهل البيت علیه السلام تألیف الشیخ الإمام العالم الزاهد عماد الدین أبی جعفر محمد بن علی الطوسی علیه السلام قرأ علی الشیخ الإمام العالم وجیه الدین جمال الإسلام أبو القاسم علی بن محمد بن علی الجاسبی - أدام الله سداده - و أجزت له روايته عتی عن مشایخی یعنی عن المصنّف ... أبو الفضل الراوندی محمد بن سعید ... فی شهر ۵۸۰.^۲

ابن شهر آشوب در معرفی طرق اجازه خود به کتب امامیه به، ما امکان می‌دهد تا ضمن شناخت شیوخ اجازه وی، از روند انتقال و کتب منتقل شده، اطلاع حاصل کنیم.

در این قرن، ما شاهد انتقال میراث شیعی (کتب نگاشته شده به وسیله شیخ طوسی) از نجف به ری نیز هستیم. در ری، کتب شیخ صدوق از جمله آثار متداول بین آنها بوده است. این میراث، بار دیگر به وسیله ابن شهر آشوب به حله انتقال یافته است. ابن شهر آشوب، آثار شیخ طوسی را از ابو الفضل الداعی بن علی حسینی

۱. ر.ک: مناقب آل أبی طالب، ج ۴، ص ۸۲.

۲. ر.ک: «چهار کتاب خانه نفیس شخصی»، سید محمود مرعشی، شهاب، سال ششم، ش ۲ (مسلسل ۲۰)، ص ۴؛ فرهنگ ایران زمین، ج ۴، ص ۷۴-۱۲۱ بخصوص صفحات ۸۴-۸۶، ۸۸-۹۰ و ۹۲-۹۸. در مورد نسخه مورد بحث نیز، ر.ک: همان، ص ۱۰۳-۱۰۵. همچنین برای آگاهی بیشتر از مکتب ری، ر.ک: بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۹۵، ۱۲۳ و ۱۲۸.

سروری^۱، ابو رضا فضل الله بن علی حسینی^۲، عبد الجلیل بن عیسی بن عبد الوهاب رازی، ابو الفتوح حسین بن علی رازی^۳، محمود و علی (فرزندان علی بن عبد الصمد تمیمی)، محمد بن حسن شوهانی، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی^۴، ابو جعفر محمد بن علی حلبی و حسین بن احمد بن طحال مقدادی، همگی از فرزندان شیخ طوسی و عبد الجبار بن علی رازی، روایت نموده و اجازه روایت کتبشان را دریافت داشته است.^۵

منتجب الدین در مورد عبد الجبار نوشته است:

فقیه الأصحاب بالرّی، قرأ علیه فی زمانه قاطبة المتعلّمين من السادة والعلماء، و هو قرأ علی الشیخ أبی جعفر الطوسی جمیع تصنیفاتہ، و قرأ علی الشیخین سالار و ابن برّاج، وله تصانیف بالعربیّة و الفارسیّة فی الفقه.^۶

۱. وی، مؤلف اثر مفقود شده حدیثی با عنوان آثار الأبرار و أنوار الأخبار بوده است (ر.ک: الفهرست، منتخب الدین، ص ۷۱).

۲. در مورد وی، ر.ک: همان، ص ۱۲۹ و ۱۳۰؛ طبقات أعلام الشيعة (ثقات العيون)، ص ۱۹۸-۲۰۰. بنا بر نوشته شیخ آقا بزرگ تهرانی، جمال الدین علی بن محمد متطبّب، در قم به سال ۵۸۹ق، برای بار دوم کتاب نهج البلاغه را نزد وی و عالم امامی دیگر محمد بن ابی نصر قمی قرائت کرده و اجازه روایت دریافت کرده است.

آقا بزرگ تهرانی، صورت اجازه همراه با اجازه روایت برخی دیگر از آثار حدیثی را از نسخه‌ای از نهج البلاغه که متعلق به حیدرقلی خان سردار کابلی بوده، نقل کرده است. وی فرزند عالم مشهور فضل الله بن علی حسینی است. از وی کتابی با عنوان إرشاد المسلمين فی شرح کلمات أمير المؤمنين در نسخه‌ای خطی در کتابخانه پته (شماره ۲۰۳۷) موجود است. این اثر احتمالاً غیر کتاب اثر اللکالی لفخر العلمانی است. ۳. علی بن عبد الله بن حسین بن بابویه، رجال النجاشی را در سال ۵۵۱ق نزد ابن عالم امامی، قرائت کرده است (ر.ک: طبقات أعلام الشيعة (ثقات العيون)، ص ۱۹۴).

۴. در مورد ابن فقه مشهور امامی، ر.ک: همان، ص ۱۷-۲۱۶.

۵. مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۲ و ۳۳. در ادامه، ابن شهر آشوب طرق روایت خویش به شیوخ خود را به نحوهای مختلف حدیثی (مناوله، اجازه و کتابت) آورده است (ر.ک: همان، ص ۳۳ و ۳۴؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۴۷، ۴۸).

۶. الفهرست، منتخب الدین، ص ۱۰۸ و ۱۰۹. نیز برای آگاهی از اهمیت عبد الجبار در روایت آثار شیخ طوسی، ر.ک: بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۳۳ و ۴۸ (که وی از خود شیخ طوسی آثارش را روایت کرده است).

علی بن عبد الصمد تمیمی که از جمله شیوخ روایت ابن شهر آشوب است، از روایت مهم آثار شیخ صدوق است.^۱ ابن شهر آشوب در آغاز مناقب، در معرفی اسناد کتب خود می‌گوید که وی کتاب‌های ابن بابویه را از محمد و علی (پسران علی بن عبد الصمد نیشابوری)، از پدرش، از ابو البرکات علی بن الحسین خوزی، از صدوق روایت می‌کند.^۲ به عنوان مثال، در سند روایت کتاب عیون أخبار الرضا این گونه آمده است:

قال الشيخ المؤتمن الوالد أبو الحسن علي بن أبي طالب بن محمد بن أبي طالب التميمي المجاور، قال: حدثني الأمير السيد... أبو محمد شرف شاه بن أبي الفتح محمد بن حسين بن زيارة... في شهر سنة ثلاث و سبعين و خمسمئة بمشهد مولانا علي بن أبي طالب - صلوات الله عليه - عند مجاورته به، قال حدثني الشيخ الفقيه العالم أبو الحسن علي بن عبد الصمد عليه السلام في داره بنيسابور في شهر سنة إحدى و أربعين و خمسمئة، قال حدثنا السيد الإمام الزاهد أبو البركات (علي بن الحسين) الجوري... قال حدثنا الشيخ... أبو جعفر محمد بن علي...^۳

عماد الدین طبری و کتاب «بشارة المصطفى»

یکی از آثار حدیثی نگاشته شده در قرن ششم، کتاب بشارة المصطفى لشیعة المرتضى عماد الدین ابی جعفر محمد بن ابو القاسم طبری است.^۴ در مورد وی، منتجب الدین،

۱. ر. ک: الفهرست، منتجب الدین، ص ۱۰۹. منتجب الدین نوشته است که وی فقه را نزد ابو جعفر محمد بن حسن طوسی فرا گرفته است. همچنین، ر. ک: معالم العلماء، مقدمه، ص ۱۲ و ۱۳؛ فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سید محمد مشکات، ج ۳، بخش ۳، ص ۱۴۲۷ (همین سلسله سند، در معرفی نسخه‌ای از عیون أخبار الرضا عليه السلام نیز نقل شده است).

۲. ر. ک: بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۵؛ فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سید محمد مشکات، ج ۳، بخش ۳، ص ۱۵۵۱. نیز برای آگاهی بیشتر در مورد علی بن محمد بن عبد الصمد، ر. ک: طبقات أعلام الشيعة (تفات العیون)، ص ۲۰۴.

۳. عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۷۳. همین سلسله سند در روایت الأمالی صدوق نیز موجود است. همچنین، ر. ک: طبقات أعلام الشيعة (تفات العیون)، ص ۲۰۶؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۵۴.

۴. این کتاب به تصحیح آقای جواد قیومی به چاپ رسیده است، گرچه در ضبط اسامی، آشفتگی‌هایی در متن

تنها اشاره کرده که او شاگرد ابوعلی حسن بن محمد بن حسن طوسی بوده و قطب الدین راوندی نیز نزد او تلمذ نموده است. آخرین اطلاعی که از زمان حیات وی در دست است، سال ۵۵۳ ق است که محمد بن جعفر مشهدی در نجف از وی سماع حدیث نموده است.^۱ وی در طلب حدیث به مناطق مختلف سفر نموده است. ابن اسفندیار در مورد وی می نویسد:

فقیه آل محمد، عالم زاهد.^۲

ویژگی خاص کتاب وی، در این است که به ما امکان می دهد در مورد مراکز حدیثی شیعه در قرن ششم اطلاعات بیشتری به دست آوریم.

خاندان طَبْرسی

از محدثان و عالمان صاحب تألیف حدیثی، باید به خاندان طَبْرسی اشاره کرد. مشهورترین فرد این خاندان، امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (م ۵۴۸ ق) است. بیشتر شهرت وی به واسطه تألیف تفاسیر مشهور مجمع البیان و جوامع الجامع است. این تفاسیر، صبغه حدیثی ندارند؛ چراکه گرچه طبرسی در ضمن بحث از برخی آیات به احادیث اشاره می کند، اما اسناد آنها را نمی آورد. وی همانند دیگر عالمان این قرن، نزد ابوعلی حسن بن محمد طوسی، شمس

وجود دارد. به عنوان مثال، ضبط اسم «السید الإمام أبو طالب یحیی بن محمد بن الحسین بن عبد الله الجوانی» که طبری نزد وی در آمل به سالهای ۵۰۸ و ۵۰۹ ق سماع حدیث نموده، نادرست است. یبھی ضبط نام وی را این گونه آورده است: «و جریده بطبرستان من مجموعات السید ابی طالب یحیی بن ابی هاشم محمد بن الحسن النقیب بن عبید الله بن محمد بن الحسن بن عبید الله بن الحسن ... الجوانی» (ر.ک: لباب الأنساب، ص ۷۲۰؛ طبقات أعلام الشيعة (نقل العیون)، ص ۳۴۰) (در متن کتاب نیز این نام آشفته، تصحیح شده است). ظاهراً از شیوخ زیدیه یا شاید امامی ساکن در نواحی طبرستان نیز سماع حدیث نموده است. برای دستیابی به گزارشی از این کتاب، مؤلف و شیوخ آن، ر.ک: فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سید محمد مشکات، ج ۳، بخش ۳، ص ۱۱۷۹-۱۱۸۵.

۱. ر.ک: المزار الکبیر، ص ۱۲.

۲. تاریخ طبرستان، ص ۱۳۰.

الإسلام حسن بن حسین حَسَکَا بابویه و برخی دیگر از علما تَلَمَّذ نمود که نام آورترین آنها، دو فرد پیش گفته‌اند. او همچنین از ابو الفتح عبد الله بن عبد الکرم ابن هوازن قشیری، مجموعه حدیثی صحیفه الرضا^۱ را روایت نموده است. از شاگردان وی می‌توان به شیخ منتجب الدین، ابن شهر آشوب، قطب راوندی و سید فضل الله راوندی اشاره کرد.^۲

از آثار حدیثی او می‌توان به إعلام الوری اشاره کرد. کتاب یادشده، مجموعه‌ای حدیثی در تاریخ ائمه و پیامبر است. ابواب این کتاب، عبارت‌اند از: فی ذکر النبی، فی ذکر أمير المؤمنين^۳، فی ذکر سائر الأئمة من الحسن الزکی إلى الحسن العسکری^۴، فی بیان إمامتهم و ذکر الثانی عشر منهم.

در بخش آخر، طبرسی به دفاع کلامی از اندیشه «غیب» پرداخته است. در این کتاب، وی اسناد احادیث را به نحو کامل نیاورده است. با این حال از مصادری استفاده نموده که اینک برخی از آنها در دسترس نیستند. مهم‌ترین این منابع، کتاب مغازی ابان بن عثمان احمر بَجَلی است.^۵ دیگر اثر طبرسی در احوال ائمه، رساله کوچکی با عنوان تاج الموالید است که به چاپ نیز رسیده است.

ادبیات دعانویسی و تحریر کتب ادعیه، در قرن ششم از رونق خاصی برخوردار بوده است. طبرسی در این زمینه، کتاب الآداب الدینیة للخزانة المعینیة را نگاشته است^۶

۱. این کتاب، حاوی صد تا دوست حدیث (و هر کدام با روایت‌های گوناگون) است. برای آگاهی از طرق هشتمانه روایت این کتاب و متداول بودن آن در بین شیعه و اهل سنت، ر.ک: توضیحات دانش‌پژوه در معرفی نسخه‌ای از این اثر (فهرست نسخ خطی اهدای آقای سید محمد مشکات، ج ۳، بخش ۳، ص ۱۳۹۶-۱۴۰۸). همچنین، ر.ک: طبقات اعلام الشيعة (نقات العیون)، ص ۱۶۴. متن کتاب را مؤسسه الإمام المهدي (قم) زیر نظر سید محمّد باقر مؤخّذ اطّحی در سال ۱۴۰۸ ق، چاپ کرده است. در مقدمه این چاپ، توضیحات مفصّلی ذکر شده است.

۲. در مورد فضل الله بن علی حسینی، برای نمونه، ر.ک: طبقات اعلام الشيعة (نقات العیون)، ص ۲۱۷ و ۲۱۸.

۳. برای دستیابی به فهرست منابع مورد استفاده طبرسی در إعلام الوری، ر.ک: «طبرسی و کتاب إعلام الوری»، محمّدباقر خوراسگانی، آینه پژوهش، ش ۴۶، ص ۳۴ و ۳۵.

۴. این کتاب به کوشش سید محمّد حسینی نیشابوری (مشهد، ۱۴۱۹ق) به چاپ رسیده است.

که از آن، نسخ چندی موجود است. ابواب این کتاب، عبارت‌اند از: الملابس، الحمام، تسريح الشعر، أخذ الأطراف، السواک، النظر، السمع، الأکل و الشرب، التجارة، النکاح، المولود، النوم، السفر، ما ختم به الکتاب.^۱

فرزند وی، رضی‌الدین فضل بن حسن، کتاب مکارم الأخلاق را در ادامه کتاب فوق، تألیف نمود. این کتاب، متنی مرسل و مجموعه‌ای از احادیث اخلاقی است. نوه طبرسی، ابو الفضل علی بن حسن، کتاب مشکاة الأثر را به عنوان ذیلی بر کتاب مکارم الأخلاق تدوین نموده است.

جمع‌آوری کلمات قصار حضرت امیر، موجب پدید آمدن آثار متعددی بوده، که یکی از این آثار، کتاب نثر الالکی طبرسی است.

صحیفه الرضا، یکی از آثاری است که طبرسی جزو روایات و سلسله اسناد آن قرار دارد. این کتاب، حاوی ۲۴۰ حدیث منسوب به امام همام، علی بن موسی الرضا علیه السلام است. طرق روایت این کتاب، متفاوت است؛ اما همه آنها به ابو القاسم عبد الله بن احمد بن عامر (الشهید بالطّف)، از پدرش احمد بن عامر، از امام رضا علیه السلام، ختم گردیده است. نسخه‌ای که طبرسی در سلسله سند آن قرار دارد، به تاریخ غرة رجب سال ۵۲۹ ق به املای ابو الفتح عبد الله بن عبد الکریم قشیری است که وی آن را در رمضان سال ۵۰۱ ق در نجف از ابو الحسن علی بن محمد بن علی خاتمی، سماع نموده است.

۱. برای آگاهی از ابواب این کتاب، ر. ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «الآداب الدینیة للخرزانه المعینیة»؛ الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۱، ص ۱۸؛ فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضی، ج ۵، ص ۱۳۰. این کتاب برای معین‌الدین ابو نصر احمد بن فضل، وزیر سلطان سنجر (۵۵۲ ق)، نگاشته شده است. قدیمی‌ترین نسخه این کتاب به شماره ۴۳ ۶۰ آستان قدس، به وسیله محمد صالح بن مؤمن تونی در سال ۱۰۲۵ ق، کاتب شده است. تصویر عکسی این نسخه در مرکز احیای میراث اسلامی (قم) موجود است. در آن جالقب کاتب، بحرانی و سال کتابت، ۱۰۳۵ ق قرائت شده است.

الاحتجاج و مؤلف آن

از دیگر نگاشته‌ها در این قرن باید به اثر جدلی الاحتجاج ابو منصور طَبْرَسِی اشاره کرد. این کتاب، حاوی بخش اعظمی از روایات جدلی شیعی در ردّ عقاید اهل سنت و نکات دیگر است. قدیمی‌ترین کتابی که به این شیوه نوشته شده و به دست ما رسیده است، اثر مشهور، کتاب سلیم بن قیس است.

ویژگی مهم ادبیات جدلی، در استناد به روایات اهل سنت و نقل مطالب آنها بر ضدّ نظرات آنان است. این شیوه، همان «إلزام الخصم بما ألزم عليه نفسه» است.^۱ نکته‌ای که باید در مواجهه با این گونه آثار در ذهن داشت، ماهیت جدلی آنهاست، یعنی نباید مضمون روایات این کتب را عقاید شیعه دانست؛ چرا که بنای این آثار، ردّ عقاید اهل سنت با استناد به روایات و عقاید متداول میان آنهاست.

در مورد مؤلف کتاب الاحتجاج یعنی ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب طَبْرَسِی، نکات اندکی وجود دارد. ابن شهر آشوب به وی به عنوان استاد خود اشاره کرده و این آثار را برای او ذکر کرده است: الکافی فی الفقه (که کتابی نیکو یاد شده است)، الاحتجاج، مفاخر الطالبیة (الطالبیین)، فضائل الزهراء علیها السلام و کتاب الصلاة.^۲

بر خلاف ابن شهر آشوب، منتجب الدین، اشاره‌ای به وی نکرده است.^۳ ابن ابی جمهور ظاهراً به اشتباه، الاحتجاج را به ابو علی طَبْرَسِی (مؤلف تفسیر مجمع البیان)

۱. در مورد اصالت کتاب سلیم و انتساب آن به تابعی مشهور، در میان عالمان امامی اختلاف وجود دارد. از دیگر آثار نگاشته شده به این شیوه، می‌توان به اثر جدلی مشهور به نام الإيضاح منسوب به فضل بن شاذان (م ۲۶۰ق) و کتاب الاستغاثة ابو القاسم کوفی اشاره کرد. در قرن ششم، کتاب مثالب التواصی ابن شهر آشوب، اثری دیگر با این ادبیات است (ر.ک: فهرست نسخ خطی اهدای آقای سید محمد مشکات، ج ۳، بخش ۳، ص ۱۴۸۳-۱۴۸۵).

۲. معالم العلماء، ص ۲۵.

۳. با این حال، محدّد تقی دانش‌پژوه در ضمن معرفی نسخه‌ای از الاحتجاج، منتجب الدین را از جمله شاگردان طبرسی معرفی کرده است. ظاهراً این گفته درست نیست (ر.ک: فهرست نسخ خطی اهدای آقای سید محمد مشکات، ج ۳، بخش ۳، ص ۱۰۵۸).

نسبت داده است.^۱ ابن طاووس با نقل عبارتی از این کتاب و ذکر نام کتاب در بین آثاری که باید به فرزندش وصیت کند، مؤلف کتاب را ابو منصور طَبْرسی دانسته است.^۲

تنها دو سلسله سند در کتاب الاحتجاج آمده است:

نخستین سلسله سند، طریق روایت تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام به همان طریق مشهور است.^۳ فردی که طبرسی این تفسیر را از وی نقل کرده، ابو جعفر سید مهدی بن ابن ابی حرب حسینی مرعشی، از شاگردان ابو علی است.

دومین سلسله سند که در آن، مرعشی روایتی را از ابو علی به نقل از شیخ طوسی نقل کرده، تنها مؤید تَلَمُّذ حسینی نزد ابو علی است.^۴

طَبْرسی به دلیل مشهور بودن تصانیف و نوشته‌های امامیه، اسناد مآخذ خود را نیاورده است؛ عملی که در بیشتر آثار این دوره انجام شده است.^۵ با توجه به چاپ تحقیقی این کتاب به وسیله ابراهیم بهادری و محمد هادی به (قم، ۱۴۱۳ ق) می‌توانیم مصادر مورد استفاده طبرسی را شناسایی کنیم.

یکی از مهم‌ترین این منابع، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام است. گرچه نمی‌توان این را قطعی دانست، اما بر اساس منقولات طبرسی و اهتمام وی به نقل از کتاب و عدم وجود نقلی که در متن چاپی موجود نباشد، می‌توان اظهار داشت که متن این تفسیر، بر خلاف نظر عدّه‌ای، ظاهراً در اصل به همین اندازه بوده است.

۱. روش التّجّات، ج ۱ ص ۶۵؛ فهرست نسخ خطی اهدای آقای سید محمد مشکات به دانشگاه تهران، ج ۳ بخش ۳ ص ۱۰۵۸؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۹.

۲. کتابخانه ابن طاووس، ص ۳۰۰ و ۳۰۱.

۳. ر.ک: الاحتجاج، ج ۱، ص ۶-۸.

۴. ر.ک: همان، ص ۱۳۳.

۵. سابقه این عمل، به زمان شیخ صدوق برمی‌گردد. وی به علت اشتها و تناول بودن متون، به چنین کاری دست یازیده است.

از دیگر مآخذ طبرسی، باید به آثار شیخ صدوق چون الأمالی و کمالالدین (که در بخش امام دوازدهم و نقل متن توقیعات، روایات از این کتاب اخذ شده‌اند)، الأمالی شیخ طوسی و کتاب سلیم بن قیس اشاره کرد. همچنین بخشی از رساله سیدمرتضی به نام الرسالة الباهرة فی فضل العترة الطاهرة نیز در این کتاب نقل شده است.^۱

رهیافت طبرسی در «الاحتجاج»

طبرسی در آغاز کتابش علت تألیف کتاب را چنین بیان داشته است:

سپس آنچه مرا به تألیف این کتاب واداشت، نپرداختن گروهی از اصحاب و یاران ما به علم جدل و بحث بوده است، گرچه این عمل صحیح است. آنها این گونه استدلال می‌نمودند که پیامبر و ائمه هرگز مجادله و جدل نکرده‌اند و چنین عملی را به کار نگرفته‌اند و از بهر شیعه نیز در این کار رخصتی نیست؛ بلکه از آن نهی شده‌اند. به این دلیل، لازم دیدم که نوشته‌ای را از گفتگوهای آنها در فروع و اصول با اهل سنت و خردمندان که در آنها به جدل با آنان پرداخته‌اند، گرد آورم. ائمه از پرداختن به جدل، تنها افراد ناتوان را نهی کرده‌اند و منع آنها شامل حال افراد توانا به این فن نمی‌گردد.^۲

در ادامه، طبرسی آیات دال بر گفتگو و جدل را آورده و بعد به نقل روایات پیامبر و ائمه در باب مجادله با مخالفان پرداخته است. نکته‌ای که از این مقدمه کوتاه برمی‌آید، نشان از آغاز حرکت حدیث‌گرایی در حوزه فکری شیعه است؛ حرکتی که آرام آرام در میانه قرن هفتم، تبلورش در ابن طاووس تجلی یافت که مدعی نهی پیامبر و ائمه از بحث‌های کلامی بود.^۳

۱. فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سید محمد مشکات، ج ۳، بخش ۳، ص ۱۰۵۹. مترجم مشهور عصر صفوی، علی بن حسن زواره‌ای، کتاب الاحتجاج را با عنوان کشف الاحتجاج به فارسی ترجمه کرده است. برای آگاهی از نسخه‌ای از این ترجمه، ر. ک: همان، ص ۱۴۸۷ - ۱۴۸۸.

۲. الاحتجاج، ج ۱، ص ۳.

۳. بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۴۳، ۴۶ و ۴۷.

به طور قطع نمی‌توان گفت که طبرسی با دغدغه اهل کلام، به نگارش کتاب خود پرداخته یا تنها محدثی بوده که روایات دال بر ذمّ «کلام» را به نحو دیگری درک می‌کرده است. با این حال، وجود چنین احادیثی به همراه حاکمیت نقل حدیث و عدم نقل قول‌های خاص از وی، تا حدّی نشانگر وجود ذهنیت فردی محدثی در وی است.

از سوی دیگر، احادیث انتخاب‌شده در بحث امامت حضرت علی علیه السلام، با بیان افضلیت آن حضرت، واقعه عقبه، توطئه گروهی از منافقان برای قتل پیامبر، و حدیث منزلت آغاز شده است. نیز هدف دیگر طبرسی در کتاب خود، اثبات امامت حضرت امیر با تکیه بر روایات شیعی است، که در این مسئله وی بر خلاف دیگر عالمان امامی چون ابن شهر آشوب و ابن بطریق - که به نقل روایات اهل سنت توجه تمام داشته‌اند - عمل نموده است.

کتاب سلیم بن قیس و تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، دو متن مهمی هستند که طبرسی به تکرار، از آنها نقل قول کرده است؛ چرا که اساس بحث کتاب وی بر این دو کتاب بنا شده است.^۱ این، در حالی است که در آغاز، وی به شهرت اندک تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام اشاره کرده است. نیز با وجود این که احادیث، بدون هیچ اظهار نظری نقل شده‌اند، ولی نزدیکی ذهنیت مؤلف را به تفکر متکلمان امامی نشان می‌دهد. این را می‌توان با مقایسه کلیت بحث مؤلف با آثار کلامی شیعه دریافت. نکته‌ای که از این همانندی می‌توان استنباط نمود، تمییز نهادن میان تفکر اصولی و اخباری است.

دو مفهوم اصولی و اخباری، غالباً با توجه به مقوله فقه و حجّیت یا عدم حجّیت عقل، مورد اشاره قرار می‌گیرند؛ اما بحث اصولی و اخباری، در «عقاید» نیز مطرح

۱. متن این تفسیر، جز و آثار متداول در قرن پنجم و ششم است، گرچه این روایات دال بر اعتبار کتاب نیستند (ر.ک: التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام، مقدّمه).

است. به عبارت دیگر، عالم می تواند در فقه خود، اصولی باشد؛ ولی در عقایدش اخباری، و برعکس. ظاهراً طبرسی از این گروه عالمان است.

یک ویژگی دیگر اخباری بودن در عقاید، اصرار بر مسائل خاص کلام شیعه دربارهٔ خلفاست. شیعه زمانی که در محیطی یک دست قرار داشته، بر این مسائل اصرار ورزیده و چون به تعامل با اهل سنت می رسیده، بدون چشم پوشی از این مسائل، به ارائهٔ تعدیل هایی چند، و بیان نظرات خود، پرداخته است.^۱

نکته قابل ذکر دربارهٔ کتاب طبرسی، چند روایت به نقل از کتاب سلیم است که دال بر تحریف قرآن است. در الاحتجاج در بحث احتجاج برخی صحابه با ابو بکر، به نقل از کتاب الخصال شیخ صدوق، روایتی بلند آمده است. در ضمن روایت، از قول علی علیه السلام بیان شده که فرمود:

بعد از آن که پیامبر وفات نمود، به غسل و تکفین ایشان مشغول شدم. سپس سوگند یاد نمودم که ردا بر تن نکنم، جز برای نماز، تا قرآن را جمع کنم و چنین نیز نمودم. سپس به نزد اهل بدر و پیش گامان در اسلام (سابقون) رفته، بر گرفتن حَقِّم، از آنها یاری خواستم.^۲

بعد از این روایت، حدیثی از کتاب سلیم بن قیس نقل شده که در آن از قول علی علیه السلام آمده است:

چون رسول خدا در گذشت، مشغول به جمع آوری قرآن شدم و تمام آن را گرد آوردم (حتی جمعت کله فی هذا التوب). آیدای بر پیامبر نازل نگردید، جز آن که من آن را گرد آوردم، و تمام آیات را پیامبر بر من خوانده و تأویل آنها را نیز به من آموخته است؛ اما آنها (خلفا) به من گفتند که به این قرآن نیازی ندارند و همانند آن در نزدشان هست.^۳

نیز در ضمن نقل روایتی طولانی از مجادلهٔ علی علیه السلام با زندیقی، از تحریف قرآن،

۱. اندیشهٔ تفاهم مذهبی در قرن هفتم و هشتم هجری، ص ۳۶ به بعد.

۲. الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۸۸.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۰۷.

بیشتر سخن رفته است.^۱

این روایات در حقیقت، منعکس کننده این ذهنیت امامیه است که علی (علیه السلام) قرآن را بعد از پیامبر، تدوین کرده و این مصحف مسلماً با مصاحف دیگر فرق داشته است. برخی، ماهیت این تفاوت را وجود تأویلات قرآن از سوی حضرت دانسته‌اند و برخی دیگر، آن را حاوی آیاتی از قرآن دانسته‌اند که در مصحف فعلی، موجود نیست. این دو ذهنیت، خود، شاخصی برای شناخت وجود ذهنیت اخباری و اصولی در عقاید است.^۲

روایات دال بر تشبیه نیز در این کتاب موجودند، گرچه روایت دال بر تنزیه نیز روایت شده‌اند. جمع میان این دو، آن است که بگوئیم روایات دال بر تشبیه، در تلقی این عالمان، تشبیهی نبوده‌اند.^۳

ویژگی دیگر کتاب الاحتجاج، در نقل متن برخی توقیعات است که جز آن، در المزار الکبیر مشهودی روایت شده‌اند. این، نشانگر آن است که طبرسی متن توقیع را یا از کتاب حمیری و یا از منبعی که ما از آن خبر نداریم، برگرفته است.^۴

خاندان راوندی

قطب راوندی، عالم پُر اثر قرن ششم

قطب الدین ابو الحسین سعید بن هبة الله راوندی^۵ که به «قطب راوندی» مشهور است، بی‌شک، یکی از پُر اثرترین عالمان قرن ششم است که به حدیث، بخصوص با توجه به مشرب فکری‌اش در گریز از کلام، عنایت خاصی داشته است. ابن شهر آشوب و منتجب الدین - که هر دو از شاگردان وی بوده‌اند - وی را با القابی چون:

۱. ر.ک: همان، ص ۵۸۵-۵۹۷.

۲. اندیشه تفاهم مذهبی در قرن هفتم و هشتم هجری، ص ۲۲-۳۶.

۳. ر.ک: حدیثی که برای عرش، ماهیتی مادی در نظر می‌گیرد (الاحتجاج، ج ۱، ص ۳۶۵ و ۳۶۶). نیز برای دیدن روایات تنزیه‌ای از خطبه‌های نهج البلاغه، ر.ک: همان، ص ۴۷۳-۴۸۰.

۴. ر.ک: همان، ج ۲، ص ۵۷۳-۵۹۵.

۵. برای اطلاع بیشتر از وی به طور کلی، ر.ک: ریاض العلماء، ج ۲، ص ۴۱۹-۴۲۷.

فقیه، صالح، و ثقة ستوده‌اند.^۱ وی از ابو جعفر محمد بن علی حلبی، امین الاسلام طبرسی، عماد الدین محمد بن علی طبری و عدّه زیادی از علمای شیعه و اهل سنت، سماع حدیث نموده است.^۲

وی شرح معروفی بر نهج البلاغه با عنوان منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه نگاشته است. این شرح از همان زمان نگارش، مورد توجه علما قرار گرفته است. ابن ابی الحدید، شارح مشهور دیگر نهج البلاغه، در شرح خود، به گفته‌های راوندی استناد نموده است.^۳

مهم‌ترین آثار حدیثی راوندی، عبارت است از: قصص الانبیاء،^۴ الخرائج و الجراح،^۵ سلوة الحزین،^۶ ضیاء الشهاب فی شرح شهاب الأخبار،^۷ رساله فی أحوال أحداث أصحابنا،^۸

۱. در تألیف این بخش، از مقاله عالمانه «نهج البلاغه عبر القرون» سید عبد العزیز طباطبائی (ترانتا، ش ۳۸ - ۳۹، سال ۱۴۱۵ ق) استفاده شده، گرچه به اصل مصادر نیز مراجعه شده است.

۲. فهرست کامل این رجال و منقولات راوندی از آنها را سید عبد العزیز طباطبائی در مقاله پیش‌گفته آورده است (ر.ک: همان، ص ۲۵۷ - ۲۶۰؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۹۸).

۳. برای دستیابی به اطلاعات بیشتر و نسخ این کتاب، ر.ک: همان، ص ۲۶۱ - ۲۶۵.

۴. این کتاب در بیست باب و اکثر روایات آن از آثار شیخ صدوق برگرفته شده است. در مورد نسخ این کتاب، ر.ک: همان، ص ۲۶۷ و ۲۶۸. برای دستیابی به گزارشی از شیوخ روایت راوندی در این اثر، علاوه بر متن

کتاب، ر.ک: فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سید محمد مشکات، ج ۳، بخش ۳، ص ۱۴۵۴ - ۱۴۵۹.

۵. این کتاب در بیان و ذکر معجزات پیامبر و ائمه اطهار است. این کتاب، مورد استفاده سدیدالدین محمود حمصی‌رازی (مؤلف کتاب المنقذ من التقليد، از علمای قرن ششم) است، گرچه سدیدالدین به نام کتاب تصریح نکرده است. در مورد نسخ این کتاب، ر.ک: «نهج البلاغه عبر القرون»، سید عبد العزیز طباطبائی، ترانتا، ش ۳۸ - ۳۹، ص ۲۶۸ - ۲۷۰.

۶. نسخه کهنی از این کتاب نزد علامه مجلسی بوده و در تألیف بحار از آن سود جسته است. این کتاب با عنوان دعوات الی اوندی به چاپ رسیده و مجموعه‌ای از ادعیه است. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: همین کتاب، ص ۵۰۵ (ادبیات دعانویسی).

۷. در مورد نسخ این کتاب، ر.ک: «نهج البلاغه عبر القرون»، سید عبد العزیز طباطبائی، ترانتا، ش ۳۸ - ۳۹، ص ۲۷۲. در مورد کتاب شهاب الأخبار و شروح نگاشته شده بر آن، ر.ک: فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سید محمد مشکات، ج ۳، بخش ۳، ص ۱۳۸۰ - ۱۳۸۵.

۸. این رساله در حقیقت، شرحی است بر بخش کوتاه، اماثر فایده کتاب الاستبصار شیخ طوسی که مباحث

مکارم اخلاق الاثمة صلوات الله عليهم أجمعين،^۱ تحفة العلیل فی الأدعية و الآداب و أحادیث البلاء،^۲ مفتاح المتعبّد،^۳ و اللباب فی تلخیص فصول عبد الوهّاب.

از میان این آثار، تنها اللباب، فاقد نسخه خطی یافت شده است، با وجود آن که این اثر در تدوین مستدرک الوسائل مورد استفاده فراوان محدث نوری (م ۱۳۲۰ ق) بوده است. این کتاب در حقیقت، یک اثر کرامی (شاخه‌ای از حنفیان) و متعلّق به ابو حنیفه عبد الوهّاب بن محمد، از عالمان کرامی نیشابور است که قطب راوندی تلخیصی را از آن انجام داده است.^۴

توجّه به این نکته، از آن جهت مهم است که برخی از مطالب این کتاب با فقه شیعه منطبق نیست و نباید مطالب نقل شده را جزو آرای شیعه دانست.^۵

چه همانندی در علم الحدیث در آن مطرح شده است. اصل این شرح، باقی نمانده و تنها تلخیصی از آن باقی است که در میراث حدیث شیعه (ج ۵) به چاپ رسیده است.

۱. نسخه منحصر به فردی از این کتاب در کتابخانه مجلس (در مجموعه ۵۳۶۴ رساله اول به تاریخ کتابت ۹۸۵ ق در ۸۲ برگ) موجود است. ر. ک: سید عبدالعزیز طباطبایی، همان، ص ۲۷۳ و ۲۷۴.

۲. ظاهراً این مجموعه دعا، همان کتاب دعوات راوندی است (ر. ک: «نهج البلاغه عبر القرون»، (سید عبدالعزیز طباطبایی، تراثا، ش ۳۸-۳۹، ص ۲۷۴).

۳. تنها یک نسخه از این کتاب در دانشگاه تهران موجود است (ر. ک: همان، ص ۲۷۴).

۴. برای آگاهی بیشتر، ر. ک: «چهره دیگر محمد بن کرام سجستانی»، شفیعی کدکنی، ارج‌نامه ابرج، ج ۲ ص ۶۰ به بعد.

۵. نسخه‌ای از این کتاب را افندی، صاحب ریاض العلماء، در اردبیل دیده است؛ اما وی اضافه کرده که قطب راوندی علاوه بر تلخیص کتاب، برخی روایات شیعی را بدان افزوده است. البته با توجّه به مرسل بودن احادیث، بسیار بعید است که روایت شیعه و سنی را بدون ذکر سند، ذکر کرده باشد.

ظنّ قوی، این است که این گفته صاحب ریاض به خاطر ذکر برخی روایات از ائمه بوده است؛ اما باید توجّه نمود که اصل تفسیر، خود، حاوی احادیث روایت شده از اهل بیت است. همچنین از آن جا که افندی مؤلف اصلی تفسیر را نمی‌شناخته و به نسخه‌ای از آن اشاره نکرده است، مبنای این سخنش مشخص نیست (ر. ک:

ریاض العلماء، ج ۲، ص ۴۲۱. همچنین، ر. ک: «قطب راوندی و تلخیص تفسیری کرامی»، حسن انصاری قمی، نشر دانش، سال شانزدهم، ش ۳، پاییز ۱۳۷۸، ص ۸۰ و ۸۱). سید عبدالعزیز طباطبایی نیز مؤلف اصل تفسیر را نشانده است (ر. ک: «نهج البلاغه عبر القرون»، سید عبدالعزیز طباطبایی، تراثا، ش ۳۸-۳۹، ص ۲۸۳-۲۸۵).

راوندی و تخریج کتاب «النبوة» ی شیخ صدوق

یکی از نکات جالب توجه کتاب قصص الاثبیه راوندی، این است که وی در این کتاب، تقریباً بخش اعظمی از کتاب «النبوة» ی شیخ صدوق را به طریق اسانید خود به شیخ صدوق، تخریج کرده است. آقای حسن انصاری در اشاره به این مطلب می نویسد:

به نظر می رسد که مأخذ عمده قطب الدین بن سعید بن هبة الله راوندی در کتاب قصص الاثبیه و در نقل احادیث و روایات از ائمه اطهار علیهم السلام، کتاب النبوة ی صدوق بوده است. این نکته حائز اهمیت است که جز چند روایت، تمام، کتاب راوندی، منقول از صدوق است و در واقع کتاب راوندی، تخریجی است از روایات صدوق.

عقیده من، این است که قطب الدین راوندی، نسخه ای از این کتاب النبوة ی صدوق را در اختیار داشته و بخش هایی از آن را در این کتاب، تخریج و نقل کرده است. از آن جا که قطب راوندی به طرق مختلف، کتب صدوق را روایت می کرده و در واقع از مشایخ گوناگون و به توسط هر یک از طرق مختلف می توانسته کتب صدوق را روایت کند، تنها کاری که در این کتاب کرده، این بوده است که عموماً در آغاز هر فصل به طریقی، کتاب صدوق را روایت کند و سپس احادیث آن بخش را از کتاب صدوق نقل کند.^۱

افندی نیز در ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، به تخریج کتاب قصص الاثبیه قطب راوندی، توجه کرده است.^۲

سید فضل الله حسینی راوندی

ابو الرضا فضل الله بن علی حسینی راوندی، عالم و فقیه امامی و صاحب مدرسه مجدیة کاشان، یکی از مفاخر شیعه در قرن ششم است. با وجود این که تنها، آثار

۱. «نسخه ای ناقص از کتاب النبوة ی صدوق»، حسن انصاری قمی، نشر دانش، سال نوزدهم، ش ۳، پاییز

۱۳۸۱، ص ۳۴.

۲. ر.ک: ریاض العلماء، ج ۲، ص ۴۲۶-۴۲۸ و ۴۲۵-۴۲۷.

حدیثی معدودی از او موجود است^۱، لازم است به دلیل اهتمام وی به تدریس و استنساخ کتب متقدم امامی، در موردش سخن گفته شود.

سمعانی، وی را در کاشان دیده و در موردش چنین نوشته است:

وأدرکت بها^۲ السید الفاضل أبا الرضا فضل الله بن علی العلوی الحسنی القاسانی، وکتبت عنه أحادیث وأقطاعاً من شعره، ولما وصلت إلى باب داره، قرعت الحلقة ووجدت علی الدکة أنتظر خروجه، فنظرت إلى الباب فرأيت مكتوباً فوقه بالحصص: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۳.

افضل الدين حسن بن ابراهيم خومجانی، کتاب الثمالي سيد مرتضی، و جیه الدین عبد الجبار بن حسین، کتاب خصائص الائمة شریف رضی را در سال ۵۵۵ ق، در کاشان و ظاهراً در همان مدرسه مجدی، نزد وی سماع و قرائت نموده‌اند.^۴

از آثار حدیثی وی می‌توان به کتاب ضوء الشهاب^۵ ادعیه السر و کتاب النوادر اشاره

۱. یکی از قدیمی‌ترین نسخه‌های موجود نهج البلاغه، نسخه‌ای است که ابو الرضا در سال ۵۱۱ ق از روی نسخه اصل شریف رضی، استنساخ نموده است. این نسخه را کتاب خانه آیه الله مرعشی به چاپ رسانده است. تنها اثر حدیثی وی، کتاب الأربعین بوده که ابن طاووس از آن منقولاتی را آورده است (ر. ک: کتاب خانه ابن طاووس، ص ۱۴-۵۱۳).

در مورد شرح حال وی، سید عبد العزیز طباطبایی در مقاله‌ای مفصل، نکات گفتنی را بیان داشته است (ر. ک: «نهج البلاغه عبر القرون»، سید عبد العزیز طباطبایی، تراثا، ش ۳۵-۳۶، ص ۱۶۱ به بعد). از شاگردان وی، ابو العباس احمد بن یحیی مشهور به ابن ناقه (م ۵۵۹ ق) را می‌توان نام برد. از ابن ناقه، تزییلی بر نهج البلاغه باقی مانده است (ر. ک: معجم اعلام الشيعة، ج ۱، ص ۷۸).
۲. مرجع ضمیر «ها»، کاشان است.

۳. الانساب، سمعانی، ذیل «کاشانی». سید عبد العزیز طباطبایی تذکر داده که این نقل در متن موجود، تحریف شده است. برای دیدن نقل کامل این عبارت، ر. ک: «نهج البلاغه عبر القرون»، سید عبد العزیز طباطبایی، تراثا، ش ۳۵-۳۶، سال ۱۴۱۴ ق، ص ۱۶۲، پی‌نوشت.

۴. همان، ص ۱۶۷. برای آگاهی‌های بیشتر از مکتب کاشان، ر. ک: طبقات اعلام الشيعة (تفکات المیون)، ص ۱۹۲، ۱۹۵ و ۲۰۳.

۵. در مورد نسخ این کتاب، ر. ک: «نهج البلاغه عبر القرون»، سید عبد العزیز طباطبایی، تراثا، ش ۳۸-۳۹، ص ۱۷۵.

کرد که دو اثر اخیر، منتشر شده‌اند. در کتاب النوادر، حسینی روایات کتاب الأشعّیّات را به طریق ابوالمحسن عبد الواحد بن اسماعیل رویانی (م ۵۰۱ ق) به نحو اجازه و سماع از ابو عبد الله احمد بن حسن بکری، از ابو محمد سهل بن احمد دیباجی (راوی کتاب الأشعّیّات)، از محمد بن محمد بن اشعث به طریق اجازه و سماع روایت نموده است.^۱ علامه حلی در اجازه معروف خود به بنو زهره، به طریق دیگری نیز جز آنچه ضیاءالدین حسینی در النوادر آورده، اشاره کرده است.^۲

ابن حمزه، فقیه و محدث امامی

از دیگر عالمان امامی قرن ششم که از وی آثار چندی بر جا مانده است، می‌باید به عماد الدین ابو جعفر محمد بن علی طوسی مشهدی مشهور به «ابن حمزه» اشاره کرد. منتجب الدین، وی را فردی فقیه، عالم و واعظ توصیف کرده و از آثار وی به الوسیلة، الوسیطة، الزائع فی الشرائع، المعجزات و مسائل فی الفقه اشاره کرده است.^۳

ابن شهر آشوب به وی اشاره نکرده است. این نکته تنها می‌تواند به دلیل عدم ملاقات بین این دو باشد؛ چرا که ابن شهر آشوب، در نگارش کتاب المناقب، اهتمام خاصی به ذکر مصادر امامی و غیر امامی داشته و با این حال، از ابن حمزه یادی نکرده است. او در کتاب معالم العلماء نیز مدخلی را به وی اختصاص نداده است.

در مورد تاریخ تولّد و وفات ابن حمزه در منابع، سخنی گفته نشده است و تنها با کمک اطلاعاتی که در کتابش ذکر شده است، می‌توان نکاتی در این باب دریافت. البته ابن طاووس از حیات وی در سال ۵۶۶ ق سخن گفته است که با توجّه به حوادث

۱. در این مورد، ر.ک: النوادر، راوندی، ص ۸۲ و ۸۳. در مورد اهمیت کتاب الأشعّیّات و طرق روایت آن، ر.ک: همان، ص ۶۰ به بعد؛ طبقات اعلام الشيعة (نقات المیون)، ص ۱۶۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۰۷، ص ۱۳۲.

۳. النهرست، منتجب الدین، ص ۱۶۴. کتاب‌های الوسیلة إلى نيل الفضيلة و الوسیطة از آثار موجود فقهی وی هستند. در کتب فقهی به این عالم با عنوان «ابن حمزه» اشاره می‌شود (ر.ک: روضات الجنّات، ج ۶، ص ۲۶۲ - ۲۶۶). ابن طاووس از کتاب الوسیلة استفاده کرده و نقلی از آن آورده است (ر.ک: کتاب‌خانه ابن طاووس، ص ۹۷ - ۵۹۶).

تاریخی‌ای که در کتاب ابن حمزه ذکر شده، مورد تأیید است.

در مورد اساتید وی، تنها از نام یک تن به نام ابو جعفر محمد بن حسن شوهانی خبر داریم.^۱ منتجب الدین در اشاره به شوهانی، تنها به اقامت وی در مشهد اشاره نموده و او را به عنوان عالمی امامی توصیف کرده است.^۲ از روایتی که شوهانی از آنها نقل حدیث کرده و احتمالاً شیوخ اجازه وی بوده‌اند، به ابوعلی حسن بن محمد طوسی و ابوالفاء عبد الجبار بن علی مقری می‌توان اشاره کرد.^۳ بر اساس این مطالب می‌توان ابن حمزه را از شاگردان با واسطه مکتب شیخ طوسی دانست.

الثاقب فی المناقب^۴

اثر حدیثی این عالم امامی، کتابی در بیان فضایل اهل بیت علیهم‌السلام با نام الثاقب فی المناقب است. این کتاب به کوشش نبیل رضا علوان، بر اساس شش نسخه خطی در سال ۱۴۱۲ ق، در قم، منتشر شده است. ابن حمزه، خود در آغاز کتاب، به این نام تصریح کرده است.^۵ منتجب الدین، این کتاب را با عنوان المعجزات معرفی کرده است. این کتاب، بیان معجزات اهل بیت به ترتیب امامتشان است.

مهم‌ترین اهمیت این کتاب، در استفاده از برخی کتاب‌های قدیمی امامی است که از آنها جز نامشان اطلاعی در دست نیست. بخش‌های مفصلی از این کتاب، برگرفته از آثار صدوق (به عنوان مثال، بخش مربوط به امام دوازدهم آن، مبتنی بر کتاب

۱. ابن حمزه در الثاقب به شاگردی خود نزد شوهانی اشاره کرده است (ر.ک: الثاقب فی المناقب، ص ۱۲۷ و ۳۶۹).

۲. ر.ک: الفهرست، منتجب الدین، ص ۱۶۵.

۳. ر.ک: مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۱؛ ریاض لعلمه، ج ۵، ص ۶۵. همچنین ابن حمزه از شیوخ فخار بن معد موسوی (م ۶۳۰ ق) مؤلف الحجة الناهب إلى تکفیر ابی طالب نیز بوده است (ر.ک: بحار الآثار، ج ۱۰۸، ص ۷۶).

۴. علامه در اجازه مشهور خود به بنو زهره، از این کتاب، نام برده و گفته که کتاب را به واسطه پدرش، از مهذب الدین حسین بن ردة نیلی، از مصنف روایت می‌کند (ر.ک: بحار الآثار، ج ۱۰۴، ص ۸۶).

۵. ر.ک: الثاقب فی المناقب، ص ۳۶.

کمال‌الدین و تمام النعمة است)، شیخ مفید و شیخ طوسی است. از منابع مورد استفاده ابن حمزه در تألیف این کتاب، می‌توان مصادر زیر را ذکر نمود:

۱. یستان الکرام ابو الحسن محمد بن احمد بن شاذان (شاذان) قمی. ابن حمزه دو حدیث از این کتاب نقل کرده است.^۱

۲. مفاخر الرضا، اثر عالم مشهور شافعی نیشابور، حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ ق)، مؤلف کتاب المستدرک علی الصحیحین. نقل‌های ذکر شده، تنها منقولات موجود از این کتاب‌اند.^۲

۳. حلیه الأولیاء، اثر مشهور ابو نعیم اصفهانی (م ۴۳۰ ق). این کتاب که مورد توجه علمای امامی بوده، به دلیل در برداشتن فضایل اهل بیت، به تکرار، مورد استناد و استفاده علمای امامی قرار گرفته است.^۳

در این کتاب، دو اثر با نام فضائل البتول (نوشته فردی به نام ابو موسی) و سیر الأئمة (نگاشته فردی به نام مولینی) معرفی شده که اطلاعاتی در موردشان موجود نیست.^۴ نیز گاهی بدون ذکر منابع و تنها با بیان «وجدت فی بعض الكتب من أصحابنا» حدیثی نقل شده است.^۵ همچنین نقل‌هایی از تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) آورده شده است که نشان‌دهنده تداول این تفسیر است.^۶

برخی فواید تاریخی کتاب «الثاقب فی المناقب»

بجز اهمیت حدیثی این کتاب، نکاتی در مورد وضعیت و مشکلات شیعیان، در آن آمده است. به عنوان مثال، ابن حمزه به نقل از جماعتی از مردم خراسان، ماجرای رخ داده در مورد یکی از سادات را بیان کرده است.

۱. ر.ک: همان، ص ۳۲۸.

۲. برای دیدن این نقل‌ها، ر.ک: همان، ص ۴۸۳، ۴۹۶ و ۵۴۶.

۳. در این مورد، ر.ک: کتاب خلة ابن طاووس، ص ۲۹۴.

۴. ر.ک: الثاقب فی المناقب، ص ۵۵ و ۱۴۹.

۵. ر.ک: همان، ص ۳۱۱ و ۴۵۸.

۶. ر.ک: همان، ص ۴۶۷.

ماجرای این قرار بوده که داوود فرزند آلب ارسلان (دوره حکومت ۴۵۵-۴۶۵)، شریفی به نام ابو علی بن عبید الله علوی معروف به نودولت^۱ را به گرایش به آل محمد، متهم نمود و او را دستگیر و بخشی از اموال او را مصادره نمود. در آن شب، داوود، حضرت امیر را در خواب دید که ضمن دادن شیشه کافوری، از او خواست تا شریف را آزاد و اموال او را پس دهد. داوود به این خواب اهمیت نداد؛ ولی بار دیگر همان خواب را دید و در پی دیدن این خواب، علوی را آزاد و اموالش را باز گرداند.^۲ این را می دانیم که سادات در خراسان از اهمیت فراوانی برخوردار بوده اند و از نظر مالی نیز تمکن خوبی داشته اند. یکی از همین سادات، مرقد امام همام علی بن موسی الرضا (ع) را بازسازی و تعمیر کرده است. این نقل، نشانگر زمان تألیف کتاب الثاقب نیز هست.

ابن بطریق و کتاب «عیون صحاح الأخبار»

دیگر عالم مشهور حله در این دوره، ابو الحسین یحیی بن سعید حلی مشهور به ابن بطریق (۵۲۳-۶۰۰ ق) است.^۳ از معروف ترین مشایخ وی می توان به عماد الدین طبری (مؤلف کتاب بشارة المصطفی) و ابن شهر آشوب، اشاره کرد. وی در سال ۵۶۷ق، از ابن شهر آشوب - که در حله سکونت گزیده بود - سماع حدیث نموده است. ابن بطریق نزد متکلم مشهور امامی این دوره، سدید الدین محمود حمصی، کلام آموخته است. وی به بغداد سفر نمود و سرانجام در واسط اقامت گزید و در همان جا درگذشت. عمده شهرت وی به واسطه نگارش دو اثر: عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأئبرار و خصائص الوحي المبين است.^۴

۱. از دیگر سادات، نودولت ابوالحسن محمد بن عبید الله علوی (۴۶۵ ق) را می شناسیم. فرد ذکر شده در حکایت، اگر این فرد نباشد، برادر یا فرزند وی است (ر.ک: المنتخب من لسیق، ص ۱۱۹).

۲. ر.ک: الثاقب فی المناقب، ص ۲۴۱.

۳. در مورد وی، ر.ک: طبقات أعلام الشيعة (نقات العیون)، ص ۳۳۷ و ۳۳۸؛ الأنوار الساطعة فی المئة السابعة، ص ۳ و ۱۱۸.

۴. برای آگاهی از شرح حال ابن بطریق، ر.ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابن بطریق» (به قلم حسن انصاری قمی).

ابن بطریق در کتاب خصائص الوحی المبین - که به تصریح خود او، آن را بعد از کتاب عمده نوشته است - تصمیم گرفت تا کتاب جداگانه‌ای در مورد مناقب حضرت علی علیه السلام تألیف کند. خود وی در این مورد چنین می‌نویسد:

وقد وسمته بخصائص الوحی المبین فی مناقب امیر المؤمنین علیه السلام ... فی مناقب وصی المختار من طریق [أهل] السنّة خاصّة لیس للشیعة فیہ طریق، لکون ذلک أنجم فی الدلیل و أنهج فی السبیل و أبهج فی التأویل و أحّم فی المقال و أحسم للضلال، إذ هو من خاصّ طرقهم و اتخذ فرقههم لا یعتری المتمسک به تقييد و لا عن لزوم الحجّة به محید.^۱

همانند کتاب عمده، وی از مصادر اهل سنت چون: مناقب عبد الله بن احمد بن حنبل، صحیح البخاری، صحیح مسلم، الجمع بین الصحیحین حمیدی، و آثار دیگری که در عمده نیز به آنها اشاره کرده، سود جسته است.^۲

ابن بطریق در آغاز کتاب، علّت تألیف کتاب و طرق خود به مؤلفان آثار اهل سنت را - که وی کتاب خود را بر مبنای آنها تألیف کرد - چنین توضیح داده است:

أما بعد، فإنّه لما کثر اختلاف الخاصّ والعامّ فی مناقب امیر المؤمنین علی بن أبی طالب علیه السلام، و ذهب الناس فی ذلک کلّ مذهب و صنف کلّ فريق من مناقبه علی قدر وسعه و طاقته و ما وصل إلیه من طرقه و روايته، و إن اختلفت آراؤهم فی الاعتقاد لإمامته من تقدیم و تأخیر مع أنّ سائر أهل الإسلام مجمعون علی القول بإمامته إجماعاً لا یدخله شوب غرام و لا یعتریه حوب أنام، بل هو الغایة الموعّل فی الرمی و نهایة الباحث فی الروی، إذ وجوبها عن وحی لاهوتی و هض نبوی و إجماع من عدوّ و ولیّ، و رأیت أكثر ذوی العلم إلاّ من عصمه الله تعالی مکبّین علی الاشتغال بما وضع لهم مشایخهم من المصنّفین فی الأصول و الفروع، إخلاداً منهم إلی راحة التقليد، و إطراحاً لوظيفة النظر فی موضع الدلیل من الأصلین اللذین هما سنیخ الهدی و التسدید، إذ جمیع الدین لیس بمجرّد قیاس و لا تخمین، بل هو مؤسّس علیهما کتاب الله تعالی و ما صحّ من سنّة الرسول الأمین؛ لأنّ من لا یراعیها طالب

۱. خصائص الوحی المبین، ص ۱۸.

۲. در مورد فهرست این کتب، ر. ک: همان، ص ۱۹-۲۵.

للعلم من غیر سبيله و مقتحم و لوجه من غیر بابه و دليله، آثارلى ذلك عزمًا مع ما كان سبق من سؤال بعض السادة الأجلّاء الديّانين فى أن أوّل فى ذلك كتاباً لم يسبق إلى مثله قديم عصر بالتصنيف، و لا حديث عهد بالتأليف من كلا طرفى ستى صنف أو شيعى يكون، تنبيهاً للعالم الزكى و تقويماً للجاهل الغوى الغبى...^۱

کتاب عیون در بیست و پنج فصل تنظیم شده و در هر فصل، آیه‌ای که در شأن حضرت امیر بوده، نقل و بعد از آن، روایت‌های منقول که در آنها به تنزیل آیه یا آیات در حقّ حضرت تصریح شده، ذکر گردیده است. ابن بطریق در آخر هر بخش، نظرات خود را نیز ذکر می‌کند. ویژگی جالب توجه ابن بطریق، نحوه ارجاع دادن وی به مصادر مورد استفاده‌اش است. وی در مواردی آدرس دقیق روایت را آورده است.^۲

روایات این کتاب در اثبات امامت حضرت علی علیه السلام است.^۳ تلاش ابن بطریق، ذکر فضایل حضرت است که به نحوی بر اساس آن، امامت ایشان اثبات می‌گردد. او در آخر احادیث، نظرات خود را مبتنی بر همان احادیث، بازگو می‌کند. به عنوان مثال، او نظرات خودش را در پی نقل روایات دال بر عصمت حضرت^۴ و لزوم محبت به اهل بیت^۵ بازگو کرده است.^۶

کتاب العمدۃ ی ابن بطریق، مورد توجه و عنایت عالمان زیدی بوده است، بخصوص آن دسته از طرق ابن بطریق که از اکثر کتاب‌های حدیثی به روش اجازه نقل حدیث کرده است. به عنوان مثال، عبدالله بن حمزه (م ۶۱۴ ق) در کتاب الشافی، اکثر

۱. همان، ص ۴۳.

۲. برای نمونه، ر.ک: همان، ص ۴۶ و ۷۵. ابن طاووس این روش را به نحو گسترده تری مورد استفاده قرار داده است (ر.ک: کتابخانه ابن طاووس، ص ۱۳۹-۱۴۴).

۳. در این کتاب، روایاتی از مصادر اهل سنت نقل شده که دال بر تحریف قرآن‌اند. برای نمونه، ر.ک: خصائص الوحی المبین، ص ۵۴.

۴. خصائص الوحی المبین، ص ۷۹ و ۸۰.

۵. همان، ص ۸۷ و ۸۸.

۶. برای دیدن موارد دیگر، ر.ک: همان، ص ۵۸-۶۰، ۶۴-۶۶، ۷۹ و ۸۰.

آثار حدیثی را از طریق ابن بطریق نقل کرده است.^۱

عالمان زیدی، از طریق شاگرد زیدی ابن بطریق، علی بن محمد صنعانی (م بعد از ۵۹۰ ق)، آثار وی را روایت کرده اند. مشهورترین راوی از صنعانی، عالم و محدث نامدار زیدی، علی بن احمد بن حسین اکوع مشهور به شعله است که آثار ابن بطریق را به طریق مناو له در هفدهم ذی حجه ۵۹۸ ق از صنعانی روایت کرده است.^۲ در میان آثاری که عالمان زیدی به طریق صنعانی از ابن بطریق روایت کرده اند، کتاب مناقب أمير المؤمنين ابو الحسن علی بن محمد جلابی (م ۴۸۳ ق)، جالب توجه است.^۳

دلیل دیگر برای توجه زیدیان به آثار ابن بطریق، باقی ماندن کتاب عمده وی به خط خودش در یمن است.^۴

دیگر عالمان قرن ششم

یکی دیگر از علمای قرن ششم، یحیی بن حسن بن سعید، سرسلسله خاندان بنو سعید، است.^۵ به این نکته باید توجه نمود که عمده شهرت این خاندان در قرن هفتم و هشتم است.

از دیگر شیوخ شیعه در شهر حله، می باید به ورام بن نصر بن ورام اشاره کرد که غیر از دیگر فقیه شیعی به همین نام و جد ابن طاووس است. وی نسخه ای از التهذیب شیخ طوسی را به دست خود نگاشته است.^۶

عالم دیگر حلی این دوره، ابو الفتوح نصر بن علی حلی نحوی (م ۶۰۰ ق) است.

۱. عبد الله بن حمزه از طریق اکوع، از صنعانی، آثار ابن بطریق را روایت کرده است (ر.ک: طبقات الزیدیه الکبری، ج ۱، ص ۵۹۶-۶۰۳).

۲. برای آگاهی از شرح حال مفضل صنعانی، ر.ک: همان، ج ۳، ص ۱۵۲۳-۱۵۲۷.

۳. برای آگاهی از کتاب مناقب ابن مغازلی، ر.ک: أهل البيت في المکبة العریة، ص ۵۷۸-۵۸۴.

۴. «ابن شرقیه و کتاب عیون الحکم والواعظ»، حسن انصاری قمی، کتاب ماه دین، سال سوم، ش ۱۱، ۱۳۷۹ ش/ ۱۴۲۱ ق، ص ۱۵. برای آگاهی از نسخه های دیگر از این اثر همراه با شرح حالی از ابن بطریق، ر.ک: فهرست نسخ خطی اهدای آقای سید محمد مشکات، ج ۳، بخش ۳، ص ۱۴۲۲ و ۱۴۲۳.

۵. طبقات اعلام الشيعة (تقات العمون)، ص ۳۳۸.

۶. همان، ص ۲۸-۳۲۷.

صفدی در شرح حال او اطلاعات مهمی را درباره‌اش آورده است. وی نوشته است که نحوی در اوان جوانی به بغداد آمد و نزد ابو محمد بن عبیده کرخی و افراد دیگر به فراگیری ادب پرداخت. وی تعلق خاطری نیز به حدیث داشته و نزد عالمان اهل سنت، متون حدیثی آنها را سماع کرده است (و سماع الحدیث ... و انتخاب کثیراً من الأحادیث و الأخبار).^۱

در کنار شهر حله، شهر حلب، یکی دیگر از مراکز شیعی این دوره است. خاندان مشهور ابن زهره، از جمله بیوتات مشهور این شهرند.^۲ شخصیت مشهور این خاندان در قرن ششم، سید عزالدین ابوالمکارم حمزه بن علی حسینی (۵۱۱-۵۸۵ ق) است. شهرت وی به واسطه تألیف کتاب غنیة الزروع إلى علمی الأصول و الفروع است. از جمله اساتید وی، ابوهاشم مجتبی بن حمزه حسینی از شاگردان عبد الجبار مفید رازی (شاگرد شیخ طوسی) بوده است.^۳ از این عالم امامی، اثر حدیثی موجود نیست؛ اما از آن جایی که از شخصیت‌های معروف این دوره است، به نام وی اشاره شد.

۱. ر. ک: الوافی بالوفیات، ج ۲۷، ص ۷۴ و ۷۵. صفدی در ادامه به جرح این عالم امامی به وسیله عالمان اهل سنت اشاره کرده که به دلیل تشیع وی بوده است.

۲. در مورد بیوتات شیعی شهر حلب، ر. ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «آل زهره» به قلم هادی عالم‌زاده.

۳. فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سید محمد مشکات، ج ۳، بخش ۳، ص ۱۹۵۴. وی در ضمن معرفی نسخه‌ای از غنیه، نکات سودمندی را از شرح حال ابن زهره آورده است.

بخش دوم: قرن هفتم

همان گونه که در مقدمه این تحقیق اشاره شد، قرن هفتم از حیث توجه به حدیث در میان شیعه، بیشتر با نام عالم امامی، ابن طاووس، شهرت دارد. از این رو، نخست به گزارشی از آثار وی خواهیم پرداخت و سپس در ادامه از دیگر عالمان امامی سخن خواهیم گفت.

خاندان ابن طاووس

یکی از خاندان‌های مشهور شیعی در قرن هفتم، خاندان ابن طاووس است.^۱ این خاندان علوی، که نسب از امام حسن مجتبی علیه السلام می‌برند، تألیفات مهمی در حوزه حدیث و رجال، از خود باقی نهاده‌اند.

رضی الدین ابن طاووس

مشهورترین فرد این خاندان، رضی الدین ابو القاسم علی بن موسی بن جعفر مشهور به سید ابن طاووس (۵۸۹-۶۶۴ ق) است.^۲ جد مادری وی، ورام بن ابی فراس نخعی (م دوم محرم ۶۰۵ در حله) بوده که ابن طاووس نزد وی تلمذ حدیث کرده است. ابن طاووس در ربیع الأول سال ۶۰۹ ق از پدرش، ابو الحسن علی بن یحیی خیاط سورایی حلی، اجازه روایت کتب حدیث و نیز در جمادی الثانی همان سال از حسین ابن احمد سورایی، اجازه روایت برخی از کتب شیخ طوسی را دریافت کرده است.

۱. مهم‌ترین تحقیق درباره ابن طاووس و خاندان وی، کتاب کتاب‌خانه ابن طاووس است. همچنین، ر.ک.:

الأثوار الساطعة فی الغنة السابعة، ص ۱۳، ۱۴، ۹۱، ۹۲، ۱۱۶-۱۱۸، ۱۵۷، ۱۶۴، ۱۷۵ و ۱۸۵.

۲. ابن طاووس، شرح حال خود را به تفاریق در کتاب کشف المحجّة لثمره الهیة آورده است.

ابن طاووس در پی ازدواج با دختر وزیر شیعی خلیفه عباسی، ناصر بن مهدی (م ۶۱۷ ق)، به بغداد رفت و در آن جا از برخی عالمان اهل سنت چون محمد بن محمود ابن نجار (م ۶۳۳ ق) نیز سماع حدیث نمود. همچنین ابن طاووس از عالمان شیعی، چون: اسعد بن عبد القاهر اصفهانی در صفر ۶۳۵ ق و محمد بن جعفر بن هبة الدین نما (م ۶۴۵ ق) حدیث سماع کرده که از این دو، بخصوص در کتاب فتح الأبواب، نقل حدیث کرده است. ابن طاووس در ایام جوانی نزد ابن نما در حلّه فقه خوانده و اجازه روایت آثار مختلفی از جمله النهایة شیخ طوسی را اخذ کرده است. از عالمان دیگری که ابن طاووس نزد آنها تلمذ نموده، می توان به تاج الدین حسن بن علی دربی، نجیب الدین محمد سواربی، صفی الدین محمد بن معد بن علی موسوی (که از وی کتاب الموالید ابن خشاب را در دهه آخر صفر ۶۱۶ ق روایت کرده)، شمس الدین فخار بن معد موسوی (م ۶۳۰ ق، که از طریق وی روایاتی از الناصر، خلیفه عباسی، روایت کرده)، کمال الدین حیدر بن محمد بن زید حسینی (که از وی در ۱۶ جمادی الثانی ۶۲۰ ق روایت کرده)، سدید الدین سالم بن محفوظ حلّی (که نزد او کتاب تبصره و بخشی از کتاب کلامی المنهاج^۱ را خوانده)، علی بن حسین بن احمد بن علی جوانی، حسین بن عبد الکریم غروی و محیی الدین محمد بن عبد الله حلبی اشاره کرد.

از ابن طاووس آثار فراوانی بر جا مانده که برای شناخت میراث کهن حدیثی امامیه، اهمیت فراوانی دارند.

در این جا به برخی نکات اشاره می شود.^۲

۱. ظاهر کتاب المنهاج فی أصول الدین زمخشری، منظور است.

۲. اتان کلبرگ، پژوهش جامعی درباره آثار موجود نزد ابن طاووس آورده که برای دستیابی به گزارش کامل آن می توان به کتاب وی (کتابخانه ابن طاووس) رجوع کرد. در این جا تنها از برخی متون حدیثی و اهمیت برخی از مطالب ابن طاووس سخن می رود.

ابن طاووس و میراث کهن امامیه

عالم‌ان امامی در طی قرون گذشته، تألیفات فراوانی در حوزه حدیث و علوم آن تألیف کرده‌اند که متأسفانه بخش‌های فراوانی از آنها امروز به نحو مستقل باقی نمانده است، هرچند بخش اعظم این متون در آثار موجود امامیه نقل شده است. از این رو محققانی که قصد تحقیق در تاریخ تدوین حدیث امامیه دارد، با این مشکل روبه‌روست که نخست باید به نحوی بتواند برخی از این متون کهن را بازسازی و بازسناسی کند.

یکی از ویژگی‌های تألیفات ابن طاووس، این است که مواد خام فراوانی را برای این کار در اختیار ما قرار می‌دهند. نقل‌های گسترده ابن طاووس از متون کهن امامیه، در تمام کتاب‌های وی، و ویژگی‌ای جالب توجه است.

شیوه‌ای که ابن طاووس در نقل از متون کهن امامیه دارد، به چند صورت است: در برخی موارد، ابن طاووس به نام کتاب و مؤلف آن اشاره و عبارت‌هایی را نقل می‌کند. در مواردی نیز تنها نام کتاب یا مؤلف را ذکر کرده است، که در مواردی که نام کتاب ذکر شده، مشکل خاصی در تعیین نام مؤلف باقی نمی‌ماند و اشکال اصلی، در مواردی است که ابن طاووس تنها با اشاره به نام مؤلف و البته به شیوه‌ای که در آن زمان متداول بوده، از کتابی نقل کرده است.

به عنوان مثال، ابن طاووس در کتاب فلاح السائل، روایات فراوانی از کتاب الجامع لمحمد بن حسن بن ولید قمی (م ۳۴۳ ق)^۱ نقل کرده؛ اما اشاره‌ای به نام کتاب ندارد و تنها با ذکر عبارت‌های: «كما رواه محمد بن الحسين بن ولید»^۲، «لما رواه محمد بن

۱. درباره‌ی، ر.ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابن ولید قمی» (به قلم محمدجواد شبیری).

۲. ر.ک: فلاح السائل، ص ۷۱-۷۳، ۷۵، ۱۰۷ و ۱۰۸. دلیل دیگری که ابن طاووس از کتاب الجامع این ولید قمی نقل مطلب می‌کند، اشاره‌ی به آن در برخی موارد است. به عنوان مثال، وی در فلاح السائل (ص ۱۰۹ و

الحسن»^۱، «لَمَّا رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَد»^۲، «لَمَّا رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيد»^۳ از وی نقل روایت کرده است.

در مواردی نیز ابن طاووس به نام فرد صاحب اثر اشاره کرده و در ادامه، طریق خود را در نقل حدیث از وی، متذکر شده است. در مواردی به کمک این نقل قول‌ها، حتی می‌توانیم آثار کهن نقل‌شده در متون دیگری را شناسایی کنیم. نمونه مهمی از این دست، کتاب الزواجر والمواظب ابو احمد حسن بن عبد الله بن سعید عسکری (م ۷ ذی حجة ۳۸۲ ق) است.

رضی الدین ابن طاووس در کتاب کشف المحجبة لثمره المهجة که در واقع، زندگی‌نامه خودنگاشت وی نیز هست، در فصل ۱۵۴، برای به پایان بردن بحث کتاب، از وصیت‌نامه امام علی (ع) به فرزندش امام حسن (ع) سخن گفته است. برای تأکید بر وثاقت این وصیت‌نامه، ابن طاووس به ذکر طرق متعدد این خبر در کتاب الزواجر والمواظب ابو احمد عسکری^۴ - که ابن طاووس از نسخه‌ای کتابت‌شده از آن در ذی القعدة سال ۴۷۳ ق، بهره برده است - اشاره کرده و متن کامل این طرق را آورده است.^۵ ابن طاووس بعد از ذکر این طرق، به نقل این وصیت‌نامه به وسیله کلینی اشاره کرده و به دلیل تفاوت روایت کلینی از عسکری، متن را به نقل از کلینی آورده است. با

۱. می‌نویسد: «فمن ذلك ما نرويه بإسنادنا إلى جدي أبي جعفر الطوسي مما يرويه بإسناده إلى محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد» یا «و من ذلك بإسنادي المشار إليه عن محمد بن الحسن بن الوليد».

۱. ر.ک: همان، ص ۹۳ و ۹۴.

۲. ر.ک: همان، ص ۹۵.

۳. ر.ک: همان، ص ۹۶.

۴. برای آگاهی از شرح حال عسکری، برای نمونه، ر.ک: الوافی بالوفیات، ج ۱۲، ص ۷۶-۷۸. صفدی در شرح حال عسکری در بیان مقام ارجمند او چنین آورده است: «انتهت إليه رئاسة الحديث والإملاء للأدب والتدريس بقصر خوزستان ورحل إليه الأجلاء للأخذ عنه والقراءة عليه».

۵. کشف المحجبة لثمره المهجة، ص ۲۱۸ و ۲۱۹. در تصحیح اسامی برخی از این افراد، خطاهایی وجود دارد. همچنین درباره کتاب الزواجر و المواظب، ر.ک: کتابخانه ابن طاووس، ص ۶۰۶ و ۶۰۷.

این حال، تذکر ابن طاووس و ذکر طرق متعدّد به نقل از کتاب الزواجر و المواعظ عسکری، اهمّیت خاصی برای بازشناسی بازمانده‌هایی از این کتاب در اثری دیگر از قرن چهارم به نام الاعتبار و سلوة العارفين دارد.

الموفق بالله حسین بن اسماعیل شجری (م ح ۴۲۰ ق) عالم نامدار زیدی ایرانی، کتاب مهمی در کلمات حضرت امیر علیه السلام به نام الاعتبار و سلوة العارفين دارد.^۱ مقایسه بخش منقول از کتاب الزواجر و المواعظ که ابن طاووس آنها را نقل کرده، با آنچه شجری با اتصال سند خود به عسکری و البته همانند کار معمول محدّثان این دوره (بدون اشاره به نام کتاب) آورده، به ما امکان می‌دهد که با یقین، از تعلق این بخش‌ها به کتاب الزواجر عسکری سخن بگوییم.

همچنین باید توجه داشت که تأمل در اسناد کتاب نیز به خوبی مؤید این است که شجری، روایات متعدّدی از کتاب خود را از کتاب‌های تألیف عسکری تخریج کرده؛ اما این که چه اثری از عسکری در اختیار شجری بوده، به لطف نقل‌های ابن طاووس است.

نکات خاصّ ابن طاووس درباره امامیه نخستین

یکی دیگر از ویژگی‌های آثار ابن طاووس، آگاهی‌های منحصر به فرد او درباره برخی از دیدگاه‌های حدیثی عالمان سلف امامیه است. از مهم‌ترین این موارد، گزارش مفصل ابن طاووس درباره نقصان یا کامل بودن ماه رمضان است. می‌دانیم که از نیمه غیبت صغری، مسئله‌ای در جامعه امامیه پیش آمد و آن، قول به «کامل بودن ماه رمضان» بود. این مسئله تا قرن ششم هجری محلّ نزاع عالمان امامیه بوده؛ اما ظاهراً در زمان ابن طاووس، دیگر طرفداری نداشته است.^۲

۱. کتاب الاعتبار و سلوة العارفين به کوشش عبدالسلام بن عباس الوجیه (آمان، ۱۴۲۱ ق) به چاپ رسیده است.
 ۲. برای نقد دیدگاه امامیه در اعتقاد به چنین مسئله‌ای، ر. ک: انتقادات حاکم بحّشی (م ۴۹۴ ق) موجود در: «معرفی جلاء الأنصار فی متون الأخبار (متنی حدیثی از میراث معتزله)»، محمّد کاظم رحمتی، علوم حدیث، ۲۱، پاییز ۱۳۸۱، ص ۱۱۶-۱۱۹.

گزارش مفصل ابن طاووس درباره این مسئله و اطلاعاتی که وی از متون کهن تر، چون کتاب لمح البرهان شیخ مفید - که او نیز در ابتدا از قائلان به سی روز بودن ماه رمضان بوده - جالب توجه است.^۱

استفاده مستقیم ابن طاووس از برخی اصول اولیه حدیثی امامیه و نقل مطالبی از آنها در آثار مختلفش، یکی از ویژگی های مهم آثار اوست. ابن طاووس به شیوه های مختلف از اصول کهن امامیه یاد کرده است: وی، گاه بدون معرفی مؤلف اصل، تنها با نقل این که «من در یک اصل قدیمی از آثار اصحابمان یافتم (وجدت فی أصل عتیق من أصحابنا)» و گاه با ذکر نام مؤلف اصل (هم چون: ربیعة بن محمد بن عاصم، عبیدالله بن علی حلبی، عبدالله بن حماد انصاری، ابان بن محمد سندی، عبدالله بن محمد یمنی، احمد بن حسین صیقل، علی بن اسماعیل میثمی و...)، مطالب را نقل کرده است.^۲

ابن طاووس و ادبیات ادعیه نگاری

در حقیقت، ابن طاووس را باید چهره های ممتاز در ادبیات دعانویسی در میان شیعیان دانست. تعلق خاطر ابن طاووس به گردآوری ادعیه روایت شده از ائمه در کتب کهن تر و نگارش آثار متعدد، مهم ترین ویژگی های وی است. از این رو مروری بر این گونه آثار ابن طاووس، ضروری می نماید.

نکته جالب توجهی که در آثار ابن طاووس چشمگیر است، شیوه خاص اوست. ابن طاووس در آغاز کتاب های خود، به تفصیل، فهرست مطالبی را که قصد ارائه آنها را دارد، ذکر می کند. همچنین وی در بیشتر موارد، منبع مورد استفاده خود را معرفی و مشخصات آن را نیز ذکر می کند.

۱. برای آگاهی از تفصیل مطلب، ر.ک: إقبال الأعمال، ص ۵-۷. همچنین، ر.ک: کتابخانه ابن طاووس، ص ۳۳۷ و ۳۳۸.

۲. برای دستیابی به فهرست کامل اصول در دسترس ابن طاووس، ر.ک: همان، ص ۲۰۰-۲۰۹. ابن طاووس اغلب ادعیه روایت شده از ائمه را از این اصول، نقل کرده است.

آثار ابن طاووس در موضوع دعانویسی، عبارت‌اند از:
 ۱. الأمان من أخطار الأسفار والزمان.

پایان کتاب ابن طاووس، حاوی دعاهایی است که خواندن آنها در هنگام مسافرت توصیه شده است. چاپ تحقیقی این کتاب به وسیله مؤسسه آل البيت (قم، ۱۴۰۹ ق) منتشر شده است.

۲. الدروع الواقية من الأخطار فی ما یعمل فی شهر کلّ یوم علی التکرار.
 ابن طاووس در آغاز این کتاب، به تألیف آثار دیگر خود چون: فلاح السائل و نجاح المسائل فی عملی الیوم و اللیلة، کتاب مهمات فی صلاح المتعبّد و تتمات لمصباح المستهجد، کتاب زهرة الربیع فی أدعية الأسایع و کتابی جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع اشاره می‌کند و می‌گوید که تنها کتابی که کامل‌کننده این مجموعه است، کتابی در ذکر اعمال مکرّر در ماه بوده و به همین دلیل، به تألیف این کتاب پرداخته است:

بقی عمل ما یختصّ بكلّ شهر علی التکرار، و وجدت فی الروایة أنّ فیہ أدعية كالدرع من الأخطار. فسرعت فی هذا المراد... و سمّیته کتاب الدروع الواقية من الأخطار فی ما یعمل مثلها فی کلّ شهر علی التکرار.^۱

ابن طاووس در این کتاب به ذکر ادعیه و اذکاری می‌پردازد که فرد در روزهای هر ماه می‌تواند آنها را بخواند.

۳. فلاح السائل و نجاح المسائل فی عمل الیوم واللیل.^۲
 یکی از ویژگی‌های جالب توجه کتاب فلاح السائل، بحث کوتاه رجالی ابن طاووس در آغاز آن است. ابن طاووس در آغاز کتاب، ضمن بیان توجیهاتی، از نقل روایاتی که در سلسله سند آنها افراد ضعیف قرار دارند، سخن گفته است. مهم‌ترین دلیلی که ابن طاووس در توجیه این عمل خود آورده، تقیّه و شدّت فشار بر امامان شیعه است.^۳

۱. الدروع الواقية، ص ۲۱ و ۲۲.

۲. این کتاب به کوشش غلامحسین مجیدی (قم، ۱۴۱۹ ق) به چاپ رسیده است.

۳. ر.ک: فلاح السائل، ص ۴۷-۵۲.

ابن طاووس همچنین در کتاب فلاح السائل، به اجمال، از برخی طرق خود در روایت آثار کهن امامیه سخن گفته است. این بخش را می توان در حکم بخشی از مشیخه وی دانست.^۱

۴. فتح الأبواب بین ذوی الألباب و بین ربّ الأرباب فی الاستخارات.

این اثر ابن طاووس درباره استخاره و آداب آن است. چاپ تحقیقی خوبی از این کتاب به تحقیق حامد الخفاف (قم، ۱۴۰۹ ق) موجود است. مصحح در مقدمه مفصل خود بر این کتاب، بخشی را به مصادر کتاب اختصاص داده است.^۲

۵. الإقبال بالأعمال.

نام کامل این کتاب، الإقبال بالأعمال الحسنة فی ما يعمل مرة فی السنة است که از آثار مفصل ابن طاووس در ادعیه نگاری به شمار می رود. ابن طاووس، این کتاب را همراه با هشت جلد دیگر به عنوان تتمه مصباح المتجهد شیخ طوسی نوشته است. این کتاب، شامل اعمال یازده ماه از سال است و اعمال ماه رمضان در کتابی دیگر با نام المضمار آمده که به وسیله مصنف همراه با اقبال در یک مجموعه عرضه شده است.

کتاب اقبال، به دوازده قسمت تقسیم شده و هر قسمت مربوط به یک ماه است. هر ماه نیز به باب ها و فصل های متعددی تقسیم شده تا دسترس به مطالب هر روز از ماه، به سهولت امکان پذیر باشد.

کتاب المضمار - که همان بخش مربوط به ماه رمضان است -، در ابتدا آمده است و بقیه سال نیز به دو قسمت تقسیم گشته است. قسمت اول، به ماه های شوال، ذوالقعدة و ذوالحجه، و قسمت دوم، به هشت ماه دیگر سال، اختصاص یافته است.

۶. مصباح الزائر.

این کتاب که در بیست باب تنظیم شده است، به بیان ادعیه ای می پردازد که خواندن آنها به هنگام سفر توصیه شده است.

۱. همچنین ابن طاووس به تفصیل، طرق خود در روایت آثار کهن امامیه را ذکر کرده است (ر.ک: همان، ص ۵۲-۵۴).

۲. ر.ک: فتح الأبواب بین ذوی الألباب، ص ۵۹-۹۴.

در فصل اول کتاب، از مقدمات سفر و آداب آن سخن رفته و در فصل دوم و سوم به ذکر مطالبی درباره ثواب زیارت قبر پیامبر و ادعیه وارد شده به هنگام زیارت از مدینه، اختصاص یافته است. فصل چهارم نیز به بیان ادعیه‌ای می‌پردازد که افراد، در خارج از مدینه، برای زیارت پیامبر می‌توانند آنها را بخوانند. فصول دیگر کتاب به ذکر ادعیه وارد شده در زیارت مقابر امامان شیعه اختصاص یافته است.

ابن طاووس و کتاب «الیقین»

از آثار دیگر ابن طاووس، کتاب الیقین با اختصاص مولانا علی بن ابراهیم المؤمنین است که بحثی درباره اختصاص داشتن لقب «امیر المؤمنین» به حضرت علی علیه السلام است. اهمیت ویژه این کتاب، در نقل قول‌های ابن طاووس از کتاب المناقب حافظ احمد بن مردویه است؛ چرا که ابن طاووس اغلب مطالب خود را در پانزده باب اول، از این کتاب اخذ کرده است. همچنین در چندین فصل کتاب، روایاتی را از کتاب المناقب خوارزمی و آثار دیگری که مشخصات آنها را در آغاز همین کتاب آورده، نقل کرده است.^۱

اهمیت حدیثی این کتاب در نقل کامل احادیث به نحو مسند است. ابن طاووس ضمن تخریج احادیثی از کتب کهن و اغلب غیر موجود، گاه توضیحاتی بعد از نقل روایات آورده است.

برخی نقل قول‌های ابن طاووس از کتاب فضائل امیر المؤمنین ابن عقده (م ۳۳۳ ق) و تصریح وی به نقل از این کتاب به اجازه، از وجود برخی آثار این محدث زیدی تا قرن هفتم دلالت دارد.

ابن طاووس و کتاب «محاسبة النفس»

ابن طاووس در آغاز تألیف این کتاب مختصر، به آیات و روایاتی اشاره می‌کند که در آنها بر ضرورت محاسبة اعمال انسان به وسیله خودش، تأکید شده است. او به دلیل

در دسترس نبودن آثاری که روایات مربوط به محاسبه نفس در آنها آمده، تصمیم می‌گیرد تا روایات ناظر به لزوم محاسبه نفس را یک جا گردآوری کند.

ابن طاووس، در باب اول این کتاب، آیات دال بر لزوم محاسبه نفس و در باب دوم، روایات ناظر به آن را ذکر می‌کند. نخستین روایت ابن طاووس، گرچه مرسل است، اما روایت مشهور «حاسبوا أنفسکم قبل أن تحاسبوا» است. او سپس روایاتی از کتاب الکافی کلینی، الامالی ابوطالب یحیی بن حسین هارونی (م ۴۲۴ ق)، کتاب یا اصل مسعدة بن زیاد ربیع، فضل الدعاء محمد بن حسن صفار قمی و الامالی شیخ مفید، نقل کرده است.

باب بعدی به زمان‌هایی می‌پردازد که لازم است آدمیان، دقت بیشتری در محاسبه اعمال خود کنند؛ چرا که در این اوقات، اعمال انسان‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در این باب، ابن طاووس از کتاب‌های مهم حدیثی: الدلائل عبدالله بن جعفر حمیری، تفسیر ابن عقده، تفسیر روایی ما نزل من القرآن فی النبی و الاثمة محمد بن عباس بن مروان مشهور به ابن مامیاری، و برخی منابع اهل سنت چون: صحیح مسلم، احادیثی نقل کرده است.

باب پنجم کتاب، به فضیلت محاسبه اعمال و روایات وارد شده در این باره اختصاص یافته است. مهم‌ترین متنی که در این باب مورد استفاده ابن طاووس بوده، کتاب خطب مولانا علی علیه السلام عبدالعزیز جلودی (م ۳۰۲ ق) است که ابن طاووس نسخه‌ای کهن و به خط مؤلف در اختیار داشته است.^۱

۶. جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع.

ابن طاووس در این کتاب به ذکر دعاها و نمازهایی می‌پردازد که انجام دادن آنها در ایام هفته، مستحب است.

۷. مهج الدعوات و مهج العبادات.^۲

۱. ر.ک: همان، ص ۵۲.

۲. چاپ‌های متعددی از این کتاب موجود است. متن چاپی این کتاب که در بیروت و انتشارات الأعلمی

بخش اعظم این کتاب، در حقیقت، تخریجی از کتاب‌های منیة الداعی و غنیة الواعی^۱ ابو الحسن علی بن محمد بن عبد الصمد تمیمی نیشابوری (زنده در ۵۲۹ ق)، کتاب فی فضل الدعاء سعد بن عبد الله اشعری (م ۲۹۹ یا ۳۰۲ ق) و الأملی^۲ ابو المفضل محمد بن عبد الله شیبانی (م ۳۷۸ ق) است.

۸. المجتبی من الدعاء المجتبی.

این کتاب، کتاب مختصری در ادعیه است که به کوشش صفاء الدین بصری (مشهد، ۱۴۱۳ ق) به چاپ رسیده است.

ابن طاووس و ادبیات فضائل‌نگاری

ابن طاووس، تنها در ادعیه آثاری تألیف نکرده است. وی آثار مهمی در علوم قرآنی با صبغة حدیثی و فضائل‌نگاری نیز نگاشته است. مهم‌ترین اثر قرآنی موجود ابن طاووس، کتاب سعد السعود است. ابن طاووس در حوزه فضایل‌نگاری نیز کتاب‌هایی چون: الیقین فی اختصاص مولانا علی-بامرة المؤمنین و کتاب الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف تألیف کرده است. البتة کتاب الطرائف وی نیز در ضمن بحث از احق بودن حضرت علی علیه السلام برای امامت، استناداتی به متون حدیثی دارد.

جمال الدین احمد بن موسی

همانند ابن طاووس، برادر وی جمال الدین احمد بن موسی، از عالمان نامدار امامیه است که آثاری در حوزه حدیث و رجال، تألیف کرده است.^۳ شاگرد وی، حسن بن داوود حلّی، در شرح حال وی چنین نوشته است:

ج (بیروت، ۱۴۱۴ ق) منتشر شده، بسیار مغلوط است و در ضبط اسامی، غلط‌های فراوانی دارد. به عنوان مثال، ابو المفضل شیبانی به «ابو الفضل» (ص ۱۸۰) و یا نام صفی الدین محمد بن معد موسوی به «محمد بن سعد» (ص ۲۵۹) تصحیف شده است.

۱. برای آگاهی بیشتر از این کتاب، ر. ک: الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۲۳ ص ۲۰۲؛ کتاب‌خانه ابن طاووس، ص ۴۵۰ و ۴۵۱.

۲. برای آگاهی بیشتر از این کتاب، ر. ک: کتاب‌خانه ابن طاووس، ص ۱۸۴ و ۱۸۵.

۳. برای آگاهی بیشتر از وی ر. ک: ریاض العلماء، ج ۱، ص ۷۳-۷۴؛ الآثار الساطعة فی المئة السابعة، ص ۱۳ و ۱۴.

أحمد بن موسى بن ... الطاووس العلوی الحسنی، سیدنا الطاهر، الإمام المعظم، فقیه أهل البيت، جمال الدین أبو الفضائل، مات سنة ثلاث و سبعین و ستمئة، مصنف مجتهد كان أروع فضلاء زمانه، قرأت علیه أكثر البشرى والملاذ و غیر ذلك من تصانیفه، وأجاز لی جمیع تصانیفه وروایاته، و كان شاعراً مصقفاً بلیغاً منشئاً مجیداً.

من تصانیفه کتاب بشری المحققین فی الفقه (ست مجلدات)، کتاب الملاذ فی الفقه (أربع مجلدات)، کتاب الکرّ (مجلّد)، کتاب السهم السريع فی تحلیل المباحة مع القرص (مجلّد)، کتاب الفوائد العدة فی أصول الفقه (مجلّد)، کتاب الثاقب المسخر علی نقض المشجر فی أصول الدین، کتاب الروح نقضاً علی ابن أبی الحدید، کتاب شواهد القرآن (مجلّدان)، کتاب بناء المقالة العلویة فی نقض الرسالة العثمانیة (مجلّد)، کتاب المسائل فی أصول الدین (مجلّد)، کتاب عین العبرة فی غین العترة (مجلّد)، کتاب زهرة الرياض فی المواعظ (مجلّد)، کتاب الاختیار فی أدعية اللیل والنهار (مجلّد)، کتاب الأهار فی شرح لامیة مهیار (مجلّدان)، کتاب عمل الیوم و اللیلة (مجلّد)، وله غیر ذلك تمام اثنین و ثمانین مجلّداً من أحسن التصانیف و أحققها، حقّق الرجال و الروایة و التفسیر تحقیقاً لا مزید علیه، ربّانی و علّمنی و أحسن إلّی و أكثر فوائد هذا الكتاب من إشاراته و تحقیقاته، جزاه الله عنّی أفضل جزاء المحسنین.^۱

بر اساس مرویات موجود که نام جمال الدین در ضمن اسانید آنها قرار دارد، می توانیم از مشایخ وی به: نجیب الدین جعفر بن نما، یحیی بن محمد بن یحیی سورای، فخر بن معد موسوی و سید احمد بن یوسف عریضی، اشاره کنیم. از مهم ترین اسانید وی، علامه حلی و حسن بن داوود حلی (مؤلف کتاب الرجال) قابل ذکرند.

جمال الدین، آثار متعددی تألیف کرده که تنها معدودی از آنها باقی مانده است. در حوزه فضایل نگاری اهل بیت، وی کتابی به نام بناء المقالة الفاطمیة فی نقض الرسالة

العثمانيه^۱ تأليف کرده است. کتاب وی در حقیقت، نقدی بر کتاب العثمانیة فی ادیب معتزلی عمرو بن بحر (م ۲۵۵ ق) و بیشتر با صبغة کلامی است.^۲ جمال الدین در این کتاب، ضمن نقل برخی از عبارات جاحظ، با بهره‌گیری از کتاب‌های حدیثی اهل سنت، به نقد نظرات جاحظ در نقد فضایل علی علیه السلام پرداخته است.

جمال الدین در زمینه رجالی، کتابی را به نام حل الإشکال فی معرفة الرجال (بر اساس گزیده یا اختیاری از رجال الکشی و آثار رجالی اربعه امامیه) تألیف کرده است. متن این کتاب در اختیار حسن بن زین الدین معروف به صاحب معالم (م ۱۰۱۱ ق) بوده و او گزیده‌ای از این کتاب را با عنوان التحریر الطاووسی فراهم کرده که متن موجود از این کتاب، تنها همین منتخب است.

اهمیت این کتاب در ارائه نظام نقد حدیثی به وسیله جمال الدین ابن طاووس است؛^۳ چرا که وی بر خلاف شیوه قدما در تقسیم حدیث، نظام جدیدی را در نقد احادیث طرح‌ریزی کرده که بعدها مورد پذیرش علامه حلی و دیگران قرار گرفت.^۴

۱. این کتاب به وسیله سید علی عدنان غریفی در ایران (مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم، ۱۴۱۱ ق) به چاپ رسیده است.

۲. عبد السلام هارون، متن العثمانیة را همراه با بازمانده‌هایی از نقد ابو جعفر اسکافی بر این کتاب که به تفاریق در شرح نهج البلاغة فی ابن ابی الحدید نقل شده، به چاپ رسانده است.

۳. نمونه‌هایی از بحث‌های جمال الدین ابن طاووس، در جرح و تعدیل رولت امامی در ضمن کتاب التحریر الطاووسی (ص ۱۱۶-۱۳۳، ۱۵۹-۱۶۳، ۲۴۴-۲۴۷، ۲۵۹-۲۶۷، ۲۹۶-۳۰۲ و ۳۱۵-۳۳۰) باقی مانده است.

۴. متن این کتاب به تحقیق سید محمد حسن ترجینی، تحقیق و به وسیله انتشارات دار الذخائر (قم، ۱۳۶۸ ش) به چاپ رسیده است. یکی از ویژگی‌های مهم جمال الدین ابن طاووس، در نقل آرای عالم رجالی قرن پنجم، ابن غضایری است. درباره اعتبار یا عدم اعتبار رجال ابن غضایری (مشهور به الضعفاء) در میان رجالیان امامیه اختلاف هست. برای دیدن بحثی درباره الرجال ابن غضایری، ر.ک: مقدمه سید محمد رضا حسینی جلالی بر الرجال ابن غضایری. همچنین شیخ آقا بزرگ تهرانی نکاتی را در معرفی این کتاب آورده است (ر.ک: الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۴، ص ۲۸۸-۲۹۱، حاشیه؛ ج ۱۰، ص ۸۸ و ۸۹). بعد از جمال الدین ابن طاووس، شاگردان وی، علامه حلی و ابن داود حلی نیز آرای ابن غضایری را در ضمن تألیفات رجالی خود، بیان کرده‌اند.

یوسف بن حاتم شامی و کتاب «الدرّ النظیم»

از دیگر عالمان امامی قرن هفتم، می‌توان از جمال الدین یوسف بن حاتم بن فوز شامی مشغری یاد کرد. بر اساس آنچه از اسانید اجازات می‌توان دریافت، وی نزد محقق حلّی، نجیب الدین یحیی بن احمد حلّی (م ۶۹۰ ق) و رضی الدین ابن طاووس حلّی، تلمذ داشته است.^۱ مهم‌ترین کتاب حدیثی موجود این عالم امامی، کتابی در شرح احوال ائمّه به نام الدرّ النظیم فی مناقب الأئمة اللّهمیم است. این کتاب از منابع مجلسی در تألیف بحار الأنوار بوده است. متن این کتاب به وسیله جامعه مدرّسین (قم، ۱۴۲۰ ق) به چاپ رسیده است.

از نکات بااهمیت کتاب ابن حاتم، بهره‌گیری وی از برخی متون کهن امامیه است که در حال حاضر موجود نیستند.^۲ از این گونه آثار می‌توان به کتاب رامش افزای آل محمد محمد بن حسین محتسب^۳ (ص ۳۵)، مدینه العلم شیخ صدوق (ص ۴۰)، کتاب ابان بن عثمان بجلی در سیره (ص ۵۳)، احتمالاً کتاب النبوة شیخ صدوق (ص ۱۰۱ و ۱۰۵)، تفسیر الإمام الحسن العسکری علیه السلام (ص ۱۲۱ و ۱۲۴)، اربعین حدیث محمد بن ابی الفوارس (ص ۲۹۶-۳۰۳)، کتاب الأجواد محمد بن زکریّا غلابی (م ۳۹۸) (ص ۳۲۰-۳۲۴) والخصائص العلویة نظری اشاره کرد که فهرست کامل این آثار در انتهای متن چاپ شده آمده است.^۴

کتاب از مباحث کلامی نیز تهی نیست. مثلاً اشکالات فخر رازی از کتاب الأربعین

۱. به این نکات، در بخش آخر بحار الأنوار که به کتب اجازات مشهور است، اشاره شده است. درباره ابن حاتم نسج، ر.ک: أمل الآمل، ج ۱، ص ۱۹۰؛ ریاض العلماء، ج ۵، ص ۳۸۹؛ الأنوار الساطعة فی المئة السابعة، ص ۲۰۷ و ۲۰۸.

۲. برخی از مصادر این کتاب نیز ظاهراً باید به واسطه کتاب مناقب ابن شهر آشوب باشد، مثل کتاب اللوامع و شرف المصطفیٰ ابی سعید خرگوشی (ر.ک: الدرّ النظیم، ص ۴۰). همچنین مطلب نقل شده از کتاب ابو القاسم کوفی، بعینه از مناقب ابن شهر آشوب اخذ شده است (ر.ک: همان، ص ۱۸۵).

۳. برای آگاهی از این کتاب، ر.ک: الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۱۰، ص ۵۹.

۴. ر.ک: الدرّ النظیم، ص ۸۰۹-۸۱۳.

وی، در باب امامت نقل شده و پاسخ مفصل آنها نیز آمده است.^۱

ابن شرفیه و کتاب «عیون الحکم والمواظ»

یکی دیگر از آثار حدیثی تألیف شده در قرن ششم، کتاب عیون الحکم و المواظ و ذخیره المتعظ و الواظ کافی الدین ابو الحسن علی بن محمد لثی واسطی مشهور به ابن شرفیه، حاوی ۱۳۶۲۸ کلمه از سخنان امیر المؤمنین است. واسطی، این کتاب را بر اساس برخی آثار که به تدوین سخنان آن حضرت اختصاص داشته‌اند، تألیف کرده است.

اطلاعاتی که در منابع شرح حال‌نگاری دربارهٔ این عالم امامیه آمده‌اند، اندک‌اند. بیشترین شهرت واسطی در روایت کتاب المناقب ابن مغزلی است. علی بن محمد بن حامد صنعانی، فقیه زیدی در سال ۵۹۸ ق، در مکه اجازهٔ روایت کتاب ابن مغزلی را - که خود از واسطی دریافت کرده -، به فردی داده است.

ابن شرفیه، خود، کتاب مناقب ابن مغزلی را در رجب سال ۵۷۱ از قاضی عزالدین هبة الکریم بن حسن مشهور به ابن حبانث، سماع کرده است. در حقیقت، عالمان زیدی یمنی، کتاب ارجمند ابن مغزلی را از روی نسخه‌ای که ابن شرفیه برای خود در ۱۲ شوال سال ۵۸۵ کتابت کرده، می‌شناخته‌اند و تمام نسخه‌های این کتاب که اینک در یمن موجود است، استنساخ‌هایی از نسخهٔ کتاب شده به وسیلهٔ وی است.

افندی، اطلاعات اندکی دربارهٔ ابن شرفیه آورده است.^۲ به نوشتهٔ افندی، ابن شرفیه از بزرگان علما بوده و قطب الدین کیدری (م بعد از ۶۱۰ ق) به واسطهٔ علاء الدین حسین بن علی بن مهدی حسینی از او روایت کرده است. افندی بر اساس مطلبی در مباحث المہج کیدری، یکی از اساتید روایی ابن شرفیه را شادان بن جبرائیل قمی معرفی کرده است.

۱. ر.ک: همان، ص ۲۵۸-۲۷۸.

۲. ر.ک: ریاض العلماء، ج ۴، ص ۱۸۶.

حیات ابن شرفیه تا سال ۵۹۹ ق، قطعی است. همچنین می‌دانیم که وی در واسط سکونت داشته و شغل و رزاقی داشته است. کتاب او، عیون الحکم و المواعظ، به چاپ رسیده است.^۱

شعیری و کتاب «جامع الأخبار»

از آثار دیگر حدیثی قرن هفتم که درباره مؤلف آن، اطلاع چندانی در دست نیست، کتاب جامع الأخبار یا معارج الیقین فی أصول الدین محمد بن محمد شعیری سبزواری است. روایات موجود در این کتاب، اغلب مرسل اند.

برخی نکات آمده در متن این کتاب، شاید بتواند در شناخت مؤلف آن مفید باشد، از جمله نقل از کتاب روضة الواعظین محمد بن فتال (م ۵۰۸ ق)، کتاب المناقب أخطب خوارزم (م ۵۶۸ ق) که از تألیف کتاب خود در سال ۵۴۴ فراغت یافته، و نقل از تفسیر مجمع البیان طبرسی که در سال ۵۳۶ ق، آن را به اتمام رسانده است. همچنین کتاب مشکاة الآثار علی طبرسی، نوه فضل بن حسن طبرسی، یکی از منابع مهم وی بوده است.

مؤلف، تألیف این کتاب را در ششم صفر سال ۶۷۹ ق، به پایان رسانده و در آغاز کتاب اشاره کرده که از جوانی به فکر تألیف کتابی مشتمل بر احادیث زهد و موعظه و دیگر روایات روایت شده از اهل بیت بوده است. متن این کتاب را آقای علاء جعفر (قم، ۱۴۱۴ ق) تحقیق کرده است.

کتاب الاثمالی شیخ صدوق، از منابع مهم این کتاب بوده است.^۲ شعیری در یک جا طریق و سند روایت کتاب الاثمالی صدوق را ذکر کرده است.^۳ کتاب در ۱۴۱ باب تنظیم

۱. متأشفانه مصحح کتاب، مقدمه ابن شرفیه را که در آن وی به منابع خود اشاره داشته، حذف کرده است. درباره ابن شرفیه، همچنین ر. ک: «ابن شرفیه و کتاب عیون الحکم و المواعظ»، حسن انصاری قمی، کتاب ماه دین، ش ۱۱، ۱۳۷۹/ش ۱۴۲۱ ق، ص ۱۲-۱۵؛ «معرفی و نقد عیون الحکم و المواعظ»، محمد کاظم محمودی، علوم حدیث، ش ۱۳، ص ۱۷۰-۱۸۰.

۲. ر. ک: جامع الأخبار، ص ۴۴ و ۴۵.

۳. ر. ک: همان، ص ۴۷.

شده و مؤلف در ذیل هر باب، برخی روایات مربوط را جمع آوری کرده است.

خاندان ابن نما

یکی از ویژگی‌های شهر حلّه، وجود خاندان‌های شیعی در این شهر است. یکی از این خاندان‌ها، خانواده ابن نماست. نیای این خاندان، علی بن حمدون ربیعی از معاصران ابو علی حسن بن محمد طوسی است. فرد مشهور این خاندان، ابوالبقاء هبه الله محمد بن نما بن علی بن حمدون حلّی است.^۱ درباره تاریخ تولّد وی اطلاعی در دست نیست و تنها می‌دانیم که از ابو محمد الیاس بن محمد حائری، ابو عبد الله حسین بن احمد مقدادی و نجم الدین محمد بن حسن علوی، سماع حدیث داشته است.

ابو عبد الله محمد بن جعفر مشهدی، مؤلف کتاب المزار الکبیر،^۲ از او و فرزندش جعفر،^۳ روایت نقل کرده است. همچنین نام وی در سلسله روایت کتاب سلیم بن قیس در برخی از نسخه‌ها آمده که فردی در حلّه در جمادی الاولی ۵۶۵ کتاب را نزد

۱. نخستین فرد شناخته شده از این خاندان، نما بن علی بن حمدون ربیعی حلّی است. وی دو فرزند به نام‌های علی و ابوالبقاء هبه الله محمد داشته است (درباره محمد، ر.ک: ریاض العلماء، ج ۲، ص ۲۱ و ۲۹، ج ۳، ص ۱۷۵ و ۱۷۶، ج ۵، ص ۱۶ و ۳۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۱۸، ج ۱۰۵، ص ۷۷). مدخل «ابن نما» ابو البقاء هبه الله محمد تا سال ۵۶۵ ق. زنده بوده و کتاب سلیم بن قیس را در این سال برای فردی روایت کرده است. وی همچنین صحیفه سجّادیه را از بهاء الشرف روایت کرده است (ر.ک: طبقات أعلام الشيعة (تقات العیون)، ص ۳۵-۳۳۴). از فرزندان علی، افندی به علی بن علی بن نما (ر.ک: ریاض العلماء، ج ۴، ص ۱۶۶) و صفدی به حسین بن علی بن نما حلّی (م ۶۱۸ ق) (ر.ک: الوافی بالوفیات، ج ۱۲، ص ۴۵۷) اشاره کرده است. در منابع، از فرزندان جعفر بن محمد بن نما و فرزند وی ابو ابراهیم نجیب الدین محمد بن جعفر بن جعفر حلّی (درباره وی، ر.ک: ریاض العلماء، ج ۳، ص ۳۷۱ و ۴۲۵، ج ۵، ص ۴۹، ۱۹۵، ۲۴۱، ۳۴۰ و ۳۹۶) یاد شده است. نجیب الدین نیز سه فرزند به نام‌های اسماعیل، احمد و نظام الدین جعفر (درباره نظام الدین، ر.ک: افندی، ریاض العلماء، ج ۱ ص ۱۱۱) داشته است. در منابع، از حیات فرزند وی برای احمد به نام جلال الدین حسن بن احمد نیز یاد شده است. در مورد این خاندان شیعی و برخی افراد شناخته شده آن، ر.ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابن نما» همچنین برای دستیابی به گزارشی از احوال افراد این خاندان، ر.ک: الأنوار الساطعة فی المئة السابعة، ص ۸، ۹، ۳۱، ۱۵۴ و ۱۵۵.

۲. درباره مشهدی، ر.ک: ریاض العلماء، ج ۵، ص ۳۱۶ و ۳۱۷؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۶، ص ۳۴۴.

۳. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۷۶.

وی به قرائت حلی نزد استادش ابن طحال مقدادی در نجف به سال ۵۲۰ ق، خوانده است. درباره تاریخ وفات وی نیز سخنی در منابع نیست و تنها می‌دانیم که در سال ۵۷۳ ق، مشهدی از وی سماع حدیث کرده است.

از دیگر افراد شناخته شده این خاندان می‌توان به جعفر بن محمد (هبة الله) بن نما،^۱ ابو ابراهیم یا ابو جعفر محمد بن جعفر بن محمد (هبة الله) بن نما (م ذی حجة ۶۵۴ ق) و فرزندش جعفر بن محمد (م ح ۶۸۰ ق و مؤلف کتاب مثير الأحران و منیر سبل الأشجان در شرح مقتل امام حسین علیه السلام و اصحابش) نام برد.^۲ همچنین وی کتابی با عنوان شرح التأثر فی أحوال المختار تألیف کرده که نسخه‌ای از آن در اختیار علامه مجلسی بوده و همو متن کامل این کتاب را نقل کرده است.^۳

خاندان ابن زهره

یکی دیگر از خاندان‌های مهم شیعی در حلب، خاندان آل زهره (اسحاقیون) اند.^۴ ابتدا یکی از سادات خاندان زهره به نام ابو ابراهیم محمد بن احمد حرّانی به حلب مهاجرت کرد و از آن پس، دیگر افراد این خاندان نیز در همان جا ماندگار شدند. حرّانی، عهده‌دار منصب نقابت علویان حلب نیز بود.

از افراد مشهور این خاندان، عزّ الدین ابو المکارم حمزة بن علی مشهور به

۱. افندی، صورت اجازة کتاب الاستبصار به روایت این فرد را در بخش اجازات بحار الأنوار (ج ۱۰۴، ص ۳۳) به این نحو نقل کرده است: «وجدت هذا الكلام مرقوماً خلف الاستبصار بخط الشيخ ابن نما - نور الله ضريحه - يقول جعفر بن محمد بن هبة الله بن نما: إني أروى هذا الكتاب عن أبي عن جدّي هبة الله عن أبي عبد الله الحسين بن أحمد بن محمد بن طحال المقدادی عن الشيخين أبي الوفاء عبد الجبار بن عبد الله المقرئ الرازي وأبي عليّ الحسن بن أبي جعفر عن مصنف الكتاب أبي جعفر الطوسي - رحمهم الله جميعاً -».

۲. افندی در ریاض العلماء (ج ۱، ص ۱۱۱) از احتمال یکی بودن این کتاب با اثر دیگر وی یعنی التهاب نیران الأحران سخن گفته است.

۳. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۴۶ - ۳۸۷.

۴. مصحح الأربعون حدیثاً، بحثی درباره خاندان بنو زهره در مقدمه کتاب آورده است (ر.ک: الأربعون حدیثاً، ص ۱۱ - ۳۴).

ابن زهره (م ۵۸۸ ق) عالم مشهور این خاندان است. وی نخست نزد پدرش، علی بن زهره حلبی، به تعلّم علوم پرداخت و سپس از ابو عبد الله حسین بن طاهر صوری و محمد بن حسن نقّاش، اجازه روایت آثار شیخ طوسی را (به روایت فرزند شیخ طوسی) را دریافت کرد.

از ابن زهره آثاری باقی مانده است. او در فقه، کتابی به نام غنیة التزویع فی علمی الأصول و الفروع نگاشته که به چاپ نیز رسیده است. از آثار دیگر وی، جز نام آنها باقی نمانده است.^۱

برادرزاده ابن زهره، محیی الدین ابو حامد محمد بن عبد الله حسینی (م ۶۳۴ یا ۶۳۶ ق) نیز از عالمان و مشایخ شیعه است. وی نزد پدر و عمویش ابن زهره، تلمذ کرد. اثر موجود وی، الأربعون حدیثاً فی حقوق الإخوان، به کوشش نبیل رضا علوان (قم، ۱۴۰۵ ق) به چاپ رسیده است. وی در این کتاب، احادیثی را به اسناد خود از صحیفة الرضا^۲ و رساله اهوازیه^۳ نقل کرده است. طریق وی در روایت کتاب الکافی نیز به واسطه ابن شهر آشوب است. وی حدیث دهم تایستم را به این سلسله سند، از الکافی نقل و تخریج کرده است:

أخبرنی الفقیه أبو جعفر محمد بن علی بن شهر آشوب المازندرانی^۴ [إجازة]، قال أخبرنی السید أبو الفضل الداعی بن علیّ الحسینی السروی، عن عبد الجبار

۱. برای دستیابی گزارشی از افراد دیگر این خاندان، ر.ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «آل زهره» (به قلم هادی عالم زاده)؛ الآثار الساطعة فی المنة السابعة، ص ۳۸، ۳۹، ۹۳ و ۱۶۰-۱۶۲.

۲. یک طریق وی به کتاب صحیفة الرضا^۵، چنین است: «أخبرنی عمی الشریف السید الطاهر عزالدین أبو المکارم حمزة بن علیّ بن زهره الحسینی و خال والدی الشریف النقیب آمین الدین أبو طالب أحمد بن محمد بن جعفر الحسینی -رضی الله عنهما- [قراءة علیهما] قال: أخبرنا القاضی أبو الحسن علی بن عبد الله بن اسماعیل بن أحمد الجلیّ الحلبی، قال: حدّثنا أبی إسماعیل ابن أحمد عن أبیه أحمد بن إسماعیل (بن) أبی عیسی، قال أخبرنا أبو إسحاق ابن أبی بکر الرازی، قال: أخبرنا علی بن مہرویه القزوینی، قال: حدّثنا داوود بن سلیمان الغازی...» (ر.ک: الأربعون حدیثاً، ص ۴۱). طریق دیگر، همان طریق عبد الله بن احمد بن عامر طائی است (ر.ک: همان، ص ۴۲ و ۴۳). چهار حدیث اول و حدیث هفتم و نهم، به نقل از صحیفة الرضا^۶ است.

۳. برای دیدن سلسله سند و متن رساله اهوازیه، ر.ک: همان، ص ۴۶-۵۵.

المقری، عن الشيخ أبي جعفر الطوسي، عن الشيخ المفيد محمد بن محمد بن النعمان، عن [جعفر بن] محمد بن قولويه القمي، عن محمد بن يعقوب الكليني^۱.

عالم دیگر مشهور این خاندان، حسن بن زهره (م ۶۲۰ ق) است. ذهبی به نقل از ابن ابی طی در شرح حال وی نوشته است:

من أولاد إسحاق بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين الشريف، أبو علي الحسيني الإسحاقى الحلبي الشيعي، نقيب مدينة حلب... و رأس الشيعة و جاههم... كان أبو علي عارفاً بالقرءات و فقه الشيعة و الحديث و الأدب و التواريخ و قد سمع من أبي علي محمد بن أسعد الجوانى النقيب و الافتخار أبي هاشم الهاشمي....^۲

ادبیات دعانویسی

از دیگر نگاشته‌های قرن ششم که نمایانگر تداوم سنتی کهن در میان امامیه است، باید به نگارش کتب ادعیه اشاره کرد. قطب راوندی، کتابی به نام سلوة الحزین در ذکر ادعیه نگاشته است. این کتاب، مرسل است و تنها در یک جا از ابو جعفر نیشابوری که از وی در کتاب قصص الأنبیاء نیز روایت کرده، نام برده است. این کتاب در فصول مختلف به بحث از کیفیت دعا و شرایط استجابت و ذکر ادعیه گوناگون می‌پردازد.^۳ از مهم‌ترین کتب دعایی رایج و متداول در قرن ششم، باید به صحیفه سجّادیه که البته در قرن دوم تدوین شده، اشاره کرد.^۴ در فهرستی که محمد رضا حسینی جلالی از راویان این کتاب در قرون مختلف فراهم کرده، در قرن ششم می‌توان به روایت

۱. همان، ص ۶۰.

۲. تاریخ الإسلام (۶۱۱-۶۲۰ ق)، ص ۶۵۷. نیز، ر. ک: الوافی بالوفیات، ج ۱۲، ص ۱۸-۲۰.

۳. برای آگاهی بیشتر، ر. ک: گفته‌های دانش‌پژوه در معرفی نسخه‌ای از این اثر در فهرست نسخ خطی اهدایی سید محمد مشکات، ج ۳، بخش ۳، ص ۱۳۵۵-۱۳۵۷.

۴. این کتاب در بین اهل سنت، زیدیه و اسماعیلیه نیز متداول است. در مورد تداول آن در میان اهل سنت، ر. ک: «پژوهشی درباره کرامیه»، محمد کاظم رحمتی، کتاب ماه دین، ش ۴۳، ص ۶۶.

صحیفه سجّادیه به وسیله ابو علی حسن بن محمد طوسی در جمادی ثانی سال ۵۱۱، قرائت کتاب به وسیله ابو عبد الله محمد بن احمد بن شهریار خازن (داماد شیخ طوسی) در ربیع اوّل سال ۵۱۶، و روایت کتاب به وسیله تاج الشرف یحیی بن اسماعیل بن علی حسینی در محله شادیاخ نیشابور در غرّه محرم سال ۵۸۹ اشاره کرد.^۱ ابن ادریس در رجب سال ۵۹۸، نسخه‌ای از صحیفه سجّادیه را استنساخ کرده است.^۲

کتاب ذخیره الآخرة ی علی بن محمد بن علی بن عبد الصمد سبزواری، از دیگر کتب ادعیه نوشته شده در قرن ششم است که در نسخ چندی باقی است و به کوشش آقای رسول جعفریان به چاپ رسیده است.

نخستین فرد شناخته شده خانواده تمیمی، ابو الحسن علی بن عبد الصمد بن محمد تمیمی، راوی آثار صدوق است. وی از جمله شاگردان شیخ طوسی بوده است. منتجب الدین، وی را با القابی چون: فقیه و دین، یاد کرده است.^۳ وی از طریق ابو البرکات علی بن الحسین علوی، کتاب الأمالی را از شیخ صدوق روایت کرده است. نخستین فرزند وی، رکن الدین علی بن علی نیز همانند پدر نزد شیخ طوسی تلمذ نموده است. وی و برادرش محمد، از شیوخ اجازه ابن شهر آشوب بوده‌اند.^۴ برادر دیگر آنها حسین بن علی بن عبد الصمد نیز با عنوان فقیه و ثقه معرفی شده است.^۵ این خانواده به عنوان راویان مشهور آثار صدوق، شهره بوده‌اند. به عنوان مثال، قطب

۱. یحیی بن اسماعیل، عالم نامدار زیدی ایرانی در نیشابور بوده که شرح حال منحصر به فرد وی را صارم الدین در طبقات لزیدیة الکبری (ج ۳، ص ۱۸۵) آورده است.

۲. ر. ک: دراسة حول الصحیفه السجّادیه، ص ۳۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۲۷؛ الآثار الساطعة فی المنة السالفة، ص ۱۰۰ و ۱۱۵.

۳. ر. ک: الفهرست، منتجب الدین، ص ۱۰۹.

۴. ر. ک: مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۳ و ۳۴.

۵. ر. ک: الفهرست، منتجب الدین، ص ۵۳. فرزند وی محمد نیز با عنوان عالم شیعی ساکن در سبزوار که این خانواده در آن جا اقامت داشته‌اند یاد شده است (ر. ک: همان، ص ۱۷۳).

راوندی در الخرائج و الجرائع و در قصص الأنبياء، از طریق همین دو تن روایاتی را از آثار مذکور صدوق نقل کرده است.^۱

همچنین ابن طاووس از کتابی به نام منية الداعي و غنية الواعي که در اختیار داشته، نقل‌هایی را آورده و مؤلف کتاب را علی بن محمد بن علی بن الحسین بن عبد الصمد تمیمی یاد کرده است.^۲ البته همان گونه که آقای رسول جعفریان تذکر داده است، نام درست مؤلف، محمد بن حسین بن علی بن عبد الصمد است.^۳

ابو علی صوری و رساله «قضاء حقوق المؤمنين»

از دیگر آثار حدیثی در حوزه اخلاق مبتنی بر احادیث، رساله کوتاه قضاء حقوق المؤمنين، نگاشته شیخ سدید الدین ابو علی بن طاهر صوری است. در مورد مؤلف، چیز زیادی دانسته نیست، جز آن که وی احتمالاً از علمای امامی قرن ششم است. بجز رأیی فقهی در بحث توسع در زمان انجام دادن نماز قضا و خرده‌گیری وی بر ابو صلاح حلبی، از دیگر آرای او اطلاعی در دست نیست. کتاب وی نزد کفعمی بوده و کفعمی در تألیف حواشی بر مصباح که در سال ۸۹۵ نگاشته، از آن، سود جسته است. متن این کتاب، یکی از مصادر بحار الأنوار است.^۴ متن کوتاه و مرسل این کتاب، جداگانه به وسیله حامد الخفاف (قم، ۱۴۰۸ ق) به چاپ رسیده است.

ادبیات زیارت‌نامه‌نویسی

با توجه به جایگاه زیارت‌نامه در تشیع، نگارش آثاری در تشریح آداب این کار، در میان شیعه سابقه‌ای کهن دارد. از آثار برجامانده در این حوزه می‌توان به کتاب کامل الزیارات ابن قولویه و کتاب المزار شیخ مفید اشاره کرد.

در قرن ششم نیز ابو عبد الله محمد بن جعفر مشهدی، کتابی به نام المزار الکبیر

۱. ر.ک: الخرائج والجرائع، ج ۳، ص ۷۹۲، ۷۹۵ و ۱۰۶۲؛ قصص الأنبياء، ص ۴۸، ۳۵ و ۱۸۸.

۲. ر.ک: کتابخانه ابن طاووس، ص ۴۵۱؛ طبقات أعلام الشيعة (نفقات العيون)، ص ۲۰۵.

۳. ر.ک: ذخيرة الآخرة، ص ۱۶ و ۱۵. از مقدمه رسول جعفریان بر کتاب ذخيرة الآخرة استفاده شده است.

۴. ر.ک: الذريعة إلى تصانيف الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۳۷.

تألیف نمود که یکی از معدود آثار دعایی-زیارتی امامیه، به جامانده از این برهه است. در منابع رجالی، مطالب چندانی درباره شرح حال وی وجود ندارد؛ اما نگاهی به فهرست مشایخ او نشان می‌دهد که اوج فعالیت علمی مشهدی، در سه دهه آخر قرن ششم بوده است.

مشهدی نزد مشایخ ری، عراق (نجف) و حله به تحصیل پرداخته و در حله به سال ۵۷۴ ق، از ابوالمکارم حمزة بن علی حلبی، ابوالحسین ورام بن ابی فراس-که نزد او کتاب تنبیه الخواطر را خوانده-، ابن شهر آشوب و سید عبدالحمید بن تقی علوی (در سال ۵۸۰ ق)، سماع حدیث داشته است.

در نجف، وی از سید بهاء الشرف محمد بن حسن، راوی صحیفه سجّادیه، این مجموعه دعایی را به روایت دریافت کرده است. جالب توجه، ذکر مشایخ متعددی است که وی صحیفه سجّادیه را از آنها شنیده است. به عنوان مثال، وی صحیفه را نزد ابو الحسن بن عریضی علوی به سماع در سؤال ۵۵۶ شنیده است.

مرکزیت یافتن حله در انتقال میراث شیخ طوسی را می‌توان از خبر روایت تمام آثار شیخ طوسی از طریق ابوالبقاء هبة الله بن نما بن علی بن حمدون ربیعی به وسیله مشهدی دریافت.^۱ مشهدی همچنین نزد ابن بطریق (م ۶۰۶ ق) تمام آثار وی را خوانده و همو اجازه روایت تمام آثار و روایاتش را به مشهدی داده است.

کتاب المزار مشهدی، یکی از قدیمی‌ترین کتب ادعیه زیارتی شیعه در کنار کامل زیارات ابن قولویه و کتابی تحت همین نام از شیخ مفید است. ابن طاووس (رضی الدین علی) در مصباح الزائر و سید عبدالکریم بن طاووس در فرحة القرّی از این کتاب به تکرار، نقل قول آورده‌اند.^۲ المزار، با ذکر آداب و ادعیه روایت شده در زیارت

۱. این هبة الله بن نما، سرسلسله خاندان ابن نماست (ر.ک: در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابن نما») که از فعالیت‌های حدیثی وی، تنها از گزارش روایت کتاب سلیم بن قیس در نجف، خبر داریم. ابن حجر عسقلانی به نقل از ابن ابی طی در مورد وی نوشته است: «کان من رؤساء الإمامیة و الغالب علیه الحدیث. روی عن الحسن بن أحمد بن یحیی و غیره. روی عنه أبو جعفر بن علی الجابری... عاش إلى بعد الثمانین و خمس مئة» (ر.ک: لسان المیزان، ج ۷، ص ۲۵۸).

۲. ر.ک: کتابخانه ابن طاووس، ص ۸۲-۸۵.

اثمه و اعمال شهور، سامان یافته است. ویژگی این ادعیه، مسند بودن آنهاست. یکی از جالب‌ترین اسناد روایتی این کتاب، سند مربوط به زیارتی طولانی در روز غدیر خم به نقل از امام هادی علیه السلام است:

أخبرني الفقيه الأجل أبو الفضل شاذان بن جبرئيل القمي، عن الفقيه العماد [الدين] محمد بن أبي القاسم الطبري، عن أبي علي [حسن بن محمد الطوسي]، عن والده [محمد بن حسن الطوسي]، عن محمد بن محمد بن نعمان [الشيخ المفيد]، عن أبي القاسم جعفر بن قولويه، عن محمد بن يعقوب الكليني، عن علي بن إبراهيم [القمي]، عن أبيه، عن أبي القاسم بن روح و عثمان بن سعيد العمرى، عن أبي محمد الحسين بن علي العسكري، عن أبيه.^۱

شیخ مفید در کتاب المزار خود، متن این دعا را بدون ذکر سند آورده است. مشهدی در ضمن کتاب به تألیف دیگرش به نام بغیة الطالب و ایضاح المناسک که ظاهراً اثری فقهی است، اشاره کرده است. کتاب المزار الکبیر به کوشش جواد قیومی (قم، ۱۴۰۹ ق) بر اساس یک نسخه خطی به چاپ رسیده است.

مسند بودن این کتاب، خود، مدرک جالب دیگری درباره اهمیت شیوخ ری در انتقال میراث شیخ صدوق و انتقال آن به حله است. ابو محمد عبدالله بن جعفر دوریستی و شاذان بن جبرئیل قمی، راوی کتب شیخ صدوق برای مشهدی بوده‌اند. مشهدی همچنین از کتب متقدم امامی چون: الآثار - که به نام آن تصریح نموده - و احتمالاً کتاب المشیخة حسن بن محبوب - که تنها با عنوان «کتاب الحسن بن محبوب» به آن اشاره کرده - استفاده نموده است.

علی بن عیسیٰ اربلی و کتاب «کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة»

یکی از مهم‌ترین آثار تألیف شده در قرن هفتم، کتاب کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة، تألیف عالم امامی، ابو الحسن بهاء‌الدین علی بن عیسیٰ اربلی (م ۶۹۲ ق) است.^۲

۱. المزار الکبیر، ص ۲۶۳ و ۲۶۴.

۲. دربارۀ اربلی، ر.ک: ریاض العلماء، ج ۴، ص ۱۶۶ - ۱۷۴؛ الأنوار الساطعة فی المئة السابعة، ص ۱۰۷ -

درباره تاریخ دقیق تولد وی، اطلاعاتی در دست نیست و تنها بر اساس شواهدی، از تولد وی در میانه سال‌های ۶۲۰ تا ۶۲۵ ق، سخن گفته شده است.

اربلی، بیشتر عمر خود را در مسائل دیوانی، بخصوص ریاست دیوان انشا، سپری کرد. با این حال، تعلق خاطر وی به حدیث و متون حدیثی باعث شد تا در مواقعی نزد برخی محدثان، به سماع آثار آنها بپردازد.

به عنوان مثال، وی در سال ۶۴۸ ق، در اربل، کتاب‌های کفای الطالب و البیان فی أخبار صاحب الزمان ابو عبد الله محمد بن یوسف گنجی شافعی (متولد ۶۵۸ ق) را قرائت کرده است. همچنین در سال ۶۷۶ ق، اجازه روایت کتاب الذریة الطاهرة ی دولا بی را از سید جلال الدین عبد الحمید بن فخر بن معد موسوی دریافت کرده است.

مهم‌ترین تألیف اربلی، کتاب کشف الغمة فی معرفة الاثمة است. اربلی در اشارات کوتاهی، علت تألیف این کتاب را بیان کرده است.^۱ شیوه اربلی در تألیف کتاب کشف الغمة، بیشتر گردآوری آثار گذشتگان و غالباً با حذف سند و ذکر برخی از توضیحات ادبی است. آقای جعفریان در توصیف شیوه اربلی می‌نویسد:

به نظر، چنین می‌رسد که وی اساس کار خویش را گردآوری متونی از آثار گذشتگان درباره شرح حال امامان قرار داده است، گرچه بخشی را نیز با توضیحات سودمند ادبی خود مرتب ساخته است. [او] در قسمت نقل و کیفیت استفاده از منابع، توضیحاتی را به دست داده است.... به عنوان مثال، باب «مؤاخاة» را از کتاب ابن بطریق (العمدة) آورده، اما به اختصار. این اختصار، بویژه درباره حذف اسانید، صورت گرفته است. او می‌گوید: «تنها شخصیت‌هایی که این حدیث را نقل کرده‌اند، آورده‌ایم [نه تمام سند را] تا از طولانی شدن کتاب

۱۱۷. تحقیق کامل و مفصل درباره اربلی را آقای رسول جعفریان در کتاب علی بن عسی اربلی و کشف لغته انجام داده است که بخش اعظم مطالب این صفحه، از این کتاب نقل شده است. ابن فوطی، کتاب کشف الغمة را به قرائت، نزد اسماعیل بن موسی علوی در سال ۶۷۹ ق، خوانده است (ر.ک: معجم أعلام النبیة، ج ۱، ص ۱۰۴).

جلوگیری کنیم.^۱

اهمیت کتاب اربلی در دو نکته است: نخست، در نقل قول‌هایی که وی از برخی آثار کهن و غیر موجود آورده است. به عنوان مثال، یکی از مهم‌ترین این متون، کتاب السقیفة و الذک ابو بکر احمد بن عبد العزیز جوهری (م ۳۲۳ ق) است. اربلی از این کتاب، خطبه حضرت زهرا علیها السلام را نقل کرده است. بحث اربلی و نوع ورود وی به این مطلب نیز جالب توجه است. و دوم، ماهیت تشیعی که وی ارائه کرده است، یعنی تشیع معتدل امامی. برای نشان دادن ماهیت این اعتدال، بهتر است عبارت اربلی را در بحث ارث نهادن پیامبر صلی الله علیه و آله و برخورد خلفا با دختر پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کنیم:

و عن أبي سعيد الخدري قال: لما قبض رسول الله صلی الله علیه و آله: جاءت فاطمة علیها السلام تطلب فداً فقال أبو بكر رضی الله عنه: إني لأعلم إن شاء الله أنك لن تقولي إلّا حقاً، ولكن هاتي بينتك. فجاءت بعلی رضی الله عنه فشهد، ثم جاءت بأُمّ أيمن فشهدت، فقال امرأة أخرى أو رجلاً، فكتبت لك بها.

أقول: هذا الحديث عجيب، فإن فاطمة علیها السلام إن كانت مطالبة بميراث فلا حاجة بها إلى الشهود؛ فإنّ المستحقّ للتركة لا يفتقر إلى الشاهد إلّا إذا لم يعرف صحّة نسبه و اعتزائه إلى الدارج، و ما أظنهم شكّوا في نسبها علیها السلام و كونها ابنة النبی صلی الله علیه و آله، و إن كانت تطلب فداً و تدعی أنّ أباهما صلی الله علیه و آله نحلها إياها، احتاجت إلى إقامة البينة، و لم يبق لمارواه أبو بكر رضی الله عنه من قوله: «نحن معاشر الأنبياء لا نورث» معنی و هذا واضح جداً، فتدبر.

و روی أنّ عائشة و حفصة - رضی الله عنهما - هما اللتان شهدتا بقوله: «نحن معاشر الأنبياء لا نورث» و مالک بن أوس النضری، و لما ولی عثمان رضی الله عنه قالت له عائشة - رضی الله عنها -: أعطني ما كان يعطيني أبي و عمر. فقال: لا أجد له موضعاً في الكتاب و لا في السنّة، و لكن كان أبوك و عمر يعطيانك عن طيبة أنفسهما، و أنا لا أفعل. قالت: فأعطني ميراثي من رسول الله. فقال: أليس جئت فشهدت أنت و مالک بن أوس النضری أنّ رسول الله صلی الله علیه و آله قال: «لا نورث»،

۱. علی بن عیسی اربلی و کشف الغتة، ص ۷۴ و ۷۵. وی مواردی از این تلخیص‌ها را متذکر شده است (ر. ک: همان، بخش «منابع اربلی»).

فأبطلت حق فاطمة وجئت تطليبه، لا أفعل. قال فكان إذا خرج إلى الصلاة نادى وترفع القميص وتقول: إنّه قد خالف صاحب هذا القميص. فلما آذته، صعد المنبر، فقال: إن هذه الزعراء عدوة الله ضرب الله مثلها ومثل صاحبها حفصة في الكتاب: «أَمْرَأَتُ نُوحٍ وَ أَمْرَأَتُ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا» إلى قوله «وَقِيلَ أَدْخُلَا الدَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ»^۱. فقالت له: يا نعل! يا عدو الله! إنما سماك رسول الله ﷺ باسم نعل اليهودى الذى باليمن. فلاعنته ولاعنها، وحلفت أن لا تساكته بمصر أبداً، وخرجت إلى مكة.

قلت: قد نقل ابن أعثم صاحب الفتوح أنها قالت: «اقتلوا نعلًا، قتل الله نعلًا فلقد أبلى سنة رسول الله ﷺ وهذه ثيابه لم تبلى»، وخرجت إلى مكة. وروى غيره أنه لما قُتل، جاءت إلى المدينة فلقبها فلان فسألته عن الأحوال فخبرها، فقال: إن الناس اجتمعوا على عليّ عليه السلام. فقالت: والله لأطالبن بدمه. فقال لها: فأنت حرصت على قتله. قالت: إنهم لم يقتلوه حيث قلت، ولكن تركوه حتى تاب وتقى من ذنوبه و صار كالسبيكة و قتلوه. وأظن أن ابن أعثم رواه كذا أو قريباً منه فإن كتابه لم يحضرنى وقت بلوغى هذا الموضع.

و حيث انتهى بنا القول إلى هنا، فلنذكر خطبة فاطمة عليها السلام فإنها من محاسن الخطب و بدائعها، عليها مسحة من نور النبوة، وفيها عبقة من أرج الرسالة و قد أوردتها المؤلف و المخالف، و نقلتها من كتاب السقيفة عن عمر بن شبة تأليف أبى بكر أحمد بن عبد العزيز الجوهرى من نسخة قديمة مقروءة على مؤلفها المذكور قرئت عليه فى ربيع الآخر سنة اثنتين وعشرين وثلاثمئة...^۲

متون دیگری که اربلى از آنها نقل قول کرده و ظاهراً نقل قولهاى وى تنها باز مانده هاى از آن آثار است، عبارت اند از: کتاب الاكل ابو عبد الله حسين بن احمد بن خالويه (م ۳۷۰ ق)،^۳ کتاب الأربيعين ابو بكر محمد بن ابى نصر فتوانى و كتاب معالم

۱. تحريم، آیه ۱۰.

۲. كشف الغمّة، ج ۱، ص ۴۷۹ و ۴۸۰.

۳. برای آگاهی از شرح احوال ابن خالويه، ر.ک: أهل البيت فى المكتبة العربية، ص ۱۲ و ۱۳.

العترة النبوية و معارف أهل البيت الفاطمية العلوية ی عالم حنبلی، ابو محمد عبد العزيز بن محمد معروف به ابن اخضر جُنابادی (م ۶۱۱ ق).^۱

مکتب حلّه^۲

تأسیس شهر حلّه و محیط یک دست شیعی آن در اواخر قرن چهارم، به زودی باعث شد تا عالمان امامی حتّی از مناطق شیعه‌نشین چون ری به آن جا رفته، رحل اقامت افکنند.^۳ با وجود اهمّیت شهر حلّه، به دلیل از بین رفتن تواریخ شیعی نگاشته شده به وسیله عالم امامی، ابن ابی طی^۴ - که بخشی از زندگی خود را در قرن ششم گذرانده است - در مورد این شهر، در حال حاضر، تنها اطلاعات پراکنده اندکی در مورد این شهر وجود دارد.

قبل از تأسیس شهر حلّه، شهر حلب، مرکز فعالیت امامیه بوده است. از عالمان مشهور حلب به عنوان مثال، ابو الحسن اسماعیل بن احمد حلبی (م ۴۴۷ ق) و اسامة

۱. برای اطلاع از این آثار و موارد استفاده اربلی از آنها، ر. ک: علی بن عیسی اربلی و کشف الغمّة: أهل البيت فی المکبة العریة، ص ۵۰۰ و ۵۰۱.

۲. برای دستیابی به برخی گزارش‌های پراکنده از اهمّیت حلّه، ر. ک: طبقات أعلام الشيعة (تقَات العیون)، ص ۷، ۲۴، ۴۵، ۶۸، ۸۵، ۱۶۷، ۱۷۲، ۱۸۷، ۲۰۸؛ الأتوار الساطعة فی المنة السابعة، ص ۳۸، ۴۱، ۴۵، ۴۶، ۴۹، ۵۲، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۴ و ۲۰۴؛ بحار الأتوار، ج ۱۰۴، ص ۳۰، ۳۱، ۶۴، ۱۷۹ و ۱۸۰. یکی از مصادر مهم که در حال حاضر موجود نیست و در صورت یافت شدن نسخه‌ای از آن، شاید اطلاعات بیشتری در مورد تشیع حلّه بتوان یافت، مجموعه‌ای مشهور به «مجموعه جباعی» است. قید، احتمالاً بدان خاطر است که افندی در بخش اجازات بحار، نسخه کامل این اثر را در دست داشته و از آن به تکرار، نقل قول آورده است. نسخه‌ای ناقص از این مجموعه در حال حاضر در کتابخانه ملک موجود است. برای مواردی که به نام مجموعه جباعی تصریح شده است، ر. ک: بحار الأتوار، ج ۱۰۴، ص ۱، ۱۳، ۲۴، ۲۷، ۳۴، ۱۳۸، ۱۴۳، ۱۸۱ (این نقل، در نسخه خطی ملک نیز موجود است)، ۲۰۱، ۲۰۳ و ۲۰۸. آنچه بر اساس اطلاعات موجود درباره حوزه حلّه می‌توان گفت، آن است که این حوزه اساساً به فقه، توجّه داشته است.

۳. شهر حلّه را صدقه بن منصور دیسی، امیر شیعی از خاندان بنو مزید، در سال ۴۹۴ ق، تأسیس کرده است.

۴. در مورد این عالم امامی، ر. ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابن ابی طی»؛ *ET*^۲، مدخل «ابن ابی طی».

بن احمد حلبی (م بعد از ۴۸۰ ق) رامی توان ذکر نمود.^۱

ابن ابی طی حلبی و کتاب «الحاوی فی رجال الشيعة الإمامية»

یکی از مهم ترین آثار رجالی قرن هفتم، کتاب الحاوی فی رجال الشيعة الإمامية عالم امامی، یحیی بن حمید بن ظافر طایبی مشهور به ابن ابی طی (۵۷۵-۶۳۰ ق) است.^۲ اصل این کتاب باقی نمانده؛ اما مورد استفاده ذہبی، ابن حجر عسقلانی، یاقوت حموی، صفدی و ابن شاکر کُتبی بوده و این افراد به تفاریق، نقل قول‌هایی از این کتاب آورده‌اند. اهمیت این نقل قول‌ها در شناخت تاریخ حدیث شیعه در قرن هفتم (به‌خصوص در حلّه و حلب) است.

شهید اول و ابن شاکر کُتبی به نقل از معجم الأدباء یاقوت حموی، شرح حال ابن ابی طی را چنین آورده‌اند:

یحیی بن ابی طی أحمد بن طائی الحلبي، أحد من يتأدّب ويتفقه على مذهب الإمامية وأصولهم وله تصانيف في أنواع العلوم... مولده بحلب سنة ۵۷۵ ق... قرأ يحيى القرآن على والده واشتغل ببقه الإمامية على رشيد الدين المازندراني، ومن تصانيفه: كتاب البستان في مجلس الغلمان، كتاب معادن الذهب في تاريخ حلب، كتاب ملح البرهان في تفسير القرآن، كتاب قبسة العجلان في تفسير القرآن، كتاب البيان في أسباب نزول القرآن، كتاب غريب القرآن، تفسير الفاتحة، المجالس الأربعين في مناقب الأئمة الطاهرين، كتاب خلاصة الخلاص في آداب الخواص...، كتاب حوادث الزمان على حروف المعجم...، كتاب تاريخ العلماء...، شرح نهج البلاغة...، تضيوع اللطائم في شرح خطبة فاطمة الزهراء...، أسماء رواة الشيعة ومصنفها...^۳

۱. در مورد فرد نخست، ر.ک: بغية الحب في تاريخ حلب، ج ۴، ص ۱۶۱۴ و در مورد فرد دوم، ر.ک: لسان الميزان، ج ۱، ص ۵۱۸.

۲. برای آگاهی از شرح حال ابن ابی طی، ر.ک: دردائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابن ابی طی» به قلم محمّد آصف فکرت: الآثار الساطعة في المئة السابعة، ص ۲۰۵ و ۲۰۶.

۳. برای دیدن فهرست کامل آثار دیگر وی که غالباً تألیفاتی در حوزه شعر است، ر.ک: فوات الوفيات و الذیل

دانسته‌های دیگر ما درباره شیوخ ابن ابی طی، گفته‌های وی در شرح حال برخی از افرادی است که وی شرح حال آنها را در کتاب الحاوی نقل کرده است. مهم‌ترین این افراد، تاج‌العلی اشرف بن اعز (/ اغر) است. ابن ابی طی در شرح حال تاج‌العلی نوشته است:

هو شيخنا العلامة الحافظ النسابة الواعظ الشاعر. قدم علينا وصحبته وقرأت عليه نهج البلاغة وكثيراً من شعره، وأخبرني أنه ولد بالرملة في غرة المحرم سنة ٤٨٢ وعاش ١٢٨ سنة... وأخبرني أنه صنف كتاب نكت الأبناء في مجلدين، وكتاب جنة الناظر وجنة المناظر خمس مجلدات في تفسير مئة آيات ومئة الحديث وكتاباً في تحقيق غيبة المنتظر، وما جاء فيها عن النبي ﷺ وعن الأئمة وجوب الإيمان بها، وشرح القصيدة البائية للسيد الحميري وغير ذلك. فسألته أن يأذن لي في نسخ هذه الكتب وقراءته، فاعتذر بالتقية...^١

کتاب ابن ابی طی، علاوه بر اطلاعاتی که درباره تشیع در حلّه و حلب در اختیار ما قرار می‌دهد، حاوی نکاتی در مورد دیگر مراکز شیعی نیز هست. به عنوان مثال، همو ضمن معرفی اسد بن علی حلبی (م ۵۳۴ ق) که وی را عموی پدرش خوانده، به این نکته اشاره کرده که وی کتابی در فضایل اهل بیت و نقضی بر کتاب‌العثمانیه جاحظ نگاشته و در قم در گذشته است. عبارت ابن ابی طی چنین است:

وُلد سنة ٤٨٥ وحفظ القرآن وهو ابن سبع، وقرأ القراءات بالروايات، وتعلّم الأصول على مذهب الإمامية، وطاب له العلم فسافر وصنف فضائل أهل

۱. علیها، ج ۴، ص ۲۶۹-۲۷۱. از اثر تاریخی ابن ابی طی یعنی کتاب معادن الذهب فی تاریخ الملوك والخلفاء و ذوی الرتب، بخش‌هایی به تفاریق در آثار مورخان بعد از وی (چون: ابن قرات و ابو شامه مقدسی) باقی مانده است.

۱. تاریخ الإسلام (۶۰۱-۶۱۰)، ص ۳۶۳ و ۳۶۴؛ الوافی بالوفیات، ج ۱۰، ص ۳۷۳؛ نکت الهمیان فی نکت الهمیان، ص ۱۲۰؛ لسان‌المیزان، ج ۱، ص ۶۹۵. نیز، ر.ک: در دانش‌نامه جهان اسلام، مدخل «تاج‌العلی» (به قلم مرتضی دهقان). تاج‌العلی، مسند ترمذی را در مکه نزد ابو الفتح کروخی به سماع دریافت کرده و از ابن فضال طرطوسی و اسامه بن مرشد بن منتقد نیز سماع حدیث نموده است. همچنین، ر.ک: معجم أعلام الشيعة، ج ۱، ص ۱۰۵-۱۱۰.

البیت ﷺ. جمع فيه ما فی القرآن و الحديث، و نقض كتاب العثمانية للجاحظ و مات بقم سنة ۵۳۴^۱.

ابن ابی طی در شرح حال عالم امامی، حسین بن اسماعیل بن الحسن بن محمد بن الحسن نیشابوری مشهور به فخر الحرمین، از مجلس درس وی یاد کرده که در آن وی برای شیعیان و اهل سنت تدریس می‌کرده است. نکته جالب توجه دیگر در شرح حال این عالم امامی، نگارش اثری در رجال صحیح البخاری و صحیح مسلم بوده است. عبارت ابن ابی طی در شرح حال فخر الحرمین چنین است:

كان إمامياً في الأصول والفروع، ويعرف الحديث، وكان يجلس للعلامة ويحدث، وقد خرج رجال البخاري و رجال مسلم، وكان أهل الحديث في زمان يهابونه و اجتهدوا في تلفه، فلم يقدرُوا إلا على نسبته إلى التشيع، فكان يحمد الله على ذلك.^۲

عالمان حله

شهر حله ظاهراً از اواخر قرن ششم، به عنوان مرکز مهم ترویج تشیع، اهمیت خاصی پیدا کرده است.^۳ در قرن هفتم و بعد از حمله مغولان و در امان ماندن حله و حلب از تاراج و غارت آنان، این شهر به جای ری، مرکزی برای نشر و اشاعه تشیع شد. این را از اخبار تاریخی فراوانی که درباره شهر حله نقل شده است، می‌توان استنباط نمود. به عنوان مثال، محمد بن جعفر مشهدی از رفت و آمد عالمان شیعه به شهر حله خبر داده است. به دلیل نزدیکی حله به حلب، طبیعی است که رفت و آمد میان عالمان شیعی این دو شهر، فراوان بوده باشد. مشهدی نوشته که در سال ۵۷۵ ق، ابوالمکارم

۱. لسان المیزان، ج ۱، ص ۵۸۶ و ۵۸۷. سید عبدالعزیز طباطبایی در معجم أعلام الشيعة (ج ۱، ص ۸۵) نیز این مطلب را به نقل از ابن حجر عسقلانی نقل کرده است.

۲. لسان المیزان، ج ۲، ص ۵۰۴.

۳. برای اطلاع از اهمیت حله به عنوان مرکزی در ترویج تشیع، ر.ک: معجم أعلام الشيعة، ج ۱، ص ۵۹، ۴۴، ۷۲، ۱۳۶، ۱۶۲، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۷۹، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۸، ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۶۹، ۳۰۷، ۳۱۴، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۵۸، ۳۵۹ و ۴۰۶.

ابن زهره بعد از بازگشت از حج در سر راه خود، به حلّه رفته است. او روایتی نیز از وی نقل کرده است.^۱

با این حال، تنها منابع ما برای آگاهی از فعالیت های شیعه در حلّه، برخی اطلاعات پراکنده در منابع و فهرست نسخه های خطی است که گاه در آنها به محلّ استنساخ نسخه نیز اشاره شده است، گرچه باید تذکر داد که در این جا، تنها برخی شواهد ارائه می شود. کامل نبودن فهرست نسخه های خطی، این امکان را فراهم نمی کند تا اطلاعات کاملی در این مورد ارائه نمود. اوج مدرسه حلّه، در قرن هفتم است و خاندان های شیعی بنو زهره، آل طاووس، آل نما، و خاندان و شاگردان علامه حلّی، مشهورترین بیوات شیعه در این شهر هستند.

ابن ادریس حلّی

یکی از عالمان مشهور قرن ششم، محمد بن احمد بن ادریس حلّی (م ۵۸۸ ق) است. عمده شهرت وی به واسطه کتاب فقهی السرائر و انتقادات وی بر شیخ طوسی است. او در سال ۵۴۳ ق، در شهر حلّه به دنیا آمد. مشهورترین شیوخ اجازه وی عبارت اند از: شیخ حسن بن رطبه سورابی، ابو المکارم حمزة بن علی حلّی (مؤلف اثر فقهی غنیة الزّوَع) و عربی بن مسافر.

ابن ادریس در حلّه اقامت داشته و توجّه اصلی وی ـ همان گونه که اشاره شد ـ فقه بوده است؛ اما در کنار تدوین کتب فقهی، از توجّه وی به میراث حدیثی شیعه نیز آگاهی هایی در دست است. به عنوان مثال، وی در سال ۵۷۰ یا ۵۷۳ ق، کتاب مصباح المتهجّد شیخ طوسی و در رمضان ۵۷۴ ق، کتاب قرب الإسناد را استنساخ کرده است.^۲

وی همانند سید مرتضی، عمل به خبر واحد را جایز نمی دانسته است. ابن ادریس در آخر کتاب فقهی السرائر خویش، بخشی را به نام باب «الزیادات» آورده و در آن بخش هایی را (گاه در حدّ نقل چند روایت) از بیست و یک اثر کهن شیعی که در

۱. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۷۹ و ۱۸۰.

۲. الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۱۷، ص ۶۸.

اختیار داشته، آورده است. این آثار، جزو معدود بخش‌های موجود از کتب اولیه امامیه به شکل اصلی خود هستند. این آثار، عبارت‌اند از: کتاب موسی بن بکر واسطی، کتاب معاویه بن عمار دهنی، النوادر احمد بن محمد بزَنطی (از اصحاب امام هشتم)، کتاب آبان بن تغلب، کتاب جمیل بن درّاج، کتاب احمد بن محمد سیاری، الجامع بزَنطی، مسائل الرجل ومکاتباتهم لی مولانا ابی الحسن ابو العباس عبد الله بن جعفر حمیری (م بعد از ۲۹۳ ق و مؤلف کتاب قرب الإسناد)، کتاب حریر بن عبد الله سجستانی، کتاب المشیخة ی حسن بن محبوب، کتاب النوادر محمد بن علی اشعری، کتاب من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق، قرب الإسناد و معانی الأخبار، تهذیب الأحکام، کتاب جعفر بن محمد دهقان، کتاب عبد الله بن بکیر، کتاب ابو القاسم بن قولویه، کتاب انس العالم محمد بن احمد صفوانی، کتاب المحاسن برقی و کتاب العیون و المحاسن.

این بخش‌ها علاوه بر این که در آخر کتاب السرائر به چاپ رسیده، به صورت جدا و تحت نام النوادر یا مستطرفات السرائر نیز به وسیله مدرسه امام مهدی (قم، ۱۴۱۸ ق) به چاپ رسیده است.

فَخَّارِ بْنِ مَعْدُ مَوْسَوِی وَکِتَابُ «الْحِجَّةِ عَلَی الذَّاهِبِ إِلَى تَكْفِيرِ أَبِي طَالِبٍ»

یکی از عالمان امامی شهر حله در قرن هفتم، ابو علی شمس الدین فَخَّارِ بْنِ مَعْدُ مَوْسَوِی (م ۶۳۰ ق) است. در منابع رجالی، اطلاعات خاصی درباره زندگی وی نیامده است.^۱ آفندی^۲ و آقا بزرگ نیز بر اساس مطالب موجود در کتاب الحجة علی الذاهب که مهم‌ترین اثر موجود وی است، از اساتید وی سخن گفته‌اند.

وی در کتاب الحجة، از: عربی بن مسافر، فَخَّارِ بْنِ مَعْدُ مَوْسَوِی، عمید الرؤسا هبة الله بن حامد، علی بن محمد بن سکون، ابو المکارم حمزة بن زهره، یحیی بن علی بن

۱. صفدی در شرح حال عمید الرؤسا هبة الله بن حامد حلی - که استادش بوده - نمونه‌ای از اشعار وی در رثای استادش را نقل کرده است (ر.ک: الوافی بالوفیات، ج ۲۷، ص ۲۵۹).

همچنین صفدی از فرزند وی به نام ابو القاسم عبد الحمید بن فَخَّارِ بْنِ مَعْدُ مَوْسَوِی نسابه، یاد کرده و از وفات وی در بغداد به سال ۶۸۴ ق، سخن گفته و به سماع حدیث وی از عبد العزیز بن اخضر و دیگران اشاره کرده است (ر.ک: همان، ج ۱۸، ص ۸۴).

۲. ر.ک: ریاض العلماء، ج ۴، ص ۳۱۹-۳۲۱.

بطریق، ابو الفضل بن حسین حلّی (که از قرائت نزد وی در سال ۵۹۸ یاد کرده)، شادان بن جبرائیل بن اسماعیل قمی (که نزد وی در واسط در سال ۵۹۳ ق، سماع حدیث کرده) و گروهی دیگر از عالمان، روایت کرده است.

علامه مجلسی در اشاره به فخّار بن معد نوشته است:

و أقول: ألف السيد الفاضل السعيد شمس الدين أبو علي فخّار بن معد الموسوي كتاباً في إثبات إيمان أبي طالب، وأورد فيه أخباراً كثيرة من طرق الخاصة والعامة، وهو من أعظم محدّثينا وداخل في أكثر طرقنا إلى الكتب المعتمدة و سنورد طريقنا...^۱

وی علت تألیف کتاب خود را چنین توضیح داده است:

فأنّي رأيت جماعة من المنتمين إلى الإسلام، المنتحلين للإيمان، يثبتون أبا طالب ابن عبد المطلب بن هاشم - تغمّده الله برضوانه وأسكنه بحبوبة جنانه - في حيز الكافرين ويعدّونه في عدد الجاحدين، مع ما يروون من أشعاره الشاهدة بصحة إسلامه، ويؤثرون من أخباره المؤذنة بإيمانه، بغضاً منهم لولده أمير المؤمنين وحسداً لفارس المسلمين، حيث كان لا تكسر عودة العواجم ولا يقرح صفاته المزاحم.^۲

ویژگی مهم کتاب فخّار بن معد، تخریج روایاتی از کتاب کز الفوائد کراچکی،^۳ الإرشاد شیخ مفید، الأمالی و کتاب من لایحضره الفقیه شیخ صدوق، و احتمالاً آثاری درباره ابو طالب، تألیف واقدی و شریف ابو علی عمر بن علی بن الحسین صوفی مشهور به الموضح النسابة است.^۴

۱. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۱۰۸.

۲. الحجة على المذاهب إلى تكفير أبي طالب، ص ۶۱.

۳. فخّار بن معد موسوی، از کتاب کز الفوائد کراچکی، احادیثی را به این سلسله سند، تخریج و نقل کرده است: «ما أخبرني به الشيخ الفقيه أبو الفضل شادان بن جبرائيل بن إسماعيل القميّ ٭ بواسط سنة ٥٩٣ هـ، قال: أخبرني عبد الله بن عمر الطرابلسي عن القاضي عبد العزيز ابن أبي كامل عن الشيخ الفقيه أبي الفتح محمد بن عليّ بن عثمان الكراچكي... (ر.ک: همان، ص ۹۰-۹۴؛ کز الفوائد، ج ۱، ص ۱۸۳). برای دیدن موارد دیگر نقل شده از کتاب کراچکی با این سلسله اسناد، ر.ک: الحجة على المذاهب، ص ۹۴، ۹۷، ۱۰۴، ۲۵۲ و ۲۷۵.

۴. کتاب الحجة على المذاهب از منابع شیخ حرّ عاملی (م ۱۱۰۴ ق) در وسائل الشيعة (ج ۱۶، ص ۲۳۱ و ج ۱۷،

نتیجه‌گیری

قرن ششم و هفتم در تاریخ حدیث شیعه، تنها، دوره‌ای برای گذار و انتقال میراث شیعه به قرون بعدی است. در قرن هفتم، جمال الدین ابن طاووس، در نخستین تلاش‌ها برای ارائه ضوابط نقد حدیث، متفاوت از گذشته عمل نمود. نیز مهم‌ترین مراکز شیعی قرن ششم و هفتم، یعنی حله، حلب و ری، شاهد حضور عالمان شیعی بوده است. از فعالیت قم در این دوره، آگاهی بسیار کمی در منابع آمده است.

با این حال، همین تلاش عالمان شیعی را در انتقال میراث گذشته به آینده نباید اندک دانست. حضور نام ابن شهر آشوب در اسناد اجازه علامه حلی به بنو زهره، نشانگر اهمیت وی در این قرن و روایت کتب حدیثی است، هرچند راه درازی در پیش بود تا کتاب‌های علم حدیث تدوین گردد. با این حال، گردآوری و تدوین کتب حدیثی، از جمله فعالیت‌های عالمان شیعی این قرن بوده است. شخصیت برجسته نجف در قرن پنجم، فرزند شیخ طوسی، ابو علی حسن بن محمد، بوده که نقش مهمی در انتقال میراث علمی پدرش داشته است. ابن ابی طی، تاریخ‌نگار امامی، در مورد وی چنین نوشته است:

وَلَدَ بِمَشْهَدٍ عَلَى الْإِسْلَامِ وَقَرَأَ عَلَى أَبِيهِ جَمِيعَ كُتُبِهِ. حَدَّثَنِي عَمَادُ الدِّينِ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ الطَّبْرِيِّ، قَالَ: كَانَ الشَّيْخُ أَبُو عَلِيٍّ مِنْ أَعْبَادِ النَّاسِ... وَكَانَ زَارَ أَبِي سَعْدِ السَّمْعَانِيِّ الْمَشْهَدِ وَسَمِعَ عَلَيْهِ وَأُتِيَ عَلَيْهِ، وَقَالَ أَبُو مَنْصُورٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ النَّقَاشُ: كُنَّا نَقْرَأُ عَلَى الشَّيْخِ أَبِي عَلِيٍّ... وَكَانَ أَرَوَى النَّاسَ لِلْمَثَلِ وَالشَّاهِدِ، وَ أَحْفَظَ النَّاسَ لِلْأَصُولِ، وَأَنْقَلَبُوهُمُ لِلْمَذْهَبِ، وَأُرَوَاهُمُ لِلْحَدِيثِ.^۱

ص ۳۳۱) و محدب‌باقر مجلسی (م ۱۱۱۰ ق) در بحار الأنوار (ج ۱، ص ۱۸، ج ۳۵، ص ۷۲، ۹۶ و ۱۰۸) بوده است. محدث نوری (م ۱۳۲۰ ق) ظاهرأ به این کتاب دسترس داشته است؛ چرا که در یک مورد (مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۱۰۰)، از این کتاب، مستقیم نقل حدیث کرده است. برای شناخت اهمیت فخار در سلسله سند روایت آثار کهن امامیه، رک: بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۳، ج ۷۲، ص ۳۶۶، ج ۱۰۴، ص ۶۵، ۷۱، ۸۰، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۷۰ و ۱۹۷، ج ۱۰۵، ص ۲۵، ۴۳، ۴۵، ۴۷، ۵۶، ۷۳، ۸۸، ۹۸، ۱۲۹، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۶ و ۱۵۸، ج ۱۰۶، ص ۶، ۱۶، ۳۰، ۵۳، ۶۳، ۱۴۶ و ۱۵۸، ج ۱۰۷، ص ۷، ۲۵، ۳۵، ۴۳، ۴۵، ۵۱، ۶۳، ۶۹، ۷۱، ۸۱، ۸۹، ۱۱۶، ۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۵۷ و ۱۶۲؛ رجال ابن داود، ص ۵؛ رجال العلامة الحلی، ص ۲۸۲. ۱. تاریخ الإسلام (حوادث ۵۲۰-۵۴۰ ق)، ص ۵۵۷ و ۵۵۸.

نکته دیگری که شواهد اندکی در باره آن باقی مانده است، آگاهی های ما در باب رَحله های (سفرهای) علمی عالمان امامی برای تحمّل (دریافت) حدیث و سماع آثار سلف در محضر برجستگان شیعه است. در شرح احوال حسین بن هبة الله بن ربه سوری - که از وی به عنوان «شیخ شیعه» یاد شده - آمده است که:

قرأ الكثير ورحل إلى خراسان والري ومازندران، ولقي كبار الشيعة.^۱

صَفَدی که این مطلب را باید از ابن ابی طی نقل کرده باشد، نکته دیگری را نیز متذکر شده است:

قدم بغداد وجالس أبا محمد ابن الخشاب، وروی أمالي أبي جعفر بن محمد بن الحسن الطوسي عن ابنه.^۲

در ری نیز شیوخ برجسته امامی، نقش مهمی در انتقال میراث شیخ صدوق و دیگر آثار امامی ایفا کردند. به عنوان مثال، شیخ عبد الله بن جعفر بن محمد دوریستی، یکی از این عالمان است که اجازه ای از وی در روایت کتاب مقتضب الأثر باقی مانده است.^۳ البته نام و یاد برخی از عالمان برجسته این دوره، بویژه عالمان مکتب حلّه، به نحو کافی و جامع، باقی نمانده است. یکی از این فقیهان، علی بن مسافر حلّی است. ذهبی، تنها در شرح حال وی نوشته است:

عالم الشيعة و فقيهم بالحلة، رحلت إليه الروافض من النواحي للأخذ عنه، وروی عن العماد أبي جعفر الطبري وغيره.^۴

با توجه به این نکات، تنها باید گفت که قرن ششم و هفتم، دوره انتقال میراث شیعه بوده است. مکتب حلّه و خصوصاً تاریخ تشیع در این شهر، مطلبی است که نیازمند تحقیق جداگانه ای است.

۱. همان (حوادث ۵۷۱-۵۸۰ ق)، ص ۳۷۰؛ لسان المیزان، ج ۲، ص ۵۸۵؛ الوافی بالوفیات، ج ۱۳، ص ۷۹.

۲. الوافی بالوفیات، ج ۱۳، ص ۷۹.

۳. ر.ک: علوم الحدیث، ش ۹، ص ۲۷۱ و ۲۷۲.

۴. تاریخ الإسلام (حوادث ۵۸۱-۵۹۰ ق)، ص ۴۰.

منابع و مأخذ

۱. آیینة پژوهش (دوماه نامه)، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
۲. الاحتجاج، أحمد بن علی الطَّبْرسی (م ۶۲۰ ق)، تحقیق: إبراهیم البهادری و محمد هادی به، تهران: دار الأسوة، ۱۴۱۳ ق، اول.
۳. الإفادة فی تاریخ الإفادة الأئمة السادة، ابو طالب یحیی بن حسین هارونی (م ۴۲۴ ق)، تصحیح و تحقیق: محمد کاظم رحمتی، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۷.
۴. الأربعون حديثاً فی حقوق الإخوان، محی الدین ابو حامد محمد بن عبد الله حسینی (م ۶۳۴ یا ۶۳۶ ق)، به کوشش نبیل رضا علوان، قم، ۱۴۰۵ ق.
۵. الأربعون العلویة و شرحها، قاضی جعفر بن احمد بن عبد السلام مسوری، تحقیق: عبد الفتاح الكبسی، امان، ۱۴۲۳ قم.
۶. ارج نامه ایرج، به کوشش: محسن باقرزاده، تهران: توس، ۱۳۷۷ ش.
۷. إقبال الأعمال، علی بن موسی الحلّی (السید ابن طاووس) (م ۶۶۴ ق)، تحقیق: جواد القیومی، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۱۴ ق، اول.
۸. الأمالی، محمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادی (الشیخ المفید) (م ۴۱۳ ق)، تحقیق: حسین أستاذ ولی و علی أكبر الغفاری، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۴ ق، دوم.
۹. الأمالی، محمد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق)، تحقیق: مؤسسة البعثة، قم: مؤسسة البعثة، ۱۴۰۷، اول.
۱۰. اندیشه تفاهم مذهبی در قرن هفتم و هشتم هجری، رسول جعفریان، قم، ۱۳۷۱ ش.

١١. الأنساب، أبو سعد عبد الكريم بن محمد سمعاني (م ٥٦٢ ق)، تحقيق: عبد الله عمر البارودي، بيروت: دار الجنان، ١٤٠٨ ق.
١٢. الأنوار الساطعة في المئة السابعة (طبقات أعلام الشيعة)، آقا بزرگ الطهراني، مشهد: دار المرتضى، ١٤٠٤ ق.
١٣. أمل الآمل، محمد بن الحسن الحر العاملي (م ١١٠٤ ق)، تحقيق: السيد أحمد الحسيني، بغداد: مكتبة الأندلس، ١٣٨٥ ق.
١٤. أهل البيت في المكتبة العربية، السيد عبد العزيز الطباطبائي، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، ١٤١٧ ق / ١٣٧٥ ش.
١٥. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، محمد باقر بن محمد تقى المجلسي (العلامة المجلسي) (م ١١١١ ق)، بيروت: مؤسسة الوفاء، ١٤٠٣ ق، دوم.
١٦. البداية والنهاية، إسماعيل بن عمر الدمشقي (ابن كثير) (م ٧٧٤ ق)، بيروت: دار المعرفة، ١٤١٧ ق.
١٧. بشارة المصطفى لشيعه المرتضى، محمد بن محمد الطبري، (م ٥٢٥ ق)، نجف: المطبعة الحيدرية، ١٣٨٣ ق، دوم.
١٨. بغية الطلب في تاريخ حلب، كمال الدين عمر بن أبي جرادة الحلبي (ابن عديم) (م ٦٦٠ ق)، تحقيق: سهيل زكار، دمشق: دار حسان، ١٤١٠ ق.
١٩. بغية الوعاة في طبقات اللغويين والنحاة، جلال الدين عبد الرمان أبو بكر السيوطي (م ٩١١ ق)، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، مطبعة عيسى البالي (الحلبي)، ١٩٦٤-١٩٦٥ م.
٢٠. تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، محمد بن أحمد الذهبي (م ٧٤٨ ق)، تحقيق: عمر بعد السلام تدمري، بيروت: دار الكتاب العربي، ١٤٠٩ ق، أول.
٢١. تاريخ تشيع در ايران، رسول جعفریان، قم: انصاريان، ١٣٨٠ ش.
٢٢. تاريخ طبرستان، ابن اسفنديار بهاء الدين محمد (م ٦١٣ ق)، تحقيق: عباس اقبال، تهران: پديده، ١٣٦٦ ش.

۲۳. تاریخ نیشابور، محمد بن عبد الله حاکم نیشابوری (م ۴۰۶ ق)، ترجمه: محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، تصحیح: محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: آگه، ۱۳۷۵ ش.
۲۴. التحریر الطاوسی، حسن بن زین الدین الشهید الثانی (صاحب المعالم) (م ۱۰۱۱ ق)، قم: دار الذخائر، ۱۳۶۸ ق.
۲۵. تراثنا (مجله نصف سنویه)، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام.
۲۶. التعازی، محمد بن الحسنی الکوفی (م ۴۴۵ ق)، تحقیق: فارس حسون کریم (چاپ شده در: میراث حدیث شیعه، دفتر چهارم، ص ۷۹-۱۴۵)، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۸ ش.
۲۷. التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام، تحقیق: مدرسة الإمام المهدي علیه السلام، قم: مدرسة الإمام المهدي علیه السلام، ۱۴۰۹ ق، اول.
۲۸. التکملة لکتاب الصلة، محمد بن عبد الله أبی بکر القضائی (ابن الأبار)، تحقیق: عبد السلام الهراس، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ ق.
۲۹. تهذیب الأحکام فی شرح المقنعة، محمد بن الحسن الطوسی (الشیخ الطوسی) (م ۴۶۰ ق)، بیروت: دار التعارف، ۱۴۰۱ ق، اول.
۳۰. تیسیر المطالب فی أمالی الإمام أبی طالب، یحیی بن الحسین الهارونی الزیدی، بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۳۹۵ ق.
۳۱. الثاقب فی المناقب، محمد بن علی الطوسی (ابن حمزة) (م ۵۶۰ ق)، تحقیق: نبیل رضا علوان، قم: مؤسسة أنصاریان، ۱۴۱۲ ق، دوم.
۳۲. جامع الأخبار أو معارج الیقین فی تحول الدین، محمد بن محمد الشعیری السبزواری (ق ۷ ق)، تحقیق: مؤسسة آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۴ ق، اول.
۳۳. الجواهر المضية فی تراجم العلماء الحنفیة، عبد القادر بن محمد القرشی الحنفی، تحقیق: عبد الفتاح الحلو، ریاض: هجر للطباعة والنشر.
۳۴. الحاوی فی رجال الشيعة الإمامیة، ابن أبی طی الحلبي، بازسازی و تدوین: رسول جعفریان، تهران: سمینار مقدماتی نسخه‌های خطی، ۱۳۷۹ ش.

۳۵. الحجة على الذاهب إلى تكفير أبي طالب، فخار بن معد موسوی، تحقیق: سید محمد بحر العلوم، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
۳۶. الحديث بقرطبة خلال القرن الخامس الهجري، خالد الصمدی، رباط، ۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۵ م.
۳۷. الخرائج و الجرائح، سعيد بن هبة الله الراوندي (قطب الدين الراوندي) (م ۵۷۳ ق)، تحقیق: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، ۱۴۰۹ ق.
۳۸. خصائص الوحي المبين، يحيى بن الحسن الأسدي (ابن بطريق) (م ۶۰۰ ق)، تحقیق: محمد باقر المحمودی، تهران: وزارة الإرشاد الإسلامي، ۱۴۰۶ ق، أول.
۳۹. الخصال، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق)، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۱۴ ق، چهارم.
۴۰. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
۴۱. دائرة المعارف اسلام (EI^۲)، زیر نظر: گروهی از اسلام شناسان غربی، لیدن (هلند): بریل، ۱۹۶۰-۲۰۰۵ م.
۴۲. دانش نامه جهان اسلام، زیر نظر: غلامعلی حدّاد عادل، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۶۰ ش.
۴۳. دراسات عن الأباضية، عمرو خليفة النامي، ترجمه: ميخائيل خوري، بيروت، ۲۰۰۱ ق.
۴۴. دراسة حول الصحيفة السجّادية، محمد حسن الحسيني الجلالی، بيروت: ۱۴۲۱ ق.
۴۵. الدرّ النظيم في مناقب الأئمة الهاميم، يوسف بن حاتم الشمي (ابن حاتم)، قم: جامعة مدرّسين، مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۲۰ ق.
۴۶. الدروع الواقية، علي بن موسى الحلّي (السيد ابن طاووس) (م ۶۶۴ ق)، تحقیق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۴ ق، أول.
۴۷. ذخيرة الآخرة، علي بن محمد سبزواری، به کوشش رسول جعفریان، قم: انصاریان، ۱۳۷۵ ش.

۴۸. الذریعة إلى أصول الشريعة، سید مرتضی، تصحیح: ابوالقاسم گرجی، تهران، ۱۳۷۶ش.
۴۹. ذیل تاریخ بغداد، محمد بن محمود البغدادی (ابن النجار) (م ۶۴۳ ق)، حیدر آباد: دائرة المعارف العثمانیة، ۱۳۹۸ ق.
۵۰. ذیل التقييد فی رواية السنن والمسانيد، تقی الدین محمد بن أحمد الفاسی المکی (ابو الطیب)، تحقیق: کمال یوسف الحوت، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۰ ق.
۵۱. الذیل علی «الروضتين» (تراجم القرنين السادس و السابع)، عبد الرحمان بن إبراهيم المقدسی (أبو شامة)، تصحیح: السید عزت العطار الحسینی، بیروت: دار الجیل، ۱۹۷۴ م.
۵۲. الرجال، أحمد بن الحسين الغضائری (ابن الغضائری) (ق ۵ ق)، تحقیق: السید محمد رضا الحسینی الجلالی، قم: دار الحديث، ۱۴۲۲ ق.
۵۳. رجال ابن داوود، الحسن بن علی الحلّی (ابن داوود) (م ۷۳۷ ق)، تحقیق: محمد صادق آل بحر العلوم، قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۳۹۲ ق.
۵۴. رجال الطوسی، محمد بن الحسن الطوسی، (م ۴۶۰ ق)، تحقیق: السید القیومی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۵ ق، اول.
۵۵. رجال العلامة الحلّی (خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال)، حسن بن یوسف الحلّی (العلامة) (م ۷۲۶ ق)، قم: الفقاهية، ۱۴۱۷ ق، اول.
۵۶. رجال النجاشی (فهرس أسماء مصنفی الشيعة)، أحمد بن علی النجاشی (م ۴۵۰ ق)، بیروت: ۱۳۹۲ ق.
۵۷. الرعاية فی علم الدراية، زين الدين بن علی العاملي (شهيد ثاني) (م ۹۶۶ ق)، تحقیق: عبد الحسين بقال، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۴۱۳ ق.
۵۸. روضات الجنّات فی أحوال العلماء و السادات، محمد باقر الخوانساری، تهران: مكتبة إسماعيليان، ۱۳۹۰ ق.
۵۹. رياض العلماء و حياض الفضلاء، ميرزا عبد الله أفندي الإصفهاني (ق ۱۲ ق)، تحقیق: السید أحمد الحسینی، قم: مكتبة آية الله المرعشي العامة، ۱۴۰۱ ق، اول.

٦٠. سير أعلام النبلاء، محمد بن أحمد الذهبي (م ٧٤٨ ق)، تحقيق: شُعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤١٤ ق، دهم.
٦١. شهاب (فصل نامه)، قم: كتابخانه آية الله مرعشي.
٦٢. الصراط المستقيم إلى مستحقّ التقديم، على بن يونس النباطي البياضي (م ٨٧٧ ق)، به كوشش: المستشارية الثقافية للجمهورية الإسلامية الإيرانية، ١٤٠٥ ق.
٦٣. طبقات أعلام الشيعة، شيخ آقا بزرگ الطهراني، تحقيق على نقى منزوى، قم: مؤسسة اسماعيليان، ١٩٧١ م.
٦٤. طبقات الزيدية الكبرى (بلوغ المراد إلى معرفة الأسناد)، ابراهيم بن قاسم المؤيد بالله، تحقيق: عبد السلام بن عباس الوجيه، أمان، ١٤٢١ ق.
٦٥. الطبقات الشافعية الكبرى، سبكي تاج الدين عبد الوهاب السبكي، تحقيق: محمود محمد الطناحي و عبد الفتاح محمد الحلو، رياض؟؟؟: هجر الطباعة والنشر و التوزيع، ١٤١٣ ق.
٦٦. الطبقات المفسرين، عبد الرحمان بن أبي بكر السيوطي، بيروت: دار الكتب العلمية، بي تا.
٦٧. عارضة الأخوذى بشرح جامع الترمذى، محمد بن عبد الله المعافرى الأندلسى (ابن العربى)، بيروت: دار الفكر، ١٤١٥ ق.
٦٨. علوم حديث (فصل نامه)، قم: دار الحديث.
٦٩. على بن عيسى إربلى و كشف الغمّة: برگی از تاریخ تشیع دوازده امامی، رسول جعفریان، مشهد، ١٣٧٣ ش.
٧٠. العواصم من القواصم، محمد بن عبد الله المعافرى الأندلسى (ابن العربى)، تحقيق: محب الدين الخطيب، قاهره: دار الكتب السلفية، ١٤٠٦ ق.
٧١. عيون أخبار الرضا، محمد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)، تصحيح حسين الأعلمى، بيروت: مؤسسة الأعلمى، ١٤٠٤ ق.
٧٢. فتح الأبواب بين ذوى الأبواب، على بن موسى الحلى (السيد) (م ٦٦٤ ق)، تحقيق: حامد الخفّاف، قم: مؤسسة آل البيت، ١٤٠٩، أول.

۷۳. فرائد السمطين في فضائل المرتضى و البتول و السبطین و الأئمة من ذرّتهم، إبراهيم بن محمد الجوينی (م ۷۳۰ ق)، تحقيق: محمد باقر المحمودی، بیروت: مؤسسة المحمودی، ۱۳۹۸ ق، اول.
۷۴. فرهنگ ایران زمین، زیر نظر: ایرج افشار، تهران: طلايه، ۱۳۷۵ ش، دوم.
۷۵. فلاح السائل، علی بن موسی الحلّی (السید ابن طاووس) (م ۶۶۴ ق)، تحقيق: غلامحسین مجیدی، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۱۹ ق، اول.
۷۶. فوات الوفيات و الذیل علیها، محمد بن شاکر الکتبی، تحقيق: احسان عباس، بیروت: دار الصادر، بی تا.
۷۷. الفهرست، محمد بن الحسن الطوسی (الشیخ الطوسی) (م ۴۶۰ ق)، تحقيق: السید جواد القیومی، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ ق، اول.
۷۸. فهرست علماء الشيعة، منتجب الدين علی الرازی (ق ۶ ق)، تصحيح: مير جلال الدين محدث أرموی، قم: کتابخانه آية الله مرعشی، ۱۳۶۶ ش.
۷۹. فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، باز نگاری: سید محمد رضا رضا پور، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۹ ش.
۸۰. فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سید محمد مشکات به دانشگاه تهران، ج ۳-۸، محمدتقی دانش پزوه، ۱۳۳۲-۱۳۳۸ ش.
۸۱. قصص الأنبياء، سعيد بن هبة الله (قطب الدين الراوندي) (م ۵۷۳)، تحقيق: غلامرضا عرفانيان، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية التابع لمؤسسة الأستانه الروضية، ۱۴۰۹ ق، اول.
۸۲. کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او، إتان کلبرگ، ترجمه: سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم، ۱۳۷۱ ش.
۸۳. کتاب ماه دین (ماهنامه)، تهران: خانه کتاب ایران.
۸۴. کشف الظنون عن أسامي الكتب والفنون، مصطفی بن عبد الله حاجی خلیفه، بیروت: دار الصادر، بی تا.

٨٥. كشف الغمّة في معرفة الأئمّة، على بن عيسى الإربلي (م ٦٨٧ ق)، تصحيح: السيّد هاشم الرسولي المحلّاتي، بيروت: دار الكتاب، ١٤٠١ ق، أوّل.
٨٦. كشف المحجّة لثمره المهنّجة، على بن موسى الحلّي (السيّد ابن طاووس) (م ٦٦٤ ق)، تحقيق: محمّد الحسون، قم: مكتبة الإعلام الإسلامي، ١٤١٢ ق، أوّل.
٨٧. كثر الفوائد، محمّد بن علي الكراجكي الطرابلسي (م ٤٤٩ ق)، تصحيح: عبد الله نعمة، قم: دار الذخائر، ١٤١٠ ق، أوّل.
٨٨. لباب الأنساب والألقاب والأعقاب، على بن أبي القاسم البيهقي (ابن الفندق)، تحقيق: مهدي الرجائي، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي العامّة، ١٤١٠ ق.
٨٩. لسان الميزان، أحمد بن علي العسقلاني (ابن حجر) (م ٨٥٢ ق)، مؤسسة الأعلمي، ١٤٠٦ ق، سوم.
٩٠. لواعق الآثار في جوامع العلوم والآثار و تراجم أُولي العلم و الأنظار، مجد الدين بن محمّد المؤيّد، صعهده: مكتبة التراث الإسلاميّة، ١٤١٤ ق.
٩١. مثالب النواصب، ابن شهر آشوب، (نسخه خطّي).
٩٢. مجمع الآداب في مجمع الألقاب، عبد الرزاق بن أحمد الشيباني (ابن الفوطي)، تحقيق: محمّد الكاظم، تهران: وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامي، ١٤١٦ ق، ١٣٧٤ ش.
٩٣. المختصر المحتاج إلى من تاريخ الحافظ ابن اللبّيثي، شمس الدين محمّد بن أحمد الذهبي (م ٨٤٧ ق)، تحقيق: مصطفى جواد، بغداد: جامعة بغداد.
٩٤. مدارس نظاميه و تأثيرات علمي واجتماعي آن، نور الله كسائي، تهران: امير كبير، ١٣٧٤ ش.
٩٥. المزار الكبير، محمّد بن جعفر المشهدي (ق ٦ ق)، تحقيق: السيّد جواد القيومي الإصفهاني، قم: قَيّوم، ١٤١٩ ق، أوّل.
٩٦. استفاد من ذيل تاريخ بغداد، محمّد بن محمّد البغدادى (ابن النّجار) (م ٦٤٣ ق)، حيدر آباد، دائرة المعارف العثمانية، ١٤٠٨ ق.

۹۷. معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعة و أسماء المصنفین منهم قديماً و حديثاً، محمد بن علی بن شهر آشوب المازندرانی (م ۵۸۸ ق)، نجف: المطبعة الحدریة، ۱۳۸۰ ق.
۹۸. معجم أعلام الأباضية من القرن الأول الهجري إلى العصر الحاضر، به کوشش: محمد بن موسی بابا عمی و دیگران، بیروت، ۱۴۲۱ ق.
۹۹. معجم أعلام الشيعة، سید عبد العزيز طباطبائی، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۷ ق.
۱۰۰. معجم البلدان، یاقوت بن عبد الله الحموی الرومی (م ۶۲۶ ق)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۹۹ ق، اول.
۱۰۱. مقدمه‌ای بر فقه شیعه، سید حسین مدرّسی طباطبائی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۱۰۲. مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه، و فردمادلونگ، ترجمه: جواد قاسمی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۱۰۳. مناقب آل أبي طالب (المناقب لابن شهر آشوب)، محمد بن علی المازندرانی (ابن شهر آشوب) (م ۵۸۸ ق) تحقیق: یوسف البقاعی، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۲۱ ق، ۱۹۹۱ م.
۱۰۴. المنتخب من السياق لتاريخ نيسابور، عبد الغافر الفارسی (م ۵۲۹ ق)، تحقیق: محمد أحمد عبد العزيز، بیروت: دار الكتب العلمیة، ۱۴۰۹ ق.
۱۰۵. موسوعة طبقات الفقهاء، اللجنة العلمیة فی مؤسسة الإمام الصادق علیه السلام، إشراف جعفر السبحانی، قم: مؤسسة الإمام الصادق علیه السلام، ۱۴۱۸ ق.
۱۰۶. میراث حدیث شیعه (نیم سال نامه)، به کوشش: مهدی مهریزی - علی صدراپی خویی، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۷ ش - تاکنون.
۱۰۷. میزان الاعتدال فی نقد الرجال، محمد بن أحمد الذهبی (م ۷۴۸ ق)، تحقیق: علی محمد معوض، بیروت: دار الكتب العلمیة، ۱۴۱۶ ق.
۱۰۸. نشر دانش (فصل نامه)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۰۹. نَفْحُ الطَّيِّبِ مِنْ غَضَنِ الْأَنْدَلُسِ الرُّطِيبِ، أبو العباس أحمد بن محمد المَقْرِي (م ۱۰۴۱ ق)، تصحیح: إحسان عباس، بیروت: دار الفكر، ۱۹۶۸ م.

١١٠. نقض (بعض مثالب النواصب في نقض بعض فضائح الروافض)، عبد الجليل قزويني رازي، تصحيح: مير جلال الدين محدث أرمروى، تهران: انجمن آثار ملي: ١٣٥٨ ش.
١١١. نكت الهميان في نكت العميان، خليل بن آيبك الصفدي (م ٧٦٤ ق)، تصحيح: أحمد زكي، قاهره: مطبعة بولاق، ١٩١١ م.
١١٢. النوادر، فضل الله بن علي الحسنى الراوندى (م ٥٧١ ق)، تحقيق: سعيدرضا على عسكرى، قم: دار الحديث، ١٣٧٧ ش، أول.
١١٣. الوافى بالوفيات، خليل بن آيبك الصفدي (م ٧٤٩ ق)، وسيادن (آلمان): فرانزشتاينر، ١٣٨١ ق، دوم.
١١٤. وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، محمد بن الحسن الحرّ العاملى (م ١١٠٤ ق)، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ١٤٠٩ ق، أول.
١١٥. وصول الأخبار إلى أصول الأخبار، حسين بن عبد الصمد عاملى (م ٩٨٤ ق)، تحقيق: عبد الطيف الكوهكمري، قم: مجمع الذخائر الإسلامية، ١٤٠١ ق.
١١٦. وفيات الأعيان، أحمد بن محمد البرمكى (ابن خلّكان) (م ٦٨١ ق)، تحقيق: إحسان عباس، بيروت: دار صادر.
١١٧. اليقين باختصاص مولان على عليه السلام بإمرة المسلمين، على بن موسى الحلّى (السيد ابن طاووس) (م ٦٦٤ ق)، تحقيق: محمد باقر الأنصارى، قم: مؤسسة دار الكتاب، ١٤١٣ ق، أول.
١١٨. المناقب (المناقب للخوارزمى)، الموفق بن أحمد المكي الخوارزمى (م ٥٦٨ ق)، تحقيق: مالك المحمودى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، ١٤١٤ ق، دوم.

تاریخ حدیث شیعه در سده‌های چهارم و پنجم دکتر مهدی احمدی

فصل یکم: کلیات	۹
اوضاع سیاسی در سده‌های چهارم و پنجم	۹
۱. آل بویه (۳۳۴-۴۴۷ ق)	۱۰
۲. سامانیان (۲۷۹-۳۹۵ ق)	۱۲
۳. غزنویان (۳۸۴-۵۲۰ ق)	۱۳
۴. سلجوقیان (۴۲۹-۵۹۰ ق)	۱۳
۵. فاطمیان (۲۹۶-۵۶۷ ق)	۱۳
۶. آل خمدان (۲۹۳-۳۹۲ ق)	۱۴
اوضاع فرهنگی در دوسده چهارم و پنجم	۱۵
دورنمای حدیث اهل سنت در سده چهارم و پنجم	۲۰
مهم‌ترین محدثان و حدیث‌پژوهان	۲۰
ابن حبان (۲۷۰-۳۵۴ ق)	۲۱
طبرانی (۲۶۰-۳۶۰ ق)	۲۱
داؤد قُطَیْی (۳۰۶-۳۸۵ ق)	۲۱
خطابی (۳۱۹-۳۸۸ ق)	۲۱
ابن شاهین (م ۳۸۵ ق)	۲۲
حاکم نیشابوری (۳۲۱-۴۰۵ ق)	۲۲
ابن حزم ظاهری (۳۸۴-۴۵۶ ق)	۲۳
یهقی (۳۸۴-۴۵۸ ق)	۲۳
ابن عبد البر (۳۶۸-۴۶۳ ق)	۲۳
خطیب بغدادی (۳۹۲-۴۶۳ ق)	۲۳

۲۴.....	ابو نعیم اصفهانی (۳۲۶-۴۳۰ ق)
۲۴.....	گونه‌های تدوین حدیث
۲۴.....	صحیح نگاری
۲۵.....	معجم نگاری
۲۶.....	مستخرج نگاری
۲۶.....	سنن نگاری
۲۷.....	جمع نگاری
۲۷.....	مسند نگاری
۲۸.....	زمینه‌های حدیثی
۲۸.....	فقه الحدیث
۲۹.....	رجال و شرح حال
۳۰.....	مصطلح الحدیث
۳۱.....	آسیب شناسی و نقد حدیث
۳۱.....	تفسیر و علوم قرآن
۳۲.....	کلام
۳۲.....	اخلاق و آداب و سیره پیامبر ﷺ
۳۳.....	دورنمای حدیث شیعه در سده چهارم و پنجم
۳۳.....	شهرها و مراکز حدیث
۳۵.....	قم
۳۶.....	ویژگی‌های حوزه حدیثی قم
۳۶.....	الف- سختگیری در اسناد حدیث
۳۷.....	ب- اهتمام به اخذ و نقل از راویان اصلی
۳۸.....	ج- نص‌گرایی یا اخباری‌گری
۳۹.....	ری
۴۰.....	بغداد
۴۱.....	ویژگی‌های حوزه حدیثی بغداد
۴۲.....	شیوه‌های انتقال و آموزش حدیث
۴۲.....	۱. املا
۴۳.....	۲. اجازة

۳. تألیف ۴۴
- گونه‌های تألیفات حدیثی ۴۵
۱. قُرْب الإسنادنگاری ۴۵
۲. مُسْتَدْنِگاری ۴۷
۳. نوادرنگاری ۴۸
۴. جامع نگاری ۵۰
۵. مُتَسَلِّلِنگاری ۵۱
- زمینه‌های تألیفات حدیثی ۵۲
- فصل دوم: محدثان شیعه در سده چهارم ۵۳
۱. خَضِیبِ اِیادی (م ح ۳۱۲ - ۳۵۰ ق) ۵۳
- تألیفات ۵۴
۲. ابن مَطَّه قمی (م، نیمه نخست سده ۴ ق) ۵۴
- تألیفات ۵۵
۳. علی بن ابراهیم قمی (م ح ۳۰۷ - ۳۲۷ ق) ۵۵
- تألیفات ۵۶
۴. ابن دَوَّل قمی (م ۳۵۰ ق) ۵۶
- تألیفات ۵۶
۵. ابو جعفر کلینی (م ۳۲۹ ق) ۵۷
- تألیفات ۵۸
۶. ابن بابویه قمی (م ۳۲۹ ق) ۵۹
- تألیفات ۶۱
۷. ابن ولید قمی (م ۳۴۷ ق) ۶۳
- تألیفات ۶۴
۸. مَرَعَش طبری (م ۳۵۸ ق) ۶۵
- تألیفات ۶۵
۹. حسین ابن بابویه قمی (زنده در ۳۷۸ ق) ۶۵
- تألیفات ۶۶
۱۰. حسن بن محمد قمی (زنده در ۳۷۸ ق) ۶۶
۱۱. ابن قولویه قمی (م ۳۶۸ - ۳۶۹ ق) ۶۶

- تألیفات ۶۷
۱۲. ابن رازی (زنده در ۳۸۱ ق)..... ۶۸
- تألیفات ۶۹
۱۳. شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق)..... ۷۰
- تألیفات ۷۲
۱۴. ابن خُزّاز قمی (معاصر شیخ مفید)..... ۷۶
- تألیفات ۷۷
۱۵. عیّاشی سمرقندی (م ۳۲۰-۳۲۹ ق)..... ۷۷
- تألیفات ۷۸
۱۶. ابو عمرو کشی (م ۳۲۹ ق)..... ۷۸
- ۱۷ و ۱۸. ابنا بسطام (م نیمه اول سده چهارم)..... ۷۹
- تألیفات ۸۰
۱۹. ابو الجیش بلخی (م ۳۶۷ ق)..... ۸۱
- تألیفات ۸۱
۲۰. ابن ابی ثُلج بغدادی (بین ۲۲۷-۳۲۵ ق)..... ۸۲
- تألیفات ۸۲
۲۱. ابن جحام (زنده در ۳۲۸ ق)..... ۸۳
- تألیفات ۸۳
۲۲. ابن همام اسکافی (م ۳۳۲-۳۳۶ ق)..... ۸۴
- تألیفات ۸۵
۲۳. مظفر بن جعفر بن حسین (زنده در نیمه نخست سده چهارم)..... ۸۵
- تألیف ۸۷
۲۴. مسعودی (م ۳۴۵-۳۴۶ ق)..... ۸۷
- بحثی در مذهب مسعودی ۸۷
- تألیفات ۸۹
۲۵. ابن ابی زینب نعمانی کاتب (م ۳۴۲ ق)..... ۸۹
- تألیفات ۹۰
۲۶. ابن جمایی (م ۳۵۵ ق)..... ۹۱

- تألیفات ۹۱
۲۷. ابو الحسن قاضی (م ۳۵۶ ق) ۹۲
- تألیفات ۹۳
۲۸. ابو طالب انباری (م ۳۵۶ ق) ۹۳
- تألیفات ۹۴
۲۹. ابو عبد الله صفوانی (زنده در نیمه نخست سده چهارم) ۹۵
- تألیفات ۹۵
۳۰. ابو غالب زُراری (۲۸۵-۳۶۸ ق) ۹۶
- تألیفات ۹۸
۳۱. ابن داوود قمی (م ۳۶۸ ق) ۹۸
- تألیفات ۹۹
۳۲. ابو محمد تَلَعُکُثْرِي (م ۳۸۵ ق) ۱۰۰
- تألیفات ۱۰۰
۳۳. ابو المفضل شیبانی (م ۳۸۷ ق) ۱۰۱
- تألیفات ۱۰۳
۳۴. ابن جریر طبری (م سده چهارم) ۱۰۳
- تألیفات ۱۰۵
۳۵. ابن عیّاش جوهری (م ۴۰۱ ق) ۱۰۵
- تألیفات ۱۰۶
۳۶. جلودی بصری (م ۳۳۲ ق) ۱۰۶
- تألیفات ۱۰۷
۳۷. ابو یشر بصری عَمَی (م پس از ۳۵۰ ق) ۱۰۷
- تألیفات ۱۰۸
۳۸. ابن حمدان جنبلانی (م ۳۵۸ ق) ۱۰۸
- تألیفات ۱۰۹
۳۹. ابن شعبه خَزّانی (معاصر شیخ صدوق) ۱۱۰
- تألیفات ۱۱۱
۴۰. ابو علی کوفی (م ۳۴۶ ق) ۱۱۱

- تألیفات..... ۱۱۲.
۴۱. ابو القاسم کوفی (م ۳۵۲ ق)..... ۱۱۲.
- تألیفات..... ۱۱۳.
۴۲. ابن اشعث کوفی (م ۳۳۰-۳۵۶ ق)..... ۱۱۵.
- تألیفات..... ۱۱۵.
۴۳. قاضی نعمان مغربی (م ۳۶۳ ق)..... ۱۱۶.
- تألیفات..... ۱۱۷.
۴۴. ابن عون اسدی (زنده در نیمه دوم سده چهارم)..... ۱۱۸.
- تألیف..... ۱۱۸.
۴۵. ابن تمام کوفی..... ۱۱۸.
- تألیف..... ۱۱۸.
۴۶. ابن نعیم سمرقندی (م، پس از ۳۴۰ ق)..... ۱۱۸.
- تألیفات..... ۱۱۹.
۴۷. ابو علی صولی ہری (م، پس از ۳۵۵ ق)..... ۱۱۹.
- تألیف..... ۱۱۹.
۴۸. ابو عبد الله یز وقری (م، پس از ۳۵۲ ق)..... ۱۲۰.
- تألیفات..... ۱۲۰.
۴۹. ابو القاسم طالقانی (م، پس از ۳۲۶ ق)..... ۱۲۰.
۵۰. ابن ابی الیاس کوفی (م، پس از ۳۳۰ ق)..... ۱۲۰.
- تألیف..... ۱۲۱.
۵۱. ابن سهل دیباجی (م، پس از ۳۷۰ ق)..... ۱۲۱.
- تألیف..... ۱۲۱.
۵۲. ابو الحسن ارزنی (م ۳۳۹ ق)..... ۱۲۲.
- تألیفات..... ۱۲۲.
۵۳. ابو الحسن قزوینی (م، نیمه نخست سده چهارم)..... ۱۲۲.
- تألیف..... ۱۲۳.
۵۴. ابن ابی حاتم قزوینی (م، پس از ۳۵۰ ق)..... ۱۲۳.
- تألیفات..... ۱۲۳.

- فصل سوم: محدثان شیعه در سده پنجم..... ۱۲۵
۱. ابوبکر نیشابوری خُزاعی (معاصر شیخ طوسی)..... ۱۲۵
- تألیفات..... ۱۲۶
۲. مفید نیشابوری (م ۴۴۵ - ۴۷۶ ق)..... ۱۲۶
- تألیفات..... ۱۲۷
۳. محسن نیشابوری (معاصر شیخ طوسی)..... ۱۲۷
- تألیفات..... ۱۲۸
۴. ابو سعید خُزاعی (زنده در ۴۴۴ ق)..... ۱۲۸
- تألیفات..... ۱۲۹
۵. جعفر دوریستی (زنده در ۴۷۳ ق)..... ۱۲۹
- تألیفات..... ۱۳۰
۶. ابن شادان قمی (م، حدود ۴۲۵ ق)..... ۱۳۱
- تألیفات..... ۱۳۲
۷. شریف رضی (۳۵۹ - ۴۰۶ ق)..... ۱۳۳
- تألیفات..... ۱۳۴
۸. ابو الحسین ثَعْلَبِی (زنده در ۴۱۰ ق)..... ۱۳۴
- تألیف..... ۱۳۵
۹. ابو عبد الله غضائری (م ۴۱۱ ق)..... ۱۳۵
- تألیفات..... ۱۳۶
۱۰. ابن غضائری (م، حدود ۴۱۳ - ۴۱۸ ق)..... ۱۳۶
- اعتبار ابن غضائری از دیدگاه رجال شناسان..... ۱۳۷
- یکم. توثیق ابن غضائری..... ۱۳۸
- دوم. تضعیف ابن غضائری و بی اعتمادی به توثیق ها و تضعیف های او..... ۱۳۹
- سوم: پذیرش توثیق های ابن غضائری و ردّ تضعیف های او..... ۱۳۹
- تألیفات..... ۱۳۹
۱۱. شیخ مفید (۳۳۶ - ۴۱۳ ق)..... ۱۴۱
- تألیفات..... ۱۴۲
۱۲. ابن عبدون (م ۴۲۳ ق)..... ۱۴۳

- تألیفات..... ۱۴۴.
۱۳. ابن نوح سیرافی (م، ربع اوّل سده پنجم)..... ۱۴۴.
- تألیفات..... ۱۴۵.
۱۴. سیّد مرتضیٰ علّم الہدیٰ (م ۴۳۶ ق)..... ۱۴۶.
- تألیفات..... ۱۴۷.
۱۵. ابن حمّامی (ابن شناس) برّاز (م ۴۳۹ ق)..... ۱۴۷.
- تألیفات..... ۱۴۸.
۱۶. ابو الفرج (کاتب) قُتّابی (م ۴۵۰ ق)..... ۱۴۸.
- تألیفات..... ۱۴۹.
۱۷. طرازی (م، نیمہ نخست سده پنجم)..... ۱۴۹.
- تألیف..... ۱۵۰.
۱۸. ابو الفرج حمدانی (م، حدود ۴۶۰ ق)..... ۱۵۱.
- تألیفات..... ۱۵۱.
۱۹. عبد الوہاب شمرانی (م، پس از ۴۴۸ ق)..... ۱۵۱.
- تألیفات..... ۱۵۲.
۲۰. نجاشی (م ۴۵۰-۴۶۳ ق)..... ۱۵۲.
- تألیفات..... ۱۵۴.
۲۱. شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ ق)..... ۱۵۴.
- تألیفات..... ۱۵۵.
۲۲. ابو الحسن صهرشتی (م حدود ۴۴۲ ق)..... ۱۵۶.
- تألیفات..... ۱۵۷.
۲۳. گراچکی (۳۷۹-۴۴۹ ق)..... ۱۵۷.
- تألیفات..... ۱۵۸.
۲۴. خُصکانی (م ۴۷۰-۴۹۰ ق)..... ۱۶۰.
- مذہب خُصکانی..... ۱۶۱.
- تألیفات..... ۱۶۱.
۲۵. قتال نیشابوری (م ۵۰۸ ق)..... ۱۶۲.
- تألیفات..... ۱۶۳.

فصل چهارم : متون حدیثی چند زمینه ای.....	۱۶۵
۱. الکافی.....	۱۶۵
ویژگی های الکافی.....	۱۷۰
جایگاه الکافی.....	۱۷۲
آثار مرتبط.....	۱۷۳
۲. أمالی الصدوق.....	۱۷۵
۳. علل الشرائع.....	۱۷۸
۴. عیون أخبار الرضا علیه السلام	۱۸۰
۵. جامع الأحادیث.....	۱۸۳
۶. المُسَلَّات.....	۱۸۶
۷. الغایات.....	۱۸۷
۸. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله	۱۸۷
۹. الاختصاص.....	۱۹۰
۱۰. أمالی المفید.....	۱۹۵
۱۱. أمالی الطوسی.....	۱۹۸
۱۲. كنز الفوائد.....	۲۰۱
۱۳. روضة الواعظین و بصیرة المتعظین.....	۲۰۴
فصل پنجم : متون حدیثی تک زمینه ای.....	۲۰۷
الف - فضایل ایام و ماه ها.....	۲۰۷
۱. فضائل الأشهر الثلاثة (شهر رجب، شهر شعبان، شهر رمضان).....	۲۰۷
۲. العروس.....	۲۰۹
۳. فضائل شهر رجب.....	۲۱۰
ب - متون اخلاقی و آداب.....	۲۱۲
۱. التمهیص.....	۲۱۲
۲. مصادقة الإخوان.....	۲۱۴
۳. المواعظ.....	۲۱۵
۴. ثواب الأعمال وعقاب الأعمال.....	۲۱۷
۵. الخصال.....	۲۲۰

٢٢٢. الأعمال المانعة من دخول الجنة.....
٢٢٣. صفات الشيعة.....
٢٢٤. معدن الجواهر ورياضة الخواطر.....
- ج- متون كلامي..... ٢٢٧
١. الشفاء والجلاء..... ٢٢٧
٢. الإمامة والبصرة من الحيرة..... ٢٢٨
٣. الإستغاثة في يدع الثلاثة..... ٢٣٢
٤. كتاب الغيبة..... ٢٣٧
٥. شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام..... ٢٤١
٦. نوادر المعجزات في مناقب الأئمة الهداة عليهم السلام..... ٢٤٦
٧. نوادر الأثر في: «على خير البشر»..... ٢٤٩
٨. الاعتقادات في دين الإمامية..... ٢٥٠
٩. التوحيد..... ٢٥٢
١٠. كمال الدين وتمام النعمة..... ٢٥٦
١١. فضائل الشيعة..... ٢٦١
١٢. مئة منقبة في فضائل أمير المؤمنين و الأئمة عليهم السلام من ولده..... ٢٦٣
١٣. الاستبصار في النص على الأئمة الأطهار عليهم السلام..... ٢٦٦
١٤. التعجب من أغلاط العامة في مسألة الإمامة..... ٢٦٨
١٥. التفضيل..... ٢٧١
١٦. إثبات الوصية لعلی بن أبي طالب عليه السلام..... ٢٧٤
١٧. المسترشد..... ٢٧٦
١٨. دلائل الإمامة..... ٢٧٧
١٩. مقتضب الأثر..... ٢٧٩
٢٠. كفاية الأثر..... ٢٨١
٢١. إيمان أبي طالب..... ٢٨٣
٢٢. الغيبة..... ٢٨٥
٢٣. عيون المعجزات..... ٢٨٨

د - تاریخ و شرح حال و فضائل.....	۲۹۱
۱. تاریخ الأئمة عليهم السلام.....	۲۹۱
۲. مروج الذهب و معادن الجواهر.....	۲۹۲
۳. أخبار الزمان و من أباده الحدثان و عجائب البلدان و الغامر بالماء و العمران.....	۲۹۴
۴. التنبیه و الإشراف.....	۲۹۵
۵. خصائص الأئمة عليهم السلام (خصائص أمير المؤمنين عليه السلام).....	۲۹۶
۶. الأربعين عن الأربعين.....	۲۹۸
۷. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد.....	۲۹۹
۸. مسارّ الشيعة في مختصر تواريخ الشريعة.....	۳۰۳
۹. الجمل (النصرة لسيد العترة في حرب البصرة).....	۳۰۵
۱۰. المسألة الكافية.....	۳۰۹
۱۱. منتخب الأنوار في تاريخ الأئمة الأطهار عليهم السلام.....	۳۱۰
۱۲. الهداية الكبرى.....	۳۱۱
۱۳. تاريخ قم.....	۳۱۳
هـ - متون تفسیری.....	۳۱۵
۱. تفسیر القمی.....	۳۱۵
۲. تفسیر العیاشی.....	۳۱۹
۳. تفسیر النعمانی.....	۳۲۱
۴. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل.....	۳۲۳
و - دعا و زیارت.....	۳۲۵
۱. کامل الزیارات.....	۳۲۵
۲. المزار (مناسک المزار).....	۳۲۸
۳. مصباح المتهجد.....	۳۳۱
ز - ترجمه.....	۳۳۴
ح - متون فقهی.....	۳۳۴
۱. دعائم الإسلام.....	۳۳۴
۲. کتاب من لا یحضره الفقیه.....	۳۳۶
۳. الثقیع.....	۳۴۵

٣٤٧	٤. الهداية.....
٣٤٩	٥. المتعة.....
٣٥٠	٦. تهذيب الأحكام.....
٣٥٤	٧. الاستبصار في ما اختلف من الأخبار.....
٣٥٨	ط - متون طبى.....
٣٥٨	١. طب الأئمة عليهم السلام
٣٦١	فصل ششم : علوم حديث.....
٣٦١	فقه الحديث.....
٣٦١	١. معانى الأخبار.....
٣٦٣	٢. المجازات النبوية.....
٣٦٥	٣. رسالة فى معنى المولى.....
٣٦٨	٤. أقسام المولى.....
٣٦٩	٥. رسالة حول خير مارية.....
٣٧٢	٦. تصحيح الاعتقاد.....
٣٧٥	مسئلة بدا.....
٣٧٦	جدال درباره خدا.....
٣٧٧	٧. أمالى المرتضى.....
٣٧٩	٨. دليل النص بخبر الغدير.....
٣٨٢	رجال، تراجم و كتاب شناسى.....
٣٨٢	١. رسالة أبى غالب الزرارى.....
٣٨٥	٢. تكملة رسالة أبى غالب الزرارى.....
٣٨٥	٣. الضعفاء.....
٣٨٩	٤. رجال التجاشى.....
٣٩٢	٥. رجال الطوسى.....
٣٩٦	٦. الفهرست.....
٣٩٩	٧. اختيار معرفة الرجال.....
٤٠٣	منابع و مأخذ.....
٤١٩	تاريخ حديث شيعه.....

تاریخ حدیث شیعه در سده‌های ششم و هفتم

۴۲۱	مقدمه.....
۴۲۷	فصل یکم: وضعیت فرهنگی - اجتماعی در قرن ششم و هفتم.....
۴۲۷	مراکز علمی در قرن ششم و هفتم.....
۴۳۲	تدوین حدیث زیدیه.....
۴۳۳	قاضی جعفر و نقش وی در انتقال میراث زیدیه به یمن.....
۴۳۵	وضعیت علم حدیث در میان اهل سنت.....
۴۳۸	ادیات فضائل نگاری اهل بیت (علیهم‌السلام) در میان اهل سنت.....
۴۳۹	ابراهیم بن محمد جوینی و کتاب «فرائد السمعتین».....
۴۴۱	ابن دخیة کلبی و کتاب «إعلام النصر المبین فی المفاضلة بین أهل صفین».....
۴۴۴	شهر ری، مرکز حدیثی شیعه در قرن ششم و هفتم.....
۴۴۹	فصل دوم: عالمان امامی و تدوین کتب حدیثی.....
۴۴۹	بخش اول: قرن ششم.....
۴۴۹	وضعیت فکری شیعه.....
۴۵۱	ابن شهر آشوب.....
۴۵۳	منابع ابن شهر آشوب در «مناقب آل ابی طالب».....
۴۶۳	ابن شهر آشوب و کتاب «معالم العلماء».....
۴۶۷	برداشت‌های ابن شهر آشوب از احادیث.....
۴۷۰	نقش ابن شهر آشوب در انتقال میراث امامیه از ایران به حله.....
۴۷۲	عمادالدین طبری و کتاب «بشارة المصطفی».....
۴۷۳	خاندان طبرسی.....
۴۷۶	الاحتجاج و مؤلف آن.....
۴۷۸	رهافت طبرسی در «الاحتجاج».....
۴۸۱	خاندان راوندی.....
۴۸۱	قطب راوندی، عالم پُر اثر قرن ششم.....
۴۸۴	راوندی و تخریج کتاب «النبوة» ی شیخ صدوق.....
۴۸۴	سید فضل الله حسینی راوندی.....
۴۸۶	ابن حمزه، فقیه و محدث امامی.....
۴۸۷	التاقب فی المناقب.....

- برخی فواید تاریخی کتاب «الثاقب فی المناقب»..... ٢٨٨
- ابن بطریق و کتاب «عیون صحاح الأخبار»..... ٢٨٩
- دیگر عالمان قرن ششم..... ٢٩٢
- بخش دوم: قرن هفتم..... ٢٩٥
- خاندان ابن طاووس..... ٢٩٥
- رضی الدین ابن طاووس..... ٢٩٥
- ابن طاووس و میراث کهن امامیه..... ٢٩٧
- نکات خاصّ ابن طاووس درباره امامیه نخستین..... ٢٩٩
- ابن طاووس و ادبیات ادعینگاری..... ٥٠٠
- ابن طاووس و کتاب «الیقین»..... ٥٠٣
- ابن طاووس و کتاب «محاسبه النفس»..... ٥٠٣
- ابن طاووس و ادبیات فضائل نگاری..... ٥٠٥
- جمال الدین احمد بن موسی..... ٥٠٥
- یوسف بن حاتم شامی و کتاب «الدّرّ النظیم»..... ٥٠٨
- ابن شرفیه و کتاب «عیون الحکم و المواعظ»..... ٥٠٩
- شعیری و کتاب «جامع الأخبار»..... ٥١٠
- خاندان ابن نما..... ٥١١
- خاندان ابن زهره..... ٥١٢
- ادبیات دعانویسی..... ٥١٤
- ابوعلی صوری و رساله «قضاء حقوق المؤمنین»..... ٥١٦
- ادبیات زیارت نامنویسی..... ٥١٦
- علی بن عیسیٰ اربلی و کتاب «کشف الغمّة فی معرفة الأئمة»..... ٥١٨
- مکتب جلّه..... ٥٢٢
- ابن ابی طیّ حلبی و کتاب «الحاوی فی رجال الشيعة الإماميّة»..... ٥٢٣
- عالمان جلّه..... ٥٢٥
- ابن ادريس حلّی..... ٥٢٦
- فخّار بن مقدّم موسوی و کتاب «الحجّة علی الناهب إلی تکفیر أبی طالب»..... ٥٢٧
- تشیجہ گیری..... ٥٢٩
- منابع و مآخذ..... ٥٣١